و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که حرمت ماه رجب و شعبان بدارد و وصل نماید روزه آنها را
بروزه ماه مبارک رمضان این ماههای مبارک در روز قیامت گواهان او باشند نزد خدای تعالی و در آن
روز منادی از افق اعلی ندا کند که ای رجب و شعبان و ماه رمضان چگونه بود عمل این بنده در شماها
و طاعت او از برای خدا آن ماهها همه گویند که این بنده توشه گرفت در ماها از برای طاعت تو و استدعای فضل
و رحمت از تو نمود و سعی بسیار در طلب خوشنودی تو کرد و تا توانست اهتمام در تحصیل محبت تو نمود پس
گواهی دهند ملائکه که موکل اند برین ماهها که ما نیافتیم این بنده را مگر طلب کننده طاعت و خوشنودی تو
و امیدوار رحمت و آمرزش تو بود و آنچه را نهی کرده بودی ترک کرد و آنچه از و طلبیده بودی بسوی
آنها مسارعت نمود و روزه کامل از برای تو داشت و شکم و فرج و گوش و چشم و سایر جوارح او از آنچه
بر او حرام کرده بودی اجتناب کرد و روزها را با تشنگی بشب رسانید و در شبها خود را به تعب
انداخت برای بندگی تو و تصدق بفقرا و مساکین بسیار داد و احسان بسیار نسبت به بندگان
تو نمود و با این ماهها مصاحبت نیکو کرد و چون از ینها جدا شد وداع نیکو کرد و بعد از رفتن آنها هم
پیرامون محرمات تو نگردید و نیکو بنده بود این بنده پس حق تعالی فرماید ببرید این بنده را بسوی بهشت
و استقبال کنند او را ملائکه مقرب به تحفه ها و کرامتها و او را بر شتران و اسبان بهشت سوار کنند و ببرند بسوی بهشتی
که هرگز زوال ندارد و خانه که فانی نمیشود و سرای که جوانانش پیر نمیشوند و شادی و خوشحالی آن زوال
ندارد و هرگز ایشان را تعب نمی باشد و از عذاب ایمن میگردند و مشقت حساب بر ایشان [illegible]
و ایضا از آنحضرت منقولست که ماه رجب ماه بزرگ خداست و ماهی در حرمت و فضیلت
بآن نمیرسد و قتال با کافران درین ماه حرام است و رجب ماه خداست و شعبان ماه منست
و ماه رمضان ماه امت منست هر که یک روز از ماه رجب روزه دارد مستوجب خشنودی
بزرگ خدا گردد و غضب الهی از او دور گردد و دری از درهای جهنم بر روی او بسته گردد
و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که هر که یک روز از ماه رجب روزه دارد آتش جهنم
یکساله راه از او دور گردد و هر که سه روز از آن روزه دارد بهشت از برای او واجب گردد
و ایضا فرمود که رجب نام نهریست در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر هر که یک روز [illegible]

گناهکار، و هر که درین ماه تصدقی از برای خدا بکند خداوند غفار در بهشت نعمتی چند باو عطا فرماید
که چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد و بر خاطر کسی خطور نکرده باشد و ایضاً بسند معتبر از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده است که چون روز قیامت شود منادی از میان عرش ندا کند که کجایند جمعی که نور
رویهای ایشان جمیع اهل محشر را روشن گرداند و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد که مکلل باشد بیاقوت و زبرجد
و با هر یک از ایشان هزار ملک بوده باشد از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ و همه او را ندا کنند که گوارا باد ترا
کرامتهای حق تعالی ای بنده خدا پس خداوند رحمان ندا کند ایشان را که ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال
خود سوگند یاد میکنم که شما را در ماه و ای نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را بزرگ گردانم و عطا کنم بشما از بهشت
غرفه ها که نهرها در زیر آنها جاری باشند و همیشه در آن غرفه ها باشید و نیکو مزدی است مزد کارکنان از برای آنکه
بر شما واجب کردانم روزه داشتید از برای من در ماهی که حرمت آنرا عظیم گردانیده بودم و حق او را واجب ساخته
بودم ای ملائکه من بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت گردانید پس حضرت فرمود که این همه ثوابها برای
کسی است که چیزی از ماه مبارک رجب را روزه بدارد اگر چه یک روز باشد از اولش یا میانش یا آخرش و بسند معتبر از
حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که هر که روز اول ماه رجب را روزه دارد حق تعالی در قیامت
از او خوشنود باشد و هر که دو روز روزه دارد خدا بغایت از و خوشنود و راضی گردد و او را خوشنود
گرداند و هر که سه روز از آن روزه دارد خداوند کریم از و راضی گردد و خصمان او را از و راضی گرداند
در قیامت و هر که هفت روز از آن روزه دارد چون بمیرد درهای هفت آسمان برای روح او گشوده شود تا
تا بملکوت اعلی برسد و هر که هشت روز از آن روزه بدارد هشت در بهشت بر روی او گشوده شود
و هر که پانزده روز از آن روزه بدارد هر حاجت که از حق تعالی بطلبد بر آورده شود مگر آنکه سؤال
او برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد و هر که تمام ماه را روزه بدارد از گناهان بیرون آید مانند
روزیکه از مادر متولد شده باشد و از آتش جهنم آزاد گردد و داخل بهشت گردد با برگزیدگان
و نیکوکاران و احادیث درین باب بسیار است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد

فصل دوم

در بیان اعمالی است که کسی که از روزه عاجز باشد یا بر او دشوار باشد عوض آن عمل کند بسندهای
از روایات معتبره وارد شده است که بدل روزه مستحب یک درهم تصدق کند که موضع [illegible]

تقریباً هفتاد دینار بوده باشد و بروایت دیگر عوض روزه یک مد گندم یا جو وارد شده است و احوط

دو صد درم شاهی است و ظاهراً صد درم کهنه کافی باشد و در روایتی در خصوص روزه ماه رجب

یک کرده نان نیز وارد شده است اگر قادر بر روزه نباشد و حمل کرده اند بر کسیکه پریشان

باشد و فقیر بر درم و مد نباشد و ایضاً در خصوص ماه رجب از حضرت رسول وارد شده است

که بعوض روزه اگر قادر بر آن نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب روزه را بیابد

سُبْحَانَ الْاِلٰهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ

پاک است معبود بزرگوار پاک است کسی که سزاوار نیست پاکی یاد کردن مگر برای او و پاک است آنکه

الْاَعَزِّ الْاَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ اَهْلٌ

غالب‌تر و گرامی‌تر است پاک است آنکه پوشید بزرگی را و حال آنکه او برای پوشیدن آن سزاوار است

و در روایت معتبره وارد شده است که هر که بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود و قصد روزه سنت کرده

باشد و او طعامی حاضر سازد و او را تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از ثواب روزه داشتن است

هفتاد برابر و اگر اظهار نکند که روزه ام ثواب آن بیشتر است و برابر یکساله روزه است و زن را روزه سنت

داشتن بی رخصت شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و فرزند را بی رخصت پدر و مادر و مهمان را بی رخصت مهماندار

و مهماندار را بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوب نیست و مشهور میان علما آنست که روزه سنت مملوک

بدون اذن مالک باطل است و همچنین روزه سنت زن بی رخصت شوهر صحیح نیست و در پدر و مادر مشهور آنست

روزه سنت فرزند بدون اذن ایشان مکروه است و باطل نیست و بعضی گفته اند که بی رخصت پدر باطل است

و احوط آنست که بدون اذن پدر و مادر روزه سنت ندارد و در روزه سنت مهمان بدون رخصت مهماندار

نیز خلاف است و احوط آنست که مهمان و مهماندار هیچ یک بی رخصت دیگری روزه مستحب ندارد و اگر چه اظهر

آنست که مکروه است **فصل سوم** در بیان اعمال هر شب و هر روز است بسند معتبر منقول است که حضرت امام

زین العابدین علیه السلام در روز اول ماه رجب این دعا را خواندند و علما ذکر کرده اند که در هر روز خواندن سنت است

يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ وَيَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ لِكُلِّ مَسْاَلَةٍ مِنْكَ

ای آنکه مالک است حاجتهای درخواهندگان را و میداند درون دل خاموشان را برای هر سؤال از تو

سمع حاضر وجواب عتید اللهم ومواعیدک الصادقة وایادیک الفاضلة

گوشی است بینا و جوابی مهیا خداوندا وعده های تو راست است و نعمتهای تو افزون است

ورحمتک الواسعة فاسألک ان تصلی علی محمد وال محمد وان تقضی حوائجی

و رحمت تو فراخ است پس میخواهم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه برآوری حاجتهای مرا

للدنیا والاخرة انک علی کل شیء قدیر

و بسند معتبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام

که بجهت دنیا و آخرت است بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

در هر روز ماه رجب این دعا را میخواندند

خاب الوافدون علی غیرک وخسر المتعرضون الا لک وضاع الملمون الا بک

ناامید شدند واردشدگان بر غیر تو و زیان کردند فراپیش آیندگان مگر بتو و تباه شدند فرود آیندگان مگر بتو

واجدب المنتجعون الا من انتجع فضلک بابک مفتوح للراغبین وخیرک

و قحط زده شدند طالبان معروف مگر آنکه طلب نمود فضل ترا در تو گشوده است برای خواهش مندان و خیر تو

مبذول للطالبین وفضلک مباح للسائلین ونیلک متاح للاملین

بخشیده شده است برای طلب کنندگان احسان تو حلال است برای خواهندگان عطای تو مقدر است برای امیدواران

ورزقک مبسوط لمن عصاک وحلمک معترض لمن ناواک عادتک

و روزی تو پهن کرده شده است برای آنکه نافرمانی ورزد ترا و بردباری تو در پیش آینده است مر کسی که دشمنی کند با تو خوی تست

الاحسان الی المسیئین وسبیلک الابقاء علی المعتدین اللهم

نیکوئی کردن بسوی بدکاران و طریقه تو مدارا و رحم کردن است بر تجاوز نمایندگان خداوندا

فاهدنی هدی المهتدین وارزقنی اجتهاد المجتهدین ولا تجعلنی

پس هدایت کن مرا مانند هدایت راه یافتگان و روزی کن مرا کوشش کوشش نمایندگان و مگردان مرا

من الغافلین المبعدین واغفر لی یوم الدین

از بی خبران دور شدگان و بیامرز مرا در روز جزا

و ایضا بسند معتبر منقول است که محمد بن ذکوان بخدمت حضرت صادق علیه السلام [illegible]
مرا دعائی تعلیم نما که خدا [illegible] حضرت فرمود که در هر روز ماه رجب در صبح و شام بعد از نماز [illegible]

یا من ارجوه لکل خیر وامن سخطه عند کل شر یا من یعطی

ای آنکه امید وارم از و برای هر نیکی و ایمنم از غضب او نزد هر بدی ای آنکه می بخشد

الکثیر بالقلیل یا من یعطی من سأله یا من یعطی من لم یسأله

بسیاری را در برابر اندک ای آنکه عطا میکند آنرا که سوال کند از و ای آنکه عطا میکند آنرا که سوال نکند از و

ومن لم یعرفه تحننا منه ورحمة اعطنی بمسألتی ایاک جمیع خیر

و آنرا که نشناسد او را بجهت عطوفت و مهربانی خود عطا کن مرا بسوال من از تو همه نیکیهای

الدنیا وجمیع خیر الآخرة واصرف عنی بمسألتی ایاک جمیع شر الدنیا

دنیا و همه نیکیهای عقبی را و بگردان از من بسوال من از تو همه بدیهای دنیا

وشر الآخرة فانه غیر منقوص ما اعطیت وزدنی من فضلک یا کریم

و بدیهای آخرت را زیرا که بتحقیق کم نمی گردد آنچه بخشیدی و زیاده کن برای من از احسان خود ای کریم

پس حضرت ریش مبارک خود را بدست چپ گرفتند و انگشت سبابه دست راست

خود را بجانب راست و چپ حرکت میدادند و این دعا را خواندند

یا ذا الجلال والاکرام یا ذا النعماء والجود یا ذا المن والطول

ای خداوند بزرگواری و کرامت و بخشش ای خداوند نعمت و بخشش ای خداوند عطا و احسان

حرم شیبتی علی النار

حرام گردان موی سفید مرا بر آتش

و دست بر نداشتند تا از آب دیده انگشت مبارکش تر شد و شیخ طوسی بسند معتبر روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام بمعلی بن خنیس گفت که در ماه رجب این دعا را بخوان

اللهم انی اسألک صبر الشاکرین لک وعمل الخائفین منک ویقین

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو شکیبائی شکر کنندگان ترا و کردار ترسندگان از تو و یقین

العابدین لک اللهم انت العلی العظیم وانا عبدک البائس الفقیر

پرستندگان ترا خداوندا تو بلند مرتبه بزرگ مقداری و من بنده تو بدحال محتاج

فصل سوم

وَاَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَاَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنُنْ

و تو بی نیازی و ستوده و من بندهٔ خوارم بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و منت گذار

بِغِنَاكَ عَلٰى فَقْرِي وَبِحِلْمِكَ عَلٰى جَهْلِي وَبِقُوَّتِكَ عَلٰى ضَعْفِي يَا قَوِيُّ

به بی نیازی خود بر تنگدستی من و به بردباری خود بر نادانی من و بتوانائی خود بر ناتوانی من ای توانا

يَا عَزِيزُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَاكْفِنِي

ای غالب خداوندا رحمت بفرست بر محمد و فرزندان او که جانشینان پیغمبر اند پسندیده کافی نما کن ای

مَا اَهَمَّنِي مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

آنچه را که غمگین سازد مرا از دنیا و عقبی ای مهربانی کننده ترین مهربانی کنندگان

و از روایت سید بن طاوس علیه الرحمه ظاهر می شود که این دعا جامع ترین دعاهاست و در همه اوقات می توان خواند و شیخ طوسی و سید و دیگران بسندهای معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت کرده اند که سنت است که در هر روز از روزهای ماه مبارک رجب این دعا را بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ

خداوندا بدرستیکه من سوال سکنم ترا بحق دو فرزند متولد شده در ماه رجب محمد بن علی دوم و پسر او

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ وَاَتَقَرَّبُ بِهِمَا اِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرَبِ يَا مَنْ اِلَيْهِ

علی بن محمد برگزیده و نزدیکی میجویم بوسیلهٔ آن هر دو بسوی تو بهترین نزدیکیها ای آنکه بسوی او

الْمَعْرُوفُ طُلِبَ وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغِبَ اَسْاَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ

احسانی طلب کرده میشود و در آنچه نزد اوست رغبت کرده میشود سوال میکنم ترا مانند سوال گناهکار

قَدْ اَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ وَاَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُؤُوبُهُ

بتحقیق هلاک کرده باشد او را گناهان او و استوار بسته باشد او را عیبهای او پس طول کشیده باشد بر گناهان

وَمِنَ الرَّزَايَا خُطُوبُهُ يَسْاَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبَةِ وَالنُّزُوعَ

و از مصیبتها امور عظیمه او خواهد از تو توبه را و خوبی بازگشت را و باز ایستادن

عَنِ الحَوبَةِ وَمِنَ النّارِ فَکاکَ رَقَبَتِهِ وَالعَفوَ عَمّا فی رِبقَتِهِ

از گناه او و از آتش آزادی کردن خود را و درگذشتن از آنچه در گردن بنده او ست

فَاَنتَ یا مَولایَ اَعظَمُ اَمَلِهِ وَثِقَتِهِ اَللّهُمَّ وَاَسئَلُکَ بِمَسائِلِکَ

پس توئی ای آقای من بزرگترین آرزوی او و اعتماد او خداوندا و سؤال میکنم ترا بسؤالهای

الشَّریفَةِ وَوَسائِلِکَ المُنیفَةِ اَن تَتَغَمَّدَنی فی هذَا الشَّهرِ

شریف تو و وسیلهای با رفعت تو که بپوشانی مرا در این ماه

بِرَحمَةٍ مِنکَ واسِعَةٍ وَنِعمَةٍ وازِعَةٍ وَنَفسٍ بِما رَزَقتَها

برحمتی از خود فراگیرنده و نعمتی بازدارنده و نفسی که بوده باشد بآنچه روزی او کرده

قانِعَةٍ اِلی نُزولِ الحافِرَةِ وَمَحَلِّ الآخِرَةِ وَما هِیَ اِلَیهِ صائِرَةٌ

خشنود تا فرود آمدن در قبر و مکان آن سرا و آنچه آن نفس بسوی آن چیز بازگشت کننده است

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در جمیع ماه رجب بامداد و پسین هفتاد مرتبه بگوید

اَستَغفِرُ اللّهَ وَاَتوبُ اِلَیهِ

طلب آمرزش میکنم از خدا و رجوع میکنم بسوی او

پس دستها را بسوی آسمان بردارد و بگوید

اَللّهُمَّ اغفِر لی وَتُب عَلَیَّ

بار خدایا بیامرز مرا و بپذیر توبه مرا

و این استغفار در جمیع ایام سال سنت است و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار در آن وارد شده است اگر خواهد در یک روز بخواند و اگر خواهد هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد و ایضاً منقول است که هر که هزار مرتبه لا اله الا الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و حق تعالی شهری در بهشت برای او بنا کند و در هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه لا اله الا الله وارد شده است و صد مرتبه این استغفار نیز منقول است و در جمیع این ماه اگر چهار صد مرتبه بخواند فضیلت بسیار دارد

اللّهمّ اهلّه علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام ربّی وربّک الله عزّ وجلّ

خداوندا طالع گردان این ماه را برما با ایمنی و ایمان و سلامتی و اسلام پروردگار من و پروردگار تو خدای تعالی عزیز و بزرگوار است

و در شب اول و روز اول زیارت حضرت امام حسین علیه السلام فضیلت بسیار وارد شده و در حدیث معتبر وارد شده است که هر که در اول رجب آنحضرت را زیارت کند البته بهشت او را واجب شود البته

و احیای شب اول رجب سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تا توانی

خود را بیدار بدار چهار شب شب اول ماه رمضان و شب عید قربان و شب اول محرم و شب عاشورا و شب اول رجب

و شب نیمه شعبان و در دیگر شبها دعا و نماز و تلاوت قرآن بسیار بکن و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر

علیه السلام منقول است که در شب اول رجب بعد از نماز عشا این دعا بخوان

اللّهمّ انّی اسألک بانّک ملیکٌ و انّک علی کلّ شیءٍ مقتدرٌ و انّک

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بآنکه تو پادشاهی و بآنکه بتحقیق تو بر همه چیز توانائی و آنکه بتحقیق تو

ما تشاء من امرٍ یکون اللّهمّ انّی اتوجّه الیک بنبیّک محمّدٍ نبیّ الرّحمة

آنچه خواهی از امری میشود خداوندا بدرستیکه من رو آوردم بسوی تو بوسیله پیغمبر تو محمد پیغمبر رحمت

صلواتک علیه و آله یا محمّد یا رسول الله انّی اتوجّه بک الی الله ربّی و ربّک

رحمتهای تو براو و آل او باد ای محمد ای فرستاده خدا بدرستیکه من رو آوردم بسوی خدا پروردگار من و پروردگار تو

لینجح بک طلبتی اللّهمّ بنبیّک محمّدٍ و بالائمّة من اهل بیته انجح طلبتی

تا برآورده شود بسبب تو حاجت مرا بار خدایا بحق پیغمبر خود محمد و بحرمت پیشوایان از خانواده او برآور حاجت مرا

پس حاجت خود را طلب نماید و شصت رکعت نماز نیز وارد شده است هر دو رکعت بیک سلام و در

هر رکعت حمد و یک مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند تا از بلاهای دنیا و عذاب آخرت ایمن گردد و

شیخ و دیگران بسند معتبر روایت کرده اند که حضرت امام موسی علیه السلام در شب اول ماه

رجب بعد از آنکه از نماز شب فارغ می شدند این دعا را در سجده میخواندند

لک المحمدة ان اطعتک و لک الحجّة ان عصیتک لا صنع لی و لا لغیری فی احسانٍ

مر تراست ستودن اگر فرمان برداری کنم ترا و مر تراست حجت اگر نافرمانی کنم ترا نیست دارای مرا و غیر مرا در نیکوئی

فصل پنجم در آداب جامه پوشیدن

الا بك يا كائنا قبل كل شيء ويا مكون كل شيء انك على كل شيء

مگر بتوفیق تو ای موجود پیش از هر چیز و ای پدید آورنده هر چیز بدرستیکه تو بر هر چیز

قدير اللهم اني اعوذ بك من العديلة عند الموت ومن شر المرجع في

توانائی خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از عدیله نزد مردن و از بدی بازگشت در

القبور ومن الندامة يوم الآزفة فاسألك ان تصلي على محمد وآله

قبرها و از پشیمانی در روز رستخیز پس میخواهم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او

وان تجعل عيشي عيشة نقية وميتتي ميتة سوية ومنقلبي منقلبا

و اینکه بگردانی زندگانی مرا زندگانی پاکیزه و مردن مرا مردن درست هموار و بازگشت مرا بازگشت

كريما غير مخز ولا فاضح اللهم صل على محمد وآله الائمة ينابيع الحكمة

گرامی که نباشد خوار سازنده و نه رسوا نماینده خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او پیشوایان چشمه های دانش

واولي النعمة ومعادن العصمة واعصمني بهم من كل سوء ولا تاخذني

و صاحبان نعمت و کانهای عصمت و نگاهدار مرا بسبب ایشان از هر بدی و مگیر مرا

على غرة ولا على غفلة ولا تجعل عواقب اعمالي حسرة وارض عني فان

بر فریفتگی و نه بر غفلت و مگردان آخرهای کردارهای مرا افسوس خوشنود باش از من پس بتحقیق

مغفرتك للظالمين وانا من الظالمين اللهم اغفر لي ما لا يضرك و

آمرزش تو برای ستمکاران است و من از ستمکارانم خداوندا بیامرز برای من گناهی را که ضرر نمی رساند ترا

اعطني ما لا ينقصك فانك الوسيع رحمته البديع حكمته واعطني

بده چیزی که کم نمیکند ترا زیرا که تو آنکسی که فراخ شونده است رحمت او بی نظیر است حکمت او و ببخش مرا

السعة والدعة والامن والصحة والبخوع والقنوع والشكر والمعافاة

فراخی در رفاهیت و ایمنی و صحت و فروتنی و قناعت و سپاس گذاری و عافیت

والتقوى والصبر والصدق عليك وعلى اوليائك واليسر والشكر واعمم

و پرهیزکاری و شکیبائی و راست گوئی بر تو و بر دوستان تو و توانگری و شکرگذاری و فراگیر

بِذَلِكَ يَارَبِّ اَهْلِي وَوَلَدِي وَاِخْوَانِي فِيكَ وَمَنْ اَحْبَبْتُ وَاَحَبَّنِي

این عطا ای پروردگار من اهل مرا و فرزندان مرا و برادران مرا در راه تو آنرا که دوست دارم و آنکه دوست دارد مرا

وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَارَبَّ الْعَالَمِينَ

و آنرا که زائیدم من و آنکه زائیده مرا از مردان مسلم و زنان مسلمه مردان گرونده و زنان گرونده ای پروردگار جهانیان

و ایضاً بسند معتبر منقولست که مستحب است بعد از سلام تعقیب از نماز پنجگانه نشسته است این دعا را بخواند

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ خَزَائِنُهُ وَلَا يَخَافُ بِهِ رَبًّا اِنْ رَكِبْتُ الْمَعَاصِيَ

سپاس مر خدایرا که بپایان نمیرسد خزانه او و نمی ترسد امان یا او پروردگار من اگر مرتکب شوم گناهان را

فَذَلِكَ ثِقَةً بِكَرَمِكَ اِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ وَتَعْفُو عَنْ

پس آن بسبب اعتماد بکرم تست بدرستیکه تو می پذیری توبه از بندگان خود و در میگذری از

سَيِّئَاتِهِمْ وَتَغْفِرُ الزَّلَلَ فَاِنَّكَ مُجِيبٌ لِدَاعِيكَ وَمِنْهُ قَرِيبٌ فَاَنَا

بدیهای ایشان و می آمرزی لغزش را پس بدرستیکه تو اجابت کننده مر خواننده خود را و از و نزدیکی پس

تَائِبٌ اِلَيْكَ مِنَ الْخَطَايَا وَرَاغِبٌ اِلَيْكَ فِي تَوْفِيرِ حَظِّي مِنَ الْعَطَايَا

رجوع کننده ام بسوی تو از گناهان و رغبت نماینده ام بسوی تو در وافر گردانیدن بهره من از بخششها

يَا خَالِقَ الْبَرَايَا يَا مُنْقِذِي مِنْ كُلِّ شَدِيدَةٍ يَا مُجِيرِي مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ

ای پدید آورنده خلائق ای رهاننده من از هر سختی ای پناه دهنده من از هر مخوف

وَفِّرْ عَلَيَّ السُّرُورَ وَاكْفِنِي شَرَّ عَوَاقِبِ الْاُمُورِ فَاِنَّكَ اللّٰهُ عَلَى نَعْمَائِكَ

تمام گردان بر من شادی را و دفع کن از من بد انجام کارها را زیرا که بتحقیق توئی خدا بر نعمتهای خود

وَجَزِيلِ عَطَائِكَ مَشْكُورٌ وَلِكُلِّ خَيْرٍ مَذْخُورٌ

و عطای وافر خود شکر کرده شده و برای هر نیکی ذخیره کرده شده

و ایضاً از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقولست که بعد از نماز عصر این دعا را نیز بخواند

يَا نُورَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ الْاُمُورِ يَا مُجْرِيَ الْبُحُورِ يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا كهيعص

ای نور همه نورها ای تدبیر کننده کارها ای روان سازنده دریاها ای برانگیزنده مردگان در قبرها ای پناه من

فصل ششم در آداب عمامه

حين تعييني المذاهب وكنزي حين تعجزني المكاسب ومؤنسي حين

هنگامی که مانده سازد مرا راهها و دفینه من هنگامی که عاجز نماید مرا کسبها و مونس من هنگامی که

تجفوني الاباعد وتملني الاقارب ومنزهي بمجالسة اوليائه ومرافقة

ستم کنند مرا بیگانگان و غمگین سازند مرا یگانگان و [illegible] من بنشینی با دوستان خود و رفاقت

احبائه في رياضه وساقي بعوانسه من نمير حياضه و [illegible]

دوستان خود در بوستانهای خود و آب دهنده من با انس خود از آب گوارا حوضهای خود

مجاورته من ورطة الذنوب الى ربوة التقريب ومبدلي بولايته

همسایگی خود از پستی گناهان بسوی بلندی نزدیکی خود و ای بدل دهنده مرا به دوستی خود

عزة العطايا من ذلة الخطايا اسالك يا مولاي بالفجر والليالي العشر

ارجمندی بخششها از خواری گناهان سوال میکنم از تو ای آقای من بحرمت صبح و شبهای ده گانه

والشفع والوتر والليل اذا يسر وبما جرى به قلم الاقلام بغير

وبحرمت شفع و وتر و شب هرگاه بپایان رسد وبحرمت آنچه جاری شده بآن قلم قلمها بی

كف ولا ابهام وباسمائك العظام وبحججك على جميع الانام

کف دستی و نه انگشت ابهامی وبحرمت نامهای بزرگ تو وبحرمت حجتهای تو بر همه خلق

منك افضل السلام وبما استحفظتهم من اسمائك الكرام

از تو بهترین درودها وبحرمت آنچه امر بحفظ آن نمودی ایشان را از آن نامهای گرامی ات

ان تصلي عليهم وترحمنا في شهرنا هذا وما بعده من الشهور والايام

آنکه رحمت بفرستی بر ایشان و رحم کنی بر ما در ماه ما این ماه و آنچه پس از آن است از ماهها و روزها

وان تبلغنا شهر الصيام في عامنا هذا وفي كل عام يا ذا الجلال

و آنکه برسانی ما را بماه روزه ما در سال ما این سال و در هر سالی ای خداوند بزرگی

والاكرام والمنن الجسام وعلى محمد واله منا افضل السلام

و گرامی داشتن و نعمتهای بزرگ و بر محمد و آل او از ما بهترین درودها

واعمال و ادعیه این شب بسیار است و روزه روز اول فضیلت بسیار دارد و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در روز اول ماه رجب حضرت نوح ع بکشتی سوار شد و امر
کرد جمیع جن و انس را که با او در کشتی بودند روزه بدارند و هر که آن روز را روزه بدارد
آتش جهنم یکساله راه از او دور گردد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که روزه
بدارد روز اول ماه رجب را از برای رغبت در ثواب خدا بهشت از برای او واجب شود و هر که یکروز
از وسط این ماه روزه بدارد حق تعالی شفاعت او را قبول نماید در مانند ربیعه و مضر که دو قبیله
عظیم اند از قبائل عرب و هر که یکروز از آخر این ماه روزه بدارد حق تعالی او را از پادشاهان بهشت
گرداند و قبول کند شفاعت او را در حق پدر و مادر و دختر و پسر و برادر و خواهر و عمو و عمه و خالو و خاله
او و جمیع همسایگان او و آشنایان او هر چند همه مستوجب جهنم بوده باشند و شیخ طوسی و دیگران
از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت کرده اند که گفت در آخر روز جمادی الثانی رفتم بخدمت حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله حضرت فرمود که ای سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود که هر مرد مومن و زن
مومنه که در ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو
الله احد سه مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخواند البته حق تعالی محو کند از نامه عمل او هر گناهی که در خردی
و بزرگی کرده باشد و خدا عطا کند باو ثواب کسی که تمام آن ماه را روزه گرفته باشد و تا سال آینده
حق تعالی او را از نمازگزارندگان بنویسد و بهر روز آن ماه ثواب شهیدی از شهیدان جنگ بدر برای
آن با آسمان برند و بهر روزی که در آن ماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامه عمل او بنویسند و هزار
درجه در بهشت از برای او بلند کنند و اگر تمام ماه را روزه بدارد خدا او را از آتش جهنم نجات
بدهد و بهشت را از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل این نماز را از برای من آورد
و گفت یا محمد این علامتست میان شما و منافقان زیرا که منافقان این نماز را نمیکنند گفتم
یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم و در چه وقت بجا آورم فرمود که در روز اول ماه رجب ده
رکعت بجا می آوری یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره
قل هو الله احد و سه مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخوانی و بعد از هر سلام دست بسوی آسمان بلند کن و بگو

لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت و

نیست معبودی بحق مگر خدا در حالیکه یگانه است نیست شریکی برای او مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده می سازد و می میراند

هو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم لا مانع لما

او زنده است که نمی میرد بدست اوست نیکی او بر همه چیز تواناست بار خدایا نیست باز دارنده آنچه

اعطیت ولا معطی لما منعت ولا ینفع ذا الجد منک الجد

بخشش کنی و نه بخشنده آنچه که باز داری تو و سود نمی بخشد خداوند بخت را از تو بخت

پس دستها را بروی خود بکشی و در روز وسط ماه یعنی روز پانزدهم ده رکعت بهمان نحو بجا آوری

و بعد از سلام دستها بسوی آسمان بر بسیاری و میگوئی

لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت و

نیست معبودی بحق مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست شریکی برای او مر او راست پادشاهی مر او راست ستایش زنده می سازد و می میراند

هو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر الها

او زنده ایست که نمی میرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیز تواناست ستایش میکنم خدا

واحدا احدا فردا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا

که بی مانند یکتا یکتا پناه محتاجان است که فرا نگرفته هیچ زنی و نه فرزندی

پس دستها را بروی خود میکشی و در روز آخر ماه یازده رکعت بهمان نحو میکنی و بعد از هر سلامی

دست بر بسیاری و میگوئی

لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت و

نیست معبودی بحق مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست شریکی برای او و مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده می سازد و می میراند

هو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر وصلی الله علی

او زنده ایست که نمی میرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیز تواناست و رحمت فرستد خدا

محمد وآله الطاهرین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

محمد و آل پاکان او و نیست باز گردیدن از گناه و نه توانائی بر طاعت مگر بتوفیق خدای بلند قدر بزرگ

پس دستها را بر روی خود بمالد و حاجت خود را بطلبد که البته بر آورده است و حق تعالی

میان تو و جهنم هفت خندق قرار میدهد که عرض هر خندق بقدر ما بین آسمان و زمین بوده باشد

و بعدد هر رکعت ثواب هزار هزار رکعت در نامهٔ عمل تو می نویسد و برات بیزاری از جهنم و گذشتن

بر صراط برای تو می نویسد و منقولست که هر که در روز جمعهٔ اول ماه رجب صد مرتبه قل هو الله احد بخواند

حق تعالی در روز قیامت با و نوری عطا کند که با آن نور داخل بهشت گردد و در حدیث معتبر وارد

شده است که حضرت امام محمد باقر در روز جمعهٔ اول ماه رجب متولد شده موجب زیادت شرافت این

روز گردیده و در روایتی وارد شده است که ولادت حضرت امام علی نقی علیه السلام در روز

دوم ماه رجب واقع شده و بروایت دیگر روز سوم ماه رجب واقع شده و بروایت ابراهیم بن

هاشم وفات آنحضرت در روز سوم واقع شده است و ابن عیاش گفته است که ولادت آنحضرت در

روز پنجم این ماه واقع شده است و ولادت حضرت امام محمد تقی ع در دهم این ماه واقع شده است

و بعضی از روایت در فضیلت خصوص دهم وارد شده است و در فضیلت ایام البیض ماه رجب احادیث

معتبره وارد شده است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام منقولست که حق تعالی فضیلت سه ماه را باین امت داده است که باحدی از امتهای

گذشته نداده است ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و سه شب باین امت داده است که بامتهای

دیگر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم و سه سوره باین امت داده است

که مثل آنها بامتهای پیش نداده است سورهٔ یس و سورهٔ تبارک الذی بیده الملک و سورهٔ قل هو

الله احد پس هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمیع فضائل این امت را جمع

کرده خواهد بود پرسیدند که چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک ازین

سه ماه دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب

چهاردهم چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام و در هر رکعت بخواند بعد از حمد این سه

سوره را و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورد بسه سلام و در هر رکعت بعد از

حمد این سه سوره را بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهانش آمرزیده شود

بغیر از شرک بخدا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که ایام البیض ماه رجب را روزه دارد حق تعالی بهر روز ثواب عبادت یکساله و روزه یکساله برای او بنویسد و در قیامت او را در محل الیمان باز دارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و مشهور آنست که ولادت باسعادت حضرت امیر المومنین ع در میان کعبه معظمه در روز سیزدهم ماه رجب بود و دوازده سال قبل از مبعوث شدن حضرت رسول ص و علی بن ابراهیم گفته است که ولادت حضرت امام علی نقی نیز در روز دوم ماه رجب بود در سال دویست و چهارده از هجرت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل آن سنت است و احیای آن بعبادت فضیلت بسیار دارد و از حضرت رسول ص منقولست که در شب نیمه رجب حق تعالی امر میکند ملائکه را که هر گناهی که در دیوان عمل مومنان باشد محو کنند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رجب روزه بدارد و در شبهای آنها مشغول عبادت باشد از دنیا نرود مگر با توبه نصوح و بهر روز که روزه داشته باشد هفتاد گناه کبیره او آمرزیده شود و هفتاد حاجت او بر آورده شود و در وقتیکه از قبر بیرون آید و نزد میزان و نزد صراط و چنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد و شفاعت او را قبول کنند در هفتاد نفر از اهلبیت و خویشان او که مستحق جهنم شده باشند و حق تعالی بنا کند برای او در جنات فردوس هفتاد هزار شهر و در هر شهری هفتاد هزار قصر بوده باشد و در هر قصری هزار حوریه باشد و هر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد و شیخ طوسی علیه الرحمه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در شب نصف رجب دوازده رکعت نماز بجا می آوری که بشش سلام با حمد و هر سوره که خواهی چون فارغ شوی هر یک از سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی را چهار مرتبه میخوانی پس چهار مرتبه میگوئی سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ پس میگوئی

پاک است خدا و سپاس خدا راست و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگتر است

اَللهُ اَللهُ رَبِّیْ لَا اُشْرِکُ بِهٖ شَیْئًا وَمَا شَاءَ اللهُ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ

خدا خدا پروردگار من است شریک نمیکنم با او هیچ چیز را و آنچه میخواهد خدا و نیست توانائی مگر بتوفیق خدا

و در شب و روز زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سنت مؤکده است و بسند صحیح از ابن ابی نصر روایت است که از حضرت امام رضا علیه السلام سوال کرد که زیارت امام حسین علیه السلام در کدام وقت بهتر است فرمود که در نیمهٔ رجب و نیمهٔ شعبان و در روز پانزدهم نماز سلمان را باید کرد بکیفیتی که گذشت و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام درین روز چهار رکعت نماز کرد و دستهای خود را گشود و این دعا را خواند پس فرمود که هر که بشدتی و غمی مبتلا گردد و این دعا بخواند البته کرب و شدت او زائل میگردد و این چهار رکعت را باید دو سلام کند و هر سوره که میخواهد بخواند

اَللّٰهُمَّ یَا مُذِلَّ کُلِّ جَبَّارٍ وَ مُعِزَّ الْمُؤْمِنِینَ اَنْتَ کَهْفِی حِینَ تُعْیِینِی الْمَذَاهِبُ

بار خدایا ای خوار سازندهٔ هر گردنکشی و عزیز دارندهٔ گروندگان تو پناه منی هنگامی که عاجز کنند مرا راهها

وَ اَنْتَ بَارِئُ خَلْقِی رَحْمَةً بِی وَ قَدْ کُنْتَ عَنْ خَلْقِی غَنِیًّا وَ لَوْلَا رَحْمَتُکَ لَکُنْتُ

و تو پدید آورندهٔ خلقت منی از راه مهربانی بمن در حالی که بتحقیق بودی از آفرینش من بی نیاز و اگر نبود رحمت تو هر آینه بودم

مِنَ الْهَالِکِینَ وَ اَنْتَ مُؤَیِّدِی بِالنَّصْرِ عَلَی اَعْدَائِی وَ لَوْلَا نَصْرُکَ اِیَّایَ

از نابودگان و تو قوت دهندهٔ مرا بیاری دادن بر دشمنان من و اگر نمی بود یاری دادن تو مرا

لَکُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِینَ یَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَ مُنْشِئَ الْبَرَکَةِ

هر آینه می بودم از رسوا شدگان ای فرستندهٔ رحمت از معدنهای آن و آفرینندهٔ برکت

مِنْ مَوَاضِعِهَا یَا مَنْ خَصَّ [نَفْسَهُ] بِالشُّمُوخِ وَ الرِّفْعَةِ فَاَوْلِیَاؤُهُ بِعِزِّهِ یَتَعَزَّزُونَ یَا

از جاهای آن ای آنکه مخصوص است ببلندی و رفعت پس دوستان او بعزت او عزیزانند ای

مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نِیرَ الْمَذَلَّةِ عَلَی اَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ

آنکه گذاشته اند برای او پادشاهان یوغ خواری بر گردنهای خود پس ایشان از حملهای او ترسانند

اَسْأَلُکَ بِکَیْنُونِیَّتِکَ الَّتِی اشْتَقَقْتَهَا مِنْ کِبْرِیَائِکَ وَ اَسْأَلُکَ بِکِبْرِیَائِکَ

میخواهم از تو بکینونیت تو که بیرون آورده آنرا از بزرگواری خود و میخواهم از تو ببزرگواری تو

الَّتِی اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِکَ وَ اَسْأَلُکَ بِعِزَّتِکَ الَّتِی اسْتَوَیْتَ بِهَا عَلَی عَرْشِکَ

که بیرون آورده آنرا از عزت خود و میخواهم از تو بعزت تو که استیلا دارى بان بر عرش خود

فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

پس آفریدی آن همه خلق را پس ایشان برای تو منقادند آنکه رحمت بفرستی بر محمد و اهل بیت او
پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید بدانکه عمدهٔ اعمال نصف رجب دعای ام داود است
که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید ابن طاوس رضی الله عنهم بسندهای معتبر روایت کرده‌اند و برای
برآمدن حاجات و کشف کربات و رفع ظلم ظالمان مجرب است و مجمل روایتش آنست که فاطمه مادر داود
بن الحسن پسرزادهٔ حسن مجتبی علیه السلام دایهٔ حضرت امام جعفر صادق بود و شیر داود آنحضرت را
شیر داده بود و چون محمد بن عبدالله بن الحسن در مدینه خروج کرد و منصور دوانقی لشکر فرستاد و او را
کشتند و ابراهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عبدالله بن الحسن و جمعی از سادات حسنی را با غل
و زنجیر از مدینه بعراق بردند داود نیز در میان آنها بود ام داود گفت چون مدتی از حبس فرزند من
گذشت و از و خبری بمن نرسید پیوسته دعا و تضرع میکردم و از صلحا و بزرگان و برادران مؤمن
استدعای دعا مینمودم و ایشان تقصیر نمیکردند و مطلقا اثر استجابت نمی یافتم و گاهی خبر بمن میرسید
که داود را کشتند و گاهی میگفتند که او را با پسران عم او زنده در زیر عمارت گذاشتند و روز بروز
مصیبت من عظیم‌تر و اندوه من بیشتر میشد تا آنکه از غم گداختم و پیر شدم و از ملاقات او نا امید شدم
تا آنکه روزی شنیدم که حضرت صادق ع را علتی عارض شده است بعیادت آنحضرت رفتم چون احوال
گرفتم و دعا کردم خواستم که برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری و من شیر داود و مادر آن
حضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم گریستم و گفتم فدای تو شوم داود کجاست و در عراق محبوس
است من از ملاقات او قطع امید کرده‌ام و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید و برادر رضاعی شما است
حضرت فرمود چرا غافلی از دعای استفتاح و دعای اجابت و نجاح آن دعائیست که درهای آسمان
برای آن گشوده میشود و ملائکه استقبال میکنند خواننده آنرا و بشارت میدهند او را باجابت و آن
دعائیست که از حجب الله [illegible] محجوب نمیگردد و خواننده آنرا ثوابی نیست بغیر از بهشت ام داود
گفت ای فرزند فاطمه چه چیز است که بیان [illegible] آن دعا حضرت فرمود که ای ام داود ماه
محترم رجب نزدیک شده است و آن ماهی است مبارک و حرمت آن عظیم است و دعاها

در آن مستجاب است چون آن ماه درآید سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم آنرا که ایام البیض اند روزه بدار
پس حضرت کیفیت آن عمل را تعلیم او نمود و فرمود که این دعا را حفظ کن و بهر کس تعلیم مکن مگر بشیعیان
بدست کسی افتد که از برای امر باطل و نامشروعی این دعا را بخواند بدرستیکه این دعا بسیار شریف
است و مشتمل است بر اسم اعظم خدا که هر که بخواند البته حاجت او برآورده میشود و اگر درهای آسمان
و زمین بسته شود یا دریاها حایل باشد میان تو و حاجت تو چون این دعا را بخوانی البته
حق تعالی آسان میگرداند رسیدن ترا بمطلب تو و حاجت ترا برمی آورد هر که این دعا را بخواند
خدا مستجاب میگرداند خواه مرد باشد خواه زن و اگر جن و انس همه دشمن پسر تو باشد خداوند قادر کفایت
شر ایشان میکند و زبان ایشانرا می بندد و ایشانرا منقاد فرزند تو میگرداند ام داود گفت
که حضرت این دعا را برای من نوشت و بخانه برگشتم و چون ماه رجب شد آنچه حضرت فرموده
بود بعمل آوردم و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار کردم
و قدری عبادت کردم و بخواب رفتم در خواب دیدم جمیع ملائکه و پیغمبران و شهدا و عبّاد را که بر من
بر ایشان صلوات فرستاده بودم و حضرت رسول مرا خطاب فرمود که ای مادر داود
بشارت باد ترا که این جماعت که می بینی همه برادران و یاوران و شفیعان تو اند و از برای تو
طلب آمرزش میکنند و بشارت میدهند ترا بآنکه حاجت تو برآورده است پس بشارت باد ترا بآمرزش
خدا و خوشنودی خدا و خدا ترا جزای خیر دهد شاد باش که حق تعالی فرزند ترا حفظ میکند و بتو
برمیگرداند انشاء الله تعالی ام داود گفت که از خواب بیدار شدم و بعد از آن بآن قدر زمان
که سوار تند رو از عراق بمدینه آید داود به نزد من آمد و گفت ای مادر من در عراق در زندان
بسیار تنگی و سنگینی بند و زنجیر بودم و نا امید بودم از خلاص شدن چون شب نصف رجب شد
در خواب دیدم که بندهای زمین پست شد و ترا دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته
بودی و بر دور تو مردان چند بودند که سرهای ایشان در آسمان بود و پاها
ایشان در زمین و تسبیح و تنزیه خدا میکردند پس یکی از ایشان که از همه خوشروتر و خوشبوتر
بود و جامه های بسیار پاکیزه در بر داشت و گمان کردم که حضرت رسالت پناه جد من است

خطاب کرد با من که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزهٔ صالحه که حق تعالی دعای ترا در حق تو مستجاب کردانید چون بیدار شدم رسولان منصور دو آمدند و مرا از زندان بیرون آوردند در میان شب مرا نزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها را از من برداشتند و ده هزار درهم که زیاده از هزار تومان بود بحساب آن زمان بمن عطا کرد و فرمود که مرا بر شتر سواری سوار کنند و بنهایت سرعت بمدینه بیاورند آمدم و او گفت که من داود را نزد حضرت صادق ع بردم حضرت فرمود که سبب خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را در خواب دید که با او فرمود که رها کن فرزند مرا و اگر نکنی ترا در این آتش می اندازم چون نظر کرد دریای آتشی در زیر پای خود دید از دهشت بیدار شد و از کردهٔ خود پشیمان کردید و ترا رها کرد و اما کیفیت این عمل شریف آنست که داود گفت که حضرت صادق علیه السلام فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و بروایت دیگر نزدیک بزوال غسل بکن چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بخانهٔ خلوتی برو و سعی کن که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول گرداند و با تو سخن بگوید و هشت رکعت نافلهٔ زوال بعمل آور و رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آور پس نماز ظهر را با آداب و شرائط بعمل آور و بعد از نماز فریضهٔ ظهر دو رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو

يا قاضي حوائج الطالبين

ای رواکنندهٔ حاجتهای درخواستکنندگان

پس هشت رکعت نافلهٔ عصر را با آداب و شرائط بجا می آوری و در بعضی از روایات وارد شده است که در هر رکعت از نافله بعد از حمد سه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و یک مرتبه سورهٔ انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آوری و در جائی که سجده گاه نشسته است کرد روی حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه سورهٔ حمد و صد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس بعد از این سوره ها این سوره ها را بخوان سورهٔ انعام و بنی اسرائیل و کهف و ... و یس و الصافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت

خطاب کرد با من که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزه صالحه که حق تعالی دعای ترا در حق تو مستجاب کردانید چون بیدار شدم رسولان منصور در وقت نقبی بدر زندان رسیده بطلب من آمده بودند در میان شب مرا نزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها را از من برداشتند و ده هزار درهم که زیاده از هزار تومان بود بحساب آن زمان بمن عطا کرد و فرمود که مرا بر شتر سواری سوار کنند و بنهایت سرعت بمدینه بیاورند ام داود گفت که من داود را بخدمت حضرت صادق عم بردم حضرت فرمود که سبب خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را در خواب دید که با او فرمود که رها کن فرزند مرا و اگر نه ترا درین آتش می اندازم چون نظر کرد دریای آتشی در زیر پای خود دید از وحشت بیدار شد و از کرده خود پشیمان کردید و ترا رها کرد و اما کیفیت این عمل شریف ام داود گفت که حضرت صادق علیه السلام فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و بروایتی دیگر نزدیک بزوال غسل بکن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بخانه خلوتی برو که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول گرداند و با تو سخن بگوید و هشت رکعت نافله زوال را بعمل آور و رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آور پس نماز ظهر را با آداب و شرائط بعمل آور و بعد از نماز فریضه ظهر دو رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو

يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ

ای برآورنده حاجتهای درخواهندگان

پس هشت رکعت نافله عصر را با آداب و شرائط بجا می آوری و در بعضی از روایات وارد شده است که در هر رکعت از نافله عصر بعد از حمد سه مرتبه سوره قل هو الله احد و یک مرتبه سوره انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آور و در روایتی وارد شده است که بر روی حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه سوره قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس هر یک از این سوره ها را یک مرتبه بخوان سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و الصافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت

وَلَكَ الْعَظَمَةُ وَلَكَ الرَّحْمَةُ وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ السُّلْطَانُ وَلَكَ الْبَهَاءُ

و مر تراست بزرگی و مر تراست مهربانی و مر تراست ترسانیدن و مر تراست پادشاهی و مر تراست خوبی

وَلَكَ الْامْتِنَانُ وَلَكَ التَّسْبِيحُ وَلَكَ التَّقْدِيسُ وَلَكَ التَّهْلِيلُ وَلَكَ

و مر تراست منت نهادن و مر تراست تسبیح و مر تراست تنزیه و مر تراست تهلیل و مر تراست

التَّكْبِيرُ وَلَكَ مَا يُرىٰ وَلَكَ مَا لَا يُرىٰ وَلَكَ مَا فَوْقَ السَّمٰوَاتِ الْعُلىٰ

تکبیر و مر تراست انچه دیده میشود و مر تراست انچه دیده نمیشود و مر تراست انچه بر آسمانهای بلندست

وَلَكَ مَا تَحْتَ الثَّرىٰ وَلَكَ الْاَرَضُوْنَ السُّفْلىٰ وَلَكَ الْاٰخِرَةُ وَالْاُولىٰ وَلَكَ

و مر تراست انچه زیر خاکست و مر تراست همه زمینهای پست و مر تراست انجهان و این جهان و مر تراست

مَا تُحِبُّ وَتَرْضىٰ بِهٖ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ وَالنَّعْمَاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

انچه دوست داری و بپسندی آنرا از ستودن و ستایش و سپاس گزاری و نعمت خداوندا رحمت بفرست بر محمد

عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ وَاَمِيْنِكَ وَحَبِيْبِكَ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ جَبْرَائِيْلَ

بندهٔ تو و فرستادهٔ تو و امانت دار تو و دوست تو و بر آل محمد خداوندا رحمت بفرست بر جبرئیل

اَمِيْنِكَ عَلىٰ وَحْيِكَ وَالْقَوِيِّ عَلىٰ اَمْرِكَ وَالْمُطَاعِ فِيْ سَمٰوَاتِكَ وَمَحَالِّ

که امانت دارست بر پیغام تو و تواناست بر فرمان تو و اطاعت کرده شده در آسمانهای تو و جاهای

كَرَامَاتِكَ الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ النَّاصِرِ لِاَنْبِيَائِكَ الْمُدَمِّرِ لِاَعْدَائِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

نوازشهای تو بردارندهٔ کلمات ترا یاری دهنده پیغمبران ترا هلاک سازنده دشمنان ترا خداوندا رحمت بفرست

عَلىٰ مِيْكَائِيْلَ مَلَكِ رَحْمَتِكَ وَالْمَخْلُوْقِ لِرَاْفَتِكَ وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِيْنِ لِاَهْلِ

بر میکائیل فرشته رحمت تو و آفریده شده برای مهربانی تو و آمرزش خواهنده و یاری دهنده مر اهل

طَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ اِسْرَافِيْلَ حَامِلِ عَرْشِكَ وَصَاحِبِ الصُّوْرِ الْمُنْتَظِرِ لِاَمْرِكَ وَالْوَجِلِ

طاعت ترا خداوندا رحمت بفرست بر اسرافیل بردارندهٔ عرش تو و خداوند صور انتظار دارنده فرمان ترا و ترسنده

الْمُشْفِقِ مِنْ خِيْفَتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عِزْرَائِيْلَ قَابِضِ اَرْوَاحِ جَمِيْعِ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ

بیمناک از ترس تو خداوندا رحمت بفرست بر عزرائیل گیرندهٔ جانها از همه خلق تو خداوندا

صَلِّ عَلٰى حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطَّاهِرِينَ وَعَلٰى مَلَائِكَةِ الذِّكْرِ اَهْلِ التَّأْمِينِ عَلٰى دُعَاءِ

حاملان عرش که پاکانند و بر فرشتگان ذکر که گویندگان آمین اند بر دعاهای

الْمُؤْمِنَاتِ وَعَلَى السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ الطَّيِّبِينَ وَعَلٰى مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ

گروندگان و بر نویسندگان بزرگواران نیکوکاران پاکان و بر فرشتگان تو که بزرگواران

الْكَاتِبِينَ وَعَلٰى مَلَائِكَةِ الْجِنَانِ وَخَزَنَةِ النِّيرَانِ وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَالْاَعْوَانِ

نویسندگان اند و بر فرشتگان بهشتها و خازنان دوزخ و ملک الموت و مددکاران او

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اَبِينَا اٰدَمَ بَدِيعِ فِطْرَتِكَ الَّذِي

ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن خدا وندا رحمت بفرست بر پدر ما آدم نو پدید آمدهٔ آفرینش تو که

اَكْرَمْتَهُ بِسُجُودِ مَلَائِكَتِكَ وَاَبَحْتَهُ جَنَّتَكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اُمِّنَا حَوَّاءَ

گرامی داشتی او را بسجدهٔ فرشتگان خود و حلال کردی برای او بهشت خود را خدا وندا رحمت بفرست بر مادر ما حوا

الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرِّجْسِ الْمُصَفَّاةِ مِنَ الدَّنَسِ الْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْاِنْسِ الْمُتَرَدِّدَةِ

پاک کرده شده از هر پلیدی پاکیزه شده از هر چرکی برگزیده شده از آدمیان و آینده و رونده

بَيْنَ مَحَالِّ الْقُدْسِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى هَابِيلَ وَشَيْثٍ وَاِدْرِيسَ وَنُوحٍ وَهُودٍ

میان جاهای پاک خدا وندا رحمت بفرست بر هابیل پیغمبر و شیث پیغمبر و ادریس پیغمبر و نوح پیغمبر و هود پیغمبر

وَصَالِحٍ وَاِبْرَاهِيمَ وَاِسْمَاعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَيُوسُفَ وَالْاَسْبَاطِ

و صالح پیغمبر و ابراهیم پیغمبر و اسماعیل پیغمبر و اسحق پیغمبر و یعقوب پیغمبر و یوسف پیغمبر و فرزندان یعقوب پیغمبر

وَلُوطٍ وَشُعَيْبٍ وَاَيُّوبَ وَمُوسٰى وَهٰرُونَ وَيُوشَعَ وَمِيشَا وَالْخِضْرِ وَذِي الْقَرْنَيْنِ

و لوط پیغمبر و شعیب پیغمبر و ایوب پیغمبر و موسی پیغمبر و هارون پیغمبر و یوشع پیغمبر و میشا و خضر پیغمبر و ذی القرنین پیغمبر

وَيُونُسَ وَاِلْيَاسَ وَالْيَسَعَ وَذِي الْكِفْلِ وَطَالُوتَ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَزَكَرِيَّا

و یونس پیغمبر و الیاس پیغمبر و الیسع پیغمبر و ذی الکفل پیغمبر و طالوت پادشاه و داود پیغمبر و سلیمان پیغمبر و زکریا پیغمبر

وَشَعْيَا وَيَحْيٰى وَتُورَخَ وَمَتّٰى وَاِرْمِيَا وَحَيْقُوقَ وَدَانِيَالَ وَعُزَيْرٍ وَعِيسٰى

و شعیا پیغمبر و یحیی پیغمبر و تورخ پدر ابراهیم و متی پدر یونس و ارمیا پیغمبر و حیقوق پیغمبر و دانیال پیغمبر و عزیر پیغمبر و عیسی پیغمبر

وشمعون وجرجيس والحواريين والاتباع وخالد وحنظلة ولقمان

وشمعون پیغمبر وجرجیس پیغمبر واصحاب حضرت عیسی واتباع او وخالد پیغمبر وحنظله پیغمبر ولقمان حکیم

اللهم صل على محمد وال محمد وارحم محمدا وال محمد وبارك على محمد

خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد ومهربانی کن محمد وآل محمد را وبرکت ده بر محمد

وال محمد كما صليت ورحمت وباركت على ابراهيم وال ابراهيم انك

وآل محمد چنانچه رحمت فرستادی ومهربانی نمودی وبرکت دادی بر ابراهیم وآل ابراهیم بدرستیکه تو

حميد مجيد اللهم صل على الاوصياء والسعداء والشهداء وائمة

ستوده بزرگواری بارخدایا رحمت بفرست بر وصیهای پیغمبران ونیکبختان وشهیدان وپیشوایان

الهدى اللهم صل على الابدال والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين

هدایت خداوندا رحمت بفرست بر ابدال واوتاد وروزه داران وعبادت کنندگان ودوستان خالص

والزهاد واهل الجد والاجتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل

وزاهدان واهل سعی وکوشش وخاص گردان محمد وخاندان او را به بهترین

صلواتك واجزل كراماتك وبلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما

رحمتهای خود وافزون ترین نوازشهای خود ورسان روح او وتن او را از من درود وسلامی

وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات اهل الشرف

وافزون کن او را بزرگی وبلندی وبخشش تا آنکه برسانی او را به بلندترین درجه های اهل شرف

من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين اللهم وصل على من سميت

از پیغمبران وفرستادگان وصاحبان فضل که مقربند بارخدایا رحمت بفرست بر کسی که نام بردم

ومن لم اسم من ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك

وآنکه نامش نبردم از فرشتگان وپیغمبران تو وفرستادگان تو وفرمان بردارانت

واوصل صلواتي اليهم والى ارواحهم واجعلهم اخواني فيك واعواني على [illegible]

[illegible]

یا راشد یا مالک یا رب یا مذل یا معز یا ماجد یا رازق یا ولی الافضال

ای خداوند رشد ای پادشاه ای پروردگار ای خوار سازنده ای عزیز دارنده ای بزرگوار ای روزی دهنده ای صاحب

یا سبحان یا باسط یا من علا فاستعلی فکان بالمنظر الاعلی یا من قرب

ای پاک ای گستراننده ای آنکه بلند گردید پس بلندی رسید پس شد در دیدگاه برتر ای آنکه نزدیک شد

فدنی و بعد فنأی و علم السر و اخفی یا من الیه التدبیر و له المقادیر

پس نزدیک گشت و دور گشت پس دور گشت و دانست پنهان و پنهان تر را ای آنکه بسوی اوست تدبیر و اندازه ها

یا من العسیر علیه سهل یسیر و یا من هو علی ما یشاء قدیر یا مرسل

ای آنکه دشوار بر او سهل و آسان است و ای آنکه او بر آنچه خواهد تواناست ای فرستنده

الریاح یا فالق الاصباح یا باعث الارواح یا ذا الجود و السماح

بادها ای شکافنده صبح ای برانگیزنده روحها ای خداوند بخشش و نوازش

یا راد ما قد فات یا ناشر الاموات یا جامع الشتات یا رازق من یشاء

ای برگرداننده آنچه بتحقیق فوت شده ای زنده سازنده مردگان ای فراهم آورنده پراکنده ها ای روزی دهنده کسی که خواهد

بغیر حساب یا فاعل ما یشاء کیف یشاء یا ذا الجلال و الاکرام

بی شمار ای کننده آنچه خواهد بهر قسم که خواهد ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن

یا حی یا قیوم یا حی حین لا حی یا حی یا محیی الموتی یا حی لا اله الا

ای زنده ای پاینده ای زنده هنگامی که نیست زنده ای زنده ای زنده کننده مردگان ای زنده نیست سزاوار پرستش

انت بدیع السموات و الارض یا الهی و سیدی صل علی محمد و آل محمد

تو ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای معبود من و سردار من رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وارحم محمدا و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد کما صلیت و بارکت

و رحم کن محمد و آل محمد را و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانچه رحمت فرستادی و افزودی

و رحمت و ترحمت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید

و رحم کردی و ترحم نمودی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگواری

وارحم ذلّی وفقری وفاقتی وانفرادی ووحدتی وخضوعی بین

ورحم کن خواری مرا و تنگدستی مرا و احتیاج مرا و تنهائی مرا و بیکسی مرا و فروتنی مرا پیش

یدیک واعتمادی علیک وتضرّعی الیک ادعوک دعاء الخاضع

تو و تکیه مرا برتو و زاری مرا بسوی تو میخوانم ترا مانند خواندن فروتنی کننده

الذلیل الخاشع الخائف المشفق البائس المهین الحقیر الجائع الفقیر

خوار زاری نماینده ترسان بیمناک سخت محتاج ذلیل خوار گرسنه محتاج

العائذ المستجیر المقرّ بذنبه المستغفر منه المستکین لربّه دعاء

پناه گیرنده زنهار جوینده اعتراف کننده بگناه خود طلب آمرزش نماینده از گناه فروتنی کننده پروردگار خود

من اسلمته ثقته ورفضته احبّته وعظمت فجیعته دعاء حرق

کسی که گذاشته او را اعتماد او و ترک نموده باشد او را دوستان او و بزرگ باشد مصیبت او و همچو دعای سوخته

حزین ضعیف مهین بائس مستکین بک مستجیر اللهم واسئلک

غمگین ناتوان خوار بسیار حاجتمند فروتنی کننده بتو پناه جوینده بار خدایا و میخواهم از تو

بانک ملیک وانک ما تشاء من امر یکون وانک علی ما تشاء قدیر

بسبب آنکه تو مالکی و بدرستیکه تو آنچه میخواهی از امری میشود و بدرستیکه تو بر آنچه میخواهی توانائی

واسئلک بحرمة هذا الشهر الحرام والبیت الحرام والبلد الحرام

و میخواهم از تو بحرمت این ماه محترم و خانه محترم و بلد محترم

والرکن والمقام والمشاعر العظام وبحق نبیک محمد علیه وآله

و بحرمت رکن کعبه و مقام ابراهیم و عبادتگاههای بزرگ و بحق پیغمبر تو محمد بر او و آل او

السلام یا من وهب لآدم شیثا ولابراهیم اسمعیل واسحاق ویا

سلام ای آنکه بخشید مر آدم را شیث و ابراهیم را اسمعیل و اسحاق و ای

من ردّ یوسف علی یعقوب ویا من کشف بعد البلاء ضرّ ایّوب یا رادّ

آنکه برگردانید یوسف را بر یعقوب و ای آنکه زائل کرد پس از امتحان سختی ایوب را ای بازگرداننده

مُوسىٰ عَلىٰ اُمِّهٖ وَيا زائِدَ الْخِضْرِ فى عِلْمِهٖ وَيا مَنْ وَهَبَ لِداوُدَ سُلَيْمانَ

موسی بر مادر او وای پاداتی دهنده خضر در علم او وای آنکه بخشید مر داود را سلیمان

وَلِزَكَرِيّا يَحْيىٰ وَلِمَرْيَمَ عِيسىٰ يا حافِظَ بِنْتِ شُعَيْبٍ يا كافِلَ وَلَدِ اُمِّ

و مر زکریا را یحیی و مر مریم را عیسی ای نگاهدارنده دختر شعیب ای کفیل پسر مادر

مُوسىٰ اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لى ذُنُوبى كُلَّها

موسی میخواهم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی برای من گناهان مرا همه آن

وَتُعْطِيَنى سُؤْلى كُلَّهُ وَتُجيرَنى مِنْ عَذابِكَ وَتُوجِبَ لى

و بدهی مرا حاجت مرا و پناه دهی مرا از عذاب خود و لازم کردانی برای من

رِضْوانَكَ وَاَمانَكَ وَاِحْسانَكَ وَغُفْرانَكَ وَجِنانَكَ وَاَسْأَلُكَ

خشنودی خود را و امان خود را و احسان خود را و آمرزش خود را و بهشت های خود را و میخواهم از تو

اَنْ تَفُكَّ عَنّى كُلَّ حَلْقَةِ ضيقٍ بَيْنى وَبَيْنَ مَنْ يُؤاذِينى وَتَفْتَحَ لى كُلَّ

اینکه بگشائی از من هر دائره تنگی که میان کسی است که ایذا میدهد مرا و بگشائی برای من هر

بابٍ وَتُلَيِّنَ لى كُلَّ صَعْبٍ وَتُسَهِّلَ لى كُلَّ عَسيرٍ وَتُخْرِسَ عَنّى

دری را و نرم کنی برای من هر سختی را و آسان کردانی برای من هر دشواری را و گنگ سازی از ذکر من

كُلَّ ناطِقٍ بِشَرٍّ وَتَكُفَّ عَنّى كُلَّ باغٍ وَتَكْبِتَ لى كُلَّ عَدُوٍّ لى

هر گوینده بدی را و باز داری از من هر تجاوز کننده را و خوار سازی برای من هر دشمنی را از مرا

وَحاسِدٍ وَتَمْنَعَ مِنّى كُلَّ ظالِمٍ وَتَكْفِيَنى كُلَّ عائِقٍ يَحُولُ بَيْنى وَبَيْنَ

و حاسدی او باز داری از من هر ستمکاری را دفع کنی از من هر مانعی که حائل شود میان من و میان

وَلَدى وَيُحاوِلُ اَنْ يُفَرِّقَ بَيْنى وَبَيْنَ طاعَتِكَ وَيُثَبِّطَنى عَنْ عِبادَتِكَ

فرزند من و قصد کند به اینکه جدائی بیندازد میان من و میان طاعت تو و اینکه باز دارد مرا از عبادت تو

يا مَنْ اَلْجَمَ الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدينَ وَقَهَرَ عُتاةَ الشَّياطينِ وَاَذَلَّ رِقابَ

ای آنکه لجام کرد دیوان سرکشان و مغلوب کرد بدان شیاطین با فرمان او خوار کرد گردنهای

فصل چهارم در فضیلت یاقوت

الْمُتَجَبِّرِينَ وَرَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَلِّطِينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ

متکبران را و بازگردانید مکر دست یافتگان را از ناتوانان

عَلَى مَا تَشَاءُ وَتَسْهِيلِكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ أَنْ تَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ

برانچه می خواهی و آسان کردن تو مرانچه را اراده نمائی بهر روشی که اراده کنی اینکه بگردانی برآوردن حاجت مرا در انچه میخواهی

پس بسجده برو و پهلوهای روی خود را بر خاک بگذار و بگو

اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي وَاجْتِهَادِي

خداوندا مر ترا سجده کرده ام و بتو تصدیق نموده ام پس رحم کن خواری مرا و تنگدستی مرا و کوشش مرا

وَتَضَرُّعِي وَمَسْكَنَتِي وَفَقْرِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ

و زاری مرا و بیچیزی مرا و احتیاج مرا بسوی تو ای پروردگار من

پس حضرت فرمود که سعی کن که آب از دیده ات بیرون آید اگرچه بقدر سر مگسی بوده باشد

که آن علامت استجابت دعاست و در روایت دیگر وارد شده است که در سجده

این دعا را بخوان

اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَخُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ

خداوندا برای تو سجده کرده ام و بتو تصدیق نموده ام پس رحم کن خواری مرا و فروتنی مرا در پیش تو

وَفَقْرِي وَفَاقَتِي إِلَيْكَ وَارْحَمِ انْفِرَادِي وَخُشُوعِي وَاجْتِهَادِي

و درویشی مرا و احتیاج مرا بسوی تو و رحم کن تنهائی مرا و فروتنی مرا و کوشش مرا

بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَوَكُّلِي عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ بِكَ أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ

پیش تو و اعتماد مرا بر تو خداوندا بتو طلب فتح و گشایش میکنم

أَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِهِ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ

و بتو رستگاری میجویم و بوسیله محمد بنده تو و فرستاده تو و بوسیله آل و روی می آورم بسوی تو خداوندا

سَهِّلْ لِي كُلَّ حُزُونَةٍ وَذَلِّلْ لِي كُلَّ صُعُوبَةٍ وَأَعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ

هموار کن برای من هر ناهمواری را و آسان کن برای من هر دشواری را و ببخش مرا از نیکی

اَکْثِرْ مِمَّا اَرْجُو وَعَافِنِي مِنَ الشَّرِّ وَاصْرِفْ عَنِّي السُّوءَ

بیشتر از انچه امیدوارم وسالم دار مرا از هر گزندی و بگردان از من هر بدی را

و بروایت دیگر صد مرتبه در سجده بگو

یَا قَاضِیَ حَوَائِجِ الطَّالِبِینَ اقْضِ حَاجَتِي بِلُطْفِكَ یَا خَفِيَّ الْاَلْطَافِ

ای بر آورنده حاجتهای سؤال کنندگان بر آور حاجت مرا بمهربانی خود ای انکه پنهانست الطاف او و در روایت معتبره وارد شده است که مادر داود بخدمت حضرت عرض کرد که ای سید و آقای من آیا این دعا را در غیر ماه رجب میتوان خواند حضرت فرمود بلی در روز عرفه میتوان خواند و اگر موافق افتد که روز جمعه باشد صاحبش فارغ نمیشود مگر آنکه خدا او را می آمرزد و در هر ماه که باشد اگر ایام البیض آنرا روزه بدارد و در روز پانزدهم این دعا بخواند بنحویکه ذکر کردم حاجتش بر آورده میشود و در روایت دیگر وارد شده که حضرت فرمود که در روز عرفه و هر روز که این دعا بخواند حاجتش بر آورده میشود مولف گوید که ازین احادیث ظاهر میشود که در هر ماه که ایام البیض آنرا یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدارد و در روز پانزدهم این عمل را بجا آورد بمطلوب فائز میگردد و دور نیست که اگر در روز عرفه و جمعه و سائر ایام متبرکه نیز این عمل را بدون روزه بعمل آورد خوب باشد و اگر در غیر اشهر حرام که ذی القعده و ذی الحجه و محرم و ماه رجب است این دعا را بخواند بجای بحرمة هذا الشهر الحرام بگوید بحرمة الشهر الحرام و هذا را بیندازد و بهتر باشد فصل پنجم دربیان فضائل و اعمال نصف آخر ماه رجب است شیخ طوسی و دیگران گفته اند که در بیست و هفتم این ماه ابراهیم پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت پس حزن و اندوه و لعن بر آنها که درین مصیبت شماتت کردند نیز مناسبست خصوصا عائشه علیها اللعنة و ابن عباس که یکی از محدثان شیعه است گفته است که حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها در روز بیست و یکم ماه رجب بعالم قدس ارتحال نموده اگرچه خلاف مشهور است اما لعن بر قاتلان و ظالمان آن جگر گوشه رسالت پناه که عمده آنها عمر بن الخطاب علیه اللعنة و العذاب است و زیارت آنحضرت احتیاطا مناسب است

چنانچه مذکور خواهد شد و شیخ مفید رحمه الله گفته است که در روز بیست و دوم این ماه معاویه علیه اللعنه
بجهنم واصل شده است مستحب است که این روز را روزه دارند بشکر این نعمت و در روز بیست و سوم
این ماه خارجیان خنجر زهرآلود بر ران مبارک حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه زدند زیارت
آنحضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان آنحضرت مناسب است و در روز بیست و چهارم این ماه فتح
خیبر بدست معجز نمای اسد الله الغالب علی بن ابی طالب علیه الصلوة و السلام جاری شد و مرحب
یهودی بدست آنحضرت کشته شد گفته اند روزه آن روز بشکرانهٔ این نعمت و زیارت آنحضرت
مستحب است و شیخ علیه الرحمه ذکر کرده است که شهادت حضرت امام موسی کاظم صلوات الله
علیه در روز بیست و پنجم این ماه واقع شد اما احادیث بسیار در فضیلت این روز و ثواب
روزه اش وارد شده است و روایتی نقل کرده اند ابن بابویه و غیر او که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله در روز بیست و پنجم رجب مبعوث برسالت شد و این مخالف مشهور و احادیث بسیار
است که بعد از این مذکور خواهد شد اما در فضیلت روزه اش شکی نیست چنانچه از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که روزه اش کفارهٔ دویست سال گناه است و بسند بسیار معتبر از حضرت
امام رضا مرویست که هر که روز بیست و پنجم ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفارهٔ
هفتاد سال گناه گرداند و ایضاً از آنحضرت علیه السلام مرویست که هر که روز بیست و ششم ماه
رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفارهٔ هشتاد سال گناه گرداند و روز بیست و هفتم
این ماه از جملهٔ اعیاد عظیمه است و روزیست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن روز
برسالت مبعوث گردید و جبرئیل به پیغمبری بر آنحضرت نازل شد و شبش نیز شب بسیار مبارکیست
و بسندهای معتبر از حضرت امام محمد تقی منقولست که در ماه رجب شبی هست که بهتر است از برای
مردم از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد و آن شب بیست و هفتم این ماه است و در صبح این شب حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله برسالت مبعوث شد و کسی که عبادت کند این شب را اجر
شصت سال عبادت خدا را عطا میفرماید پرسیدند که عمل این شب چیست فرمود که چون
نماز خفتن کردی بخواب هر وقت از شب که بیدار شوی خواه پیش از نصف شب خواه بعد از آن

برخیزد و دوازده رکعت نماز بکن و بعد از هر دو رکعت سلام بگو و در هر رکعت بعد از حمد یک سوره از سوره های کوچک بعد از آن بس را بخوان چون از همه فارغ شوی چنانچه نشسته سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه بخوان پس این دعا را بخوان

الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولدا ولم یکن له شریک فی

سپاس خدایرا که فرا نگرفته زنی و نه فرزندی و نیست برای او شریکی در

الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا اللهم انی اسالک

پادشاهی و نیست از برای او یاوری از مذلت و تعظیم یاد کن خدا را یاد کردنی بعظمت خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

بمعاقد عزک علی ارکان عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک

بجاهای انعقاد عزت تو بر اطراف عرش تو و بحق نهایت رحمتی که استفاده میشود از کتاب تو

وباسمک الاعظم الاعظم الاعظم وذکرک الاعلی الاعلی الاعلی

و بحرمت نام تو آن نامیکه بزرگتر است بزرگتر بزرگتر و بحرمت ذکر تو که بلندتر است بلندتر بلندتر

وبکلماتک التامات کلها ان تصلی علی محمد وآل محمد

و بحرمت کلمهای تو که تمام و کامل اند همه آن کلمها آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وان تفعل بی ما انت اهله

و آنکه بکنی با من آنچه تو سزاوار آنی

پس هر حاجت که خواهی بطلب که البته هر چه بطلبی مستجاب میشود مگر آنکه حرامی بطلبی یا قطع رحمی یا هلاک جمعی از مومنان را طلب کنی و روزش را روزه بدار که از برای تو حساب میشود دو روزه یکسال و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که در شب بیست و هفتم رجب هر وقت که باشد دوازده رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد چهار مرتبه سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد بخوان و چون از دوازده رکعت فارغ شوی در همان مکان چهار مرتبه بگو

لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا

نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگ تر است و سپاس خدا را و پاک است خدا و نیست بازگردیدن از گناهان

قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ

توانائی بر طاعت مگر بتوفیق خداے برتر بزرگ

پس هر حاجت که خواهی بطلب مؤلف گوید که هر یک ازین دو روایت که عمل کند خوب است و اگر هر دو را بکند بهتر است و اگر نماز شب نصف رجب که بسند صحیح مذکور شد درین شب بجا آورد خوبست و دران روایت وارد شده است که درین شب نیز بجا آورند و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که غسل درین شب مستحب است و زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین علیهما السلام علی آلهما الطاهرین درین شب مناسب است و این دعا نیز وارد شده که درین شب بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ بِالتَّجَلِّی الْاَعْظَمِ فِیْ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعَظَّمِ

بارخدایا بدرستیکه من میخواهم از تو بحق آن عطیه بزرگتر که عطا شده درین شب ازین ماه بزرگ کرده شده

وَالْمُرْسَلِ الْمُکَرَّمِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ وَاَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا اَنْتَ بِهٖ

و بحرمت آن فرستادهٔ گرامی نموده شده اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی برای ما گناهی اگر تو بان

مِنَّا اَعْلَمُ یَا مَنْ یَّعْلَمُ وَلَا یُعْلَمُ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِیْ لَیْلَتِنَا هٰذِهِ الَّتِیْ

دانا تری از ما ای آنکه میداند هر چیز را و آموخته نمیشود بارخدایا برکت ده ما را در شب این شب که

بِشَرَفِ الرِّسَالَةِ فَضَّلْتَهَا وَبِکَرَامَتِكَ اَجْلَلْتَهَا وَبِالْمَحَلِّ الشَّرِیْفِ اَحْلَلْتَهَا

بشرافت فرستادن پیغمبر دران زیادتی داده او را و بکرامت خود بزرگ گردانیدهٔ آنرا و بجایگاه بلند فرود آوردهٔ آنرا

اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَسْاَلُكَ بِالْمَبْعَثِ الشَّرِیْفِ وَالسَّیِّدِ اللَّطِیْفِ وَالْعُنْصُرِ

بارخدایا پس تحقیق که ما میخواهیم از تو بحرمت آن بعثت شریف و بوسیلهٔ سید با لطف و بوسیلهٔ اصل

الْعَفِیْفِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ وَاَنْ تَجْعَلَ اَعْمَالَنَا فِیْ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ

پرهیزکار اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی کردارهای ما را درین شب

وفی سائر اللیالی مقبولة وذنوبنا مغفورة وحسناتنا مشکورة

و در باقی شبها پذیرفته و گناهان ما را آمرزیده و نیکیهای ما را جزا داده شده

وسیئاتنا مستورة وقلوبنا بحسن القول مسرورة وارزاقنا من

و بدیهای ما را پوشیده و دلهای ما را به نیکو گفتار شادمان و روزیهای ما را از

لدنک بالیسر مدرورة اللهم انک تری ولا تری وانت بالمنظر

نزد خود با آسانی روان گردیده خداوندا بدرستیکه تو می بینی و دیده نشوی و تو در دیدگاه

الاعلی وان الیک الرجعی والمنتهی وان لک الممات والمحیا وان لک

بلند تری و بتحقیق که بسوی تست بازگشت و منتهی و بدرستیکه برای تست مردن و زنده شدن و بتحقیق برای تست

الآخرة والاولی اللهم انا نعوذ بک ان نذل ونخزی وان نأتی ما عنه

آنجهان و اینجهان خداوندا بدرستیکه ما پناه میگیریم بتو از اینکه ذلیل گردیم و خوار شویم و اینکه بکنیم آنچه را از آن

تنهی اللهم انا نسألک الجنة برحمتک ونستعیذ بک من النار فاعذنا

منع نموده بار خدایا بدرستیکه ما سوال میکنیم از تو بهشت را بوسیله رحمت تو و پناه می جوئیم بتو از دوزخ پس پناه ده ما را

منها بقدرتک ونسألک من الحور العین فارزقنا بعزتک واجعل

از آن بتوانائی خود و سوال میکنیم از تو سیاه دیدگان فراخ چشم پس روزی کن ما را بعزت خود و بگردان

اوسع ارزاقنا عند کبر سننا واحسن اعمالنا عند اقتراب

فراگیرنده ترین روزیهای ما را نزد زیادتی عمر ما و نیکوترین کردارهای ما را هنگام نزدیک شدن

آجالنا واطل فی طاعتک وما یقرب الیک ویحظی عندک

اجلهای ما و دراز کن در طاعت خود و آنچه نزدیک گرداند بسوی تو و بهره مند سازد نزد تو

ویزلف لدیک اعمارنا واحسن فی جمیع احوالنا وامورنا

و نزدیک گرداند نزد تو عمرهای ما را و نیکوکن در همه حالات و کارهای ما

معرفتنا ولا تکلنا الی احد من خلقک فیمن علینا وتفضل علینا

شناخت ما را و وا مگذار ما را بسوی هیچیک از آفریدگان خود پس منت نهد بر ما و احسان کن با

بجمیع حوائجنا للدنیا والآخرة وابدأ بآبائنا وابنائنا وجمیع اخواننا

همه حاجتهای ما که بجهت دنیا و عقبی ست و ابتدا کن به پدران ما و پسران ما و همه برادران

المؤمنین فی جمیع ما سألناک لانفسنا یا ارحم الراحمین اللهم انا

که گرویدگان اند در تمام آنچه خواستیم ما از تو بجهت نفسهای خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا بدرستیکه ما

نسألک باسمک العظیم وملکک القدیم ان تصلی علی محمد وآل

سوال میکنیم از تو بحرمت نام بزرگ تو و پادشاهی دیرینه تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

محمد وان تغفر لنا الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم

محمد و آنکه بیامرزی برای ما گناه بزرگ را بدرستیکه نمی آمرزد گناه بزرگ را

الا العظیم اللهم وهذا رجب المکرم الذی اکرمتنا به اول اشهر

مگر بزرگ خداوندا و این ماه رجب گرامی داشته شده که گرامی داشتی ما را بآن اول ماههای

الحرم اکرمتنا به من بین الامم فلک الحمد یا ذا الجود والکرم

حرام است که گرامی داشتی ما را بآن از میان امتها پس مر تراست سپاس ای خداوند بخشش و بزرگواری

فاسألک به وباسمک الاعظم الاعظم الاعظم الاجل الاکرم

پس سوال میکنیم ترا بحرمت نام تو که بزرگ است بزرگتر بزرگوارتر گرامی تر

الذی خلقته فاستقر فی ظلک فلا یخرج منک الی غیرک ان تصلی

که آفریدی آنرا پس قرار گرفت در سایه تو پس بیرون نرود از نزد تو بسوی غیر تو آنکه رحمت بفرستی

علی محمد واهل بیته الطاهرین وان تجعلنا من العاملین

بر محمد و خاندان محمد که پاکانند و آنکه بگردانی ما را از عمل کنندگان

فیه بطاعتک والاملین فیه لشفاعتک اللهم اهدنا الی سواء

درین ماه بطاعت تو و آرزومندان درین ماه بشفاعت تو بار خدایا بدایت کن ما را براه راست

السبیل واجعل مقیلنا عندک خیر مقیل فی ظل ظلیل وملک

راه و بگردان خوابگاه ما را نزد خود بهترین خوابگاهی در سایه عظیم و عزت

جَزِيلٍ فَإِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اَللّٰهُمَّ اقْلِبْنَا مُفْلِحِينَ مُنْجِحِينَ

بسیار پس بدرستیکه تو کافی مارا و نیکو کارگذاری خداوندا بگردان مارا رستگاران فیروزی یافتگان

غَيْرَ مَغْضُوبٍ عَلَيْنَا وَلَا الضَّالِّينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ

نه غضب کرده شده بر ما و نه گمراهان به رحمت خود ای بخشنده ترین بخشایندگان خداوندا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ وَبِوَاجِبِ رَحْمَتِكَ السَّلَامَةَ مِنْ

بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بوسیله مغفرت ثابت تو و برحمت واجب تو سلامتی از

كُلِّ إِثْمٍ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ

هر گناهی و غنیمت از هر نیکی و رستگاری بهشت و خلاصی از

النَّارِ اَللّٰهُمَّ دَعَاكَ الدَّاعُونَ وَدَعَوْتُكَ وَسَأَلَكَ السَّائِلُونَ

دوزخ خداوندا خواندند ترا خوانندگان و خواندم من ترا و درخواستند از تو درخواهندگان

وَسَأَلْتُكَ وَطَلَبَ إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ

و درخواستم از تو و رغبت نمودند بسوی تو رغبت کنندگان رغبت نمودم بسوی تو خداوندا تو ئی

الثِّقَةُ وَالرَّجَاءُ وَإِلَيْكَ مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ وَالدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى

اعتماد و امید و بسوی تست منتهای رغبت و دعا بارخدایا پس رحمت بفرست

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالنُّورَ فِي بَصَرِي وَالنَّصِيحَةَ فِي

محمد و آل او و بگردان یقین را در دل من و روشنائی را در دیده من و پند را در

صَدْرِي وَذِكْرَكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي وَرِزْقًا وَاسِعًا غَيْرَ

سینه من و ذکر خود را در شب و روز بر زبان من و روزی فراخی که نباشد

مَمْنُونٍ وَلَا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِي وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَاجْعَلْ

مقطوع و نه حرام پس روزی کن مرا و برکت ده برای من در آنچه روزی کرده مرا و بگردان

غِنَايَ فِي نَفْسِي وَرَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بی نیازی مرا در نفس من و رغبت مرا در آنچه نزد تست برحمت تو ای بخشنده ترین بخشایندگان

پس بسجده برو و بگو الحمد لله الذی هدانا لمعرفته وخصنا بولایته و
سپاس مر خدای را که رسانیده ما را بشناختن خود و مخصوص گردانیده ما را بدوستی خود
وفقنا لطاعته پس بگو شکراً شکراً صد مرتبه پس سر از سجده بردار و بگو اللهم
توفیق داد ما را برای طاعت خود ستایش میکنیم ستایش خداوندا
انی قصدتک بحاجتی واعتمدت علیک بمسألتی وتوجهت الیک
بدرستیکه من قصد نموده ام ترا بحاجت خود و تکیه کرده ام بر لطف تو در سوال خود و رو آورده ام بسوی
بائمتی وسادتی اللهم انفعنا بحبهم واوردنا موردهم وارزقنا
تو بوسیله پیشوایان خود و بزرگان خود بار خدایا سودمند گردان ما را بمحبت ایشان و فرود آور ما را در جایگاه ایشان و روزی کن ما را
مرافقتهم وادخلنا الجنة فی زمرتهم برحمتک یا ارحم الراحمین
رفاقت ایشان را و داخل گردان ما را ببهشت در گروه ایشان برحمت خود ای بخشاینده ترین بخشندگان

و روز بیست و هفتم غسل سنت است و روزه اش ثواب بسیار دارد و بسندهای معتبر از
حضرت صادق منقولست که روزه اش برابر است با روزه هفتاد سال و بروایت دیگر شصت سال
و ایضا منقولست که حسن بن راشد از حضرت صادق سوال کرد که آیا غیر عیدهای مشهور عیدی
هست حضرت فرمود بلی شریف‌تر و فاضل‌تر همه روزیست که حضرت رسول صلعم مبعوث گردیده
است و آن بیست و هفتم ماه رجب است باید که روزه بداری و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار
بفرستی و زیارت حضرت رسول و حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیهما درین روز منقولست و نماز
این روز بطرق مختلفه وارد شده است و اکثر گفته اند که پیش از زوال باید کرد و از اکثر احادیث
ظاهر میشود که در هر وقت روز که کنند خوبست و بسند معتبر از ریان بن الصلت منقولست که
چون حضرت امام محمد تقی ببغداد تشریف آوردند در روز نصف رجب روزه گرفتند و بیست و هفتم روزه
داشتند و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که این دو روز را روزه بدارند
و در هر یک از این دو روز دوازده رکعت نماز بکنند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
را حمد و هر سوره که خواهند بکنند و چون از نماز فارغ شوند سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ

برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه بگویند

لا اله الا الله والله اکبر و سبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله

نیست معبودی بحق بجز خدا و خدا بزرگتر است و پاک است خدا و سپاس خدا را و نیست گردیدن از گناه و توانائی بر طاعت مگر بیاری خدا

العلی العظیم پس چهار مرتبه بگویند الله الله ربی لا اشرک به شیئاً پس چهار مرتبه بگویند لا اشرک بربی احدا

بلند قدر بزرگ مرتبه — خدا خدا پروردگار من است با او شریک نمیکردانم با او چیزی — شریک نمیکردانم با پروردگار خود احدی را

و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقول است که در روز جمعه دوازده رکعت نماز بجا آورند

و در هر رکعت بعد از حمد سوره که میسر شود بخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام میگوئی این دعا بخوانی

الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی

سپاس خدای را که فرا نگرفته هیچ فرزندی و نیست برای او انبازی در پادشاهی و نیست او را یاری

من الذل و کبره تکبیرا یا عدتی فی مدتی یا صاحبی

از مذلت و به بزرگی یاد کن خدا را به بزرگی یاد کردنی ای ذخیره من در مدت عمر من ای یار من

فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی

در سختی من ای یاور من در نعمت من ای فریادرس من در خواهش من ای فیروز بخشنده من در حاجت من

یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی انت

ای نگاهدارنده من در پنهانی من ای پاسدارنده من در تنهائی من ای انیس من در حال رمیدن من تو

الساتر عورتی فلک الحمد وانت المقیل عثرتی فلک الحمد

پوشاننده عورت مرا پس مر تراست سپاس و تو درگذرنده از لغزش من پس مر تراست سپاس

وانت المنعش صرعتی فلک الحمد صل علی محمد وآل محمد واستر

و تو برانگیزنده افتادگی مرا پس مر تراست سپاس درود فرست بر محمد و آل محمد و بپوشان

عورتی وامن روعتی واقلنی عثرتی واصفح عن جرمی وتجاوز

عورت مرا و ایمنی بخش خوف مرا و درگذر از لغزش من و درگذر از گناه من و تجاوز کن

الله الواحد القهار

پس سجده برو و بگو الحمد لله الذی هدانا لمعرفته وخصّنا بولایته و
سپاس مر خدا را که رسانیده ما را بشناخت خود و مخصوص کرد ما را بدوستی خود
وفّقنا لطاعته پس بگو شکراً شکراً صد مرتبه پس سر از سجده بردار و بگو اللّهمّ
توفیق داد ما را برای طاعت خود ستایش میکنیم ... خداوندا
انّی قصدتک بحاجتی واعتمدت علیک بمسألتی وتوجّهت الیک
بدرستیکه من قصد نموده ام ترا بحاجت خود و تکیه کرده ام بلطف تو در سوال خود و رو آورده ام بسوی
بائمّتی وسادتی اللّهمّ انفعنا بحبّهم واوردنا موردهم وارزقنا
تو بوسیله پیشوایان خود و بزرگان خود خدایا سودمند گردان ما را بمحبت ایشان فرود آر ما را در جایگاه ایشان و روزی کن ما را
مرافقتهم وادخلنا الجنّة فی زمرتهم برحمتک یا ارحم الرّاحمین
رفاقت ایشان و داخل گردان ما را ببهشت در گروه ایشان برحمت خود ای بخشاینده ترین بخشندگان

و در روز بیست و هفتم غسل سنت است و روزه اش ثواب بسیار دارد و بسندهای معتبر از
حضرت صادق منقولست که روزه اش برابر است با روزه شصت سال و بروایت دیگر هفتاد سال
و ایضاً منقولست که حسن بن راشد از حضرت صادق سوال کرد که آیا غیر عیدهای مشهور عیدی
هست حضرت فرمود بلی شریفترین و فاضلترین روزیست که حضرت رسول صلعم مبعوث گردیده
است و آن بیست و هفتم ماه رجب است باید که روزه بداری و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار
بفرستی و زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما در این روز منقولست و کیفیت
این روز بطرق مختلفه وارد شده است و اکثر گفته اند که پیش از زوال باید کرد و از اکثر احادیث
ظاهر میشود که در هر وقت روز که بکنند خوبست و بسند معتبر از ریان بن الصلت منقولست که
چون حضرت امام محمد تقی به بغداد تشریف آوردند در روز نصف رجب و روز بیست و هفتم روزه
داشتند و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که این دو روز را روزه بدارند
و در هر یک از این دو روز دوازده رکعت نماز بکنند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
را الحمد و هر سوره که خواهند بکنند و چون از نماز فارغ شوند سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ

برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه بگویند

لا اله الا الله و الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله

نیست معبودی بحق مگر خدا و خدا بزرگتر است و پاکست خدا و سپاس خدا را و نیست گردیدن از گناه و نه توانائی بر طاعت مگر بیاری خدای

العلی العظیم پس چهار مرتبه بگویند الله الله ربی لا اشرک به شیئا پس چهار مرتبه بگویند لا اشرک بربی احدا

بلند قدر بزرگ مرتبه — خدا خدا پروردگار من است انباز نمیگردانم با او چیزی — شریک نمیگردانم با پروردگار خود احدی

و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقولست که درین روز دوازده رکعت نماز بجای آورند

و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میسر شود بخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام میگوئی این دعا بخوانی

الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی

سپاس مر خدای را که فرا نگرفته هیچ فرزندی و نیست برای او انبازی در پادشاهی و نیست او را یاوری

من الذل و کبره تکبیرا یا عدتی فی مدتی یا صاحبی

از مذلت و به بزرگی یاد کن خدا را به بزرگی یاد کردنی ای ذخیره من در مدت عمر من ای یار من

فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی

در سختی من ای یار من در نعمت من ای فریادرس من در خواهش من ای فیروزبخش من در حاجت من

یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی انت

ای نگاهدارنده من در پنهانی من ای نگهدارنده من در تنهائی من ای انیس من در حال رمیدن من توئی

الساتر عورتی فلک الحمد و انت المقیل عثرتی فلک الحمد

پوشاننده عورت من پس مر تراست سپاس و توئی درگذرنده از لغزش من پس مر تراست سپاس

و انت المنعش صرعتی فلک الحمد صل علی محمد و آل محمد و استر

و توئی برانگیزنده افتادن من پس مر تراست سپاس درود بفرست بر محمد و آل محمد و بپوشان

عورتی و آمن روعتی و اقلنی عثرتی و اصفح عن جرمی و تجاوز

عورت مرا و ایمنی بخش خوف مرا و درگذر از لغزش من و درگذر از گناه من و تجاوز کن

عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

از بدیهای من در حالتی که بوده باشم در زمرهٔ یاران بهشت وعده کن مرا وعدهٔ راستی آنکه اصحاب وعده داده میشوند

و چون از دعا و نماز فارغ شوی سورهٔ حمد و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس

و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه بخوانی پس هفت مرتبه بگوئی

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا حَوْلَ

نیست معبودی بحق مگر خدا و خدا بزرگتر است و پاک است خدا و سپاس مر خدا را و نیست حرکتی

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ پس هفت مرتبه بگوئی اللّٰهُ اللّٰهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً

و نه توانائی مگر بخواست خدا خدا خدا پروردگار منست و انباز نمیگردانم با او هیچ چیزی را

پس آنچه خواهی از خدا بطلب و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقول است

که سنت است این دعا را در روز مبعث بخواند

يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجَاوُزِ وَضَمَّنَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ وَالتَّجَاوُزَ يَا مَنْ

ای آنکه فرمان داد بعفو و درگذشتن و ضامن کرد خود را بر عفو و درگذشتن ای آنکه

عَفَا وَتَجَاوَزَ اُعْفُ عَنِّي وَتَجَاوَزْ يَا كَرِيمُ اللّٰهُمَّ وَقَدْ أَكْدَى

عفو نموده درگذشته عفو کن از من و درگذر ای بزرگوار بارخدایا بتحقیق مشکل گردید

الطَّلَبُ وَأَعْيَتِ الْحِيلَةُ وَالْمَذْهَبُ وَدَرَسَتِ الْآمَالُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ

طلب و عاجز گردید چاره و راه کسب معاش و کهنه شده آرزوها و بریده شد امید

إِلَّا مِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ

مگر از تو در حالتیکه یگانه نیست شریکی برای تو خداوندا بدرستیکه من مییابم راههای مطلبها را

إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ لِمَنْ

بسوی تو گشاده و آبخورهای امید نزد تو لبریز و درهای خواندن برای کسی

دَعَاكَ مُفَتَّحَةً وَالْاِسْتِعَانَةَ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مُبَاحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِعَبْدِكَ

خواند ترا گشوده و یاری جستن را برای آنکه یاری جست بتو حلال شده و میدانم اینکه بتحقیق تو برای بندهٔ خود

بموضع إجابةٍ وللصارخ إليك بمرصد إغاثةٍ وأنّ في اللهف إلى

درجایگاه اجابتی بوده برای استغاثه نماینده بسوی خود درانتظارگاه فریادرسی وانیکه بتحقیق در استغاثه بسوی

جودك والضمان بعدتك عوضاً من منع الباخلين ومندوحةً عما

بخشش تو و درضامن شدن بوعده تو هست عوض بزرگ از منع سفلگان و وسعت و بی نیازی از آنچه است

في أيدي المستأثرين وأنك لا تحتجب عن خلقك إلا أن تحجبهم

در دستهای آنانکه متفرد و اندیشه‌وا نکری و آنیکه بتحقیق که تو پنهان نمیگردی از خلق خود مگر آنکه باز دارد ایشان را

الأعمال دونك وقد علمت أن أفضل زاد الراحل إليك عزم إرادةٍ

کردارهای ایشان از رسیدن بتو و بدرستیکه دانستم آنیکه بهترین توشه کوچ کننده بسوی تو اراده ثابت است

وقد ناجاك بعزم الإرادة قلبي فأسألك بكل دعوةٍ دعاك بها

وتحقیق که رازگفته ترا باراده ثابت دل من پس سوال میکنم ترا بهر دعائیکه خوانده باشد ترا بآن

راجٍ بلّغته أمله أو صارخٍ إليك أغثت صرخته أو ملهوفٍ

امیدواری که رسانیده باشی بآرزوی او او را یا استغاثه نماینده بسوی تو که رسیده باشی بفریاد او یا درمانده

مكروبٍ فرّجت عن قلبه أو مذنبٍ خاطئٍ غفرت له أو معافى

غمگین که کشف نموده باشی از دل او یا گناهکار خطاکاری که آمرزیده باشی او را یا عافیت بخشیده شده

أتممت نعمتك عليه أو فقيرٍ أهديت غناك إليه ولتلك

که تمام گردانیده باشی نعمت خود را برو یا محتاجی که تحفه فرستاده باشی بی نیازی خود را بسوی او و مر آن

الدعوة عليك حق وعندك منزلة إلا صلّيت على محمد وآله وقضيت

دعوت را بر تو حقی و نزد تو مرتبه ایست مگر آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او و بر آوری

حوائج الدنيا والآخرة وهذا رجب المرجب المكرم الذي أكرمتنا

حاجتهای اینجهان و آنجهان را و این ماه رجب بزرگ گردانیده گرامی است که گرامی داشتی ما را

به أول أشهر الحرم وأكرمتنا به من بين الأمم يا ذا الجود والكرم

بآن اول ماههای حرام است و گرامی داشتی ما را بآن از میان امتها ای خداوند بخشش و بزرگوار

اشهد

اعوذ بجلال الله
اعوذ بكلمات الله
اعوذ برسول الله

فاسألك به وباسمك الاعظم الاعظم الاجل الاكرم

پس میخواهم از تو بحرمت آن و بحرمت نام تو که بزرگترست بزرگتر بسیار بزرگوار گرامی تر

الذی خلقته فاستقر فی ظلك فلا یخرج منك الی غیرك

آن نامی که آفریدی آنرا پس قرار گرفت در سایه تو پس بیرون نرود از تو بسوی غیر تو

ان تصلی علی محمد واهل بیته الطاهرین وتجعلنا من العاملین

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و خاندان او که پاکانند و بگردانی ما را از آنانکه عمل کنند

فیه بطاعتك والآملین فیه لشفاعتك اللهم واهدنا الی

در نیاز بطاعت تو و امیدوارانند در نیاز مر شفاعت ترا بار خدایا و برسان ما را بسوی

سواء السبیل واجعل مقیلنا عندك خیر مقیل فی ظل ظلیل

راه راست و بگردان آرامگاه ما را از خود بهترین آرامگاهی در سایه عظیم

فانك حسبنا ونعم الوكیل والسلام علی عباده المصطفین

پس بدرستیکه تو کافی ما را و نیکو کارگذاری و درود بر بندگان او که برگزیدگان اند

وصلواته علیهم اجمعین اللهم وبارك لنا فی یومنا هذا الذی فضلته

و رحمتهای او بر ایشان همه خدا و خدا و برکت ده ما را در روز ما این روز که زیادتی دادی

وبكرامتك جللته وبالمنزل العظیم منك انزلته وصل علی من فیه

و بکرامت خود بزرگ گردانیدی آنرا و بمرتبه بزرگی از نزد خود فرود آوردی آنرا و رحمت بر آنکه درین روز

الی عبادك ارسلته وبالمحل الكریم احللته اللهم صل علیه صلوة

بسوی بندگان خود فرستادی آنرا و بجایگاه گرامی فرود آوردی آنرا بار خدایا رحمت بفرست بر او رحمتی

دائمة تكون لك شكرا ولنا ذخرا واجعل لنا من امرنا یسرا واختم

همیشه که بوده باشد برای تو شکر و بجهت ما ذخیره و بگردان برای ما از جمله امر ما توانگری و ختم کن

لنا بالسعادة الی منتهی آجالنا وقد قبلت الیسیر من اعمالنا وبلغنا

برای ما بنیکبختی تا آخر اجلهای ما حال آنکه تحقیق پذیرفته باشی اندک از کردارهای ما و برسان ما را

بِرَحْمَتِكَ اَفْضَلَ آمالِنا اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ
به مهربانی خود بهتر از آرزوهای ما بدرستیکه تو بر هر چیز توانایی و رحمت کند خدا بر
سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّم
سردار ما محمد و آل او و سلام فرستاد

و بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که روز بیست و هشتم ماه رجب روزه
بدارد کفاره نود سال گناه او گردد و هر که روز بیست و نهم را روزه بدارد کفاره صد سال گناه
او باشد و هر که روز سی ام این ماه را روزه بدارد حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و
آخر روز نماز سلمان سنت است بنحویکه در اول مذکور شد و اگر احتمال نقصان ماه باشد در روز بیست و نهم
نیز احتیاط بکند و در کتب دعوات از برای هر شب اینماه نماز مخصوصی ذکر کرده اند چون بسند معتبر
بنظر نرسیده نخواستم ایراد نمایم و چون بسیار مشهورست ایراد مینمایم بسبیل اجمال و اگر کسی
بقصد آنکه مطلق صلوة خوبست بکند بد نیست نماز شب اول سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد یک
مرتبه سوره جحد یعنی قل یا ایها الکافرون و سه مرتبه توحید یعنی قل هو الله احد نماز شب دوم ده رکعت
با حمد و جحد نماز شب سوم ده رکعت با حمد و پنج مرتبه سوره اذا جاء نصر الله در هر رکعت نماز شب چهارم
صد رکعت در هر دو رکعت در اول بعد از حمد قل اعوذ برب الفلق و در دوم بعد از حمد قل اعوذ
برب الناس نماز شب پنجم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید نماز شب
ششم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه آیة الکرسی نماز شب هفتم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه صلوات و ده مرتبه تسبیحات
اربع نماز شب هشتم بیست رکعت در هر رکعت یک حمد و هر یک از چهار قل سه مرتبه نماز شب نهم
دو رکعت بحمد و پنج مرتبه الهیکم التکاثر نماز شب دهم دوازده رکعت بعد از مغرب با حمد و سه مرتبه
توحید نماز شب یازدهم دوازده رکعت با حمد و دوازده مرتبه آیة الکرسی نماز شب دوازدهم دو
رکعت با حمد و آیه آمن الرسول ده مرتبه نماز شب سیزدهم ده رکعت دو رکعت در رکعت اول
بعد از حمد سوره والعادیات و در دوم الهیکم التکاثر نماز شب چهاردهم سی رکعت در هر رکعت بعد از

حمد سورهٔ توحید و آیهٔ قل انما انا بشر مثلکم تا آخر سوره نماز شب پانزدهم و شب شانزدهم و هفدهم
سی رکعت با حمد و ده مرتبه سورهٔ توحید در هر رکعت نماز شب هجدهم ده رکعت در هر رکعت بعد
از حمد توحید و معوذتین هر یک ده مرتبه نماز شب نوزدهم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد
پانزده مرتبه توحید و آیة الکرسی نماز شب بیستم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه
انا انزلناه نماز شب بیست و یکم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا اعطیناک الکوثر
و ده مرتبه توحید نماز شب بیست و دوم هشت رکعت در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ حمد و هفت مرتبه
قل یا ایها الکافرون و بعد از فارغ شدن ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و ده مرتبه استغفار
نماز شب بیست و سوم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سورهٔ والضحی نماز شب بیست و چهارم
چهل رکعت در هر رکعت بعد از حمد آیهٔ امن الرسول و سورهٔ توحید یک مرتبه نماز شب بیست و
پنجم بیست رکعت و میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و آیهٔ آمن الرسول و سورهٔ توحید
یکمرتبه نماز شب بیست و ششم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد چهل مرتبه توحید نماز شب
بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ
اعلی و ده مرتبه سورهٔ انا انزلناه و بعد از تمام کردن رکعات صد مرتبه صلوات بر محمد و
آل محمد و صد مرتبه استغفار نماز شب سی ام دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید
و در هر یک از این نمازها ثوابهای بسیار مذکور است و بنا بر عدم اعتماد بر سند ذکر نکردم و
جمیع نوافل که مذکور میشود هر دو رکعت بیک سلام است و بعضی که طول دارد و میان شام
و خفتن واقع شده است و باید که بعد از داخل شدن وقت خفتن واقع شود و کردن خالی
از اشکال نیست لهذا نماز شب غایب را درین رساله ایراد نمودم با آنکه بطریق معتبر منقول
شده است و معتبر نیست باب دوم در فضائل و اعمال ماه مبارک شعبان است و ایام
و لیالی آن و در آن نیز پنج فصل است فصل اول در بیان فضیلت این ماه است و
ثواب روزه اش بدانکه فضل ماه شعبان [illegible] ماه رجب است و منسوب است بحضرت
سید انبیا صلی الله علیه و آله چنانچه منقول است از حضرت صادق علیه السلام که چون حضرت رسول صلعم

ماه شعبان را مشاهده مینمود امر میفرمود که ندا کننده را تا ندا کند در میان مردم که ای اهل مدینه من
رسول ام از جانب رسول خدا بسوی شما و میفرماید که شعبان ماه من است خدا رحمت کند کسی را که یاری
کند مرا بر ماه من پس حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود که از روزی که ندای منادی آنحضرت
را شنیدم روزه شعبان را ترک نکردم و تا زنده ام ترک نخواهم کرد انشاء الله تعالی و فرمود
که روزه ماه شعبان و ماه مبارک رمضان توبه ایست از جانب خدا برای جمیع گناهان و ایضا
منقولست از ام سلمه که حضرت رسول هیچ ماه را تمام روزه نمیداشت مگر ماه شعبان را که او وصل
میکرد بماه مبارک رمضان و ایضا منقولست که از آنحضرت سوال کردند که کدام روزه از روزهای
سنت افضل است فرمود که روزه ماه شعبان برای تعظیم ماه رمضان و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که حضرت رسول شعبان را روزه میداشت و وصل میکرد بماه رمضان و میفرمود که هر دو
ماه خداست و روزه هر دو کفاره گناهان گذشته و آینده است و ایضا از حضرت باقر علیه السلام
منقولست که هر که ماه شعبان را روزه دارد او را پاک گرداند از هر لغزشی و از قسمهای معصیت و قسمهای
در وقت غضب و از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست که ماه شعبان ماهیست شریف
و آن ماه منست و حاملان عرش آنرا تعظیم مینمایند و حق حرمت آنرا میشناسند و آن ماهیست
که زیاده میشود در آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان زینت میکنند در آن بهشتها را و آنرا
شعبان نام کرده اند برای آنکه تشعب بسیار میکرد در آن روزیهای مومنان و حسنه در آن ماه
مضاعف میگردد هفتاد برابر و گناه در آن پست میگردد و آمرزیده میشود و اعمال خیر در آن
مقبول میگردد و خداوند جبار نظر میکند بسوی روزه داران و عبادت کنندگان این ماه پس مباهات
میکند با ایشان با حاملان عرش پس در فضیلت روزه هر روز این ماه آنقدر فرمود که ذکرش موجب
تطویل کلام است و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که روزه شعبان ذخیره بنده است
از برای روز قیامت و هر بنده که از شعبان روزه بسیار بگیرد البته حق تعالی امر معیشت او را اصلاح
آورد و کفایت کند شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بروزه دار روزی از شعبان میدهند آنست که
بهشت از برای او واجب گردد و بسندهای معتبره از آنحضرت منقول است که حضرت رسول فرمود

که ماه شعبان ماه منست و رمضان ماه خداست پس هرکه یکروز از ماه من روزه دارد من شفیع
او باشم در قیامت و هرکه دو روز از ماه من روزه بگیرد گناهان گذشته او آمرزیده شود و هرکه
سه روز از ماه من روزه بگیرد او را گویند که عمل را از سر گیر یعنی هیچ گناه نداری [illegible] از حضرت
امام رضا منقول است که هرکه یکروز از شعبان از برای ثواب خدا روزه بدارد داخل بهشت گردد
و هرکه در هر روز شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت در زمره حضرت رسول محشور گردد و گرامی
دارد او را خدا و او را واجب گردد و هرکه در شعبان تصدق کند اگرچه به نصف دانه خرما باشد خدا بدن او را
بر آتش جهنم حرام گرداند و هرکه سه روز از آخر شعبان روزه دارد و وصل کند بماه رمضان خدا ثواب
روزه دو ماه متصل برای او بنویسد و ابن بابویه روایت کرده است که از اسامه پرسیدند که کدام
ماه را حضرت رسول خدا زیاده از ماههای دیگر روزه میگرفت گفت شعبان را و میفرمود که مردم
از آن غافل اند و آن ماهیست که در آن ماه عملها بسوی خدا بالا میرود و دوست میدارم که عمل من
بالا رود در وقتیکه روزه باشم و ایضا روایت کرده است که از آنحضرت پرسیدند از روزه
رجب فرمود که چرا غافل اید از روزه شعبان یعنی افضل است از آن و ایضا روایت کرده است
از حضرت خیر البشر که فرمود شعبان ماه منست هرکه از ماه من یکروز روزه دارد بهشت او را
واجب شود و هرکه دو روز روزه دارد در قیامت از رفیقان پیغمبران و صدیقان باشد و هرکه تمام ماه را روزه دارد
و پیوند کند بماه رمضان کفاره او باشد از گناه کوچک و بزرگی هرچند داخل خون حرام شده باشد
که او را نفع میدهد و بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است که هرکه سه روز از ماه شعبان
را روزه دارد بهشت او را واجب گردد و رسول خدا شفیع او باشد در قیامت و بسند بسیار معتبر
از حضرت صادق روایت کرده است که چون ماه شعبان داخل میشد حضرت امام زین العابدین
اصحاب خود را جمع می نمود و میفرمود که ای گروه اصحاب من میدانید این چه ماهیست این ماه شعبان
است و حضرت رسول میفرمود شعبان ماه منست پس روزه بدارید درین ماه برای محبت پیغمبر
خود و از برای تقرب بسوی پروردگار خود بحق آن خداوندی که جان علی بن الحسین بدست
اوست سوگند یاد میکنم که شنیدم از حسین بن علی علیهما السلام که گفت شنیدم از امیر المؤمنین

که هر که روزه دارد شعبان را از برای محبت پیغمبر خدا و از برای تقرب بخدا خدا او را دوست دارد و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت و بهشت از برای او واجب گرداند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده است که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه خدا است پس هر که ماه مرا روزه بدارد من شفاعت کنم او را در روز قیامت و هر که روزه بدارد ماه خدا را حق تعالی مونس او گرداند در وحشت قبر او و تنها نگذارد و از قبر بیرون آید در قیامت با روی سفید نورانی و نامه عمل او بدست راست او دهند و نامه مخلد بودن در بهشت را بدست چپ او دهند تا آنکه او را بپای عرش الهی حاضر سازند پس حق تعالی ندا کند که ای بندهٔ من او گوید لبیک ای خداوند من پس خدا گوید روزه داشتی برای من گوید بلی ای آقای من پس خداوند جلیل ندا کند ملائکه را که بگیرید دست بندهٔ مرا و به پیغمبر من بسپارید پس بیاورند او را به نزد من پس با او گویم ماه مرا روزه داشتی او گوید بلی من بگویم باو که من امروز شفاعت تو میکنم پس حق تعالی فرماید که من حقوق خود را به بندهٔ خود بخشیدم اما حقوق خلق من هر که از و عفو کند من آنقدر عوض باو بدهم که او راضی شود پس من بگیرم دست او را و بیاورم نزد صراط پس ببینم که صراط لغزنده است و میلرزد و با گناهکاران بران بند نمی شود پس دست او را بگیرم ملکی که موکل است بر صراط گوید کیست این مرد من گویم این فلان کس است از امت من که ماه مرا در دنیا روزه گرفته است باید شفاعت من و ماه خدا را روزه داشته از برای طلب وعدهٔ خدا پس او را بگذرانم از صراط بعفو خدا تا آنکه او را به بهشت برسانم پس رضوان گوید که امروز روزی است که درها برای امت تو می گشاییم و آورا داخل بهشت میکنیم پس حضرت امیر المؤمنین فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت را تا او شفیع شما گردد در قیامت و روزه بدارید ماه خدا را تا بیاشامید از شراب سر بمهر بهشت **فصل دوم** در بیان اعمال هر روز ماه شعبان است بسند معتبر از حضرت امام رضا منقول است که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان استغفار کند گناهانش آمرزیده شود اگرچه بعدد ستاره های آسمان باشد و دیگر از آن حسین بن سعید از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که شعبان

فصل یازدهم در فضیلت خضاب کردن مردان و زنان

ماه منست پس درین ماه بسیار بفرستید صلوات بر من و بر آل من و شعبان را ماه شفاعت گویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که درین ماه صلوات بر او و بر آل او فرستند و از حضرت صادق منقولست که بهترین دعاها در ماه شعبان استغفارست و هر که در هر روز ماه شعبان استغفار کند هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماه های دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار کرده باشد پرسیدند که چگونه بگوییم فرمود که بگو

اَستَغفِرُ اللهَ وَاَسئَلُهُ التَّوبَة

طلب مغفرت میکنم خدا را و سؤال میکنم از و توفیق توبه

و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست

که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید

اَستَغفِرُ اللهَ وَاَسئَلُهُ التَّوبَة

طلب مغفرت میکنم خدا را و سؤال میکنم از و توفیق توبه

بنویسد حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم و بگذراند او را از صراط و داخل بهشت گرداند و بسندهای معتبر منقولست که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه

اَستَغفِرُ اللهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحمٰنُ الرَّحِيمُ الحَيُّ القَيُّومُ وَاَتُوبُ اِلَيهِ

طلب مغفرت میکنم خدائی را که نیست معبودی بجز او بخشاینده مهربان پاینده توانا و رجوع میکنم بسوی او

بگوید حق تعالی بروح او را در افق مبین جای دهد و آن فضای وسیعی است در پیش عرش و دران فضا نهرها جاریست و قدحها در کنار آن نهرهاست بعدد ستارهای آسمان و در بعضی از روایات الحی القیوم پیش از الرحمن الرحیم است و بدو روایت و بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین در هر روز ماه شعبان در وقت زوال و در شب نیمه آن این صلوات را میخواندند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَمَوضِعِ الرِّسَالَةِ

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد درخت پیغمبری و جای رسالت

علی من فضلك و نشرت علی من عدلك و احییتنی تحت ظلك و هذا

بر من از فضل خود و پهن کردی بر من از عدل خود و زنده داشتی مرا در سایهٔ خود و این

شهر نبیك سید رسلك صلواتك علیه و اله شعبان الذی حففته

ماه شعبان ماه پیغمبر تو سرور پیغمبران تست درود خدا باد بر او و اولاد او شعبانی که فرا گرفتی آنرا

منك بالرحمة و الرضوان الذی کان رسول الله صلی الله علیه و اله

از جانب خود به بخشش و خوشنودی آنکه بود رسول خدا درود فرستد خدا بر او و اولاد او

یدأب فی صیامه و قیامه فی لیالیه و ایامه بخوعا لك فی اکرامه

که کوشش مینمود در روزهٔ آن و قیام آن در شبهای آن و روزهای آن جهت فروتنی برای تو در گرامی داشتن آن

و اعظامه الی محل حمامه اللهم فاعنا علی الاستنان بسنته فیه

و تعظیم کردن آن تا فرود آمدن موت او خداوندا پس یاری کن ما را بر جاری شدن بطریقهٔ او در آن

و نیل الشفاعة لدیه اللهم فاجعله لی شفیعا مشفعا و طریقا الیك مهیعا

و رسیدن به شفاعت نزد او خداوندا پس گردان او را شفاعت کننده پذیرفته شفاعت و راهی بسوی تو وسیع

و اجعلنی له متبعا حتی القاك یوم القیمة عنی راضیا و عن ذنوبی

و بگردان مرا برای او تابع تا آنکه ملاقات کنم ترا در روز قیامت در حالیکه از من بوده باشی خوشنود شده و از گناهان من

غاضیا قد اوجبت لی منك الرحمة و الرضوان و انزلتنی دار القرار

در گذرنده بتحقیق واجب ساخته باشی برای من از لطف خود رحمت و خوشنودی را و فرود آورده باشی مرا در سرای بقا

و محل الاخیار

در جایگاه نیکوکاران

و سید بن طاوس علیه الرحمة بسند معتبر از ابن خالویه روایت کرده است که این مناجات حضرت امیر المؤمنین و امامان از فرزندان اوست علیهم السلام که در ماه شعبان میخواندند

اللهم صل علی محمد و ال محمد و اسمع دعائی اذا دعوتك و اسمع

بار خدایا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بشنو دعای مرا هرگاه بخوانم ترا و بشنو

ندائي اذا ناديتك واقبل عليّ اذا ناجيتك فقد هربت اليك ووقفت

صدای مرا هرگاه ندا کنم ترا و روکن بر من هرگاه راز گویم ترا پس تحقیق که گریخته ام بسوی تو و ایستاده ام

بين يديك مستكيناً لك متضرعاً اليك راجياً لما لديك

پیش تو عاجز شکسته کننده مر ترا زاری نماینده بسوی تو امیدوار بجهت آنچه نزد تست

ثوابي وتعلم ما في نفسي وتخبر حاجتي وتعرف ضميري ولا يخفى

ثواب خود را و میدانی آنچه در نفس منست و می پرسیدی حاجت مرا و میدانی راز مرا و پوشیده نیست

عليك امر منقلبي ومثواي وما اريد ان ابدئ به من منطقي

بر تو حال بازگشت من و آرامگاه من و آنچه خواهم که ابتدا کنم من بآن از سخن خود

واتفوه به من طلبتي وارجوه لعاقبتي وقد جرت مقاديرك

و تلفظ نمایم بآن از حاجت خود و امیدوارم آنرا بجهت آخرت خود و بتحقیق روان شده تقدیرهای تو

عليّ يا سيدي فيما يكون مني الى آخر عمري من سريرتي وعلانيتي

بر من ای آقای من در آنچه خواهد شد از من تا آخر زندگانی من از نهانی من و آشکار من

وبيدك لا بيد غيرك زيادتي ونقصي ونفعي وضري الهي ان حرمتني

و بدست تست و نه بدست غیر تو بیشی من و کمی من و سود من و زیان من خدای من اگر نا امید کنی مرا

فمن ذا الذي يرزقني وان خذلتني فمن ذا الذي ينصرني الهي اعوذ بك

پس کیست آنکه روزی دهد مرا و اگر خوار گذاری مرا پس کیست آنکه یاری کند مرا خدای من پناه میبرم بتو

من غضبك وحلول سخطك الهي ان كنت غير مستأهل لرحمتك

از خشم تو و فرود آمدن غضب تو خدای من اگر باشم غیر سزاوار برای رحمت تو

فانت اهل ان تجود عليّ بفضل سعتك الهي كأني بنفسي واقفة

پس تو سزاواری بآنکه بخشش نمائی بر من بزیادتی گشایش خود خدای من گویا می بینم نفس خود را ایستاده

بين يديك وقد اظلها حسن توكلي عليك ففعلت ما انت اهله

پیش تو و حال آنکه سایه افکنده بر آن نیکوئی اعتمادم بر لطف تو پس کنی آنچه را که تو سزاوار آنی

وتعمّدتني بعفوك الهي ان عفوت فمن اولى منك بذلك وان كان

و بوشانیدی مرا بعفو خود خدای من اگر درگذری از گناهان من پس کیست سزاوارتر از تو بآن اگر بوده

قد دنا اجلي ولم يدنني منك عملي فقد جعلت الاقرار بالذنب

که هر آینه نزدیک شده باشد اجل من و نزدیک نگردانیده باشد مرا بتو کردار من پس بتحقیق که گردانیدم اقرار را بگناه خود

اليك وسيلتي الهي قد جرت على نفسي في النظر لها فلها الويل

بسوی تو وسیله خود خدای من بتحقیق که ستم کردم بر ذات خود در نظر کردن بر آن پس مر او را عذابست

ان لم تغفر لها الهي لم يزل برّك عليّ ايام حيوتي فلا تقطع برّك عنّي في

اگر نیامرزی او را خدای من همیشه است نیکوئی تو بر من در زندگانی من پس نیکوئی خود را از من در

مماتي الهي كيف ايس من حسن نظرك لي بعد مماتي

وقت مردن من خدای من چگونه ناامید شوم از حسن نظر تو مرا بعد از مردنم

وانت لم تولني الّا الجميل في حيوتي الهي تولّ من امري ما انت

و حال آنکه تو ندادی تو بمن مگر جمیل را در زندگانی من خدای من متولی شو از امر من آنچه تو

اهله وعد بفضلك على مذنب قد غمره جهله الهي قد سترت

سزاوار آنی و عود کن بفضل خود بر گنه کاری که بتحقیق فرا پوشیده او را نادانی او خدای من بتحقیق پوشانیدی

على ذنوبا في الدنيا وانا احوج الى سترها على منك في الاخرى

بر من گناهان را در دنیا و من محتاج ترم بسوی پوشیدن آنها بر خود از تو در عقبی

الهي قد احسنت اليّ اذ لم تظهرها لاحد من عبادك الصالحين

خدای من بتحقیق که نیکوئی کردی بسوی من هنگامیکه ظاهر نساختی آنها را برای هیچ یک از بندگان نیکوکاران

فلا تفضحني يوم القيمة على رؤس الاشهاد الهي جودك بسط املي

پس رسوا مکن مرا در روز رستخیز بر سر حاضران خدای من بخشش تو فراخ کرده امید مرا

وعفوك افضل من عملي الهي فسرّني بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك

و درگذشتن تو بهتر است از کردار من خدای من پس شاد گردان مرا بملاقات خود در روزیکه حکم کنی در آن میان بندگان خود

الهي اعتذاري اليك اعتذار من لم يستغن عن قبول عذره فاقبل

خدای من عذر خواهی من بسوی تو عذر خواهی کسی است که بی نیاز نشد از پذیرفتن عذر خود پس بپذیر

عذري يا كريم يا اكرم من اعتذر اليه المسيئون الهي

عذر مرا ای بزرگوار ای گرامی ترین کسیکه عذر خواهی نمودند بسوی او بدکاران خدای من

لا ترد حاجتي ولا تخيب طمعي ولا تقطع منك رجائي واملي الهي

رد مکن حاجت مرا و محروم مکن طمع مرا و ببر از خود امید مرا و آرزوی مرا خدای من

لو اردت هواني لم تهدني ولو اردت فضيحتي لم تعافني الهي

اگر میخواستی خواری مرا هدایت نمیکردی مرا و اگر میخواستی رسوائی مرا عافیت نمی بخشیدی مرا خدای من

ما اظنك تردني في حاجة قد افنيت عمري في طلبها منك الهي

گمان نمی برم ترا که رد کنی مرا در حاجتی که بتحقیق بپایان رسانیدم عمر خود را در طلب آن از تو خدای من

فلك الحمد ابدا ابدا دائما سرمدا يزيد ولا يبيد كما تحب وترضى

پس مر تراست سپاس همیشه همیشه دائم پیوسته که زیاده شود و نیست نشود چنانچه دوست داری و بپسندی

الهي ان اخذتني بجرمي اخذتك بعفوك وان اخذتني بذنوبي

خدای من اگر بگیری مرا بگناه من بگیرم ترا بعفو تو و اگر بگیری مرا بگناهان من

اخذتك بمغفرتك وان ادخلتني النار اعلمت اهلها اني

بگیرم ترا بآمرزش تو و اگر داخل کنی مرا در آتش آگاه کنم اهل آتش را اینکه هر آینه

احبك الهي ان كان صغر في جنب طاعتك عملي فقد كبر في

من دوست میدارم ترا خدای من اگر حقیر شد در پهلوی طاعت تو کردار من پس بتحقیق بزرگ شد در

جنب رجائك املي الهي كيف انقلب من عندك بالخيبة محروما و

جنب امید من از تو امید من خدای من چگونه برگردم از نزد تو با زیان کاری محروم و حال آنکه

قد كان حسن ظني بجودك ان تقلبني بالنجاة مرحوما الهي وقد افنيت

بتحقیق بوده نیکو گمان من ببخشش تو اینکه برگردانی مرا با رستگاری رحم کرده شده خدای من و بتحقیق بپایان رسانیدم

عمري في شرّة السهو عنك وأبليت شبابي في سكرة

عمر خود را در نشاط بی خبری از تو وکهنه کردم جوانی خود را در مستی

التباعد منك الهي فلم استيقظ أيام اغتراري بك وركوني

دوری از تو خدای من پس بیدار نشدم در روزهای فریفتگی من بتو ومایل بودنم

الى سبيل سخطك الهي وأنا عبدك وابن عبدك قائم بين

بسوی راه خشم تو خدای من ومن بنده تو وپسر بنده تو ام ایستاده ام میان

يديك متوسل بكرمك اليك الهي انا عبد أتنصّل اليك

تو توسل جوینده ام بکرم تو بسوی تو خدائی من من بنده ام عذرخواهی مینمایم بسوی تو

مما كنت أواجهك به من قلة استحيائي من نظرك

ازانچه بودم که مواجهه میکردم ترا بآن از راه کمی شرم از اطلاع تو

وأطلب العفو منك اذ العفو نعت لكرمك الهي لم يكن لي

ومیخواهم عفو از تو در گذشتن را از تو زیرا که در گذشتن وصفی است برای بزرگواری تو خدای من نبود مرا

حول فأنتقل به عن معصيتك الا في وقت أيقظتني لمحبتك وكما

توانائی پس بگردم بسبب آن از نافرمانی تو مگر در وقتی که بیدار کنی مرا بمحبت دوستی خود و چنانچه

أردت أن أكون كنت فشكرتك بادخالي في كرمك ولتطهير

خواستی که شوم شدم پس شکر کردم ترا بسبب داخل گردانیدن تو مرا در کرم خود و پاک گردانیدن

قلبي من أوساخ الغفلة عنك الهي انظر الي نظر من ناديته

دل مرا از چرکهای غافلی از تو خدای من نظر کن بسوی من مانند نگریستن کسیکه خوانده باشی او را

فأجابك واستعملته بمعونتك فأطاعك يا قريبا لا يبعد

پس اجابت کرد ترا و کار فرموده باشی اورا بیاری خود پس اطاعت کرد ترا ای نزدیکی که دور نمیشود

عن المغترّ به ويا جوادا لا يبخل عمن رجا ثوابه الهي هب لي قلبا يدنيه

از فریفته بخود و ای بخشنده که بخل نمیورزد از کسیکه امید داشته باشد ثواب او را خدای من ببخش مرا دلی که نزدیک گرداند

مِنْكَ شَوْقُهُ وَلِسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ وَنَظَرًا يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ إِلَهِي
به آرزومندی او وزبانی که بالا برده شود بسوی تو راستی او ونظری که نزدیک گرداند مرا او را بتو درستی او خدا

إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ وَمَنْ لَاذَ بِكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ وَمَنْ
بدرستیکه کسی که معروف شد بتو غیر مجهول است وکسیکه پناه برد بتو غیر زیانکار است وآنکه

أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ إِلَهِي إِنَّ مَنِ انْتَهَجَ بِكَ لَمُسْتَنِيرٌ وَإِنَّ
روکردی تو براو نیست مغلوب خدای من بتحقیق آنکه راه یافت بتو هرآئینه روشنی یافته است وتحقیق

مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ لَمُسْتَجِيرٌ وَقَدْ لُذْتُ بِكَ يَا إِلَهِي فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي
کسیکه چنگ زد بتو هرآئینه امان جوینده است وبتحقیق که پناه گرفتم بتو ای خدای من پس محروم مکن گمان مرا

مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَحْجُبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ إِلَهِي أَقِمْنِي فِي أَهْلِ وِلَايَتِكَ
از رحمت خود ومنع مکن مرا از مهربانی خود خدای من برپا دار مرا در میان اصحاب ولایت خود

مُقَامَ مَنْ رَجَا الزِّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ إِلَهِي وَأَلْهِمْنِي وَلَهًا بِذِكْرِكَ
در جای کسیکه امید داشته باشد زیادتی از دوستی تو خدای من وبدل انداز مرا حرصی بذکر خود

إِلَى ذِكْرِكَ وَاجْعَلْ هِمَّتِي فِي رَوْحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ وَمَحَلِّ قُدْسِكَ
بسوی ذکر خود وبگردان آهنگ مرا بسوی راحت فیروزی نامهای خود وجایگاه قدس خود

إِلَهِي بِكَ عَلَيْكَ إِلَّا أَلْحَقْتَنِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ وَالْمَثْوَى
خدای من بذات تو قسم برتو مگر آنکه برسانی مرا بجایگاه فرمانبرداران خود وجایگاه

الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا وَلَا أَمْلِكُ لَهَا
شایسته از خشنودیهای خود زیرا که بتحقیق من توانا نیستم برای نفس خود دفع کردنی را ومالک نیستم برای آن

نَفْعًا إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمُذْنِبُ وَمَمْلُوكُكَ الْمُنِيبُ الْمَعِيبُ
نفعی را خدای من منم بنده تو ناتوان گنهکار ومنم بنده تو رجوع نماینده عیب دار

فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفْتَ عَنْهُ وَجْهَكَ وَحَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ إِلَهِي
پس مگردان مرا از آنان که گردانیده از ایشان روی خود را وباز داشته ایشان را غفلت ایشان از عفو خود خدای من

هب لي كمال الانقطاع اليك وانر ابصار قلوبنا بضياء نظرها اليك

ببخش مرا کمال بریدگی بسوی خود و روشن کن دیده های دلهای ما را بروشنائی نگریستن آنها بسوی تو

حتى تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الى معدن العظمة

تا آنکه بدرد دیده های دلها حجابهای نور را پس برسد بسوی قرارگاه بزرگواری

وتصير ارواحنا معلقة بعز قدسك الهي واجعلني ممن ناديته

و بگردد نفوس ما درآویخته بعزت پاکی تو خدای من و بگردان مرا از آنانکه خواندی آنها را

فاجابك ولاحظته فصعق لجلالك فناجيته سرا وعمل لك

پس اجابت نمودند ترا و نگریستی بآنها پس بیهوش شدند بجهت بزرگواری تو پس گفتی با آنها راز را و کار کردند

جهرا الهي لم اسلط على حسن ظني قنوط الاياس ولا انقطع

آشکارا خدای من مسلط نساختم بر نیکوئی اعتقاد خود شدت نومیدی را و بریده نشد

رجائي من جميل كرمك الهي ان كانت الخطايا قد اسقطتني

امید من از کرم نیک تو خدای من اگر بوده باشند گناهان که بتحقیق انداختند مرا

لديك فاصفح عني بحسن توكلي عليك الهي ان حطتني

نزد تو پس درگذر از من بسبب نیکوئی توکل من بر تو خدای من اگر فرود آورد مرا

الذنوب من مكارم لطفك فقد نبهني اليقين الى كرم

گناهان از نوازشهای مهربانی تو پس بتحقیق بلند کردانیده مرا جزم داشتن بسوی بزرگی

عطفك الهي ان انامتني الغفلة عن الاستعداد للقائك فقد

لطف تو خدای من اگر خوابانیده مرا بی خبری از آماده شدن برای ملاقات تو پس بتحقیق

نبهتني المعرفة بكرم آلائك الهي ان دعاني الى النار عظيم عقابك

بیدار کرد مرا شناختن بزرگی نعمتهای تو خدای من اگر بخواند مرا بسوی آتش عقاب بزرگ تو

فقد دعاني الى الجنة جزيل ثوابك الهي فلك اسأل واليك

پس بتحقیق بخواند مرا بسوی بهشت ثواب وافر تو خدای من پس ترا سوال میکنم و بسوی تو

ابتهل وارغب واسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان

تضرع مینمایم و رغبت میکنم و سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تجعلني ممن يديم ذكرك ولا ينقض عهدك ولا يغفل عن

بگردانی مرا از آنانکه همیشه دارند ذکر ترا و نشکنند پیمان ترا و غافل نمیشوند از

شكرك ولا يستخف بامرك الهي والحقني بنور عزك الابهج

سپاس گزاری تو و سبک نشمارند فرمان ترا خدای من و برسان مرا بروشنی عزت خود که نیکوترست

فاكون لك عارفا وعن سواك منحرفا ومنك خائفا مراقبا

پس بوده باشم مر ترا شناسا و از غیر تو میل کننده و از تو ترسان هیمناک

يا ذا الجلال والاكرام وصلى الله على محمد رسوله

ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و رحمت فرستد خدا بر محمد فرستاده خود

وآله الطاهرين وسلم تسليما كثيرا

و خاندان او که پاکانند و درود فرستد درود بسیار

و این از مناجاتهای جلیل القدر ائمه علیهم السلام است و بر مضامین عالیه مشتمل است و در همه اوقات که حضور قلبی باشد خواندن مناسب است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در مجموع ماه شعبان هزار مرتبه بگوید

لا اله الا الله ولا نعبد الا اياه مخلصين له الدين ولو كره المشركون

نیست خدایی سزاوار پرستش بجز خدا و نمی پرستیم مگر او را در حالتیکه خالص کرده باشیم برای او دین را هر چند ناخوش دارند کافران

حق تعالی عبادت هزار ساله در نامه عمل او بنویسد و گناهان هزار ساله از او محو کند و از قبر بیرون آید بار دیگر نورانی مانند ماه شب چهارده و او را صدیق بنویسند و بسند معتبر منقول است که از حضرت صادق علیه السلام سوال کردند از فضیلت روزه رجب حضرت فرمود چرا غافل گردیده اید از روزه شعبان راوی گفت یا ابن رسول الله چه ثواب دارد کسیکه یک روز شعبان را روزه دارد گفت والله بهشت ثواب او است گفت یا ابن رسول الله بهترین عملها در این ماه چیست فرمود تصدق کردن و طلب آمرزش

نمودن هر که در این ماه تصدق کند حق تعالی آن را تربیت میکند چنانچه یکی از شما شتر بچه خود را تربیت
کند تا آنکه در قیامت مانند کوه احد بصاحبش رسد **فصل سوم** در بیان اعمال و فضائل ایام
مخصوصه اول ماهست تا ایام بیض بسندهای معتبر منقول است از حضرت صادق علیه السلام
که هر که روز اول ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب گردد البته و از حضرت امام رضا
علیه السلام منقول است استحباب روزه سه روز اول و سه روز میان و سه روز آخر ماه و از حضرت امیر المؤمنین
منقول است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که در هر پنجشنبه ماه شعبان زینت میکنند
آسمانها را پس ملائکه میگویند خداوندا بیامرز روزه داران این روز را و دعای ایشان را مستجاب
گردان و روز سوم ماه شعبان روز بسیار مبارک است و موافق مشهور روز ولادت
حضرت امام حسین صلوات الله علیه است و از حضرت صاحب الامر فرمانی بیرون آمد که روز سوم
ماه شعبان روز ولادت حضرت امام حسین است پس روزه بدارید و این دعا را بخوانید

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فی هٰذَا الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلالِهِ
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بحق آنکه متولد شده درین روز وعده داده شد بشهادت او پیش از استهلال
وَوِلادَتِهِ بَکَتْهُ السَّماءُ وَمَنْ فیها وَالْاَرْضُ وَمَنْ عَلَیْها وَلَمّا یَطَأْ لابَتَیْها
و ولادت او گریست بر او آسمان و آنکه در آنست و زمین و هر چه بر آنست و حال آنکه قدم ننهاده بود در دو سنگستان
قَتیلِ الْعَبْرَةِ وَسَیِّدِ الْاُسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ یَوْمَ الْکَرَّةِ
آن شهید سرشک و بزرگ قوم و مدد کرده شده بیاری در روز رجعت
الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَالشِّفاءَ فی تُرْبَتِهِ
عوض داده شده از کشتن خود اینکه پیشوایان از فرزندان اویند و شفا در خاک مدفن او است
وَالْفَوْزَ مَعَهُ فی اَوْبَتِهِ وَالْاَوْصِیاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قائِمِهِمْ
و رستگاری با او در وقت بازگشت او و اوصیا که از فرزندان او است بعد از ظهور قائم ایشان
وَغَیْبَتِهِ حَتّی یُدْرِکُوا الْاَوْتارَ وَیَثْأَرُوا الثّارَ وَیُرْضُوا الْجَبّارَ
و غیبت او تا آنکه دریابند عوض خونها را و مطالبه کنند خون را و خشنود سازند خدای

شعبان

ويكونوا خير انصار صلّى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار

و بوده باشند بهترين ياران رحمت فرستد خداى برايشان با آمد و شد شب و روز

اللهم فبحقهم اليك اتوسّل واسئل سؤال مقترف معترف

بار خدايا پس بحق ايشان بسوى تو توسل ميجويم وسؤال ميكنم مانند سؤال گنهكار اعتراف كننده

مسيء الى نفسه مما فرط فى يومه وامسه يسألك العصمة الى

بدى كننده بسوى خود از آنچه تقصير كرده در روز حاضر خود و روز گذشته خودى خواهد از تو عصمت را بسوى

محل رمسه اللهم صلّ على محمد وعترته واحشرنا فى زمرته

جايگاه دفن خود بار خدايا رحمت فرست بر محمد وآل او و برانگيز ما را در گروه ايشان

وبوّئنا معه دار الكرامة ومحل الاقامة اللهم وكما

و ساكن گردان ما را با او در سراى نوازش و جايگاه اقامت بار خدايا و چنانكه

اكرمتنا بمعرفته فاكرمنا بزلفته وارزقنا مرافقته وسابقته

گرامى داشتى ما را بشناخت او پس گرامى دار ما را بنزديكى او و روزى كن ما را رفاقت او و پيشى گرفتن

واجعلنا ممن يسلّم لامره ويكثر الصلاة عليه عند ذكره وعلى

و بگردان ما را از آنكه گردن مى‌نهند براى فرمان او و بسيار مى‌فرستند رحمت بر او نزد ذكر او و بر

جميع اوصيائه واهل اصطفائه الممدودين منك بالعدد

همه اوصياى او و برگزيدگان او كشيده شده اند از لطف تو بعدد

الاثنى عشر النجوم الزهر والحجج على جميع البشر اللهم وهب لنا

دوازده ستارگان روشن و حجتها بر همه ... خداوندا و ببخش ما را

فى هذا اليوم خير موهبة وانجح لنا فيه كل طلبة كما وهبت الحسين

در اين روز بهترين بخششى و برآور براى ما در اين روز هر حاجتى را چنانچه بخشيدى حسين را

لمحمد جدّه وعاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده

براى محمد جد او و پناه گرفت فطرس بمهد او پس ما پناه گيرنده ايم بقبر او از پس او

فصل سوم در بيان بعضى از آداب و اوقات طعام خوردن

نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَنَنْتَظِرُ اَوْبَتَهُ اٰمِیْن رَبَّ الْعَالَمِیْن

حاضر می‌شویم قبر او را و انتظار میکشیم بازگشت او را به پذیرای پروردگار جهانیان و زیارت آنحضرت و غسل زیارت درین روز مستحب است و کیفیت زیارت بعد ازین مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و شیخ طوسی رحمه الله روایتی نقل کرده است که حضرت امام حسین صلوات الله علیه در روز پنجم این ماه متولد شده اگر احتیاطاً هر دو روز را حرمت بدارند و اعمال را درین دو روز بعمل آورند و خصوصاً زیارت بهتر است و ایضاً شیخ بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه در روز هفتم ماه شعبان متولد شده است اگرچه خلاف مشهور است چنانچه در ماه رجب مذکور شد اما بر وفق این روایت اگر روزه و زیارت آنحضرت و سایر اعمال خیر را درین روز بعمل آورند مناسب است **فصل چهارم** در اعمال ایام البیض ماه شعبانست اعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم چنانچه در اعمال ماه رجب مذکور شد که سنت است که شب سیزدهم دو رکعت و در شب چهاردهم چهار رکعت و شب پانزدهم شش رکعت بجا آورند و در هر رکعت بعد از حمد سوره یٰس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند و در نماز سلت سورها که از حفظ نتواند خواند از روی قرآن میتوان خواند در روزه هر سه روز سنت است و فضائل و اعمال شب پانزدهم زیاده از آنست که درین رساله احصا توان نمود و اکتفا مینمائیم بآنچه صحیح تر است از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون نصف شعبان شود شب آنرا بعبادت بایستید و روزش را روزه بدارید بدرستی که از اول تا آخر این شب ندا میرسد از جانب حق تعالی که آیا استغفار کننده هست که طلب آمرزش از گناهان خود کند که گناهان او را بیامرزیم آیا کسی هست که از ما طلب روزی کند و ما روزی او را فراخ گردانیم و غسل درین شب سنت است و از حضرت صادق منقول است که روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه آن غسل کنید که باعث تخفیف گناهان شما باشد و رحمت الهی شما را دریابد و از جمله اعمال این شب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که هر که خواهد با او مصافحه کند روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام

را در شب نصف ماه شعبان پس اگر ملائکه و پیغمبران درین شب از خدا رخصت میطلبند که بزیارت
آنحضرت بیایند و رخصت می یابند پس خوشا حال کسیکه این بزرگواران با او مصافحه کنند و از
جمله ایشانند پنج پیغمبر اولوا العزم نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم اجمعین
که مبعوث گردیده اند بمشرق و مغرب زمین و جنیان و آدمیان و از حضرت صادق علیه
السلام منقولست که در شب نیمه شعبان می آمرزند جمیع گناهان کسی را که زیارت آنحضرت
کند دران شب و اقل زیارت آنحضرت آنست که ببامی یا بصحن گشاده درآید و بجانب راست
آسمان و بجانب چپ و بالای سر نظر کند پس بانگشت اشاره کند بجانب سمت قبله و بگوید

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
درود باد بر تو ای ابا عبد الله درود باد بر تو ای فرزند
رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ
رسول خدا درود بر تو باد و رحمت خدا و برکتهای او

و اگر یکی از زیارات مبسوطه را بعمل آورد بهتر است و از جمله آنها این است

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ
درود بر تو باد ای میراث برنده آدم برگزیده خدا سلام بر تو باد
يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ
ای میراث برنده نوح پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای میراث برنده ابراهیم
خَلِيلِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللهِ السَّلامُ
دوست خدا سلام بر تو باد ای وارث موسی هم سخن خدا سلام
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ
بر تو باد ای وارث عیسی روح الله سلام بر تو باد ای وارث محمد
حَبِيبِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ
حبیب خدا سلام بر تو باد ای وارث پادشاه گروندگان دوست خدا سلام بر تو باد

يا ابن محمد المصطفى السلام عليك يا ابن علي المرتضى السلام

ای پسر محمد مصطفی سلام بر تو باد ای پسر علی مرتضی سلام

عليك يا ابن فاطمة الزهراء السلام عليك يا ابن خديجة الكبرى

بر تو باد ای پسر فاطمه زهرا سلام بر تو باد ای فرزند خدیجه کبری

السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور اشهد انك

سلام بر تو باد ای خون طلب خدا و فرزند خون طلب خدا و ای کشته که گرفته نشد عوض خون

قد اقمت الصلوة واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت

تحقیق تو برپا داشتی نماز را و دادی زکوة را و امر فرمودی بهر نیکی و منع نمودی

عن المنكر واطعت الله ورسوله حتى اتاك اليقين فلعن الله

از هر بدیی و فرمان برداری نمودی خدا و رسول او را تا آنکه آمد ترا موت پس دور کند خدا از رحمت خود

امة قتلتك ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك

گروهی که کشتند ترا و دور کند خدا از رحمت خود گروهی که ستم کردند بر تو و دور کند خدا گروهی که شنیدند آنرا

فرضيت به يا مولاي يا ابا عبد الله اشهد انك كنت نورا في الاصلاب

پس خوشنود شدند بآن ای آقای من ای اباعبدالله گواهی میدهم اینکه تحقیق تو بودی نور در صلبهای

الشامخة والارحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها و

بلند و رحمهای پاک نجس نگردانید ترا جاهلیت بنجاستهای خود و

لم تلبسك من مدلهمات ثيابها واشهد انك من دعائم الدين

نپوشانید ترا از جامه‌های تیره خود و گواهی میدهم باینکه تحقیق تو از ستونهای دینی

واركان المؤمنين واشهد انك الامام البر التقي الرضي الزكي

و رکنهای گروندگانی و گواهی میدهم اینکه تحقیق تو پیشوای نیکوکار پرهیزکار پسندیده پاک

الهادي المهدي واشهد ان الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام

رهنمای راه یافته و گواهی میدهم باینکه پیشوایان از فرزندان تو کلمه پرهیزکاری و نشانهای

الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى اَهْلِ الدُّنْيَا وَاُشْهِدُ اللهَ وَ

هدایت و دست آویز محکم و حجت بر اهل دنیا اند و گواه میگیرم خدا را و

مَلَائِكَتَهُ وَاَنْبِيَاءَهُ وَرُسُلَهُ اَنّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي

و فرشتگان او را و پیغمبران او را و رسولان او را بآنکه من بشما ایمان آورنده ام و برجعت شما یقین دارنده ام [illegible]

وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَاَمْرِي لِاَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ صَلَوَاتُ

و خاتمه های کردار خود و دل من دل شما را گردن نهنده است و امر من امر شما را پیروی کننده رحمتهای

اللهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى اَرْوَاحِكُمْ وَعَلَى اَجْسَادِكُمْ وَعَلَى اَجْسَامِكُمْ وَعَلَى

خدا بر شما و بر نفوس شما و بر بدنهای شما و بر تنهای شما و بر

شَاهِدِكُمْ وَعَلَى غَائِبِكُمْ وَعَلَى ظَاهِرِكُمْ وَعَلَى بَاطِنِكُمْ

حاضر شما و بر غائب شما و بر ظاهر شما و بر باطن شما

پس دو رکعت نماز زیارت میکند و اگر نماز را پیش از زیارت بکند نیز خوبست و اگر
از دور زیارت کند پس قصد زیارت حضرت علی بن الحسین شهید علیه السلام بکند و بگوید

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ نَبِيِّ اللهِ السَّلَامُ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند پیغمبر خدا سلام

عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ

بر تو ای فرزند پادشاه مومنان سلام بر تو ای فرزند حسین شهید سلام

عَلَيْكَ اَيُّهَا الشَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنَ الْمَظْلُومِ

بر تو ای شهید سلام بر تو ای ستم رسیده [illegible] ستم رسیده

لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً

لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که ستم کردند بر تو و لعنت کند خدا گروهی

سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ

که شنیدند آنرا پس خشنود شدند بآن

پس قصد زیارت سائر شهدا رضی الله عنهم بکنند و بگویند

السَّلامُ عَلَيكُم يا اَولياءَ اللهِ وَاَحِبّاءَهُ السَّلامُ عَلَيكُم يا اَصفِياءَ
سلام برشما ای محبان خدا و دوستان او سلام برشما ای برگزیدگان

اللهِ وَاَوِدّاءَهُ السَّلامُ عَلَيكُم يا اَنصارَ دينِ اللهِ السَّلامُ عَلَيكُم
خدا و دوست داران او سلام برشما ای یاوران دین خدا سلام برشما

يا اَنصارَ رَسولِ اللهِ السَّلامُ عَلَيكُم يا اَنصارَ اَميرِ المُؤمِنينَ السَّلامُ
ای یاوران رسول الله سلام برشما ای یاوران امیر المؤمنین سلام

عَلَيكُم يا اَنصارَ فاطِمَةَ الزَّهراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ العالَمينَ السَّلامُ عَلَيكُم
برشما ای یاوران فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان سلام برشما

يا اَنصارَ اَبي مُحَمَّدٍ الحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ النّاصِحِ السَّلامُ عَلَيكُم
ای یاوران ابی محمد حسن بن علی پاک نصیحت نماینده سلام برشما

يا اَنصارَ اَبي عَبدِ اللهِ بِاَبي اَنتُم وَاُمّي طِبتُم وَطابَتِ الاَرضُ الَّتي فيها
ای یاوران ابی عبد الله فدا باد پدر من شما را و مادر من خوشا حال شما و خوشا حال زمینی که در آن

دُفِنتُم وَفُزتُم فَوزاً عَظيماً فَيا لَيتَني كُنتُ مَعَكُم فَاَفوزَ مَعَكُم
مدفون شدید و فیروزی یافتید فیروزی بزرگ پس ای کاش من بودمی با شما پس فیروزی یافتمی با شما

و در شب اول و پانزدهم شهر رجب و در سوم و پنجم ماه شعبان و شبهای ماه مبارک رمضان و شبهای
عید و سائر ایامیکه زیارت آنحضرت مستحبست بهمین طریق زیارت آنحضرت میتوان کرد و زیارات
مخصوصه را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام هر که خواهد بآن کتاب رجوع نماید و از جمله آنها
این است که ولادت با سعادت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه در این شب واقع شده
و سنت است که در این شب این دعا را بخوانند که بمنزله زیارت آنحضرت است

اللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَيلَتِنا هٰذِهِ وَمَولودِها وَحُجَّتِكَ وَمَوعودِها الَّتي قَرَنتَ
خداوندا بحق این شب ما و متولد شده در آن و بحق حجت تو و وعده داده شده که نزدیک

إلى فضلها فصلاً فتمّت كلماتك صدقاً وعدلاً لا مبدّل لكلماتك

بسوی فضل آن فضل بزرگ را پس تمام شد کلمه های تو از روی راستی و انصاف نیست بدل کننده مر کلمه های ترا

ولا معقّب لآياتك نورك المتألّق وضياؤك المشرق والعلم النور

ونه بازپس دارنده مر نشانهای ترا نور تو درخشنده و روشنی تو روشن شونده و نشان روشن

في طخياء الديجور الغائب المستور جلّ مولده وكرم محتده والملائكة

در شب تیره و تار پنهان پوشیده بزرگ است ولادت او و گرامی است اصل او و فرشتگان

شهّده والله ناصره ومؤيّده إذا آن ميعاده والملائكة

شاهدان اویند و خدا یاری دهنده او و توانایی دهنده او هرگاه نزدیک شود زمان وعده ظهور و فرشتگان

أمداده سيف الله الذي لا ينبو ونوره الذي لا يخبو وذو الحلم

مددکنندگان اویند شمشیر خدا که بر نمی جهد و روشنایی او که فرو نمیشود و خداوند بردباری

الذي لا يصبو مدار الدهر ونواميس العصر وولاة الأمر والمنزل

که میل نمیکند مدار زمانه و رازدار روزگار و صاحبان فرمان و آنانکه فرو فرستاده شده

عليهم الذكر وما ينزل في ليلة القدر وأصحاب الحشر والنشر

برایشان ذکر و آنچه فرود می آید در شب قدر و خداوندان روز قیامت بیان کنندگان

وحيه وولاة أمره ونهيه اللهم فصلّ على خاتمهم وقائمهم المستور

وحی او و والیان امر او و نهی او بار خدایا پس رحمت بفرست بر آخر ایشان و قائم ایشان پنهان

عن عوالمهم وأدرك بنا أيامه وظهوره وقيامه واجعلنا من

از عالمهای ایشان و برسان ما را بروزگار دولت او و ظاهر شدن او و برپا شدن او و بگردان ما را از

أنصاره واقرن ثارنا بثاره واكتبنا في أعوانه وخلصائه وأحينا

از یاوران او و نزدیک گردان خون ما را بخون او و بنویس ما را در مددکاران او و خالصان او و زنده گردان ما را

في دولته ناعمين وبصحبته غانمين وبحقّه قائمين ومن السوء

در زمان دولت خوش عیش شوندگان و صحبت او غنیمت گیرندگان و بحق او برپا شوندگان و از هر بدی

سائلین یا ارحم الراحمین والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد

رهای یابندگان ای بخشاینده ترین بخشایندگان و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است و رحمت فرستد

خاتم النبیین والمرسلین وعلی اهل بیته الصادقین وعترته الناطقین

آخر پیغمبران و فرستادگان و بر خاندان او که راست گویانند و خویشان او که سخن گویانند

والعن جمیع الظالمین واحکم بیننا وبینهم یا احکم الحاکمین

ولعنت کن همه ستمکاران را حکم کن میانهٔ ما و میانهٔ ایشان ای حکم کننده ترین حکم کنندگان

و زید شهید روایت کرده است که پدرم امام زین العابدین علیه السلام ما همه را در شب نیمهٔ شعبان
نزد خود جمع میکرد و شب را سه حصه میکرد در ثلث اول نماز میکرد و در ثلث دوم دعا میکرد
ما آمین میگفتیم بر دعای او و ثلث آخر را استغفار و طلب آمرزش میکرد و ما نیز استغفار میکردیم
تا صبح طالع میشد یعنی بعد از نماز شب و نمازهای این شب بسیار است و از جملهٔ آنها چهار رکعت است
هر دو رکعت بیک سلام و سی نفر از اصحاب حضرت صادق علیه السلام این نماز را از آنحضرت
روایت کرده اند و در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوانند و بعد از نماز این دعا را بخوانند

اللهم انی الیک فقیر ومن عذابک خائف وبک مستجیر رب لا تبدل

خداوندا بدرستیکه من بسوی تو محتاجم و از عذاب تو ترسانم و بتو پناه جوینده پروردگارا تبدیل مکن

اسمی ولا تغیر جسمی رب لا تجهد بلائی رب لا تشمت بی اعدائی

نام مرا و تغییر مده بدن مرا پروردگارا بنهایت مرسان بلای مرا پروردگارا شاد مگردان بمن دشمنانم را

اعوذ بعفوک من عقابک واعوذ برحمتک من عذابک واعوذ

پناه میبرم بعفو تو از عقاب تو و پناه میبرم برحمت تو از عذاب تو و پناه میبرم

برضاک من سخطک واعوذ بک منک جل ثناؤک

بخشنودی تو از خشم تو و پناه میبرم بتو از تو بزرگ است ستایش تو

انت کما اثنیت علی نفسک وفوق ما یقول القائلون فیک

تو چنانی که ستوده تو بآن خود را و بالاتر از آنچه گویند گویندگان در بارهٔ تو

و در روایت دیگر نماز چهار رکعت است بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد و توحید و

پنجاه مرتبه قل هو الله احد یا صد مرتبه یا پنجاه مرتبه بخوانند و بعد از نماز این دعا را بخوانند

اللهم انی الیک فقیر و انی من عذابک خائف و بک مستجیر رب

خداوندا بدرستیکه من بسوی تو محتاجم و بدرستیکه من از عذاب تو ترسانم و بتو زنهار جوینده ام پروردگار من

لا تبدل اسمی و لا تغیر جسمی رب لا تجهد بلائی اللهم انی اعوذ

بدل مکن نام مرا و تغییر مده جسم مرا پروردگار من بنهایت مرسان بلای مرا خداوندا بتحقیق که من پناه میگیرم

بعفوک من عقوبتک و اعوذ برضاک من سخطک و اعوذ برحمتک من

بعفو تو از عقوبت تو و پناه میگیرم بخشنودی تو از خشم تو و پناه میگیرم برحمت تو از

عذابک و اعوذ بک منک لا اله الا انت جل ثناؤک و لا احصی

عذاب تو و پناه میگیرم بتو از تو نیست سزاوار پرستش بغیر تو بزرگست ثنای تو و نمی توانم شمرد

مدحتک و لا الثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک و فوق

ستایش ترا و نه ستودن ترا تو چنانی که ستوده بر ذات خود و بالاتری

ما یقول القائلون رب صل علی محمد و آل محمد و افعل بی کذا و کذا

انچه گویند گویندگان پروردگار من رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با من چنان و چنان

و بجای کذا و کذا حاجات خود را یاد کند و اگر این نماز را با پنجاه مرتبه قل هو الله احد بجا آورد

موافق میشود با نماز حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام و در فضیلت آن احادیث بسیار

است و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شب نیمه شعبان بهترین شبها

است بعد از شب قدر و حق تعالی فضل خود را درین شب بر بندگان عطا می نماید و باحسان

خود گناهان ایشان را می آمرزد پس سعی کنید در عبادت درین شب که این شبی است که حق تعالی

بذات مقدس خود سوگند یاد کرده است که سائلی را از درگاه خود رد نکند مگر آنکه

معصیتی از خدا طلب نماید و این شب را خدای تعالی برای ما اهلبیت قرار داده است

برابر شب قدر که از برای پیغمبر ما قرار داده است پس اهتمام نمائید درین شب در دعا

و ثنا کردن بر خدا تعالی بدرستیکه هر که در این شب صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه
الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و حاجتهای دنیا و آخرت او را
برآورد خواه طلب نماید و خواه ننماید. آنگاه پرسید که بهترین دعاها در این شب کدام است فرمود که بعد از
نماز خفتن دو رکعت نماز بکن در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم
سوره قل هو الله احد بخوان و بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و چهار مرتبه الله اکبر بگو
که ترتیب تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها چنانچه ظاهر و خوب باشد پس این دعا بخوان

يَا مَنْ إِلَيْهِ مَلْجَأُ الْعِبَادِ فِي الْمُهِمَّاتِ وَإِلَيْهِ يَفْزَعُ الْخَلْقُ فِي الْمُلِمَّاتِ يَا عَالِمَ

ای آنکه بسوی اوست پناه بردن بندگان در کارهای سخت و بسوی او پناه می‌گیرند آفریدگان در بلاهای گران

الْجَهْرِ وَالْخَفِيَّاتِ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَوَاطِرُ الْأَوْهَامِ وَتَصَرُّفُ الْخَطَرَاتِ

آشکارا و نهانیها ای آنکه پنهان نیست بر او اندیشه‌های و همها و گردش خیالات

يَا رَبَّ الْخَلَائِقِ وَالْبَرِيَّاتِ يَا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ الْأَرَضِينَ وَالسَّمٰوَاتِ

ای پروردگار خلائق و آفریدگان ای آنکه بدست اوست پادشاهی زمینها و آسمانها

أَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَمُتُّ إِلَيْكَ بِلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ فَيَا لَا إِلٰهَ

تو ای خدا نیست خدائی مگر تو توسل میجویم بسوی تو به کلمه لا اله الا انت پس ای آنکه نیست خدا

إِلَّا أَنْتَ اجْعَلْنِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ إِلَيْهِ فَرَحِمْتَهُ وَسَمِعْتَ

مگر تو بگردان مرا در این شب از آنانکه نظر افکندی بسوی او پس رحم کردی او را و شنیدی

دُعَاءَهُ فَأَجَبْتَهُ وَعَلِمْتَ اسْتِقَالَتَهُ فَأَقَلْتَهُ وَتَجَاوَزْتَ عَنْ سَالِفِ

دعای او را پس اجابت کردی او را و دانستی طلب گذشتن او را پس درگذشتی از او و تجاوز نمودی از گذشته

خَطِيئَتِهِ وَعَظِيمِ جَرِيرَتِهِ فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبِي وَلَجَأْتُ

گناه او و بزرگ خطای او پس تحقیق امان خواسته‌ام بتو از گناهان خود و پناه آورده‌ام

إِلَيْكَ فِي سَتْرِ عُيُوبِي اللّٰهُمَّ فَجُدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ وَاحْطُطْ

بسوی تو در پوشانیدن عیبهای خود خدایا پس بخشش کن بمن بزرگواری و بخشش خود و فرو ریز

خطایای بحلمك وعفوك وتغمّدنی فی هذه اللیلة بسابغ کرامتك

گناهان مرا به بردباری خود و درگذشتن خود و بپوشان مرا در این شب بنوازش کامل خود

واجعلنی فیها من اولیائك الذین اجتبیتهم لطاعتك واخترتهم

و بگردان مرا درین شب از دوستان خود که برگزیدی ایشان را برای طاعت خود و اختیار کردی ایشان را

لعبادتك وجعلتهم خالصتك وصفوتك اللهم اجعلنی ممن سعد

از برای عبادت خود و گردانیدی ایشان را دوست خالص خود و برگزیدهٔ خود بار خدایا بگردان مرا از آنانکه نیکو شد

جدّه وتوفّر من الخیرات حظّه واجعلنی ممن سلم فنعم وفاز فغنم

بخت ایشان و وافر گشته از نیکیها بهرهٔ ایشان و بگردان مرا از آنانکه سلامتی یافتند پس مرفه شدند و فیروزی یافتند

واکفنی شرّ ما اسلفت واعصمنی من الازدیاد فی معصیتك وحبّب

و دفع کن از من گزند آنچه پیش داشته ام و نگاه دار مرا از زیادتی در نافرمانی خود و دوست گردان

الیّ طاعتك وما یقرّبنی منك ویزلفنی عندك سیّدی الیك

بسوی من فرمان برداری خود و آنچه را که نزدیک گرداند مرا بتو و نزدیک نماید مرا نزد تو ای آقای من بسوی تست

ملجأ الهارب ومنك ملتمس الطالب وعلی کرمك یعوّل المستقیل

پناه آوردن گریزنده و از تست درخواستن طلب کننده و بر بزرگواری تو اعتماد میکند طلب عفو نماینده

التائب ادّبت عبادك بالتکرّم وانت اکرم الاکرمین وامرت

رجوع کننده ادب آموختی بندگان خود را به بزرگواری و تو بزرگوار ترین بزرگوارانی و فرمان دادی

بالعفو عبادك وانت الغفور الرحیم اللهم فلا تحرمنی

بدرگذشتن بندگان خود را و توئی بغایت آمرزندهٔ مهربان بار خدایا پس محروم مکن مرا

ما رجوت من کرمك ولا تؤیسنی من سابغ نعمك ولا تخیّبنی من

از آنچه امید داشته ام از بزرگواری تو و نا امید مکن مرا از نعمتهای کامل خود و بی بهره مکن مرا از

جزیل قسمك فی هذه اللیلة لاهل طاعتك واجعلنی فی جُنّة

قسمتهای وافر خود که تقدیر کرده درین شب برای اهل طاعت خود و بگردان مرا در حفظ

مِنْ شَرار بَرِيَّتِكَ رَبّ اِنْ لَمْ اَكُنْ مِنْ اَهْلِ ذٰلِكَ فَاَنْتَ اَهْلُ الْكَرَمِ

از بدترین خلق خود پروردگار من اگر نبوده باشم از اهل آن پس تو سزاوار بخشش

وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا اَنْتَ اَهْلُهُ لَا بِمَا اَسْتَحِقُّهُ فَقَدْ

و درگذشتن و آمرزشی و بخشش کن بمن بانچه تو سزاوار آنی نه بانچه من سزاوار آنم پس تحقیق

حَسُنَ ظَنِّي بِكَ وَتَحَقَّقَ رَجَائِي لَكَ وَعَلِقَتْ نَفْسِي بِكَرَمِكَ وَاَنْتَ

نیکوست گمان من و ثابت است امید من مر ترا و درآویخته است نفس من ببزرگواری تو و تو

اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَاَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ اَللّٰهُمَّ وَاخْصُصْنِي مِنْ كَرَمِكَ

بخشنده‌ترین بخشندگانی و بزرگوارترین بزرگوارانی بارخدایا و مخصوص گردان مرا از کرم خود

بِجَزِيلِ قِسَمِكَ وَاَعِذْنِي بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَاغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ الَّذِي

بفراوان قسمتهای خود و پناه ده مرا بعفو خود از عقوبت خود و بیامرز برای من گناهی را که

يَحْبِسُ عَنِّي الْخُلُقَ وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ حَتّٰى اَقُومَ بِصَالِحِ رِضَاكَ وَاَنْعَمَ

باز میدارد از من خلق را و تنگ میکند بر من روزی را تا آنکه برپا شوم بشایسته خشنودی تو و متنعم

بِجَزِيلِ عَطَائِكَ وَاَسْعَدَ بِسَابِغِ نَعْمَائِكَ فَقَدْ لُذْتُ بِحَرَمِكَ وَتَعَرَّضْتُ

به بسیاری عطای تو و نیکبخت شوم به نعمتهای کامل تو پس تحقیق پناه آورده‌ام بحرم تو و در پیش آمده‌ام

لِكَرَمِكَ وَاسْتَعَذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَبِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ

به بزرگواری تو و پناه می‌جویم بعفو تو از عقوبت تو و به بردباری تو از غضب تو

فَجُدْ لِي بِمَا سَاَلْتُكَ وَاَنِلْ مَا الْتَمَسْتُ مِنْكَ اَسْاَلُكَ بِكَ لَا بِشَيْءٍ

پس ببخش مرا آنچه سؤال کردم ترا و عطا کن آنچه درخواستم از تو میخواهم از تو نه بچیزی

اَعْظَمَ مِنْكَ پس سجده میروی و میگوئی يَا رَبِّ بیست مرتبه يَا اَللّٰهُ هفت مرتبه لَا حَوْلَ وَلَا

بزرگتر از تو ای پروردگار من ای خدا نیست گردیدنی

قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ هفت مرتبه مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ده مرتبه لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ

و توانائی مگر بتوفیق خدا هرچه خدا میخواهد میشود نیست توانائی مگر بتوفیق خدا نیست توانائی مگر بتوفیق خدا

شعبان

ده مرتبه بخواند صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد پس آنچه خواهی حاجت خود را از خدا طلب کن

میگویند که اگر بعدد قطرات باران حاجت بطلبی خدا آنها را از کرم و فضل خود برآورد

یَا اَللهُ ... بِحَقِّ مُحَمَّدٍ ... اِلٰهِی تَعَرَّضَ لَکَ فِی

ای خدا ... ای پروردگار محمد ... خدایا پیش تو فرا پیش آمدند

هٰذَا اللَّیْلِ الْمُتَعَرِّضُوْنَ وَقَصَدَکَ الْقَاصِدُوْنَ وَاَمَّلَ فَضْلَکَ وَمَعْرُوْفَکَ

شب فرا پیش آیندگان و قصد کردند ترا قصد کنندگان و آرزو نمودند فضل ترا و احسان ترا

الطَّالِبُوْنَ وَلَکَ فِیْ هٰذَا اللَّیْلِ نَفَحَاتٌ وَجَوَائِزُ وَعَطَایَا وَمَوَاهِبُ تَمُنُّ

جویندگان و مر تراست درین شب عطیه‌ها و صله‌ها و عطاها و بخششها که بخشش میکنی

بِهَا عَلٰی مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِکَ وَتَمْنَعُهَا مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنَایَةُ مِنْکَ

با آنها بر هرکه میخواهی از بندگان خود و باز میداری آنها را از آنکه پیشی نگرفته او را عنایت از تو

وَهَا اَنَا ذَا عُبَیْدُکَ الْفَقِیْرُ اِلَیْکَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَکَ وَمَعْرُوْفَکَ

و آگاه باش که من بنده حقیر تو محتاج بسوی تو امیدوار فضل تو و احسان توام

فَاِنْ کُنْتَ یَا مَوْلَایَ تَفَضَّلْتَ فِیْ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ عَلٰی اَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ

پس اگر بوده باشی ای آقای من که بخشش نموده باشی درین شب بر یکی از خلق خود

وَعُدْتَ عَلَیْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِکَ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الطَّیِّبِیْنَ

و نفع رسانیده باشی باو نفعی از مهربانی خود پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد پاکان

الطَّاهِرِیْنَ الْخَیِّرِیْنَ الْفَاضِلِیْنَ وَجُدْ عَلَیَّ بِطَوْلِکَ وَمَعْرُوْفِکَ یَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ

پاکیزگان نیکان زیادتی یافتگان و بخشش کن بر من بانعام خود و احسان خود ای پروردگار عالمیان

وَصَلَّی اللهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِیْنَ الَّذِیْنَ اَذْهَبَ اللهُ عَنْهُمُ

و درود فرستد خدا بر محمد آخر پیغمبران و آل او که پاکانند آنانکه دور داشته خدا از ایشان

الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِیْرًا وَسَلَّمَ تَسْلِیْمًا اِنَّ اللهَ حَمِیْدٌ مَجِیْدٌ

پلیدی را و پاک کرد ایشان را پاک گردانیدنی و درود فرستد درود فرستادنی بدرستیکه خدا ستوده و بزرگوار است

شعبان

اللهم انی ادعوک کما امرت فاستجب لی کما وعدت انک لا تخلف المیعاد

بارخدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کرده تو پس مستجاب کن دعای مرا چنانچه وعده فرموده تو بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را

مولف گوید این دعا بسیار خوبست و از دعاهای مستجابست انشاءالله و آن عمل سابق نیست و ابن بابویه از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده است که جبرئیل بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت یا محمد امت خود را امر کن که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانند پس بسجده روند و در سجده بگویند

اللهم لک سجد سوادی و خیالی و بیاضی یا عظیم کل عظیم اغفر لی

بارخدایا مر ترا سجده کرده سیاهی من و خیال من و سفیدی من ای بزرگ هر بزرگ بیامرز برای من

ذنبی العظیم فانه لا یغفره غیرک یا عظیم

گناه مرا که بزرگست زیرا که بتحقیق نیامرزد آن را غیر تو ای بزرگ مرتبه

پس هر که این عمل را بجا آورد محو کند حق تعالی از و هفتاد و دو هزار گناه او مثل آن حسنه در نامه عمل او بنویسد و محو کند از پدر و مادرش هفتاد هزار گناه را و نماز دیگر نماز یست که عامه و خاصه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که حضرت فرمود که در شب نیمه شعبان در خواب بودم جبرئیل علیه السلام بر من نازل شد و گفت ای محمد آیا بخواب میروی درین شب گفتم این چه شب است گفت شب نیمه شعبان است پس برخیز ای محمد او برو بسوی قبرستان بقیع و گفت سر بلند کن بسوی آسمان بدرستیکه این شبی است که درهای آسمان درین شب گشوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای خشنودی خداوند درهای آمرزش گناهان و درهای فضل و احسان و درگاه توبه و درگاه نعمت و درگاه جود و بخشش و می آمرزد حق تعالی از بندگان درین شب بعدد موهای چهارپایان و شبهای ایشان ای محمد هر که احیا کند این شب را بگفتن

الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله

و نماز کردن و قرآن خواندن و طلب آمرزش و استغفار نمودن بهشت در آخرت جای او باشد و گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود ای محمد هر که درین شب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند

و چون از [illegible] شود ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سورهٔ [illegible] بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی
[illegible] هلاک کند و او را باجر [illegible] بعدد هر سوره و تسبیح قصری در بهشت او عطا کند و شفاعت
او را قبول کند که [illegible] نفر از اهل [illegible] خویشان او و شریک کرده اند او را در ثواب شهیدان و ثواب
روزه داران این ماه و عبادت کنندگان این ماه را با و عطا کند بی آنکه از ثواب آنها چیزی کم شود پس
احیا کن این شب ای محمد و امر کن امت خود را که احیا کنند او را و تقرب جویند بسوی خدا بعبادت
آن بدرستیکه این شبی است بسیار شریف یا محمد من حین نزد تو می آیدم جمیع ملائکه آسمانها پاهای خود در آ[؟] صف
کرده بودند و نزد خدا بعبادت مشغول بودند و بعضی ایستاده بودند بعضی در رکوع بودند و بعضی در
[illegible] بعضی مشغول بودند بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح و بعضی باستغفار یا محمد بدرستیکه حق تعالی
درین شب نظر رحمت بسوی بندگان می افکند و می آمرزد هر مومنی را که بنماز ایستاده باشد یا نشسته
مشغول بتسبیح شد یا در رکوع و سجود باشد یا مشغول یاد خدا باشد و این شبی است که هر که دعا کند البته
دعایش مستجاب میشود و هر که سوال کند با و عطا کرده میشود و هر که استغفار کند آمرزیده شود و هر که توبه
کند توبه اش مقبول شود و محروم کسی است که از خیر این شب محروم گردد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام
منقول است که هر که در شب نیمهٔ شعبان صد رکعت نماز بکند با هزار مرتبه سورهٔ قل هو الله احد یعنی
در هر رکعت ده مرتبه بخواند نمیرد دل او در روزیکه دلها از ترس مرده باشند و نمیرد تا آنکه صد ملک را
به بیند که او را ایمن گردانند از عذاب الهی سی نفر ایشان بشارت دهند او را به بهشت و سی نفر آنها با
که در دنیا او را از شر شیطان نگاه میدارند و سی نفر آنها باشند که در شب و روز برای او استغفار
میکردند در ساعات شب و روز و ده نفر که حفظ میکردند او را از شر دشمنان و منقولست که حضرت

رسول صلی الله علیه و آله درین شب این دعا میخواندند

اَللّٰهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُوْلُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ وَمِنْ

بار خدایا قسمت کن ما را از ترس خود آنچه حائل شود میان ما و میان نافرمانی تو و از

طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ رِضْوَانَكَ وَمِنَ الْيَقِيْنِ مَا يُهَوِّنُ عَلَيْنَا بِهِ مُصِيْبَاتِ

فرمان برداری خود آنچه برساند ما را بسبب آن بخشنودی خود و از یقین آنچه آسان شود بر ما بسبب آن مصیبتهای

الدنیا اللهم امتعنا باسماعنا وابصارنا وقوتنا ما احییتنا واجعلها

دنیا بار خدایا بهره ور کن ما را بگوشهای ما و دیده های ما و قوتهای ما تا وقتیکه زنده داری ما را وبگردان آنها را

الوارث منا واجعل ثارنا علی من ظلمنا وانصرنا علی من عادانا

میراث برنده از ما وبگردان خون ما را بر کسیکه ستم کرده ما را و یاری ده ما را بر آنکه دشمنی کرده ما را

ولا تجعل مصیبتنا فی دیننا ولا تجعل الدنیا اکبر همنا ولا مبلغ

ومگردان مصیبت ما را در دین ما ومگردان دنیا را بزرگترین قصد ما و نه منتهای

علمنا ولا تسلط علینا من لا یرحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

دانش ما و دست مده بر ما آنرا که رحم نکند ما را برحمت خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

واین دعا جامع کاملیست ومتضمن جمیع مطالب دنیا وآخرتست وچون دعای کمیل بن زیاد

که از خواص اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است بهترین دعاهاست از دعاهای این

شب است ودر اوقات دیگر نیز میتوان خواندن با ترجمه در اینجا ایراد مینمائیم که در وقت خواندن متذکر

معانی آن باشند تا فائده اش تمامتر وثوابش عظیم تر باشد بدانکه سید جلیل ابن طاوس در کتاب

اقبال روایت کرده است که کمیل ابن زیاد گفت روزی با مولای خود حضرت امیر المؤمنین

صلوات الله علیه در مسجد بصره نشسته بودم شب نیمه شعبان مذکور شد حضرت فرمود که هر بنده

که آن شب احیا کند ودعای خضر علیه السلام را بخواند البته دعائی او مستجاب گردد وچون حضرت بمنزل

مراجعت نمود شب بخدمتش رفتم چون مرا دید پرسید که بچه کار آمده ای کمیل گفتم یا امیر المؤمنین بطلب

دعای خضر علی نبینا وعلیه السلام آمده ام فرمود که بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی

در هر شب جمعه یا در هر ماه یک مرتبه یا در سالی یکمرتبه یا در عمری یک مرتبه بخوان تا کفایت شر

دشمنان از تو بشود و یاری کرده شوی و روزی داده شوی البته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت

وخدمت تو موجب آن شد که ترا چنین نعمتی وکرامتی ممتاز وسرفراز گردانم پس گفت بنویس دعا را

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اللهم انی اسئلک برحمتک التی وسعت کل شیء وبقوتک التی قهرت

خداوندا بدرستیکه سوال میکنم ترا بحق رحمت تو که فرا گرفته است هر چیز را و بتوانائی تو که غلبه کردی

بها کل شیء وخضع لها کل شیء وذل لها کل شیء وبجبروتک التی

بآن هر چیز را و فروتنی کرده برای آن هر چیز و خوار شده برای آن هر چیز و بجبروت و بزرگواری تو که

غلبت بها کل شیء وبعزتک التی لا یقوم لها شیء وبعظمتک التی

غالب گردیدی بآن هر چیزی را و بعزت تو که نمی ایستد در برابر آن چیزی و ببزرگواری تو که

ملأت کل شیء وبسلطانک الذی علا کل شیء وبوجهک الباقی

پر کرده هر چیزی را و به پادشاهی تو که برتر شد هر چیز را و بذات مقدس که باقی است

بعد فناء کل شیء وباسمائک التی ملأت ارکان کل شیء وبعلمک

بعد از فانی شدن هر چیز و بنامهای تو که پر کرده اند اجزا و ارکان هر چیز را و بدانش تو

الذی احاط بکل شیء وبنور وجهک الذی اضاء له کل شیء یا نور

که فرا گرفته است هر چیز را و بروشنی ذات تو که روشن شده برای آن هر چیز ای نور

یا قدوس یا اول الاولین ویا آخر الآخرین اللهم اغفر لی الذنوب

ای بسیار منزه ای اول پیشینیان و ای آخر پسینیان خداوندا بیامرز برای من گناهانی را

التی تهتک العصم اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل النقم اللهم

که می درد عصمتها را خداوندا بیامرز برای من گناهانی که فرو می آرد عذابها را خداوندا

اغفر لی الذنوب التی تغیر النعم اللهم اغفر لی الذنوب التی تحبس

بیامرز برای من گناهانی که تغییر میدهند نعمتها را بارخدایا بیامرز برای من گناهانی را که حبس میکند

الدعاء اللهم اغفر لی الذنوب التی تقطع الرجاء اللهم اغفر لی

دعا را بارخدایا بیامرز برای من گناهانی که قطع میکنند امید را بارخدایا بیامرز برای من

الذنوب التی تنزل البلاء اللهم اغفر لی کل ذنب اذنبته وکل

گناهانی را که نازل میگردانند بلا را بارخدایا بیامرز برای من هر گناهی که کرده ام آن را و هر

خطیئة اخطأتها اللهم انی تقربت الیک بذکرک واستشفعت بک

خطائیکه بآن کردم آنرا بار خدایا بدرستیکه من نزدیکی جستم بسوی تو بیاد تو و شفاعت خواستم بتو

الی نفسک واسالک بجودک ان تدنینی من قربک وان توزعنی

بسوی تو و سوال میکنم بسبب بخشش تو آنکه نزدیک گردانی مرا بقرب خود و توفیق دهی مرا

شکرک وان تلهمنی ذکرک اللهم انی اسالک سؤال خاضع

شکر خود و آنکه الهام نمائی مرا ذکر خود خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو مانند سوال فروتنی کننده

متذلل خاشع ان تسامحنی وترحمنی وتجعلنی بقسمک راضیا قانعا

خوار لرزان آنکه مسامحه نمائی با من و رحم کنی و بگردانی مرا بقسمت خود خشنود شونده و قناعت کننده

وفی جمیع الاحوال متواضعا اللهم واسالک سؤال من اشتدت

و در تمام احوال تواضع کننده خداوندا و سوال میکنم از تو سوال کسیکه سخت شده است

فاقته وانزل بک عند الشدائد حاجته وعظم فیما عندک رغبته

فقر او و فرود آورده است بتو نزد سختیها حاجت خود را و بزرگ شده است در آنچه نزد تست خواهش او

اللهم عظم سلطانک وعلا مکانک وخفی مکرک وظهر امرک

خداوندا بزرگ شد پادشاهی تو و بلند شد مکان تو و منزلت تو و پنهان شد مکر تو و ظاهر شد امر تو

وغلب قهرک وجرت قدرتک ولا یمکن الفرار من حکومتک

و غالب شد قهر تو و جاری شد قدرت تو و ممکن نمیشود گریختن از حکومت تو

اللهم لا اجد لذنوبی غافرا ولا لقبائحی ساترا ولا لشیء من عملی

بار خدایا نمی یابم برای گناهان خود آمرزنده و نه برای قبائح خود پوشنده و نه برای چیزی از اعمال خود

القبیح بالحسن مبدلا غیرک لا اله الا انت سبحانک وبحمدک ظلمت نفسی

که بدست بعمل نیک بدل کننده غیر تو نیست خدائی بجز تو بپاکی یاد میکنم ترا و بحمد تو مشغولم ستم کردم بنفس خود

وتجرأت بجهلی وسکنت الی قدیم ذکرک لی ومنک علی اللهم مولای

و جرات کردم بنادانی خود و اعتماد کردم بسوی قدیم یاد کردن تو مرا و انعام تو بر من خداوندا ای آقای من

کم من قبیح سترته وکم من فادح من البلاء اقلته وکم من عثار وقیته

چه بسیار زشتی که پوشانیدی آنرا و چه گران از بلاها که زایل کردی آنرا و چه بسیار لغزشها که نگاه داشتی از آن

وکم من مکروه دفعته وکم من ثناء جمیل لست اهلا له نشرته اللهم عظم

و چه بسیار ناخوشی که دفع کردی آنرا و چه بسیار ثنای نیکو که نبودم سزاوار آن پهن کردی آنرا خداوندا بزرگ شده است

بلائی وافرط بی سوء حالی وقصرت بی اعمالی وقعدت بی اغلالی و

بلای من و از حد گذشته است بدی حال من و نارسا است از جانب من کردارهای من و عاجز کرده است مرا غلهای من

حبسنی عن نفعی بعد املی وخدعتنی الدنیا بغرورها ونفسی

منع کرده است مرا از نفع خود دوری آرزوی من و بازی داده است مرا دنیا بفریب خود و فریب داده مرا نفس من

بجنایتها ومطالی یا سیدی فاسئلک بعزتک ان لا یحجب عنک

بجنایات خود و پس انداختن من ای آقای من پس سوال میکنم از تو بعزت تو که منع نکند از تو

دعائی سوء عملی وفعالی ولا تفضحنی بخفی ما اطلعت علیه من سری

دعای مرا بدی عمل من و کردار من و رسوا مکن مرا به پنهان آنچه مطلع شدی بر آن از راز من

ولا تعاجلنی بالعقوبة علی ما عملته فی خلواتی من سوء فعلی واسائتی

و زود مگیر مرا بعقوبت بر آنچه کرده ام آنرا در خلوتهای خود از بدی کردار خود و بدکردن خود

ودوام تفریطی وجهالتی وکثرة شهواتی وغفلتی وکن اللهم

و همیشگی تقصیر خود و نادانی خود و بسیاری شهوتهای خود و غفلت خود و باش خداوندا

بعزتک لی فی الاحوال کلها رؤفا وعلی فی جمیع الامور عطوفا الهی وربی

بعزت خود برای من در احوال همه آن رحم کننده و بر من در همه امور مهربان ای خداوند من و پروردگار

من لی غیرک اسئله کشف ضری والنظر فی امری الهی ومولای

کیست مرا غیر تو که سوال کنم از او گشودن بدحالی خود را و نظر کردن در کار خود ای خداوند من و آقای من

اجریت علی حکما اتبعت فیه هوی نفسی ولم احترس فیه من تزیین

جاری ساختی بر من حکمی را که پیروی کردم در آن خواهش نفس خود را و نگاه داری نکردم خود را در آن حکم از زینت

عدوّی بغرّنی بما اهوی واسعده علی ذلک القضاء فتجاوزت بما جری

دشمن من و پس فریب داد مرا بآنچه خواست و یاری او کرد بر آن امر قضای خدا پس گذشتم بآنچه جاری شد

علیّ من ذلک بعض حدودک وخالفت بعض اوامرک فلک الحمد علیّ

بر من از قضا پاره از حدهای تو و مخالفت کردم پاره از امرهای تو پس تو راست حمد لازم است بر من

فی جمیع ذلک ولا حجّة لی فیما جری علیّ فیه قضاؤک والزمنی حکمک

در جمیع این احوال و نیست حجتی برای من در آنچه جاری شد بر من در آن قضای تو و لازم کرد بر من حکم تو

وبلاؤک وقد اتیتک یا الهی بعد تقصیری واسرافی علی نفسی

و امتحان تو و بتحقیق آمده ام بنزد تو ای خدای من بعد از تقصیر خود و بسیار ضرر رسانیدن بنفس خود

معتذرا نادما منکسرا مستقیلا مستغفرا منیبا مقرّا مذعنا

عذرخواهنده پشیمان شکسته خواهان عفو طلب کننده آمرزش توبه کننده اقرار کننده تصدیق کننده

معترفا لا اجد مفرّا مما کان منی ولا مفزعا اتوجه الیه فی امری غیر

اعتراف کننده نمی یابم گریزگاهی از آنچه صادر شده از من و نه پناهی که رو کنم بسوی آن در کار خود بغیر

قبولک عذری وادخالک ایّای فی سعة من رحمتک اللهم فاقبل

قبول کردن تو عذر مرا و داخل کردن تو مرا در گشادگی از رحمت خود خداوندا پس قبول کن

عذری وارحم شدّة ضرّی وفکّنی من شدّ وثاقی یا ربّ ارحم

عذر مرا و رحم کن شدت بدحالی مرا و رها کن مرا از بستن بند گناهان مرا ای پروردگار من رحم کن

ضعف بدنی ورقّة جلدی ودقّة عظمی یا من بدأ خلقی وذکری

ضعف بدن مرا و تنکی پوست مرا و باریکی استخوان مرا ای کسی که ابتدا کردی آفریدن مرا و یاد کرد

وتربیتی وبرّی وتغذیتی هبنی لابتداء کرمک وسالف برّک بی

و تربیت کردن مرا و نیکی مرا و غذا دادن مرا ببخش مرا برای ابتدا کردن کرم خود و برای نیکیهای پیش

یا الهی وسیدی وربّی أتراک معذّبی بنارک بعد توحیدک وبعد

ای خدای من و آقای من [illegible] آیا می بینم که عذاب کننده [illegible] بآتش خود بعد از [illegible]

مَا انْطَوٰى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلَهِجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدَهُ

آنچه پیچیده شده است بر آن دل من از شناخت تو و گویا شده است بآن زبان من از یاد تو و محکم کرده

ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعًا

دل من از محبت تو بعد از راستی اعتراف من بگناه خود و دعا کردن من از روی خضوع

لِرُبُوبِيَّتِكَ هَيْهَاتَ اَنْتَ اَكْرَمُ مِنْ اَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ اَوْ تُبْعِدَ

برای پروردگاری تو دور است این سخن تو کریم تری از آنکه ضایع گردانی کسی را که خود تربیت کرده یا دور

مَنْ اَدْنَيْتَهُ اَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ اَوْ تُسَلِّمَ اِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ

کنی کسی که نزدیک کرده‌ای او را یا برانی کسی را که جا داده‌ای او را یا بگذاری بسوی بلا کسی را که دفع شر از او کرده و او را رحم کرده

وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَاِلٰهِي وَمَوْلَايَ اَتُسَلِّطُ النَّارَ عَلٰى وُجُوهٍ خَرَّتْ

وکاش میدانستم ای بزرگ من و خدای من و آقای من آیا مسلط خواهی کرد آتش را بر روهائی که افتاده اند

لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَعَلٰى اَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَ

نزد عظمت تو سجده کنندگان و بر زبانها که گویا شده اند بیگانگی تو راست گویان و

بِشُكْرِكَ مَادِحَةً وَعَلٰى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِاِلٰهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً وَعَلٰى

بشکر تو مدح گویان و بر دلها که اعتراف کرده اند بخدائی تو از روی یقین و بر

ضَمَائِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتّٰى صَارَتْ خَاشِعَةً وَعَلٰى جَوَارِحَ

خاطرها که احاطه کرده اند از دانائی تو تا آنکه گردیده اند با خشوع و بر عضوهای چند که

سَعَتْ اِلٰى اَوْطَانِ تَعَبُّدِكَ طَائِعَةً وَاَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً

سعی کرده اند بسوی محلهای عبادت تو بطوع و رغبت و آواز برداشته اند بطلب آمرزش تو از روی اذعان

مَا هٰكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلَا اُخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ وَ

نیست چنین گمان با تو و چنین خبر داده شده ایم بفضل تو از تو ای صاحب کرم ای پروردگار من

اَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا وَمَا يَجْرِي فِيهَا

تو میدانی ناتوانی مرا از اندکی از بلاهای دنیا و عقوبتهای آن و آنچه جاری میشود در آن

مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَىٰ اَهْلِهَا عَلَىٰ اَنَّ ذٰلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْثُهُ

از مکروهات بر اهل آن با آنکه این بلا و ناخوشی سبب کرد که ست ماندن آن

يَسِيرٌ بَقَاؤُهُ قَصِيرٌ مُدَّتُهُ فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلِ

و کمست بقای آن و کوتاه است مدت آن پس چگونه باشد تاب آوردن من بلای آخرت را و بزرگ

وُقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقَامُهُ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ

واقع شدن ناخوشیهای که در آن پیدا شد و حال آنکه آن بلائیست که طولانیست مدت آن و دائم است اقامت آن و سبک کرده نشود

اَهْلِهِ لِاَنَّهُ لَا يَكُونُ اِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ وَهٰذَا

اهل آن زیرا که آن نمیباشد مگر از غضب تو و انتقام کشیدن تو و خشم تو و چنین

مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ بِي وَاَنَا عَبْدُكَ

امری که نمی تواند در برابر آن ایستادن تاب آوردن آسمانها و زمین ای آقای من پس چگونه است تاب آوردن من و حال آنکه من بنده توام

الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ يَا اِلٰهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ

ناتوان و خوار و بمقدار و تنگدست و شکسته کننده ای خدای من و پروردگار من و سید من و آقای من

لِاَيِّ الْاُمُورِ اِلَيْكَ اَشْكُو وَلِمَا مِنْهَا اَضِجُّ وَاَبْكِي لِاَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ

برای کدام یک از امور بسوی تو شکایت کنم و برای کدام یک نجروشم و بگریم آیا برای عذاب دردناک و سختی آن

اَوْ لِطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَيَّرْتَنِي فِي الْعُقُوبَاتِ مَعَ اَعْدَائِكَ

یا برای درازی بلا و مدت آن پس اگر بگردانی مرا در عقوبتها با دشمنان خود

وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ اَهْلِ بَلَائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ اَحِبَّائِكَ وَاَوْلِيَائِكَ

و جمع کنی میان من و میان اهل بلای خود و جدائی افکنی میان من و میان دوستان خود و اولیای خود

فَهَبْنِي يَا اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبَرْتُ عَلَىٰ عَذَابِكَ فَكَيْفَ

پس گرفتم ای خدای من و سید من و آقای من و پروردگار من که صبر کردم بر عذاب تو پس چگونه

اَصْبِرُ عَلَىٰ فِرَاقِكَ وَهَبْنِي صَبَرْتُ عَلَىٰ حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ

صبر کنم بر مفارقت تو و گرفتم که صبر کردم بر آتش تو پس چگونه صبر کنم بر محرومی از نظر

إلى كرامتك أم كيف تسكن في النار ورجائي عفوك فبعزتك يا سيدي

بسوی کرامت تو یا چگونه ساکن شوم در آتش و حال آنکه امیدم آن بود که عفو کنی از من پس بعزت تو ای آقای من

ومولاي أقسم صادقاً لئن تركتني ناطقاً لأضجنّ إليك بين أهلها

و صاحب اختیار من قسم میخورم براستی که اگر مرا واگذاری سخنگو هر آینه خروش برآورم بسوی تو میان اهل جهنم

ضجيج الآملين ولأصرخنّ إليك صراخ المستصرخين ولأبكينّ

خروش امیدواران و هر آینه ناله کنم بسوی تو ناله استغاثه کنندگان و هر آینه گریه کنم

عليك بكاء الفاقدين ولأنادينّك أين كنت يا وليّ المؤمنين

بر محرومی از لطف و رحمت تو گریستن آنانکه دوست خود را گم کرده‌اند و البته فریاد برآورم ترا که کجائی ای دوست مؤمنان

يا غاية آمال العارفين يا غياث المستغيثين يا حبيب قلوب الصادقين

ای نهایت آرزوهای عارفان ای فریادرس یاری جویان ای دوست دلهای راستگویان

ويا إله العالمين أفتراك سبحانك يا إلهي وبحمدك تسمع فيها صوت

و ای خداوند عالمیان آیا پس میشود تنزیه میکنم ترا ای خدای من بحمد تو مشغولم که بشنوی در جهنم صدای

عبد مسلم سُجن فيها بمخالفته وذاق طعم عذابها بمعصيته وحُبس

بنده مسلمانی را که انداخته شده باشد در آن بسبب مخالفت و چشیده مزه عذاب آنرا بنافرمانی خود و بند کرده شده

بين أطباقها بجرمه وجريرته وهو يضجّ إليك ضجيج مؤمّل لرحمتك

در میان طبقات جهنم بجرم او و جنایات او و او خروش کند بسوی تو خروش کسیکه امیدوار رحمت تو باشد

ويناديك بلسان أهل توحيدك ويتوسّل إليك بربوبيتك يا مولاي

و ندا کند ترا بزبان یگانه پرستان تو و توسل جوید بسوی تو به پروردگاری تو ای آقای من

فكيف يبقى في العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك ورأفتك

پس چگونه باقی ماند در عذاب و حال آنکه امید دارد آنچه پیش گذشته است از بردباری تو و مهربانی تو

رحمتك أم كيف تؤلمه النار وهو يأمل فضلك ورحمتك أم كيف

رحم کردن تو آیا چگونه او را بدرد آورد آتش و او امید دارد فضل ترا و رحمت ترا آیا چگونه

يحرقه لهبها وانت تسمع صوته وترى مكانه ام كيف يشتمل عليه

بسوزد او را زبانه اش و تو شنوی صدای او را و بینی جای او را آیا چگونه مشتمل شود بر او

زفيرها وانت تعلم ضعفه ام كيف يتقلقل بين اطباقها وانت

زبانه های جهنم و تو دانی ناتوانی او را آیا چگونه مضطرب شود در میان طبقات جهنم و تو

تعلم صدقه ام كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك يا ربه ام كيف

دانی راستگویی او را آیا چگونه زجر نمایند او را زبانیه جهنم و او ندا کند ترا ای پروردگار من آیا چگونه

يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه فيها هيهات ما ذلك الظن بك

امیدوار فضل ترا در آزاد کردن خود از جهنم پس خواهی گذاشت او را در آن دور است این خیال و چنین نیست گمان به تو

ولا المعروف من فضلك ولا مشبه لما عاملت به الموحدين من

و نه شناخته شده است از فضل تو و نه شبیه است بآنچه معامله کرده با آن یگانه پرستان از

برك واحسانك فباليقين اقطع لولا ما حكمت به من تعذيب

نیکی تو و احسان تو پس به یقین قطع دارم که اگر نه آن بودی که حکم کرده با آن که عذاب کنی

جاحديك وقضيت به من اخلاد معانديك لجعلت النار كلها

منکران خداوندی خود را و مقرر کرده ای که همیشه در جهنم بدارد معاندان خود را هر آینه میگردانیدی آتش را همه

بردا وسلاما وما كانت لاحد فيها مقرا ولا مقاما لكنك تقدست

برد و سلامت و نه بودی کسی را در آن محل قرار و نه جای اقامت ولیکن تو که مقدس است

اسماؤك اقسمت ان تملاها من الكافرين من الجنة والناس اجمعين

نامهای تو قسم یاد کرده که پر کنی جهنم را از کافران از جنیان و آدمیان همه

وان تخلد فيها المعاندين وانت جل ثناؤك قلت مبتدئا وتطولت

و آنکه همیشه بدار در جهنم معاندان را و تو که بزرگ است ستایش تو گفته ابتدا کننده و بخشش کردی

بالانعام متكرما افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون

به نعمت دادن کرم کننده آیا کسی که بود مومن مانند کسی است که بود فاسق مساوی نیستند

إلهي وسيدي فأسألك بالقدرة التي قدّرتها وبالقضية التي حتمتها

اي الهٰ من و آقاي من پس سؤال ميكنم از تو بتقديري كه مقدر كرده آنرا و بحكمي كه واجب كردي آنرا

وحكمتها وغلبت من عليه اجريتها ان تهب لي في هذه الليلة و

و حكم كردي بدان و غالب شدي بر كسيكه آنرا جاري كرده آنكه ببخشي بمن در اين شب و

في هذه الساعة كل جرم اجرمته وكل ذنب اذنبته وكل

در اين ساعت هر جرمي كه كسب كرده ام آنرا و هر گناهي كه مرتكب آن شده ام و هر كار

قبيح اسررته وكل جهل عملته كتمته او اعلنته اخفيته او اظهرته

زشتي كه پنهان كرده ام و هر نادانئي كه بعمل آورده ام خواه پنهان كرده باشم آنرا و خواه آشكار خواه مخفي كرده باشم

وكل سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم

و هر بدي كه امر كرده بنوشتن آنها بزرگواران نويسندگان آنرا كه موكل گردانيده

بحفظ ما يكون مني وجعلتهم شهودا علي مع جوارحي وكنت

آنهارا كه حفظ كنند آنچه صادر ميشود از من و گردانيده ايشانرا گواهان بر من با اعضاي بدن من كه بودي

انت الرقيب علي من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك

تو نگهبان بر من بغير ايشان و گواه بر آنچه پنهانست از ايشان و برحمت خود

اخفيته وبفضلك سترته وان توفر حظي من كل خير

پنهان گردي آنرا و بفضل خود پوشانيدي آنرا و آنكه فراوان كرداني بهره مرا از نيكي

تنزله او احسان تفضله او بر تنشره او رزق تبسطه او ذنب

كه فرو فرستي يا احساني كه تفضل نمائي يا خوبي كه پهن كني آنرا يا روزي كه گشايش دهي آنرا يا گناهي

تغفره او خطا تستره يا رب يا رب يا رب يا الهي وسيدي ومولاي

كه بيامرزي آنرا يا خطائي كه بپوشي آنرا اي پروردگار من اي پروردگار من اي پروردگار من اي خداي من و آقاي من و صاحب اختيار

ومالك رقي يا من بيده ناصيتي يا عليما بضري ومسكنتي

و مالك بندگي من اي آنكسي كه بدست او ست موي پيش سر من اي دانا به بدحالي من و بيچارگي من

يا بصير بفقري وفاقتي يا رب يا رب يا رب أسألك بحقك وقدسك

ای مطلع بر فقر من و احتیاج من ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من سؤال میکنم از تو بحق تو و به پاکی تو

وأعظم صفاتك وأسمائك أن تجعل أوقاتي في الليل والنهار

و بزرگترین صفات تو و بنامهای تو اینکه بگردانی اوقات مرا در شب و روز

بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة وأعمالي عندك مقبولة

بیاد خود آبادان و بخدمت تو پیوند شده و اعمال مرا نزد خود پسندیده

حتى تكون أعمالي وأورادي كلها وردا واحدا وحالي في خدمتك

تا آنکه بوده باشد کارهای من و اورادهای من همه یک ورد و حال من در خدمت تو

سرمدا يا سيدي يا من عليه معولي يا من إليه شكوت

پیوسته بی نهایت ای آقای من ای آنکه بر اوست اعتماد من ای آنکه بسوی او شکایت کردم

أحوالي يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك جوارحي واشدد

احوال خود را ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من توانا گردان بخدمت خود اعضای مرا و سخت کن

على العزيمة جوانحي وهب لي الجد في خشيتك والدوام في

بر عزم بندگی خود دل مرا و ببخش مرا جهد در ترس خود و مداومت در

الاتصال بخدمتك حتى أسرح إليك في ميادين السابقين

متصل بودن در خدمت تو تا آنکه روانه شوم بسوی تو در میدانهای پیشی گیرندگان

وأسرع إليك في المبادرين وأشتاق إلى قربك في المشتاقين

و تند روم بسوی تو در پیشی گیرندگان و مشتاق گردم بسوی قرب تو در میان مشتاقان

وأدنو منك دنو المخلصين وأخافك مخافة الموقنين وأجتمع في

و نزدیک شوم از تو نزدیک شدن مخلصان و بترسم از تو ترسیدن صاحبان یقین و گرد آیم در

جوارك مع المؤمنين اللهم ومن أرادني بسوء فأرده ومن كادني

همسایگی قرب تو با مؤمنان بار خدایا و هر که اراده کند مرا به بدی پس تو اراده کن او را به بدی و هر که مکر کند

فكدلا واجعلني من احسن عبادك نصيبا عندك واقربهم منزلة

پس قرار گردان مرا و بگردان مرا از نیکوترین بندگان خود در بهره نزد خود و نزدیکترین ایشان در منزلت

منك واخصهم زلفة لديك فانه لا ينال ذلك الا بفضلك

نسبت بخود و مخصوص‌ترین ایشان در قرب بنزد خود زیرا که نمی‌توان رسید باین مرتبه مگر بفضل تو

وجدلي بجودك واعطف علي بمجدك واحفظني برحمتك واجعل

و بخشش کن برای من بجود خود و مهربانی کن بر من به بزرگواری خود و نگاهدار مرا برحمت خود و بگردان

لساني بذكرك لهجا وقلبي بحبك متيما ومن علي بحسن اجابتك

زبان مرا بیاد خود گویا و دل مرا بدوستی خود بیتاب و منت نه بر من به نیکی اجابت خود

واقلني عثرتي واغفر لي زلتي فانك قضيت على عبادك بعبادتك

و درگذر از لغزش من و بیامرز لغزش مرا بدرستیکه تو حکم کرده بر بندگان خود به بندگی خود

وامرتهم بدعائك وضمنت لهم الاجابة فاليك يا رب

و امر کرده ایشانرا بدعای خود و ضامن شده برای ایشان مستجاب کردن را پس بسوی تو پروردگارا

نصبت وجهي واليك يا رب مددت يدي فبعزتك

پیش کردم روی خود را و بسوی تو پروردگارا کشیدم دست خود را پس بعزت تو سوگند میدهم

استجب لي دعائي وبلغني مناي ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني

که مستجاب کن برای من دعای مرا و برسان آرزوی مرا و قطع مکن از فضل خود امید مرا و دفع کن از من

شر الجن والانس من اعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن لا يملك الا الدعاء

بدی جنیان و آدمیان از دشمنان من ای زود خشنود شونده بیامرز کسی را که مالک نیست چیزی بجز دعا

فانك فعال لما تشاء يا من اسمه دواء وذكره شفاء وطاعته غنى

پس بدرستیکه تو کننده آنچه را که خواهی ای آنکه نام او دوا است و یاد او شفا است و فرمانبرداری او توانگری

ارحم من راس ماله الرجاء وسلاحه البكاء يا سابغ النعم يا دافع النقم

رحم کن کسی را که سرمایه او امید است و حربه او گریه است ای تمام کننده نعمتها ای دفع کننده عذابها

يا نور المستوحشين في الظلم يا عالما لا يعلم صل على محمد و آل

ای روشنائی وحشت یافتگان در تاریکیها ای دانائی که نیاموخته از کسی درود فرست بر محمد و آل

محمد وافعل بي ما انت اهله وصلى الله على رسوله والائمة

محمد و بکن بمن آنچه تو اهل و سزاوار آنی و درود فرستد خدا بر رسول خود و پیشوایان

الميامين من آله وسلم تسليما

صاحب میمنت که آل او یند و سلام فرستد سلام فراوان

فصل پنجم در اعمال بقیه ماه است از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که
سه روز آخر ماه شعبان روزه بدارد و بماه مبارک رمضان وصل کند حق تعالی ثواب
روزه دو ماه متوالی برای او بنویسد و ابو الصلت هروی روایت کرده است که
در جمعه آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم حضرت فرمود که ای
ابو الصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعه آخر آنست پس تدارک و تلافی کن در آنچه
ازین ماه مانده است از تقصیرها که در ایام گذشته این ماه کرده و بر تو باد که رو آوری
بر آنچه نافعست برای تو در آخرت و دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قرآن مجید
بسیار بکن و توبه کن بسوی حق تعالی از گناهان خود تا آنکه چون ماه مبارک در آید خالص
گردانیده باشی خود را از برای خدا و مگذار در گردن خود امانت و حق کسی را مگر آنکه
ادا کنی و مگذار در دل خود کینه کسی را مگر آنکه بیرون کنی و مگذار گناهی را که میکردی مگر آنکه
ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکارا امور خود و هر که بر خدا
توکل کند بس است او را و بسیار بخوان در بقیه این ماه این دعا را

اللهم ان لم تكن غفرت لنا فيما مضى من شعبان فاغفر لنا فيما بقي منه

بار خدایا اگر نبوده باشی که آمرزیده باشی ما را در آنچه گذشته است از شعبان پس بیامرز ما را در آنچه باقی مانده است از آن
بدرستیکه حق تعالی درین ماه آزاد میگرداند بندهای بسیار از آتش جهنم برای حرمت ماه مبارک
رمضان بسند بسیار معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام در شب آخر ماه شعبان و اول ماه مبارک رمضان

اللهم هذا الشهر المبارك الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس

بار خدایا بدرستیکه این ماه بابرکت که فرو فرستادی دران قرآن را درحالتیکه راه نمای است مردمان را

وبینات من الهدی والفرقان قد حضر فسلمنا فیه وسلمه لنا و

وآیتهای روشن از راه نمائی و جدا کننده حق و باطل تحقیق حاضر شد پس سالم دار ما را دران و سالم دار آنرا برای ما

تسلمه منا فی یسر منک وعافیة یا من اخذ القلیل وشکر الکثیر

سالم دار آنرا از ما حال آنکه بوده باشیم در آسانی از جانب تو و عافیت ای آنکه فرا گرفت عمل اندک را و جزا داد بسیار

اقبل منی الیسیر اللهم انی اسألک ان تجعل لی الی کل خیر سبیلا

بپذیر از من عمل اندک بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو اینکه بگردانی برای من بسوی هر نیکی راهی

ومن کل ما لا تحب مانعا یا ارحم الراحمین یا من عفی عنی وعما

و از هرچه دوست نداری باز دارنده ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای آنکه درگذشت از من و از آنچه

خلوت به من السیئات یا من لم یؤاخذنی بارتکاب المعاصی عفوک

پوشیده داشتم آنرا از گناهان ای آنکه مواخذه نکرد مرا بسبب مرتکب شدن نافرمانیها طلب میکنم عفو ترا

عفوک یا کریم الهی وعظتنی فلم اتعظ وزجرتنی عن محارمک

عفو ترا عفو ترا ای بزرگوار ای خدای من پند دادی مرا پس پند نگرفتم و منع کردی مرا از محرمات خود

فلم انزجر فما عذری فاعف عنی یا کریم عفوک عفوک اللهم

پس ممنوع نگشتم پس چیست عذر من پس درگذر از من ای بزرگوار میخواهم عفو ترا عفو ترا بار خدایا

انی اسألک الراحة عند الموت والعفو عند الحساب عظم

بدرستیکه من سوال میکنم از تو آسایش را نزد مردن و درگذشتن را نزد حساب بزرگ است

الذنب من عبدک فلیحسن العفو من عندک یا اهل التقوی ویا اهل

گناه از بنده تو پس باید که نیکو باشد درگذشتن از نزد تو ای سزاوار پرهیزکاری و ای سزاوار

المغفرة عفوک عفوک اللهم انی عبدک ابن عبدک ابن امتک ضعیف

آمرزش امید دارم عفو ترا عفو ترا بار خدایا بدرستیکه من بنده تو پسر بنده تو پسر کنیز توام ناتوانم

فقير الى رحمتك وانت منزل الغنى والبركة على العباد قاهر مقتدر

محتاجم بسوی رحمت تو و تو فرود آورندهٔ بی نیازی و برکتی بر بندگان غالبی توانایی

احصيت اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة السنتهم

شمردی کردارهای ایشان را قسمت کردی روزیهای ایشان را و گردانیدی ایشان را مختلف زبانهای ایشان

والوانهم خلقا من بعد خلق لا يعلم العباد علمك ولا يقدر العباد

و رنگهای ایشان گروهی پس از گروهی ندانند بندگان دانش ترا و اندازه نتوانند کرد بندگان

قدرتك وكلنا فقير الى رحمتك فلا تصرف عني وجهك واجعلني

قدرت ترا و همه ما محتاجیم بسوی رحمت تو پس مگردان از من روی خود را و بگردان مرا

من صالحي خلقك في العمل والامل والقضاء والقدر اللهم ابقني خير البقاء

از شایستهٔ خلق خود در کردار و امید و قضا و قدر خدایا زنده دار مرا زندگی نیکو

وافنني خير الفناء على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك والرغبة

و بمیران مرا بمردن نیکو بر دوستی دوستان خود و دشمنی دشمنان خود و خواهش

اليك والرهبة منك والخشوع والوفاء والتسليم لك والتصديق

بسوی خود و ترسیدن از خود و فروتنی کردن و وفا نمودن و فرمان بردار گردیدن برای تو و باور داشتن

بكتابك واتباع سنة رسولك صلواتك عليه وآله اللهم

بکتاب تو و پیروی نمودن طریقهٔ رسول تو رحمت تو باد بر او و بر اولاد او بار خدایا

ما كان في قلبي من شك او ريبة او جحود او قنوط او فرح

آنچه باشد در دل من از شک یا تهمت یا انکار یا نومیدی یا شادی

او بذخ او بطر او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق او نفاق او كفر

یا سرکشی یا طغیان یا کبر یا نمودن یا شنوانیدن یا بدبختی یا دورویی یا ناسپاسی

او فسوق او عصيان او عظمة او شيء لا تحب فاسئلك يا رب

یا گناه یا نافرمانی یا نخوت یا چیزی که دوست نداری پس سؤال میکنم از تو ای پروردگار من

اَنْ تُبَدِّلَنِی مَکانَهُ اِیماناً بِوَعْدِکَ وَوَفاءً بِعَهْدِکَ وَرِضاً بِقَضائِکَ

اگر بدل نمائی برای ما بجای آن تصدیق بوعده تو و وفا کردن به پیمان تو و خوشنودی بحکم تو

وَزُهْداً فِی الدُّنْیا وَرَغْبَةً فِیما عِنْدَکَ وَاَثَرَةً وَطُمَأْنِینَةً وَتَوْبَةً نَصُوحاً

و بی رغبتی در دنیا و خواهش در آنچه نزد تست ... که منفرد باشم بآن و آرام و توبه خالص

اَسْأَلُکَ ذلِکَ یا رَبَّ الْعالَمِینَ اِلهِی اَنْتَ مِنْ حِلْمِکَ تُعْصی فَکَاَنَّکَ

سوال میکنم از تو این ای پروردگار جهانیان خدای من تو از بردباری خود عصیان کرده میشوی پس گویا تو

لَمْ تُرَ وَمِنْ کَرَمِکَ وَجُودِکَ تُطاعُ فَکَاَنَّکَ لَمْ تُعْصَ وَاَنَا وَمَنْ

ندیده آنرا از بزرگواری خود و بخشش خود اطاعت کرده میشوی پس گویا تو عصیان کرده نشده و من و آنکه

لَمْ یَعْصِکَ سُکّانُ اَرْضِکَ فَکُنْ عَلَیْنا بِالْفَضْلِ جَواداً وَبِالْخَیْرِ

نافرمانی نکرده ترا ساکنان زمین تواَم پس باش بر ما بفضل و عطیه بخشنده و به نیکی

عَوّاداً یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلوةً دائِمَةً

بسیار بازگردنده ای بخشاینده ترین بخشایندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او رحمتی همیشه

لا تُحْصی وَلا تُعَدُّ وَلا یَقْدِرُ قَدْرَها غَیْرُکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ

که دریافته نشود و شمرده نشود و اندازه نکند اندازه آنرا غیر تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان

و اما نمازهای مخصوص شبها که باسانید معتبره وارد نشده است علما ذکر کرده اند شب اول صد رکعت با حمد و توحید یک مرتبه و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه سوره حمد دوم پنجاه رکعت با حمد و توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه سوم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید چهارم چهل رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پانصد مرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید هفتم دو رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید هشتم دو رکعت در رکعت اول حمد و آیه امن الرسول تا آخر سوره و پانزده مرتبه توحید و در دوم حمد و آیه قل انما انا بشر و پانزده مرتبه توحید نهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه اذا جاء نصر الله دهم چهار رکعت در هر رکعت

رکعت حمد و آیة الکرسی یک مرتبه و سورهٔ انا اعطیناک الکوثر سه مرتبه پانزدهم هشت رکعت در سر رکعت
حمد و ده مرتبه قل یا ایها الکافرون دوازدهم دوازده رکعت در سر رکعت حمد و ده مرتبه سورهٔ
الهیکم التکاثر سیزدهم دو رکعت در سر رکعت حمد و یکمرتبه سورهٔ والتین چهاردهم چهار رکعت در سر
رکعت حمد و پنجمرتبه سورهٔ والعصر پانزدهم چهار رکعت در میان نماز شام و خفتن در سر رکعت حمد
و ده مرتبه توحید و بعد از نماز ده مرتبه یا رب اغفر لنا ده مرتبه یا رب ارحمنا و ده مرتبه

ای پروردگار من بیامرز مرا   ای پروردگار من رحم کن ما را

یا رب تب علینا و بیست یکمرتبه توحید و ده مرتبه سبحان الله الذی یحیی

ای پروردگار من بپذیر توبهٔ مرا   پاک است خدائی که زنده میگرداند

الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر

مردگان را و می میراند زندگان را و او بر همه چیز تواناست

شانزدهم دو رکعت در سر رکعت حمد و یکمرتبه آیة الکرسی و پانزده مرتبه توحید هفدهم دو رکعت در سر
رکعت حمد و هفتاد و یک مرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار هیجدهم ده رکعت در سر
حمد و پنجمرتبه توحید نوزدهم دو رکعت در سر رکعت حمد و پنجمرتبه آیهٔ قل اللهم مالک الملک بیستم چهار رکعت
در سر رکعت حمد و پانزده مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله بیست و یکم هشت رکعت در سر رکعت حمد و یکمرتبه
توحید و معوذتین بیست و دوم دو رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه قل یا ایها الکافرون و پانزده مرتبه توحید
بیست و سوم سی رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه سورهٔ اذا زلزلت بیست و چهارم دو رکعت در سر رکعت
حمد و یک مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله بیست و پنجم ده رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه الهیکم التکاثر
بیست و ششم دو رکعت در سر رکعت حمد و ده مرتبه آیهٔ امن الرسول بیست و هفتم دو رکعت در سر
رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی بیست و هشتم چهار رکعت در سر رکعت حمد و یکمرتبه توحید و
معوذتین بیست و نهم دو رکعت در سر رکعت حمد یکمرتبه و در یکی الهیکم التکاثر و توحید و معوذتین ده مرتبه
سی ام دو رکعت در سر رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی
محمد و آل محمد باب سیم در بیان مجملی از فضائل و اعمال ماه مبارک رمضان است و در آن

...نشت فصل است فصل اول در بیان فضیلت این ماه مبارک است باید دانست که ماه مبارک
رمضان ماه خداوند عالمیان است و شریف ترین ماهها است چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا
علیه السلام روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آخر ماه شعبان خطبه خواندند و فرمودند ایها
الناس بتحقیق که رو کرده بسوی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش ماهی است که نزد خدا بهترین ماهها
است و روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبهاست و ساعتهای آن بهترین ساعتهاست
آن ماهی است که خوانده اند شما را در آن بسوی ضیافت خدا و گردیده آید در آن از اهل کرامت خدا نفسهای
شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما در آن ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن مقبول است و دعای
شما در آن مستجاب است پس سوال کنید از پروردگار خود به نیتهای درست و به دلهای پاکیزه از گناهان
و صفات ذمیمه که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستیکه
شقی و بد عاقبت کسی باشد که محروم گردد از آمرزش خدا در این ماه عظیم و یاد کنید بگرسنگی و تشنگی
شما در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و تصدق کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمائید پیران
خود را و رحم کنید کودکان خود را و نوازش نمائید خویشان خود را و نگاه دارید زبانهای خود را
از آنچه نباید گفت و بپوشید دیده های خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر کردن بسوی آنها و باز
دارید گوشهای خود را از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی
کنند بعد از شما با یتیمان شما و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید بسوی خدا دستهای
خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها بهترین ساعتهاست نظر میکند حق تعالی
در این اوقات برحمت بسوی بندگان خود و جواب میگوید ایشان را هرگاه او را مناجات کنند و لبیک
میگوید ایشان را هرگاه او را ندا کنند و مستجاب میگرداند هرگاه او را دعا کنند ای گروه مردمان
بدرستیکه جانهای شما در گرو کرده های شماست پس آنها را از گرو بدر آورید بطلب آمرزش از خدا و پشتهای
گران بارست از گناهان شما پس سبک گردانید آنها را بطول دادن سجده ها و بدانید که حق تعالی
سوگند یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نمازگزاران و سجده کنندگان را و نترساند ایشان را
باتش جهنم در روز قیامت ایها الناس هر که از شما افطار نماید روزه داری مومنی را در این ماه از برای

او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته پس بعضی از صحابه گفتند
یا رسول الله همه ما قدرت بر این نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از آتش جهنم با فطار فرمودن روزه دار اگرچه به نصف دانه خرما باشد و اگرچه به یک شربت آب باشد بدرستیکه خدا این ثواب را امید میدهد کسیکه چنین کند
اگر قادر بر زیاده ازین نباشد ایها الناس هر که خلق خود را درین ماه نیکو کند بر صراط بگذرد در روزیکه
قدمها بران بلغزد و هرکه سبک گرداند درین ماه خدمت غلام و کنیز خود را حق تعالی در قیامت حساب او را
بر او آسان گرداند و هرکه درین ماه شر خود را از مردم باز دارد حق تعالی غضب خود را در قیامت از او
باز دارد و هرکه درین ماه یتیم بی پدری را گرامی دارد خدا او را در قیامت گرامی دارد و هرکه درین ماه
صله و احسان کند با خویشان خود خدا وصل کند او را برحمت خود در قیامت و هرکه درین ماه قطع
احسان خود از خویشان خود بکند خدای عزوجل در قیامت قطع رحمت خود از و بکند و هرکه نماز سنتی
درین ماه بکند حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم بنویسد و هرکه درین ماه نماز واجبی ادا کند خدا عطا کند
باو ثواب هفتاد نماز واجب که در ماههای دیگر کرده باشد و هرکه درین ماه بسیار صلوات فرستد بر من
و آل من خدا سنگین گرداند ترازوی عمل او را در روزیکه ترازوهای اعمال سبک باشد و کسیکه یک آیه از قرآن
درین ماه بخواند ثواب کسی داشته باشد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها الناس بدرستیکه
درهای بهشت درین ماه گشاده است پس سوال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نه بندد و درهای جهنم درین ماه
بسته است از خدا سوال کنید که بر شما نگشاید و شیاطین را درین ماه غل میکنند پس سوال کنید از خدا که هرگز بر شما
مسلط نگرداند و ایضاً از حضرت امیر المومنین صلوات الله و سلامه علیه منقول است که در ماه رمضان
خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس ماهی است که خدا از سائر ماهها فضیلت و زیادتی داده
است مانند فضیلت اهل بیت بر سائر مردم و درین ماه گشوده میشود درهای آسمان و درهای
بهشت و درهای رحمت و بسته میشود درهای جهنم و درین ماه شنیده میشود نداهای مومنان
و مستجاب میگردد دعاهای ایشان و رحم میکند گریه های ایشان را و درین ماه شبی است که در آن
شب ملائکه از آسمان بزمین می آیند و سلام میکنند بر مردان و زنان روزه دار برخصت پروردگار
خود تا طلوع صبح و آن شب قدر است که حق تعالی مقدر کرده است در آن شب ولایت و امامت

رمضان

پیش از آنکه آدم علیه السلام را خلق کند دو هزار سال عبادت در آن شب بهتر است از عبادت هزار
ماه و روزه روزش بهتر است از روزه هزار ماه ایها الناس بدرستیکه آفتابهای ماه مبارک
رمضان در ماههای آن طالع میشود بر مردان و زنان روزه دار بایدکه این ماه شما مانند ماههای
دیگر نیست روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبهاست در این ماه دیوان و شیاطین را
غل کرده در زندان بند نموده اند بدرستیکه خدا در این ماه هر روز هزار هزار آدمی را میبخشد
در این ماه حاجیان مستجاب است در این ماه حق تعالی نظر میکند بسوی اهل ایمان بدرستی فیروزی و رحمت و
خشنودی خداوند بر بنده ای روزه دار پس تدبیر کار خود بکن بدرستیکه در این ماه مهمان پروردگار
خودی نظر کن و تامل نما که چگونه خواهی بود در شب خود و در روز خود و چگونه نگاه میداری اعضا
و جوارح خود را از معصیتهای پروردگار خود پس نظر کن که شبها در خواب نباشی و روزها غافل از یاد
خدا نباشی پس بیرون رود این ماه و گناهان تو بر تو باقی مانده باشد پس در هنگامیکه روزه داران
مزدهای خود را بگیرند تو از جمله زیانکاران باشی و در وقتیکه بکرامت آقای خود فائز گردند تو از
جمله محرومان باشی و در روزی که سعادتمند گردند بمجاورت دوستان پروردگار خود تو از رانده
شده ها باشی ای روزه دار اگر ترا آقای تو از درگاه خود برگرداند بکدام درگاه رو خواهی آورد و اگر
محروم گرداند ترا پروردگار تو که روزی خواهد داد ترا و اگر او ترا خوار کند که ترا گرامی خواهد داشت
و اگر او ترا ذلیل گرداند که ترا عزیز خواهد کرد و اگر او ترا واگذارد که ترا یاری خواهد کرد و اگر
او ترا از بندگان خود قبول نکند بندگی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد و اگر او لغزشها و گناهان
ترا نیامرزد امید بکه خواهی داشت برای آمرزش گناهان خود و اگر حق خود را که بر تو واجب گردانیده
از تو طلب نماید چه جواب در برابر او خواهی گفت ای روزه دار تقرب بجوی بسوی خدا بتلاوت
کردن کتاب خدا در شبها و روزهای این ماه زیرا که کتاب خدا شفاعت کننده ایست که
شفاعت او را قبول میکنند و در قیامت شفاعت میکند برای آنها که تلاوت آن کرده اند
پس بالا میروند بر درجات بهشت بقدر تلاوت آیات قرآن ای روزه دار بشارت باد
ترا که هر نفسی که در این ماه میکشی ثواب تسبیحی در نامه عمل تو می نویسند و خواب تو در این ماه

عبادتست و طاعت تو درین ماه مقبولست و گناهان تو درین ماه آمرزیده است و آواز تو
درین ماه شنیده شده است بمناجات و زاری که با خدا میگوئی و بر تو رحم میکنند بدرستیکه شنیدم از
حبیب خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله که خداوند عالمیان در هر شب از شبهای ماه مبارک
رمضان آزاد کرده است از آتش جهنم که عدد ایشان را بغیر از خدا کسی نمیداند و چون شب آخر ماه شود
در آن شب می آمرزد مثل آنچه در جمیع ماه آمرزیده است و شنیدم از آن حضرت که فرمود که هر که ماه مبارک رمضان را روزه
بدارد و نفس خود را از چیزها که خدا حرام کرده است نگاه دارد بهشت البته او را واجب گردد و هر که
درین ماه روزه بدارد و در هیچ شب از شبهای آن افطار نکند بحرام البته داخل بهشت شود پس حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که شنیدم از سید انبیا صلی الله علیه و آله که فرمود که بهترین اوصیای
پیغمبران در بهترین ماهها شهید خواهد شد گفتم بهترین ماهها کدام است و بهترین اوصیا کیست فرمود
بهترین ماهها ماه رمضانست و بهترین اوصیا توئی یا علی گفتم یا رسول الله این البته خواهد شد فرمود
بحق پروردگارم بدرستیکه برانگیخته میشود بدبخت ترین امت من جفت پی کننده ناقه صالح و ضربتی
بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون سرت خضاب شود پس مردم شروع بگریه و زاری و فغان کردند
و حضرت از منبر زیر آمد و ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست بسندهای معتبر که فرمود
ایها الناس هر که وارد شود بر او ماه مبارک رمضان پس روزه دارد روز آنرا و بایستد با
و عبادت قدر مقرری از شب آنرا و نمازها را در اوقات فضیلت بجا آورد و مبادرت کند بنماز جمعه
آن و بامداد آن بنماز عید آن حاضر شود پس دریافته خواهد بود ثواب شب قدر را و فائز میگردد بجایزه‌ها
و بخششهای بزرگ خدا و بخششهای خدا مانند بخششهای بندگان نیست **فصل دوم** در بیان
حقیقت روزه است و آنچه در آن معتبر است بدانکه روزه باز داشتن خود است از چیزی چند که روزه
را می شکند از طلوع صبح تا برطرف شدن سرخی از جانب مشرق بنا بر مشهور یا پنهان شدن قرص
آفتاب یعنی برطرف شدن شعاع آن از کوهها و عمارات مرتفعه و قول اول احوط است و باید بنیت
قربت پس باید که بداند آن چیزها را تا نیت تواند کرد و چون میان علما اختلاف بسیار است در بسیاری از آنها
اگر قصد کند ترک همه را از برای رضای خدا اظهر کافی باشد اما بهتر آنست که آنچه متیقن باشد

وجوب ترک آنها قصد ترک آنها کند بعنوان وجوب و آنچه خلافی باشد قصد ترک آنها کند احتیاطاً
و آنچه سید عذر مکروه باشد قصد ترک آنها کند استحباباً و اگر قصد ترک جمیع محرمات اضم کند بهتر است
و اما آنها که واجب است ترک آنها کردن اول خوردن و دوم چیز خوردن چیز آشامیدن اچیزی که خوردن
آشامیدن آن متعارف و معتاد باشد در آن خلافی نیست که مبطل صوم است و موجب قضا و کفاره هر دو
میشود و اگر بعنوان معتاد بخورد و اگر غیر معتاد باشد مانند آنکه در دماغ یا گوش بچکاند چیزی را که بحلق
داخل شود محل خلافست و همچنین خلاف است در خوردن و آشامیدن چیزی چند که معتاد مردم نباشد
خوردن و آشامیدن آنها مانند سنگ و چوب و خاک و گیاهها و آب افشرده شده از گیاههای غیر معتاد و ا
آنست که اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب از آن واجب است و احوط آنست که اگر بکند قضا و کفاره
بعمل آورد سوم جماع کردن در قبل زنست مطلقا خواه انزال شود و خواه نه و فعل آن موجب قضا و
کفاره میشود بخلاف جماع در دبر زن هرگاه انزال شود روزه را باطل میکند و قضا و کفاره
لازم میشود و مشهور آنست که جماع در دبر بدون انزال نیز مبطل صوم و موجب قضا و کفاره است و
بعضی مبطل نمیدانند و اول اقوی است چهارم باقی ماندن است بر جنابت تا صبح و اشهر و اقوی آنست که
مبطل است و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل ندانسته اند و بعضی قضا تنها واجب دانسته اند و
احوط آنست که اگر زن حائض پاک شود و پیش از صبح غسل نکند و اگر نکند احوط آنست که غسل کند بعد از صبح و
آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط آنست که تیمم بکند و تیمم را نشکند
تا صبح شود خواب اول بعد از جنابت در حالی که نیت غسل کردن داشته باشد و احتمال بیدار شدن
داشته باشد جائز است و مشهور آنست که اگر تا صبح بیدار نشود قضای آن روزه بر او واجب نیست و بعضی
واجب دانسته اند و آن احوط است و مشهور آنست که اگر بخوابد تا صبح و نیت غسل نداشته باشد
بر او قضا و کفاره لازم است و این احوط است اگرچه در دلیلش سخنی هست و مشهور در خواب دوم
وجوب قضاست و این قول قوی است بلکه خلافی در آن ظاهر نیست و جمعی از اصحاب را اعتقاد
آنست که در خواب سوم جنب هرگاه بصبح رسد قضا و کفاره هر دو واجب است و اقوی
عدم وجوب کفاره است و بعضی از متاخرین را اعتقاد آنست که خواب بعد از

بیدار شدن از احتلام حکم خواب دوم دارد چنانچه والد مرحوم اختیار نموده و این احوط است
بلکه خالی از قوتی نیست و بدانکه در روزه های دیگر غیر ماه مبارک رمضان نیز خلافست که آیا باید که
صبح را پاک دریابد یا نه و حق آنست که در قضای ماه رمضان باید صبح جنب نباشد و در غیر قضا احوط آنست
که اگر صبح طاهر نباشد و واجب معین نباشد آن روز را روزه ندارد و اگر معین باشد آن روز را روزه بدارد
و قضا نیز بکند اما اگر عمدا کرده باشد دور نیست که کفاره در کار نباشد و شک نیست که احوط است روزه
سنت اگر عمدا در جنابت بماند تا صبح و پیش از زوال غسل کند و نیت روزه بکند بگمان فقیر روزه اش صحیح است
و در واجب معین اگر شب عمدا نیت را ترک کند و پیش از زوال نیت کند مشهور آنست که روزه اش باطل
است و قضا میکند و کفاره واجب نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال میتواند کرد
و در واجب غیر معین تا زوال نیت میتواند کرد و اگرچه قضای ماه رمضان باشد و در روزه سنت خلاف
نیست که اگر در شب نیت نکرده باشد و مفطری بعمل نیاورده باشد تا اول زوال نیت میتواند کرد و بعد
از زوال خلافست بعضی گفته اند تا نزدیک بشام نیت میتوان کرد و جمعی از محققین علما باین قائل اند
و نزد فقیر اقوی است و بعضی گفته اند که بعد از زوال نیت نمی تواند کرد و بعضی گفته اند که پیش از زوال
نیت کند ثواب روزه تمام روز را یابد و اگر بعد از زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت تا شام
را می یابد و رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و بعضی از موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی قضا
تنها و بگمان فقیر مبطل نیست و احوط رعایت مشهور است و بعضی از متاخرین ملحق ساخته اند بغبار غلیظ
دود غلیظ و بخار غلیظ را اگر از آن اجزا منفصل شود چون دود تنور و بخار و یک اظهر عدم بطلانست و دود
اجتناب است و از دو دنیا گوشش استمنا است یعنی طلب انزال منی کردن با حصول آن موجب قضا
و کفاره است و مشهور آنست که هرگاه ملامسه و ملاعبه کند و انزال شود روزه باطل میشود و قضا و کفاره
لازم است و بعضی در بین تامل نموده اند خصوصا وقتی که نسبت بحلال خود باشد و عادت او انزال
نباشد و احوط بلکه اقوی وجوب قضا و کفاره است مطلقا و در نظر کردن بزن حلال یا حرام یا صدای
از اشنیدن یا بخیال خود در آوردن هرگاه باعث آمدن منی شود و قصد انزال نداشته باشد
و با آن معتاد نباشد خلافست و اظهر عدم وجوب قضا و کفاره است مقصم ترک کردن عمدا و اکثر

رمضان

مولب قضا تنها میدانند و بعضی قضا و کفاره هردو را واجب میدانند و بعضی هیچیک را واجب نمیدانند
و مسئله مشکل است و وجوب قضا تنها خالی از قوتی نیست و مشهور آنست که هرگاه قی بی اختیار آید بر او
قضا نیست و بعضی قضا را واجب دانسته اند و این قول ضعیف است هشتم حقنه است و بعضی موجب
قضا و کفاره هردو دانسته اند و بعضی موجب قضا تنها و بعضی حرام دانسته اند و موجب هیچیک
ندانسته اند و بعضی حقنهٔ مایع را موجب قضا دانسته اند و حقنهٔ جامد را مانند شیاف مکروه دانسته
اند و بعضی مطلقا مکروه دانسته اند و این قول اقوی است و احوط آنست که بدون ضرورت
حقنه بمایع نکند و اگر بکند قضا بکند و اشهر و اقوی آنست که چکانیدن دوا در گوش موجب فساد
صوم نمی‌شود و سعوط در بینی هرگاه تعدی بحلق نکند ایضا اقوی آنست که جایز است و بعضی موجب
قضا و کفاره دانسته اند و اگر بحلق رسد احوط اجتناب است نهم دروغ گفتن بر خدا و رسول خدا و ائمه
هدی صلوات الله علیهم است با آنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف واقعی بگوید بلکه کسیکه اهلیت
مسئله گفتن نداشته باشد مسئله بگوید و در حرمت آن شکی نیست و بعضی در روزه موجب قضا و
کفاره میدانند و بعضی میگویند موجب فساد صوم نمی‌شود و خالی از قوتی نیست و احوط آنست که
اگر بکند قضا بکند و کفاره بدهد دهم سر فرو بردن در آب است و جمعی آنرا موجب قضا و کفاره میدانند
و بعضی موجب قضا تنها میدانند و بعضی حرام میدانند و موجب هیچیک نمیدانند و بعضی مکروه میدانند
و اظهر حرمت است و عدم وجوب قضا و کفاره و بعضی گفته اند که اگر سر را بآب فرو برد تا گردن
و بدن بیرون آب باشد باز حکم ارتماس دارد و این احوط است و بعضی گفته اند که اگر فرو برد منافذ
سر را دفعة هرچند منابت مو بیرون باشد باز حکم ارتماس دارد و این احوط است و احوط آنست که
در روزهٔ سنت نیز سر را بآب فرو نبرد و بعضی تجویز کرده اند و احوط ترک است یازدهم بلغمی که
از سینه برآید یا از دماغ فرود آید در فرو بردن آن علما را سه قول است اول جواز
ابتلاع آنچه بیرون می‌آید از سینه یا دماغ که از دهن منفصل نشود و عدم جواز آن قسم دیگر دوم جواز
ابتلاع هردو قسم یا دماغ که بدهن رسد و تحریم ابتلاع هردو هرگاه بدهن رسد و سوم جواز کشیدن
از سینه و سر و جواز فرو بردن یا دماغ که از دهن جدا نشود و جمعی حکم بفساد کرده اند و بعضی بقضا

رمضان

تنها قائل شده اند و بعضی کفاره را نیز واجب دانسته اند و بعضی بکفاره جمع قائل شده اند و گمان فقیر آنست
که هیچ یک لازم نمی شود اما احتیاط آنست که بعد از آنکه بقضای رمضان باید فرو نبرد و آن دو از مشهور
میان علما آنست که مکروه است که زن روزه دار در میان آب بنشیند و بعضی گفته اند که اگر در
آب نشیند قضا بر او لازم است و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته اند و اول اظهر است و در جائیدن
و مصطکی که آبش را فرو برد بعضی حرام دانسته اند و بعضی موجب قضا دانسته اند و اظهر جواز است
و مشهور میان علما آنست که اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقیست بلکه اگر شک هم داشته باشد
جائز است خوردن و آشامیدن تا صبح مشخص شود و اگر معلوم شود که صبح بوده است آن وقت که خورده
یا آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد و خورده باشد قضا واجب نیست و اگر ملاحظه نکرده و خورده باشد
قضا واجب است و کفاره واجب نیست و اگر کسی مضمضه کند جهت وضوی نماز واجب و آب بی اختیار
بحلق او رود قضا بر او واجب نیست و اگر جهت نماز نافله باشد بعضی گفته اند قضا بر او واجب است و اگر
عبث مضمضه کند و آب بحلقش رود جمعی قضا را واجب دانسته اند و این احوط است و اظهر عدم وجوب است
مطلقا و در روایتی وارد شده است که بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهان بیندازد و این احوط است

فصل سوم در سنتها و آداب روزه است مکروه است روزه دار را بوسیدن زنان و دست
به بدن ایشان مالیدن و دست بازی کردن با ایشان و اقرب آنست که کراهیت مخصوص
بصورتیست که اینها محرک شهوت او باشند و خوف وقوع در جماع داشته باشد و مکروه است به بینی
کشیدن چیزی که آنرا طعمی باشد که بحلق رسد یا در آن شکی باشد و مشهور کراهیت بیرون آوردن
خونیست از بدن که باعث ضعف شود و در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد و همچنین داخل شدن حمام که
مضعف باشد و مکروه است بوئیدن گلها خصوصا نرگس و بهتر آنست که مشک ام نبوید و سائر بوهای
خوش مکروه نیست بلکه سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که طیب تحفه صائم است
و فرمود که هر روزه دار که در اول روز خود را خوشبو کند عقلش زائل نگردد و اشهر و اقوی آنست که
بوئیدن رائحه غلیظه منظور نیست و بعضی گفته اند که بوئیدن رائحه غلیظه که بجوف رسد موجب قضا و کفاره
میشود و احوط آنست که بوی خوش سائیده که بدماغ بالا رود نبوید چنانچه در روایتی وارد شده است

وکذا مکروه است که صائم جامه که ملاصق بدنست ترکند و مکروه است زن صائمه را که در آب نشیند چنانچه
گذشت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه روزه داری میباید روزه باشد گوش تو
و چشم تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای تو یعنی از محرمات بلکه از مکروهات و فرمود که باید که روز
روزه تو مانند روز افطار تو نباشد و ایضاً از ان حضرت منقول است که فرمود روزه همین از
خوردن و آشامیدن نیست تنها بلکه باید که در روزه روزه نگاه دارید زبان خود را از دروغ بپوشانید
دیدهای خود را از حرام و با یکدیگر نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند دروغ
مخورید بلکه سوگند راست نیز و دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید و بیخردی مکنید و دل
تنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید از انچه نباید گفت و صبر کنید
و راست گو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید از گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت
کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن و خود را مشرف بر آخرت
دانید و منتظر فرج و ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله باشید و آرزومند ثوابهای آخرت
باشید و توشه اعمال صالحه برای سفر آخرت بردارید و بر شما باد آرام دل و آرام تن و
خضوع و خشوع و شکستگی و مذلت بنده که از آقای خود ترسد و ترسان باشید از عذاب
خدا و امیدوار باشید رحمت او را و باید پاک باشد ای روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو
از حیلها و مکرها و پاکیزه باشد بدن تو از کثافتها و بیزاری بجوئی بسوی خدا از انچه غیر اوست در
روزه و لایت خود را خالص گردانی از برای او و خاموش باشی از انچه حق تعالی نهی کرده است
ترا از ان در آشکار و نهان و بترسی از خداوند قهار انچه سزاوار ترسیدن اوست در نهان
و آشکار و ببخشی روح و بدن خود را بخدای عزوجل در ایام روزه خود و فارغ گردانی دل خود را
از برای محبت او و یاد او و بدن خود را بکار فرمائی در انچه خدا ترا امر کرده است بان خوانده
است بسوی آن اگر همه اینها را بعمل آوری انچه سزاوار روزه داشتن است بعمل آورده و فرموده
خدا را اطاعت کرده و انچه کم کنی از انها که بیان کردم از برای تو نقصان از روزه تو کم میشود
از فضل آن و ثواب آن و بدرستی که پدرم گفت که حضرت رسول صلی الله علیه و آله شنید که زنی

در روزه جاریهٔ خود را دشنام داد حضرت طعامی طلبید و آن زن گفت بحق در زن گفت من روزه ام
حضرت گفت چگونه روزه و جاریهٔ خود را دشنام دادی روزه از خوردن و آشامیدن تنها نیست بلکه
حق تعالی روزه را حجابی گردانیده است از سائر امور قبیحه از کردار بد و گفتار بد چه بسیار کم اند روزه داران
و بسیار اند گرسنگی کشندگان و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که چه بسیار روزه داری که بهره
نیست او را از روزه بغیر تشنگی و گرسنگی و چه بسیار عبادت کننده که نیست او را بهره از عبادت بغیر
تعب ای خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیداری و عبادت احمقانست خوشا افطار کردن زیرکان
که بهتر از روزه داشتن بجهد دنست زیرا که خواب مقربان چون بنیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود از
جمله عبادات ایشانست بلکه ارواح ایشان در عالم قدس با ارواح انبیا و اوصیا و خلص مومنان
محشور میگردند و بر اسرار غیب و رویای صادقه مطلع میگردند و راههای قرب ایشانست و
افطار خردمندان چون از روی دانایست بوجهی که حق تعالی خواسته افطار مینمایند بهتر است
از روزه های احمقان که روزه را دستگاه خود فروشی خود کرده اند و بر بایه عجب و ریا ...
و بشرائط صوم عمل نمیکنند فصل چهارم در بیان آداب و شرائط دخول ماه مبارک رمضان سنت
است طلب هلال ماه رمضان و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون هلال
رمضان را دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله بکن و دستها را بسوی خدا بلند کن و خطاب با ماه کن و بگو

رَبِّی وَرَبُّكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنَا بِالْاَمْنِ وَ
پروردگار من و پروردگار تو خداست پروردگار عالمیان ای خدا طالع گردان هلال را بر ما با ایمنی و
الْاِیْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ اِلٰی مَا تُحِبُّ
ایمان و سلامتی و اسلام و شتافتن بسوی آنچه دوست داری
وَتَرْضٰی اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِیْ شَهْرِنَا هٰذَا وَارْزُقْنَا خَیْرَهُ وَعَوْنَهُ
و بپسندی خداوندا برکت ده برای ما در ماه ما این ماه و روزی کن مرا نیکوئی آن و مدد کردن آن
وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ
و بگردان از ما بدحالی آنرا و شر آنرا و بلای آنرا و آشوب آنرا

بهترین دعاهای هلال دعای صحیفهٔ کامله است و ابن ابی عقیل رحمه الله این دعا را در وقت رؤیت هلال ماه مبارک رمضان واجب دانسته‌اند

الحمد لله الذی خلقنی و خلقک و قدّر منازلک و جعلک مواقیت

سپاس مر خدای را که آفرید مرا و آفرید ترا و تقدیر کرد منزلهای ترا و گردانید ترا نشانهای اوقات

للنّاس اللّهمّ اهلّه علینا اهلالاً مبارکاً اللّهمّ ادخله علینا

برای آدمیان خداوندا داخل کن آنرا بر ما داخل کردنی با برکت خداوندا داخل کن آنرا بر ما

بالسّلامة و الاسلام و الیقین و الایمان و البرّ و التّقوی و التّوفیق لما تحبّ و ترضی

با سلامتی و اسلام و یقین و ایمان و نیکوئی و پرهیزکاری و توفیق برای آنچه دوست داری و پسندی آنرا

و در شب اول ماه جماع سنت است و غسل در شب اول سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که غسل کند در شب اول ماه رمضان در نهر جاری و سی کف آب بر سر ریزد با طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرمود که هر که در شب اول ماه رمضان غسل کند خارش بدن در آن سال باو نرسد و ایضاً منقول است که چون ماه رمضان داخل شد حضرت صادق علیه السلام فرزندان خود را وصیت میفرمود که اهتمام کنید و سعی نمائید درین ماه در عبادت که درین ماه روزیها قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته میشود و حاجیان درین ماه مقدر میشوند و درین ماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار و دعا بدرستیکه دعا دفع میکند بلاها را از شما و استغفار محو میکند گناهان شما را و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در شب اول ماه سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب اول ماه رمضان یا شب میان یا شب آخر زیارت آنحضرت بکند گناهان از او بریزد مانند برگ از درختان و از گناه بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده است و ثواب حج و عمره خدا او را عطا کند و ایضاً از آنحضرت منقول است که هر که در شب اول ماه سورهٔ انا فتحنا در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها محفوظ گردد و بروایت دیگر از آنحضرت منقول است که هر که در شب اول ماه مبارک دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد

سورهٔ انعام بخواند و سوال کند که حق تعالی او را کفایت شر و رکند خدا او را کفایت کند از انچه می ترسد

در ان ماه و حفظ کند او را از انچه می ترسد از بیماریها و دردها و ترسها و این نماز را نشستن نتوان

کرد و سوره را از روی قرآن نتوان خواند و اگر در شب اول ماه نیت روزهٔ تمام ماه را بکند و باز هر شب

نیت کند بهتر است و نیت چنین میکند که فردا روزهٔ ماه رمضان میداریم واجب قربة الی الله و در روز

اول ماه سنت است که غسل کند در آب جاری و سی کف آب بسر بریزد و از حضرت صادق علیه السلام

منقول است که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در تمام سال ایمن باشد و ایضا

از انحضرت منقول است که هرکه در روز اول این ماه کفی از گلاب بر رو بریزد از خواری و پریشانی

نجات یابد و اگر بر سر بریزد در ان روز از بلاها ایمن گردد و هرکه یک کف از گلاب در روز اول

ماه بر سر بریزد در ان سال از مرض برسام ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی علیه السلام

منقول است که هرکه در اول هر ماه دو رکعت نماز کند و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه

قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدقی

بکند بانچه میسر شود سلامتی آن ماه را خریده است و در روز اول ماه این دعا سنت است

اَللّٰهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَاَنْزَلْتَ

خداوندا بتحقیق حاضر شده ماه رمضان و بتحقیق واجب ساختی بر ما روزه داشتن آنرا و فرو آوردی

فِيهِ الْقُرْاٰنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا

در ان قرآن را در حالیکه رهنمای آدمیان است و آیتهای روشن است از راه نما و جدا کننده حق از باطل یاری ده ما را

عَلٰى صِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ

بر روزه داشتن او و بپذیر آنرا از ما و قبول کن آنرا از ما و سالم دار آنرا برای ما در آسانی از خود و عافیت

اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

و ایضا از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون ماه مبارک داخل میشد حضرت

رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا میخواندند

اللّهمّ انّه قد دخل شهر رمضان اللّهمّ ربّ شهر رمضان الّذی

بارخدایا بتحقیق داخل شده ماه رمضان بارخدایا ای پروردگار ماه رمضان که

انزلت فیه القرآن وجعلته بیّنات من الهدی والفرقان اللّهمّ فبارک

فرو فرستادی در آن قرآن را و گردانیدی آن را معجزه‌های روشن از راهنمائی و جدا کردن حق از باطل خداوندا

لنا فی شهر رمضان واعنّا علی صیامه وصلوته وتقبّله منّا

بجهت ما در ماه رمضان و مدد کن ما را بر روزه داشتن آن و نماز آن و بپذیر آن را از ما

وایضا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که نزد داخل شدن ماه رمضان

یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد سوره انّا فتحنا بخواند و در رکعت

دوم هر سوره که خواهد بخواند حق تعالی جمیع بدیها را در آن سال از او دور گرداند و در حفظ خدا باشد تا سال

آینده و در شب اول یا روز اول دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاهاست و کلینی و شیخ طوسی

و دیگران رحمهم الله بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که در ماه

مبارک رمضان در اول سال یعنی در روز اول ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخواند و فرمود که

هر که این دعا را از برای رضای خدای تعالی بی شائبه اغراض فاسده و ریا بخواند در آن سال باو نرسد فتنه و گمراهی

و آفتی و ضرری رساند بدین او و یا بدن او و حق تعالی او را حفظ کند از شر آنچه در آن سال واقع میشود از بلاها و دعا اینست

اللّهمّ انّی اسئلک باسمک الّذی دان له کلّ شیء وبرحمتک الّتی وسعت

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بحق نام تو آن چنان که ذلیل نموده برای او هر چیزی و برحمت تو که فرا گرفته است

کلّ شیء وبعظمتک الّتی تواضع لها کلّ شیء وبعزّتک الّتی قهرت

هر چیزی را و بعظمت تو که فروتنی نموده برای آن هر چیزی و بعزت تو که قهر و غلبه نموده

کلّ شیء وبقوّتک الّتی خضع لها کلّ شیء وبجبروتک الّتی غلبت کلّ

هر چیزی را و بتوانائی تو که پستی نموده برای آن هر چیزی و بجبروت بزرگواری تو که غلبه نموده بر

شیء وبعلمک الّذی احاط بکلّ شیء یا نور یا قدّوس یا اوّل

چیزی را و بدانش تو که فرا گرفته هر چیزی را ای هویدا ای بغایت پاک ای اول

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خوردن کاسنی ... نیست برگی از کاسنی مگر آنکه در آن قطره‌ای از آب بهشت است

وصداع را دفع کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که کاسنی سبزی رسول صلی الله علیه و آله است و بادروج سبزی امیر المؤمنین علیه السلام است ...

قبل كل شيء ويا باقي بعد كل شيء يا الله يا رحمن صل على محمد وآل

پیش از هر چیز وای باقی بعد از هر چیز ای خدا ای بخشاینده رحمت بفرست بر محمد و آل

محمد واغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي

محمد وبیامرز برای من گناهانی را که تغییر میدهند نعمتها را وبیامرز برای من گناهانی را که

تنزل النقم واغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب التي

فرود می‌آورند عذابها را وبیامرز برای ما گناهانی را که می‌برند امید را وبیامرز برای ما گناهانی را که

تديل الاعداء واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي

غالب میکردانند دشمنانرا وبیامرز برای من گناهانی را که برمی‌گردانند دعا را وبیامرز برای ما

الذنوب التي يستحق بها نزول البلاء واغفر لي الذنوب التي تحبس

گناهانی را که سزاوار گردیده میشود بسبب آن فرود آمدن بلا را وبیامرز برای من گناهانی که باز میدارد

غيث السماء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي تعجل

باران آسمان را وبیامرز برای من گناهانی را که زائل میکند پرده را وبیامرز برای من گناهانی که بشتاب

الفناء واغفر لي الذنوب التي تظلم الهواء واغفر لي الذنوب التي

نیستی را وبیامرز برای من گناهانی را که تیره میسازد جهان را وبیامرز برای من گناهانی را که

تورث الندم واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم واغفر لي

در عقب دارد پشیمانی را وبیامرز برای من گناهانی را که می‌درد پرده‌های عصمت را وبیامرز برای

الذنوب التي ترفع القسم والبسني درعك الحصينة التي لا ترام و

گناهانی را که زائل میکند روزی را و بپوشان مرا زره محکم خود که قصد کرده نشود و

عافني من شر ما احاذر بالليل والنهار في مستقبل سنتي هذه اللهم رب السموات

عافیت بخش مرا از شر آنچه میترسم از شب و روز در وقت رو آوردن سال من این سال خدایا ای پروردگار آسمانهای

السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم

هفتگانه و ای پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه در میان آنهاست پروردگار عرش بزرگ

وربّ السّبع المثاني والقرآن العظيم وربّ اسرافيل وميكائيل وجبرئيل

وای پروردگار سبع مثانی و قرآن بزرگ وای پروردگار اسرافیل ومیکائیل وجبرئیل

وربّ محمّد صلّى الله عليه وآله سيّد المرسلين وخاتم النّبيّين اسألك

وای پروردگار محمد رحمت فرستاد خدا برا و وبر آل او بزرگ فرستادگان و آخر پیغامبران در میخواهم از تو

بك وبما سمّيت به يا عظيم انت الّذي تمنّ بالعظيم وتدفع كلّ محذور

بحرمت تو وبحرمت آنچه نامیده شده بآن ای بزرگ مرتبه توئی آنکه بخشش میکنی بخشش بزرگ و دفع مینمائی هر مخوفی را

وتعطي كلّ جزيل وتضاعف من الحسنات بالقليل وبالكثير

و عطا میفرمائی هر عطای وافر را و دو چند میکنی نیکیها را در مقابل عمل کم و مقابل عمل بسیار

وتفعل ما تشاء يا قدير يا الله يا رحمن صلّ على محمّد واهل بيته

و میکنی آنچه خواهی ای توانا ای خدا ای بخشاینده رحمت بفرست بر محمد و خاندان او

والبسني في مستقبل سنتي هذه سترك ونضّر وجهي بنورك واحبني

و بپوشان مرا در آینده سال من این سال پرده خود و درخشان کن روی مرا بروشنائی خود و دوست دار مرا

بمحبّتك وبلّغني رضوانك وشريف كرامتك وجسيم عطيّتك

بدوستی خود و برسان مرا بخشنودی خود و نوازش بلند پایه خود و عطیه بزرگ مرتبه خود

واعطني من خير ما عندك ومن خير ما انت معطيه احداً من

وعطا کن مرا از بهترین آنچه نزد تست واز بهترین آنچه تو عطا فرمائی آنرا بیکی از

خلقك والبسني مع ذلك عافيتك يا موضع كلّ شكوى ويا شاهد

آفریدگان خود و بپوشان مرا با وجود آن عافیت خود ای قرارگاه هر شکایت وای دانای

كلّ نجوى ويا عالم كلّ خفيّة ويا دافع ما تشاء من بليّة يا كريم العفو

هر راز وای دانای هر پنهان وای زائل نماینده آنچه خواهی از بلا ای کریم عفو

يا حسن التّجاوز توفّني على ملّة ابراهيم وفطرته وعلى دين محمّد

ای نیکو تجاوز بمیران مرا بر ملت ابراهیم و دین او و بر دین محمد

صلى الله عليه وآله وسنته وعلى خير الوفاة فتوفني

رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او و طریقه او و بر بهترین مردنی بمیران

معاديا لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل او قول او فعل

دشمن باشم مر دشمنان ترا خداوندا دور گردان مرا در این سال از هر کرداری یا گفتاری یا فعلی

يباعدني منك واجلبني الى كل عمل او قول او فعل يقربني

که دور سازد مرا از تو و بکشان مرا بسوی هر عملی یا قولی یا فعلی که نزدیک گرداند مرا

منك في هذه السنة يا ارحم الراحمين وامنعني من كل عمل

بتو در این سال ای بخشنده ترین بخشایندگان و باز دار مرا از هر عملی

او قول او فعل يكون مني اخاف ضرر عاقبته واخاف مقتك

یا قولی یا فعلی که باشد از من که می ترسم ضرر عاقبت آنرا و می ترسم دشمن داشتن تو

اياي عليه حذار ان تصرف وجهك الكريم عني فاستوجب به

مرا بران بجهت خوف از آنکه بگردانی روی لطف گرامی خود را از من پس مستحق گردم بسبب آن

نقصا من حظ لي عندك يا رؤوف يا رحيم اللهم اجعلني في

کم شدن از بهره که مراست نزد تو ای مهربان ای مهربان بارخدایا بگردان مرا در

مستقبل سنتي هذه في حفظك وفي جوارك وفي كنفك وجللني

آینده سال من این سال در حفظ خود و در سایه خود و در پناه خود و بپوشان مرا

ستر عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك وجل ثناؤك ولا اله

پوشش عافیت خود و ببخش مرا نوازش خود ارجمند است همسایه تو و بزرگست ستودن تو و نیست خدایی

غيرك اللهم اجعلني تابعا لصالحي من مضى من اوليائك والحقني

غیر تو خداوندا بگردان مرا پیروی کننده مر نیکوکاری که گذشت از دوستان تو و در رسیدن مرا

بهم واجعلني مسلما لمن قال بالصدق عليك منهم واعوذ بك

با ایشان و بگردان مرا انقیاد برای آنکه گویا شده براستی بر تو از ایشان و پناه میگیرم بتو

رمضان

تحيط بي خطيئتي وظلمي واسرافي على نفسي واتباعي لهواي

گناه من و ستم من و تعدی من بر نفس خود و پیروی من خواهش خود را

واشتغالي بشهواتي دون ذلك بيني وبين رحمتك ورضوانك فاكون

و مشغول شدن من بخواهشهای خود پس حائل شود آن میان من و میان رحمت تو و خوشنودی تو پس بوده باشم

منسيا عندك متعرضا لسخطك ونقمتك اللهم وفقني لكل عمل

فراموش شده نزد تو و پیش آینده مر غضب ترا و عذاب ترا خداوندا توفیق ده مرا برای هر کردار

صالح ترضى به عني وقربني اليك زلفى اللهم كما كفيت نبيك

شایسته که خوشنود شوی بسبب آن از من و نزدیک گردان مرا بسوی خود مرتبهٔ نزدیکی خداوندا چنانچه دفع کردی از پیغمبر خود

محمدا صلى الله عليه واله هول عدوه وفرجت همه وكشفت غمه

محمد رحمت فرستد خدا برو و بر آل او شدت دشمن او را و گشودی اندوه او را و زائل کردی غم او را

وصدقته وعدك وانجزت له عهدك اللهم فبذلك فاكفني

و راست نمودی برای او وعدهٔ خود را و روا کردی برای او عهد خود را خداوندا پس باین وسیله دفع کن از من

هول هذه السنة وآفاتها واسقامها وفتنتها وشرورها واحزانها

خوف این سال را و بلاهای آن را و بیماریهای آن را و آشوب آن را و گزندهای آن را و اندوههای آن را

وضيق المعاش فيها وبلغني برحمتك كمال العافية بتمام دوام النعمة

و تنگی معاش را در آن و برسان مرا بسبب رحمت خود بکمال عافیت بتمامی همیشه بودن نعمت

عندي الى منتهى اجلي اسالك سؤال من اساء وظلم واستكان واعترف

نزد من تا آخر مدت عمر من سوال میکنم ترا مانند سوال کسیکه بد کرده و ستم کرده و فروتنی کرده و اعتراف کرده

واسالك ان تغفر لي ما مضى من الذنوب التي حصرتها حفظتك و

و سوال میکنم از تو آنکه بیامرزی برای من آنچه گذشته از گناهانی که فرا گرفته آنها را فرشتگان نگاهبانان تو و

احصتها كرام ملائكتك علي وان تعصمني اللهم من الذنوب فيما بقي

شمرده آنها را بزرگواران فرشتگان تو بر من و آنکه نگاه داری مرا خداوندا از گناهان در آنچه باقی ماند

من عمري الى منتهى اجلي يا الله يا رحمن يا رحيم صل على [illegible]

از عمر من تا آخر اجل من ای خدا ای بخشاینده ای مهربان [illegible]

محمد واتني كل ما سألتك ورغبت اليك فيه فانك امرتني

محمد و عطا کن مرا هر آنچه سوال کردم از تو و رغبت نمودم بسوی تو در آن پس بدرستیکه تو امر کردی

بالدعاء وتكفلت لي بالاجابة يا ارحم الراحمين

بدعا و ضامن شدی باجابت کردن ای ارحم الراحمین

وفصل پنجم در اعمال هر شب و هر روز ماه مبارک رمضان است از حضرت صادق و حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیهما منقول است که بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان این دعا بخوانند

يا علي يا عظيم يا غفور يا رحيم انت الرب العظيم الذي ليس كمثله

ای بلند مرتبه ای بزرگ ای آمرزنده ای مهربان توئی پروردگار بزرگ مرتبه که نیست مانند او

شيء وهو السميع البصير وهذا شهر عظمته وكرمته وشرفته

چیزی و اوست شنوا بینا و این ماه ماهی است که بزرگ گردانیدی آنرا و گرامی داشتی آنرا و بلند کردی

وفضلته على الشهور وهو الشهر الذي فرضت صيامه علي

و فضیلت دادی آنرا بر همه ماهها و آن ماهی است که واجب کردی روزه داشتن آنرا بر من

وهو شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس و

و آن ماه رمضان است که فرو آوردی در آن قرآن را در حالتیکه راهنمای آدمیان است

بينات من الهدى والفرقان وجعلت فيه ليلة القدر وجعلتها

معجزهاست [illegible] و تمیز کننده حق از باطل گردانیدی در آن شب قدر را و گردانیدی

خيرا من الف شهر فيا ذا المن ولا يمن عليك من علي بفكاك

بهتر از هزار ماه پس ای خداوند احسان و احسان کننده نیست بر تو [illegible] بخشش کن بر من بخلاص

رقبتي من النار فيمن تمن عليه وادخلني الجنة برحمتك يا ارحم الراحمين

گردن من از آتش در زمره آنانکه بخشش نمائی بر ایشان و داخل کن مرا در بهشت برحمت خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

و دعای بسیار خوبست اقلاً شبی یکمرتبه خوبست که خوانده شود و بسند صحیح منقول است که هرکه
در هر شب این ماه مبارک این دعا بخواند گناه چهل ساله او آمرزیده شود

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذَا الشَّهْرِ رَمَضَانَ الَّذِیْ اَنْزَلْتَ فِیْهِ الْقُرْاٰنَ وَافْتَرَضْتَ

خداوندا پروردگار این ماه رمضان که فرو آوردی دران قرآن را و واجب ساختی

عَلٰی عِبَادِكَ فِیْهِ الصِّیَامَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّارْزُقْنِیْ

بر بندگان خود دران روزه داشتن رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا

حَجَّ بَیْتِكَ الْحَرَامِ فِیْ عَامِیْ هٰذَا وَفِیْ كُلِّ عَامٍ وَّاغْفِرْ لِیْ تِلْكَ

حج خانهٔ محترم خود در سال من این سال و در هر سالی و بیامرز برای من آن

الذُّنُوْبَ الْعِظَامَ فَاِنَّهٗ لَا یَغْفِرُهَا غَیْرُكَ یَا رَحْمٰنُ یَا عَلَّامُ

گناهان بزرگ را زیرا که بتحقیق نمی آمرزد آن گناهان را غیر تو ای بخشاینده ای بغایت دانا

و ایضاً هر شب هزار مرتبه سورهٔ انا انزلناه سنت است خواندن و صد مرتبه سورهٔ حم دخان اگر
میسر شود و سحور خوردن در سحر هر شب ماه مبارک مستحبست و از حضرت رسول صلعم منقول است که ترک
نکنید امت من سحور خوردن را اگرچه بیک دانه خرمائی بوده باشد و ایضاً از آنحضرت منقول است که
حق تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر آنها که استغفار میکنند در سحرها و سحور میخورند پس سحور بخورید
اگرچه بیک شربت آب باشد و بهترین سحورها قاووت است و خرما و ایضاً فرمود که سحور بخورید اگرچه
بجرعهٔ آبی باشد و خدا صلوات و رحمت میفرستد بر سحور خورندگان و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هرکه سورهٔ انا انزلناه در وقت سحور و در وقت افطار بخواند در ما بین این دو حالت
ثواب کسی داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد و گفته اند که اگر نیت
روزه را بعد از سحور بکنند بهتر است و از اول شب تا آخر شب نیت میتوان کرد و همین که میداند و قصد
دارد که فردا روزه میدارد و از برای خدا اینکار دبس است و اما آداب افطار سنت است که
اول نماز شام را بکند و بعد از ان افطار کند مگر آنکه جمعی انتظار او برند یا آنکه گرسنگی و تشنگی بر او غالب
باشد که مانع حضور قلب او باشد در نماز که درین دو صورت افطار را مقدم داشتن بهتر است

و در وقت افطار سوره انا انزلناه خواندن سنت است چنانچه دستور [illegible]
رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که در وقت افطار [illegible] بدین

یا عظیم یا عظیم انت الهی لا اله لی غیرک اغفر لی [illegible]

ای بزرگوار ای بزرگوار تو خدای منی نیست خدائی مرا غیر تو بیامرز برای من گناه

العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا العظیم

بزرگ را بدرستیکه نمی آمرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ

از گناهان بیرون رود مانند روزیکه از مادر متولد شده و از حضرت امام حسن علیه السلام
منقول است که هر روزه داری در وقت افطار دعا مستجاب است پس باید در لقمه اول بگوید

بسم الله الرحمن الرحیم یا واسع المغفرة اغفر لی

بنام خدای بخشاینده مهربان ای فراگیرنده آمرزش بیامرز مرا

و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که در وقت افطار بگوید

اللهم لک صمت و علی رزقک افطرت و علیک توکلت

بارخدایا برای تو روزه داشتم و بر روزی تو روزه گشودم و بر تو گذاشتم کار خود را

تا خدای تعالی عطا کند با و ثواب هر کس را که درین روز روزه داشته است و در روایت
دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در وقت افطار رو بدو زانو می‌نشستند و
چون خوان را می‌گذاشتند می‌گفتند

اللهم لک صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبله منا انک

بارخدایا برای تو روزه داشتیم و بر روزی تو روزه گشودیم پس بپذیر آنرا از ما بدرستیکه

انت السمیع العلیم

توئی شنوا و دانا

و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله افطار میکردند
بر خرما و آب یا رطب و آب و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت در وقت افطار ابتدا

رمضان

و اگر چیزی نیابند به نبات یا قند یا خرما افطار میکردند و اگر حاضر نمی بود به آب

و پیغمبر ... میفرمودند که آب سیکرم پاک میکند معده او قوت میدهد صدقه را و بینائی را زیاده

میکند رگ و عروق را ساکن میگرداند و صفرای غالب را فرو می نشاند و قطع می کند

بلغم را و اطفای حرارت میکند و صداع را برطرف میکند و ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه

و آله منقولست که هر که بر خرمای حلال افطار کند ثواب نمازش چهار صد برابر مضاعف گردد و از حضرت

صادق علیه السلام منقولست که افطار کردن به آب گناهان دل را میشوید و در حدیث دیگر فرمود

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دوست میداشت که افطار فرماید بشیر و از حضرت امام رضا علیه

السلام منقولست که هر که در وقت افطار یک گرده نان تصدق کند بر مسکینی خدا گناهان او را بیامرزد و برای او

ثواب یک بنده آزاد کردن از فرزندان اسمعیل در نامه عمل او نوشته شود و بهترین اعمال در

روزها و شبهای ماه مبارک رمضان تلاوت قرآن است بسیار باید خواند چون در این

ماه نازل شده است و در حدیث است که هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه مبارک رمضان

است و در ماههای دیگر در ماهی یک ختم سنت است و اقلش شش روز است و در ماه مبارک

هر سه روز یک ختم سنت است و اگر هر روز یک ختم تواند کرد خوب است و در حدیث است

که بعضی از ائمه علیهم السلام در این ماه چهل ختم و زیاده میکرده اند و اگر ختمی ثوابش

را بروح مقدس امامی از ائمه علیهم السلام و رسول خدا و فاطمه زهرا صلوات الله علیهما هدیه کند ثواب

مضاعف میگردد و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار باید فرستاد و استغفار بسیار

باید کرد و لا اله الا الله بسیار باید گفت و نافله های شب و روز را ترک نباید کرد و

در شبهای طاق ماه مبارک رمضان غسل سنت است خصوصا شب اول و پانزدهم و هفدهم

و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم و در دهه آخر در شبهای جفت نیز غسل سنت است

خصوصا شب آخر و در روایتی وارد شده است که در جمیع ماه هر شب غسل مستحب است و بسند معتبر

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شیعیان نوشته اند که در هر شب ماه مبارک رمضان

دعا را بخوانند دعای این ماه را ملائکه میشنوند و برای صاحبش استغفار میکنند و دعا این است

... از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که از جمله حق مهمان آنست که همراه او روی تا در خانه و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون شخصی بخانه کسی برود ...

اللهم انی افتتح الثناء بحمدک وانت مسدد للصواب بمنک وایقنت

خداوندا ابتدا میکنم ستایش و ثنای خود را بسپاس تو و توفیق میدهی ...

انت ارحم الراحمین فی موضع العفو والرحمة واشد المعاقبین فی

تو بخشنده ترین بخشایندگانی در جایگاه عفو و رحمت و سخت گیرنده ترین عقوبت کنندگانی در جای

النکال والنقمة واعظم المتجبرین فی موضع الکبریاء والعظمة اللهم

عقوبت و عذاب و بزرگترین بزرگوارانی در جایگاه بزرگواری و عظمت خدایا

اذنت لی فی دعائک ومسألتک فاسمع یا سمیع مدحتی واجب

دستوری دادی مرا در دعای خود و خواستن از خود پس بشنو ای شنوا ثنای مرا و بپذیر

یا رحیم دعوتی واقل یا غفور عثرتی فکم یا الهی من کربة قد فرجتها

ای مهربان دعای مرا و درگذر ای آمرزنده از لغزش من پس بسیار خدای من اندوه که گشودی آنرا

وهموم قد کشفتها وعثرة قد اقلتها ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء

و غمها که بتحقیق زائل نمودی آنها را و لغزش که بتحقیق درگذشتی از آنها و رحمت که بتحقیق پهن کردی آنرا و حلقه بلا که

قد فککتها الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولدا ولم یکن له شریک

بتحقیق گشودی آنرا سپاس خدای را که نگرفت همسری را و نه فرزندی و نیست برای او انبازی

فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا الحمد لله بجمیع محامده

در پادشاهی و نیست او را یاوری بجهت مذلت و بزرگ یاد کن او را بزرگ یاد کردنی سپاس خدا را بستایشهای

کلها علی جمیع نعمه کلها الحمد لله الذی لا مضاد له فی ملکه

تمام آنها بر همه نعمتهای او همه آنها سپاس مر خدای را که نیست مخالفت کننده مر او را در پادشاهی

ولا منازع له فی امره الحمد لله الذی لا شریک له فی خلقه ولا شبیه له

و نه خصومت نماینده برای او در امرش سپاس مر خدای را که نیست انبازی برای او در آفرینش و نه مانندی

فی عظمته الحمد لله الفاشی فی الخلق امره وحمده الظاهر بالکرم

در بزرگی و سپاس مر خدای را که منتشر است در خلق فرمان او و سپاس او هویداست بنوازش

مجده الباسط بالجود یده الذی لا تنقص خزائنه ولا تزیده کثرة

وی و گشاده است ببخشش دست او آنخدائیکه کم نمیکرد خزانه های او و زیاده نمیکند او را بسیاری

العطاء الا جودا وکرما انه هو العزیز الوهاب اللهم انی اسألک قلیلا

عطا مگر بخشش و احسان بدرستیکه او است ارجمند بسیار بخشنده خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اندکی

من کثیر مع حاجة بی الیه عظیمة وغناک عنه قدیم وهو عندی کثیر

از بسیار با احتیاج من بسوی آن بسیار عظیم و بی نیازی تو از آن دیرینه است و از نزد من بسیار است

وهو علیک سهل یسیر اللهم ان عفوک عن ذنبی وتجاوزک عن خطیئتی

و آن بر تو سهل و اندک است خداوندا بدرستیکه عفو تو از گناه من و تجاوز تو از خطای من

وصفحک عن ظلمی وسترک علی قبیح عملی وحلمک عن کثیر جرمی عندما کان

و در گذشتن تو از ظلم من و پوشیدن تو بر کردار زشت من و بردباری تو از گناه بسیار من و آنچه یافت شده

من خطائی وعمدی اطمعنی فی ان اسألک ما لا استوجبه منک الذی

از خطای من و عمد من بطمع انداخته مرا در آنکه سؤال کنم ترا آنچه را که نیستم سزاوار آن از تست بچیزی که

رزقتنی من رحمتک وأریتنی من قدرتک وعرفتنی من اجابتک

روزی کردی مرا از رحمت خود و نمودی مرا از توانائی خود و شناسانیدی مرا از اجابت خود

فصرت ادعوک آمنا واسألک مستأنسا لا خائفا ولا وجلا مدلا

پس گردیدم که میخوانم ترا با ایمنی و درمیخواهم ترا انس دارنده نه ترسان و نه بیمناک نازکننده

علیک فیما قصدت فیه الیک فان ابطأ عنی عتبت بجهلی علیک

بر تو در آنچه آهنگ کردم در آن بسوی تو پس اگر دیرنگ شود از من عتاب نمودم بنادانی خود بر تو

ولعل الذی ابطأ عنی هو خیر لی لعلمک بعاقبة الامور فلم ار مولی

و باشد که آنچه دیرنگ رسیده از من آن بهتر باشد برای من بجهت علم تو باخر کارها پس ندیدم سیدی

کریما اصبر علی عبد لئیم منک علی یا رب انک تدعونی فاولی عنک

بزرگواری بردبار کننده تر بر بنده سفله از تو بر من ای پروردگار من بتحقیق تو میخوانی مرا پس میگردانم از تو

فصل دوم در فضیلت افطار

وتتحبب الي فاتبغض اليك وتتودد الي فلا اقبل منك كان

دوستی میکنی بسوی من پس دشمنی میکنم بسوی تو و مهربانی میکنی بسوی من پس نمی پذیرم از تو گویا

لي التطول عليك فلم يمنعك ذلك من الرحمة لي والاحسان الي

مرا احسان است بر تو پس باز نداشت ترا آن از مهربانی بمن و احسان بسوی من

والتفضل علي بجودك وكرمك فارحم عبدك الجاهل وجد عليه

و بخشش بر من بخشش خود و بزرگواری خود پس رحم کن بنده خود را بخشش کن بر او

بفضل احسانك انك جواد كريم الحمد لله مالك الملك مجري

بزیادتی بخشش خود بدرستیکه تو بخشنده بزرگواری سپاس خدای را پادشاه پادشاهی روان کننده

الفلك مسخر الرياح فالق الاصباح ديان الدين رب العالمين الحمد

کشتیها رام سازنده بادها شکافنده سپیده دم جزا دهنده روز جزا پروردگار جهانیان سپاس

لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه بعد قدرته والحمد

مر خدا را بر بردباری او بعد از علم او و سپاس خدا را بر عفو او پس از توانائی او و سپاس

لله على طول اناته في غضبه وهو قادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق

مر خدا را بر درازی آهستگی او در غضب او و او توانا است بر آنچه اراده نماید سپاس مر خدای را آفریننده

باسط الرزق فالق الاصباح ذي الجلال والاكرام والفضل والانعام

و فراخ سازنده روزی شکافنده صبح خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و بخشش و نعمت را

الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد لله الذي

آنچنانکه دور است پس دیده نمیشود و نزدیک است پس آگاه است بهر رازی

ليس له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله ولا ظهير يعاضده

نیست برای او نزاع کننده که برابری کند او را و نه مانندی که مانند او را و نه یاری که مدد کند

قهر بعزته الاعزاء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء

قهر و غلبه کرده بغلبه خود بر غلبه داران و تواضع نموده برای بزرگی او بزرگان پس رسید بتوانائی خود بآنچه میخواهد

الحمد لله الذي يجيبني حين اناديه ويستر علي كل عورة وانا

سپاس خدایرا که اجابت میکند مرا هنگامیکه بخوانم اورا و می پوشد بر من هر زشتی را حال آنکه من

اعصيه ويعظم النعمة علي فلا اجازيه فكم من موهبة هنيئة قد اعطاني

نافرمانی می کنم او را و بزرگ میکند نعمت را بر من پس پاداش نمی کنم او را پس چه بسیار از بخشش گوارا که تحقیق بخشید مرا

وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة قد اراني وبلية موبقة

و بلائی بزرگ بیم نموده شده که بتحقیق دفع نمود از من و نکوئی خوش آینده که بتحقیق نمود مرا و بلای هلاک کننده

قد درأ عني فاثني عليه حامدا واذكره مسبحا الحمد لله الذي

که بتحقیق دفع کرد از من پس ستایش میکنم او را ثنا گویان و یاد میکنم او را بپاکیزگی یاد کنان سپاس مر خدایرا

لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب امله

که دریده نمیشود پرده او و بسته نمیشود درگاه او و برگردانیده نمیشود خواهنده از او و ناامید گردانیده نمیشود

الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجي الصالحين ويرفع المستضعفين

سپاس خدایرا که ایمنی بخشد ترسندگان را و برهاند شایستگان را و برمیدارد ناتوانان را

ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف اخرين والحمد لله قاصم

و پست میسازد گردنکشان را و نیست میکند پادشاهان را و جانشین میکند دیگران را و سپاس مر خدایرا شکننده

الجبارين مبير الظالمين مدرك الهاربين نكال الظالمين صريخ

ستمکاران هلاک سازنده ستمکاران دریابنده گریزندگان عذاب کننده ستمکاران دادرس

المستصرخين موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذي

دادخواهان قرارگاه حاجتهای سوال کنندگان اعتماد کرده شده گرویدگان سپاس مر خدایرا که

من خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف الارض وعمارها

از بیم او مضطرب است آسمان و قرارگیرندگان او و می لرزد زمین و ساکنان او

وتموج البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي هدانا لهذا

و موج میزند دریاها و آنکه شنا میکند در گردابهای آن سپاس خدایرا که راه نمود ما را باین

فصل

وما كنّا لنهتدي لولا ان هدانا الله الحمد لله الّذي يخلق ولم يخلق

ونبوديم ما كه راه يابيم اگر نمی بود آنکه راه نمود ما را خدا سپاس خدا یرا که می آفریند و آفریده نشده

ويرزق ولا يُرزق ويُطعم ولا يُطعم ويُميت الأحياء ويُحيي الموتى

و روزی میدهد و روزی داده نشده و میخوراند و خورانیده نشده و می میراند زندگان را و زنده میسازد مردگان را

وهو حيّ لا يموت بيده الخير وهو على كلّ شيء قدير اللّهمّ صلّ على

و او زنده ایست که نمی میرد بدست اوست هر نیکی و او بر همه چیز توانا است خداوندا رحمت بفرست بر

محمّد عبدك ورسولك وأمينك وصفيّك وحبيبك وخيرتك

محمد بنده تو و رسول تو و امانت دار تو و برگزیده تو و دوست تو و اختیار کرده شده تو

من خلقك وحافظ سرّك ومبلّغ رسالاتك أفضل وأحسن وأجمل

از خلق تو و نگاه دارنده راز تو و رساننده پیغام تو زیاده تر و نیکوتر و بهتر

وأكمل وأزكى وأنمى وأطيب وأطهر وأسنى وأكثر ما صلّيت

و تمام تر و طاهرتر و افزایش کننده تر و پاکیزه تر و بلند پایه تر و بیشتر آنچه رحمت فرستادی

وباركت وترحّمت وتحنّنت وسلّمت على أحد من عبادك وأنبيائك

و برکت دادی و ترحم نمودی و مهربانی کردی و درود فرستادی بر یکی از بندگان خود و پیغمبران خود

ورسلك وصفوتك وأهل الكرامة عليك من خلقك اللّهمّ صلّ

و فرستادگان خود و برگزیدگان خود و آنانکه گرامی اند بر تو از خلق خود خداوندا رحمت بفرست

على عليّ أمير المؤمنين ووصيّ رسول ربّ العالمين عبدك ووليّك

بر علی پادشاه گروندگان و وصی رسول پروردگار جهانیان بنده تو و دوست تو

وأخي رسولك وحجّتك على خلقك وآيتك الكبرى والنّبأ العظيم

و برادر رسول تو و حجت تو بر آفریدگان تو و نشان بزرگ تو و خبر بزرگ

وصلّ على الصّدّيقة الطّاهرة فاطمة الزّهراء سيّدة نساء العالمين

و رحمت بفرست بر راست گوی پاک فاطمه زهرا بزرگ زنان عالمیان

وَصَلِّ عَلَى سِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَاِمَامَيِ الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ

و رحمت بفرست بر دو فرزندزادهٔ رحمت و دو پیشوای راه نما حسن و حسین دو بزرگ جوانان

اَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلَى اَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ

اهل بهشت و رحمت بفرست بر پیشوایان مسلمانان زین العابدین علیه السلام و امام محمد باقر ع و امام جعفر صادق

بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ

فرزند محمد باقر و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد

وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْخَلَفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ

و حسن بن علی و جانشین راه نما راه یافته حجت های تو بر بندگان تو

وَاُمَنَائِكَ فِي بِلَادِكَ صَلٰوةً كَثِيرَةً دَائِمَةً اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ اَمْرِكَ

و امانت داران تو در شهرهای تو رحمت بسیار پیوسته خداوندا رحمت بفرست بخداوند امر خود

الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ وَحُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَاَيِّدْهُ بِرُوحِ

برپا ایستاده امید داشته شده و دادخواه انتظار کرده شده فرو گیر او را با فرشتگان خود نزدیکان و قوت ده او را بروح

الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ اِلَى كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ

قدس ای پروردگار جهانیان خداوندا بگردان او را خواننده بسوی کتاب خود و برپا دارنده

بِدِينِكَ اسْتَخْلِفْهُ فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكِّنْ لَهُ

دین خود خلیفه گردان او را در زمین چنانچه خلیفه گردانیدی آنانرا که بودند پیش از وی جا ده برای او

دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ اَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ اَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ

دین او را که پسندیدی آنرا برای او بدل کن برای او پس از بیم او ایمنی را پرستد ترا شریک نگرداند

بِكَ شَيْئًا اَللّٰهُمَّ اَعِزَّهُ وَاَعْزِزْ بِهِ وَانْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ وَانْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا

با تو چیزی را خداوندا غالب گردان او را و غالب گردان بسبب او و یاری کن او را و انتقام کش بسبب او و یاری کن او را

وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا اَللّٰهُمَّ اَظْهِرْ بِهِ

و بگشا برای او گشودن آسان و بگردان برای او از نزد خود حجتی یاری نماینده خداوندا ظاهر کن بسبب او

دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتّٰى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ

دین خود را و طریقهٔ پیغمبر خود را تا آنکه پنهان ندارد چیزی از حق بجهت بیم کسی از

الْخَلْقِ اللّٰهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ

آفریدگان خداوندا بدرستیکه ما خواهشمندیم بسوی تو در دولت گرامی که عزیز داری بآن اسلام و اهل اسلام

وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلٰى طَاعَتِكَ

و خوار کردی بآن نفاق و اهل نفاق را و بگردانی ما را در آن از خوانندگان بسوی طاعت خود

وَالْقَادَةِ إِلٰى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللّٰهُمَّ مَا

و کشندگان بسوی راه خود و روزی کن ما را بسبب آن کرامت این جهان و آن جهان خداوندا آنچه

عَرَّفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمِّلْنَاهُ وَمَا قَصُرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَاهُ اللّٰهُمَّ الْمُمْ بِهِ

شناسانیدی ما را از حق پس توفیق عمل آن را عطا فرما و آنچه باز ماندیم از آن پس برسان ما را بآن خداوندا جمع کن

شَعَثَنَا وَاشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنَا وَكَثِّرْ بِهِ قِلَّتَنَا وَأَعْزِزْ

پراکندگی ما را و بهم آور بسبب او شکاف ما را و التیام ده بجراحت ما و بسیار کن بسبب او کمی ما را

ذِلَّتَنَا وَأَغْنِ بِهِ عَائِلَنَا وَاقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنَا وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا وَسُدَّ بِهِ

خواری ما را و بی نیاز کن با او نیازمند ما را و ادا کن بسبب او قرض ما را تدارک کن با او احتیاج ما و ببند

خَلَّتَنَا وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا وَبَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنَا وَفُكَّ بِهِ أَسْرَنَا وَأَنْجِحْ

حاجت ما را و آسان کن بسبب او مشکل ما را و سفید کن بسبب او روی ما را و دور کن بسبب او گرفتاری ما را و بر آور

بِهِ طَلِبَتَنَا وَأَنْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنَا وَأَعْطِنَا

با او حاجت ما را و روا کن بسبب او وعده‌های ما را و بپذیر بحرمت او دعای ما را و عطا کن

بِهِ سُؤْلَنَا وَبَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ آمَالَنَا وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ

با او سؤل ما را و برسان ما را بسبب او از دنیا و آخرت آرزوهای ما و عطا کن با ما بالاتر

رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ اشْفِ بِهِ صُدُورَنَا

خواهش ما ای بهترین سؤال شدگان و فراگیرنده‌ترین بخشندگان شفا ده بسبب او سینه‌های

واذهب به غيظ قلوبنا واهدنا به لما اختلف فيه من الحق باذنك

و ببر بسبب او خشم دلهای ما را و راه نمائی کن ما را به آنچه اختلاف کرده شده در آن از حق بحضرت تو

انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم وانصرنا به على عدوك

بدرستیکه تو راه نمائی میکنی هر که را خواهی بسوی راه راست و یاری ده ما را بسبب او بر دشمن خود

وعدونا اله الحق آمين اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا صلواتك

و دشمن ما ای خدای بحق دعا مرا اجابت کن خداوندا بدرستیکه ما شکایت میکنیم بسوی تو نیافتن پیغمبر خود را رحمتهای تو

عليه وآله وغيبة ولينا وكثرة عدونا وقلة عددنا وشدة

بر او و بر آل او و پنهانی صاحب اختیار ما و بسیاری دشمن ما و کمی شمار ما و سخت شدن

الفتن بنا وتظاهر الزمان علينا فصل على محمد وآله واعنا على

آشوبهای ما و یاری دادن زمانه بر ما پس رحمت فرست بر محمد و آل او و مدد کن ما را بر

ذلك بفتح تعجله وبضر تكشفه ونصر تعزه وسلطان حق تظهره

آن بگشایش که بشتاب آوری او را و بدی که رفع نمائی آن را و یاری که غالب گردانی آن را و پادشاه بحق که ظاهر گردانی او را

ورحمة منك تجللناها وعافية منك تلبسناها برحمتك يا ارحم الراحمين

و رحمت از خود که فرو گیری ما را آن و عافیت از خود که بپوشانی ما را آن به بخشش خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

وبسند بسیار معتبر بلکه صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در هر شب
این ماه مبارک این دعا بخوانند

اللهم اني اسألك ان تجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم

خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم از تو اینکه گردانی در آنچه حکم کرده و تقدیر نموده از امر حتم کرده شده

في الامر الحكيم من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني

در امر موافق حکمت از آن حکمی که رد کرده نشود و بدل گردانیده نشود آنکه بنویسی مرا

من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور

از حج کنندگان خانه محترم خود که پذیرفته باشد حج ایشان جزا داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود

رمضان

ذنوبهم المكفّر عن سيّئاتهم وان تجعل فيما تقضي وتقدّر ان

گناهان ایشان و درگذشته شود از بدیهای ایشان و آنکه بگردانی در جمله آنچه حکم کنی و اندازه کنی آنکه

تطيل عمري في خير وعافية وتوسّع في رزقي وتجعلني ممّن

دراز کنی عمر مرا در نیکوئی و عافیت و آنکه گشاده کنی در روزی من و بگردانی مرا از آنانکه

تنتصر به لدينك ولا تستبدل بي غيري

انتقام کشی بسبب ایشان برای دین خود و بدل مکن از غیر مرا

واین دعای عالیة المضامین نیز در

شب وارد شده است

اللّهمّ برحمتك في الصّالحين فادخلنا وفي علّيّين فارفعنا و

خداوندا برحمت خود در زمره شایستگان پس داخل کن ما را و در علیین پس بلند کن ما را و

بكأس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين

بجامی از شراب شیرین از چشمه سلسبیل پس آب ده ما را و از دیدگان فراخ چشم

برحمتك فزوّجنا ومن الولدان المخلّدين كانّهم لؤلؤ مكنون

برحمت خود پس زن ده ما را و از کودکان جاوید ماندگان گویا ایشان مروارید پوشیده اند

فاخدمنا ومن ثمار الجنّة ولحوم الطّير فاطعمنا ومن ثياب

پس خادم بخش ما را و از میوه های بهشت و گوشت های مرغ پس بخوران ما را و از جامه های

السّندس والحرير والاستبرق فالبسنا وليلة القدر وحجّ

دیبای نازک و ابریشم و دیبای سطبر پس بپوشان ما را و برای دریافت شب قدر و حج

بيتك الحرام وقتلاً في سبيلك فوفّق لنا وصالح الدّعاء والمسئلة

خانه محترم خود و کشته شدن در راه خود پس توفیق ده ما را و شایسته دعا و سوال را

فاستجب لنا واذا جمعت الاوّلين والآخرين يوم القيمة فارحمنا

پس مستجاب کن برای ما و هرگاه جمع آوری پیشینیان و پسینیان در روز قیامت پس رحم کن ما را

وَبَرَاءَةً مِنَ النَّارِ فَاكْتُبْ لَنَا وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَغُلَّنَا وَفِي عَذَابِكَ وَ

و بیزاری از آتش بنویس برای ما و در دوزخ پس غل مکن ما را و در عذاب خود و

هَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ

خواری خود پس مبتلا مکن ما را و از درخت زقوم و خار خشک زهردار پس مخوران ما را و با دیوان پلید

فَلَا تَجْعَلْنَا وَفِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تَكْبُبْنَا وَمِنْ ثِيَابِ

پس مگردان ما را و در آتش بر روهای ما پس میفکن ما را و از جامه‌های

النَّارِ وَسَرَابِيلِ الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلَهَ

آتش و پیراهن‌های قطران مپوشان ما را و از هر بدی ای آنکه نیست خدا

إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَنَجِّنَا

مگر تو بحق لا اله الا انت پس برهان ما را

اما دعای سحر بسند بسیار معتبر وارد شده است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که این دعائیست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در سحر میخواندند و میفرمودند که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت آنرا هر آینه بشمشیر برای طلب این دعا با یکدیگر قتال کنند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا درین دعاست راست گفته‌ام پس چون این دعا را بخوانند باهتمام تمام و تضرع بخوانند و از غیر اهلش پنهان دارند و دعا این است

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِيٌّ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیکوست خداوندا بدرستیکه من

أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ

سؤال میکنم از تو به نیکوئی تو سرنیکوئی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی

جَمِيلٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

نیکوست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو به نیکوئی تو سرنیکوئی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو

مِنْ جَلَالِكَ بِأَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ

از بزرگواری تو به بزرگوارترین آن و هر بزرگواری تو بزرگوارست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو به بزرگواری تو

كُلِّهِ اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ

بزرگوار خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از بزرگی تو به بزرگترین آن و هر بزرگی تو بزرگ است

اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو به بزرگی تو بهر بزرگی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از نور تو

بِاَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اللّٰهُمَّ اِنّی

به روشن ترین آن و هر نور تو روشن است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بنور تو بهر نوری خداوندا بدرستیکه

اَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِهَا وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ

سؤال میکنم ترا از رحمت تو بفراگیرنده ترین آن و هر رحمتی از تو فراگیرنده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِاَتَمِّهَا وَكُلُّ كَلِمَاتِكَ

برحمت تو بهر رحمتی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از کلمهای تو بتمام ترین آنها و هر یک از کلمات تو

تَامَّةٌ اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ

تمام است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بکلمهای تو بهر یک از آنها خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از صفات کمال تو

بِاَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ اللّٰهُمَّ اِنّی

به کاملترین آن و هر کمال تو کامل است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بکمال تو بهر کمالی خداوندا بدرستیکه من

اَسْأَلُكَ مِنْ اَسْمَائِكَ بِاَكْبَرِهَا وَكُلُّ اَسْمَائِكَ كَبِيرَةٌ اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ

سؤال میکنم ترا از نامهای تو به بزرگترین آنها و هر یک از نامهای تو بزرگ است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

بِاَسْمَائِكَ كُلِّهَا اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّهَا وَكُلُّ عِزَّتِكَ

بنامهای تو بهر یک از آنها خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از ارجمندی تو بارجمندترین آن و هر ارجمندی تو

عَزِيزَةٌ اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ

ارجمند است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بارجمندی تو بهر ارجمندی خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا

مِنْ مَشِيَّتِكَ بِاَمْضَاهَا وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٌ اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ

از خواهش تو بگذرنده ترین آن و هر خواهشی از تو گذرنده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

باب چهارم در بیان فضیلت

فصل اول

بمشيتك كلها اللهم إني أسألك من قدرتك بالقدرة التي استطلت

بمشیت تو همه مشیتی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از توانائی تو بآن توانائی که استیلا دادی

بها على كل شيء وكل قدرتك مستطيلة اللهم إني أسألك

بسبب آن بر هر چیز و هر توانائی از تو مستولی است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

بقدرتك كلها اللهم إني أسألك من علمك بأنفذه وكل علمك

به توانائی تو همه توانائی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از دانش تو روان ترین آن و هر دانش تو

نافذ اللهم إني أسألك بعلمك كله اللهم إني أسألك من قولك

روانست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بعلم تو همه علمی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از گفتار تو

بأرضاه وكل قولك رضي اللهم إني أسألك بقولك كله

پسندترین آن و هر گفتاری از تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بگفتار تو همه آن

اللهم إني أسألك من مسائلك بأحبها إليك وكل مسائلك

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از سوالهای تو بدوست ترین آنها بسوی تو و هر یک از سوالهای تو

إليك حبيبة اللهم إني أسألك بمسائلك كلها اللهم إني أسألك

بسوی تو دوست است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بسوالهای تو هر یک از آنها خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

من شرفك بأشرفه وكل شرفك شريف اللهم إني أسألك بشرفك

رفعت تو برفیع ترین آن و هر رفعتی از تو رفیع است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا برفعت تو

كله اللهم إني أسألك من سلطانك بأدومه وكل سلطانك دائم

همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از سلطنت تو بهمیشه ترین آن و سلطنتی از تو همیشه است

اللهم إني أسألك بسلطانك كله اللهم إني أسألك من ملكك بأفخره وكل

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بسلطنت تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از ملک تو بفخرترین آن و هر

ملكك فاخر اللهم إني أسألك بملكك كله اللهم إني أسألك من علوك بأعلاه

علو از تو بلند است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بعلو تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از بلندی تو به بلندترین آن و

عُلُوِّكَ عالٍ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ مِنْ

بلندی تو بلند است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بانعام تو هر انعامی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم

مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَدیمٌ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ

انعام تو با دیرینه ترین آن و هر انعامی از تو دیرینه است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بانعام تو هر انعامی

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ مِنْ آیاتِكَ بِاَكْرَمِها وَكُلُّ آیاتِكَ كَریمَةٌ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از نشانهای تو بگرامی ترین آن و هر یک از نشانهای تو گرامی است

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِآیاتِكَ كُلِّها اَللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِما اَنْتَ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بنشانهای تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بآنچه تو

فیهِ مِنَ الشَّاْنِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَاْنٍ وَحْدَهُ وَجَبَرُوتٍ

در آنی از کاری و بزرگواری و سؤال میکنم ترا بهر کاری که یگانه است آن و بزرگواری

وَحْدَها اَللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِما تُجیبُنی حینَ اَسْأَلُكَ فَاَجِبْنی یا اَللّهُ

که یگانه است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بآنچه اجابت کنی مرا هنگامیکه سؤال میکنم ترا پس اجابت کن مرا ای خدا

پس هر حاجت که خواهد از حق تعالی بخواهد که البته برآورده میشود و از جمله دعاهای
مشهوره سحر دعائیست که شیخ طوسی و دیگران از ابوحمزه ثمالی روایت کرده‌اند
که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر شب را
نماز میکردند و چون سحر میشد این دعا میخواندند

اِلهی لا تُؤَدِّبْنی بِعُقُوبَتِكَ وَلا تَمْكُرْ بی فی حیلَتِكَ مِنْ اَیْنَ لِیَ الْخَیْرُ

خدای من ادب مکن مرا بعقوبت خود و مکر مکن با من در مکر خود کجاست مرا نیکی

یا رَبِّ وَلا یُوجَدُ اِلّا مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ اَیْنَ لِیَ النَّجاةُ وَلا تُسْتَطاعُ

ای پروردگار من حال آنکه یافت نمیشود مگر از نزد تو و از کجاست مرا رستگاری و حال آنکه مقدور نیست

اِلّا بِكَ لاَ الَّذی اَحْسَنَ اسْتَغْنی عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلاَ الَّذی اَساءَ

مگر بلطف تو نه آنکه نیکوئی کرده بی نیاز است از یاری تو و رحمت تو و نه آنکه گناه کرد

واجترأ عليك ولم يرضك خرج عن قدرتك يا رب يا رب

و دلیری نمود بر تو و خشنود نساخته ترا بیرون است از قدرت تو ای پروردگار من ای پروردگار من

انقدر بگوید که نفس منقطع شود

و بعد از آن بگوید

بك عرفتك وانت دللتني عليك ودعوتني اليك ولولا انت

بتو شناختم ترا و تو راه نمودی مرا بر خود و خواندی مرا بسوی خود و اگر نمی بود راهنمایی تو

لم ادر ما انت الحمد لله الذي ادعوه فيجيبني وان كنت بطيئا

نمیدانستم که چیستی تو سپاس مر خدا را که میخوانم او را پس اجابت میکند مرا و اگر چه بوده باشم درنگ کننده

حين يدعوني والحمد لله الذي اسأله فيعطيني وان كنت بخيلا

هنگامیکه میخواند مرا و سپاس مر خدا را که درمیخواهم از او پس بخشش میکند مرا و اگر چه بوده باشم بخل نماینده

حين يستقرضني والحمد لله الذي اناديه كلما شئت لحاجتي

هنگامیکه وام خواهد از من و سپاس مر خدا را که میخوانم او را هر گاه خواهم برای حاجت خود

واخلو به حيث شئت لسري بغير شفيع فيقضي لي حاجتي

و خلوت میکنم با او آنجا که خواهم بجهت راز خود بی شفاعت کننده پس وا میکند برای من حاجت مرا

والحمد لله الذي ادعوه ولا ادعو غيره ولو دعوت غيره لم يستجب لي

و سپاس مر خدا را که میخوانم او را و نمیخوانم غیر او را و اگر میخواندم غیر او را نمی پذیرفت برای من

دعائي والحمد لله الذي ارجوه ولا ارجو غيره ولو رجوت غيره لاخلف

دعای مرا و سپاس مر خدا را که امیدوارم او را و امید ندارم از سوای او و اگر امید داشتم غیر او را هر آینه خلاف میکرد

رجائي والحمد لله الذي وكلني اليه فاكرمني ولم يكلني الى الناس

امید مرا و سپاس مر خدا را که واگذاشته مرا بسوی خود پس گرامی داشت مرا و واگذاشت مرا بسوی مردمان

فيهينوني والحمد لله الذي تحبب الي وهو غني عني والحمد لله الذي

پس خوار نمایند مرا و سپاس مر خدا را که دوستی نمود بسوی من در حالیکه او بی نیاز است از من سپاس مر خدا را که

يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ

بردباری مینماید از من تا بحدیکه گویا نیست گناهی اپس پروردگار من ستوده‌ترین چیزیست نزد من و سزاوارتر

بِحَمْدِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ

بسپاس من خداوندا بدرستیکه من مییابم راههای مطلبها را بسوی تو گشوده و آبخورهای

الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَالِاسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَّلَكَ مُبَاحَةً

امید را نزد تو پر آب و یاری جستن را بخشش تو برای آنکه امید دارد ترا حلال کرده

وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِخِينَ مَفْتُوحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِينَ

و درهای دعا بسوی تو برای استغاثه نمایندگان گشوده و میدانم که بتحقیق تو برای امیدواران

بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَلِلْمَلْهُوفِينَ بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى

در جایگاه اجابتی و برای ستم رسیدگان در جایگاه فریادی و آنکه بتحقیق در استغاثه بسوی

جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ عِوَضاً عَنْ مَنْعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً

بخشش تو و خوشنودی بحکم تو عوضیست از منع بخیلان و وسعت و بی‌نیازیست

عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأْثِرِينَ وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ

از آنچه در دستهای غصب کنندگانست و آنکه بتحقیق کوچ نماینده بسوی تو نزدیک راه است

وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْآمَالُ دُونَكَ وَقَدْ

و بتحقیق تو پنهان نمی‌باشی از خلق خود مگر آنکه حائل شود ایشان را آرزوها بغیر تو و بتحقیق

قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي وَجَعَلْتُ بِكَ

قصد کردم بسوی تو بمطلب خود و رو آوردم بسوی تو بحاجت خود و گردانیدم بتو

اسْتِغَاثَتِي وَبِدُعَائِكَ تَوَسُّلِي مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي

دادخواهی خود را و بخواندن تو وسیله‌جوئی خود را بی آنکه سزاوار باشم شنیدن ترا از من

وَلَا اسْتِيجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي بَلْ لِثِقَتِي بِكَرَمِكَ وَسُكُونِي إِلَى صِدْقِ

و نه آنکه مستوجب باشم درگذشتن ترا از من بلکه بجهت اعتماد من به بزرگواری تو و آرام گرفتن من بسوی

رمضان

وَعدِكَ وَ أَلجَأني إلى الإيمانِ بِتَوحيدِكَ وَ يَقيني بِمَعرِفَتِكَ مِنّي

وعده تو و پناه آوردن من بسوی تصدیق به یگانگی تو وجزم داشتن من بشناخت تو از من

أن لا رَبَّ لي غَيرُكَ وَ لا إلهَ إلّا أنتَ وَحدَكَ لا شَريكَ لَكَ اللّهُمَّ

آنکه نیست پروردگاری برای من غیر تو و نیست سزاوار پرستش مگر تو در حالیکه یگانه نیست شریکی برای تو خداوندا

أنتَ القائِلُ وَ قَولُكَ حَقٌّ وَ وَعدُكَ صِدقٌ وَاسألُوا اللهَ مِن فَضلِهِ

توئی گوینده و گفتار تو درست است و وعده تو راست است و سوال کنید خدارا از بخشش او

إنَّ اللهَ كانَ بِكُم رَحيماً وَ لَيسَ مِن صِفاتِكَ يا سَيِّدي أن تَأمُرَ

بدرستیکه خدا است بشما مهربان و نیست از خصلتهای تو ای بزرگ من آنکه امر کنی

بِالسُّؤالِ وَ تَمنَعَ العَطِيَّةَ وَ أنتَ المَنّانُ بِالعَطِيّاتِ عَلى أهلِ مَملَكَتِكَ

بسوال و بازداری بخشش را و توئی بسیار بخشنده بخششها بر اهل مملکت خود

وَ العائِدُ عَلَيهِم بِتَحَنُّنِ رَأفَتِكَ إلهي رَبَّيتَني في نِعَمِكَ وَ إحسانِكَ

و منفعت رساننده بر ایشان بزیادی مهربانی خود خدای من پروردی مرا در نعمتهای خود و احسان خود

صَغيراً وَ نَوَّهتَ بِاسمي كَبيراً فَيا مَن رَبّاني فِي الدُّنيا بِإحسانِهِ وَ تَفَضُّلِهِ

حال آنکه خورد بودم و بلند کردی نام مرا در حال بزرگی من پس ای آنکه پرورد مرا در دنیا به نیکوئی خود و بخشش خود

وَ نِعَمِهِ وَ أشارَ لي فِي الآخِرَةِ إلى عَفوِهِ وَ كَرَمِهِ مَعرِفَتي يا مَولايَ دَليلي عَلَيكَ

و نعمتهای خود و اشاره کرد مرا در آخرت بسوی درگذشتن خود و کرم خود شناختن من ای آقای من دلیل من است بر تو

وَ حُبّي لَكَ شَفيعي إلَيكَ وَ أنا واثِقٌ مِن دَليلي بِدَلالَتِكَ وَ ساكِنٌ

و دوستی من ترا شفاعت کننده من است بسوی تو و من اعتماد دارم از دلیل خود بدلالت تو و اطمینان دارم

مِن شَفيعي إلى شَفاعَتِكَ أدعوكَ يا سَيِّدي بِلِسانٍ قَد أخرَسَهُ

از شفیع خود به پذیرفتن تو میخوانم ترا ای بزرگ من بزبانی که بتحقیق گنگ نموده او را

ذَنبُهُ رَبِّ اُناجيكَ بِقَلبٍ قَد أوبَقَهُ جُرمُهُ أدعوكَ يا رَبِّ راهِباً راغِباً

گناه او پروردگار من راز میگویم ترا بدلی که بتحقیق هلاک کرده او را گناه او میخوانم ترا ای پروردگار من بیمناک

رمضان

راجیاً خائفاً اذا رأیتُ مولای ذنوبی فزعتُ واذا رأیتُ کرمک

امیدوار ترسان هرگاه می‌بینم ای آقای من گناهان خود را می‌ترسم و هرگاه می‌بینم بزرگواری ترا

طمعتُ فان عفوتَ فخیر راحمٍ وان عذّبتَ فغیر ظالمٍ حجّتی یا الله فی

امیدوار میگردم پس اگر درگذری پس تو بهترین بخشندگانی و اگر عذاب کنی پس نیستی ستمکار حجت من خداوندا

جرأتی علی مسألتک مع اتیانی ما تکره جودک وکرمک وعدّتی

دلیری من بر سوال کردن از تو با بجا آوردن من چیزی که ناخوش داری آن را بخشش تو و بزرگواری تست و ذخیرهٔ من

فی شدّتی مع قلّة حیائی رأفتک ورحمتک وقد رجوتُ ان لا تخیّب

در حال سختی من با کمی شرم من مهربانی تو و بخشش تست بتحقیق امید دارم که نا امید نگردانی

بین ذین وذین منیتی فحقّق رجائی واسمع دعائی یا خیر من دعاه داعٍ

میان آن و آن آرزوی مرا پس ثابت دار امید مرا و بپذیر دعای مرا ای نیکوتر کسیکه خوانده او را خواننده

وافضل من رجاه راجٍ عظم یا سیّدی املی وساء عملی فاعطنی من

و بهتر کسیکه امید داشته او را امیدوار بزرگست ای آقای من آرزوی من و بدست کردار من پس عطا کن مرا از

عفوک بمقدار املی ولا تؤاخذنی باسوء عملی فانّ کرمک یجلّ عن

درگذشتن خود باندازهٔ آرزوی من و فرا مگیر مرا به بدترین کردار من پس بدرستیکه بزرگواری تو بزرگوار است از

مجازاة المذنبین وحلمک یکبر عن مکافاة المقصّرین وانا یا سیّدی

سزا دادن گناهکاران و بردباری تو بزرگتر است از پاداش دادن تقصیر کنندگان و من ای آقای من

عائذٌ بفضلک هاربٌ منک الیک متنجّزٌ ما وعدت من الصفح عمّن

پناه گیرنده ام ببخشش تو گریزانم از تو بسوی تو خواهانم روا کردن آنچه را که وعده فرمودی از گذشتن

احسن بک ظنّاً وما انا یا ربّ وما خطری هبنی بفضلک وتصدّق علیّ

نیک داشته بتو گمان و چیستم من ای پروردگار و چیست خطر من ببخش مرا بفضل خود و نوازش کن

بعفوک ای ربّ جلّلنی بسترک واعف عن توبیخی بکرم وجهک

مرا بگذشتن خود ای پروردگار من بپوشان مرا بپوشش خود و درگذر از سرزنش کردن من بکرم ذات خود

فلو اطّلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته ولو خفت تعجيل العقوبة

پس اگر آگاه میشد امروز بر گناه من غیر تو نمیکردم آنرا و اگر میترسیدم شتابی نمودن بعقوبت

لاجتنبته لا لانّك اهون الناظرين اليّ واخفّ المطّلعين عليّ بل

هر آینه دوری میکردم از گناه نه از جهت آنکه تو خوارترین نگرندگانی بسوی من سبکترین اطلاع کنندگانی بر من بلکه

لانّك يا ربّ خير الساترين واحكم الحاكمين واكرم الاكرمين

بجهت آنکه بتحقیق تو ای پروردگار من بهترین پوشندگانی و حکم کننده ترین حکم کنندگانی و بزرگترین بزرگوارانی

ستّار العيوب غفّار الذنوب علّام الغيوب تستر الذنب بكرمك

بسیار پوشنده ناپسندیهائی و عیبهائی آمرزنده گناهانی بسیار دانا بنهانیهائی پوشانی گناهان را به بزرگواری خود

وتؤخّر العقوبة بحلمك فلك الحمد على حلمك بعد علمك وعلى عفوك

و پس میداری عقوبت را به بردباری خود پس مر تراست سپاس بر بردباری تو بعد از علم تو و بر درگذشتن تو

بعد قدرتك ويحملني ويجرّئني على معصيتك حلمك عنّي ويدعوني

پس از توانائی تو و میدارد مرا و دلیر میکند مرا بر نافرمانی تو بردباری تو از من و میخواند مرا

الى قلّة الحياء سترك عليّ ويسرعني الى التوثّب على محارمك معرفتي

بسوی کم شرمی پوشیدن تو بر من و شتاب می آورد بسوی دست یافتن چیزهائیکه حرام کرده تو شناختن من

بسعة رحمتك وعظيم عفوك يا حليم يا كريم يا حيّ يا قيّوم يا غافر

فراخی بخشش ترا و درگذشتن بزرگ ترا ای بردبار ای بزرگوار ای زنده ای پاینده ای آمرزنده

الذنب يا قابل التوب يا عظيم المنّ يا قديم الاحسان اين سترك

گناه ای پذیرنده توبه ای بزرگ بخشش ای دیرینه احسان کجاست پوشیدن

الجميل اين عفوك الجليل اين فرجك القريب اين غياثك السريع

نیکوی تو کجاست درگذشتن بزرگ تو کجاست گشایش نزدیک تو کجاست فریادرسی شتابان تو

اين رحمتك الواسعة اين عطاياك الفاضلة اين مواهبك الهنيئة

کجاست رحمت فراگیرنده تو کجاست بخششهای نیکوی تو کجاست بخششهای گوارای تو

فصل سوم

أين صنائعك السنية أين فضلك العظيم أين منك الجسيم أين احسانك

کجاست کارهای بلند پایه تو کجاست بخشش بزرگ تو کجاست عطای بزرگ تو کجاست احسان

القديم أين كرمك يا كريم به وبمحمد وآل محمد فاستنقذني

دیرینه تو کجاست بزرگواری تو ای بزرگوار بآن و بمحمد و آل محمد پس برهان مرا

وبرحمتك فخلصني يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل لست أتكل في النجاة

و برحمت خود پس خلاص کن مرا ای احسان نماینده ای نیکو کردار ای نعمت دهنده ای بخشنده نیستم که اعتماد

من عقابك على أعمالنا بل بفضلك علينا لأنك أهل التقوى وأهل

از عقاب تو بر کردارهای خود بلکه بخشش تو برما زیرا که بتحقیق تو اهل پرهیزکاری و اهل

المغفرة تبدئ بالإحسان نعما وتعفو عن الذنب كرما فما ندري ما نشكر

آمرزشی ابتدا میکنی ببخشیدن از راه توانگری و در میگذری از گناه از راه بزرگواری پس نمیدانیم که شکر کنیم

أجميل ما تنشر أم قبيح ما تستر أم عظيم ما أبليت وأوليت أم كثير

آیا امر خوبی را که پهن میکنی یا کردار زشتی که میپوشی یا عطیه بزرگی را که عطا فرمودی و بخشش نمودی یا بلای بسیاری

ما منه نجيت وعافيت يا حبيب من تحبب إليك ويا قرة عين من لاذ بك

که از آن نجات دادی و عافیت بخشیدی ای دوست کسیکه دوستی کند بسوی تو و روشنی دیده کسیکه پناه گیرد بتو

وانقطع إليك أنت المحسن ونحن المسيئون فتجاوز يا رب عن قبيح ما عندنا

و بریده شود بسوی تو تو نیکو کرداری و ما بد کرداران پس در گذر ای پروردگار من از زشت آنچه نزد ماست

بجميل ما عندك وأي جهل يا رب لا يسعه جودك وأي زمان أطول

بنیکوئی آنچه نزد تست و کدام نادانی ای پروردگار من فرا نگرفته است او را بخشش تو و کدام زمانیست دراز تر

من أناتك وما قدر أعمالنا في جنب نعمك وكيف نستكثر أعمالا نقابل

از زمان مهلت تو و چیست قدر کردارهای ما در مقابل نعمتهای تو و چگونه بسیار شماریم کردارها را که مقابل کنیم

بها كرمك بل كيف يضيق على المذنبين ما وسعهم من رحمتك يا واسع

با آن بزرگواری ترا بلکه چگونه تنگ میگردد بر گناهکاران آنچه فرا گرفته آنها را از بخشش تو ای فراخ

رمضان

المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة فوعزتك یا سیدی لو انتهرتنی ما برحت

آمرزش ای گشاده دستها بخشش پس قسم بعزت تو ای آقای من اگر منع کنی مرا دور نگردم

من بابك ولا کففت عن تملقك لما انتهی الیّ من المعرفة بجودك

از درگاه تو و نه باز ایستم از چاپلوسی تو بجهت چیزی که رسید بسوی من از شناخت بخشش تو

وکرمك وانت الفاعل لما تشاء تعذب من تشاء بما تشاء کیف

و بزرگواریت و توئی کننده آنچه را که خواهی عذاب میکنی آنرا که خواهی بآنچه خواهی هرگونه

تشاء وترحم من تشاء بما تشاء کیف تشاء ولا تسأل عن فعلك

که خواهی و مهربانی مینمائی آنرا که خواهی بآنچه خواهی هرگونه که خواهی و سوال کرده نمیشوی از کردار خود

ولا تنازع فی ملكك ولا تشارك فی امرك ولا تضاد فی حكمك

و خصومت کرده نمیشوی در پادشاهی خود و یار کرده نمیشوی در کار خود و دشمنی کرده نشوی در حکم خود

ولا یعترض علیك احد فی تدبیرك لك الخلق والامر تبارك الله رب

و اعتراض نمیکند بر تو هیچکس در تدبیر تو مر تراست آفرینش و فرمان پاک است خدا پروردگار

العالمین یا رب هذا مقام من لاذ بك واستجار بكرمك وألف احسانك

جهانیان ای پروردگار من این جایگاه کسی است که پناه گرفته بتو و زنهار جسته به بزرگواری تو و خو گرفته باحسان

ونعمك وانت الجواد الذی لا یضیق عفوك ولا ینقص فضلك ولا تقل

و نعمتهای او و توئی بخشنده که تنگ نمیشود عفو تو و کم نمیگردد فضل تو و اندک نمیگردد

رحمتك وقد توثقنا منك بالصفح القدیم والفضل العظیم

رحمت تو و بتحقیق که اعتماد داریم ما از جانب تو به در گذشتن دیرینه و بخشش بزرگ

والرحمة الواسعة أفتراك یا رب تخلف ظنوننا او تخیب آمالنا

و رحمت فراگیرنده آیا پس گمان کرده میشوی ای پروردگار من که ضایع کنی گمانهای ما یا قطع کنی آرزوهای ما را

کلا یا کریم فلیس هذا ظننا بك ولا هذا طمعنا فیك یا رب ان لنا

حاشا که چنین کنی ای کریم نیست این گمان ما بتو و نیست طمع ما از لطف تو ای پروردگار من بدرستیکه ما را

فصل چهارم

فيك املا طويلا كثيرا ان لنا فيك رجاء عظيما عصيناك

در لطف تو آرزوی دراز بسیار است بدرستیکه برای ما در بخشش تو امید بزرگ است نافرمانی کردیم

ونحن نرجو ان تستر علينا ودعوناك ونحن نرجو ان تستجيب لنا فحقق

وحال آنکه امیدواریم آنکه بپوشی بر ما و میخوانیم ترا و حال آنکه امیدواریم آنکه بپذیری ما را پس درست کن

رجاءنا يا مولانا فقد علمنا ما نستوجب باعمالنا ولكن علمك

امید ما را ای آقای من پس بتحقیق میدانیم آنچه را که سزاواریم بسبب کردارهای خود ولیکن دانش تو

فينا وعلمنا بانك لا تصرفنا عنك حثنا على الرغبة اليك

در ما و دانش ما بآنکه بتحقیق تو بر نمی گردانی ما را از خود حرص ما را بر خواهش بسوی تو

وان كنا غير مستوجبين لرحمتك فانت اهل ان تجود علينا

واگر بوده باشیم که مستحق نباشیم بخشش ترا پس تو سزاواری که بخشش نمائی بر ما

وعلى المذنبين بفضل سعتك فامنن علينا بما انت اهله

و بر گناهکاران بزیادتی گشایش خود پس احسان کن بر ما بآنچه تو سزاوار آنی

وجد علينا فانا محتاجون الى نيلك يا غفار بنورك اهتدينا

و بخشش نما بر ما زیرا که بتحقیق ما محتاجیم بسوی عطای تو ای بسیار آمرزنده بسبب روشنائی تو راه یافتیم

وبفضلك استغنينا وبنعمتك اصبحنا وامسينا ذنوبنا

و بخشش تو بی نیاز شدیم و بنعمت تو صبح کردیم و شام کردیم گناهان ما

بين يديك نستغفرك اللهم منها ونتوب اليك تتحبب الينا بالنعم

در پیش تست طلب آمرزش میکنیم ترا خداوندا از گناهان رجوع مینمائیم بسوی تو دوستی میکنی بسوی ما بنعمتها

ونعارضك بالذنوب خيرك الينا نازل وشرنا اليك صاعد

و برابری میکنیم نعمتهای ترا بگناهان نیکوئی تو بسوی ما فرود آینده است و بدی ما بسوی تو بالا رونده است

ولم يزل ولا يزال ملك كريم ياتيك عنا في كل يوم بعمل قبيح

همیشه بوده است و همیشه خواهد بود که فرشته بزرگواری می آید ترا از ما در هر روز با کردار زشت

فلا يمنعك ذلك من ان تحوطنا بنعمك وتتفضل علينا بآلائك فسبحانك

پس باز ندارد ترا آن از آنکه فرو گیری ما را بنعمتهای خود و بخشش نمائی بر ما بعطاهای خود پس پاکی تو

ما احلمك واعظمك واكرمك مبدئا ومعيدا تقدست اسماؤك

چه بردباری تو و چه بزرگی تو و چه بزرگواری تو در حالیکه پدید آورنده و بازگرداننده پاکست نامهای تو

وجل ثناؤك وكرم صنائعك وفعالك انت الهي اوسع فضلا واعظم

و بزرگست ستایش تو و گرامی است عطیه‌های تو و کارهای تو ای خدای من فراگیرنده‌تری از روی بخشش و بزرگتر

حلما من ان تقايسني بفعلي وخطيئتي فالعفو العفو العفو

از روی بردباری از آنکه مقایسه کنی مرا بکردار من و خطای من پس درگذر درگذر درگذر

سيدي سيدي سيدي اللهم اشغلنا بذكرك واعذنا من

ای آقای من ای آقای من ای آقای من بارخدایا مشغول گردان ما را بیاد خود و پناه ده ما را از

سخطك واجرنا من عذابك وارزقنا من مواهبك وانعم علينا من

غضب خود و امان ده ما را از عذاب خود و روزی ده ما را از بخشش خود و بخشش کن بر ما از

فضلك وارزقنا حج بيتك وزيارة قبر نبيك صلواتك ورحمتك

فضل خود و روزی کن ما را حج خانه خود و زیارت قبر پیغمبر خود درودهای تو و رحمت تو

ومغفرتك ورضوانك عليه وعلى اهل بيته انك قريب مجيب وارزقنا

و آمرزش تو و خوشنودی تو بر او باد و بر خاندان او بدرستیکه تو نزدیکی پذیرنده و روزی کن ما را

عملا بطاعتك وتوفنا على ملتك وسنة نبيك صلى الله عليه وآله

عمل کردن بطاعت خود و بمیران ما را بر دین خود و طریقه پیغمبر خود رحمت فرستد خدا بر او و آل او

اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني صغيرا

خداوندا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و رحمت کن ایشان را چنانچه تربیت نمودند آنها مرا اول اطفالیکه خورد بودم

واجزهما بالاحسان احسانا وبالسيئات غفرانا اللهم اغفر

و جزا ده ایشان را در مقابل نیکوئی نیکوئی و در مقابل بدیها آمرزش خداوندا بیامرز

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ

مردان گروندہ و زنان گروندہ از زندگان ایشان و مردگان ایشان و پیاپی گردان میان ما و میان ایشان

بِالْخَيْرَاتِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا ذَكَرِنَا

بنیکیها خداوندا بیامرز زندهٔ مارا و مردهٔ مارا و حاضر مارا و غائب مارا و مرد مارا

وَأُنْثَانَا صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا حُرِّنَا وَمَمْلُوكِنَا كَذَبَ الْعَادِلُونَ

و زن مارا خورد مارا و بزرگ مارا آزاد مارا و بندهٔ مارا کاذب‌اند شریک گردانندگان

بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالاً بَعِيداً وَخَسِرُوا خُسْرَاناً مُبِيناً اللَّهُمَّ صَلِّ

از برای خدا و گمراه شدند گمراهی دوری و زیان کردند زیانی روشنی بار خدایا رحمت بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتِمْ لِي بِالْخَيْرِ وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ

بر محمد و آل محمد و ختم کن برای من به نیکی و کارگذاری کن برای من آنچه مهم است مرا از امر دنیای من

وَآخِرَتِي وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ جُنَّةً وَاقِيَةً

و آخرت من و دست مده بر من آنرا که رحم نکند مرا و بگردان بر من از جانب خود سپری نگاه دارنده

بَاقِيَةً وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقاً

باقی مانده و دور مکن از من شایسته آنچه بخشش نمودی آن بر من و روزی کن مرا از فضل خود روزی

وَاسِعاً حَلَالاً طَيِّباً اللَّهُمَّ وَاحْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ وَاحْفَظْنِي

فراخ حلال پاکیزه خداوندا و نگهبانی کن مرا به نگهبانی خود و حفظ کن مرا

بِحِفْظِكَ وَاكْلَأْنِي بِكِلَاءَتِكَ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا

بحفظ خود و نگهدار مرا به نگاهداری خود و روزی کن مرا حج خانهٔ محترم خود در سال

هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

همین سال و در هر سالی و زیارت قبر پیغمبر خود و پیشوایان دین بر ایشان باد درود

وَلَا تُخْلِنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ

خالی مگردان مرا ای پروردگار من از آن مشاهد شریفه و موقفهای کریمه

اَللّٰهُمَّ تُبْ عَلَيَّ حَتّٰى لَا اَعْصِيَكَ وَاَلْهِمْنِيَ الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ وَخَشْيَتَكَ

خدایا توفیق توبه ده مرا تا آنکه نافرمانی نکنم ترا و بدل انداز مرا خیر و عمل کردن بآن و ترس از خود

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِيْ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ كُلَّمَا

در شب و روز همیشه تا وقتیکه باقی داری مرا ای پروردگار جهانیان خداوندا بدرستیکه من هرگاه

قُلْتُ قَدْ تَهَيَّاْتُ وَتَعَبَّاْتُ وَقُمْتُ لِلصَّلٰوةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ

گفتم که بتحقیق مهیا شدم و آماده گشتم و استادم بجهت نماز در پیش تو و راز گفتم ترا

اَلْقَيْتَ عَلَيَّ نُعَاسًا اِذَا اَنَا صَلَّيْتُ وَسَلَبْتَنِيْ مُنَاجَاتَكَ اِذَا اَنَا

افکندی بر من تنگی را هنگامیکه من نماز میکردم و رفع کردی از من راز گویی خود را هنگامیکه من

نَاجَيْتُكَ مَالِيْ كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَحَتْ سَرِيْرَتِيْ وَقَرُبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَّابِيْنَ

راز گفتم ترا چیست مرا که هرگاه گفتم که بتحقیق نیک شده امر پنهانی من و نزدیک شده از مجالس توبه کنندگان

مَجْلِسِيْ عَرَضَتْ لِيْ بَلِيَّةٌ اَزَالَتْ قَدَمِيْ وَحَالَتْ بَيْنِيْ وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ

مجلس من عارض شد بلائیکه زائل کرد قدم مرا و حائل شد میان من و میان خدمت تو

سَيِّدِيْ لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِيْ وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَّيْتَنِيْ اَوْ لَعَلَّكَ

آقای من شاید که تو از درگاه خود رانده باشی مرا و از خدمت خود دور کرده باشی مرا یا شاید که تو

رَاَيْتَنِيْ مُسْتَخِفًّا بِحَقِّكَ فَاَقْصَيْتَنِيْ اَوْ لَعَلَّكَ رَاَيْتَنِيْ مُعْرِضًا عَنْكَ

دیده باشی مرا سبک شمارنده حق ترا پس دور کرده باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا رو گرداننده از خود

فَقَلَيْتَنِيْ اَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِيْ فِيْ مَقَامِ الْكَاذِبِيْنَ فَرَفَضْتَنِيْ اَوْ لَعَلَّكَ

پس دشمن داشته باشی مرا یا شاید که تو یافته باشی مرا در جایگاه دروغگویان پس انداخته باشی مرا یا شاید که تو

رَاَيْتَنِيْ غَيْرَ شَاكِرٍ لِنَعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِيْ اَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِيْ مِنْ مَجَالِسِ

دیده باشی مرا ناسپاس گذار نعمتهای ترا پس ناامید کرده باشی مرا یا شاید که تو نیافته باشی مرا در مجالس

الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِيْ اَوْ لَعَلَّكَ رَاَيْتَنِيْ فِي الْغَافِلِيْنَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ

علما پس خوار گذاشته باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا در زمره بیخبران پس از رحمت خود

أَيِسْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آلِفَ مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ

ناامید کرده باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا که الفت گیرنده مجلس بیکاران پس میان من و میان ایشان

خَلَّيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي

واگذاشته باشی مرا یا شاید که تو دوست نداشته باشی آنکه بشنوی دعای مرا پس دور کرده باشی مرا یا شاید که تو بگناه

وَجَرِيرَتِي كَافَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيَائِي مِنْكَ جَازَيْتَنِي فَإِنْ

و خیانت من پاداش داده باشی مرا یا شاید که تو بکمی شرم من از تو سزا داده باشی مرا پس اگر

عَفَوْتَ يَا رَبِّ فَطَالَمَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي لِأَنَّ كَرَمَكَ

در گذری ای پروردگار پس بسیار اوقات عفو نمودی از گنهکاران پیش از من زیرا که بتحقیق بزرگواری

أَيْ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ

ای پروردگار من بزرگوار است از سزا دادن گناهکاران و بردباری تو بزرگ است از

مُكَافَاةِ الْمُقَصِّرِينَ وَأَنَا عَائِذٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ

سزا دادن تقصیر نمایندگان و من پناه گیرنده‌ام بتحشش تو گریزانم از تو بسوی تو

مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنّاً إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ

خواهانم انجاز آنکه وعده دادی از در گذشتن خود از آنکه نیکو کرده بتو گمان را خدایا من تو فراخ‌تری

فَضْلاً وَأَعْظَمُ حِلْماً مِنْ أَنْ تُقَايِسَنِي بِعَمَلِي أَوْ أَنْ تَسْتَزِلَّنِي

از روی فضل و بزرگتری از روی بردباری از آنکه مقایسه کنی مرا بکردار من و آنکه بجنبانی بلغزش در

بِخَطِيئَتِي وَمَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطَرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ يَا سَيِّدِي

گناه من چیستم من ای آقای من و چیست قدر من ببخش مرا بفضل خود ای آقای من

وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ

و تصدق کن بر من بعفو خود و بپوشان مرا بپوشش خود و در گذر از سرزنش کردن من ببزرگواری

وَجْهِكَ سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي

ذات خود بزرگ من منم آن خوردی که پروردی او را و منم آن نادانی که

[illegible]

علمته وانا الضال الذي هديته وانا الوضيع الذي رفعته وانا

دانا کردی اورا ومنم آن گمراهی که راه نمودی اورا ومنم آن پستی که بلند کردی اورا ومنم

الخائف الذي امنته وانا الجائع الذي اشبعته وانا العطشان

آن ترسانی که ایمن کردی اورا ومنم ان گرسنه که سیر کردی اورا ومنم آن تشنه

الذي ارويته وانا العاري الذي كسوته والفقير الذي اغنيته

که آب نمودی اورا ومنم برهنه که پوشیدی اورا ونیازمندی که بی نیاز کردی اورا

والضعيف الذي قويته والذليل الذي اعززته والسقيم الذي

وناتوانی که توانا کردی اورا وذلیل وخواری که ارجمند کردی اورا وبیماری که

شفيته والسائل الذي اعطيته والمذنب الذي سترته والخاطئ

شفا بخشیدی اورا ودرخواهنده که عطا فرمودی اورا وگناهکاری که پوشانیدی اورا وخطاکاری

الذي اقلته وانا القليل الذي كثرته والمستضعف الذي نصرته

که درگذشتی ازو ومنم آن کم یاوری که بسیار یاوری کردی اورا وضعیف شمرده که یاری کردی اورا

وانا الطريد الذي آويته انا يا رب الذي لم استحييك في الخلاء

ومنم آن رانده شده که جا دادی اورا ومنم ای پروردگار من که شرم نکردم ترا در خلوت

ولم اراقبك في الملاء انا صاحب الدواهي العظمى انا الذي على سيده

ونترسیدم ترا در حضور مردمان منم صاحب شدائد بزرگ منم آنکه بر آقای خود

اجترى انا الذي عصيت جبار السماء انا الذي اعطيت على المعاصي

دلیری نمودم منم آنکه نافرمانی ورزیدم بزرگوار آسمان را منم آنکه بخشش نمودم بر گناهان

الجليل الرشى انا الذي حين بشرت بها خرجت اليها اسعى

بزرگ رشوه‌ها را منم آنکه هنگامیکه مژده داده میشدم بگناهان بیرون میشدم بسوی آنها سعی کنان

انا الذي امهلتني فما ارعويت وسترت علي فما استحييت

منم آنکه مهلت دادی مرا پس پشیمان نگشتم و پوشیدی بر من پس شرم نکردم

وعملت بالمعاصي فتعديت واسقطتني من عينك فما باليت

وعمل نمودم بگناهان پس در گذشتم از حد وافکندی مرا از دیده خود پس باک نکردم

فبحلمك امهلتني وبسترك سترتني حتى كانك اغفلتني ومن

پس به بردباری خود مهلت دادی مرا و به پوشش خود پوشیدی مرا تا آنکه گویا واگذاشتی مرا واز

عقوبات المعاصي جنبتني حتى كانك استحييتني الهي لم اعصك

بادشهای گناهان دور کردی مرا تا بجدیکه گویا شرم کردی از من خداوندا نافرمانی نکردم ترا

حين عصيتك وانا بربوبيتك جاحد ولا بامرك مستخف

هنگامیکه نافرمانی کردم ترا در حالیکه بوده باشم پروردگاری ترا انکار نماینده ونه فرمان ترا سبک شمارنده

ولا لعقوبتك متعرض ولا لوعيدك متهاون ولكن خطيئة

ونه عقوبت ترا فراپیش آینده ونه وعید ترا خوار دارنده ولیکن خطایی

عرضت وسولت لي نفسي وغلبني هواي واعانني عليها شقوتي

عارض شد وفریفت مرا نفس من و غالب شد مرا خواهش من و مدد کرد مرا بر آن بدبختی من

وغرني سترك المرخى علي فقد عصيتك وخالفتك بجهدي

و فریفت مرا پرده تو که فروگذاشته شده است بر من پس بتحقیق نافرمانی کردم ترا و مخالفت کردم ترا بکوشش خود

فالآن من عذابك من يستنقذني ومن ايدي الخصماء غدا من

پس حالا از عذاب تو که رهاند مرا واز دستهای دشمنان فردا که

يخلصني وبحبل من اتصل ان انت قطعت حبلك عني فواسوأتاه

نجات میدهد مرا و بریسمان که در پیوندم اگر تو ببری ریسمان خود را از من پس وای رسوائی

على ما احصى كتابك من عملي الذي لولا ما ارجو من كرمك وسعة

بر آنچه شمرده کتاب تو از کردار من آن کردار که اگر نمیبود آنچه امید میدارم از کرم تو و فراخی

رحمتك ونهيك اياي عن القنوط لقنطت عند ما اتذكرها

بخشش تو ومنع تو مرا از نومیدی هرآینه ناامید میشدم نزد آنچه یاد میکنم آنرا

یا خیر من دعاه داع وافضل من رجاه راج اللهم بذمة الاسلام

ای نیکوترین کسی که خوانده او را خواننده و بهترین کسیکه امید داشته او را امیدوار خداوندا بامان اسلام

اتوسل الیک وبحرمة القرآن اعتمد علیک وبحبی للنبی الامی

وسیله می جویم بسوی تو وبحرمت قرآن اعتماد مینمایم بر تو وبدوست داشتن من مر پیغمبر را که امی

القرشی الهاشمی العربی التهامی المکی المدنی ارجو الزلفة لدیک

قرشی هاشمی عربی تهامی مکی مدنی است امید دارم نزدیکی را نزد تو

فلا توحش استیناس ایمانی ولا تجعل ثوابی ثواب من عبد سواک

پس بی شرمان خو گرفتن ایمان مرا و مگردان پاداش مرا مانند پاداش آنکه پرستید غیر ترا

فان قوما امنوا بالسنتهم لیحقنوا به دماءهم فادرکوا ما املوا

زیرا که بتحقیق گروهی گرویدند بزبانهای خود تا آنکه باز دارند خونهای خود را از ریخته شدن پس رسیدند

وانا امنا بک بالسنتنا وقلوبنا لتعفو عنا فادرک بنا ما

وبتحقیق ما گرویدیم بتو بزبانهای خود و دلهای خود تا آنکه درگذری از ما پس برسان ما را آنچه

املنا وثبت رجاءک فی صدورنا ولا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا

امید داریم وثابت دار امید خود را در دلهای ما و میل مده دلهای ما را پس از آنکه راه نمودی ما را

وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب فوعزتک لو انتهرتنی

وببخش ما را از نزد خود بخشش بزرگی بدرستیکه توئی بسیار بخشنده پس قسم بعزت تو اگر منع کنی مرا

ما برحت من بابک ولا کففت عن تملقک لما الهم قلبی من المعرفة

دور نگردم از درگاه تو و باز نمی ایستم از دوستی کردن تو بجهت آنچه افکنده شد در دل من از شناخت

بکرمک وسعة رحمتک الی من یذهب العبد الا الی مولاه والی

بزرگواری تو و گشادگی بخشش تو بسوی که میرود بنده مگر بسوی آقای خود و بسوی

من یلتجئ المخلوق الا الی خالقه الهی لو قرنتنی بالاصفاد ومنعتنی

پناه میبرد مخلوق مگر بسوی آفریدگار خود خدای من اگر ببندی مرا بغلهای و باز داری

سَيْبَكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ وَدَلَلْتَ عَلَى فَضَائِحِي عُيُونَ الْعِبَادِ وَأَمَرْتَ

از من عطای خود را از میان حاضران و در راه نمائی بر رسوائیهای من دیده‌های بندگان و فرمودی

بِي إِلَى النَّارِ وَحُلْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ وَمَا صَرَفْتُ

مرا بسوی آتش و حائل شوی میان من و میان نیکوکاران نمی‌برم امید خود را از تو و نگردانم

وَجْهَ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ وَلَا خَرَجَ حُبُّكَ عَنْ قَلْبِي أَنَا لَا أَنْسَى

روی آرزو داشتنم عفو را از تو و بیرون نرود دوستی تو از دل من منم که فراموش نمیکنم

أَيَادِيَكَ عِنْدِي وَسَتْرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى

نعمتهای ترا که نزد منست و پوشانیدن ترا بر من در سرای دنیا ای بزرگ من رحمت فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ

محمد و آل محمد و بیرون کن دوستی دنیا را از دل من و جمع کن میان من و میان

الْمُصْطَفَى وَآلِهِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

مصطفی و آل او برگزیده تو از خلق تو و آخر پیغمبران محمد رحمت فرستد خدا بر او

وَآلِهِ وَانْقُلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ وَأَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي فَقَدْ

و آل او و نقل فرما مرا بسوی مرتبه بازگشت بسوی تو و یاری کن مرا بگریستن بنفس خود پس بتحقیق

أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْآمَالِ عُمْرِي وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْآيِسِينَ

بپایان رسانیدم بدرنگی و تاخیر و آرزوها عمر خود را و بتحقیق فرود آمدم در فرودگاه ناامیدان

مِنْ خَيْرِي فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالاً مِنِّي إِنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي

از خیر من پس کی میباشد بدحال‌تر از من اگر منتقل کرده شوم بر مانند حالم

إِلَى قَبْرٍ لَمْ أُمَهِّدْهُ لِرَقْدَتِي وَلَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي

بسوی قبری که نیاراستم آنرا از برای خفتن خود و نگسترده‌ام آنرا بعمل شایسته برای خوابیدن خود

وَمَا لِي لَا أَبْكِي وَلَا أَدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي وَأَرَى نَفْسِي

و چیست مرا که نمی‌گریم و حال آنکه نمیدانم بسوی چه خواهد بازگشت من و می‌بینم نفس خود

رمضان

تجاوز عني ولم تجاوز لي وقد خفقت عند راسي اجنحة الموت فمالي

که می رسید مرا و روزگار خود را که اسکیند و بتحقیق لرزان شده نزد سر من بالهای مرگ پس چیست مرا که

لا ابكي ابكي لخروج نفسي ابكي لظلمة قبري ابكي لضيق لحدي ابكي لسؤال

نه گریم میگریم بجهت بیرون شدن نفس من میگریم بجهت تاریکی قبر خود میگریم بجهت تنگی قبر خود میگریم بجهت سؤال

منكر ونكير اياي ابكي لخروجي من قبري عريانا ذليلا حاملا ثقلي

منکر و نکیر مرا میگریم بجهت بیرون آمدنم از قبر خود برهنه خوار بر دارنده بار گران خود

على ظهري انظر مرة عن يميني واخرى عن شمالي اذ الخلائق في

بر پشت خود حال آنکه نظر کنم یکبار از جانب راست خود و بار دیگر از جانب چپ خود ناگاه یکه آفریدگان باشند در

شان غير شاني لكل امرئ منهم يومئذ شان يغنيه وجوه يومئذ

حالت غیر حالت من برای هر مردی از ایشان در آن روز حالتی است که کافیست او را و روهایی در آن روز

مسفرة ضاحكة مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها

نورانی خندان شادمانند و روهای گروهی در آن روز بر آنهاست گرد غم و اندوه فرا گیرد آنها را

قترة وذلة سيدي عليك معولي ومعتمدي ورجائي وتوكلي و

غبار و خواری آقای من بر تست شوق من و اعتماد من و واگذاشتن من کار خود را و

برحمتك تعلقي تصيب برحمتك من تشاء وتهدي بكرامتك

برحمت تست در آویختن من میرسانی برحمت خود آنرا که خواهی و راه مینمائی ببزرگواری خود

من تحب فلك الحمد على ما نقيت من الشرك قلبي ولك الحمد على بسط

آنرا که دوست داری پس مر تراست سپاس بر پاک کردن تو از شرک دل مرا و مر تراست سپاس بر گشادن

لساني افبلساني هذا الكال اشكرك ام بغاية جهدي في عملي

زبان مرا پس آیا بزبان خود این زبان کند سپاس گذاری کنم ترا یا بنهایت مشقتم در کردار خود

ارضيك وما قدر لساني يا رب في جنب شكرك وما قدر عملي في جنب

خشنود می سازم ترا و چیست مرتبه زبان من ای پروردگار من در جنب سپاس گذاری تو و چیست قدر کردار من در

نعمك واحسانك الى الا ان جودك بسط املى وشكرك قبل عملى

نعمتهای تو و نیکوئی نمودن تو بسوی من بدرستیکه بخشش تو گشاده است امید مرا و جزا دادن تو بپذیرفت عمل مرا

سيدى اليك رغبتى ومنك رهبتى واليك تاميلى وقد ساقنى اليك

ای آقای من بسوی تست رغبت من و از تست بیم من و بسوی تست امید داشتن من و بتحقیق کشید مرا بسوی تو

املى وعليك يا واحدى عكفت همتى وفيما عندك انبسطت رغبتى

امید من و بر تست ای یگانه من رو کرد و پیوسته همت من و در آنچه نزد تست پهن گردیده رغبت من

ولك خالص رجائى وخوفى وبك انست محبتى واليك القيت

و مر تراست خالص امید من و ترس من و بتو خو گرفته دوستی من و بسوی تو افکندم

بيدى وبحبل طاعتك مددت رهبتى يا مولاى بذكرك عاش

دست خود را و بریسمان طاعت تو کشیدم ترس خود را ای آقای من بیاد کردن تو زندگانی

قلبى وبمناجاتك بردت الم الخوف عنى فيا مولاى ويا مؤملى ويا منتهى

دل من و براز گفتن تو سرد کردم درد ترس را از خود پس ای آقای من و ای امیدگاه من و ای منتهای

سؤلى صل على محمد وآل محمد وفرق بينى وبين ذنبى المانع من لزوم

خواسته من درود فرست بر محمد و آل محمد و جدائی افکن میانه من و میانه گناه من که مانع است از لازم بودن

طاعتك فانما اسألك لقديم الرجاء فيك وعظيم

بطاعت تو پس جز این نیست که سؤال میکنم از تو بجهت امید دیرینه در تو و

الطمع منك الذى اوجبته على نفسك من الرأفة والرحمة و

طمع بزرگ از تو آنچه را که واجب کردی آنرا بر نفس خود که مهربانی و بخشش است و

الامر لك وحدك لا شريك لك والخلق كلهم عيالك وفى قبضتك

فرمان مر تراست در حالتیکه یگانه توئی نیست شریکی مر ترا و خلق همه ایشان عیال تو و در دست تواند

وكل شىء خاضع لك تباركت يا رب العالمين الهى ارحمنى اذا انقطعت

و هر چیز فروتنی کننده است برای تو با برکتی تو ای پروردگار عالمیان ... رحم کن مرا ...

حجتي وكلّ عن جوابك لساني وطاش عند سؤالك اياي لبي فيا عظيم

حجت من و کند شود از جواب تو زبان من و بیهوش شود نزد سؤال کردن تو مرا عقل من پس ای امید بزرگ

رجائي لا تخيبني اذا اشتدّت فاقتي اليك ولا تردّني لجهلي ولا تمنعني

من نا امید مکن مرا هرگاه سخت شود احتیاج من بسوی تو و بر مگردان مرا بجهت نادانی من و منع مکن مرا

لقلّة صبري اعطني لفقري وارحمني لضعفي سيّدي عليك معتمدي

بجهت کم بودن شکیبائی من و بخشش کن مرا بجهت تنگدستی من و رحم کن مرا بجهت ناتوانی من ای بزرگ من بر تست اعتماد من

ومعوّلي ورجائي وتوكّلي وبرحمتك تعلّقي وبفنائك

و شوق من و امید من و توکل من و برحمت تست چسبیدن و در پیش درگاه تو

احطّ رحلي وبجودك اقصد طلبتي وبكرمك اي ربّ استفتح

فرود می آورم بار خود را و بجهت بخشش تو طلب میکنم حاجت خود را و به بزرگواری تو ای پروردگار من طلب گشایش میکنم

دعائي ولديك ارجو سدّ فاقتي وبغناك اجبر عيلتي وتحت ظلّ عفوك

دعای خود را و نزد تو امیدوارم حاجت خود را و به بی نیازی تو تدارک میکنم بسیاری مسکنت خود را و در زیر سایه عفو تست

قيامي والى جودك وكرمك ارفع بصري والى معروفك اديم نظري

ایستادن من و بسوی بخشش تو و بزرگواری تو بلند میکنم دیده خود را و بسوی احسان تو همیشه میدارم نظر خود را

فلا تحرقني بالنار وانت موضع املي ولا تسكنّي الهاوية فانّك

پس مسوزان مرا بآتش و تو قرارگاه امید منی و ساکن مگردان مرا در دوزخ زیرا که بتحقیق تو

قرّة عيني يا سيّدي لا تكذّب ظنّي باحسانك ومعروفك فانّك

روشنی دیده منی ای آقای من غلط مساز گمان مرا باحسان خود و عطای خود زیرا که بتحقیق تو معتمد

ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك فانّك العارف بفقري الهي ان كان

و امیدگاه منی و نا امید مکن مرا از پاداش نیک خود زیرا که بتحقیق تو شناسائی باحتیاج من خدای من اگر بوده باشد

قد دنا اجلي ولم يقرّبني منك عملي فقد جعلت الاعتراف اليك

که بتحقیق نزدیک شده باشد اجل من و نزدیک نکرده باشد مرا بتو کردار من پس بتحقیق گردانیدم اقرار کردن را بسوی تو

بذنبی وسائلی علی الهی ان عفوت فمن اولی منک بالعفو وان عذبت

گناه خود وسیله ای در ضمنهای خود خدای من اگر در گذری پس کیست سزاوارتر از تو بدرگذشتن و اگر عذاب کنی

فمن اعدل منک فی الحکم ارحم فی هذه الدنیا غربتی وعند الموت

پس کیست منصف‌تر از تو در حکم رحم کن در این جهان بیکسی مرا و نزد مردن

کربتی وفی القبر وحدتی وفی اللحد وحشتی واذا نشرت للحساب بین

اندوه مرا و در قبر تنهائی مرا و در لحد رسیدن مرا و هرگاه برانگیخته شوم جهت حساب در

یدیک ذل موقفی واغفر لی ما خفی علی الآدمیین من عملی وادم

پیش تو خواری ایستادن مرا و بیامرز برای من آنچه را که نهانست بر آدمیان از کردار من و پاینده دار

لی ما به سترتنی وارحمنی صریعا علی الفراش تقلبنی ایدی احبتی

برای من آنچه را آن پوشیدی مرا و رحم کن مرا در حالیکه بوده باشم افتاده بر بستر بگردانند مرا دستهای دوستان من

وتفضل علی ممدودا علی المغتسل یغسلنی صالح جیرتی وتحنن

و بخشش کن بر من در حالیکه بوده باشم کشیده شده بر جایگاه غسل و غسل دهد مرا شایسته همسایگان من و مهربانی کن

علی محمولا قد تناول الاقرباء اطراف جنازتی وجد علی منقولا

بر من در حالیکه برداشته شده باشم فرا گرفته باشند خویشان کنارهای جنازه مرا و بخشش کن بر من در حالیکه نقل کرده شوم

قد نزلت بک وحیدا فی حفرتی وارحم فی ذلک البیت الجدید

بتحقیق که فرود آمده باشم بتو تنها در قبر خود و رحم کن در آن خانه تازه

غربتی حتی لا استانس بغیرک یا سیدی فانک ان وکلتنی الی

بیکسی مرا تا انس نگیرم بغیر تو ای آقای من پس بتحقیق تو اگر واگذاری مرا بسوی

نفسی هلکت سیدی فبمن استغیث ان لم تقلنی عثرتی والی من افزع

نفس خود هلاک خواهم شد ای آقای من پس بکه استغاثه نمایم اگر نگذری از لغزش من و بسوی که پناه برم

ان فقدت عنایتک فی ضجعتی والی من التجی ان لم تنفس کربتی

اگر نیابم عنایت ترا در حال خوابیدن و بسوی که پناه ببرم اگر زائل نکنی اندوه مرا

حضرت صادق علیه السلام فرمود ... از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است ...

رمضان

سيدي من لي ومن يرحمني ان لم ترحمني وفضل من اؤمل ان عدمت

بزرگ من کیست مرا و که رحم کند مرا اگر رحم نکنی تو مرا و بخشش کرا آرزو کنم اگر نیابم

فضلك يوم فاقتي والى من الفرار من الذنوب اذا انقضى اجلي سيدي

فضل ترا در روز احتیاج خود و بسوی کیست گریز از گناهان هرگاه بپایان رسد اجل من بزرگ من

لا تعذبني وانا ارجوك اللهم حقق رجائي وآمن خوفي فان كثرة

عذاب مکن مرا و من امیدوارم ترا خداوندا درست کن امید مرا و ایمن گردان بیم مرا زیرا که تحقیق بسیاری

ذنوبي لا ارجو فيها الا عفوك سيدي انا اسألك ما لا استحق وانت

گناهان من امید ندارم درباره آنها مگر عفو ترا آقای من من میخواهم آنچه که سزاوار نیستم و تو

اهل التقوى واهل المغفرة فاغفر لي والبسني من نظرك ثوبا يغطي

سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزشی پس بیامرز مرا و بپوشان مرا از لطف خود جامه که بپوشد

على التبعات وتغفرها لي ولا اطالب بها انك ذو من قديم وصفح عظيم

بر من وبالها را و می آمرزی آنها را برای من و مطالبه کرده نشوم بآنها بدرستیکه صاحب عطای دیرینه و درگذشتن

وتجاوز كريم الهي انت الذي تفيض سيبك على من لا يسألك وعلى

و تجاوز کرامی خدای من تو آنکه روان سازی عطای خود را بر آنکه سوال نکند از تو و بر

الجاحدين بربوبيتك فكيف سيدي بمن سألك وايقن ان الخلق

آنانکه انکار کنند پروردگاری ترا پس چگونه آقای من نسبت بآنکه سوال کند از تو و یقین دارد که تحقیق آفرینش

لك والامر اليك تباركت وتعاليت يا رب العالمين الهي وسيدي

از تست و هر کاری بسوی تست پاکی تو و بلندی تو ای پروردگار جهانیان خدای من و بزرگ من

عبدك ببابك اقامته الخصاصة بين يديك يقرع باب احسانك

بنده تست در درگاه تو برپا داشته او را احتیاج در پیش تو میکوبد در احسان ترا

بدعائه ويستعطف جميل نظرك بمكنون رجائه فلا تعرض بوجهك

بدعای خود و طلب مهربانی میکند از نگاه نیکوی تو با امید پوشیده خود پس مگردان روی خود را

فِی آنَاۤءِ اللَّیْلِ وَاَطْرَافِ النَّهَارِ رِیَاۤءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا اَشَراً وَلَا بَطَراً وَاجْعَلْنِی

در ساعتهای شب و طرفهای روز ریا و نه سمعه و نه زیادتی خوشی و نه طغیان و بگردان مرا

لَکَ مِنَ الْخَاشِعِیْنَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِی السَّعَةَ فِی الرِّزْقِ وَالْاَمْنَ فِی الْوَطَنِ

از برای خود از جمله فروتنی کنندگان خداوندا عطا کن مرا فراخی در روزی و امنیت در وطن

وَقُرَّةَ الْعَیْنِ فِی الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَالْمُقَامَ فِی نِعَمِکَ عِنْدِی وَالصِّحَّةَ

و روشنی دیده در اهل و مال و فرزندان و درنگ کردن در نعمتهای تو که نزد من است و صحت

فِی الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِی الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِی الدِّیْنِ وَاسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ

در جسد و توانائی در بدن و سلامتی در دین و بکار دار مرا بطاعت خود

وَطَاعَةِ رَسُوْلِکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاَهْلِ بَیْتِهِ اَبَداً مَا اسْتَعْمَرْتَنِی

و طاعت رسول خود محمد رحمت فرستاد خدا بر او و بر خاندان او همیشه تا مادام که زنده داری مرا

وَاجْعَلْنِی مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِکَ عِنْدَکَ نَصِیْباً فِی کُلِّ خَیْرٍ اَنْزَلْتَهُ وَتُنْزِلُهُ فِی شَهْرِ

و بگردان مرا از وافرترین بندگان نزد خود از روی بهره در هر نیکی که فرو فرستادی آنرا و فرو میفرستی آنرا در ماه

رَمَضَانَ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا اَنْتَ مُنْزِلُهُ فِی کُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَافِیَةٍ

رمضان در شب قدر و آنچه تو فرود آورنده آنرا در هر سال از رحمتی که پراکنده کنی آنرا و عافیتی

تُلْبِسُهَا وَبَلِیَّةٍ تَدْفَعُهَا وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا وَسَیِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَارْزُقْنِی

که بپوشانی آنرا و بلائی که دفع کنی آنرا و نیکیهائی که بپذیری آنرا و بدیها که درگذری از آنها و روزی کن مرا

حَجَّ بَیْتِکَ الْحَرَامِ فِی عَامِنَا هٰذَا وَفِی کُلِّ عَامٍ وَارْزُقْنِی رِزْقاً وَاسِعاً مِنْ

حج خانه محترم خود در سال ما این سال و در هر سالی و روزی کن مرا روزی فراخی از

فَضْلِکَ الْوَاسِعِ وَاصْرِفْ عَنِّی یَا سَیِّدِی الْاَسْوَاۤءَ وَاقْضِ عَنِّی الدَّیْنَ وَالظُّلَامَاتِ

فضل فراخ خود و بگردان از من ای آقای من بدیها را و قضا کن از من قرضها و ستمها را

حَتّٰی لَا اَتَاَذّٰی بِشَیْءٍ مِنْهُ وَخُذْ عَنِّی بِاَسْمَاعِ اَعْدَاۤئِی وَاَبْصَارِ اَعْدَاۤئِی

تا آنکه آزرده نشوم به هیچ چیز از آن و فراگیر از من گوشهای مخالفان مرا و دیدهای دشمنان مرا

وحسادي والباغين علي وانصرني عليهم واقر عيني وحقق ظني وفرج

و بدخواهان مرا و آنانکه ستم کنند بر من و یاری ده مرا بر ایشان و روشن ساز دیده مرا و درست گردان گمان مرا و گشاده

قلبي واجعل لي من همي وكربي فرجا ومخرجا واجعل من ارادني بسوء

دل مرا و بگردان برای من از غم من و اندوه من گشایشی و بیرون شدنی و بگردان هر که آهنگ کند مرا به بدی

من جميع خلقك تحت قدمي واكفني شر الشيطان وشر السلطان

از همه خلق تو در زیر قدمهای من و دفع کن از من گزند شیطان و گزند پادشاه

وسيئات عملي وطهرني من الذنوب كلها واجرني من النار بعفوك

و بدیهای کردار مرا و پاک گردان مرا از گناهان همه آنها و زنهار ده مرا از آتش بعفو خود

وادخلني الجنة برحمتك وزوجني من الحور العين بفضلك والحقني

و درآور مرا در بهشت برحمت خود و زنی ده مرا از سیاه دیدگان فراخ چشم بفضل خود و در پیوند مرا

باوليائك الصالحين محمد واله الابرار الطيبين الطاهرين الاخيار

بدوستان خود شایسته محمد و آل او که نیکانند پاکانند پاکیزگانند نیکوکارانند

صلوات الله عليهم وعلى ارواحهم واجسادهم ورحمة الله وبركاته الهي

رحمتهای خدا بر ایشان باد و بر نفوس ایشان و بدنهای ایشان و رحمت خدا و برکتهای او

وسيدي وعزتك وجلالك لئن طالبتني بذنوبي لاطالبنك بعفوك

و سید من قسم بعزت و بزرگواری تو اگر مطالبه کنی مرا بگناهان من البته مطالبه کنم ترا بعفو تو

ولئن طالبتني بلؤمي لاطالبنك بكرمك ولئن ادخلتني النار

لاخبرن اهل النار بحبي لك الهي وسيدي ان كنت لا تغفر الا

لاوليائك واهل طاعتك فالى من يفزع المذنبون وان كنت

لا تکرم الا اهل الوفاء لک فبمن یستغیث المسیئون الهی ان ادخلتنی

که گرامی نداری مگر آنان که وفا کردند بعهد تو پس بکه استغاثه نمایند بدکاران خدای من اگر درآوری مرا

النار ففی ذلک سرور عدوک وان ادخلتنی الجنة ففی ذلک سرور

در آتش پس در آن شادی دشمن تست و اگر درآوری مرا در بهشت پس در آن شادی

نبیک وانا والله اعلم ان سرور نبیک احب الیک من سرور عدوک

پیغمبر تست و من قسم بخدا میدانم که بتحقیق شادی پیغمبر تو دوست تراست بسوی تو از شادی دشمن تو

اللهم انی اسئلک ان تملأ قلبی حبا لک وخشیة منک وتصدیقا

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو آنکه پر کنی دل مرا از دوستی خود و ترس از خود و باور داشتن

بکتابک وایمانا بک وفرقا منک وشوقا الیک یا ذا الجلال والاکرام

کتاب خود و گرویدن بخود و بیم نمودن از خود و آرزومندی بسوی خود ای خداوند بزرگوار و گرامی کننده

حبب الی لقائک واحبب لقائی واجعل لی فی لقائک الراحة

دوست گردان بسوی من ملاقات خود را و دوست دار ملاقات مرا و بگردان برای من در ملاقات خود آسایش

والفرج والکرامة اللهم الحقنی بصالح من مضی واجعلنی من صالح

و گشادگی و نوازش بار خدایا ملحق ساز مرا به نیکوکارانیکه گذشته و بگردان مرا از جمله نیکوکاران

من بقی وخذ بی سبیل الصالحین واعنی علی نفسی بما تعین به

که باقی مانده و ببر مرا براه شایستگان و یاری کن مرا بر نفس من بآنچه یاری میکنی بآن

الصالحین علی انفسهم ولا تردنی فی سوء استنقذتنی منه واختم

شایستگان را بر نفسهای ایشان و برمگردان مرا در بدیهائی که خلاصی و نجات دادی مرا از آن و ختم کن

عملی باحسنه واجعل ثوابی منه الجنة برحمتک یا رب

کردار مرا به نیکوترین آن و بگردان پاداش مرا از آن بهشت برحمت خود ای پروردگار

العالمین واعنی علی صالح ما اعطیتنی وثبتنی یا رب ولا تردنی

عالمیان و مدد کن مرا بر شایسته آنچه عطا کردی مرا و ثابت دار مرا ای پروردگار من و برمگردان مرا

فی سوء استنقذتنی منه اللهم انی اسئلک ایمانا لا اجل له دون

در ناخوشی که رهانیدی مرا از ان خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو ایمانی که نباشد نهایتی او را پیش از

لقائک احینی ما احییتنی علیه وتوفنی اذا توفیتنی علیه وابعثنی اذا

ملاقات تو زنده دار مرا تا وقتیکه زنده داری مرا بر ان و بمیران مرا هرگاه بمیرانی مرا بر ان و برانگیز مرا هرگاه

بعثتنی علیه وابرئ قلبی من الریاء والشک والسمعة فی دینک حتی

برانگیزی مرا بر ان و پاک گردان دل مرا از ریا کردن و شک نمودن و سمعه کردن در دین تو تا آنکه

یکون عملی خالصا لک اللهم اعطنی بصیرة فی دینک وفهما فی حکمک

بوده باشد کردار من خالص برای تو خداوندا ببخش مرا بینائی در دین خود و دریافتنی در حکم خود

وفقها فی علمک وکفلین من رحمتک وورعا یحجزنی عن معاصیک

و دانشی در علم خود و دو نصیب از رحمت خود و پرهیزکاری که باز دارد مرا از نافرمانی تو

وبیض وجهی بنورک واجعل رغبتی فیما عندک وتوفنی فی

و سفید کن روی مرا بروشنائی خود و بگردان رغبت مرا در آنچه نزد تست و بمیران مرا در

سبیلک وعلی ملة رسولک صلی الله علیه واله اللهم انی

راه خود و بر دین فرستاده خود رحمت فرستاد خدا بر او و بر آل او خداوندا بدرستیکه

اعوذ بک من الکسل والفشل والهم والجبن والبخل والغفلة و

پناه میگیرم بتو از کاهلی و ناتوانی و اندوه و بددلی و بخیلی و بیخبری و

القسوة والذلة والمسکنة والفقر والفاقة وکل بلیة والفواحش

سخت دلی و خواری و بیچیزی و حاجتمندی و تنگدستی و همه بلا و بدکرداریهای زشت

کلها ما ظهر منها وما بطن واعوذ بک من نفس لا تقنع وبطن

همه آن آنچه آشکار باشد از ان و آنچه پنهان باشد و پناه میبرم بتو از نفسی که قناعت نکند و شکمی که

لا یشبع وقلب لا یخشع ودعاء لا یسمع وعمل لا ینفع وصلوة لا ترفع

سیر نشود و دلی که نترسد و دعائی که شنیده نشود و کرداری که نفع ندهد و نمازی که بالا برده نشود

رمضان

وَاَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَوَلَدِي وَدِينِي وَمَالِي وَعَلَى جَمِيعِ

وپناه میگیرم بتو ای پروردگار من نفس خود و فرزند خود و دین خود و مال خود و بر همه

مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ

آنچه روزی کردی مرا از شیطان رانده شده بدرستیکه تو توئی شنوای دانا خداوندا بتحقیق

لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ اَحَدٌ وَلَا اَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحَدًا فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي

امان نمیدهد مرا از تو هیچکس و نمی یابم از غیر تو پناهی پس مگردان نفس مرا

فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ وَلَا تَرُدَّنِي بِهَلَكَةٍ وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابٍ

در چیزی از عذاب خود و برمگردان مرا بهلاکت و برمگردان مرا بعذاب

اَلِيمٍ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَاَعْلِ ذِكْرِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطَّ وِزْرِي

دردناک خداوندا بپذیر از من و بلند کن ذکر مرا و رفیع کن مرتبه مرا و فروگذار بار گران مرا

وَلَا تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي وَاجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَ

و نیاد کن مرا بخطای من و بگردان ثواب نشستن مرا و ثواب گفتار مرا و

ثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ وَاَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَاَلْتُكَ وَزِدْنِي

جزای دعای مرا خوشنودی خود و بهشت را و بخش مرا ای پروردگار من همه آنچه سوال کردم ترا و زیاده گردان مرا

مِنْ فَضْلِكَ اِنِّي اِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَنْزَلْتَ فِي

از بخشش خود بدرستیکه من بسوی تو خواهشمندم ای پروردگار جهانیان خداوندا بدرستیکه تو فرو فرستادی در

كِتَابِكَ الْعَفْوَ وَاَمَرْتَنَا اَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنَا وَقَدْ ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا فَاعْفُ

کتاب خود عفو را و امر کردی ما را که درگذریم از آنکه ستم کرده ما را و بتحقیق ستم کردیم ما بر نفسهای خویش پس درگذر

عَنَّا فَاِنَّكَ اَوْلَى بِذَلِكَ مِنَّا وَاَمَرْتَنَا اَنْ لَا نَرُدَّ سَائِلًا عَنْ اَبْوَابِنَا

از ما بدرستیکه تو سزاوارتری باین گذشتن از ما و امر کردی ما را که برنگردانیم درخواهنده را از درهای خود

وَقَدْ جِئْتُكَ سَائِلًا فَلَا تَرُدَّنِي اِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي وَاَمَرْتَنَا

و بتحقیق آمده ام ترا درخواهنده پس مگردان مرا مگر بروا کردن حاجت من و امر کردی ما را

بِالْاِحْسَانِ اِلٰى مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُنَا وَنَحْنُ اَرِقَّاۤؤُكَ فَاَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ

بنیکوئی کردن بسوی انچه مالک است دست راست ما و ما بندگان توئیم پس آزاد کن گردنهای ما را از

النَّارِ يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي اِلَيْكَ

آتش ای پناه من نزد اندوه من وای فریادرس من نزد سختی من بسوی تو

فَزِعْتُ وَبِكَ اسْتَغَثْتُ وَلُذْتُ لَا اَلُوذُ بِسِوَاكَ وَلَا اَطْلُبُ الْفَرَجَ

پناه آورده ام و بتو استغاثه نموده ام و پناه گرفتم پناه نمیگیرم بغیر تو و سوال نمیکنم گشایش را

اِلَّا مِنْكَ فَاَغِثْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ

مگر از تو پس بفریاد رس مرا و زائل کن از من ای آنکه می پذیرد اندک را و در میگذرد از

الْكَثِيرِ اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ

گناه بسیار بپذیر از من اندک را و درگذر از گناه بسیار بدرستیکه توئی مهربان آمرزنده

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ اِيمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَيَقِينًا صَادِقًا حَتّٰى

بار خدایا بدرستیکه من می خواهم از تو ایمانی که مباشر آن کنی دل مرا و یقین راست و درستی تا اینکه

اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي اِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَرَضِّنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ

بدانم اینکه نمیرسد مرا مگر آنچه تقدیر نموده برای من و خوشنود ساز مرا از زندگی بآنچه قسمت کرده

لِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ   و مختصرترین دعاهای سحر این است

ای مهربانترین بخشندگان

يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي اِلَيْكَ فَزِعْتُ وَ

ای پناه من نزد اندوه من و ای فریادرس من نزد سختی من بسوی تو پناه آورده ام و

بِكَ اسْتَغَثْتُ وَبِكَ لُذْتُ لَا اَلُوذُ بِسِوَاكَ وَلَا اَطْلُبُ الْفَرَجَ

بتو استغاثه نموده ام و بتو پناه آورده ام پناه نمیبرم بغیر تو و طلب نمیکنم گشایش

اِلَّا مِنْكَ فَاَغِثْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ

مگر از تو پس بفریاد رس مرا و گشایش ده از من ای آنکه می پذیرد اندک را و درمیگذرد از گناه بسیار

اقبل منی الیسیر واعف عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم اللهم انی

بپذیر از من اندک را و عفو کن از من گناه بسیار بدرستیکه توئی آمرزنده مهربان خداوندا بدرستیکه

اسألك ایماناً تباشر به قلبی و یقیناً صادقاً حتی اعلم انه لن یصیبنی

درخواهم از تو ایمانی که مباشر آن گردد دل مرا و یقینی راست تا آنکه بدانم اینکه تحقیق نمیرسد مرا

الا ما کتبت لی و رضنی من العیش بما قسمت لی یا ارحم الراحمین

مگر آنچه تقدیر کرده برای من و خوشنود ساز مرا از زندگانی بآنچه قسمت کرده برای من ای بخشاینده ترین بخشایندگان

یا عدتی فی کربتی و یا صاحبی فی شدتی و یا ولیی فی نعمتی و یا

ای ذخیره من در اندوه من و ای یار من در سختی من و ای کفایت کننده من در نعمت من و ای

غایتی فی رغبتی انت الساتر عورتی و الآمن روعتی و المقیل

منتهای مطلب من در خواهش من توئی پوشاننده زشت مرا و ایمنی بخشنده خوف مرا و درگذرنده

عثرتی فاغفر لی خطیئتی یا ارحم الراحمین

لغزش مرا پس بیامرز گناه مرا ای بخشاینده ترین بخشایندگان

و اما دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان بسند معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین

و امام محمد باقر صلوات الله علیهما در هر روز ماه مبارک این دعا میخواندند

اللهم هذا شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس

بارخدایا این ماه رمضان است که فرو فرستادی در آن قرآن را در حالتیکه راهنمای است مر مردمان را

و بینات من الهدی والفرقان و هذا شهر الصیام و هذا شهر القیام

و نشانهای روشن است از راه نمائی و جدا کننده حق از باطل و این ماه روزه داشتن است و این ماه برپا خاستن

و هذا شهر الانابة و هذا شهر التوبة و هذا شهر المغفرة والرحمة

و این ماه بازگشت است و این ماه توبه است و این ماه آمرزش و بخشایش است

و هذا شهر العتق من النار والفوز بالجنة و هذا شهر فیه

و این ماه آزادی از آتش و رستگاری به بهشت و این ماهی است که در آن

لیلة القدر التي هي خیر من ألف شهر اللهم صل علی محمد وآل

شب قدر است که آن بهتر است از هزار ماه خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

محمد وأعني علی صیامه وقیامه وسلمه لي وسلمني فیه وأعني علیه

محمد و مدد کن مرا بر روزه داشتن و برپا ایستادن در آن و سالم دار آنرا برای من و سالم دار مرا در آن و مدد کن مرا بر آن

بأفضل عونك ووفقني فیه لطاعتك وطاعة رسولك وأولیائك

به نیکوترین مدد خود و توفیق ده مرا در آن برای طاعت خود و طاعت رسول خود و دوستان خود

صلواتك الله علیه وعلیهم وفرغني فیه لعبادتك ودعائك وتلاوة

رحمتهای خدا بر او و بر ایشان و فارغ دار دل مرا در آن بجهت عبادت خود و دعا خواندن و خواندن

کتابك وعظم لي فیه البرکة وأحسن لي فیه العافیة وأصح

کتاب خود و بزرگ گردان برای من در آن برکت را و نیکو گردان برای من در آن عافیت را و نگاهدار برای

فیه التوبة وأصح لي فیه بدني وأوسع لي فیه رزقي واکفني فیه

در آن توبه او سالم دار برای من در آن بدن مرا و فراخ کن برای من در آن روزی مرا و دفع کن از من در آن

ما أهمني واستجب فیه دعائي وبلغني فیه رجائي اللهم صل علی

آنچه غمگین نماید مرا و بپذیر در آن دعا مرا و برسان مرا در آن با امید من خداوندا رحمت بفرست

محمد وآل محمد وأذهب عني فیه النعاس والکسل والسأمة والفترة

محمد و آل محمد و ببر از من در آن خواب سبک و کاهلی و ملال و سستی

والقسوة والغفلة والغرة وجنبني فیه العلل والأسقام والهموم

و سخت دل و بیخبری و فریفتگی را و دور گردان از من در آن علتها و بیماریها و غمها

والأحزان والأعراض والأمراض والخطایا والذنوب واصرف عني فیه

و اندوهها و حوادث و مرضها و خطاها و گناهان را و بگردان از من در آن

السوء والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء إنك سمیع الدعاء

هر بدی و زشتی و مشقتی و بلاها و رنجی و رنجوری بدرستیکه تو اجابت کننده دعایی

اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ وأعذني فيه من الشّيطان الرّجيم و
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و پناه ده مرا در آن از دیو رانده شده و

همزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته وتثبيطه وبطشه وكيده ومكره
بدگوئی و عیب جوئی او و دمیدن او و وسوسه او و کاهل گردانیدن او و حمله کردن او و حیله او و مکر او

وحبائله وخدعه وأمانيّه وغروره وفتنته وشركه وأحزابه
دامهای او و فریبهای او و آرزوهای او و فریب دادن او و آشوب او و دامهای او و یاران او

وأتباعه وأشياعه وأوليائه وشركائه وجميع مكائده اللّهمّ
و تابعان او و پیروان او و دوستان او و انبازان او و همه مکرهای او بار خدایا

صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ وارزقنا قيامه وصيامه وبلوغ الأمل
رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن ما را نماز آن و روزه آن و رسیدن آرزو

فيه وفي قيامه واستكمال ما يرضيك عنّي صبرًا واحتسابًا
در آن و در نماز آن و تمام کردن آنچه خوشنود سازد ترا از من از روی شکیبائی خالص کردن

وإيمانًا ويقينًا ثمّ تقبّل ذلك منّي بالأضعاف الكثيرة والأجر العظيم
و گرویدن و تیقن پس بپذیر آنرا از من باضعاف بسیار و مزد بزرگ

يا ربّ العالمين اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ وارزقني الحجّ والعمرة
ای پروردگار جهانیان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج و عمره

والجدّ والاجتهاد والقوّة والنّشاط والإنابة والتّوبة والتّوفيق
و سعی کردن و کوشش نمودن و توانائی و خرمی و بازگشت و توبه و نیک مهیا کردن اسباب طاعت

والقربة والخير المقبول والرّهبة والرّغبة والتّضرّع والخشوع
و نزدیکی و نیکی پذیرفته و ترس و خواهشمندی و زاری نمودن و فروتنی

والرّقّة والنّيّة الصّادقة وصدق اللّسان والوجل منك والرّجاء لك
و نرم نهادی و نیت درست و راستی زبان و بیم داشتن از تو و امید داشتن مر ترا

والتوكل عليك والثقة بك والورع عن محارمك مع صالح القول

وتوكل نمودن بر تو و اعتماد داشتن بتو و پرهيزيدن از محرمات تو با كلام شايسته

ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة ولا تحل بيني وبين شيء

و حركت پذيرفته و عمل بالا برده شده و دعای اجابت كرده شده و حائل مگردان ميان من و ميان چيزی

من ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم ولا سهو ولا غفلة ولا نسيان بل

از آنچه درخواستم من حادثه و نه بيماری و نه اندوهی و نه غمی و نه بيخبری و نه فراموشی بلكه

بالتعاهد والتحفظ لك وفيك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك

معامله كن با من بتوفيق ملاحظه كردن خود و نگاه داشتن برای تو و در راه تو و رعايت كردن حق تو و وفا نمودن به پيمان تو

ووعدك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد

و وعده تو برحمت تو ای بخشاينده ترين بخشايندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

واقسم لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين واعطني فيه افضل

وقسمت كن مرا در اين ماه بهترين آنچه قسمت كنی آن را برای بندگان شايسته خود و ببخش مرا در آن بهترين

ما تعطي اولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنن والاجابة

آنچه ببخشی مر دوستان نزديك خود را از بخشش و آمرزش و مهربانی و پذيرفتن

والعفو والمغفرة الدائمة والعافية والمعافاة والعتق من النار والفوز

و درگذشتن و آمرزش هميشه و عافيت و معافات و آزادی از آتش و رستگاری

بالجنة وخير الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل

بهشت و خير اينجهان و آنجهان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان

دعائي فيه اليك واصلا ورحمتك وخيرك الي فيه نازلا وعملي فيه

دعای مرا در آن بسوی خود رسنده و رحمت خود را و خير خود را بسوی من در آن فرود آينده و كردار مرا در آن

مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا حتى يكون نصيبي

پذيرفته و كوشش مرا در آن جزا داده شده و گناه مرا در آن آمرزيده تا آنكه بوده باشد نصيب من

فِيهِ الْأَكْبَرَ وَحَظِّي فِيهِ الْأَوْفَرَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَهَبْ لِي

دران بزرگتر و بهره من دران تمام تر خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و ببخش مرا

فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ عَلَى أَفْضَلِ حَالٍ تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِكَ

دران از برای شب قدر بر بهترین حالی که دوست میداری که بوده باشد بران حال یکی از دوستان تو

وَأَرْضَاهَا لَكَ ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَارْزُقْنِي فِيهَا أَفْضَلَ

و پسندیده ترین آن برای تو پس گردان آن شب را برای من بهتر از هزار ماه و روزی کن مرا دران شب بهتر

مَا رَزَقْتَ أَحَداً مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ إِيَّاهَا وَأَكْرَمْتَهُ بِهَا وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ

از آنچه روزی کرده کسی را از آنکه رسانیدی ایشان را بشب قدر و گرامی داشتی ایشان را بآن شب و بگردان مرا دران از

عُتَقَائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ وَطُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَسُعَدَاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ

آزادشدگان خود از دوزخ و رها کردگان خود از آتش و نیکبختان خلق خود بآمرزش خود

وَرِضْوَانِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا

و خوشنودی خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن ما را

فِي شَهْرِنَا هٰذَا الْجِدَّ وَالْاجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

درین ماه ما این ماه سعی و کوشش و توانائی و خرمی و آنچه دوست داری و به پسندی

اللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَرَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَا

خداوندا ای پروردگار سپیده دم و شبهای ده گانه و شفع و وتر و صاحب ماه رمضان و آنچه

أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَرَبَّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَعِزْرَائِيلَ

فرو فرستادی دران که قرآن است و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل

وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَرَبَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ

و همه فرشتگان نزدیکان و پروردگار ابراهیم و اسمعیل و اسحق

وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ مُوسَى وَعِيسَى وَجَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ

و یعقوب و پروردگار موسی و عیسی و همه پیغمبران و فرستادگان و پروردگار محمد

ويا منتهى حاجة الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة

وای منتهی حاجت خواهشمندان وای فریادرس فریاد خواهان وای پذیرنده دعای

المضطرين ويا ملجأ الهاربين ويا صريخ المستصرخين ويا رب

درماندگان وای پناه گریزندگان وای دادرس دادخواهان وای پروردگار

المستضعفين ويا كاشف كرب المكروبين ويا فارج هم المهمومين

ناتوانان وای رفع نماینده اندوه اندوهناکان وای گشاینده غم غمناکان

ويا كاشف الكرب العظيم ويا الله ويا رحمن ويا ارحم

وای رفع نماینده اندوه بزرگ وای خدا ای بخشاینده ای مهربان‌ترین

الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد واغفر لي ذنوبي

بخشندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد وبیامرز برای من گناهان مرا

وعيوبي واسائتي وظلمي وجرمي واسرافي على نفسي وارزقني

وعیبهای مرا و بدی مرا و ستم نمودن مرا و گناه مرا و زیادتی نمودن مرا بر نفس خود و روزی ده مرا

من فضلك ورحمتك فانه لا يملكها غيرك واعف عني

از فضل خود و بخشش خود زیرا که تحقیق مالک نیست آنها را غیر تو و درگذر از من

كل ما سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي من عمري واستر

هر آنچه را که گذشته از گناهان و نگاهدار مرا در آنچه باقی مانده از عمرم و بپوشان بر

وعلى والدي وولدي وقرابتي واهل حزانتي ومن كان مني

و بر پدر و مادر من و فرزندان من و خویشان من و اهل غمخواری من و آنکه بوده باشد از من

بسبيل من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا والآخرة فان ذلك

در راهی از مردان گرونده و زنان گرونده در اینجهان و در آنجهان پس به تحقیق آن

كله بيدك وانت واسع المغفرة فلا تخيبني يا سيدي ولا ترد دعائي

همه بدست تست و تو فراخ آمرزشی پس ناامید مکن مرا ای آقای من و برمگردان دعای مرا

...قِيلَ لَهُمْ اَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللّٰهُ اَطْعَمَهُ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ وَيَقُولُونَ مَتَى هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ مَا يَنْظُرُونَ اِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا اِلَى اَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَاِذَا هُمْ مِنَ الْاَجْدَاثِ اِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ

وَلَا تَرُدَّ يَدَيَّ اِلَى نَحْرِي حَتَّى تَفْعَلَ ذٰلِكَ بِي وَتَسْتَجِيبَ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ

و بر مگردان دست مرا بسوی سینه من تا آنکه بکنی آن را که درخواستم از تو و اجابت کنی برای من همه آنچه سوال کردم از تو

وَتَزِيدَنِي مِنْ فَضْلِكَ فَاِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَنَحْنُ اِلَيْكَ رَاغِبُونَ

و زیاده کنی مرا از بخشش خود زیرا که بتحقیق تو بر همه چیز توانائی و ما بسوی تو خواهشمندیم

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ

خداوندا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری

وَالْآلَاءُ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ

و نعمتها سوال میکنم از تو بنام تو بنام خدای بخشاینده مهربان اگر بوده باشی که حکم کرده باشی

فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

در این شب فرود آمدن فرشتگان و روح را در آن آنکه رحمت فرستی بمحمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاِحْسَانِي فِي

محمد و آنکه بگردانی نام مرا در دیوان نیکبختان و نفس مرا با شهیدان و نیکوئی مرا در

عِلِّيِّينَ وَاِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي

علیین و بدی مرا آمرزیده و آنکه ببخشی مرا یقینی که مباشرت کند بآن دل من

وَاِيمَانًا لَا يَشُوبُهُ شَكٌّ وَرِضًى بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

و ایمانی که نیامیزد آن را هیچ شکی و خوشنودی بآنچه قسمت کرده برای من بده مرا در این جهان نیکوئی

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ وَاِنْ لَمْ تَكُنْ قَضَيْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ

و در آن جهان نیکوئی و نگاهدار مرا از عذاب آتش و اگر نبوده باشی که حکم کرده باشی در این شب

تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا فَاَخِّرْنِي اِلَى ذٰلِكَ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

فرود آمدن ملائکه و روح در آن پس بازپس دار مرا تا آن شب و روزی کن مرا در آن یاد خود

وَشُكْرَكَ وَطَاعَتَكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِاَفْضَلِ

و سپاس گذاری خود و فرمان برداری خود و نیکو پرستیدن خود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد به بهترین

رمضان

صلوٰتك يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا رب محمد وآل محمد اغضب

رحمتهاى خود اى بخشنده ترين بخشايندگان اى يگانه اى پناه نيازمندان اى پروردگار محمد وآل محمد خشم گير در اين

اليوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعدائهم بددا واحصهم عددا

روز بجهت محمد وبجهت نيكوكاران اولاد او وبكش دشمنان ايشان را حال آنكه متفرق باشند وبشمار ايشان را

ولا تدع على ظهر الارض منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن

ووامگذار بر پشت زمين از ايشان كسى را ومياموز ايشان را هرگز اى نيكو

الصحبة يا خليفة النبيين انت ارحم الراحمين البدئ البديع الذى

مصاحبت اى خليفه پيغمبران تو بخشنده ترين بخشايندگانى آفريدگارى پديدآورنده كه

ليس كمثله شئ والدائم غير الغافل والحى الذى لا يموت انت كل يوم

نيست مانند او هيچ چيز وهميشه موجودى كه نيست بى خبر وزنده كه نميرد تو هر روز

فى شان انت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسئلك ان تنصر

در كارى تو خليفه محمد وياور محمد وزيادتى دهنده محمدى سوال ميكنم از تو اينكه يارى كنى

وصى محمد وخليفة محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد صلوٰتك

وصى محمد وجانشين محمد وآنرا كه برپاست بعدل از اوصياى محمد رحمتهاى تو

عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحق لا اله الا

براو وبر ايشان بگردان بر ايشان يارى خود را اى آنكه نيست سزاوار پرستش مگر تو بحق لا اله الا

انت صل على محمد وآل محمد واجعلنى معهم فى الدنيا والآخرة

انت رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبگردان مرا با ايشان در دنيا وآخرت

واجعل عاقبة امرى الى غفرانك ورحمتك يا ارحم الراحمين

وبگردان آخر كار مرا بسوى آمرزش خود وبخشش خود اى بخشنده ترين بخشايندگان

وكذلك نسبت نفسك يا سيدى باللطف بلى انك لطيف

وهمچنين نسبت دادى ذات خود را اى آقاى من بمهربانى بلى بدرستيكه تو مهربانى كننده

ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور

اینکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود که پذیرفته شود حج ایشان و پسندیده شود سعی ایشان آمرزیده

ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم وان تجعل فيما تقضي وتقدر ان

گناهان ایشان و محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و آنکه بگردانی در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی اینکه

تطيل عمري وتوسع رزقي وتؤدي عني امانتي وديني آمين رب

دراز کنی عمر مرا و فراخ کنی روزی مرا و ادا کنی از جانب من امانت مرا و قرض مرا بپذیر ای پروردگار

العالمين اللهم اجعل لي من امري فرجا ومخرجا وارزقني من حيث

جهانیان بار خدایا بگردان برای من از امر من گشادگی و بیرون شدن و روزی ده مرا از آنجا که

احتسب ومن حيث لا احتسب واحرسني من حيث احترس و

گمان می برم و از آنجا که گمان نمی برم و نگهبانی کن مرا از آنجا که خود را نگه دارم و

من حيث لا احترس وصلى الله على محمد وآل محمد وسلم تسليما كثيرا

از آنجا که خود را نگه ندارم و رحمت کناد خدا بر محمد و آل محمد و درود فرستاد درود بسیار

و این تسبیحات نیز بسند معتبر از حضرت صادق صلوات الله علیه منقول است که در

هر روز این ماه بخوانند

سبحان الله البارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق

پاک است خدای پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدای نگارنده صورت پاک است خدای آفریننده

الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب

انواع مخلوقات همه آنها پاک است خدای خلق کننده تاریکیها و روشنی پاک است خدای شکافنده دانه

والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى

و هسته خرما پاک است خدای آفریننده هر چیز پاک است خدای آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود

سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله السميع

تنزیه میکنم خدا را به شماره کلمهای او پاک است خدای پروردگار جهانیان پاک است خدای شنوا

رمضان

وَلَا جَنْبَ مَا فِي قَلْبِهِ وَلَا يَسْتَتِرُ مِنْهُ صَغِيرٌ وَلَا كَبِيرٌ وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ

و نه پهلوی آنچه را که در دل اوست و پوشیده نشود از و خوردی و نه بزرگی و پنهان نیست بر او

شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ

چیزی در زمین و نه در آسمان اوست آنکه بصورت در می آورد شما را در رحمها هر روش که خواهد

لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ

نیست سزاوار پرستش مگر او غالب است کار درست پاک است خدا پدید آورنده آدمیان پاک است خدا که بخشنده صورت

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ

پاک است خدا آفریننده جفتها همه آنها پاک است خدا پدید آورنده ظلمتها و نور پاک است

اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا

خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود

يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ

و آنچه دیده نشود تنزیه میکنم خدا را مثل سواد کلمات او پاک است خدا پروردگار عالمیان پاک است

اللَّهِ الَّذِي يُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ

خدا که بر می انگیزاند ابرهای گران را و تنزیه میکند رعد بسپاس او و فرشتگان از

خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَيُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًى

بیم او و میفرستد صاعقه ها را پس میرساند آنرا بهر که خواهد و میفرستد بادها را در حالتی که مژده دهنده است

بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَيُنَزِّلُ الْمَاءَ مِنَ السَّمَاءِ بِكَلِمَتِهِ وَيُنْبِتُ النَّبَاتَ بِقُدْرَتِهِ

پیش رحمت او یعنی باران و میفرستد آب را از آسمان بکلمه خود و میرویاند گیاه را بتوانائی خود

وَيُسْقِطُ الْوَرَقَ بِعِلْمِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ

و فرو میریزاند برگ درخت را بعلم خود پاک است خدا آن خدائی که پنهان نیست از و قدر سنگ ذره خوردی

فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَٰلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

در زمین و نه در آسمان و نه خوردتر از آن و نه بزرگتر مگر آنکه در کتابی است روشن

سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ

پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا صورت بخشنده و پاک است خدا آفریننده انواع آفریدگان

كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ

همه آنها پاک است خدا خالق تاریکیها و روشنائی پاک است خدا شکافنده دانه

وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى

و هسته خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا پیدا کننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود

سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي

تنزیه میکنم خدا را بشمار سواد کلمهای او پاک است خدا پروردگار عالمیان پاک است خدائی که

يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ

میداند آنچه که بر میدارد در رحم هر زنی و آنچه کم باید آنرا رحمها و آنچه میفزاید آنرا رحمها و هر چیز نزد او

بِمِقْدَارٍ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ

باندازه است دانای هر نهان و آشکار است بزرگ بلند مرتبه است یکسانست نزد او کسی از شما که

أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ

نهان دارد سخن و هر که آشکار کند و کسی که او پوشاننده [illegible] است در شب و [illegible] به روز

لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللهِ سُبْحَانَ

[illegible] از پیش روی او و از پس او [illegible] نگاه میدارند او را [illegible] پاک است

اللهِ الَّذِي يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى وَيَعْلَمُ مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ

خدائی که میمیراند زندگان را و زنده میکند مردگان را و میداند آنچه کم میکند زمین

مِنْهُمْ وَيُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ

از ایشان و [illegible] در رحمها [illegible] پاک است خدا [illegible]

سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ

پاک است خدا صورت بخشنده پاک است خدا آفریننده انواع خلق همه آنها پاک است خدا آفریننده

رمضان ... و در روایت دیگر ... ممکن است که این مخصوص ایشان باشد ... از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ...

رمضان

[illegible]

الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوٰی سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ

تاریکی و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده هر

شَیْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا یُرٰی وَمَا لَا یُرٰی سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهٖ سُبْحَانَ

چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزیه میکنیم خدا را بشماره کلمهای او پاک است

اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ سُبْحَانَ اللّٰهِ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِی الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ

خدا پروردگار جهانیان پاک است خدا خداوند پادشاهی میدهی پادشاهی را بانکه خواهی و میگیری

الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِیَدِكَ الْخَیْرُ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ

پادشاهی را از انکه میخواهی و عزیز میداری آنرا که میخواهی و خوار میسازی آنرا که میخواهی بدست تست نیکی بدرستیکه تو بر همه چیز

قَدِیرٌ تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَتُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ

توانائی درمیآوری شب را در روز و درمیآوری روز را در شب و بیرون میآوری زنده را از مرده

وَتُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ

و بیرون میآوری مرده را از زنده و روزی میدهی آنرا که خواهی بیشمار پاک است خدا

بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْاَزْوَاجِ كُلِّهَا

پدید آورنده مردمی و روح پاک است خدا بخشنده صورت پاک است خدا آفریننده انواع مخلوقات همه‌ها

سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوٰی

پاک است خدا آفریننده ظلمتها و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما

سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَیْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا یُرٰی وَمَا لَا یُرٰی سُبْحَانَ

پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا پیدا کننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزیه میکنیم

اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهٖ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِی عِنْدَهٗ مَفَاتِحُ

خدا را بشماره کلمهای او پاک است خدائیکه پروردگار جهانیان است پاک است خدائیکه نزد او کلیدهای

الْغَیْبِ لَا یَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَیَعْلَمُ مَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلَّا یَعْلَمُهَا

خزانه‌های غیبی نمیداند آنها را مگر او و میداند آنچه که در خشکی و دریا و نمی‌افتد هیچ برگی از درختی مگر که میداند آنرا

حضرت صادق علیه السلام منقولست که ... کوتاه کردن ناخن ...

فصل ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که زمین ... کسی که ناخن ... روز ... در حدیث صحیح ... از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست ...

ولا حبة في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين سبحان

ونه دانه در تاریکیهای زمین ونه تر و تازه ونه خشکی مگر آنکه در کتابیست روشن پاکست

الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان

خدا پدید آورنده هر ذی روح پاکست خدا بخشنده صورت پاکست خدا آفریننده انواع مخلوقات تمامها پاک

الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله

خدا خالق ظلمتها و نور پاکست خدا شکافنده دانه و دستهای خرما پاکست خدا

خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد

آفریننده هر چیز پاکست خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود ... خدا باندازه

كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي لا يحصي مدحته

کلمهای او پاکست خدا پروردگار جهانیان پاکست خدائی که شمار نکنند ستایش او را

القائلون ولا يجزي بآلائه الشاكرون والعابدون وهو كما قال

ستایندگان و شکر کنند در مقابل نعمتهای او سپاس گذاران ... و او چنانست که گفته

وفوق ما يقول القائلون والله سبحانه كما اثنى على نفسه ولا يحيطون

و بالای آنچه گویند در وصف او ستایندگان و خدا پاکست او چنانست که ثنا کرده ... و احاطه نمیکنند

بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده

بچیزی از دانشهای او مگر با آنچه خواسته ... کرسی او آسمانها و زمین ...

حفظهما وهو العلي العظيم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور

نگهبانی آنها و او رفیع ... پاکست خدا ...

سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان

پاکست خدا آفریننده اقسام خلائق همه آنها پاکست خدا آفریننده ظلمتها و نور پاکست

الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى

خدا شکافنده دانه و دستهای خرما پاکست خدا آفریننده هر چیز پاکست خدا آفریننده آنچه دیده شود

وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سبحان

وانچه دیده نشود و تنزیه میکنم خدا را بشمار کلمهای او پاک است خدا پروردگار عالمیان پاک است

الله الذی یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء وما

خدا که میداند انچه را که داخل میشود در زمین وانچه بیرون می آید از ان وانچه فرود می آید از آسمان وانچه

یعرج فیها ولا یشغله ما یلج فی الارض وما یخرج منها عما ینزل من

بالا میرود دران و باز نمیدارد دراینچه داخل میشود در زمین وانچه بیرون می آید از ان از انچه فرود می آید از

السماء وما یعرج فیها ولا یشغله ما ینزل من السماء وما یعرج فیها عما

آسمان وانچه بالا رود دران و باز نمیدارد دراینچه فرود می آید از آسمان وانچه بالا رود دران از انچه

یلج فی الارض وما یخرج منها ولا یشغله علم شیء عن علم شیء ولا یشغله خلق

داخل شود در زمین وانچه بیرون آید از ان و باز ندارد اورا دانش چیزی از دانش چیزی و باز ندارد اورا

شیء عن خلق شیء ولا حفظ شیء عن حفظ شیء ولا یساویه شیء ولا یعدله

چیزی از آفرینش چیزی و نه نگاهبانی چیزی از نگاهبانی چیزی و مساوی نیست او را چیزی و برابری نمیکند او را

شیء لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر سبحان الله باری النسم

چیزی نیست مانند او هیچ چیز و اوست شنوای دانا پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح

سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل

پاک است خدا نگارنده صورت پاک است خدا آفریننده اقسام مخلوقات همه آنها پاک است خدا آفریننده

الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق

ظلمتها و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده

کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته

هر چیز پاک است خدا آفریننده انچه دیده شود وانچه دیده نمیشود و تنزیه میکنم خدا را بشماره کلمهها

سبحان الله رب العالمین سبحان الله فاطر السموات والارض جاعل

پاک است خدا پروردگار جهانیان پاک است خدا خلق نماینده آسمانها و زمین گرداننده

وسلموا تسليما لبيك يا رب وسبحانك اللهم صل على محمد وآل محمد و

و درود فرستید درود فرمانی می ایستم ای پروردگار من پاکی تو خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و

بارك على محمد وآل محمد كما صليت وباركت على ابراهيم وآل ابراهيم

برکت ده بر محمد و آل محمد چنانکه رحمت فرستادی و برکت دادی بر ابراهیم و آل ابراهیم

انك حميد مجيد اللهم ارحم محمدا وآل محمد كما رحمت ابراهيم وآل ابراهيم

بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا رحم کن بر محمد و آل محمد چنانچه رحم نمودی بر ابراهیم و آل ابراهیم

انك حميد مجيد اللهم سلم على محمد وآل محمد كما سلمت على نوح في العالمين

بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانکه درود فرستادی بر نوح در عالمیان

اللهم امنن على محمد وآل محمد كما مننت على موسى وهرون اللهم

خداوندا بخشش نما بر محمد و آل محمد چنانکه بخشش نمودی بر موسی و هارون خداوندا

صل على محمد وآل محمد كما هديتنا به اللهم صل على محمد وآل محمد كما

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانکه راه نمائی کردی ما را خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانکه

شرفتنا به اللهم صل على محمد وآل محمد وابعثه مقاما محمودا

شرافت دادی ما را بسبب او خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برانگیز او را در جایگاه ستوده

يغبطه به الاولون والآخرون على محمد وآله السلام كلما

که رشک برند او را بسبب آن پیشینیان و پسینیان بر محمد و آل او باد درود هرگاه

طلعت شمس او غربت على محمد وآله السلام كلما طرفت عين او برقت

برآید آفتاب یا فرو رود بر محمد و آل او باد درود هرگاه برهم زند پلک را چشمی یا خیره شود

على محمد وآله السلام كلما طرفت عين او ذرفت على محمد وآله السلام

بر محمد و آل او باد درود هرگاه برهم زند پلکها را دیده یا اشک ریزد بر محمد و آل او باد درود

كلما ذكر السلام على محمد وآله السلام كلما سبح الله ملك او قدسه

هرگاه ذکر کرده شود سلام بر محمد و آل او باد درود هرگاه تسبیح کند خدا را فرشته یا تنزیه کند او را

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْآخِرِينَ السَّلَامُ

درود بر محمد وآل او در زمرهٔ پیشینیان درود بر محمد وآل او در زمرهٔ پسینیان درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

بر محمد وآل او در این جهان و آن جهان. درود بر محمد وآل او ورحمت خدا وبرکتهای او

اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ أَبْلِغْ

بار خدایا ای پروردگار بلدهٔ محترم وای پروردگار رکن ومقام ابراهیم وای پروردگار حل وحرم برسان

نَبِيَّكَ مُحَمَّداً وَآلِهِ عَنَّا السَّلَامَ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً مِنَ الْبَهَاءِ وَالسُّرُورِ

به پیغمبر خود محمد وآل او از ما درود خداوندا ببخش محمد را از نیکوئی وشادی

وَالنَّضْرَةِ وَالْكَرَامَةِ وَالْغِبْطَةِ وَالْوَسِيلَةِ وَالْمَنْزِلَةِ وَالْمَقَامِ وَالشَّرَفِ

وتازگی وبزرگواری وخوشحالی ووسیله ومرتبه وجایگاه وشرافت و

الرِّفْعَةِ وَالشَّفَاعَةِ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ

بلندی وشفاعت کردن نزد تو [illegible] بهتر از آنچه عطا کنی کسی را از خلق خود

وَأَعْطِ مُحَمَّداً فَوْقَ مَا تُعْطِي الْخَلَائِقَ مِنَ الْخَيْرِ أَضْعَافاً كَثِيرَةً لَا يُحْصِيهَا

وعطا کن محمد را بالاتر [illegible] عطا کنی آفریدگان [illegible] اضعاف بسیار [illegible]

غَيْرُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ

غیر تو خداوندا رحمت فرست بر محمد [illegible]

عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَعَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

[illegible]

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ

[illegible]

الْعَذَابَ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

عذاب [illegible] خداوندا رحمت فرست بر فاطمه دختر پیغمبر خود [illegible]

عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَالْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيَّكَ فِيهِمَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَ

بر او و آل او باد درود و دور کن از رحمت خود کسی که آزرد پیغمبر ترا در باره او خداوندا رحمت فرست بر حسن و

الْحُسَيْنِ إِمَامَيِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُمَا وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمَا وَضَاعِفِ الْعَذَابَ

حسین دو پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد ایشانرا و دشمن دار آنرا که دشمن دارد ایشانرا

عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِمَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ

بر لشکر شرکت نموده در خون ایشان خداوندا رحمت فرست بر علی بن حسین پیشوای گردن نهندگان

وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ

و دوست دار آنرا که دوست دارد اورا و دشمن دار آنرا که دشمن دارد اورا و مضاعف کن عذاب را بر کسیکه ستم کرده اورا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ

خداوندا رحمت فرست بر محمد بن علی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد اورا و دشمن دار آنرا

مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

که دشمن دارد اورا و مضاعف کن عذاب را بر کسیکه ستم کرده اورا خداوندا رحمت فرست بر جعفر بن محمد

إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ

پیشوای اطاعت کنندگان و دوست دار آنرا که دوست دارد اورا و دشمن دار آنرا که دشمن دارد اورا و مضاعف کن عذاب را

عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ

بر کسیکه ستم کرد اورا خداوندا رحمت فرست بر موسی بن جعفر پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا

وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ

که دوست دارد اورا و دشمن دار آنرا که دشمن دارد اورا و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرد اورا خداوندا رحمت

عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ

بر علی بن موسی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد اورا و دشمن دار آنرا که دشمن دارد اورا و مضاعف کن

الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ

عذاب را بر کسیکه ستم کرد اورا خداوندا رحمت فرست بر محمد بن علی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا

مَنْ وَالاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى مَنْ ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ

ازآنکه دوست دارد اورا و دشمن دار آنرا که دشمن دارد اورا و مضاعف کن عذاب را بر کسیکه ستم کرده اورا خداوندا

صَلِّ عَلى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ اِمامِ الْمُسْلِمينَ وَوالِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ

رحمت فرست بر علی بن محمد پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد اورا و دشمن دار آنرا که دشمن دارد اورا

وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى مَنْ ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ اِمامِ الْمُسْلِمينَ

و مضاعف کن عذاب را بر کسیکه ستم کرده اورا خداوندا رحمت فرست بر حسن بن علی پیشوای مسلمانان

وَوالِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى مَنْ ظَلَمَهُ

و دوست دار آنرا که دوست دارد اورا و دشمن دار کسی را که دشمن دارد اورا و مضاعف گردان عذاب را بر کسیکه ستم کرد اورا

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِهِ اِمامِ الْمُسْلِمينَ وَوالِ مَنْ والاهُ وَعادِ

خداوندا رحمت فرست بر جانشین پس از وی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد اورا و دشمن دار

مَنْ عاداهُ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْقاسِمِ وَالطّاهِرِ ابْنَيْ نَبِيِّكَ

آنرا که دشمن دارد اورا و بشتاب آور گشایش اورا خداوندا رحمت فرست بر قاسم و طاهر دو پسر پیغمبر خود

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى رُقَيَّةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَنْ مَنْ اذى نَبِيَّكَ فيها اَللّٰهُمَّ

خداوندا رحمت فرست بر رقیه دختر پیغمبر خود و لعنت کن آنرا که بیازرد پیغمبر ترا درباره او خداوندا

صَلِّ عَلى اُمِّ كُلْثُومٍ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَنْ مَنْ اذى نَبِيَّكَ فيها اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى ذُرِّيَّةِ

رحمت فرست بر ام کلثوم دختر پیغمبر تو و لعنت کن آنرا که بیازرد پیغمبر ترا درباره او خداوندا رحمت فرست بر فرزندان

نَبِيِّكَ اَللّٰهُمَّ اخْلُفْ نَبِيَّكَ في اَهْلِ بَيْتِهِ اَللّٰهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ

پیغمبر خود خداوندا جانشین پیغمبر خود را در خاندان او خداوندا جای ده ایشان را در زمین خداوندا

اجْعَلْنا مِنْ عَدَدِهِمْ وَمَدَدِهِمْ وَاَنْصارِهِمْ عَلَى الْحَقِّ فِي السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ

بگردان ما را از شماره ایشان و یاوری ایشان و یاری نمایندگان ایشان بر حق در نهان و آشکارا

اَللّٰهُمَّ اطْلُبْ بِذَحْلِهِمْ وَوِتْرِهِمْ وَدِمائِهِمْ وَكُفَّ عَنّا وَعَنْهُمْ وَعَنْ

خداوندا طلب کن خون ایشان و خون ایشان را و خونهای ایشان را و باز دار از ما و از ایشان و از

فرمود که خدا رحم کند پدر و مادری را که یاری کنند فرزندان خود را در نیکی کردن با ایشان و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که خدا رحم کند کسی را که اعانت نماید فرزند خود را بر نیکی او عرض کردند چگونه اعانت کند فرمود که کار آسانی که از او بعمل آید قبول کند و کار دشوار را از او نخواهد

كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بَاسُ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَكُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا

هر مرد گروندهٔ و زن گروندهٔ ترس هر ستم کننده و از حد گذرنده و هر جنبنده که تو فرا گیرنده ای موی پیشانی او را

اِنَّكَ اَنْتَ اَشَدُّ بَاْسًا وَاَشَدُّ تَنْكِيْلًا

بدرستیکه تو توانا تری بعذاب کردن و تو توانا تری از روی عقوبت

و در اقبال و بعضی از نسخهای دیگر دعا از حضرت علی بن الحسین تا حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیهم بجای علی بن طلحه چنین است علی بن شرک فی دمه و از جملهٔ دعاها هر روز ماه مبارک رمضان دعائی است که سید بن طاوس فضیلت بسیار از جهت آن روایت کرده و در استجابت دعوات مجرب است و بر مضامین عالیه مشتمل است و دعا این است

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوْكَ كَمَا اَمَرْتَنِیْ فَاسْتَجِبْ لِیْ كَمَا وَعَدْتَنِیْ ثُمَّ اَللّٰهُمَّ

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس مستجاب گردان برای من چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا

اِنِّیْ اَسْاَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِاَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِیٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ

بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیک است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ

به نیکوئی تو همهٔ آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از بزرگواری تو به بزرگوارترین آن و هر بزرگواری تو

جَلِیْلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ

بزرگوار است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا به بزرگواری تو همهٔ آن بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از جمال و نیکوئی

بِاَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِیْلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ

به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیک است بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا به نیکوئی تو همهٔ آن

پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوْكَ كَمَا اَمَرْتَنِیْ فَاسْتَجِبْ لِیْ كَمَا وَعَدْتَنِیْ

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس مستجاب گردان برای من چنانکه وعده فرمودی مرا

پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِیْمَةٌ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از بزرگی تو به بزرگترین آن و هر بزرگی تو بزرگ است

اللهم انی اسألك من مشیّتك بامضاها وكل مشیّتك ماضیة

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از خواستن تو بنفوذ کننده ترین آن و همه خواستن تو گذرنده است

اللهم انی اسألك بمشیّتك كلها اللهم انی اسألك بقدرتك التی

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بخواستن تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بقدرت تو که

استطلت بها علی كل شیء وكل قدرتك مستطیلة اللهم انی

استیلا داری بآن بر هر چیز و هر قدرت تو مستولی است خداوندا بدرستیکه من

اسألك بقدرتك كلها پس سه مرتبه بگوید اللهم انی ادعوك كما امرتنی

سوال میکنم از تو بتوانائی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه فرمان دادی مرا

فاستجب لی كما وعدتنی پس بگوید اللهم انی اسألك من علمك بانفذه

پس اجابت کن برای من چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از علم تو بروانترین آن

وكل علمك نافذ اللهم انی اسألك بعلمك كله اللهم انی اسألك

و هر علمی از تو روان است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بعلم تو همه فرد آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو

من قولك بارضاه وكل قولك رضی اللهم انی اسألك بقولك كله

از گفتار تو به پسندیده ترین آن و هر گفتار تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بگفتار تو همه آن

اللهم انی اسألك من مسائلك باحبها الیك وكل مسائلك حبیبة

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از سوالهای تو بدوست داشته ترین آنها بسوی تو و هر یک از سوالهای تو دوست داشته شده است

الیك اللهم انی اسألك بمسائلك كلها پس سه مرتبه بگوید اللهم انی ادعوك كما امرتنی

بسوی تو خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بسوالهای تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا

فاستجب لی كما وعدتنی پس بگوید اللهم انی اسألك من شرفك باشرفه

پس اجابت کن برای من چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از بزرگواری تو ببزرگوارترین آن

وكل شرفك شریف اللهم انی اسألك بشرفك كله اللهم انی اسألك

و هر بزرگواری تو بزرگوار است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو ببزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم

اللهم اني اسألك من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از سلطنت تو بهمیشه ترین آن و هر سلطنت تو همیشه است

اللهم اني اسألك بسلطانك كله اللهم اني اسألك من ملكك بافخره وكل ملكك

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بسلطنت تو بهمه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از ملک و غلبه تو بعظیم ترین آن و هر غلبه تو

فاخر اللهم اني اسألك بملكك كله پس بگوید اللهم اني ادعوك كما

عظیم است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بغلبه تو بهمه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسألك من علائك

امر کردی پس بپذیر برای من چنانچه وعده فرمودی مرا بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از بلندی تو

باعلاه وكل علائك عال اللهم اني اسألك بعلائك كله اللهم

ببلندترین آن و هر بلندی تو بلند است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از تو ببلندی تو بهمه آن خداوندا

اني اسألك من منك باقدمه وكل منك قديم اللهم اني اسألك

بدرستیکه من سوال میکنم ترا از انعام تو به دیرینه ترین آن و هر انعام تو دیرینه است بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم

بمنك كله اللهم اني اسألك من آياتك باعجبها وكل آياتك عجيبة

بانعام تو بهمه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از نشانهای تو بعجیب ترین آنها و هر یک از نشانهای تو شگفت آورنده است

اللهم اني اسألك بآياتك كلها پس مرتبه بگو اللهم اني ادعوك كما

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بنشانهای تو بهمه آنها خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگو اللهم اني اسألك من فضلك

امر کردی پس اجابت کن برای من چنانچه وعده فرمودی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از فضل تو

بافضله وكل فضلك فاضل اللهم اني اسألك بفضلك كله

بافزون ترین آن و هر فضل تو افزون است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بفضل تو بهمه آن

اللهم اني اسألك من رزقك باعمه وكل رزقك عام اللهم اني اسألك

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از روزی تو بفراگیرنده ترین آن و هر روزی تو فراگیرنده است خداوندا بدرستیکه من

برزقك كله اللهم اني اسألك من عطائك باهنئه وكل عطائك

بروزی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از بخشش تو بگواراترین آن و همه بخشش تو

هنيء اللهم اني اسألك بعطائك كله اللهم اني اسألك من خيرك

گوارنده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا ببخشش تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از نیکی تو

باعجله وكل خيرك عاجل اللهم اني اسألك بخيرك كله اللهم اني

بشتابترین آن و همه نیکی تو شتابانست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو به نیکی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من

اسألك من احسانك باحسنه وكل احسانك حسن اللهم اني اسألك

سوال میکنم از احسان تو به نیکوترین آن و همه احسان تو نیکو است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو

باحسانك كله اللهم اني اسألك بما تجيبني به حين ادعوك فاجبني

باحسان تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بانچه اجابت میکنی مرا بان هنگامیکه میخوانم ترا پس اجابت کن مرا

يا الله نعم ادعوك يا الله اللهم اني اسألك بما انت فيه من الشؤون

ای خدا بلی میخوانم ترا ای خدا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بانچه تو در آنی از کارها

والجبروت اللهم اني اسألك بكل شأن وجبروت اللهم اني اسألك

و بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بهر کار و بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

بشأنك وجبروتك كلها اللهم اني اسألك بما تجيبني حين اسألك به

بکار تو و بزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بانچه اجابت میکنی مرا هنگامیکه سوال میکنم ترا بان

فاجبني يا الله صل على محمد وال محمد پس هر حاجت که داری طلب بکن

پس اجابت کن مرا ای خدا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

اللهم صل على محمد وال محمد وابعثني على الايمان بك والتصديق

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برانگیز مرا بر گرویدن بتو و باور داشتن

برسولك والولاية لعلي بن ابي طالب عليه السلام والائتمام بالائمة

رسول تو و دوستی علی ابن ابیطالب را و باو درود و اقتدا به پیشوایان

مِنْ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَالْبَرَاءَةَ مِنْ اَعْدَائِهِمْ فَاِنِّیْ قَدْ رَضِیْتُ بِذٰلِكَ یَا رَبِّ

از خاندان محمد و بیزاری از دشمنان ایشان پس بتحقیق من خشنودم بآن ای پروردگار من

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْأَلُكَ خَیْرَ الْخَیْرِ رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و میخواهم از تو بهتر بهتری خشنودی ترا و بهشت را

وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَالنَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ

و پناه میگیرم بتو از بدتر بدتری که غضب تو است و آتش خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَّاحْفَظْنِیْ مِنْ کُلِّ مُصِیْبَةٍ وَّمِنْ کُلِّ بَلِیَّةٍ وَّمِنْ کُلِّ عُقُوْبَةٍ وَّمِنْ

محمد و نگاهدار مرا از هر مکروهی و از هر رنجی و از هر عقوبتی و از

کُلِّ فِتْنَةٍ وَّمِنْ کُلِّ بَلَاءٍ وَّمِنْ کُلِّ شَرٍّ وَّمِنْ کُلِّ مَکْرُوْهٍ وَّمِنْ کُلِّ اٰفَةٍ

هر آشوبی و از هر بلائی و از هر گزندی و از هر ناخوشی و از هر رنجی

نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ اِلَی الْاَرْضِ فِیْ هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِیْ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ

که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین درین ساعت و درین شب

وَفِیْ هٰذَا الْیَوْمِ وَفِیْ هٰذَا الشَّهْرِ وَفِیْ هٰذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی

و درین روز و درین ماه و در این سال خداوندا رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاقْسِمْ لِیْ مِنْ کُلِّ سُرُوْرٍ وَّمِنْ کُلِّ بَهْجَةٍ وَّمِنْ کُلِّ

محمد و آل محمد و بخش مرا از هر شادی و از هر نیکوئی و از هر

اِسْتِقَامَةٍ وَّمِنْ کُلِّ فَرَجٍ وَّمِنْ کُلِّ عَافِیَةٍ وَّمِنْ کُلِّ سَلَامَةٍ

استقامتی و از هر گشادگی و از هر عافیتی و از هر سلامتی

وَّمِنْ کُلِّ کَرَامَةٍ وَّمِنْ کُلِّ رِزْقٍ وَّاسِعٍ حَلَالٍ طَیِّبٍ وَّمِنْ کُلِّ نِعْمَةٍ

و از هر بزرگواری و از هر روزی فراخ حلال پاک و از هر نعمت

وَّمِنْ کُلِّ حَسَنَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ اِلَی الْاَرْضِ فِیْ هٰذِهِ السَّاعَةِ

و از هر نیکی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین درین ساعت

وَفِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الشَّهْرِ وَفِي هٰذِهِ السَّنَةِ اللّٰهُمَّ

و درین شب و درین روز و درین ماه و درین سال خداوندا

إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَغَيَّرَتْ

اگر بوده باشد گناهان من که تحقیق کهنه کرده باشد روی مرا نزد تو و حائل باشد میان من و میان تو یا تغییر داده باشد

حَالِي عِنْدَكَ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي لَمْ يُطْفَأْ

حال مرا نزد تو پس بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بنور ذات بزرگوار تو که فرونشانیده نشده

وَبِوَجْهِ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَبِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَبِحَقِّ

و بجاه دوست تو محمد برگزیده و بجاه دوست تو علی پسندیده و بحق

أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي

دوستان تو که برگزیدی ایشانرا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی برای من

وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مَا تَوَالَدُوا ذُنُوبَنَا

و برای پدر و مادر من و آنکه زائیده اند ایشان از مردان گرونده و زنان گرونده و آنکه زائیده اند ایشان گناهان ما را

كُلَّهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا وَأَنْ تَخْتِمَ لَنَا بِالصَّالِحَاتِ وَأَنْ تَقْضِيَ

همه گناهان را خورد آنها و بزرگ آنها و اینکه ختم کنی برای ما بکردارهای شایسته و آنکه روا کنی

لَنَا الْحَاجَاتِ وَالْمُهِمَّاتِ وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا

برای ما حاجتها را و کارهای سخت را و شایسته از دعا و سؤال را پس بپذیر برای ما

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آمِينَ آمِينَ آمِينَ

بحق محمد و آل محمد خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد بپذیر بپذیر بپذیر

مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ

آنچه خواسته خدا میشود نیست هیچ طاقتی و قدرتی مگر بخدا پاکست پروردگار تو پروردگار

الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

عزت از آنچه می‌ستائید و درود بر فرستادگان و سپاس مر خدا را که پروردگار جهانیان است

ذ ... و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است ...

پس دستها را بسوی آسمان بلند کن و ... و کف دست را بسوی خود ... و گریه کن و
اگر نیاید خود را بگریه دار پس بگو

بسم ... یا لا اله الا انت اسألك بحق من حقه علیك عظیم بلا اله الا انت

ای نیست سزاوار پرستش مگر تو میخواهم از تو بحق آنکه حق او بر تو بزرگ است برکت کلمهٔ طیبهٔ لا اله الا انت

اسألك بهاء لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك بجلال لا اله

سوال میکنم ترا به نیکوئی لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سوال میکنم از تو به بزرگواری لا اله

الا انت یا لا اله الا انت اسألك بجمال لا اله الا انت یا لا اله الا انت

الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سوال میکنم از تو به نیکوئی لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو

اسألك بنور لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك بکمال لا اله الا انت

سوال میکنم از تو بروشنائی لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سوال میکنم از تو بتمامی لا اله الا

یا لا اله الا انت اسألك بعزة لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك

ای آنکه نیست خدائی مگر تو سوال میکنم از تو بعزت لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی مگر تو سوال میکنم از تو

بعظمة لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك بقول لا اله الا انت

به بزرگی لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی مگر تو سوال میکنم از تو بوسیله گفتن لا اله الا انت

یا لا اله الا انت اسألك بشرف لا اله الا انت یا لا اله الا انت

ای آنکه نیست خدائی مگر تو سوال میکنم از تو بشرافت لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی مگر تو

اسألك بعلاء لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك بلا اله الا

سوال میکنم از تو به بلندی لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی مگر تو سوال میکنم از تو به ... لا اله

انت یا لا اله الا انت یا رباه یا رباه یا رباه

انت ای آنکه نیست خدائی مگر تو ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

آنقدر بگوید که یک نفس وفا کند پس بگوید به زبان حاجت خود را ... گردن ... بسوی دوش
چپ آنقدر که یک نفس وفا کند

اسألك يا سيدي پس بگو يا الله يا الله ... پس بگو يا سيداه

سوال میکنم از تو ای بزرگ من ای خداوند پروردگار ای بزرگ

يا مولاه يا غياثاه يا ملجأه يا منتهى غاية رغبتاه يا ارحم

ای آقا ای فریادرس ای پناهگاه ای منتهای نهایت خواهش ای بخشاینده ترین

الراحمين اسألك بك فليس كمثلك شيء واسألك بكل دعوة مستجابة

بخشایندگان سوال میکنم از تو پس نیست مانند تو هیچ چیز و سوال میکنم ترا بهر دعای پذیرفته

دعاك بها نبي مرسل او ملك مقرب او عبد مؤمن امتحنت قلبه

که خواند ترا آن پیغمبر مرسلی یا فرشته مقربی یا بنده گرونده که آزمودی دل او را

للايمان واستجبت دعوته منه واتوجه اليك بمحمد نبيك نبي الرحمة

برای ایمان و پذیرفتی دعای او را از او و روی آورم بسوی تو بوسیله محمد پیغمبر تو پیغمبر رحمت

واقدمه بين يدي حوائجي يا محمد يا رسول الله بابي انت وامي

و پیش میدارم او را در پیش حاجتهای خود ای محمد ای رسول خدا پدرم فدای تو و مادرم

اتوجه بك الى ربك وربي واقدمك بين يدي حوائجي

رو می آورم بوسیله تو بسوی پروردگار تو و پروردگار من و پیش میدارم ترا پیش حاجتهای خود

يا رباه يا رباه اسألك بك فليس كمثلك شيء واتوجه

ای پروردگار ای پروردگار سوال میکنم از تو بحق تو پس نیست مانند تو هیچ چیز و رو می آورم

اليك بمحمد حبيبك وبعترته الهادية واقدمهم بين يدي حوائجي

بسوی تو بوسیله محمد دوست تو و بوسیله خویشان نزدیک او که راه نماینده اند و پیش میدارم ایشان را پیش حاجتهای خود

واسألك اللهم بحياتك التي لا تموت وبنور وجهك الذي لا يطفأ

و سوال میکنم از تو خداوندا بزندگی تو که زائل نمیشود و بروشنائی ذات تو که فرو نشانیده نمیشود

وبعينك التي لا تنام واسألك اللهم بحق من حقه عليك عظيم

و بدیده تو که نمی خوابد و سوال میکنم از تو خداوندا بحق آنکه حق او بر تو بزرگ است

رمضان

و بلغم را دفع میکند و حافظه را زیاده میکند و دندانها را سفید میکند و حسنات را مضاعف میکند و پوست را از صحن [illegible] میکند و دندان [illegible] میکند و اشتهای طعام را زیاده میکند و ملائکه بان خوشحال میشوند و در حدیث دیگر فرمود که [illegible]

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَبَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَعَدَدَ

اینکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد پیش از هر چیز وبعد از هر چیز وبشماره

كُلِّ شَيْءٍ وَزِنَةَ كُلِّ شَيْءٍ وَمِلْءَ كُلِّ شَيْءٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

هر چیز وبرابر هر چیز وبپری هر چیز خداوندا بدرستیکه سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُصْطَفَى وَرَسُولِكَ الْمُرْتَضَى وَأَمِينِكَ الْمُصْطَفَى وَنَجِيبِكَ

بر محمد بنده برگزیده تو ورسول پسندیده تو ومعتمد برگزیده تو واختیار کرده شده

دُونَ خَلْقِكَ وَحَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ النَّذِيرِ الْبَشِيرِ

نزد خلق تو ودوست تو واختیار کرده شده تو از خلق تو همه بیم نماینده مژده دهنده

السِّرَاجِ الْمُنِيرِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُطَهَّرِينَ الْأَخْيَارِ

چراغ روشن وبر خاندان او که پاکیزگان پاکان پاک گردیدگان نیکان

الْأَبْرَارِ وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَحَجَبْتَهُمْ عَنْ

نیکوکاران وبر فرشتگان تو که خالص گردانیدی ایشان را برای ذات خود وباز داشتی ایشان را از

خَلْقِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ يُنْبِئُونَ بِالصِّدْقِ عَنْكَ وَعَلَى عِبَادِكَ

خلق خود وبر پیغمبران تو که خبر میدهند براستی از تو وبر بندگان تو

الصَّالِحِينَ الَّذِينَ أَدْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ الْأَئِمَّةِ الْمُهْتَدِينَ الرَّاشِدِينَ

که شایسته اند آنکه درآورده ایشان را در رحمت خود که پیشوایان راه یافتگان

الْمُطَهَّرِينَ وَعَلَى جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَ

پاک گردیدگان وبر جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وملک موت و

رِضْوَانَ خَازِنِ الْجَنَّةِ وَمَالِكٍ خَازِنِ النَّارِ وَالرُّوحِ الْقُدُسِ وَحَمَلَةِ

رضوان خزانه دار بهشت ومالک خزانه دار دوزخ وروح القدس وبردارندگان

الْعَرْشِ وَمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَعَلَى الْمَلَكَيْنِ الْحَافِظَيْنِ عَلَيَّ بِالصَّلَاةِ الَّتِي تُحِبُّ

عرش ومنکر ونکیر وبر دو فرشته که موکل اند بحفظ اعمال من بان رحمتی که دوست داری

ان تصلی بها علیهم صلوة کثیرة طیبة مبارکة زاکیة نامیة

اگر رحمت بفرستی بآن بر ایشان رحمت بسیار پاکیزه با برکت پاک فزایش کننده

طاهرة شریفة فاضلة تبین بها فضلهم علی الاولین والاخرین

طاهر با رفعت نیکو که ظاهر سازی بآن زیادتی ایشان را بر پیشینیان و پسینیان

اللهم انی اسالک ان تسمع صوتی وتجیب دعوتی وتغفر ذنوبی

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اینکه بشنوی صدای مرا و اجابت کنی دعای مرا و بیامرزی گناهان مرا

وتنجح طلبتی وتقضی حاجاتی وتقبل قصتی وتنجز لی ما وعدتنی و

و بر آوری حاجت مرا و روا کنی حاجتهای مرا و بپذیری کار مرا یا حکایت مرا و روا کنی برای من آنچه را که وعده دادی مرا

تقیلنی عثرتی وتتجاوز عن خطیئتی وتصفح عن ظلمی وتعفو عن جرمی

در گذری از لغزش من و تجاوز کنی از خطای من و در گذری از ستم من و عفو کنی از گناه من

وتقبل علی ولا تعرض عنی وترحمنی ولا تعذبنی وتعافینی ولا تبتلینی

و رو کنی بر من و رو نگردانی از من و رحم کنی مرا و عذاب نکنی مرا و عافیت بخشی مرا و مبتلا نسازی

وترزقنی من اطیب الرزق واوسعه واهنأه وامرأه واسبغه و

و روزی دهی مرا از پاکیزه ترین روزیها و فراگیرنده ترین آن و گواراترین آن و گواراترین آن و تمام

اکثره ولا تحرمنی یا رب النظر الی وجهک الکریم والفوز بالجنة

و بیشترین آن و نا امید نکنی مرا ای پروردگار من از نگریستن بسوی ذات بزرگوار تو و از رسیدن به بهشت

والعتق من النار واقض عنی یا رب دینی وامانتی وضع عنی وزری

و از آزادی از آتش و قضا کن از من ای پروردگار من قرض مرا و امانت مرا و بگذار از من بار گران مرا

ولا تحملنی ما لا طاقة لی به یا مولای وادخلنی فی کل خیر

و بار مکن مرا آنچه نیست توانائی مرا بآن ای صاحب اختیار من و در آور مرا در هر نیکی

ادخلت فیه محمدا وآل محمد واخرجنی من کل سوء اخرجتهم منه

که در آوردی در آن محمد و آل محمد را و بیرون کن مرا از هر بدی که بیرون کردی ایشان را از آن

رمضان

وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَداً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ پس سه مرتبه بگوید

وجدائی میفکن میان من و میان ایشان بقدر بهم زدن چشم هرگز در این جهان و آن جهان

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي

بار خدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس مستجاب کن دعای مرا چنانچه وعده کردی مرا بار خدایا بدرستیکه من

اَسْاَلُكَ قَلِيلاً مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي اِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ

سوال میکنم از تو اندکی از بسیار با حاجت من بسوی آن بیشمار و بی نیازی تو از آن

قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ فَامْنُنْ بِهِ عَلَيَّ اِنَّكَ عَلَى

دیرینه است و آن نزد من بسیار است و آن بر تو سهل و اندک است پس بخشش کن با آن بر من بدرستیکه تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَاَدْخِلْنَا وَفِي عِلِّيِّينَ

هر چیز توانائی خداوندا برحمت خود در زمره نیکوکاران پس در آور ما را و در علیین

فَارْفَعْنَا وَبِكَاْسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعِينِ

پس بلند کن ما را و بجامی از شراب شیرین از چشمه سلسبیل پس آب ده ما را و از حوریان فراخ چشم

بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِينَ كَاَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ

برحمت خود پس زن ده ما را و از کودکان جاوید ماندگان که گویا ایشان مروارید پوشیده اند

فَاَخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَاَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ

پس خادم بخش ما را و از میوه های بهشت و گوشتهای مرغ پس بخوران ما را و از جامهای دیبای نازک

وَالْحَرِيرِ وَالْاِسْتَبْرَقِ فَاَلْبِسْنَا وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلاً

و ابریشم و دیبای ستبر پس بپوشان ما را و برای دریافت شب قدر و حج خانه محترم خود و کشته شدن

فِي سَبِيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ فَوَفِّقْ لَنَا وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ

در راه خود با دوستان خود پس توفیق ده ما را و شایسته دعا و سوال را پس مستجاب کن

لَنَا يَا خَالِقَنَا اسْمَعْ وَاسْتَجِبْ لَنَا وَاِذَا جَمَعْتَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

برای ما ای آفریننده ما بشنو و اجابت کن برای ما و هرگاه جمع کنی پیشینیان و پسینیان را

رمضان

يوم القيمة فارحمنا وبراءة من النار واماناً من العذاب فاكتب لنا وفي

در روز رستخیز پس رحم کن ما را و بیزاری از آتش و ایمنی از عذاب پس بنویس برای ما و در

جهنم فلا تجعلنا ومع الشياطين في النار فلا تقرنّا وفي هوانك

دوزخ پس مگردان ما را و با دیوان پلید در آتش پس ثابت مدار ما را و در خوار گردانیدن

عذابك فلا تقلبنا ومن الزقوم والضريع فلا تطعمنا وفي

عذاب خود پس مگردان ما را و از میوه زقوم و خار خشک پس مخوران ما را و در

النار على وجوهنا فلا تكبّنا ومن ثياب النار وسرابيل القطران

آتش بر روهای ما پس میفکن ما را و از جامهای آتش و پیراهنهای قطران

فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت فنجّنا

پس مپوشان ما را و از هر بدی ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو بحق کلمه لا اله الا انت پس رهایی ده ما را

اللهم اني اسألك ولم يُسأل مثلك وارغب اليك ولم يُرغب الى

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا و درخواسته نشده است مانند تو و رغبت میکنم بسوی تو و رغبت کرده نشده است بسوی

مثلك يا رب انت موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة

مثل تو ای پروردگار تو قرارگاه سوال خواهندگانی و منتهای رغبت

الراغبين اسألك اللهم بافضل اسمائك كلها وانجحها يا الله يا

خواهشمندانی درخواهم از تو خداوندا به بهترین نامهای تو همه آنها و فیروزترین آنها ای خدا ای

رحمن وباسمك المخزون المصون الاعز الاجل الاعظم الذي تحبه

بخشاینده و بحق نام تو که پنهان داشته نگاه داشته ارجمندتر بزرگوارتر بزرگتر آنکه دوست میداری آن را

وتهواه وترضى عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك

و میخواهی آن را و خشنود میشوی از آنکه بخواند ترا بآن و می‌پذیری برای او دعای او را و لازم است بر تو

يا رب ان لا تحرم سائلك اللهم اني اسألك بكل اسم هو لك دعاك

ای پروردگار من آنکه نا امید نسازی سوال کننده خود را خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا به هر نامی که آن مر تراست

بسم الله وبالله وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه وآله وسنته حنيفاً مسلماً وما انا من المشركين اللهم اعطني بكل شعرة نوراً ساطعاً يوم القيمة

بِهِ عَبْدٌ هُوَ لَكَ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَوْ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

با آن بنده که او برای تست در بیابان یا دریا یا زمین هموار یا کوه یا نزد خانهٔ حرم محترم تو

أَوْ فِي شَيْءٍ مِنْ سُبُلِكَ فَأَدْعُوكَ يَا رَبِّ دُعَاءَ مَنْ قَلَّتْ

یا در چیزی از راههای قرب تو پس میخوانم ترا ای پروردگار من خواندن کسیکه بتحقیق کم شده باشد

فَاقَتُهُ وَعَظُمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَ كَدْحُهُ وَأَشْرَفَتْ عَلَى الْهَلَكَةِ نَفْسُهُ

احتیاج او و بزرگ باشد گناه او و سست باشد کوشش او و مشرف گشته باشد بر هلاکت ذات او

وَلَمْ يَثِقْ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ وَلَمْ يَجِدْ لِمَا هُوَ فِيهِ سَادًّا وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا

و اعتماد نکرده باشد بچیزی از کردار خود و نیافته باشد برای آنچه او در اوست بازدارنده و نه برای گناه خود آمرزنده

وَلَا لِعَثْرَتِهِ مُقِيلًا غَيْرَكَ هَارِبًا إِلَيْكَ مُتَعَوِّذًا بِكَ مُتَعَبِّدًا لَكَ

و نه برای لغزش خود درگذرنده غیر تو حال آنکه بوده باشد گریزان بسوی تو پناه گیرنده بتو پرستش کننده مر ترا

غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ وَلَا مُتَجَبِّرٍ وَلَا مُتَعَظِّمٍ بَلْ بَائِسٌ

نه عار دارنده از عبادت تو و نه گردن کش و نه صاحب ماندگی و صاحب کبر و نخوت نماینده بوده باشد بلکه بوده باشد بدحال

فَقِيرٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ أَسْأَلُكَ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ

محتاج ترسان امان جوینده درمیخواهم از تو ای خدای بخشنده ای بغایت مهربان ای بسیار بخشنده ای پدید آورنده

السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

آسمانها و زمین ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن آنکه رحمت فرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوٰةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً نَامِيَةً زَاكِيَةً شَرِيفَةً أَسْأَلُكَ

و آل محمد رحمت بسیار پاک بابرکت فزایش نماینده پاکیزه بلند پایه سوال میکنم ترا

اللّٰهُمَّ أَنْ تَغْفِرَ لِي فِي شَهْرِي هٰذَا وَتَرْحَمَنِي وَتُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

خداوندا آنکه بیامرزی مرا در ماه من این ماه و رحم کنی مرا و آزاد کنی گردن مرا از آتش

وَتُعْطِيَنِي فِيهِ خَيْرَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَخَيْرَ مَا أَنْتَ

و عطا کنی مرا در آن بهتر از آنچه عطا فرمودی یکی از خلق خود را و بهتر از آنچه تو

مُعْطِيهِ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي صُمْتُهُ لَكَ مُنْذُ أَسْكَنْتَنِي

عطاکنندهٔ آن ومگردان آنرا آخر ماه رمضانی که روزه داشتم آنرا بجهت تو از آن وقت که ساکن کردی مرا

أَرْضَكَ إِلَى يَوْمِي هَذَا بَلْ اجْعَلْهُ عَلَيَّ أَتَمَّهُ نِعْمَةً وَأَعَمَّهُ عَافِيَةً

در زمین خود تا روز من این روز بلکه بگردان آنرا بر من تمام ترین آن از روی نعمت و فروگیرنده ترین آن از روی عافیت

وَأَوْسَعَهُ رِزْقاً وَأَجْزَلَهُ وَأَهْنَاهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِوَجْهِكَ

و فراگیرنده ترین آن در روزی و وافرترین آن گواراترین آن خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو و بذات

الْكَرِيمِ وَمُلْكِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ مِنْ يَوْمِي هَذَا أَوْ تَنْقَضِيَ بَقِيَّةُ

بزرگوار تو و پادشاهی بزرگ مرتبه تو از اینکه غروب کند آفتاب از روز من این روز یا بپایان رسد باقی ماندهٔ

هَذَا الْيَوْمِ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ أَوْ يَخْرُجَ هَذَا الشَّهْرُ وَلَكَ

این روز یا برآید صبح از شب من این شب یا بیرون این ماه وحال آنکه باشد مر ترا

قِبَلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَايِسَنِي بِهَا أَوْ تُؤَاخِذَنِي

نزد من وبالی یا گناهی یا خطای که خواهی آنکه در مشقت افکنی بآن یا مواخذه نمائی مرا

بِهَا أَوْ تُوقِفَنِي بِهَا مَوْقِفَ خِزْيٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ تُعَذِّبَنِي يَوْمَ

بآن یا برپا داری مرا بسبب آن در جایگاه خواری در دنیا و آخرت و آنکه عذاب کنی مرا در روزیکه

أَلْقَاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِهَمٍّ لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ

ملاقات نمایم ترا ای بخشنده ترین بخشایندگان خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا بجهت غمی که نمی گشاید آنرا غیر تو

وَلِرَحْمَةٍ لَا تُنَالُ إِلَّا بِكَ وَلِكَرْبٍ لَا يَكْشِفُهُ إِلَّا أَنْتَ وَلِرَغْبَةٍ

وبجهت بخششی که رسیده نمیشود مگر بتو وبجهت اندوهی که زائل نمیکند آنرا مگر تو وبجهت خواهشی

لَا تُبْلَغُ إِلَّا بِكَ وَلِحَاجَةٍ لَا تُقْضَى دُونَكَ اللَّهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ

که رسیده نمیشود مگر بخواست تو وبجهت حاجتی که روا کرده نمیشود از غیر تو بار خدایا پس چنانچه بوده از کار تو

مَا أَرَدْتَنِي بِهِ مِنْ مَسْأَلَتِكَ وَرَحِمْتَنِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ

آنکه قصد کردی مرا بآن از سوال کردن تو و ترحم نمودی بآن از یاد کردن تو پس باید که بوده باشد از کار تو

الا استجابة لي فيما دعوتك به والنجاة لي فيما فزعت إليك منه

اجابت کردن برای من در انچه خواندم ترا بان و رستگاری برای من در انچه استغاثه نمودم بسوی تو از ان

يا ملين الحديد لداود عليه السلام اي كاشف الضر والكرب

ای نرم سازنده آهن بجهت داود براو باد درود ای رفع نماینده بدحالی و اندوه های

العظام عن ايوب ومفرج غم يعقوب ومنفس كرب يوسف صل

بزرگ از ایوب ای گشاینده غم یعقوب وای زایل کننده اندوه یوسف رحمت بفرست

على محمد وال محمد وافعل بي ما انت اهله فانك اهل التقوى

بر محمد وال محمد وبکن با من انچه تو سزاوار انی زیرا که بتحقیق تو سزاوار پرهیزکاری

واهل المغفرة اللهم انت ثقتي في كل كرب وانت رجائي في كل شدة

و سزاوار آمرزشی بارخدایا تو معتمد منی در هر اندوهی و امیدگاه منی در هر سختی

وانت لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة كم من كرب يضعف

و تو برای من در هر امر که فرود می آید بمن معتمدی و ذخیره چه بسیار از اندوه که ناتوان میشود

منه الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل فيه الصديق ويشمت

از بر داشتن آن دل و کم میشود در ان راه چاره و خوار میگردد در ان دوست و شماتت میکند

فيه العدو وانزلته بك وشكوته اليك رغبة مني فيه اليك

در ان دشمن و فرود آوردم آنرا بدرگاه تو و شکایت نمودم از ان بسوی تو از راه رغبت من

عمن سواك ففرجته وكشفته وكفيتنه فانت ولي كل نعمة

از غیر تو پس گشودی تو آنرا و زایل کردی آنرا و رفع نمودی آنرا پس تو خداوند هر نعمتی

وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة اعوذ بكلمات الله

و صاحب هر نیکی و منتهای هر رغبتی پناه میگیرم بکلمات خدا

التامات من شر ما خلق من شيء اللهم عافني في يومي هذا

که تمام و کامل اند از شر انچه آفریده از هر چیزی خدایا عافیت بخش مرا در روز من این

أُمسِي اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ يَوْمِي هٰذَا وَمَا نَزَلَ فِيهِ مِنْ عَافِيَةٍ وَمَغْفِرَةٍ

شام کنم خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو برکت روز مرا این روز و آنچه فرود آمده در این روز از عافیت و آمرزش

وَرَحْمَةٍ وَرِضْوَانٍ وَرِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ تَبْسُطُهُ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ

و بخشش و خوشنودی و روزی فراخ حلالی که پهن کنی بر من و بر پدر و مادر من

وَوُلْدِي وَأَهْلِي وَعِيَالِي وَأَهْلِ حُزَانَتِي وَمَنْ أَحْبَبْتُ وَأَحَبَّنِي وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي

و فرزندان من و عیال من و خاندان من و آنکه غمخواری و تمایم و آنکه دوست دارم و دوست دارد مرا و زائیدم من و زائید مرا

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَالشِّرْكِ وَالْحَسَدِ وَالْبَغْيِ

خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از شک نمودن و شرک آوردن و بدخواهی و ستم کردن

وَالْحَمِيَّةِ وَالْغَضَبِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ

و غیرت و خشم گرفتن خداوندا ای پروردگار آسمانهای هفت گانه و ای پروردگار زمینهای هفت گانه

وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

و آنچه در اینهاست و آنچه میان اینهاست و ای پروردگار عرش بزرگ رحمت بفرست بر محمد و آل او و

اِكْفِنِي الْمُهِمَّ مِنْ أَمْرِي بِمَا شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ پس بخوان سوره

کارگذاری کن برای من مهم از امر مرا بآنچه خواهی و بهر روشی که خواهی

حمد و آیة الکرسی را و بگو اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خداوندا بتحقیق که تو گفتی به پیغمبر خود رحمت فرستاد خدا بر او و آل او

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى اَللّٰهُمَّ إِنَّ نَبِيَّكَ وَرَسُولَكَ وَ

که هر آئینه زود باشد که عطا کند ترا پروردگار تو پس خوشنود شوی خداوندا بدرستیکه پیغمبر تو و رسول تو و

حَبِيبَكَ وَخِيَرَتَكَ مِنْ خَلْقِكَ لَا يَرْضَى بِأَنْ تُعَذِّبَ أَحَدًا مِنْ أُمَّتِهِ دَانَ لَكَ

دوست تو و برگزیده تو از خلق تو خشنود نمیشود بآنکه عذاب کنی یکی از امت او را که نزدیک شده ترا

بِمُوَالَاتِهِ وَمُوَالَاةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَإِنْ كَانَ مُذْنِبًا خَاطِئًا

بوسیله دوست داشتن او و دوست داشتن پیشوایان از خاندان او اگرچه بوده باشد گنه کار خطاکار

فِی نَارِ جَهَنَّمَ فَاَجِرْنِی یَا رَبِّ مِنْ جَهَنَّمَ وَعَذَابِهَا وَهَبْنِی لِمُحَمَّدٍ
در آتش دوزخ پس زنهار ده مرا ای پروردگار من از دوزخ و عذاب آن و ببخش مرا بمحمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا جَامِعًا بَیْنَ اَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَی تَاَلُّفٍ
و آل محمد ای بخشنده ترین بخشایندگان ای جمع کننده میان اهل بهشت بنا بر آمیختگی

مِنَ الْقُلُوبِ وَشِدَّةِ الْمَحَبَّةِ وَنَازِعَ الْغِلِّ مِنْ صُدُورِهِمْ وَجَاعِلَهُمْ اِخْوَانًا
از دلها و شدت دوستی و ای بر کننده کینه از سینه های ایشان و گردانندهٔ ایشان برادران

عَلَی سُرُرٍ مُتَقَابِلِینَ یَا جَامِعًا بَیْنَ اَهْلِ طَاعَتِهِ وَبَیْنَ مَنْ خَلَقَهَا لَهُ
بر کرسیها روبروی یکدیگر ای جمع کننده میان اهل طاعت خود و میان آنکه خلق نموده آنها را برای او

وَیَا مُفَرِّجَ حُزْنِ کُلِّ مَحْزُونٍ وَیَا مُنْهِلَ کُلِّ غَرِیبٍ یَا رَاحِمِی فِی
و ای زائل کننده اندوه هر اندوهناکی و ای مهلت دهنده هر بیکسی ای رحم کننده من در

غُرْبَتِی وَفِی کُلِّ اَحْوَالِی بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَالْکِلَاءَةِ لِی یَا مُفَرِّجَ مَا بِی مِنَ
بیکسی من و در همه حالات من بخوبی محافظت نمودن و نگهبانی کردن من و مرا ای گشاینده آنچه با من است از

الضِّیقِ وَالْخَوْفِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْمَعْ بَیْنِی وَبَیْنَ اَحِبَّتِی
تنگی و بیم رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و جمع کن میان من و میان دوستان من

وَقَادَتِی وَسَادَتِی وَهُدَاتِی وَمَوَالِیَّ یَا مُؤَلِّفًا بَیْنَ الْاَحِبَّاءِ صَلِّ عَلَی
و کشندگان من و پیشوایان من و راه نمایان من و صاحب اختیاران من ای الفت دهنده میان دوستان رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَفْجَعْنِی بِانْقِطَاعِ رُؤْیَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَنِّی وَلَا
محمد و آل محمد و بدرد میاور مرا بسبب بریده شدن دیدن محمد و آل محمد از من و

بِانْقِطَاعِ رُؤْیَتِی عَنْهُمْ فَبِکُلِّ مَسَائِلِکَ یَا رَبِّ اَدْعُوکَ اِلٰهِی
بسبب بریدگی دیدن من از ایشان پس بهمه سوالهای تو ای پروردگار من میخوانم ترا خدای من

فَاسْتَجِبْ دُعَائِی اِیَّاکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِانْقِطَاعِ
پس بپذیر خواندن مرا مر ترا ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو بسبب بریدگی

مُجِیْبِی وَ وُجُوْبِ حُجَّتِكَ اَنْ تَغْفِرَ لِیْ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ خِزْیِ یَوْمِ
دلیل من و لازم بودن حجت تو آنکه بیامرزی مرا بارخدایا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از خواری روز
الْمَحْشَرِ وَ مِنْ شَرِّ مَا بَقِیَ مِنَ الدَّهْرِ وَ مِنْ شَرِّ الْاَعْدَاۤءِ وَ صَغِیْرِ الْفَنَاۤءِ
محشر و از شر آنچه باقی مانده از زمانه و از گزند دشمنان و نیستی خورد
وَ عُضَالِ الدَّاۤءِ وَ خَیْبَةِ الرَّجَاۤءِ وَ زَوَالِ النِّعْمَةِ وَ فُجَاۤءَةِ النِّقْمَةِ اَللّٰهُمَّ
و درد عاجز گردانیده و بی بهره شدن از امید و زائل شدن نعمت و ناگاه در رسیدن عقوبت خداوندا
اِجْعَلْ لِیْ قَلْبًا یَخْشَاكَ كَاَنَّهٗ یَرَاكَ اِلٰی یَوْمِ یَلْقَاكَ
بگردان برای من دلی که بترسد ترا چنانکه گویا او می بیند ترا تا روزی که ملاقات کنم ترا
و دور نیست که در اوقات دیگر هرگاه شدتی رو دهد یا حاجتی در پیش باشد این دعا را توان خواند

فصل ششم

در اعمال مختصره شبها و روزهای مخصوص این ماه مبارک است در روایتی وارد شده که انجیل بر حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام در سوم این ماه نازل شد و بروایت دیگر در ششم و بروایت معتبره دیگر در روز دوازدهم و شیخ مفید علیه الرحمه نقل کرده است که در روز ششم این ماه مامون خائن ملعون با حضرت امام رضا علیه السلام بیعت کرد و روایت شده است که هرکه در آن دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق آنحضرت را ادا کرده خواهد بود و بروایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در شب سیزدهم این ماه دو رکعت نماز بگذارند و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام باین صفت و در شب پانزدهم شش رکعت بسه سلام بهمین کیفیت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام مستحب است چنانچه مذکور شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول فرمود که هرکه در شب نیمه ماه رمضان صد رکعت نماز بکند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند حقتعالی ده ملک فرو فرستد بسوی او که دفع کنند از و ضرر

رمضان

کرانها باعث زیادتی حال ... بکرد و با حوال این نحو ... علما و از منقول است که باید کرد ... معجزات حضرت رسول صلی الله ... فضل معظم ... شجاعت است و در جای ...

دشمنان او را از جنیان و آدمیان و در هنگام مرگ او شصت ملک بفرستند که او را بشارت دهند به بهشت
و شصت ملک که او را ایمن گردانند از جهنم و ایضاً از آنحضرت منقول است که هرکه در شب نصف ماه رمضان
زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بکند و بعد از نماز عشا ده رکعت نماز نزد قبر آنحضرت بکند و در هر رکعت
سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند نمیرد تا در خواب ببیند ملکی چند را که بشارت دهند او را به بهشت
و ملکی چند را که ایمن گردانند او را از جهنم و شب هفدهم نیز شب بسیار بسیار گرامی است و در آن شب لشکر حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله با لشکر کفار قریش ملاقات کردند در بدر و در بدر و در روز شنبه جنگ بدر شد و
حق تعالی لشکر آنحضرت را بر کافران ظفر داد و آن اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت در آن شب
فضیلت عظیم دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است و حق تعالی میفرماید إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ
الْقَدْرِ یعنی ما فرو فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبی که نزد حق تعالی قدر و منزلت عظیم دارد یا تقدیر
امور سال در این شب میشود یا زمین تنگ میشود از بسیاری نزول ملائکه وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ
الْقَدْرِ و چه چیز ترا اعلام کرده است که چه چیز است شب قدر لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ
شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی عبادت در آن بهتر است از عبادت هزار ماه تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ
وَالرُّوحُ فِيهَا فرود می آیند ملائکه و روح که از همه ملائکه اعظم است بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ
برخصت پروردگار ایشان بسبب تقدیر هر امری احادیث بسیار وارد شده است که ملائکه و روح

بر امام زمان نازل میشوند و آنچه از برای هر کس در این شب مقدر شده است بر امام علیه السلام عرض
میکنند سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ سلامتی است این شب از جمیع بدیها تا طلوع صبح یا سلام
می کنند بر امام و بر مومنان که در این شب عبادت می کنند تا طلوع صبح و میان سنی و شیعه در شب
قدر اختلاف بسیار است بعضی از سنیان گفته اند شب قدر در زمان حضرت رسول صلی الله علیه
و آله بود و بعد از آنحضرت برطرف شد و اکثر ایشان گفته اند که تا روز قیامت باقی است پس بعضی
گفته اند در تمام ماه پنهان است در همه ماه عبادت باید کرد تا فضیلت آن شب را دریابند و بعضی
گفته اند که در ماه شعبان و ماه رمضان پنهان است و بعضی گفته اند شب نیمه شعبان و بعضی گفته اند
شب ... و بعضی گفته اند شب هفدهم و بعضی

[illegible]

بیست و یکم و بعضی بیست و سوم و بعضی بیست و نهم و بعضی شب آخر گفته اند و اکثر سنیان در شبان
اتفاق کرده اند بر شب بیست و هفتم و علمای شیعهٔ امامیه اجماع کرده اند بر آنکه از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست
و سوم بیرون نیست و بعضی مردم میان شب بیست و یکم و بیست و سوم میدانند و بسیاری از احادیث معتبره دلالت میکند
بر آنکه از این سه شب بیرون نیست و این سه شب یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم را احیا باید کرد تا فضیلت
شب قدر را دریابند و در بعضی احادیث معتبره تعیین بیست و یکم و بیست و سوم وارد شده است و در بعضی
تعیین بیست و سوم واقع شده است و منقولست که آن شب جهنی است و آن اعرابی بود که بحضرت رسول
صلی الله علیه و آله عرض کرد که منزل من دور است از مدینه و میخواهم شبی برای من تعیین کنی که بهترین شبها
باشد که در آن شب بخدمت تو برسم حضرت شب بیست و سوم برای او تعیین فرمود و او پیوسته در آن
شب با خیل و اهل و خدم و حشم خود داخل مدینه می شد و چون صبح میشد برمیگشت و از بعضی احادیث
ظاهر میشود که [illegible] میشود و در شب اول التقدیر امور میشود و در شب دوم بکثرت دعا و عبادت ممکن
است بعضی تغییر بیابد و در شب سوم ختم میشود و تغییر نمی یابد یا بسیار کم تغییر می یابد بلا تشبیه مانند
ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغییرش آسان است بعد از آن شب فاتر میشود و تغییرش
دشوارتر است اما تا بمهر مهر آثار مزین نگردیده باز ممکن است تغییر بیابد و چون بمهر اشرف رسید بمنزله
ختم است تغییرش در غایت صعوبت است و حق تعالی را حکمتها در ابهام بعضی از امور هست مانند
اسم اعظم الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین نمازهاست و ساعت استجابت
دعا در همه شب و روز جمعه و عمل مقبول در میان اعمال و امثال اینها و یک حکمت در مبهم ساختن اینها
آنست که بر همه اسمای مقدسهٔ الهی موظبت نمایند و اهتمام در همه نمازها بکنند و در همه ساعات
شب و روز جمعه دعا بکنند و سعی در همه اعمال خیر بکنند شاید یکی مقبول گردد و همچنین در شب قدر
شبهایی که احتمال آن دارد همه را احیا کنند و حکمت دیگر در بعضی از اینها میتواند بود مثل آنکه اگر
اسم اعظم را [illegible] میدانند گاه باشد بعضی از نفوس شریره آنرا وسیلهٔ حصول مطالب دنیه کنند چنانچه
از بلعم نقل کرده اند و همچنین شب قدر و ساعت [illegible] اگر خصوص آنها را بدانند ممکن
است که از غیر مشروع و معاصی [illegible] آن استدعا کنند که مخصوص

دانند باید البته مستجاب گردد دیگر آنکه مغرور باعمال خود نگردند و حکمتهای دیگر بسیار است که این
رساله ذکر گنجایش آنها ندارد پس باید که مومن این سه شب را احیا کند و اهتمام در عبادت و دعا کند تا فضیلت
شب قدر را دریابد و در شب آخر اهتمام بیشتر کند و در شب بیست و سوم که احادیث معتبره بسیار در تخصیص
آن وارد شده است که شب قدر است سعی بیشتر کنند و فواید عبادت شب قدر بسیار است از انجمله آنکه چون
عبادت شب قدر را دریابد بنص قرآن زیاده از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سال است ازبرای
او منظور میفرمایند دیگر آنکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر و مال و فرزند و عزت و صحت و توفیق اعمال خیر
و سایر امور درین شب میشود اصلاح احوال تمام سال خود را درین شب کرده خواهد بود و ممکن است
که نام او در دیوان اشقیا نوشته بوده درین شب تغییر یابد و از زمره سعادتمندان نوشته شود چنانچه
این مضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است دیگر آنکه چون امام او حضرت صاحب الامر
علیه السلام در تمام این شب با ملائکه مقربین محشور است و فوج فوج بخدمت او می آیند و بر او سلام میکنند
و تقدیرات که از برای او و سایر خلق شده است بر او عرض میکنند سزاوار است که در چنین شبی
آدمی با امام خود باشد و بغفلت بسر نیاورد و از حضرت رسول منقول است که چون شب قدر میشود فرود
می آیند ملائکه که در سدرة المنتهی ساکنند و از جمله ایشان جبرئیل علیه السلام است و جبرئیل با خود علمها می آورد
و یک علم را بر سر قبر منور من نصب میکند و یکی را بر بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در طور سینا
و نمیگذارند مرد مومن و زن مومنه را مگر آنکه بر او سلام میکنند و ایضا از حضرت رسول منقول است که بهشت
را هر سال از برای داخل شدن ماه مبارک رمضان زینت میکنند چون شب اول ماه میشود نسیمی از زیر عرش میوزد
که آن را مثیره میگویند و بصدا می آورد درختان و حلقه های درهای بهشت پس نغمه از و می شنوند که هرگز
شنوندگان از آن خوشتر نشنیده اند پس حوریان از غرفه های بهشت بیرون می آیند
و ندا میکنند که آیا کسی هست که ما را خواستگاری کند از خدا با اعمال صالحه خود پس از
رضوان خازن بهشت می پرسند که این چه شب است رضوان میگوید لبیک ای نیکورویان
نیکوکاران این شب اول ماه رمضان است درهای بهشت گشوده شده [illegible] روزه داران
امت محمد پس حق تعالی [illegible] بگشا درهای بهشت [illegible] ای مالک ببند درهای

جهنم را از روزه داران امت محمد ای جبرئیل برو و بسوی زمین در زنجیر کن شیاطین متمرد را و غلها در گردن ایشان گذار و ایشان را در لجه‌های دریا بینداز تا فاسد نکردانند بر امت حبیب من محمد روزهای ایشان را و حضرت فرمود که حق تعالی در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که آیا سوال کننده هست که سوال کند او را عطا کنم آیا توبه کننده هست که توبه او را قبول کنم آیا استغفار کننده هست که گناهانش را بیامرزم کیست که قرض دهد بخداوند مالداری که هرگز پریشان نمیشود و وفا کننده است بوعده‌های خود و ستم نمی کند و فرمود که در آخر هر روز از روزهای ماه مبارک رمضان در وقت افطار حق تعالی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد می کند و چون شب جمعه و روز جمعه میشود در هر ساعتی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند که هر یک مستوجب عذاب شده باشند و در شب آخر و روز آخر ماه بعدد آنچه در تمام ماه آزاد کرده است آزاد میکند و چون شب قدر میشود حق تعالی امر میکند جبرئیل را که بر زمین می آید با لشکر عظیمی از ملیکه و با خود علم سبزی می آورد و بر بالای کعبه معظمه نصب میکند و او ششصد بال دارد و بالش را نمی گشاید مگر در شب قدر و چون در شب قدر آن دو بال را میگشاید از مشرق و مغرب میگذرند و پهن میکند جبرئیل آن ملائکه را در این شب در اطراف زمین پس سلام میکنند بر هر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا باشند و با ایشان مصافحه می کنند و چون ایشان دعا می کنند ملائکه آمین میگویند و پیوسته مشغول این کار اند تا طلوع صبح پس چون صبح طالع میشود ندا میکند جبرئیل که ای گروه ملائکه بروید جانب آسمان پس ملائکه میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوائج مومنان از امت محمد جبرئیل میگوید خدا گناهان همه را آمرزید مگر کسیکه همیشه شراب خورد یا عاق پدر و مادر باشد یا قطع رحم کند یا با مومنان عداوت کند و چون شب عید فطر میشود و آنرا شب جوائز گویند خدا مزد میدهد عمل کنندگان ماه مبارک رمضان را بی حساب و چون بامداد روز عید میشود حق تعالی ملائکه بسیار در جمیع شهرها میفرستد که به زمین می آیند و بر سر کوچها و بازارها می ایستند و میگویند ای امت محمد بیرون روید بسوی درگاه پروردگار کریم که عطاهای بزرگ می بخشد و گناهان عظیم را می آمرزد پس چون بمصلی بیرون میروند برای نماز عید حق تعالی بملائکه میگوید ای ملائکه چیست جزای مزدوری که کار خود را بکند ملائکه میگویند ای خداوند ما جزای او آنست که مزدش تمام داده شود حق تعالی میفرماید ای ملائکه من شما را

رمضان

گواه میگیرم که ثواب ایشان از روزه روزهای ماه رمضان و عبادت شبهای آن عطا کردم و از ایشان
راضی شدم و گناهان ایشان را آمرزیدم پس ندا میفرماید مومنان را که در آن مجمع حاضر بوده اند که ای
بندگان من هر چه خواهید از من سوال کنید و بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که این مجمع شما هر
حاجت که برای آخرت و دنیای خود سوال کنید البته عطا میکنم و عیبهای شما را می پوشانم تا از من برگردا[ن]
نشوید و مزدهای شما را مضاعف میدهم و شما را در میان گنهکاران رسوا نمیکنم برگردید آمرزیده
بدرستیکه خوشنود گردانیدید مرا و خوشنود شدم از شما پس ملائکه مسرور و شاد میشوند و یکدیگر را مبارکباد
میگویند بانچه حق تعالی بامت محمد عطا کرده و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که
احیا کند شب قدر را گناهان او آمرزیده شود هرچند بعدد ستارهای آسمان و سنگینی کوهها و کیل
دریاها باشد و اما اعمال این سه شب پس دو نوع است اول آنکه در هر سه شب باید کرد دوم آنکه مخصوص
هر شبی اما اول از حضرت رسول منقولست که هر که در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت
بعد از سوره حمد هفت مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه استغفر الله
واتوب الیه بگوید از جای خود برنخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادرش را بیامرزد و ملکی چند بفرستد
که حسنات برای او بنویسند تا سال آینده و ملکی چند بفرستد بسوی بهشت که درختها برای او
غرس نمایند و قصرها برای او بنا کنند و نهرها برای او جاری سازند و از دنیا بیرون نرود تا همه را
ببیند و غسل در این سه شب سنت موکده است و غسل این شبها مقارن غروب آفتاب کردن بهتر
است که نماز عشا را با غسل بکند و مستحب است در این شبها که قرآن مجید را بگیرد و بگشاید و این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِكِتابِكَ الْمُنْزَلِ وَما فیهِ وَفیهِ اِسْمُكَ الْاَكْبَرُ

بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحرمت کتاب فرو فرستاده تو و آنچه در آنست و در آن نام بزرگ تو است

وَاَسْماؤُكَ الْحُسْنی وَما یُخافُ وَیُرْجی اَنْ تَجْعَلَنی مِنْ عُتَقائِكَ مِنَ

و نامهای نیکوی تو و آنچه ترسیده میشود و امید داشته میشود [illegible] از آزاد کردگان خود از

النّارِ [illegible] حَوائِجِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ

[illegible] حاجتهای آخرت و دنیا را [illegible]

پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید که انشاء الله تعالی بر آورده است و این دعا از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقول است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که مصحف را بگیر و
اللهم بحق هذا القرآن وبحق من ارسلته به وبحق کل مؤمن مدحته
خداوندا بحق این قرآن و بحق آنکه فرستاده قرآن را باو و بحق هر گرونده که ستوده او را
فیه وبحقک علیهم فلا احد اعرف بحقک منک پس ده مرتبه بگو
در قرآن و بحق تو بر ایشان پس نیست هیچکس شناساتر بحق تو از تو
بک یا الله و ده مرتبه بمحمد و ده مرتبه بعلی و ده مرتبه بفاطمة و ده مرتبه
بالحسن و ده مرتبه بالحسین و ده مرتبه بعلی بن الحسین و ده مرتبه بمحمد بن علی
و ده مرتبه بجعفر بن محمد و ده مرتبه بموسی بن جعفر و ده مرتبه بعلی بن موسی و ده مرتبه
بمحمد بن علی و ده مرتبه بعلی بن محمد و ده مرتبه بالحسن بن علی و ده مرتبه بالحجة پس حاجت
که داری طلب کن و زیارت حضرت امام حسین ع در یک از این سه شب سنت موکده است
و در هر یک خصوصاً شب بیست و سوم صد رکعت نماز سنت است دو رکعت بیک سلام در هر
رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد میخوانند و در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که هفت
مرتبه یا پنج مرتبه یا سه یا یک مرتبه قل هو الله احد کفایت میتوان کرد و احادیث بسیار در فضیلت آن
صد رکعت وارد شده و باید که این صد رکعت غیر نافله شب بوده باشد و اگر ضعف داشته باشد
نشسته [illegible] بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت
خود است و [illegible] و برادران [illegible] و اذکار و صلوات بر محمد
و آل محمد آنچه مقدور شود و در بعضی از روایات وارد شده است که تمام دعای جوشن کبیر را در هر یک

ازین سه شب بخوانند و اما دوم پس اعمال مخصوصه شب نوزدهم آنست که صد مرتبه بگوید

أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ وصد مرتبه اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

طلب آمرزش میکنم از خدا پروردگار من و رجوع میکنم بسوی او خداوندا دور گردان از رحمت کشندگان پادشاه گروندگان را

و این دعا بخوانند اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِيمَا

خداوندا بگردان در جمله آنچه حکم کنی و تقدیر میکنی از امر واجب که دیگر نگردد و در آنچه

تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ

جدا کنی از امر موافق حکمت در شب قدر از آن حکمی که برگردانیده نشود و

لَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ

تبدیل کرده نشود و آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود که پسندیده شده حج ایشان و از

سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي

حرکت ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه حکم کنی

وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَتَفْعَلَ بِي فِي جَمِيعِ

و تقدیر مینمائی آنکه دراز کنی عمر مرا و گشایش دهی بر من در روزی من و بکنی با من در همه

أُمُورِي مَا هُوَ خَيْرٌ لِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

امور من آنچه را که او خیر است برای من در دنیای من و آخرت من ای بخشنده ترین بخشایندگان

[illegible] خود را از حق تعالی طلب نماید و شب بیست و یکم فضیلت او زیاده از شب سابق است و غسل

و اعمال سابقه [illegible] در این شب و آخر اعتکاف در مساجد جامع سنت است و مستحبات

[illegible] بسند معتبر از حضرت امام موسی کاظم منقولست که در شب بیست و یکم و بیست و سوم صد رکعت

نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقولست

که حضرت امام محمد باقر این دو شب را احیا میکرد [illegible]

آخر مشغول نماز [illegible]

ماه رمضان هر شب [illegible] رکعت نماز [illegible] سیزده رکعت [illegible]

باشن و مستحب است که مشغول نماز و دعا و تضرع باشی بر ستیکه امید شب قدر در یکی ازینهاست و شب قدر
بهتر است از هزار ماه یعنی بهتر است از عمل در هزار ماه و هر امری که دران سال واقع میشود در شب قدر
مقدر میکردد و دعای این شب در ضمن دعاهائی ماه بعد از این مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و اما شب
بیست و سوم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر انکه آن شب قدر است و دران دو غسل سنت
است یکی اول شب و دیگری در آخر شب و حضرت صادق علیه السلام فرمود که شب بیست و سوم شب
جهنی است و دران شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میکردد و دران شب مقدر میشود مرگها و بلاها
و اجلها و روزیها و قضاها و آنچه دران سال واقع میشود تا شب قدر آینده پس خوشا حال بنده
که احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود
را در برابر دیده های خود ممثل گرداند و بر آنها بگرید چون چنین کند امیدوارم که از فضیلت شب
قدر محروم نگردد انشاء الله تعالی و فرمود که حق تعالی امر میکند ملکی را که ندا میکند در هر روز
ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من که بخشیدم گناهان گذشته شما را و در شب
قدر شفاعت شما را در حق یکدیگر قبول میکنیم و دعاهای شما را در حق یکدیگر مستجاب میگردانم مگر کسی
که روزه را افطار کند بر مست کننده یا کینه مومنی را در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره عنکبوت و روم را در شب بیست و سوم بخواند
والله که او از اهل بهشت است و استثنائی نکنم دران احدی را و نمی ترسم که خدا درین سوگند برمن
گناهی نویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم است و ایضاً از آنحضرت بسند معتبر
منقولست که هر که در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند
بر این صبح کند با یقین شدید باعتراف بانچه مخصوص ماست از کرامتها که درین شب بیبیند چو از
بیند و سوره حم دخان انیز سنت است که درین شب بخواند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
منقولست که هر که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سوم که
امید شب قدر در آن بیشتر است و دران هر امری مقدر میشود مصافحه کنند با او روح صد و بیست
و چهار هزار پیغمبر که همه درین شب از حضرت مطلب میکنند که رخصت دهد ایشانرا بزیارت آنحضرت

ازین سه شب بخوانند و اما دوم پس اعمال مخصوصهٔ شب بیست و یکم آنست که صد مرتبه بگوید

استغفر الله ربی و اتوب الیه و صد مرتبه اللهم العن قتلة امیر المؤمنین

طلب آمرزش میکنم از خدا پروردگارم و رجوع میکنم بسوی او خداوندا دور کن از رحمت خود کشندگان پادشاه گروندگان را

و این دعا بخواند اللهم اجعل فیما تقضی و تقدر من الامر المحتوم و فیما

خداوندا بگردان در جمله آنچه حکم کنی و تقدیر میکنی از امر واجب دیده شده و در آنچه

تفرق من الامر الحکیم فی لیلة القدر من القضاء الذی لا یرد و

جدا کنی از امر موافق حکمت در شب قدر از آن حکمی که برگردانیده نشود و

لا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم المشکور

و بدل کرده نشود آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانهٔ محترم خود که پذیرفته شود حج ایشان جزا داده شود

سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم و اجعل فیما تقضی

حرکت ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه حکم کنی

و تقدر ان تطیل عمری و توسع علی فی رزقی و تقدر لی فی جمیع

و تقدیر کنی آنکه دراز کنی عمر مرا و گشایش دهی بر من در روزی من و تقدیر کنی برای من در همه

اموری ما هو خیر لی فی دنیای و آخرتی یا ارحم الراحمین

امور من آنچه را که او خیر است برای من در دنیای من و آخرت من ای بخشنده ترین بخشایندگان

و حوائج خود را از حق تعالی طلب نماید و شب بیست و یکم فضیلتش از زیاده از شب سابق است و غسل و اعمال سابقه همه بعمل آورد و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جامع سنت است و در دهه استجابت دعا و بسند بسیار معتبر از حضرت امام موسی کاظم منقولست که در شب بیست و یکم و بیست و سوم صد رکعت نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر این دو شب را احیا میکرد و در نصف اول شب [illegible] و در نصف آخر مشغول نماز و بسند موثق [illegible] منقولست که اگر توانی در شب بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان در هر یک صد رکعت نماز بکن بغیر از سیزده رکعت نماز نافلهٔ شب تا [illegible] صبح و تا صبح بیدار

رمضان

باشی و مستحبست که مشغول نماز و دعا و تضرع باشی در شبی که امید شب قدر در یکی از اینهاست و شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی بهتر است از عمل در هزار ماه و هر امری که در آن سال واقع میشود در شب قدر مقدر میگردد و دعای این شب در ضمن دعاهای هر شب مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و اما شب بیست و سوم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه آن شب قدر است و در آن دو غسل سنت است یکی اول شب و دیگری در آخر شب و حضرت صادق علیه السلام فرمود که شب بیست و سوم شب جهنی است و در آن شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میگردد و در آن شب مقدر میشود مرگها و بلاها و اجلها و روزیها و قضاها و آنچه در آن سال واقع میشود تا شب قدر آینده پس خوشا حال بنده که احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود را در برابر دیده های خود ممثل گرداند و بر آنها بگرید چون چنین کند امیدوارم که از فضیلت شب قدر محروم نگردد ان شاء الله تعالی و فرمود که حق تعالی امر میکند ملکی را که ندا میکند در هر روز ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من که بخشیدم گناهان گذشته شما را و در شب قدر شفاعت شما را در حق یکدیگر قبول میکنم و دعاهای شما را در حق یکدیگر مستجاب میگردانم مگر کسی که روزه را افطار کند بر مست کننده یا کینه مومنی را در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره عنکبوت را و روم را در شب بیست و سوم بخواند والله که او از اهل بهشت است و استثنا نمی کنم در آن احدی را و نمی ترسم که خدا در این سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم است و ایضا از آنحضرت بسند معتبر منقول است که هر که در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند هر آینه صبح کند با یقین شدید باعتراف بآنچه مخصوص ماست از کرامتها که در این شب آنچه در آن ببیند و سوره حم دخان را نیز سنت است که در این شب بخواند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که هر که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سوم که امید شب قدر در آن هست و در آن هر امری مقدر میشود مصافحه کنند با او روح بیست و چهار هزار پیغمبر که همه در این شب رخصت میطلبند از حق تعالی برای زیارت آنحضرت

وبسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که هر که احیا کند شب بیست
وسوم ماه مبارک را وصد رکعت نماز بکند حق تعالی روزی او را فراخ کرداند در دنیا وشر دشمنان
را از و کفایت کند وپناه دهد او را از غرق شدن وخانه بر سر خراب شدن ولقمه در کلو کرفتن و
از شر درندکان ودفع کند از وهول منکر ونکیر را واز قبر بیرون آید واو را نوری باشد که روشنی
بخشد اهل محشر را ونامه اش را بدست راست او میدهند ومینویسند برای او براتی بیزاری از
آتش جهنم را وکذشتن بر صراط را وایمنی از عذاب را وداخل بهشت شود بی حساب و در شب
او را از رفیقان پیغمبران وصدیقان وشهیدان وصالحان کرداند ونیکو رفیقانند
ایشان ودعای این شب را از جمله دعاهای دهه آخر بخواند وایضاً این دعا را بخواند

اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لِي فِي عُمْرِي وَأَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي وَأَصِحَّ جِسْمِي وَبَلِّغْنِي أَمَلِي

خداوندا درازی بخش برای من در عمر من وکشایش ده برای من در روزی من وسالم دار بدن مرا وبرسان مرا بآرزوی من

وَإِنْ كُنْتُ مِنَ الْأَشْقِيَاءِ فَامْحُنِي مِنَ الْأَشْقِيَاءِ وَاكْتُبْنِي مِنَ السُّعَدَاءِ

واکر بوده باشم از بدبختان پس محو کن مرا از دیوان بدبختان وبنویس مرا از نیکبختان

فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَمْحُو

زیرا که بتحقیق تو کفته در کتاب خود که فرو آورده شده است بر پیغمبر تو رحمتهای تو براو وبر آل او محو میکند

اللّٰهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ايضاً بكويد اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ

خدا انچه را میخواهد وثابت میدارد وانچه را میخواهد ونزد اوست اصل الکتاب بار خدایا بکردان مرا از

أَوْفَرِ عِبَادِكَ نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَأَنْتَ مُنْزِلُهُ

وافرترین بندکان خود از روی بهره از هر نیکی که فرو فرستادی او را در این شب وتو فرو دآورنده آنی

مِنْ نُورٍ تَهْدِي بِهِ أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا أَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ أَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ

از روشنائی که رهنمائی میکنی بآن یا رحمتی که پراکنده سازی آنرا یا روزی که قسمت کنی آنرا یا بلائی که دفع کنی آنرا

أَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَاكْتُبْ لِي مَا كَتَبْتَ لِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ اسْتَوْجَبُوا

یا کزندی که زائل کنی آنرا وبنویس برای من آنچه نوشته برای دوستان شایسته خود که سزاوار شدند

مِنْكَ الثَّوَابَ وَ اَمِنُوا بِرِضَاكَ عَنْهُمْ مِنْكَ الْعِقَابَ يَا كَرِيمُ

از تو پاداش نیکو و ایمن گشتند بسبب خوشنودی تو از ایشان از تو عقوبت را ای بزرگوار ای بزرگوار

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با من آنرا بخشایش تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان

مقداری که از قرآن ممکن باشد درین شب بخواند و دعاهای صحیفه کامله را بخواند خصوصاً دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز حرمت باید داشت و بعبادت و تلاوت و دعا بسر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است و در شب بیست و چهارم نیز بخصوص غسل سنت است و در شب بیست و پنجم نیز غسل سنت است و احادیث معتبره در استحباب غسل دران وارد شده است و منقول است که خدای عز و جل درین شب دفع میکند بدیها و گناهان و جمیع انواع بلاها را از روزه داران ماه رمضان پس عطا میکند حق تعالی بایشان نوری در گوشها و دیدهای ایشان و در شب بیست و هفتم نیز غسل بخصوص وارد شده است و منقول است که حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین درین شب مکرر این دعا میخواندند از اول شب تا آخر شب

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِيَ عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَ الْاِنَابَةَ اِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَ الْاِسْتِعْدَادَ

بار خدایا روزی کن مرا کناره گرفتن از سرای فریبندگی و بازگشت بسوی سرای همیشگی و مهیا شدن

لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ

برای مردن پیش از فرود آمدن موت

و در شب بیست و نهم نیز غسل بخصوص وارد شده است و همچنین در شب آخر غسل سنت و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سنت و وداع ماه رمضان سنت موکده است برای اظهار آنکه روزه و عبادت این ماه بر ما گران و دشوار نبوده ما خواهان او بوده‌ایم و از مفارقت آن آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادت الهی را یافته است و فواید آنرا در دنیا و عقبی دانسته است عاشق عبادت و سببهای آن میباشد پس باید که این ماه کثیر البرکات را بنحوی وداع کند که تمام مراتب اهل حزن و اندوه را در هنگام مفارقت وداع مشتمل باشد

ومعلوم است که غلامی که از خدمت آقا خوشنود و خوشحال باشد و از ترک خدمت دلگیر باشد
مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند و بآن راضی نباشد و دعاهای وداع را در
شب آخر سنت است خواندن و اگر در روز آخر نیز بخواند خوب است و در حدیث است
که اگر آخر ماه مشتبه باشد در شب بیست و نهم احتیاطا سنت است خواندن و دعاهای
وداع بسیار است و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و بسندهای معتبر از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام این دعای وداع منقول است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِیْ كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلٰی لِسَانِ نَبِیِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ
بارخدایا بدرستیکه تو گفته در کتاب خود که فرو د آورده شده بر لغت پیغمبر فرستاده تو رحمتهای تو بر او و آل او باد
وَقَوْلُكَ حَقٌّ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِیْ اُنْزِلَ فِیْهِ الْقُرْاٰنُ هُدًی لِّلنَّاسِ وَبَیِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدٰی وَ
سخن تو راست است و درست که این ماه رمضان که فرو فرستاده شده است در آن قرآن حالیکه راه نماینده آدمیانست و نشانهای روشن از هدایت
الْفُرْقَانِ وَهٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ قَدْ تَصَرَّمَ وَانْقَضَتْ اَیَّامُهٗ وَلَیَالِیْهِ فَاَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ
جدا کننده حق از باطل و این ماه رمضان بتحقیق بریده شد و بپایان رسید روزها و شبهای آن پس سؤال میکنم از تو بذات
الْكَرِیْمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ اِنْ كَانَ بَقِیَ عَلَیَّ ذَنْبٌ لَمْ تَغْفِرْهُ لِیْ اَوْ تُرِیْدُ اَنْ تُعَذِّبَنِیْ
بزرگوار تو و کلمهای تو که تمام و کامل اند اگر هست که باقی بوده بر من گناهی که نیامرزیده باشی آنرا از برای من خواه یا میخواهی که عذاب کنی مرا
عَلَیْهِ اَوْ تُقَایِسَنِیْ بِهٖ اَنْ یَّطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ اَوْ یَتَصَرَّمَ هٰذَا الشَّهْرُ اِلَّا
بآن یا عوض کنی مرا بآن تا طلوع کند صبح این شب یا منقطع شود این ماه مگر
وَقَدْ غَفَرْتَهٗ لِیْ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا اَوَّلِهَا
اینکه بتحقیق بیامرزی آنرا از برای من ای بخشنده ترین بخشایندگان خداوندا مر تراست سپاس با سپاسهائی همه آنها اول آنها
وَاٰخِرِهَا مَا قُلْتَ لِنَفْسِكَ مِنْهَا وَمَا قَالَ لَكَ الْخَلَائِقُ الْحَامِدُوْنَ
و آخر آنها آنچه خود گفته بر ذات خود از آنها و آنچه گفته اند برای تو آفریدگان سپاس گذاران

المجتهدون المعدّدون المؤثرون في ذكرك والشكر لك الذين اعنتهم

کوشش نمایندگان شمارندگان برگزینندگان در یاد کردن تو وسپاس گذاری برای تو آنانکه مدد کردی ایشان را

على اداء حقك من اصناف خلقك من الملائكة المقربين والنبيين

بر ادا کردن حق خود از اقسام خلق خود از فرشتگان نزدیکان و پیغمبران

والمرسلين واصناف الناطقين المسبحين لك من جميع العالمين

و فرستادگان و انواع ستایندگان تنزیه کنندگان مر ترا از همه عالمیان

على انك بلغتنا شهر رمضان وعلينا من نعمك وعندنا من جزيل

برآنکه بتحقیق تو رسانیدی ما را به ماه رمضان وحال آنکه بر ماست از نعمتهای تو و نزد ماست از بخششهای

قسمك واحسانك وتظاهر امتنانك بذلك لك منتهى الحمد

وافر تو واحسان تو و پی در پی آمدن انعام تو بانجهت مر تراست نهایت سپاس

الخالد الدائم الراكد المخلد السرمد الذي لا ينفد طول الامد

جاوید پیوسته ثابت جاوید مانده همیشه که به پایان نرسد تا دراز مدت

جلّ ثناؤك اعنتنا عليه حتى قضيت عنا صيامه وقيامه من صلوة

بزرگست ستایش تو مدد کردی ما را بر ماه رمضان تا آنکه ادا کردی از ما روزه گرفتن آنرا و ایستادن از برای نماز

وما كان منا فيه من برّ او شكر او ذكر اللهم فتقبله منا

وآنچه یافت شده از ما در آن از نیکی یا سپاس گذاری یا ذکر خداوندا پس بپذیر آنرا از ما

باحسن قبولك وتجاوزك وعفوك وصفحك وغفرانك وحقيقة

به نیکوترین پذیرفتن خود و تجاوز خود و عفو خود و درگذشتن خود و آمرزش خود و خوشنودیهای

رضوانك حتى تظفرنا فيه بكل خير مطلوب وجزيل عطاء موهوب

ثابت خود تا آنکه فیروزی دهی ما را در وی به هر نیکی که طلب کرده شود و عطای وافری که بخشیده شود

وتؤمننا فيه من كل امر مرهوب او ذنب مكسوب اللهم اني اسألك

وایمن گردانیدی ما را در آن از هر امری که ترسیده شود و گناهی که کسب کرده شود خداوندا بتحقیق سوال میکنم از تو

بِعَظِيمِ مَا سَأَلَكَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمِ أَسْمَائِكَ وَجَزِيلِ ثَنَائِكَ

بحرمت بزرگ آنچه سوال کرد ترا آن کسی از آفریدگان تو از گرامی نامهای تو و ثنای بسیار تو

وَخَاصَّةِ دُعَائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هَذَا

و دعای خاص تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بگردانی ماه ما را این ماه

أَعْظَمَ شَهْرِ رَمَضَانَ مَرَّ عَلَيْنَا مُنْذُ أَنْزَلْتَنَا إِلَى الدُّنْيَا بَرَكَةً فِي

بزرگترین ماه رمضانی که گذشته بر ما از آن وقتیکه فرو فرستادی ما را بسوی دنیا از روی زیادتی در

عِصْمَةِ دِينِي وَخَلَاصِ نَفْسِي وَقَضَاءِ حَاجَتِي وَتُشَفِّعَنِي فِي مَسَائِلِي وَتَمَامِ

نگاه داشتن دین من و رهایی نفس من و روا کردن حاجت من و آنکه بپذیری شفاعت مرا در سوالهای من و تمامی

النِّعْمَةِ عَلَيَّ وَصَرْفِ السُّوءِ عَنِّي وَلِبَاسِ الْعَافِيَةِ لِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي بِرَحْمَتِكَ

نعمت بر من و گردانیدن هر بدی از من و پوشش عافیت مرا و آنکه بگردانی مرا برحمت خود

مِمَّنْ خِرْتَ لَهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا لَهُ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فِي أَعْظَمِ

از آنانکه برگزیدی برای ایشان شب قدر را و گردانیدی آنرا برای او بهتر از هزار ماه در بزرگترین

الْأَجْرِ وَكَرَائِمِ الذُّخْرِ وَطُولِ الْعُمُرِ وَحُسْنِ الشُّكْرِ وَدَوَامِ الْيُسْرِ

مزدی و گرامی ذخیره و درازی عمر و نیک سپاس گزاری و همیشگی آسانی

اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَطَوْلِكَ وَعَفْوِكَ وَنَعْمَائِكَ وَجَلَالِكَ

خداوندا و سوال میکنم ترا بوسیله رحمت تو و احسان تو و درگذشتن تو و نعمتهای تو و بزرگواری تو

وَقَدِيمِ إِحْسَانِكَ وَامْتِنَانِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِشَهْرِ

و دیرینه احسان تو و انعام تو آنکه نگردانی آنرا آخر دیدن ما مر ماه

رَمَضَانَ حَتَّى تُبَلِّغَنَاهُ مِنْ قَابِلٍ عَلَى أَحْسَنِ حَالٍ وَتُعَرِّفَنِي هِلَالَهُ مَعَ

رمضان را تا آنکه برسانی ما را بآن از سال آینده بر نیکوترین حالی و بشناسانی بمن هلال آنرا با

النَّاظِرِينَ إِلَيْهِ وَالْمُعْتَرِفِينَ لَهُ فِي أَعْفَى عَافِيَتِكَ وَأَتَمِّ نِعْمَتِكَ وَأَوْسَعِ

نظرکنندگان بسوی او و شناسندگان مر آنرا در بزرگترین عافیت خود و تمام ترین نعمت خود و فراگیرنده ترین

رحمتك عندهم واجزل قسمك اللهم يا ربي الذي ليس لي رب غيره لا يكون

رحمت خود و وافرترین قسمتهای خود خداوندا ای پروردگاری که نیست مرا پروردگاری غیر او نباشد

هذا الوداع مني له وداع فناء ولا آخر العهد من اللقاء حتى تُرينيه من

این وداع از من وداع نیستی و نه آخر ملاقاتی از ملاقات من تا آنکه بنمائی بمن آنرا از

قابل في اسبغ النعم وافضل الرخاء وانا لك على احسن الوفاء انك

سال آینده در تمام ترین نعمتها و بهترین فراخی و حال آنکه من بوده باشم بنیکوترین وفای بدرستیکه تو

سميع الدعاء اللهم اسمع دعائي وارحم تضرعي وتذللي لك واستكانتي

بپذیرنده دعائی خداوندا بپذیر دعای مرا و رحم کن زاری مرا و پستی نمودن برای تو و فروتنی مرا

لك وتوكلي عليك وانا لك مسلم لا ارجو نجاحا ولا معافاة ولا تشريفا

بجهت تو و اعتماد مرا بر تو و من برای تو منقادم امید ندارم رستگاری را و نه عافیت را و نه گرامی را

ولا تبليغا الا بك ومنك فامنن علي جل ثناؤك وتقدست اسماؤك

و نه رسانیدن را مگر بتو و از تو پس انعام کن بر من بزرگ است ستایش تو و پاک است نامهای تو

بتبليغي شهر رمضان وانا معافا من كل مكروه ومحذور ومن جميع

برسانیدن من ماه رمضان و حال آنکه من عافیت بخشیده شوم از هر ناخوش و ترسیده شده از همه

البوائق الحمد لله الذي اعاننا على صيام هذا الشهر وقيامه حتى بلّغنا

سختی ها سپاس مر خدای را که مدد کرد ما را بر روزه داشتن این ماه و ایستادن در آن تا آنکه رسانید ما را

آخر ليلة منه اللهم اني اسئلك باحب ما دعيت به وارضى

باخر شبی از آن بار خدایا بدرستیکه من درمیخواهم از تو بدوست ترین چیزی که خوانده شده بآن و پسندیده تر

ما رضيت عن محمد صلى الله عليه وآله ان تصلي على محمد وآل محمد

چیزی که خوشنود شدی بآن از محمد رحمت فرستاد خدا بر او و آل او آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

ولا تجعل وداعي شهر رمضان وداع خروجي من الدنيا ولا وداع

و مگردان وداع نمودن من ماه رمضان را وداع بیرون شدن من از دنیا و نه وداع

آخر عبادتك فيه ولا آخر صومي لك وارزقني العود فيه ثم العود

آخر عبادات تو دران ونه آخر روزه داشتن من براى تو وروزى كن مرا بازگشت دران پس بازگشت

فيه ثم العود فيه برحمتك يا ولي المؤمنين ووفقني فيه لليلة القدر

دران پس بازگشت دران برحمت خود اى دوست گروندگان وتوفيق ده مرا دران براى دريافت شب قدر

واجعلها لي خيرا من الف شهر رب الليل والنهار والجبال والبحار

وبگردان شب قدر را براى من بهتر از هزار ماه اى خداوند شب و روز و كوهها و درياها

والظلم والانوار والارض والسماء يا باري يا مصور يا حنان

وتاريكيها وروشنائيها وزمين وآسمان اى آفريدگار اى صورت بخش اى عاطفت مهربان

يا منان يا الله يا رحمن يا رحيم يا حي يا قيوم يا بديع السموات و

اى بسيار بخشنده اى خدا اى بخشاينده اى مهربان اى زنده اى بذات خود موجود اى نو پديد آورنده آسمانها و

الارض لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء

زمين مرتراست نامهاى نيك ودستانهاى بلند وبزرگوارى

والآلاء اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان تصلي على محمد وآل

ونعمتها درميخواهم از تو بنام تو بنام خداى بخشاينده مهربان كه رحمت فرستى بر محمد وآل

محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء

محمد وآنكه بگردانى نام مرا درين شب در ديوان نيك بختان وروح مرا با شهيدان

واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به

ونيكوئى مرا در عليين وبدى مرا آمرزيده وآنكه بخشى مرا يقينى كه مباشر آن كنى

قلبي وايمانا لا يشوبه شك ورضا بما قسمت لي وان تؤتيني في الدنيا

دل مرا وايمانى كه نيامیزد آنرا شكى وخشنودى بآنچه قسمت كردى براى من وآنكه بدهى مرا دراين جهان

حسنة وفي الآخرة حسنة وان تقيني عذاب النار الحريق اللهم اجعل

نيكى ودران جهان نيكى وآنكه نگاهدارى از عذاب آتش سوزان

فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الأَمْرِ المَحْتُومِ وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الأَمْرِ الحَكِيمِ فِي

درجمله آنچه حکم میکنی و اندازه میکنی از امر لازم کردیده و در آنچه جدا میکنی از امر محکم در

لَيْلَةِ القَدْرِ مِنَ القَضَاءِ الَّذِي لاَ يُرَدُّ وَلاَ يُبَدَّلُ وَلاَ يُغَيَّرُ اَنْ تَكْتُبَنِي

شب قدر از ان حکمی که برگردانیده نشود و بدل کرده نشود و تغییر داده نشود آنکه بنویسی مرا

مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الحَرَامِ المَبْرُورِ حَجُّهُمُ المَشْكُورِ سَعْيُهُمُ المَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ

از حج کنندگان خانهٔ محترم خود که مقبول باشد حج ایشان پاداش داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود گناه ایشان

المُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطِيلَ فِي عُمْرِي

محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه حکم میکنی و تقدیر می نمائی اینکه دراز کنی عمر مرا

وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ وَلَمْ يُسْئَلِ

و آنکه آزاد کنی گردن مرا از آتش ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو و سؤال نکرده اند

العِبَادُ مِثْلَكَ جُوداً وَكَرَماً وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ اِلَى مِثْلِكَ وَاَنْتَ

بندگان مانند ترا از روی بخشش و بزرگواری و رغبت میکنم بسوی تو و رغبت کرده نشد بسوی مانند تو و تو

مَوْضِعُ مَسْاَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ اَسْاَلُكَ بِاَعْظَمِ

محل سؤال [illegible] کنندگانی و منتهای رغبت رغبت نمایندگانی سؤال میکنم از تو به بزرگترین

المَسَائِلِ كُلِّهَا وَاَفْضَلِهَا وَاَنْجَحِهَا الَّتِي يَنْبَغِي لِلْعِبَادِ اَنْ يَسْاَلُوكَ بِهَا

سؤالها همه آنها و بهترین آنها و روا شده ترین آنها که سزاوار است مر بندگان را آنکه سؤال کنند از تو بآنها

يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ وَبِاَسْمَائِكَ مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ اَعْلَمْ وَبِاَسْمَائِكَ الحُسْنَى

ای خدا ای بخشاینده و بنامهای تو آنچه دانسته ام از آنها و آنچه ندانسته ام و بنامهای نیک تو

وَاَمْثَالِكَ العُلْيَا وَنِعَمِكَ الَّتِي لاَ تُحْصَى وَبِاَكْرَمِ اَسْمَائِكَ عَلَيْكَ وَ

و داستانهای بلند تو و نعمتهای تو که شمرده نشود و بگرامی ترین نامهای تو بر تو و

اَحَبِّهَا اِلَيْكَ وَاَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَاَقْرَبِهَا مِنْكَ وَسِيلَةً

بدوست داشتنی ترین آنها بسوی تو و بلندترین آنها نزد تو از روی رتبه و نزدیکترین آنها از روی وسیله بودن

وَآجْزَلِهَا مِنْكَ ثَوَابًا وَأَسْرَعِهَا لَدَيْكَ إِجَابَةً وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ
و وافرترین آنها بتو از روی پاداش و شتابنده ترین آنها نزد تو از روی اجابت و بنام تو که پوشیده
الْمَخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الْأَكْبَرِ الْأَجَلِّ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضَى عَمَّنْ
پنهان داشته شده پاینده برگیر بزرگوار است آن نامیکه دوست میداری او را و میخواهی او را و خشنود میگردی از کسیکه
دَعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ وَحَقٌّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَحْرِمَ سَائِلَكَ
خواند ترا بآن و میپذیری بجهت او دعای او را و لازم است بر تو آنکه نا امید نکردانی سوال کننده خود را
وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرٰيةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ
و درخواهم از تو بحرمت هر نامیکه او برای تست در توریت و انجیل و زبور و فرقان
وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَةُ سَمٰوَاتِكَ وَجَمِيعُ
و بهر نامیکه خوانده اند ترا بآن بردارندگان عرش تو و فرشتگان آسمانهای تو و همه
الْأَصْنَافِ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ نَبِيٍّ أَوْ صِدِّيقٍ أَوْ شَهِيدٍ وَبِحَقِّ الرَّاغِبِينَ
اقسام از خلق تو از پیغمبری یا راستگوی یا شهیدی و بحق رغبت کنندگان
إِلَيْكَ الْفَرِقِينَ مِنْكَ الْمُتَعَوِّذِينَ بِكَ وَبِحَقِّ مُجَاوِرِي بَيْتِكَ الْحَرَامِ
بسوی تو ترسناکان از تو پناه گیرندگان بتو و بحق همسایگان خانه محترم تو
حُجَّاجًا وَمُعْتَمِرِينَ وَمُقَدِّسِينَ وَالْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ
حال آنکه باشند حج کنندگان عمره گذاران تنزیه کنندگان و کارزار نمایندگان در راه رضای تو و بحق هر
عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ لَكَ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ
بنده پرستنده مر ترا در خشکی یا دریا یا زمین هموار یا کوه میخوانم ترا مانند خواندن کسی را
قَدِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَعَظُمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَ كَدْحُهُ
تحقیق سخت باشد احتیاج او و بسیار باشد گناهان او و بزرگ باشد جنایات او و سست باشد کوشش او
دُعَاءَ مَنْ لَا يَجِدُ لِنَفْسِهِ سَادًّا وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا وَلَا لِذَنْبِهِ
دعای کسی که نیابد جهت نفس خود بازدارنده و نه بجهت ناتوانی خود قوت دهنده ... خداوند ...

عائذاً بك هارباً إليك متعوّذاً بك متعبّداً لك غير مستكبر

آمرزنده غیر تو حال آنکه گریزان باشد بسوی تو پناه گیرنده باشد بتو عبادت کننده باشد مر ترا نه گردن کش

ولا مستنكفٍ خائفاً بائساً فقيراً مستجيراً بك أسألك بعزّتك و

و ننگ دارنده بلکه باشد ترسان محتاج درویش زنهار جوینده بتو سوال میکنم از تو بارجمندی تو و

عظمتك وجبروتك وسلطانك وبملكك وبهائك وجودك

بزرگی تو و غلبه تو و سلطنت تو و پادشاهی تو و نیکوئی تو و بخشش تو

وكرمك وبآلائك وحسنك وجمالك وبقوّتك على ما أردت

و بزرگواری تو بنعمتهای تو و خوبی تو و نیکوئی تو و بتوانائی تو برآنچه اراده نمائی

من خلقك أدعوك يا ربّ خوفاً وطمعاً ورهبةً ورغبةً وتخشّعاً

از مخلوقات خود میخوانم ترا ای پروردگار من از روی بیم و امید و ترس و خواهش و فروتنی

وتملّقاً وتضرّعاً وإلحافاً وإلحاحاً خاضعاً لك لا إله إلا أنت وحدك

و دوستی و زاری نمودن و مبالغه نمودن و الحاح کردن حال آنکه فروتنی کننده ام نیست خدائی مگر تو تنها

لا شريك لك يا قدّوس يا قدّوس يا قدّوس يا الله يا الله يا الله

نیست انباز مر ترا ای بغایت پاک ای بغایت پاک ای بغایت پاک ای خدا ای خدا ای خدا

يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا ربّ يا ربّ

ای بخشاینده ای بخشاینده ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان ای مهربان ای پروردگار ای پروردگار

يا ربّ أعوذ بك يا الله الواحد الأحد الصمد الوتر المتكبّر المتعال وأسألك

ای پروردگار پناه میبرم بتو ای خدای یگانه یکتا پاک از همه آلایشها بی مانند بزرگوار بلند مرتبه و سوال میکنم از تو

بجميع ما دعوتك به وبأسمائك التي تملأ أركانك كلّها أن تصلّي

بهمه آنچه خواندم من ترا بآن و بحرمت نامهای تو که پر می کنند اطراف مملکت ترا همه آنها را آنکه رحمت بفرستی

على محمّد وآل محمّد واغفر لي ذنبي وارحمني ووسّع عليّ من فضلك

بر محمد و آل محمد بیامرز برای من گناه مرا و رحم کن مرا و گشایش ده بر من از بخشش خود

فصل دوم در فضیلت

العظيم وتقبّل منّي شهر رمضان وصيامه وقيامه وفرضه ونوافله
که بزرگ است و بپذیر از من ماه رمضان را و روزهٔ آن را و نماز آن را و واجب آن را و مستحبات آن را

واغفر لي وارحمني واعف عنّي ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك
و بیامرز مرا و رحم کن مرا و درگذر از من و مگردان آخر ماه رمضان که روزه داشته‌ام آن را

وعبدتك فيه ولا تجعل وداعي إيّاه وداع خروجي من الدنيا اللّهمّ
و عبادت کردم ترا در آن و مگردان وداع کردن من آن را وداع بیرون شدن من از دنیا خداوندا

أوجب لي من رحمتك ومغفرتك ورضوانك وخشيتك أفضل
واجب کن برای من از بخشش خود و آمرزش خود و خشنودی خود و ترس از خود بهتر از

ما أعطيت أحداً ممّن عبدك فيه اللّهمّ لا تجعلني أخسر من سألك
آنچه بخشیدی یکی از آنان که پرستیدند ترا در آن خداوندا مگردان مرا زیانکارتر از کسی که سؤال کرده ترا

فيه واجعلني ممّن أعتقته في هذا الشهر من النار وغفرت له
در آن و بگردان مرا از آنانکه آزاد کرده‌ای او را در این ماه از آتش و آمرزیدی برای او

ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر وأوجبت له أفضل ما رجاك وأمّل منك
آنچه را که پیش گذشته باشد از گناه او و آنچه باز پس مانده و واجب ساختی برای او بهتر آنچه امید داشت از تو

يا أرحم الراحمين اللّهمّ ارزقني العود في صيامه لك وعبادتك فيه
ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان خداوندا روزی کن مرا باز گردیدن در روزه داشتن آن برای تو و عبادت تو در آن

واجعلني ممّن كتبته في هذا الشهر من حجّاج بيتك الحرام المبرور
و بگردان مرا از آنانکه نوشتی او را در این ماه از حج کنندگان خانه محترم خود که مقبول باشد

حجّهم المغفور لهم ذنبهم المتقبّل عملهم آمين آمين آمين ربّ
حج ایشان آمرزیده شده باشد برای ایشان گناه ایشان پذیرفته شود برای ایشان کردار ایشان بپذیر بپذیر بپذیر ای پروردگار

العالمين اللّهمّ لا تدع لي فيه ذنباً إلّا غفرته ولا خطيئة إلّا محوتها
جهانیان خداوندا در مگذار برای من در آن گناهی مگر آنکه بیامرزی آن را و نه خطایی مگر [illegible] گناه خود

رمضان

وَلَا عَثْرَةً اِلَّا اَقَلْتَهَا وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا عَيْلَةً اِلَّا اَغْنَيْتَهَا وَلَا

و نه لغزشی مگر آنکه درگذری از آن و نه وامی را مگر آنکه ادا کنی آنرا و نه نیازمندی را مگر آنکه بی نیاز گردانی آنرا

هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا فَاقَةً اِلَّا سَدَدْتَهَا وَلَا عُرْيَانًا اِلَّا كَسَوْتَهُ وَلَا مَرِيضًا اِلَّا

اندوهی را مگر آنکه بگشائی آنرا و نه راه حاجتی را مگر آنکه ببندی آنرا و نه برهنگی را مگر آنکه بپوشانی او را و نه بیماری را مگر آنکه

شَفَيْتَهُ وَلَا دَاءً اِلَّا اَذْهَبْتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِلَّا

شفا بخشی او را و نه دردی را مگر آنکه ببری آنرا و نه حاجتی را از حاجتهای این جهان و آنجهان مگر آنکه

قَضَيْتَهَا عَلٰى اَفْضَلِ اَمَلِيْ وَرَجَائِيْ فِيْكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ لَا تُزِغْ قُلُوْبَنَا

روا کنی آنرا بر بهترین آرزوی من و امید من در تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا میچان دلهای ما را

بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَلَا تُذِلَّنَا بَعْدَ اِذْ اَعْزَزْتَنَا وَلَا تَضَعْنَا بَعْدَ اِذْ

پس از آنکه راه نمودی ما را و خوار مکن ما را پس از آنکه ارجمند کردی ما را و پست مکن ما را پس از آنکه

رَفَعْتَنَا وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ اِذْ اَكْرَمْتَنَا وَلَا تُفْقِرْنَا بَعْدَ اِذْ اَغْنَيْتَنَا

بلند کردی ما را و ذلیل مگردان پس از آنکه گرامی داشتی ما را و نیازمند مکن ما را پس از آنکه بی نیاز کردی ما را

وَلَا تَمْنَعْنَا بَعْدَ اِذْ اَعْطَيْتَنَا وَلَا تَحْرِمْنَا بَعْدَ اِذْ رَزَقْتَنَا وَلَا تُغَيِّرْ

و منع مکن ما را پس از آنکه بخشش نمودی ما را و نا امید مکن ما را پس از آنکه روزی دادی ما را و تغییر مده

شَيْئًا مِنْ نِعَمِكَ عَلَيْنَا وَاِحْسَانِكَ اِلَيْنَا لِشَيْءٍ كَانَ مِنْ ذُنُوْبِنَا

هیچ چیز از نعمتهای خود را بر ما و احسان خود را بسوی ما بجهت چیزی که یافت شده از گناهان ما

وَلَا لِمَا هُوَ كَائِنٌ مِنَّا فَاِنَّ فِيْ كَرَمِكَ وَعَفْوِكَ وَفَضْلِكَ سَعَةً

و نه بجهت آنچه یافت شود از ما زیرا که بتحقیق در بزرگواری تو و در گذشتن تو و فضل تو هست گشایشی

لِمَغْفِرَةِ ذُنُوْبِنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَتَجَاوَزْ عَنَّا وَلَا تُعَاقِبْنَا عَلَيْهَا يَا اَرْحَمَ

بجهت آمرزش گناهان پس بیامرز ما را و درگذر از ما و عقوبت مکن ما را بر گناهان ای بخشاینده ترین

الرَّاحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اَكْرِمْنِيْ فِيْ مَجْلِسِيْ هٰذَا كَرَامَةً لَا تُهِيْنِّيْ بَعْدَهَا

بخشایندگان خداوندا گرامی دار مرا در مجلس من این مجلس گرامی داشتنی که خوار نگردانی مرا پس از آن

رمضان

علیه منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله ...

ابدًا واعزّنی عزًّا لا تذلّنی بعده ابدًا وعافنی عافیةً لا تبتلینی بعدها

هرگز و بزرگی بخش مرا به بزرگی که خوار نگردانی مرا پس از آن هرگز و تندرستی بده مرا تندرستی که مبتلا نکنی مرا بعد از آن

ابدًا وارفعنی رفعةً لا تضعنی بعدها ابدًا واصرف عنّی شرّ کلّ

هرگز و بلند کن مرا به بلندی که پست نسازی مرا پس از آن هرگز و بگردان از من گزند

شیطانٍ مریدٍ وشرّ کلّ جبّارٍ عنیدٍ وشرّ کلّ قریبٍ او بعیدٍ

شیطان سرکشی را و شر هر متکبر ستیزه گری را و شر هر نزدیک یا دور را

وشرّ کلّ صغیرٍ او کبیرٍ وشرّ کلّ دابّةٍ انت آخذٌ بناصیتها انّ ربّی

و شر هر خرد یا بزرگی را و شر هر جنبنده را که تو گیرنده موی پیش اوی پروردگار من

علی صراطٍ مستقیمٍ اللّهمّ ما کان فی قلبی من شکٍّ او ریبةٍ او

بر راه راست است خداوندا آنچه بود در دل من از شک یا تهمت یا

جحودٍ او قنوطٍ او فرحٍ او مرحٍ او بطرٍ او بذخٍ او خیلاءٍ او ریاءٍ

انکار یا نومیدی یا شادی یا رنجی یا حیرانی یا گردن کشی یا کبر یا ریا

او سمعةٍ او شقاقٍ او نفاقٍ او کفرٍ او فسوقٍ او معصیةٍ او شیءٍ

یا سمعه یا بدبختی یا دورویی یا ناسپاسی یا نافرمانی یا عصیان یا چیزی که

لا تحبّ علیه ولیًّا لک فاسألک ان تصلّی علی محمّدٍ وآل محمّدٍ وان

دوست نداری بر آن دوستی از برای خود پس سؤال میکنم از تو که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه

تمحوه من قلبی وتبدلنی مکانه ایمانًا بوعدک ورضًا بقضائک

محو کنی آنرا از دل من و بدل آوری برای من بجای آن تصدیق نمودن بوعد تو و خشنودی بحکم تو

ووفاءً بعهدک ووجلًا منک وزهدًا فی الدّنیا ورغبةً فیما عندک

و وفا نمودن به پیمان تو و ترسیدن از تو و بی رغبتی در دنیا و رغبت در آنچه نزد توست

وثقةً بک وطمأنینةً الیک وتوبةً نصوحًا الیک اللّهمّ انّک

و اعتماد بتو و آرام گرفتن بسوی تو و بازگشت خالص بسوی تو بار خدایا اگر بوده باشی

بَلِّغْتَناهُ وَاِلّا فَاَخِّرْ عَنّا اٰجالَنا اِلی قابِلٍ حَتّی تُبَلِّغَناهُ فی یُسْرٍ مِنْکَ وَ

که رسانیده باشی ما را بآن اگر چه شده باشد و اگر نه پس باز پس انداز ما اجلهای ما تا سال آینده تا آنکه برسانی ما را بآن در فراخی از تو با تندرستی

عافِیَةٍ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ کَثیرًا وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

و عافیتی ای بخشنده ترین بخشایندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او رحمت بسیار و رحمت خدا و برکتهای او

و در جمعه آخر نیز وداع جمعه‌ها بد نیست و از جابر بن عبدالله انصاری منقول است که گفت رفتم بخدمت رسول در جمعه آخر ماه رمضان چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که این آخر جمعه است از ماه رمضان پس وداع کن او را و بگو

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیامِنا اِیّاهُ فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنی

بار خدایا مگردان آنرا آخر عهدی از روزه داشتن ما آنرا پس اگر گردانیده باشی آنرا پس بگردان مرا

مَرْحُومًا وَلا تَجْعَلْنی مَحْرُومًا

بخشیده شده و مگردان مرا ناامید

زیرا که هر که این دعا را درین روز بخواند یکی از دو خصلت نیکو ظفر می‌یابد یا برسیدن ماه رمضان آینده یا بآمرزش خدا و رحمت بی‌نهایت و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب آخر ماه رمضان این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیامی لِشَهْرِ رَمَضانَ وَاَعُوذُ بِکَ اَنْ

بار خدایا مگردان آنرا آخر رسیدنی از روزه داشتن من مر ماه رمضان را و پناه میگیرم بتو از آنکه

یَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ اِلّا وَقَدْ غَفَرْتَ لی

طلوع کند صبح این شب مگر آنکه بتحقیق آمرزیده باشی مرا

حق تعالی پیش از طلوع صبح او را بیامرزد و او را توبه و انابت روزی کند و ایضا سنت است که این دعا را بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِاَحَبِّ ما دُعیتَ بِهِ وَاَرْضی ما رَضیتَ بِهِ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بدوست‌ترین آنچه خوانده شده بآن و پسندیده‌ترین آنچه که خوشنود شدی بسبب آن

عَنْ مُحَمَّدٍ وَعَنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ
از محمد و از خانوادهٔ محمد بر او و بر ایشان باد درود آنکه رحمت بفرستی بر او
وَعَلَيْهِمْ وَلَا تَجْعَلْ وَدَاعَ شَهْرِي هٰذَا وَدَاعَ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا
و بر ایشان و مگردان وداع ماه مرا این ماه وداع بیرون شدن من از دنیا
وَلَا وَدَاعَ آخِرِ عِبَادَتِكَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا
و نه وداع آخر عبادت کردن تو و توفیق ده مرا در آن برای دریافت شب قدر و بگردان آن را
لِي خَيْراً مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ مَعَ تَضَاعُفِ الْاَجْرِ وَالْاِجَابَةِ وَالْعَفْوِ
برای من بهتر از هزار ماه با مضاعف شدن مزد و اجابت کردن و درگذشتن
عَنِ الذَّنْبِ بِرِضَى الرَّبِّ
از گناه بخشنودی پروردگار

و از جملهٔ چیزها که سنت است در شب آخر آزاد کردن بنده‌هاست زیرا که شبی است که حق تعالی بنده‌های بسیار از آتش جهنم آزاد میکند پس اگر بندهٔ ضعیف فرمایه بندگان را از قید رقیت آزاد کند امید هست که خداوند قادر بی زوال با آن وسعت و کمال او را از آتش جهنم آزاد گرداند و نام او را از جرائد عاصیان محو نماید چنانچه منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام بنده هائیکه در عرض سال تحصیل مینمود تا بیست نفر و زیاده و کم در شب آخر ماه رمضان آزاد مینمود و میفرمود که شما ها را آزاد کردم بامید آنکه خداوند رحیم از تقصیرات من در گذرد و مرا از عذاب جهنم آزاد گرداند و چون روز عید میشد جائزه های عظیم بایشان می بخشید که ایشان بی نیاز باشند از سوال کردن از مردم و میگفت که حق تعالی در هر شب ماه مبارک رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار کس را آزاد میکند از آنها که مستوجب جهنم شده باشند و در شب آخر مثل آنچه در جمیع ماه آزاد کرده است آزاد میکند و حضرت هیچ غلامی و کنیزی را زیاده از یکسال خدمت نفرمود و در روز عید در عرفات نیز بنده‌های خود را آزاد میفرمود و در روایتی وارد شده است که سنت است که در شب آخر سورهٔ انعام و کهف و یس بخواند و صد مرتبه بگوید

أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

فصل هفتم در دعای

طلب آمرزش میکنم از خدا و رجوع میکنم بسوی او

مخصوص شبهای آخر ماه مبارک است بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که آنحضرت در هر شب از شبهای دهه آخر این دعا می‌خواندند

اللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ
بارخدایا بتحقیقکه تو گفته در کتاب خود که این ماه رمضانی است که فرو فرستاده شده دران
الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ
قرآن حال آنکه راه نمای است مردم را و دلائل روشن است از آنچه راه نما و جدا کننده حق از باطل پس بزرگ کردی حرمت
شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَخَصَصْتَهُ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ
ماه رمضان بسبب آنکه فرو فرستادی در ان قرآنرا و مخصوص گردانیدی آنرا به شب قدر
وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ اللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ
و گردانیدی آنرا بهتر از هزار ماه بارخدایا و این روزهای ماه رمضان
قَدِ انْقَضَتْ وَلَيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ وَقَدْ صِرْتُ يَا إِلٰهِي مِنْهُ إِلَى مَا أَنْتَ
بتحقیق بپایان رسید و شبهای آن بتحقیق منقطع شد و بتحقیق گردیدم ای خدای من از ان بسوی آنچه
أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَأَحْصَى لِعَدَدِهِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ فَأَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ
تو داناتری بآن از من و ضبط نماینده تری مر شمار آنرا از همه آفریدگان پس سوال میکنم از تو بآنچه سوال کرده‌اند
بِهِ مَلَائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيَاؤُكَ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ
از تو بان فرشتگان مقرب تو و پیغمبران مرسل تو و بندگان شایسته تو
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ
که رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه رها کنی گردن مرا از آتش و در آوری مرا در بهشت
بِرَحْمَتِكَ وَأَنْ تَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعْدَدْتَهُ
برحمت خود و آنکه بخشش نمائی بر من بایمنی در روز ترس از هر ترسی که آماده کرده آنرا

دیگر منقول است که هر گاه آنحضرت اراده حمام رفتن میکردند

دیگر فرمود که حمام رفتن ناشتا بلغم را پاک میکند و بعد از خوردن صفرا و سودا را پاک میکند

يوم القيمة الهى واعوذ بوجهك الكريم وجلالك العظيم ان ينقضى

براى روز رستخيز خداى من وپناه ميبرم بذات بزرگوار تو وبه بزرگوارى بزرگ تو از آنكه بپايان رسد

ايام شهر رمضان ولياليه ولك قبلى تبعة او ذنب تؤاخذنى

روزهاى ماه رمضان وشبهاى آن در حاليكه بوده باشد براى تو نزد من بازخواستى يا گناهى كه مؤاخذه كنى مرا

به او خطيئة تريد ان تقتصها منى لم تغفرها لى سيدى سيدى

بآن يا خطاى كه اراده كنى كه قصاص كنى از من نه آمرزيده باشى آنرا براى من اى آقاى من اى آقاى من

سيدى اسئلك يا لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان كنت

اى آقاى من سؤال ميكنم از تو اى آنكه نيست خدايى مگر تو زيرا كه نيست خدايى مگر تو اگر بوده باشى

رضيت عنى فى هذا الشهر فازدد عنى رضا وان لم تكن رضيت عنى

كه خشنود گشته باشى از من در اين ماه پس افزون كن خوشنودى خود را از من و اگر نبوده باشى كه خشنود گشته باشى از من

فمن الان فارض عنى يا ارحم الراحمين يا الله يا احد يا صمد يا من

پس از اينك خشنود شو از من اى بخشاينده ترين بخشايندگان اى خدا اى يكتا اى پناه نيازمندان اى آنكه

لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد وبسيار مى گفتند

نزاده و زائيده نشده و نيست براى او مانند هيچ كس

يا ملين الحديد لداود عليه السلام يا كاشف الضر والكرب

اى نرم سازنده آهن بجهت داود براو باد درود اى دفع نماينده بدحالى واندوه هاى

العظام عن ايوب عليه السلام اى مفرج هم يعقوب عليه السلام

بزرگ از ايوب براو باد درود اى زائل كننده اندوه يعقوب براو باد سلام

اى منفس غم يوسف عليه السلام صل على محمد وآل محمد كما انت

اى گشاينده غم يوسف براو باد سلام رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانچه تو

اهله ان تصلى عليهم اجمعين وافعل بى ما انت اهله ولا تفعل بى ما انا اهله

سزاوار آنى رحمت بفرستى بر ايشان همه و بكن با من آنچه تو سزاوار آنى و مكن با من آنچه من سزاوار آنم

وبسند معتبر از آنحضرت علیه السلام منقول است که در هر شب دهه آخر این دعا را بخوانند

اَعُوذُ بِجَلالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ يَنْقَضِيَ عَنِّي شَهْرُ رَمَضانَ اَوْ يَطْلُعَ

پناه می برم به بزرگواری ذات بزرگوار تو از آنکه بسر آید از من ماه رمضان یا طلوع کند

الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هذِهِ وَيَبْقى لَكَ عِنْدِي تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ يَوْمَ اَلْقاكَ

صبح از شب من این شب و باقی ماند برای تو نزد من وبالی یا گناهی که عذاب کنی مرا بآن در روزیکه ملاقاتم

وبسندهای معتبر در هر شب از دهه آخر دعای مخصوصی از حضرت صادق علیه السلام وارد شده است و بر مطالب دنیا و آخرت مشتمل است در این فصل ایراد نمودیم دعای شب بیست و یکم

يا مُولِجَ اللَّيْلِ فِي النَّهارِ وَيا مُولِجَ النَّهارِ فِي اللَّيْلِ وَمُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ

ای درآورنده شب در روز و ای درآورنده روز در شب و ای بیرون آورنده زنده از مرده

وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ يا رازِقَ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ يا اَللّهُ يا رَحْمنُ يا اَللّهُ

و ای بیرون آورنده مرده از زنده ای روزی دهنده هر که خواهی بی شمار ای خدا ای بخشاینده ای خدا

يا رَحِيمُ يا اَللّهُ يا اَللّهُ يا اَللّهُ يا اَللّهُ يا اَللّهُ لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنى

ای مهربان ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ترا است نامهای نیک

وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و داستانهای بلند و بزرگواری ونعمتها سوال میکنم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَداءِ وَاِحْسانِي

و آنکه بگردانی نام مرا درین شب در دیوان نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکوکاری مرا

فِي عِلِّيِّينَ وَاِسائَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبِي

در علیین و بدکرداری مرا آمرزیده و آنکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا

وَاِيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِما قَسَمْتَ لِي وَآتِنا فِي الدُّنْيا

و ایمانی که ببرد شک از من و آنکه خوشنود سازی مرا بآنچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا

نیکی و در آنجهان نیکی و نگاهدار مرا از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در این شب

ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا

ذکر خود و سپاسگذاری خود و رغبت بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق برای چیزی

وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست و دوم یا سالخ

که توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را بر او و بر ایشان باد درود ای باز کننده

النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ فَإِذَا نَحْنُ مُظْلِمُونَ وَمُجْرِيَ الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِيرِكَ

روز از شب پس ناگهان ما در تاریکی درآئیم و ای روان سازنده آفتاب تا بجائیکه قرارگاه است باندازه کردن خود

يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ وَمُقَدِّرَ الْقَمَرِ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ يَا نُورَ

ای غالب ای دانا و تقدیر کننده حرکت ماه در منزلهای معلوم تا آنکه گردد در آخر منازل مانند شاخ خرمای کهنه ای نور

كُلِّ نُورٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اللهُ يَا قُدُّوسُ

هر نور و منتهای هر خواهش و خداوند هر نعمت ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پاک

يَا أَحَدُ يَا وَاحِدُ يَا فَرْدُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ

ای یگانه ای یکتا ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای

الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

بلند و بزرگواری و نعمتها در میخواهم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و خاندان او

وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ

و آنکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و

إِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ

نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر کنی

بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي

بآن دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و آنکه خشنود سازی مرا بآنچه بهره داده مرا و بده ما را در این

فصل سوم در بیان آنچه در حمام باید کرد و آنچه مستحب است ... از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ...

الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار الحریق و ارزقنی
اینجهان نیکی و در آنجهان نیکی و نگاه دار مرا از عذاب آتش سوزان و روزی کن مارا
فیها ذکرک و شکرک و الرغبة الیک و الانابة و التوبة و التوفیق لما
در این شب یاد کردن خود و سپاس گذاری خود و خواهش بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه
وفقت له محمدا و آل محمد علیه و علیهم السلام دعای شب بیست و سوم
توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را بر او و بر ایشان باد درود
یا رب لیلة القدر و جاعلها خیرا من الف شهر و رب اللیل و النهار
ای خداوند شب قدر و گرداننده آن بهتر از هزار ماه و پروردگار شب و روز
و الجبال و البحار و الظلم و الانوار و الارض و السماء یا باری یا مصور
و کوهها و دریاها و تاریکیها و روشنیها و زمین و آسمان ای آفریدگار ای نگارنده
یا حنان یا منان یا الله یا رحمن یا الله یا قیوم یا الله یا بدیع یا الله یا الله یا الله
ای مهربان ای بخشاینده ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پاینده ای خدا ای نوپدید آورنده ای خدا ای خدا ای خدا
یا الله لک الاسماء الحسنی و الامثال العلیا و الکبریاء و الآلاء
ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها
اسألک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی
سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در
السعداء و روحی مع الشهداء و احسانی فی علیین و اسائتی مغفورة
زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده
و ان تهب لی یقینا تباشر به قلبی و ایمانا یذهب الشک عنی و ترضینی
و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و اینکه خوشنود کنی مرا
بما قسمت لی و آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة
بآنچه قسمت کرده برای من و بده ما را در این جهان نیکی و در آن جهان نیکی

رمضان

وَقِنا عَذابَ النّارِ الحَریقِ وَارْزُقْنی فیها ذِکْرَکَ وَشُکْرَکَ وَالرَّغْبَةَ اِلَیْکَ

ونگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده وروزی کن مرا در این شب یاد کردن خود وسپاسگذاری خود ورغبت وخواهش بسوی خود

وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفیقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ

وبازگشت وتوبه وتوفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد وآل محمد را رحمتهای تو بر او

وَعَلَیْهِمْ دعای شب بیست وچهارم یا فالِقَ الْاِصْباحِ وَیا جاعِلَ اللَّیْلِ سَکَناً

و بر ایشان باد ای شکافنده سپیده دم وای گرداننده شب موجب آرام

وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حُسْباناً یا عَزیزُ یا عَلیمُ یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ

وآفتاب و ماه وسیله شمار ای غالب ای دانا ای خداوند انعام وخداوند نوال و قدرت

وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعامِ یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ یا اَللهُ یا رَحْمنُ یا اَللهُ یا فَرْدُ یا وِتْرُ

وبخشش ونعمت دادن ای خداوند بزرگواری وگرامی داشتن ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای یگانه ای بی‌همتا

یا اَللهُ یا ظاهِرُ یا باطِنُ یا حَیُّ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ یا اَللهُ یا اَللهُ لَکَ الْاَسْماءُ الْحُسْنی

ای خدا ای هویدا ای پنهان ای زنده نیست خدائی بجز تو ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک

وَالْاَمْثالُ الْعُلْیا وَالْکِبْرِیاءُ وَالْآلاءُ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وداستانهای بلند وبزرگواری ونعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد

وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمی فی هذِهِ اللَّیْلَةِ فِی السُّعَداءِ وَرُوحی مَعَ الشُّهَداءِ وَاِحْسانی

واینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان وروح مرا با شهیدان ونیکوئی مرا

فی عِلِّیّینَ وَاِسائَتی مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لی یَقیناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبی وَایماناً یُذْهِبُ

در علیین وبدی مرا آمرزیده واینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا وایمانی که ببرد

الشَّکَّ عَنّی وَرِضاً بِما قَسَمْتَ لی وَآتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ

شک را از من وخشنودی بآنچه بهره داده مرا وبده ما را در جهان نیکوئی ودر آخرت

حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الحَریقِ وَارْزُقْنی فیها ذِکْرَکَ وَشُکْرَکَ وَالرَّغْبَةَ

نیکی ونگاهدار مرا از عذاب آتش سوزنده وروزی کن مرا در این شب ذکر خود وسپاسگذاری خود وخواهش

إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ

بسوی خود و بازگشت و رجوع و توفیق برای آنچه توفیق داده برای آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست و نهم يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاسًا وَالنَّهَارِ

براو و برایشان درود ای گرداننده شب را پوشش و روز را

مَعَاشًا وَالْأَرْضِ مِهَادًا وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا يَا اللهُ يَا قَاهِرُ يَا اللهُ يَا جَبَّارُ يَا اللهُ

وقت کسب معیشت و زمین را فراشی گسترده و کوهها را میخها ای خدا ای خداوند قهر و غلبه ای خدا ای بزرگوار ای خدا

يَا سَمِيعُ يَا اللهُ يَا قَرِيبُ يَا اللهُ يَا مُجِيبُ يَا اللهُ يَا اللهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

ای شنوا ای خدا ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک

وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و داستانهای بلند پایه و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ

محمد و اینکه بگردانی نام مرا درین شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي

و احسان مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشران کنی دل مرا

وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

و ایمانی که ببرد شک را از من و خوشنودی بآنچه قسمت کرده برای من و بده ما را در جهان نیکی

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

و در آخرت نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی ده مرا درین شب یاد خود

وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا

و سپاس گذاری خود و خواهش نمودن بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد

وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب سیام يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ

و آل محمد را رحمتهای تو براو و برایشان باد سلام ای گرداننده شب

وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ يَا مَنْ مَحَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْهُ
و روز دو نشان قدرت ای آنکه زائل کرده نشان شب را و کردانید نشان روز را روشن تا طلب کنید بخشش را ازو

وَرِضْوَانًا يَا مُفَصِّلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصِيلًا يَا اللهُ يَا مَاجِدُ يَا وَهَّابُ يَا اللهُ يَا جَوَادُ
و خوشنودی را ای تمیز دهنده هر چیز تمیز دادنی ای خدای بزرگوار ای بسیار بخشنده ای خدای بخشاینده

يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ
ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ
سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا درین شب در زمرهٔ نیکبختان

وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي
و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی مرا

يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي
یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و خوشنود سازی مرا بانچه قسمت کرده برای من

وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي
و بده ما را در اینجهان نیکی و در آنجهان نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی کن ما را

فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ
و درین شب یاد کردن تو و سپاس گذاری تو و خواهش بسوی تو و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادی

لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست هفتم يَا مَادَّ الظِّلِّ وَلَوْ شِئْتَ
برای آن محمد و آل محمد را او و برایشان باد سلام ای کشاننده سایه و اگر میخواستی

جَعَلْتَهُ سَاكِنًا وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ثُمَّ قَبَضْتَهُ إِلَيْكَ قَبْضًا يَسِيرًا
میکردانی آنرا ساکن و کردانیدی آفتاب را بر وجود سایه دلیل پس گرفتی آنرا بسوی خود گرفتنی اندک

يَا ذَا الْحَوْلِ وَالطَّوْلِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْآلَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
ای خداوند توانائی و انعام و بزرگواری و نعمتهاست سزاوار پرستشی بجز تو دانای هر نهان و آشکار

الرحمن الرحیم لا اله الا انت یا قدوس یا سلام یا مؤمن یا مهیمن

بخشاینده مهربان نیست سزاوار پرستش مگر تو ای پاک ای سالم از هر نقص ای امان دهنده و گواه بهر چیز

یا عزیز یا جبار یا متکبر یا الله یا خالق یا بارئ یا مصور یا الله یا الله

ای غالب ای کار فرمای بقهر ای بزرگوار ای خدا ای آفریدگار ای پدید آورنده ای نگارنده ای خدا ای خدا

یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسألک

ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو

ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در

السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة

زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده

وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی

و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و اینکه خشنود سازی مرا

بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب

بانچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب

النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة

آتش سوزنده و روزی کن ما را در این شب ذکر خود و شکر خود و خواهشمندی بسوی خود و بازگشت

والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم

و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را رحمت فرستاد خدا بر او و بر ایشان

دعای شب بیست و ششم یا خازن اللیل فی الهواء وخازن النور فی السماء

ای نگاهدارنده ظلمت شب در هوا و نگاهدارنده روشنائی در آسمان

ومانع السماء ان تقع علی الارض الا باذنه وحابسهما ان تزولا یا علیم

و منع کننده آسمان از اینکه فرود آید بر زمین مگر بدستوری خود و باز دارنده آسمان و زمین از اینکه بجنبد ای دانا

و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است

فصل هفتم

یا عظیم یا عفوّ یا دائم یا الله یا وارث یا باعث من فی القبور یا الله

ای بزرگ ای آمرزگار ای همیشه موجود ای خدا ای میراث برنده ای برانگیزندهٔ آنانکه در قبرهایند ای خدا

یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء

ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها

اسألک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی

سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در

السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة

زمرهٔ نیک بختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده

وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت

و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و اینکه خوشنود سازی مرا بانچه قسمت کردی

لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق

برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده

وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والرهبة منک والتوبة

و روزی کن مرا در این شب ذکر خود و شکر خود و رغبت بسوی خود و ترس از خود و توبه

والانابة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلواتک علیه

و بازگشت و توفیق برای آنچه توفیق داده برای آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو براو

وعلیهم اجمعین دعای شب بیست و نهم یا مکور اللیل علی النهار ومکور

و بر ایشان همه ایشان ای در آورنده شب در روز و در آورنده

النهار علی اللیل یا علیم یا حکیم یا رب الارباب وسید السادات

روز در شب ای دانا ای درست کردار ای پروردگار پروردگاران و بزرگ بزرگان

لا اله الا انت یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا الله یا الله یا الله

نیست سزاوار پرستش مگر تو ای آنکه او نزدیکتر است بسوی من از رگ گردن ای خدا ای خدا ای خدا

رمضان

لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك ان

مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه

تصلى على محمد وال محمد وان تجعل اسمى فى هذه الليلة فى السعداء وروحى

رحمت بفرستی بر محمد وال محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا

مع الشهداء واحسانى فى عليين واسائتى مغفورة وان تهب لى يقينا

با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی من آمرزیده شده و اینکه ببخشی مرا یقینی

تباشر به قلبى وايمانا يذهب الشك عنى وترضينى بما قسمت لى واتنا فى الدنيا

که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و اینکه خوشنود سازی مرا بآنچه قسمت کرده برای من

حسنة وفى الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقنى فيها

نیکی و در آن جهان نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی کن ما را در این

ذكرك وشكرك والرغبة اليك والتوبة والانابة والتوفيق لما وفقت

ذکر خود و سپاس گذاری خود و خواهشمندی بسوی خود و توبه و بازگشت و توفیق برای آنچه توفیق دادی

له محمدا وال محمد صلوات الله عليه وعليهم دعای شب سیم الحمد لله

برای آن محمد وال محمد را رحمتهای تو براو و بر ایشان سپاس مر خدا را

لا شريك له الحمد لله كما ينبغى لكرم وجهه وعز جلاله وكما هو

که نیست انبازی برای او و سپاس مر خدا را چنانچه سزاوار است مر بزرگواری ذات او را و ارجمندی بزرگواری او

اهله يا قدوس يا نور يا نور القدس يا سبوح يا منتهى التسبيح يا رحمن

سزاوار آنست ای پاک ای هویدا ای نور پاک ای منزه ای منتهای تنزیه ای بخشاینده

يا فاعل الرحمة يا الله يا عليم يا كبير يا الله يا لطيف يا جليل يا الله يا سميع

ای کننده بخشش ای خدا ای دانا ای بزرگ ای خدا ای مهربان ای بزرگوار ای خدا ای شنوا

يا بصير يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء

ای بینا ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بزرگ و بزرگواری

وَالْآلٰاءِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اِسْمِي فِي هٰذِهِ

ونعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت نفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بکردانی نام مرا در این

اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي

شب در زمرهٔ نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی مرا

مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي

آمرزیده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من

وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا

و خوشنود سازی مرا بانچه قسمت کرده برای من و بده مارا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار مارا

عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ

از عذاب آتش سوزنده و روزی کن مرا درین شب ذکر خود و سپاس گذاری خود و خواهشمندی

إِلَيْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ

بسوی خود و توبه و بازگشت و توفیق برای انچه توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

رحمتهای تو براو و بر ایشان همه

فصل هشتم در بیان نمازهای شبها و دعاهای روزهاست که مشهورست و علما در کتب دعا ذکر کرده اند و نزد فقیر معتبرنیست نماز شب اول چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید **دوم** چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه انا انزلناه **سوم** ده رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید **چهارم** هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا انزلناه **پنجم** دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد **ششم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و سورهٔ تبارک الذی بیده الملک **هفتم** چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه انا انزلناه **هشتم** دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سبحان الله **نهم** شش رکعت میان نماز شام و خفتن و در هر رکعت حمد و هفت مرتبه

آیة الکرسی و بعد از اتمام پنجاه مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد دهم بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه توحید یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا اعطیناک الکوثر دوازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه انا انزلناه سیزدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید چهاردهم شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اذا زلزلت پانزدهم چهار رکعت در دو رکعت اول حمد و صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید شانزدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه الهیکم التکاثر هفدهم دو رکعت در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه لا اله الا الله هیجدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انا اعطیناک الکوثر نوزدهم پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه اذا زلزلت و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یکمرتبه بخوانند زیرا که مشکل است در یک شب دو هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت الارض خواندن بستم و بیست و یکم و بیست و دوم و بیست و سوم و بیست و چهارم در هر یک هشت رکعت بهر سوره که میسر شود بیست و پنجم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید بیست و ششم هشت رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و تبارک الذی و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید بیست و هشتم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بیست و نهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید سی ام دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و این نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت بیک سلام است و اما دعاهای روزها از ابن عباس روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فضیلت بسیار از برای روزه هر روز ماه مبارک رمضان بیان فرموده و از برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار برای آن دعا ذکر کرده اند و ما باصل دعاها اکتفا مینمائیم دعای روز اول اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِیَامِیْ فِیْهِ صِیَامَ الصَّائِمِیْنَ وَقِیَامِیْ فِیْهِ خداوندا بگردان روزه مرا درین ماه مانند روزه داشتن روزه داران ایستادن مرا در

قِيَامَ الْقَائِمِينَ وَنَبِّهْنِي فِيهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ وَهَبْ لِي جُرْمِي فِيهِ يَا إِلٰهَ

مانند ایستادن ایستادگان و بیدار کن مرا دران از خواب بیخبران و بخش من گناه مرا دران ای خدای

الْعَالَمِينَ وَاعْفُ عَنِّي يَا عَافِيًا عَنِ الْمُجْرِمِينَ دعای روز دوم اَللّٰهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ

جهانیان و درگذر از من ای درگذرنده از گناه کاران خداوندا نزدیک گردان مرا درین ماه

إِلَىٰ مَرْضَاتِكَ وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنَقِمَاتِكَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِقِرَاءَةِ

بسوی خوشنودی خود و دور گردان مرا دران از غضب خود و عقوبتهای خود و توفیق ده مرا دران برای تلاوت

آيَاتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دعای روز سوم اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذِّهْنَ

آیتهای خود برحمتهای خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا روزی کن مرا درین ماه زیرکی

وَالتَّنْبِيهَ وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَالتَّمْوِيهِ وَاجْعَلْ لِي نَصِيبًا مِنْ

و آگاه گردانیدن و دور گردان مرا دران از کم خردی و پوشانیدن حق بکردان جهت من بهره از

كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فِيهِ بِجُودِكَ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ دعای روز چهارم اَللّٰهُمَّ قَوِّنِي

هر نیکی که فرو فرستی دران به بخشش خود ای بخشنده ترین بخشایندگان بار خدایا توانائی بخش مرا

فِيهِ عَلَىٰ إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَأَذِقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَأَوْزِعْنِي فِيهِ لِأَدَاءِ

درین ماه برای آنکه بر پا دارم فرمان ترا و بچشان مرا دران شیرینی یاد کردن خود و توفیق ده مرا دران برای بجا آوردن

شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَسِتْرِكَ يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ دعای روز پنجم

شکر خود به بزرگواری خود و نگاهدار مرا به نگاهداری خود و به پرده خود ای بیناترین نگرندگان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

خداوندا بگردان مرا درین ماه از جمله آمرزش طلبان و بگردان مرا دران از بندگان نیکوکاران خود

الْقَانِتِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُقَرَّبِينَ بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

که فرمان بردارند و بگردان مرا دران از دوستان مقرب خود به مهربانی خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

دعای روز ششم اَللّٰهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ وَلَا تَضْرِبْنِي

خداوندا خوار مگذار مرا درین ماه جهت در پیش آمدن معصیت و نافرمانی ترا و مزن مرا

بِبِساطِ نِعْمَتِكَ وَزَحْزِحْني فيهِ مِنْ مُوجِباتِ سَخَطِكَ بِمَنِّكَ وَأَيادِيكَ

تا از بساط نعمتهای عقوبت خود و دور گردان مرا دران از اموریکه واجب میگرداند غضب ترا ببخشش خود و نعمتهای

يا مُنْتَهى رَغْبَةِ الرّاغِبينَ دعای روز هفتم اَللّهُمَّ أَعِنّي عَلى صِيامِهِ وَقِيامِهِ

ای منتهای خواهش خواهشمندان بارخدایا مدد کن مرا بر روزه داشتن این ماه و ایستادن دران

وَجَنِّبْني فيهِ مِنْ هَفَواتِهِ وَآثامِهِ وَارْزُقْني فيهِ ذِكْرَكَ بِدَوامِهِ بِتَوْفيقِكَ

و دور گردان مرا دران از لغزشهای آن و گناهان او و روزی کن مرا دران یاد کردن خود به همیشگی آن به توفیق خود

يا هادِيَ الْمُضِلّينَ دعای روز هشتم اَللّهُمَّ ارْزُقْني فيهِ رَحْمَةَ الأَيْتامِ وَإِطْعامَ

ای راهنمای گمراهان بارخدایا روزی ده مرا درین ماه مهربانی یتیمان و خورانیدن

الطَّعامِ وَإِفْشاءَ السَّلامِ وَمُجانَبَةَ اللِّئامِ وَصُحْبَةَ الْكِرامِ بِطَوْلِكَ يا مَلْجَأَ

طعام و ظاهر ساختن سلام و پرهیز کردن از لئیمان و صحبت بزرگواران باحسان خود ای پناه

الآمِلينَ دعای روز نهم اَللّهُمَّ اجْعَلْ لي فيهِ نَصيباً مِنْ رَحْمَتِكَ الْواسِعَةِ

امیدواران خداوندا بگردان برای من درین ماه بهره از بخشش فراگیرنده خود

وَاهْدِني فيهِ لِبَراهينِكَ السّاطِعَةِ وَخُذْ بِناصِيَتي إِلى مَرْضاتِكَ الْجامِعَةِ

و راهنما مرا دران بدلائل بلند خود و فراگیر موی پیش سر مرا حال آنکه برسانی بخشنودی همه

بِمَحَبَّتِكَ يا أَمَلَ الْمُشْتاقينَ دعای روز دهم اَللّهُمَّ اجْعَلْني فيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلينَ

بدوستی خود ای امیدگاه آرزومندان خداوندا بگردان مرا درین ماه از توکل کنندگان

عَلَيْكَ وَاجْعَلْني فيهِ مِنَ الْفائِزينَ لَدَيْكَ وَاجْعَلْني فيهِ مِنَ الْمُقَرَّبينَ

بر تو و بگردان مرا دران از رستگاران نزد خود و بگردان مرا درین ماه از نزدیک شدگان

إِلَيْكَ بِإِحْسانِكَ يا غايَةَ الطّالِبينَ دعای روز یازدهم اَللّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ فيهِ

بسوی تو به نیکویی خود ای منتهای مطلب طلب کنندگان خداوندا دوست دار بسوی من دران ماه

الإِحْسانَ وَكَرِّهْ إِلَيَّ فيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيانَ وَحَرِّمْ عَلَيَّ فيهِ السَّخَطَ وَالنّيرانَ

نیکوکاری را و دشمن گردان بسوی من دران بدکاری و نافرمانی را و حرام کن بر من دران غضب آتشها

اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين

بعونك يا غياث المستغيثين دعاى روز دوازدهم اللهم زيني فيه بالستر

بيارى خود اى فرياد رس دادخواهان — خداوندا آراسته كن مرا در اين ماه بپوشش خود

والعفاف واسترني فيه بلباس القنوع والكفاف واحملني فيه على

و پرهيزكارى و بپوشان مرا در آن بجامهٔ قناعت و روزى — و برانگيز مرا در آن بر

العدل والانصاف وآمني فيه من كل ما اخاف بعصمتك يا عصمة

عدالت و انصاف و ايمن گردان مرا در آن از هر چه مى ترسم به نگاهدارى خود اى نگاهدارندهٔ

الخائفين دعاى روز سيزدهم اللهم طهرني فيه من الدنس والاقذار

ترسناكان — بارخدايا پاك گردان مرا در اين ماه از هر چركى و همه قاذورات

وصبرني فيه على كائنات الاقدار ووفقني فيه للتقى وصحبة الابرار

و شكيبائى ده مرا در آن بر تقديراتى كه ثابت است و توفيق ده مرا در آن براى پرهيزكارى و صحبت نيكوكاران

بعونك يا قرة عين المساكين دعاى روز چهاردهم اللهم لا تؤاخذني فيه بالعثرات

بيارى خود اى روشنائى ديدهٔ بيچارگان — بارخدايا مؤاخذه مكن مرا در اين ماه بلغزشها

واقلني فيه من الخطايا والهفوات ولا تجعلني فيه غرضا للبلايا والآفات

و درگذر مرا در آن از گناهان و لغزشهاى — و مگردان مرا در آن نشانه براى تيرهاى بلاها و آفتها

بعزتك يا عز المسلمين دعاى روز پانزدهم اللهم ارزقني فيه طاعة الخاشعين

بعزت خود اى ارجمندى گردن نهندگان — بارخدايا روزى كن مرا در اين ماه فرمانبردارى فروتنى كنندگان

واشرح فيه صدري بانابة المخبتين بامانك يا امان الخائفين

و گشاده كن در آن سينهٔ مرا بازگشت فروتنى كنندگان بامان خود اى ايمنى بخش ترسناكان

دعاى روز شانزدهم اللهم وفقني فيه لموافقة الابرار وجنبني فيه مرافقة الاشرار

خداوندا توفيق ده مرا در اين ماه براى موافقت نيكوكاران و دور گردان مرا در آن از همراهى بدكاران

وآوني فيه برحمتك الى دار القرار بالهيتك يا اله العالمين دعاى روز هفدهم اللهم

و فرود آور مرا در آن برحمت خود بسوى سراى درنگ بخدائى خود اى خداى جهانيان — بارخدايا

اِهْدِنِی فِیهِ لِصالِحِ الاَعْمالِ وَاقْضِ لِی فِیهِ الحَوائِجَ وَالآمالَ یا مَنْ لا یَحْتاجُ

راهنمائی کن مرا در این ماه بکردارهای شایسته وروا کن بجهت من در آن حاجتها و آرزوهای ای آنکه محتاج نیست

اِلَی التَّفْسِیرِ وَالسُّؤالِ یا عالِماً بِما فِی صُدُورِ العالَمِینَ دعای روز سیم اَللّٰهُمَّ

بسوی اظهار کردن و سوال نمودن ای دانا بانچه در دلهای جهانیان است خداوندا

نَبِّهْنِی فِیهِ لِبَرَکاتِ اَسْحارِهِ وَنَوِّرْ فِیهِ قَلْبِی بِضِیاءِ اَنْوارِهِ وَخُذْ بِکُلِّ

بیدار کن مرا در این ماه برای برکتهای سحرهای آن و روشن کن در آن دل مرا بروشنائی روشنیهای آن و بدار همه

اَعْضائِی اِلَی اتِّباعِ آثارِهِ بِنُورِکَ یا مُنَوِّرَ قُلُوبِ العارِفِینَ دعای روز

اعضای مرا بسوی پیروی نشانهای آن بروشنائی خود ای روشن کننده دلهای شناسندگان

نوزدهم اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ فِیهِ حَظِّی مِنْ بَرَکاتِهِ وَسَهِّلْ سَبِیلِی اِلی خَیْراتِهِ

خداوندا وافر کن در این ماه بهره مرا از برکتهای آن و آسان کن راه مرا بسوی نیکوئیهای آن

وَلا تَحْرِمْنِی قَبُولَ حَسَناتِهِ یا هادِیاً اِلَی الحَقِّ المُبِینِ دعای روز بیستم اَللّٰهُمَّ

و نا امید مکن مرا از پذیرفتن نیکیهای آن ای راهنمای بسوی دین حق روشن بار خدایا

اِفْتَحْ لِی فِیهِ اَبْوابَ الجِنانِ وَاَغْلِقْ عَنِّی فِیهِ اَبْوابَ النِّیرانِ وَوَفِّقْنِی

بگشا برای من در این ماه درهای بهشت را و ببند از من در آن درهای دوزخ را و توفیق ده مرا

فِیهِ لِتِلاوَةِ القُرْآنِ یا مُنْزِلَ السَّکِینَةِ فِی قُلُوبِ المُؤْمِنِینَ دعای روز بیست و یکم

در آن برای تلاوت قرآن ای فرود آورنده آرام در دلهای گروندگان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِی فِیهِ اِلی مَرْضاتِکَ دَلِیلاً وَلا تَجْعَلْ لِلشَّیْطانِ فِیهِ عَلَیَّ

بار خدایا بگردان برای من در این ماه بسوی خشنودیهای خود راهنمائی و مگردان برای شیطان در آن بر من

سَبِیلاً وَاجْعَلِ الجَنَّةَ لِی مَنْزِلاً وَمَقِیلاً یا قاضِیَ حَوائِجِ الطّالِبِینَ دعای روز بیست و دوم

راهی و بگردان بهشت را برای من فرودگاه و آرامگاه ای بر آورنده حاجتهای سوال کنندگان

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِی فِیهِ اَبْوابَ فَضْلِکَ وَاَنْزِلْ عَلَیَّ فِیهِ بَرَکاتِکَ وَوَفِّقْنِی فِیهِ

خداوندا بگشا برای من در این ماه درهای فضل خود را و فرود آور بر من در آن برکتهای خود را و توفیق ده مرا

لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ وَاَسْكِنِّي فِيهِ بُحْبُوحَةَ جِنَانِكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ

برای اموریکه واجب سازند خوشنودیهای تو وساکن کن مارا دران درمیان بستانهای خود ای اجابت کننده دعای

الْمُضْطَرِّينَ روز بیست وسوم اَللّٰهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ

درماندگان خداوندا بشوی مرا درینماه از گناهان وپاک گردان مرا دران از عیب

وَامْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ روز بیست وچهارم

وآزمایش کن دل مرا دران بپرهیزکاری دلها ای درگذرنده از لغزشهای گنهکاران

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ فِيهِ مَا يُرْضِيكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِمَّا يُؤْذِيكَ وَاَسْأَلُكَ

بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو درینماه آنچه را که خوشنود سازد ترا وپناه میگیرم بتو از آنچه آزرده کند ترا وسوال میکنم از تو

التَّوْفِيقَ فِيهِ لِاَنْ اُطِيعَكَ وَلَا اَعْصِيكَ يَا جَوَادَ السَّائِلِينَ روز بیست وپنجم

توفیق را دران برای آنکه فرمان برداری کنم ترا ونافرمانی نورزم ترا ای بخشش کننده سوال کنندگان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا لِاَوْلِيَائِكَ وَمُعَادِيًا لِاَعْدَائِكَ مُسْتَنًّا بِسُنَّةِ

خداوندا بگردان مرا درینماه دوستدار مر دوستان ترا ودشمن دارنده مر دشمنان ترا جاری شونده بطریقه

خَاتَمِ اَنْبِيَائِكَ يَا عَاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ روز بیست وششم اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ

آخر پیغمبران تو ای نگاهدارنده دلهای پیغمبران خداوندا بگردان کوشش مرا درینماه

مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا وَعَيْبِي فِيهِ مَسْتُورًا

جزا داده شده وگناه مرا دران آمرزیده وکردار مرا دران پذیرفته وعیب مرا دران پوشیده شده

يَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ روز بیست وهفتم اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ

ای شنواترین شنوندگان خداوندا روزی کن مارا درینماه فضیلت شب قدر

وَصَيِّرْ اُمُورِي فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ اِلَى الْيُسْرِ وَاقْبَلْ مَعَاذِيرِي وَحُطَّ عَنِّي الْوِزْرَ

وبگردان کارهای مرا دران از دشواری بسوی آسانی وبپذیر عذرهای مرا وفرود آور از من بار گناه را

يَا رَؤُوفًا بِعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ روز بیست وهشتم اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ حَظِّي فِيهِ مِنَ النَّوَافِلِ

ای مهربان به بندگان نیکوکار خود خداوندا کامل گردان بهره مرا درین ماه از زیادتیها

وَأَكْرِمْنِي فِيهِ بِإِحْضَارِ الْمَسَائِلِ وَقَرِّبْ فِيهِ وَسِيلَتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ

وگرامی دار مرا دران به حاضر ساختن سوالها و نزدیک گردان مرا دران وسیله مرا بسوی خود از میان وسیله‌ها

يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ روز بیست و نهم اَللّٰهُمَّ غَشِّنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ

ای آنکه باز نمیدارد او را مبالغهٔ مبالغه کنندگان خداوندا بپوشان مرا درین ماه برحمت

وَارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالْعِصْمَةَ وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غَيَاهِبِ التُّهْمَةِ يَا رَحِيماً

و روزی کن مرا دران توفیق و نگهداری و پاک کن دل مرا از تیرگیهای دروغ بربستن ای مهربان

بِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ روز سیام اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ عَلَى

به بندگان گروندهٔ خود خداوندا بگردان روزهٔ مرا درین ماه مقرون بسپاس گذارشی و پذیرائی

مَا تَرْضَاهُ وَيَرْضَاهُ الرَّسُولُ مُحْكَمَةً فُرُوعُهُ بِالْأُصُولِ بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

وجهی که بپسندی آنرا و بپسندد آنرا رسول حال آنکه محکم باشد فرعهای آن با اصلها بحق سرور ما محمد

وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و آل او که پاکانند و سپاس مر خدایرا که پروردگار عالمیانست

مولف گوید که در تقدیم و تأخیر دعاها و عبادات هر یک در کتب دعوات مختلف ذکر کرده اند چون روایتش را معتبر نمیدانم متعرض ذکر آنها نشدم و دعای روز بیست و هفتم را کفعمی در روز بیست و نهم ذکر کرده است و موافق مذهب شیعه در روز بیست و سوم خواندن و در روز بیست که انسب باشد والله اعلم

باب چهارم

در اعمال لیالی و ایام متبرکهٔ ماه شوال و ماه ذیقعده است و از جملهٔ ایام متبرکهٔ ماه شوال روز عید فطر است و شبش از جملهٔ لیالی شریفه است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیار است و از حضرت رسول منقول است که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس بمیرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین علیه السلام شب عید را احیا میکرد بنماز تا صبح و در تمام آن شب در مسجد می ماند و میگفت که ای فرزند من شبی کمتر از شب قدر نیست و غسل درین شب سنت است و شخصی بخدمت حضرت صادق

عرض کرد که مردم میگویند آمرزش نازل میشود بر کسیکه روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر
حضرت فرمود که کارگر را مزدش نمیدهند مگر بعد از فارغ شدن از کار و آن در شب عید است
راوی گفت چه کار سزاوار است که در آن شب بکنیم فرمود که چون آفتاب غروب کند
غسل بکن و چون فریضه مغرب و نافله آنرا بجا آوری دستها بسوی آسمان بلند کن و بگو

یَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یَا ذَا الْجُودِ یَا مُصْطَفِیَ مُحَمَّدٍ وَنَاصِرَهُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ
ای خداوند انعام و احسان ای خداوند بخشش ای برگزیننده محمد و یاری دهنده او رحمت بفرست بمحمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِی کُلَّ ذَنْبٍ اَحْصَیْتَهُ وَهُوَ عِنْدَکَ فِی کِتَابٍ مُبِینٍ
و آل محمد و بیامرزی برای من هر گناهی که شمرده تو آنرا و او نزد تو در کتابیست روشن

پس بسجود برو و صد مرتبه در سجده بگو اَتُوبُ اِلَی اللّٰهِ پس هر حاجت که داری از حق تعالی
بطلب که انشاء الله تعالی بر آورده است و بسند معتبر منقولست که حضرت امیر المومنین علیه السلام
در شب عید فطر دو رکعت نماز میکردند در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه سوره توحید و در
رکعت دوم یکمرتبه میخواندند پس برکوع و سجود میرفتند و بعد از سلام بسجده میرفتند و صد مرتبه میگفتند

اَتُوبُ اِلَی اللّٰهِ پس میگفتند

یَا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ یَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یَا مُصْطَفِیَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ
ای خداوند انعام و بخشش ای خداوند انعام و احسان ای برگزیننده محمد رحمت فرستاد خدا بر او و

آلِهِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

آل او رحمت بفرست بر محمد و آل او

پس حاجات خود را از خدا می طلبیدند پس سر از سجده بر میداشتند و میفرمودند بحق خداوندی
که جانم بدست قدرت اوست که هر که این نماز را بکند هر حاجت که از خدا بطلبد البته او را عطا کند
و اگر [illegible] گناه داشته باشد خدای تعالی او را بیامرزد و بعد از نماز [illegible] بخواند

یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ یَا اَللّٰهُ یَا مَلِکُ یَا اَللّٰهُ یَا قُدُّوسُ یَا اَللّٰهُ یَا سَلَامُ یَا اَللّٰهُ
ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پادشاه ای خدا ای پاک ای خدا ای سالم از نقص ای خدا

يا مؤمنُ يا اللهُ يا مُهيمنُ يا اللهُ يا عزيزُ يا اللهُ يا جبّارُ يا اللهُ يا متكبّرُ يا الله

ای امان دهنده ای خدا ای دانا بهر چیز ای خدا ای ارجمند ای خدا ای کار فرمای بقهر ای خدا ای بزرگوار ای خدا

يا خالقُ يا اللهُ يا بارئُ يا اللهُ يا مصوّرُ يا اللهُ يا عالمُ يا اللهُ يا عظيمُ يا الله

ای آفریدگار ای خدا ای پدید آورنده ای خدا ای نگارنده ای خدا ای دانا ای خدا ای بزرگوار ای خدا

يا كريمُ يا اللهُ يا حليمُ يا اللهُ يا حكيمُ يا اللهُ يا سميعُ يا اللهُ يا بصيرُ يا الله

ای بزرگوار ای خدا ای بردبار ای خدا ای راست گفتار درست کردار ای خدا ای شنوا ای خدا ای بینا ای خدا

يا قريبُ يا اللهُ يا مجيبُ يا اللهُ يا جوادُ يا اللهُ يا واحدُ يا اللهُ يا وليُّ يا الله

ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای یگانه ای خدا ای دوست ای خدا

يا وفيُّ يا اللهُ يا مولى يا اللهُ يا قاضي يا اللهُ يا سريعُ يا اللهُ يا شديدُ يا الله

ای وفا کننده ای خدا ای آقا ای خدا ای حکم کننده ای خدا ای زود اجابت کننده ای خدا ای توانا ای خدا

يا رؤوفُ يا اللهُ يا رقيبُ يا اللهُ يا مجيبُ يا اللهُ يا جوادُ يا اللهُ يا ماجدُ

ای مهربان ای خدا ای نگهبان ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای بزرگوار

يا اللهُ يا عليُّ يا اللهُ يا حفيظُ يا اللهُ يا محيطُ يا اللهُ يا سيّدَ السادات يا الله

ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا ای نگاه دارنده ای خدا ای فرا گیرنده ای خدا ای سرور سروران ای خدا

يا أوّلُ يا اللهُ يا آخرُ يا اللهُ يا ظاهرُ يا اللهُ يا باطنُ يا اللهُ يا فاخرُ يا اللهُ يا قاهرُ

ای اول ای خدا ای آخر ای خدا ای هویدا ای خدا ای نهان ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای غالب

يا اللهُ يا ربّاهُ يا اللهُ يا ربّاهُ يا اللهُ يا ربّاهُ يا اللهُ يا ربّاهُ يا اللهُ يا ربّاهُ

ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار

يا اللهُ يا ربّاهُ يا اللهُ يا ودودُ يا اللهُ يا نورُ يا اللهُ يا دافعُ يا اللهُ يا مانعُ

ای خدا ای پروردگار ای خدا ای دوست ای خدا ای هویدا ای خدا ای دفع کننده ای خدا ای باز دارنده ای خدا

يا فاتحُ يا اللهُ يا نفّاعُ يا اللهُ يا جليلُ يا اللهُ يا جميلُ يا اللهُ يا شهيدُ يا اللهُ يا شاهد

ای گشاینده ای خدا ای سودبخش ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای نکو ای خدا ای حاضر ای خدا ای دانا

یا اللهُ یا حَبیبُ یا اللهُ یا فاطِرُ یا اللهُ یا مُطَهِّرُ یا اللهُ یا مالِکُ یا اللهُ یا مُقْتَدِرُ

ای خدا ای دوست ای خدا ای آفریننده ای خدا ای پاک سازنده ای خدا ای خداوند ای خدا ای توانا

یا اللهُ یا قابِضُ یا اللهُ یا باسِطُ یا اللهُ یا مُحْیِی یا اللهُ یا مُمیتُ یا اللهُ یا مُجیبُ

ای خدا ای گیرنده ای خدا ای گستراننده ای خدا ای زنده سازنده ای خدا ای میراننده ای خدا ای اجابت کننده

یا اللهُ یا باعِثُ یا اللهُ یا مُعْطی یا اللهُ یا مُفْضِلُ یا اللهُ یا مُنْعِمُ یا اللهُ

ای خدا ای برانگیزنده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای نعمت دهنده ای خدا

یا حَقُّ یا اللهُ یا مُبینُ یا اللهُ یا طَبیبُ یا اللهُ یا مُحْسِنُ یا اللهُ یا مُبْدِئُ یا اللهُ

ای ثابت ای خدا ای جدا سازنده ای خدا ای دانا ای خدا ای نیکوکار ای خدا ای ابتدا کننده ای خدا

یا مُعیدُ یا اللهُ یا بارِئُ یا اللهُ یا بَدیعُ یا اللهُ یا هادی یا اللهُ یا کافی

ای بازگرداننده ای خدا ای آفریدگار ای خدا ای نو پدید آورنده ای خدا ای راه نما ای خدا ای کارگذار

یا اللهُ یا شافی یا اللهُ یا عَلِیُّ یا اللهُ یا حَنّانُ یا اللهُ یا مَنّانُ یا اللهُ یا ذَا الطَّوْلِ

ای خدا ای شفا بخشنده ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا ای مهربان ای خدا ای انعام کننده ای خدا ای خداوند بخشش

یا اللهُ یا مُتَعالی یا اللهُ یا عَدْلُ یا اللهُ یا ذَا الْمَعارِجِ یا اللهُ یا صادِقُ یا اللهُ

ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا ای دادخواه با انصاف ای خدا ای خداوند بلندیها ای خدا ای راست گو ای خدا

یا دَیّانُ یا اللهُ یا باقی یا اللهُ یا ذَا الْجَلالِ یا اللهُ یا ذَا الْاِکْرامِ یا اللهُ

ای جزا دهنده ای خدا ای بی زوال ای خدا ای خداوند بزرگوار ای خدا ای خداوند گرامی داشتن ای خدا

یا مَعْبُودُ یا اللهُ یا مَحْمُودُ یا اللهُ یا صانِعُ یا اللهُ یا مُعینُ یا اللهُ یا مُکَوِّنُ

ای پرستیده شده ای خدا ای ستوده شده ای خدا ای آفریدگار ای خدا ای مدد کننده ای خدا ای ایجاد کننده

یا اللهُ یا فَعّالُ یا اللهُ یا لَطیفُ یا اللهُ یا جَلیلُ یا اللهُ یا غَفُورُ یا اللهُ یا شَکُورُ

ای خدا ای کننده بی نهایت ای خدا ای مهربان ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای آمرزگار ای خدا ای جزا دهنده

یا اللهُ یا نُورُ یا اللهُ یا حَنّانُ یا اللهُ یا قَدیرُ یا اللهُ یا رَبّاهُ یا اللهُ یا رَبّاهُ یا اللهُ

ای خدا ای هویدا ای خدا ای بغایت مهربان ای خدا ای توانا ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا

يا ربّاه يا الله يا ربّاه يا الله يا ربّاه يا الله يا ربّاه يا الله يا ربّاه يا الله

ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا

يا الله اسألك ان تصلّي على محمّد وآل محمّد وتمنّ عليّ برضاك وتعفو

ای خدا سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و منت گذاری بر من بخوشنودی خود و درگذری

عنّي بحلمك وتوسّع عليّ من رزقك الحلال الطيّب من حيث احتسب

از من به بردباری خود و فراخی بخش بر من از روزی حلال پاک خود از انجا که گمان برم

ومن حيث لا احتسب فانّي عبدك ليس لي احد سواك ولا احد اسأله

و از انجا که گمان نبرم زیرا که بتحقیق من بنده توام نیست مرا هیچکس غیر تو و نه احدی که درخواهم از

غيرك يا ارحم الراحمين ما شاء الله لا قوّة الّا بالله العليّ العظيم پس سجده

غیر تو ای بخشنده ترین بخشندگان آنچه خواسته خدا میشود و نیست توانائی مگر بتوفیق خدای بلند قدر بزرگ مرتبه

میروی و میگوئی يا الله يا الله يا ربّ يا الله يا ربّ يا الله يا ربّ يا الله يا منزل

ای خدا ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای فرود آورنده

البركات بك تنزل كلّ حاجة اسألك بكلّ اسم في مخزون الغيب عندك

برکتها بتو فرود آورده میشود هر حاجتی سوال میکنم از تو بهر نامی که پنهان است در خزانه غیب تو

والاسماء المشهورات عندك المكتوبة على سرادق عرشك ان تصلّي

و بنامهای فاش گردیده نزد تو که نوشته شده است بر سراپرده عرش تو اینکه رحمت بفرستی

على محمّد وآل محمّد وان تقبّل منّي شهر رمضان وتكتبني في الوافدين

بر محمد و آل محمد و اینکه بپذیری از من ماه رمضان را و بنویسی مرا در زمره وارد شدگان

الى بيتك الحرام وتصفح لي عن الذنوب العظام وتستخرج يا ربّ كنوزك يا رحمن

بسوی خانه محترم و درگذری برای من از گناهان بزرگ و بیرون آوری ای پروردگار من دفینه‌های خود را ای بخشنده

و در روایت دیگر بجای هزار مرتبه توحید صد مرتبه نیز وارد شده است و ایضا سنت موکد است که بعد از نماز شام و خفتن و صبح شب عید و نماز عید این تکبیرات را بخوانند

اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ
خدا بزرگترست خدا بزرگترست خدا بزرگتر است نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگترست
اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا هَدَانَا
خدا بزرگترست و مر خدای راست سپاس خدا بزرگترست بر آنچه راه نمود ما را

و اما اعمال روز عید پس زکوة فطره واجب موکد است و ترکش با تحقق شرائط وجوب گناه کبیره است و شرط قبول روزهٔ ماه مبارک است چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از تمامی روزه دادن زکوة است یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد و آل محمد از تمامی نماز است زیرا که هر که روزه بگیرد و زکوة فطر ندهد روزهٔ او مقبول نیست هرگاه عمداً ترک کند و اگر صلوات بر محمد و آل محمد را ترک کند در تشهد نمازش مقبول نیست و خدا زکوة را پیش از نماز ذکر کرده است در آنجا که فرموده است قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَکّٰی وَذَکَرَ اسْمَ رَبِّهٖ فَصَلّٰی یعنی بتحقیق رستگاری یافت هر که زکوة فطره داد و پروردگار خود را یاد کرد با آن تکبیرات که مذکور شد پس نماز عید را بجا آورد و چنانچه زکوة مال باعث پاکیزگی مال میشود و مال از تلف شدن محفوظ می ماند چنانچه منقول است که هیچ مالی در دریا و صحرا تلف نمی شود مگر به ندادن زکوة همچنین فطره زکوة بدن است و بدن را پاکیزه میکند از تخل و سائر کثافات معنویه و او را تا سال دیگر از بلاها حفظ میکند چنانچه بسند معتبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام با معتب وکیل خرج خود فرمود که برو و فطرهٔ جمیع عیال ما و غلامان و کنیزان ما را بده و یکی از ایشان را ترک مکن که زکوة ایشان را ندهی زیرا که اگر یکی را ترک کنی می ترسم که در عرض سال بمیرد و بدانکه زکوة فطر بر مال نابالغ و دیوانه و بنده واجب نمی شود و اگر نابالغ و دیوانه عیال دیگری باشند بر او واجب است که فطرهٔ ایشان را بدهد و زکوة بنده را آقا میدهد بنا بر مشهور مگر آنکه در آن شب عیال دیگری باشد و اشهر و اقوی آنست که در وجوب فطره توانگری شرط است و آن موافق مشهور آنست که قوت سالیانهٔ خود و عیال خود را داشته باشد یا قادر بر کسبی باشد که وفا بمعیشت او

وعیال او کند و بعضی گفته اند که اگر در شب عید زائد بر قوت خود وعیال خود بقدر فطره داشته باشد بر او واجب است و اظهر آنست که بر او سنت است و اگر فقیر یک سیر فطره را با عیال خود دست بدست بگرداند بعد از آن به فقیر دیگر بدهد همه ثواب فطره می یابند و باید که غنی اخراج فطره کند از خود و از هر کس که واجب النفقهٔ او باشد بشرط آنکه در شب عید فطر عیال دیگری نباشد که اگر عیال دیگری شده باشد بر او واجب است و همچنین واجب است که بدهد از هر کس که در خانهٔ او باشد از مهمان و غیر آن که آخر روز آخر ماه رمضان پیش از شام در آن خانه باشد و افطار کند و اگر بعد از شام داخل شود و افطار از مال او کند یا نکند واجب نیست بر صاحب خانه و اگر پیش از شام داخل شود و افطار از مال او نکند احوط آنست که هر دو بدهند یا یکی از ایشان باذن دیگری بمستحق بدهد قربةً الی الله و اگر شخصی عیال او نباشد اما نفقه وکسوت او را بدهد و در خانهٔ دیگر باشد زکوة او بر معطی نیست و همچنین اگر در شب عید پیش از شام از جهت همسایه ها طعامی بفرستد یا فقیر را چیزی بدهد یا شخصی در ماه رمضان مهمان باشد و در شب عید جای دیگر افطار کند یا بعد از شام عید افطار کرده بخانه او آید یا چیزی نخورده باشد و بعد از شام بیاید زکوة بر او واجب نیست و احوط آنست که در صورت آخر هر دو بدهند بلکه مطلق مهمان اگر غنی باشد خود نیز بدهد که بهتر است و وقت بیرون کردن فطره موافق مشهور شام عید است تا ظهر روز عید و بعضی گفته اند تا شام روز عید و احوط آنست که در شب جدا کنند و پیش از نماز عید بدهند و اگر در صبح جدا کنند نیز خوب است و اگر پیش از نماز جدا کند و بعد از نماز در آن روز یا روز دیگر برای حاضر نبودن مستحق یا عذر دیگر تاخیر کند قصوری ندارد و اگر جدا نکند تا ظهر روز عید احوط آنست که تا شام قصد ادا و قضا نکند و اگر روز عید بگذرد بقصد قربت بدهد و قصد خصوص فطره نکند یا آنکه قصد کند که این را میدهم که اگر قضای فطره بر من واجب باشد فطره باشد والا تصدق باشد و پدر و مادر و جد و جده و فرزندان و فرزندزادگان هرگاه فقیر باشند نفقهٔ ایشان بر او واجب است پس اگر نفقهٔ او را خورند فطره بر او است و اگر عیال شخص دیگر باشند بر آن شخص دیگر است و اگر عیال دیگری نیز نباشند اشهر و احوط آنست

فصل چهارم

که او فطرهٔ ایشان را بدهد و اما جنس فطره مشهور آنست که هرچه قوت غالب او باشد می تواند او
و احوط آنست که جو یا گندم یا خرما یا مویز یا کشک بدهد و بهتر آنست که خرما بدهد و بعد از آن
مویز و بعد از آن هرچه قوت غالب باشد چنانچه مردم شهر چون قوت غالب ایشان گندم
ست بهتر آنست که گندم بدهند و مردم دهات که غالباً نان جو میخورند جو بدهند و در حدیث
ست که اگر یک صاع خرما در فطره بدهم دوست تر میدارم از آنکه یک صاع طلا بدهم و اما مقدار
فطره از هر شخصی یک صاع باید داد و صاع موافق حساب مشهور ظاهرا یک من تبریزی و چهار ده
مثقال و ربع مثقال ست و احوط آنست که یک من و نیم تبریزی بدهند و نهایت احتیاط آنست که
یک من شاه بدهند و نباید بکسی بدهند که قوت سالیانهٔ خود و عیال خود را نداشته باشد یا مالک
خود نباشد و احوط آنست که متظاهر بفسوق نباشد و صالح باشد و احوط آنست که در زمان غیبت
امام علیه السلام بمجتهد جامع الشرائط عادل بدهند که او بمستحقان برساند چون مصارف را او بهتر
میداند و بعضی از علما این را واجب دانسته اند و احوط آنست که بفقیر کمتر از یک صاع ندهند و بیک
کس چند سیر میتوان داد و فطره را بواجب النفقه نمی توان داد و بخویشان غیر واجب النفقه دادن
بهتر است و بعد از آن همسایگان پیشان و بعد از آن بکسانیکه فاضل تر و صالح تر و پریشان تر باشند
و فطرهٔ غیر سید را بسید نمی توان داد و فطرهٔ سید را بسید و غیر سید هر دو می توان داد و سنت
ست که در روز عید پیش از نماز عید اول روز افطار کند و سنت ست که بخرما افطار کند و غسل
روز عید سنت موکده ست و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت صادق ع منقولست که
غسل را در زیر سقفی بکن و در زیر آسمان بکن پیش از غسل بگو

اللهم ایمانا بک و تصدیقا بکتابک و اتباع سنة نبیک صلی الله علیه و آله

بارخدایا تصدیق نموده ام ترا و باور دارم کتاب ترا و پیروی نموده ام طریقهٔ پیغمبر ترا رحمت فرستد خدا برو و آل او

پس بسم الله بگو و غسل بکن چون از غسل فارغ شوی بگو

اللهم اجعله کفارة لذنوبی و طهر دینی اللهم اذهب عنی الدنس

خداوندا بگردان این غسل را محو نماینده مر گناهان مرا و پاک کن دین مرا خداوندا ببر از من چرک را

فصل پنجم

وزیارت حضرت امام حسین علیه السلام نیز سنت موکده است و ثواب بسیار وران ارشد
است ونماز عید در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و در زمان غیبت امام اکثر علما
سنت میدانند و بجماعت کردن را سنت میدانند و میگویند تنها نیز میتوان کرد و بگمان
فقیر واجب است که بجماعت بکنند و بنماز مجتهد عادل حاضر شوند و اگر نتوانند حاضر شد تنها کردن
سنت است ونماز عید دو رکعت است در رکعت اول بعد از قرائت پنج تکبیر میگوید و بعد از هر تکبیری
یک قنوت میخواند و در رکعت دوم بعد از قرائت چهار تکبیر میگوید و چهار قنوت میخواند و قنوت
مخصوصی واند و اگر کسی اورا نداند آنچه در نمازهای واجبی قنوت میخواند بخواند و هرگاه بجا
چنین نماز بد و خطبه بعد از نماز می خوانند و قنوت مخصوص نماز عید این است
اللهم اهل الکبریاء والعظمة واهل الجود والجبروت واهل العفو
بار خدایا ای سزاوار بزرگواری و عظمت و ای سزاوار بخشش و جبروت و ای سزاوار درگذشتن
والرحمة واهل التقوی والمغفرة اسألک بحق هذا الیوم الذی جعلته
و بخشش و ای سزاوار پرهیزکاری و آمرزش سوال میکنم از تو بحق این روزی که گردانیده آنرا
للمسلمین عیدا ولمحمد صلی الله علیه وآله ذخرا ومزیدا ان تصلی علی
برای مسلمانان عید و برای محمد رحمت فرستد خدا برا و وآل او ذخیره و زیادتی که رحمت فرستی بر
محمد وآل محمد وان تدخلنی فی کل خیر ادخلت فیه محمدا وآل محمد
محمد وآل محمد وانکه در آوری مرا در هر نیکی که در آوردی در آن محمد وآل محمد را
وان تخرجنی من کل سوء اخرجت منه محمدا وآل محمد صلواتک
وانکه بیرون کنی مرا از هر بدی که بیرون کردی از آن محمد وآل محمد را رحمتهای تو
علیه وعلیهم اللهم انی اسألک خیر ما سألک به عبادک
براو و برایشان بار خدایا بدرستیکه سوال میکنم از تو بهترین چیزی که سوال کردند از تو بندگان
الصالحون واعوذ بک مما استعاذ منه عبادک المخلصون
شایسته تو و پناه میگیرم بتو از آنچه پناه جستند از آن بندگان مخلص تو

و بعد از نماز عید دعای بسیار وارد شده و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است
و بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در روز جمعه و عید فطر و عید
قربان در هنگامیکه مهیای رفتن بسوی نماز جمعه و عید میشوی این دعا بخوان

اللّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ إِلَى
بار خدایا کسی که مهیا گردیده در این روز یا ساخته خود را یا آماده گردیده و مستعد شده برای وارد شدن بسوی
مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ وَعَطَايَاهُ فَإِنَّ إِلَيْكَ يَا سَيِّدِي
آفریده بجهت امید بخشش او و زیادتیهای او و نیکیهای او و عطاهای او پس بدرستیکه بسوی تست ای آقای من
تَهْيِئَتِي وَتَعْبِئَتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ
مهیا گشتن من و سازش من و خودسازی من و آماده شدن من بجهت امید بخشش تو و صلههای تو
وَنَوَافِلِكَ وَفَوَاضِلِكَ وَفَضَائِلِكَ وَعَطَايَاكَ وَقَدْ غَدَوْتُ إِلَى
و زیادتیهای تو و نیکیهای تو و مزایای تو و بخششهای تو و بتحقیق بامداد آمدم بسوی
عِيدٍ مِنْ أَعْيَادِ أُمَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ أَفِدْ
عیدی از عیدهای امت پیغمبر تو محمد رحمتهای تو براو و بر آل او و فرود نیامده ام
إِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ أَثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ وَلَا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ
بسوی تو امروز با کردار نیکی که اعتماد کنم بان پیش فرستاده باشم آنرا و نه رو کردم بمخلوقی
أَمَّلْتُهُ وَلٰكِنْ أَتَيْتُكَ خَاضِعاً مُقِرّاً بِذُنُوبِي وَإِسَاءَتِي إِلَى نَفْسِي
که امید داشته باشم او را ولکن آمدم ترا فروتنی کننده اقرار نماینده بگناهان خود و به بدکرداری بسوی نفس خود
فَيَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِيَ الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ
پس ای بزرگ ای بزرگ بیامرز برای من بزرگ را از گناهان من زیرا که نمی آمرزد
الذُّنُوبَ الْعِظَامَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
گناهان بزرگ را مگر تو ای آنکه نیست خدائی مگر تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان

و در حدیث معتبر از حضرت امام صاحب العصر علیه السلام منقولست که بعد از نماز صبح عید فطر این دعا را بخوانند

اللّهُمَّ اِنّی تَوَجَّهْتُ اِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ اَمامی وَعَلِیٍّ مِنْ خَلْفی وَعَنْ یَمینی

بار خدایا بدرستیکه من رو کرده ام بسوی تو بوسیلهٔ محمد از پیش روی خود و علی از پس خود و از جانب راست خود

وَاَئِمَّتی عَنْ یَساری اَسْتَتِرُ بِهِمْ مِنْ عَذابِکَ وَاَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ زُلْفی

و پیشوایان از جانب چپ خود پنهان میشوم بایشان از عذاب تو و نزدیکی میجویم بسوی تو نزدیکی

لا اَجِدُ اَحَداً اَقْرَبَ اِلَیْکَ مِنْهُمْ فَهُمْ اَئِمَّتی فَآمِنْ بِهِمْ خَوْفی

نمی یابم هیچکس از دیگر بسوی تو از ایشان پس ایشان پیشوایان منند پس ایمنی بخش بسبب ایشان ترسیدن

مِنْ عِقابِکَ وَسَخَطِکَ وَاَدْخِلْنی بِرَحْمَتِکَ فی عِبادِکَ الصّالِحینَ

از عقوبت تو و خشم تو و در آور مرا برحمت خود در زمرهٔ بندگان شایستهٔ خود

اَصْبَحْتُ بِاللّهِ مُؤْمِناً مُوقِناً مُخْلِصاً عَلی دینِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ وَعَلی

صبح کردم حال آنکه هستم بخدا ایمان آورنده یقین دارنده اخلاص ورزنده بر دین محمد و طریقهٔ او و بر

دینِ عَلِیٍّ وَسُنَّتِهِ وَعَلی دینِ الْاَوْصِیاءِ وَسُنَّتِهِمْ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ

دین علی و طریقهٔ او و بر دین اوصیا و طریقهٔ ایشان تصدیق نمودم به پنهان ایشان

وَعَلانِیَتِهِمْ وَاَرْغَبُ اِلَی اللّهِ فیما رَغِبَ فیهِ اِلَیْهِ مُحَمَّدٌ وَعَلِیٌّ وَالْاَوْصِیاءُ

و آشکار ایشان و رغبت میکنم بسوی خدا در آنچه رغبت نموده در آن بسوی آن محمد و علی و اوصیا

وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّهِ وَلا عِزَّةَ وَلا مَنَعَةَ وَلا سُلْطانَ اِلّا لِلّهِ الْواحِدِ الْقَهّارِ

و نیست قدرتی و نه توانائی مگر بتوفیق خدا و نیست ارجمندی و نه بزرگی و نه سلطنتی مگر برای خدای یگانهٔ غلبه دارنده

الْعَزیزِ الْجَبّارِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّهِ وَمَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اللّهَ بالِغُ

ارجمند بزرگوار اعتماد کردم بر خدا و آنکه اعتماد کند بر خدا پس او بس است او را بدرستیکه خدا رساننده

اَمْرِهِ اللّهُمَّ اِنّی اُریدُکَ فَاَرِدْنی وَاَطْلُبُ ما عِنْدَکَ فَیَسِّرْهُ لی وَاقْضِ

امر خود است بار خدایا بدرستیکه من آهنگ میکنم ترا پس آهنگ کن مرا و میجویم آنچه نزد تست پس آسان کن او را برای من و روا کن

لی حَوائِجی فَاِنَّکَ قُلْتَ فی کِتابِکَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ شَهْرُ رَمَضانَ الَّذی اُنْزِلَ

برای من حاجتهای مرا پس بدرستیکه تو گفتی در کتاب خود و گفتار تو راست است ماه رمضانیست که فرو فرستاده شده

فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان فعظمت حرمة

دران حال آنکه راهنمای آدمیان است و نشانهای روشن است از راه نمای و جدا کردن حق از باطل پس بزرگ کردی حرمت

شهر رمضان بما أنزلت فيه من القرآن وخصصته وعظمته

ماه رمضان را بانچه فرو فرستادی دران که قرآنست و مخصوص کردانیدی آنرا و بزرگ کردی آنرا

بتصييرك فيه ليلة القدر فقلت ليلة القدر خير من ألف

بگردانیدن خود دران شب قدر را پس گفتی که شب قدر بهترست از هزار

شهر تنزل الملائكة والروح فيها بإذن ربهم من كل أمر

ماه فرو می آیند فرشتگان و روح دران شب بفرمان پروردگار خود از هر کاری

سلام هي حتى مطلع الفجر اللهم وهذه أيام شهر رمضان قد انقضت

سلامتی آن شب تا وقت طلوع صبح بار خدایا واین روزهای ماه رمضان بتحقیق بپایان رسید

ولياليه قد تصرمت وقد صرت منه يا إلهي إلى ما أنت أعلم

وشبهای آن بتحقیق منقطع گردید وبتحقیق گردیدم از ان ای خدای من بسوی آنچه تو داناتری

به مني وأحصى لعدده من عددي فأسألك يا إلهي بما سألك

بان از من و شمارنده تری شمار آن از شمار من پس سوال میکنم از تو ای خدای من بانچه سوال کردند

به عبادك الصالحون أن تصلي على محمد وآل محمد وأهل بيت

بان بندگان نیکوکار تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و خاندان

محمد وأن تتقبل مني ما تقربت به إليك وتتفضل علي بتضعيف

محمد و آنکه بپذیری از من آنچه را که نزدیکی جستم بان بسوی تو و آنکه بخشش کنی بر من بدو چندان کردن

عملي وقبول تقربي وقرباتي واستجابة دعائي وهب لي منك عتق

کردار من و پذیرفتن نزدیکی جستن من و موجبات قرب من و اجابت کردن دعای من و ببخش مرا از جانب خود آزاد کردن

رقبتي من النار ومن علي بالفوز بالجنة والأمن يوم الخوف من كل فزع

گردنم از آتش و منت گذار بر من برستگاری بهشت و با امنی در روز ترس از هر ترسی

[illegible]

وَمِنْ كُلِّ هَوْلٍ اَعْدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَعُوْذُ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيْمِ

واز هر شدتی که آماده کرده آنرا برای روز رستخیز پناه میگیرم بحرمت ذات بزرگوار تو

وَحُرْمَةِ نَبِيِّكَ وَحُرْمَةِ الصّٰلِحِيْنَ اَنْ يَنْصَرِمَ هٰذَا الْيَوْمُ

و بحرمت پیغمبر تو و حرمت نیکوکاران از آنکه بپایان رسد این روز

وَلَكَ قِبَلِيْ تَبِعَةٌ تُرِيْدُ اَنْ تُؤَاخِذَنِيْ بِهَا اَوْ ذَنْبٌ تُرِيْدُ اَنْ

حال آنکه بوده باشد مر ترا نزد من گناهی که اراده کنی آنکه مواخذه کنی مرا بآن یا گناهی که قصد کنی آنکه

تُقَايِسَنِيْ بِهِ وَتُشْقِيَنِيْ وَتَفْضَحَنِيْ بِهِ اَوْ خَطِيْئَةٌ تُرِيْدُ اَنْ تُقَايِسَنِيْ

بسنجی مرا بآن و بدبخت سازی و رسوا نمائی مرا بآن یا خطائی که اراده کنی آنکه مقایسه کنی مرا

بِهَا وَتَقْتَصَّهَا مِنِّيْ لَمْ تَغْفِرْهَا لِيْ وَاَسْاَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيْمِ

بآن و بگیری آنرا از من نیامرزیده باشی آنرا برای من سوال میکنم از تو بحرمت ذات بزرگوار تو

اَلْفَعَّالِ لِمَا يُرِيْدُ الَّذِيْ تَقُوْلُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُوْنُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

که بغایت توانا است بر کردن آنچه خواهد که میگوئی برای هر چیزی که شو پس میشود و نیست سزاوار پرستش مگر او

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْاَلُكَ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِنْ كُنْتَ رَضِيْتَ عَنِّيْ فِيْ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحرمت لا اله الا انت اگر بوده باشی که خشنود باشی از من در

هٰذَا الشَّهْرِ اَنْ تَزِيْدَ فِيْمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِيْ رِضًى فَاِنْ كُنْتَ لَمْ تَرْضَ عَنِّيْ

این ماه زیاده کنی در آنچه باقی مانده از عمر من خشنودی را پس اگر بوده باشی که خشنود نباشی از من

فِيْ هٰذَا الشَّهْرِ فَمِنَ الْاٰنَ فَارْضَ عَنِّيْ السَّاعَةَ السَّاعَةَ وَاجْعَلْنِيْ فِيْ هٰذِهِ

درین ماه پس از حالا خوشنود شو از من درین ساعت درین ساعت و بگردان مرا درین

السَّاعَةِ وَفِيْ هٰذَا الْمَجْلِسِ مِنْ عُتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَطُلَقَائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ

ساعت و درین مجلس از آزاد کردگان خود از آتش و از رها کردگان خود از دوزخ

وَسُعَدَاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرّٰحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

و نیکبختان خلق خود بآمرزش خود و بخشش خود ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا بدرستیکه

[illegible]

علی و فاطمه و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف الحجة القائم صلوات الله علیهم اجمعین

[illegible]

قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ايا ما تدعوا فله الاسماء الحسنى ولا تجهر بصلاتك ولا تخافت بها وابتغ بين ذلك سبيلا وقل الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا

اسألك بحرمة وجهك الكريم ان تجعل شهري هذا خير شهر

سؤال میکنم از تو بحرمت ذات بزرگوار تو اینکه بگردانی ماه مرا اینماه بهترین ماه

رمضان عبدتك فيه وصمته لك وتقربت به اليك منذ

رمضانی که عبادت کردم ترا دران و روزه داشتم آنرا از برای تو و نزدیکی جستم بسوی تو از آن وقت

اسكنتني فيه اعظمه اجرا واتمه نعمة واعمه مغفرة واكمله

که ساکن کردی مرا دران بزرگترین آن از روی مزد و تمام ترین آن از روی نعمت و فراگیرنده ترین آن از روی آمرزش و کاملترین آن

رضوانا واقربه الى ما تحب وترضى اللهم لا تجعله آخر شهر

از روی خوشنودی و نزدیکترین آن بسوی آنچه دوست داری و پسندی خداوندا مگردان آنرا آخر ماه

رمضان صمته لك وارزقني العود فيه ثم العود حتى ترضى وبعد

رمضانی که روزه داشتم آنرا بجهت تو و روزی کن مرا بازگشت دران پس بازگشت تا آنکه خشنود شوی و پس از

الرضا وحتى تخرجني من الدنيا سالما وانت عني راض وانا لك

خوشنودی و تا آنکه بیرون بری مرا از دنیا سالم و حال آنکه تو از من خوشنود باشی و من برای تو

مرضي اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم الذي

پسندیده باشم خداوندا بگردان درانچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر لازمی که

لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام في هذا

رد و ذکر کرده و مبدل کرده نشود آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود در این

العام وفي كل عام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور

سال و در هر سالی که پذیرفته حج ایشان جزا داده سعی ایشان آمرزیده

ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم المتقبل مناسكهم المعافين

گناهان ایشان ازاله کرده از ایشان بدیهای ایشان قبول کرده عبادتهای ایشان عافیت بخشیده

على اسفارهم المقبلين على نسكهم المحفوظين في انفسهم واموالهم

بر سفرهای ایشان و آورنده براعمال حج خود نگاهداشته شده در نفسهای خود و مالهای خود

وَذُرِّيّاتِهِم وَكُلِّ ما اَنعَمتَ بِهِ عَلَيهِم اَللّٰهُمَّ اَقلِبنى مِن مَجلِسى هٰذا

و فرزندان شان و هر چه انعام کردی بآن بر ایشان بار خدایا بازگردان مرا از مجلس من این مجلس

فى شَهرى هٰذا فى يَومى هٰذا فى ساعَتى هٰذِهِ مُفلِحًا مُنجِحًا مُستَجابًا

در ماه من این ماه در روز من این روز در ساعت من این ساعت فیروز رستگار پذیرفته

لى دُعائى مَغفورًا ذَنبى مُعافًا مِنَ النّارِ وَمُعتَقًا مِنها عِتقًا لا رِقَّ

برای من دعای من آمرزیده شده گناه من عافیت بخشیده شده از آتش و آزاد کرده شده از آن آزادی که نباشد بندگی

بَعدَهُ اَبَدًا وَلا رَهبَةَ يا رَبَّ الاَربابِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسأَلُكَ اَن تَجعَلَ

پس از آن هرگز و نه ترسی ای پروردگار پروردگاران خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اینکه بگردانی

فيما شِئتَ وَاَرَدتَ وَقَضَيتَ وَقَدَّرتَ وَحَتَمتَ وَاَنفَذتَ اَن تُطيلَ

از جمله آنچه خواستی و اراده نمودی و حکم کردی و تقدیر نمودی و واجب ساختی و روان ساختی اینکه دراز کنی

عُمرى وَتُنسِئَ فى اَجَلى وَاَن تُقَوِّىَ ضَعفى وَاَن تُغنِىَ فَقرى وَاَن تَجبُرَ

عمر مرا و پس اندازی اجل مرا و اینکه توانا کنی ناتوانی مرا و اینکه بی نیاز کنی نیازمندی مرا و اینکه تدارک کنی

فاقَتى وَاَن تَرحَمَ مَسكَنَتى وَاَن تُعِزَّ ذُلّى وَاَن تَرفَعَ ضَعَتى وَاَن تُغنِىَ

احتیاج مرا و اینکه رحم کنی درویشی مرا و اینکه ارجمند سازی خواری مرا و اینکه بلند گردانی پستی مرا و اینکه بی نیاز

عائِلَتى وَاَن تُؤنِسَ وَحشَتى وَاَن تُكَثِّرَ قِلَّتى وَاَن تُدِرَّ رِزقى فى عافِيَةٍ

نیازمندی مرا و اینکه رام کنی رمیدگی مرا و اینکه بسیار کنی کمی مرا و اینکه روان سازی روزی مرا در عافیت

وَيُسرٍ وَخَفضٍ وَاَن تَكفِيَنى ما اَهَمَّنى مِن اَمرِ دُنياىَ وَآخِرَتى وَلا تَكِلَنى

و توانگری و رفاهیت و اینکه رفع کنی از من آنچه غمگین نماید مرا از امر دنیای من و عقبای من و وامگذار

اِلىٰ نَفسى فَاَعجِزَ عَنها وَلا اِلَى النّاسِ فَيَرفُضونى وَاَن تُعافِيَنى

بسوی نفس خود من پس عاجز شوم از او و نه بسوی آدمیان پس واگذارند مرا و اینکه عافیت بخشی مرا

فى دينى وَبَدَنى وَجَسَدى وَروحى وَوُلدى وَاَهلى وَاَهلِ مَوَدَّتى

در دین من و بدن من و جسد من و روح من و فرزندان من و اهل من و دوستان من

واخوانی وجیرانی من المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء

وبرادران من وهمسایگان من از مردان گرونده وزنان گرونده ومردان مسلم وزنان مسلمه زندگان

منهم والاموات وان تمنّ علیّ بالامن والایمان ما ابقیتنی فانّک

از ایشان ومردگان واینکه منت گذاری بر من بامن وایمان تا دام که باقی داری مرا از برای که بتحقیق تو

ولیّی ومولای وثقتی ورجای ومعدن مسألتی وموضع شکوای

یار من وآقای من ومعتمد من وامید من وقرارگاه سؤال من وجایگاه شکایت من

ومنتهی رغبتی فلا تخیّبنی فی رجای یا سیّدی ومولای وثقتی

ومنتهای رغبت من پس ناامید مکن مرا در امید من ای بزرگ من وآقای من ومعتمد من

ولا تبطل طمعی ورجائی فقد توجّهت الیک بمحمّد وآل محمّد

وناچیز مکن طمع مرا وامید مرا پس بتحقیق روآوردم بسوی تو بوسیله محمد وآل محمد

وقدّمتهم الیک امامی وامام حاجتی وطلبتی وتضرّعی ومسألتی

وپیش داشتم ایشان را بسوی تو در پیش خود وپیش حاجت خود ومطلب خود وزاری کردن خود وسؤال کردن خود

فاجعلنی بهم وجیهاً فی الدنیا والآخرة ومن المقرّبین فانّک مننت

پس بگردان مرا بحرمت ایشان صاحب جاه در دنیا وآخرت واز نزدیکان زیرا که بتحقیق منت گذاردی

علیّ بهم فاختم لی بالسعادة والسلامة والامن والایمان والمغفرة

بر من بسبب ایشان پس ختم کن برای من نیک بختی وسلامتی وایمنی وایمان وآمرزش

والرضوان والسعادة والحفظ یا الله انت لکلّ حاجة لنا فصلّ

وخوشنودی وسعادت وحفاظت ای خدا توئی برای هر حاجتی که ما را است پس رحمت کن

علی محمّد وآله وعافنا ولا تسلّط علینا احداً من خلقک لا طاقة

بر محمد وآل او وعافیت بخش مرا ودست مده بر ما هیچکس را از خلق خود که نباشد توانائی

لنا به واکفنا کلّ امرٍ من امر الدنیا والآخرة یا ذا الجلال والاکرام

ما را باو وکار گذاری کن برای ما هر امری از امر دنیا وعقبی ای خداوند بزرگواری وکرامی

سوال

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ

رحمت لفرست بر محمد و آل محمد و برکت لفرست بر محمد و آل محمد و ترحم کن

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ

بر محمد و آل محمد و درود لفرست بر محمد و آل محمد مثل بهترین

مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلٰی إِبْرَاهِيمَ وَآلِ

رحمت که فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی و مهربانی کردی بر ابراهیم و آل

إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

ابراهیم بدرستیکه ستوده بزرگواری

واستحباب روزه داشتن شش روز بعد از عید در بعضی از روایات وارد شده است و نهی ازان نیز وارد شده است و ظاهرا روزه داشتن محمول بر تقیه است چنانچه در میان سنیان مشهور است و ترکش بهتر است و همچنین کراهت نکاح کردن در میان عید فطر و عید قربان اصلی ندارد و شاید اصلش از عامه بوده باشد و در ماه شوال چون عقد عائشه در ان واقع شده است و اکثر مفاسد بران مترتب شد و از بعضی روایات کراهت معلوم می شود اگر خصوص شوال را احتراز کنند بهتر است و اما اعمال ماه ذیقعده بدانکه آن اول ماههای حرام ست که حق تعالی در قرآن یاد فرموده است و آنها ذیقعده و ذی الحجه و محرم و ماه رجب ست و درین ماهها ابتدای قتال با کافران نباید کرد و شیخ مفید ره و غیر او از حضرت رسول صلعم روایت کرده اند که هرکه در یکی از ایام پنجشنبه و جمعه و شنبه را متوالی روزه دارد ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته می شود و در روایتی از حضرت رسول منقولست که در شب پانزدهم ماه ذیقعده حق تعالی بسوی بندگان مومن نظر رحمت میکند کسی که آن شب را بعبادت بسر آورد صواب صد عابد با و عطا کند که در یک چشم زدن معصیت خدا نکرده باشند و چون

نصف شب بگذرد شروع کن در دعا و عبادت و نماز و حاجات خود را از حق تعالی
طلب کن که هر حاجتی که طلب کنی مستجاب میگردد و بعضی از علما گفته اند که در روز بیست و سوم
ماه ذیقعده زیارت حضرت امام رضا علیه السلام از نزدیک و دور سنت است
و روز بیست و پنجم ذیقعده روز دحو الارض است یعنی پهن شدن زمین از زیر کعبه معظمه بر
روی آب روز بسیار مبارکی است و کلینی از محمد بن عبد الله روایت کرده
که حضرت امام رضا علیه السلام در شهر مرو در روز بیست و پنجم ذیقعده بیرون آمدند
و فرمودند که امروز را روزه بدارید که من نیز روزه ام گفتیم فدای تو شویم امروز چه روز
است فرمود روزی است که رحمت درین روز منتشر گردیده است و زمین درین روز پهن
شده است و کعبه درین روز نصب شده است و حضرت آدم علیه السلام درین روز
بزمین فرود آمده است و ابن بابویه رحمه الله روایت کرده است از حسن وشا که گفت
من با پدرم در خدمت امام رضا علیه السلام شام خوردیم در شب بیست و پنجم ماه
ذی قعده پس فرمود که امشب حضرت ابراهیم و حضرت عیسی علیهما السلام متولد شده اند
و زمین از زیر کعبه پهن شده است پس هر کسی که روزش را روزه بدارد چنانست که شصت
ماه را روزه داشته باشد و حضرت قائم علیه السلام درین روز ظاهر خواهد شد و از حضرت
رسول ص منقول است که حق تعالی رحمت خود را درین روز بر بندگان فرستاده است
و روزه اش مثل روزه هفتاد سال است و بروایت دیگر رحمت از آسمان درین شب
نازل شده است و تعظیم کعبه بر آدم درین روز نازل شده است هر که درین روز روزه
دارد و هر چه در میان آسمان و زمین است برای او [illegible] کنند و طلب آمرزش
نمایند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مروی است که اول رحمتی که از آسمان
بسوی زمین نازل شد در بیست و پنجم ماه ذیقعده بود هر که درین روز روزه
دارد و شب آنرا بعبادت بایستد از برای او عبادت صد ساله نوشته شود که روزها
را روزه داشته باشد و شبها را بعبادت بسر آورده باشد و هر جماعتی که درین روز

ذی القعده

[illegible]

پنجشنبه را ... که بعد و کار خود پیش از آنکه متفرق شوند حاجت ایشان بر آورده
شود و درین روز هزار هزار رحمت از جانب حق تعالی بر بندگان نازل میکرد و نود و نه
رحمت از آنها مخصوص جمعی است که مجتمع گردند و بذکر خدا مشغول شوند و روزش را
روزه بدارند و شبش را عبادت کنند و در روایتی وارد شده است که مستحب است
که درین روز در وقت چاشت دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از سوره
حمد پنج مرتبه سوره والشمس بخواند و بعد از سلام این دعا بخواند

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ أَقِلْنِي
نیست قدرتی و نه توانائی مگر بتوفیق خدای بلند قدر بزرگ ای درگذرنده لغزشها درگذر از
عَثْرَتِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ أَجِبْ دَعْوَتِي يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ
لغزش من ای اجابت کننده دعاها اجابت کن دعای مرا ای شنونده دعاها
اِسْمَعْ صَوْتِي وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
بشنو آواز مرا و رحم کن مرا و درگذر از بدیهای من ای خداوند بزرگوار و گرامی داشتن

و شیخ رحمه الله گفته است که مستحب است
که درین روز این دعا بخواند

اللَّهُمَّ دَاحِيَ الْكَعْبَةِ وَفَالِقَ الْحَبَّةِ وَصَارِفَ اللَّزْبَةِ وَكَاشِفَ
خداوندا ای گستراننده کعبه و شکافنده دانه و برگرداننده سختی و زائل کننده
كُلِّ كُرْبَةٍ أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ أَيَّامِكَ الَّتِي أَعْظَمْتَ حَقَّهَا
هر اندوه سوال میکنم از تو درین روز از روزهای تو که بزرگ گردانیدی حق آنرا
وَأَقْدَمْتَ سَبْقَهَا وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ وَدِيعَةً وَإِلَيْكَ ذَرِيعَةً
و پیش داشتی پیشی آنرا و گردانیدی آنرا نزد ایمان داران امانت و بسوی خود وسیله
وَبِرَحْمَتِكَ الْوَسِيعَةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ
و برحمت فراگیرنده تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد بنده خود که برگزیده شده است در روز پیمان

[illegible]

الْقَرِيبِ يَوْمَ التَّلَاقِ فَاتِقِ كُلِّ رَتْقٍ وَدَاعٍ إِلَى كُلِّ حَقٍّ عَلَى آلِهِ
بزرگ در روز ملاقات گشاینده هر بسته و خواننده بسوی هر حقی و بر خاندان او

الْأَطْهَارِ الْهُدَاةِ الْمَنَارِ دَعَائِمِ الْجَبَّارِ وَوُلَاةِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ
که پاکان و راه نمایندگان نشانه‌های هدایت ستونهای خدا و والیان اهل بهشت و دوزخ اند

أَعْطِنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا مِنْ عَطَائِكَ الْمَخْزُونِ غَيْرِ مَقْطُوعٍ وَلَا مَمْنُونٍ
و عطا کن ما را در روز ما این روز از عطای پنهان داشته خود حال آنکه نباشد بریده شده و نه منت نهاده شده

تَجْمَعُ لَنَا بِهِ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْأَوْبَةِ يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَأَكْرَمَ مَرْجُوٍّ يَا كَفِيُّ
در حالیکه جمع کنی برای ما بسبب آن توبه و نیکوئی بازگشت را ای بهترین کسیکه خوانده شود و بزرگوارترین کسیکه امید داشته شود

يَا وَفِيُّ يَا مَنْ لُطْفُهُ خَفِيٌّ الْطُفْ لِي بِلُطْفِكَ وَأَسْعِدْنِي بِعَفْوِكَ وَأَيِّدْنِي
ای وفا کننده ای آنکه لطف او پنهان است مهربانی کن با من بلطف خود نیکبخت کن مرا بعفو خود و قوت ده مرا

بِنَصْرِكَ وَلَا تُنْسِنِي كَرِيمَ ذِكْرِكَ بِوُلَاةِ أَمْرِكَ وَحَفَظَةِ سِرِّكَ
بیاری خود و فراموش مگردان از من یاد کردن گرامی خود بحرمت والیان امر خود و نگهدارندگان سر خود

احْفَظْنِي مِنْ شَوَائِبِ الدَّهْرِ إِلَى يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ وَأَشْهِدْنِي أَوْلِيَاءَكَ
نگاهدار مرا از آلودگیهای زمانه تا روز برانگیختن و زنده کردن و حاضر گردان برای من دوستان خود را

عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِي وَحُلُولِ رَمْسِي وَانْقِطَاعِ عَمَلِي وَانْقِضَاءِ أَجَلِي
نزد بیرون شدن روح من و فرود آوردن من در قبر خودم و بریدگی کردار من و منقضی شدن زندگی من

اللَّهُمَّ وَاذْكُرْنِي عَلَى طُولِ الْبِلَى إِذَا حَلَلْتُ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى
بار خدایا و یاد کن مرا بر درازی زمان پوسیدگی هرگاه فرود آیم میان طبقه‌های خاک

وَنَسِيَنِي النَّاسُونَ مِنَ الْوَرَى وَأَحْلِلْنِي دَارَ الْمُقَامَةِ وَبَوِّئْنِي مَنْزِلَ
و فراموش کنند مرا فراموش کنندگان از خلق و فرود آور مرا در سرای اقامت و جای ده مرا در منزل

الْكَرَامَةِ وَاجْعَلْنِي مِنْ مُرَافِقِي أَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ اجْتِبَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ
نوازش و بگردان مرا از رفقای دوستان خود و برگزیدگان خود و اختیار شدگان خود

دينك به وعلى يديه جديدا غضا ويمحض الحق محضا ويرفض

دین تو بسبب او و بر دستهای او نو تازه و خالص نماید حق را خالص کردنی و براندازد

الباطل رفضا اللهم صل عليه وآله وعلى جميع آبائه واجعلنا

باطل را برانداختنی خداوندا رحمت بفرست بر او و بر آل او و بر همه پدران او و بگردان ما را

من صحبه واسرته وابعثنا في كرّته حتى نكون في زمانه من

از یاران او و گروه او و برانگیز ما را در رجعت او تا آنکه بوده باشیم در زمان او از

اعوانه اللهم ادرك بنا قيامه واشهدنا ايامه وصل عليه

یاوران او خداوندا برسان ما را بزمان برپا شدن او و حاضر گردان ما را در روزهای دولت او و رحمت بفرست بر او

واردد الينا سلامه والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته

و بگردان بسوی ما سلام او را و درود بر ایشان و رحمت خدا و برکتهای او

باب پنجم در بیان فضائل و اعمال ماه مبارک ذیحجه است و در این پنج فصل است فصل اول
در بیان فضائل ماه ذیحجه و دهه اول و اعمال آنست ایام این دهه در نهایت فضیلت و
برکت اند و حق تعالی میفرماید واذكروا الله في ايام معدودات
یعنی یاد کنید خدا را در روزی چند شمرده شده یعنی کم و باز فرموده است
ويذكروا اسم الله في ايام معلومات على ما رزقهم من بهيمة الانعام
یعنی اعلام کن مردم را که بیایند بحج تا آنکه بیابند منفعتهای دنیا و آخرت را و یاد کنند خدا را در
روز چند معلوم برای آنکه روزی کرده است بایشان از گوشت چهارپایان که گاو و گوسفند
و شتر و بز است و در احادیث معتبره بسیار از ائمه اطهار صلوات الله علیهم منقول که
ایام معلومات ده روز اول ماه ذیحجه است و ایام معدودات روز دهم و
یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذیحجه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی محبوب تر نیست از ده روز اول ماه
ذیحجه چون این ماه داخل میشد صلحای صحابه و تابعان اهتمام عظیم در عبادت میکردند

وبسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پدرم امام محمد باقر علیه السلام با من گفت ای فرزند گرامی البته در هر شب ده روز اول ماه ذیحجه دو رکعت نماز بجا آور در میان نماز شام و خفتن و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سوره قل هو الله و این آیه را بخوان وَوٰعَدْنَا مُوسىٰ ثَلٰثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنٰاهٰا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقٰاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقٰالَ مُوسىٰ لِأَخِيهِ هٰرُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلٰا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ چون چنین کنی با حاجیان در ثواب حج شریک خواهی بود هر چند بحج نروی و روز اول ذیحجه روز مبارکی است و در روایتی وارد شده است که حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام درین روز متولد شده است و درین روز حق تعالی حضرت ابراهیم را خلیل خود گردانید و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقول است که هر که روز اول ماه ذیحجه را روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب هشتاد ماه روزه بنویسد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هر که روز اول ماه ذی الحجه را روزه بدارد حق تعالی ثواب روزه تمام عمر او از برای او بنویسد و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که از روز اول ذی الحجه تا روز نهم روزه مستحب است و اگر نتواند روز اول را روزه بدارد و در روز اول حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه صلوات الله علیها را بحضرت امیر المومنین علیه السلام تزویج نمود و بروایت دیگر در روز ششم تزویج نمودند و بدانکه روزه قضای ماه مبارک رمضان را از اول ماه تا روز عرفه می توان گرفت چنانچه علما گفته اند و احادیث صحیحه بران دلالت دارد و بعضی از روایات که بر منع وارد شده است سند آنها معتبر نیست و محمول است بر تقیه چنانچه در کتب مبسوطه دلائل آنرا ایراد کرده ام و بابن شیخ ره گفته است که مستحب است که در روز اول نماز حضرت فاطمه علیها السلام را بجا آورد و روایت شده است که آن چهار رکعت است مثل نماز حضرت امیر المومنین علیه السلام بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد می خواند

و بعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند و تسبیح این است

سُبْحَانَ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ سُبْحَانَ ذِی الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِیمِ

پاک است خداوند عزت با رفعت بلند پایه پاک است خداوند بزرگواری بلند مرتبه بزرگ

سُبْحَانَ ذِی الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِیمِ سُبْحَانَ مَنْ یَرَی أَثَرَ النَّمْلَةِ

پاک است خداوند پادشاهی عظیم دیرینه پاک است آنکه می بیند نشان پای مورچه را

فِی الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ یَرَی وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ

در سنگهای هموار پاک است آنکه می بیند فرود آمدن مرغ در هوا پاک است کسیکه

هُوَ هٰكَذَا وَلَا هٰكَذَا غَیْرُهُ

او چنین است و نیست چنین غیر او

مؤلف گوید که بعد از این انشاء الله مذکور خواهد شد که نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم صد مرتبه توحید و اگر هر دو را بعمل آورد و آن دعا را بعد از هر یک بخواند بهتر است و اگر بعد از سلام اول تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام را بخواند و بعد از آن این دعا را شاید بهتر باشد و در بعضی از روایات وارد شده است که مستحب است که در روز اول نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید و ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که هر که از ظالمی ترسد در روز اول ذی الحجه بگوید

حَسْبِی حَسْبِی حَسْبِی مِنْ سُؤَالِی عِلْمُكَ بِحَالِی

بس است مرا بس است مرا بس است مرا از سؤال نمودن دانستن او بحال من حق تعالی کفایت شر آن ظالم از او بکند و شیخ و کفعمی و سید ابن طاوس بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در روز اول ذی الحجه تا روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و در وقت غروب آفتاب پیش از نماز شام این دعا می خواندند

اللهم هذه الأيام التي فضلتها على غيرها من الأيام وشرفتها

بار خدایا این روزها است که زیادتی دادی آنها را بر غیر آنها از روزها و بلند کردی پایه آنها

قد بلغتنيها بمنك ورحمتك فأنزل علينا من بركاتك

رسانیدی مرا بآنها باحسان خود و رحمت خود پس فرو فرست بر ما از زیادتیهای خود

وأسبغ علينا فيها من نعمائك اللهم إني أسألك أن تصلي

و تمام کن بر ما از نعمتهای خود بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی

على محمد وآل محمد فيها وأن تهدينا فيها سبيل الهدى و

بر محمد و آل محمد در آنها و اینکه راه نمائی ما را در آنها راه هدایت و

ترزقنا فيها التقوى والعفاف والغنى والعمل فيها بما تحب

روزی کنی ما را در آنها پرهیزکاری و عفت و بی نیازی و کار کردن در آنها بانچه دوست داری

وترضى اللهم إني أسألك يا موضع كل شكوى ويا سامع كل نجوى

و بپسندی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو ای جای هر شکایتی و ای شنونده هر رازی

ويا شاهد كل ملأ ويا عالم كل خفية أن تصلي على محمد وآل محمد

و ای حاضر هر جمعی و ای دانای هر پنهانی اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وأن تكشف عنا فيها البلاء وتستجيب لنا فيها الدعاء وتقوينا

و اینکه زائل کنی از ما در آنها بلا را و بپذیری برای ما در آنها دعا را و قوت دهی ما را

فيها وتعيننا وتوفقنا فيها لما تحب ربنا وترضى وعلى ما افترضت

در آنها و مدد کنی ما را و توفیق دهی ما را در آنها برای آنچه دوست میداری ای پروردگار ما و بپسندی

علينا من طاعتك وطاعة رسولك وأهل ولايتك اللهم إني

بر ما از فرمان برداری خود و فرمان برداری رسول خود و دوستان خود خداوندا بدرستیکه من

أسألك يا أرحم الراحمين أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تهب لنا

سؤال میکنم از تو ای بخشنده ترین بخشایندگان اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه ببخشی ما را

فيها الرضا انك سميع الدعاء ولا تحرمنا خير ما نزل فيها من السماء

در آنها خوشنودی بدرستیکه تو بذیرنده دعائی و نا امید مکن ما را از خیر آنچه فرود آید در آنها از آسمان

وطهرنا من الذنوب يا علام الغيوب واوجب لنا فيها دار الخلود

و پاک کن ما را از گناهان ای دانای پنهانها و واجب گردان برای ما در آنها سرای همیشگی را

اللهم صل على محمد وآل محمد ولا تترك لنا فيها ذنبا الا غفرته

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و وامگذار برای ما در آنها گناهی را مگر آنکه بیامرزی آنرا

ولا هما الا فرجته ولا دينا الا قضيته ولا غائبا الا اديته ولا

و نه غمی مگر آنکه بگشائی آنرا و نه قرضی مگر آنکه ادا کنی آنرا و نه گم شده را مگر آنکه برسانی آنرا و نه

حاجة من حوائج الدنيا والآخرة الا سهلتها ويسرتها انك على

حاجتی از حاجتهای اینجهان و آنجهان مگر آنکه سهل کنی آنرا و آسان کنی آنرا بدرستیکه تو بر

كل شيء قدير اللهم يا عالم الخفيات يا راحم العبرات يا مجيب

هر چیز توانائی بار خدایا ای دانای پنهانها ای رحم کننده اشک دیده ها ای پذیرنده

الدعوات يا رب الارضين والسموات يا من لا تتشابه عليه

دعاها ای پروردگار زمینها و آسمانها ای آنکه مشتبه نمیشود براو

الاصوات صل على محمد وآل محمد واجعلنا فيها من عتقائك و

آوازها رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان ما را در این روزها از آزاد کردگان خود

طلقائك من النار والفائزين بجنتك الناجين برحمتك

و رها کردگان خود از آتش و فیروزی یافتگان ببهشت تو رستگاران برحمت تو

يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله اجمعين وسلم تسليما

ای بخشنده ترین بخشندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او همه و درود فرستد درود فراوانی

شیخ مفید و سید ابن طاوس رحمهما الله بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که جبرئیل علیه السلام از جانب خداوند جلیل برای حضرت عیسی علیه السلام پنج عا هدیه آورد و گفت یا عیسی این پنج دعا را در دهه اول

ماه ذی الحجه بخوان هر آینه هیچ عبادتی نزد حق تعالی محبوب‌تر نیست از عبادت کردن درین دهه اول

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد

گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست انباز حق را مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش

بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر دوم اشهد ان لا اله الا الله

بدست اوست نیکی و او بر همه چیز تواناست گواهی میدهم آنکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا

وحده لا شریک له احدا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا سوم

حال آنکه یگانه است نیست انبازی برای او یکتاست پناه نیازمندان فرا نگرفته است هیچ زنی و نه فرزندی

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له احدا صمدا لم یلد

گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا در حالیکه یگانه است نیست شریکی برای او یکتاست مقصود محتاجان است نزاده

ولم یولد ولم یکن له کفوا احد چهارم اشهد ان لا اله الا الله وحده

و زائیده نشده و نیست مر او را مانند هیچکس گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا در حالیکه یگانه است

لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده

نیست انبازی مر او را مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده میکند و می‌میراند و او زنده است که نمیرد بدست اوست

الخیر وهو علی کل شیء قدیر پنجم حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا

هر نیکی و او بر همه چیز تواناست بس است مرا خدا و کافی است شنید خدا مر آنرا که خواند او را

لیس وراء الله منتهی اشهد لله بما دعا وانه بریء ممن تبرأ وان

نیست غیر خدا منتهای گواهی میدهم برای خدا با آنچه خوانده خدا و بآنکه بتحقیق او بیزار است از آنکه بیزار است

لله الاخرة والاولی

مر خداست آنجهان و این جهان

پس حواریون گفتند یا روح الله چه ثواب دارد کسیکه این کلمات را بگوید حضرت عیسی علیه السلام گفت که هرکه وعا می اول صد مرتبه بخواند عمل هیچیک از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد دران روز و در روز قیامت حسنات او زیاده تر از همه کس باشد و هرکه دعای دوم

صد مرتبه بخواند چنان باشد که دوازده مرتبه توریت و انجیل خوانده باشد و ثواب آنها را
باو دهند حضرت عیسی گفت ای جبرئیل ثواب خواندن توریت و انجیل چیست جبرئیل گفت
طاقت بر داشتن تحریر توریت و انجیل نداشت هر که در آسمانهای هفت گانه است
از ملائکه تا آنکه مبعوث شدم من و اسرافیل زیرا که اسرافیل اول بنده بود که گفت لا حول و
لا قوة الا بالله و هر که دعای سوم را صد مرتبه بخواند حق تعالی بنویسد از برای او باین دعا
ده هزار حسنه و محو کند از و ده هزار هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت ده هزار
هزار درجه و فرود آیند از آسمان هفتاد هزار ملک که دستها بر داشته باشند و صلوات
فرستند بر کسیکه این کلمات را باین عدد خوانده است پس عیسی گفت که ای جبرئیل آیا
ملائکه صلوات می فرستند بر غیر پیغمبران جبرئیل گفت که هر که ایمان آورد بانچه پیغمبران
از جانب خدا آورده اند و تغییر ندهد شریعت ایشانرا حق تعالی ثواب پیغمبران را
باو عطا میفرماید و هر که دعای چهارم را صد مرتبه بخواند آن دعا را استقبال نماید ملکی
و بالا برد بسوی حق تعالی پس خدا نظر رحمت کند بسوی گوینده آن دعا برحمت و هر که
خدا نظر رحمت بر و کند هرگز شقی و بد عاقبت نشود پس حضرت عیسی گفت یا جبرئیل ثواب
دعای پنجم چیست جبرئیل گفت آن دعای من است و حق تعالی مرا رخصت نداده است
که ثواب آنرا بگویم مؤلف گوید که اگر هر روز هر یک ازین دعا را ده مرتبه بخواند دور نیست
که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز هر یک را صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و شیخ

و ابن بابویه و سید ابن طاوس رضی الله عنهم از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
روایت کرده اند که هر که در هر روز از دهه اول ذی الحجه این تهلیلات را ده مرتبه بخواند
حق تعالی عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت از مروارید و یاقوت و از میان هر درجه تا
درجه دیگر صد ساله راه باشد برفتار سواری که بتازد و در هر درجه شهری بوده باشد
و در ان شهر قصری باشد از یک جوهر که در ان فصلی نباشد و در هر شهری از ان شهرها از
انواع جواهر و غرفه ها و خانه ها و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و نهالیها و تکیه ها

و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حله‌ها بوده باشد که وصف کننده قادر بر وصف آنها
نباشد و چون از قبر بیرون آید از هر موی بدن او نوری ساطع باشد و مبادرت نمایند بسوی
آن هفتاد هزار ملک و از پیش رو و جانب راست و چپ او راه روند تا او را در بهشت برسانند و
چون داخل بهشت شود او را مقدم دارند و ملیکه از عقب آورند تا آنکه بشهری برسد که بیرونش از
یاقوت سرخ باشد و اندرونش از زبرجد سبز و دران شهر بوده باشد هر نعمتی که حق تعالی در بهشت
خلق کرده است پس باو گویند ای دوست خدا میدانی که این شهر چیست گوید نه و شما کیستید گویند
ما ملکی چندیم که حاضر بودیم در هنگامیکه تو آن تهلیلات را میخواندی در دنیا و این شهر و آنچه دران
هست از نعمتهای الهی یک ثواب تست بر خواندن آن تهلیلات و بشارت باد ترا به بهترین
ازین ثوابها و پیوسته در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار السلام که بلای و غمی و مکروهی
دران نمی باشد و نعمتها و رحمتهای خدا هرگز از و منقطع نمیگردد و تهلیلات اینست

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اللَّیَالِیْ وَالدُّهُوْرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اَمْوَاجِ
نیست سزاوار پرستش بجز خدا بشمار شبها و زمانها نیست سزاوار پرستش بجز خدا بشمار موجهای
الْبُحُوْرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَرَحْمَتُهٗ خَیْرٌ مِّمَّا یَجْمَعُوْنَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ
دریاها نیست سزاوار پرستش بجز خدا و رحمت او بهتر است از آنچه جمع کنند مردم نیست سزاوار پرستش بجز خدا بشمار
الشَّوْکِ وَالشَّجَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ
خارها و درختها نیست سزاوار پرستش بجز خدا بشمار مو و پشم شتر نیست سزاوار پرستش بجز خدا بشمار
الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُیُوْنِ وَالْبَصَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِی
سنگ و کلوخ نیست سزاوار پرستش بجز خدا بشمار بر هم زدن چشمها و بینائی نیست سزاوار پرستش بجز خدا در
اللَّیْلِ اِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الرِّیَاحِ فِی
شب چون تاریک گردد و صبح هرگاه بدمد نیست سزاوار پرستش بجز خدا بشمار بادها در
الْبَرَارِیْ وَالصُّخُوْرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنَ الْیَوْمِ اِلٰی یَوْمِ یُنْفَخُ فِی الصُّوْرِ
بیابانها و کوهها نیست سزاوار پرستش بجز خدا ازین روز تا روزیکه دمیده شود در صور

و از بعضی روایات مستفاد می شود که بکمرتبه نیز اکتفا می توان کرد و الله یعلم **فصل دوم** در اعمال روز ترویه و روز عرفه است روز ترویه روز هشتم ذی حجه است و روز مبارکی است و ابن بابویه از حضرت موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که حق تعالی برگزیده است از روزها چهار روز را جمعه و روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان و ایضا از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که روزه روز ترویه کفاره شصت سال گناه است و شب عرفه از لیالی متبرکه است و از حضرت رسول صلعم منقول است که در شب عرفه دعا مستجاب است و کسیکه آنشب را بعبادت بسر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد و آن شب مناجات با قاضی الحاجات است و هرکه در ان شب توبه کند توبه اش مقبول است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرکه در شب عرفه یا در شبهای جمعه این دعا را بخواند حق تعالی گناهانش را بیامرزد

اَللّٰهُمَّ یَا شَاهِدَ کُلِّ نَجْوٰی وَ مَوْضِعَ کُلِّ شَکْوٰی وَ عَالِمَ کُلِّ خَفِیَّةٍ وَ مُنْتَهٰی کُلِّ

بارخدایا ای دانای هر راز و قرارگاه هر شکایت و دانای هر پنهان و منتهای هر

حَاجَةٍ یَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ عَلَی الْعِبَادِ یَا کَرِیمَ الْعَفْوِ یَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ یَا جَوَادُ یَا مَنْ

حاجت ای ابتدا کننده بنعمتها بر بندگان ای گرامی عفو ای نیکو تجاوز ای بخشنده ای آنکه

لَا یُوَارِیْ مِنْهُ لَیْلٌ دَاجٍ وَلَا بَحْرٌ عَجَّاجٌ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ اَبْرَاجٍ وَلَا ظُلَمٌ ذَاتُ ارْتِتَاجٍ

نمی پوشاند از و شب تار و نه دریای بسیار آب و نه آسمان صاحب برجها و نه تاریکیهای صاحب سختی

یَا مَنِ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِیَاءٌ اَسْئَلُکَ بِنُوْرِ وَجْهِکَ الْکَرِیْمِ الَّذِیْ تَجَلَّیْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ

ای آنکه تاریکی نزد او روشنی است سوال میکنم از تو بروشنائی ذات بزرگوار تو که تابان شدی آنرا بر کوه

فَجَعَلْتَهُ دَکًّا وَ خَرَّ مُوْسٰی صَعِقًا وَ بِاسْمِکَ الَّذِیْ رَفَعْتَ بِهِ السَّمٰوٰتِ

پس گردانیدی آن کوه را خورد خورد و افتاد موسی بیهوش و بحرمت نام تو آن نامیکه بلند کردی بسبب آن آسمانها

بِلَا عَمَدٍ وَ سَطَحْتَ بِهِ الْاَرْضَ عَلٰی وَجْهِ مَاءٍ جَمَدٍ وَ بِاسْمِکَ الْمَخْزُوْنِ الْمَکْنُوْنِ

بی ستونی و گستردی بسبب آن زمین را بر روی آب ایستاده و بحرمت نام تو پنهان داشته شده پوشیده

المكتوب الطاهر الذي اذا دعيت به اجبت واذا سئلت به

نوشته شده است پاک است آن نامیکه هرگاه خوانده شوی با او اجابت کنی و هرگاه سوال کرده شوی با او

اعطيت وباسمك السبوح القدوس البرهان الذي هو نور على كل

بخشش نمائی و بنام تو که پاک است بغایت منزه است دلیل روشن است نامی که آن نور است بر هر

نور ونور من نور يضيء منه كل نور اذا بلغ الارض انشقت واذا بلغ

نوری و نوری است از نور روشن میشود از و هر نوری چون برسد بزمین بر اشکافته شود و هرگاه برسد

السموات فتحت واذا بلغ العرش اهتز وباسمك الذي ترتعد

آسمانها را گشوده شود و چون برسد عرش را بحرکت در آید بنام تو آن نامیکه لرزان شوند

منه فرائص ملائكتك واسألك بحق جبرئيل وميكائيل واسرافيل

از آن شانه های فرشتگان تو و سوال میکنیم از تو بحق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

وبحق محمد المصطفى صلى الله عليه وآله وعلى جميع الانبياء وجميع

و بحق محمد برگزیده رحمت فرستد خدا بر او و آل او و بر همه پیغمبران و همه

الملائكة وبالاسم الذي مشى به الخضر على قلل الماء كما مشى به على

فرشتگان و بحرمت آن نامی که رفتار نمود بسبب آن خضر بر اعالی آب چنانچه رفتار نمود بسبب او بر

جدد الارض وباسمك الذي فلقت به البحر لموسى واغرقت

روی زمین و بحرمت نام تو آن نامیکه شکافتی بسبب آن دریا را بجهت موسی و غرق نمودی

فرعون وقومه وانجيت به موسى بن عمران ومن معه وباسمك

فرعون و گروه او را و رهانیدی بسبب آن موسی ابن عمران و آنرا که با او بود و بحرمت نام تو

الذي دعاك به موسى بن عمران من جانب الطور الايمن فاستجبت

آن نامیکه خواند ترا بآن موسی ابن عمران از طرف راست کوه طور پس اجابت کردی

له والقيت عليه محبة منك وباسمك الذي احيى به عيسى بن مريم

او را و افکندی بر او محبتی از جانب خود و بحرمت نام تو آن نامی که زنده کرد بسبب او عیسی بن مریم

الموتى وتكلّم في المهد صبيّاً وابرأ الاكمه والابرص باذنك

مردگان را و سخن گفت در گهواره حال آنکه کودک بود و عافیت بخشید کور مادرزاد و پیس را به دستوری تو

وباسمك الذي دعاك به حملة عرشك وجبرئيل وميكائيل

و بنام تو آن نامی که خواندند ترا آن بردارندگان عرش تو و جبرئیل و میکائیل

واسرافيل وحبيبك محمد صلى الله عليه وآله وملائكتك المقربون

و اسرافیل و دوست تو محمد رحمت فرستد خدا برا او و آل او و فرشتگان مقربان

وانبياؤك المرسلون وعبادك الصالحون من اهل السموات

و پیغمبران فرستادگان و بندگان نیکان تو از اهل آسمانها

والارضين وباسمك الذي دعاك به ذو النون اذ ذهب مغاضبا

و زمینها و بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا با خداوند ماهی چون رفت خشمگین

فظنّ ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك

پس گمان کرد که هرگز تنگ نگیریم بر او پس خواند در تاریکیها باینکه نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو

اني كنت من الظالمين فاستجبت له ونجّيته من الغمّ وكذلك ننجي

بدرستیکه من هستم از ستمکاران پس اجابت کردی دعای او را و رهانیدی او را از اندوه و همچنین میرهانیم

المؤمنين وباسمك العظيم الذي دعاك به داود وخرّ لك ساجدا

مومنان را و بنام بزرگ تو که خواند ترا بآن داود و بر زمین افتاد برای تو سجده کنان

فغفرت له ذنبه وباسمك الذي دعتك به آسية امرأة فرعون

پس آمرزیدی برای او گناه او را و بنام تو که خواند ترا بآن آسیه زن فرعون

اذ قالت ربّ ابن لي عندك بيتا في الجنة ونجّني من فرعون وعمله

هنگامیکه گفت ای پروردگار من بنا کن برای من نزد خود خانه در بهشت و برهان مرا از فرعون و کردار او

ونجّني من القوم الظالمين فاستجبت لها دعاءها وباسمك الذي

و خلاص ده مرا از گروه ستمکاران پس اجابت کردی برای او دعای او را و بحرمت نام تو که خواند ترا

به ایوب اذ حل به البلاء فعافیته واتیته اهله ومثلهم معهم

آن ایوب هنگامیکه فرود آمد برو بلا پس عافیت بخشیدی او را و دادی او را خاندان او را و مانند ایشان را با ایشان

رحمة من عندك وذكرى للعابدين وباسمك الذي دعاك به يعقوب

بخشایشی از نزد خود و پندی برای عبادت کنندگان و بحرمت نام تو که خواند ترا بآن یعقوب

فرددت عليه بصره وقرة عينه يوسف وجمعت شمله وباسمك

پس گردانیدی براو بینائی او را و خنکی چشم او را یوسف و فراهم آوردی پراگندگی او را و بحرمت نام تو

الذي دعاك به سليمان فوهبت له ملكا لا ينبغي لاحد من بعده

که خواند ترا بآن سلیمان پس بخشیدی مر او را پادشاهی که سزاوار نیست هیچکس را پس از او

انك انت الوهاب وباسمك الذي سخرت به البراق لمحمد صلى الله عليه

بدرستیکه توئی بسیار بخشنده و بحرمت نام تو که رام کردی بسبب آن براق را بجهت محمد رحمت فرستد خدا

واله وسلم اذ قال تعالى سبحان الذي اسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام

و آل او و درود فرستد هنگامیکه گفت خدای برتر پاکست آنخدای که سیر داد بنده خود را در شب از مسجد الحرام

الى المسجد الاقصى وقوله سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين

تا مسجد اقصی که در شامست و قول رسول خدا که پاکست آنکه رام گردانید برای ما این را و نبودیم مر آنرا

وانا الى ربنا لمنقلبون وباسمك الذي تنزل به جبرئيل على محمد

و بدرستیکه بسوی پروردگار خود هر آینه بازگردندگانیم و بحرمت نام تو که فرود آمد بسبب آن جبرئیل بر محمد

صلى الله عليه واله وباسمك الذي دعاك به ادم فغفرت

رحمت فرستد خدا براو و آل او و بحرمت نام تو که خواند ترا بآن آدم پس آمرزیدی

له ذنبه واسكنته جنتك واسألك بحق القران العظيم وبحق محمد

برای او گناه او را و ساکن کردی او را در بهشت خود و سؤال میکنم بحق قرآن بزرگ و بحق محمد

خاتم النبيين وبحق ابراهيم وبحق فصلك يوم القضاء وبحق الموازين

آخر پیغمبران و بحق ابراهیم و بحق جدا کردن تو حق از باطل در روز حکم کردن و بحق ترازوها

اِذَا نُصِبَتْ وَالصُّحُفِ اِذَا نُشِرَتْ وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَمَا جَرٰى وَاللَّوْحِ وَمَا

ہرگاه برپا کرده شوند نامهای اعمال ہرگاه واکرده شوند وبحق قلم وآنچه روان شده بآن ولوح وآنچه

اَحْصٰى وَبِحَقِّ الْاِسْمِ الَّذِىْ كَتَبْتَهٗ عَلٰى سُرَادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ خَلْقِكَ

احاطه کرد آنرا وبحق نامی که نوشتی آنرا بر سراپرده عرش پیش از آفریدن تو

الْخَلْقَ وَالدُّنْيَا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ بِاَلْفَىْ عَامٍ وَاَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا

خلق ودنیا وآفتاب را وماه را بدوهزار سال وگواهی میدهم آنکه نیست خدا وار برستش مگر

اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ وَاَسْاَلُكَ

خدا حال آنکه یگانه است نیست انباری برای او وآنکه بتحقیق محمد بنده او ورسول اوست وسوال میکنم از تو

بِاسْمِكَ الْمَخْزُوْنِ فِىْ خَزَائِنِكَ الَّذِى اسْتَاْثَرْتَ بِهٖ فِىْ عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ

بحرمت نام تو آن نامیکه پنهان است در خزانه های تو آن نامیکه برگزیدی آنرا در جمله علم نهانی که نزد تست

لَمْ يَظْهَرْ عَلَيْهِ اَحَدٌ مِّنْ خَلْقِكَ لَا مَلَكٌ مُّقَرَّبٌ وَّلَا نَبِىٌّ مُّرْسَلٌ وَّلَا عَبْدٌ

مطلع نشده بر آن هیچکس از خلق تو نه فرشته مقربی ونه پیغمبر مرسلی ونه بنده

مُّصْطَفًى وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِىْ شَقَقْتَ بِهِ الْبِحَارَ وَقَامَتْ بِهِ الْجِبَالُ

برگزیده وسوال میکنم از تو بحرمت نام تو که شکافتی بسبب آن دریاها را وبرپا ست بسبب آن کوهها

وَاخْتَلَفَ بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَبِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثَانِىْ وَالْقُرْاٰنِ الْعَظِيْمِ

وآمد ورفت کرد بسبب آن شب وروز وبحق سوره فاتحه وقرآن بزرگ مرتبه

وَبِحَقِّ كِرَامٍ كَاتِبِيْنَ وَبِحَقِّ طٰهٰ وَيٰسٓ وَكٓهٰيٰعٓصٓ وَحٰمٓ عٓسٓقٓ

وبحق نویسندگان نامه اعمال وبحق طه ویس وکهیعص وحمعسق

وَبِحَقِّ تَوْرٰىةِ مُوْسٰى وَاِنْجِيْلِ عِيْسٰى وَزَبُوْرِ دَاوٗدَ وَفُرْقَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى

وبحق توریت موسی وانجیل عیسی وزبور داود وقرآن محمد رحمت فرستد

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَعَلٰى جَمِيْعِ الرُّسُلِ وَبِاَهْيَا شَرَاهِيَا اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْاَلُكَ

خدا بر او وآل او وبر همه پیغمبران وبحرمت خداوند ازلی ابدی خدایا بدرستیکه سوال میکنم ترا

بِحَقِّ تِلْكَ الْمُنَاجَاةِ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَوْقَ

بحق آن رازگوئی که بود میان تو و میان موسی پسر عمران بالای

جَبَلِ طُورِ سَيْنَاءَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِ

کوه طور سینا وسوال میکنم از تو بحرمت نام تو که آموختی آنرا بملک موت برای گرفتن

الْأَرْوَاحِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كُتِبَ عَلَى وَرَقِ الزَّيْتُونِ فَخَضَعَتِ

جانها وسوال میکنم از تو بحرمت نامی که نوشته شد بر برگ درخت زیتون پس فروتنی نمودند

النِّيرَانُ لِتِلْكَ الْوَرَقَةِ فَقُلْتَ يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا

آتشها برای آن برگ پس گفتی ای آتش بشو سرد وسلامت

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَالْكَرَامَةِ يَا مَنْ

وسوال میکنم از تو بحرمت نام تو که نوشتی آنرا بر سراپرده بزرگواری وکرامت ای آنکه

لَا يُحْفِيهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ يَا مَنْ بِهِ يُسْتَغَاثُ وَإِلَيْهِ يُلْجَأُ

نمیرنجاند او را سوال کننده وکم نمی سازد خزانه او را اعطای ای آنکه باو داد خواهی کرده میشود وبسوی او پناه برده میشود

أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ

سوال میکنم ترا بحرمت جاهای بستن عزت از عرش تو ونهایت بخشایشی که ظاهر است از کتاب تو و

بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَجَدِّكَ الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الْعُلَى

بحرمت نام تو که بزرگ است وعظمت تو که بلندتر است وسخنهای تو کامل بلند پایه

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَتْ وَالسَّمَاءِ وَمَا أَظَلَّتْ وَالْأَرْضِ وَمَا أَقَلَّتْ

خداوندا ای پروردگار بادها وانچه پراکنده نمود آنرا وآسمان وانچه سایه فکنده است آن وزمین وانچه برداشت آنرا

وَالشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّتْ وَالْبِحَارِ وَمَا جَرَتْ وَبِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ عَلَيْكَ

وشیطانهای پلید وانچه گمراه نموده اند آنرا ودریاها وانچه روان گردیده اند بر آن بحق هر حقی که آن بر تو

حَقٌّ وَبِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّوحَانِيِّينَ وَالْكَرُوبِيِّينَ وَالْمُسَبِّحِينَ

ثابت ولازم است وبحق فرشتگان نزدیکان وروحانیان وکروبیان وتنزیه کنندگان

بالليل والنهار لا يفترون وبحق ابراهيم خليلك وبحق كل ولي ناداك

در شب و روز در حالیکه سست نمی شوند و بحق ابراهیم دوست تو و بحق هر دوستی که بخواند ترا

بين الصفا والمروة وتستجيب له دعاءه يا مجيب أسألك بحق هذه الاسماء

میان صفا و مروه و می پذیری برای او دعای او را ای پذیرنده سوال میکنم از تو بحق این نامها

وبهذه الدعوات ان تغفر لنا ما قدمنا وما اخرنا وما اسررنا وما

و بحق این دعاها اینکه بیامرزی برای ما آنچه پیش فرستادیم و آنچه از پس فرستادیم و آنچه پنهان کردیم و آنچه

اعلنا وما ابدينا وما اخفينا وما انت اعلم به منا انك على كل

آشکار نمودیم و آنچه ظاهر ساختیم و آنچه پنهان نمودیم و آنچه تو داناتری بآن از ما بدرستیکه تو بر هر

شيء قدير برحمتك يا ارحم الراحمين يا حافظ كل غريب يا مونس كل

چیز توانائی ببخشایش خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای نگاهدارنده هر غریبی ای انس دهنده هر

وحيد يا قوة كل ضعيف يا ناصر كل مظلوم يا رازق كل محروم يا مونس

تنهائی ای توانائی هر ناتوانی ای یاور هر ستم رسیده ای روزی دهنده هر ناامید ای آرام

كل مستوحش يا صاحب كل مسافر يا عماد كل حاضر يا غافر كل ذنب

هر وحشت زده ای یار هر سفر کننده ای اعتماد کرده شده هر حاضری ای آمرزنده هر گناهی

وخطيئة يا غياث المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا كاشف كرب

و خطائی ای فریادرس فریادجویان ای دادرس دادخواهان ای زایل کننده اندوه

المكروبين يا فارج هم المهمومين يا بديع السموات والارضين

اندوهناکان ای گشاینده غم غمناکان ای نو پدید آورنده آسمانها و زمینها

يا منتهى غاية الطالبين يا مجيب دعوة المضطرين يا ارحم الراحمين

ای منتهای نهایت خواهندگان ای پذیرنده دعای بیچارگان ای بخشنده ترین بخشایندگان

يا رب العالمين يا ديان يوم الدين يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين

ای پروردگار جهانیان ای جزا دهنده روز جزا ای بخشنده ترین بخشندگان ای بزرگوارترین بزرگواران

يَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا اَبْصَرَ النَّاظِرِينَ يَا اَقْدَرَ الْقَادِرِينَ اِغْفِرْ لِيَ
ای شنواترین شنوندگان ای بیناترین بینندگان ای تواناترین توانایان بیامرز برای من
الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ
گناهانی را که تغییر میدهند نعمتها را و بیامرز برای من گناهانی را که باعث میشوند پشیمانی را
وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ السَّقَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي
و بیامرز برای من گناهانی را که باعث میشوند بیماری را و بیامرز برای من گناهانی را که
تَهْتِكُ الْعِصَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ
میدرند پرده های عصمت را و بیامرز برای من گناهانی را که بر میگردانند دعا را و بیامرز برای من
الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ قَطْرَ السَّمَاءِ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي
گناهانی را که باز میدارند باران آسمان را و بیامرز برای من گناهانی را که
تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَجْلِبُ الشَّقَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ
شتاب می آورند نیستی را و بیامرز برای من گناهانی را که میکشند بدبختی را و بیامرز برای من
الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ
گناهانی را که تاریک می کنند هوا را و بیامرز برای من گناهانی را که بر میدارند پرده را
وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا اللّٰهُ وَاحْمِلْ عَنِّي كُلَّ
و بیامرز برای من گناهانی را که نمی آمرزد آنها را غیر تو ای خدا و بردار از من هر
تَبِعَةٍ لِاَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَاجْعَلْ لِي مِنْ اَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَيُسْرًا
وبالی را که باشد برای یکی از خلق تو و بگردان برای من از امر خود گشایشی و بیرون رفتنی و آسانی
وَاَنْزِلْ يَقِينَكَ فِي صَدْرِي وَرَجَاءَكَ فِي قَلْبِي حَتَّى لَا اَرْجُوَ غَيْرَكَ
و فرو فرست یقین خود را در سینه من و امید خود را در دل من تا آنکه امید ندارم غیر ترا
اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِي وَعَافِنِي فِي مَقَامِي هٰذَا وَاصْحَبْنِي فِي لَيْلِي وَنَهَارِي
خداوندا نگاهدار مرا و عافیت بخش مرا در جایگاه من این جایگاه و یار باش مرا در شب من و روز من

ومن بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي ومن فوقي ومن

واز پیش روی من واز عقب من واز جانب راست من واز جانب چپ من واز بالای سر من واز

تحتي ويسر لي السبيل واحسن لي التيسير ولا تخذلني في العسير

زیر پای من وآسان کن برای من راه را ونیکو گردان برای من آسان نمودن او ترک یاری مکن مرا در امر اشکال

واهدني يا خير دليل ولا تكلني الى نفسي في الامور ولقني كل

وراه بنمای مرا ای بهترین راه نمایان و وامگذار مرا بسوی نفس من در کارها وپیش آور مرا هر

سرور واقلبني الى اهلي بالفلاح والنجاح محبورا في العاجل والآجل

شادی وباز گردان مرا بسوی اهل من با فیروزی ورستگاری شادان در دنیا وآخرت

انك على كل شيء قدير وارزقني من فضلك واوسع علي من طيبات

بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی وروزی کن مرا از بخشش خود وگشایش ده بر من از روزیهای

رزقك واستعملني في طاعتك واجرني من عذابك ونارك

پاکیزه خود وبکار آر مرا در فرمان برداری خود وپناه ده مرا از عذاب خود وآتش خود

واقلبني اذا توفيتني الى جنتك برحمتك اللهم اني اعوذ بك من

وبگردان مرا هرگاه بمیرانی بسوی بهشت خود برحمت خود خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از

زوال نعمتك ومن تحويل عافيتك ومن حلول نقمتك ومن نزول

زائل شدن نعمت تو واز برگردانیدن تو عافیت خود را واز فرو آمدن عقوبت تو واز نازل

عذابك واعوذ بك من جهد البلاء ودرك الشقاء ومن سوء القضاء

عذاب تو وپناه میگیرم بتو از مشقت بلاها ودریافتن بدبختی واز بدی قضا

وشماتة الاعداء ومن شر ما ينزل من السماء ومن شر ما في الكتاب

وشادی کردن دشمنان واز بدی آنچه فرود می آید از آسمان واز بدی آنچه در کتاب

المنزل اللهم لا تجعلني من الاشرار ولا من اصحاب النار ولا تحرمني

فرستاده شده است خداوندا مگردان مرا از بدان ونه از یاران آتش ومحروم مکن مرا

ذی الحجه

صُحْبَةَ الْاَخْيَارِ وَاَحْيِنِي حَيٰوةً طَيِّبَةً وَتَوَفَّنِي وَفَاةً طَيِّبَةً تُلْحِقُنِي بِالْاَبْرَارِ

صحبت نیکوکاران و زنده دار مرا زندگی پاکیزه و بمیران مرا مردن پاکیزه که برساند مرا به نیکوکاران

وَارْزُقْنِي مُرَافَقَةَ الْاَنْبِيَاءِ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ

و روزی کن مرا رفاقت پیغمبران در نشستگاه راستی نزد پادشاه توانا

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰى حُسْنِ بَلَائِكَ وَصُنْعِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْاِسْلَامِ

خداوندا پس مر تراست همه سپاس نیکوئی انعام تو و آفرینش تو و معروف تو و مر تراست همه سپاس بر اسلام

وَالسُّنَّةِ يَا رَبِّ كَمَا هَدَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَعَلَّمْتَهُمْ كِتَابَكَ فَاهْدِنَا وَعَلِّمْنَا

و بر راه پیغمبر ای پروردگار من چنانچه راه نمودی ایشان را بدین خود و آموختی ایشان را کتاب خود پس راه نما ما را و بیاموز ما را

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى حُسْنِ بَلَائِكَ وَصُنْعِكَ عِنْدِي خَاصَّةً كَمَا

و مر تراست همه سپاس نیکوئی انعام تو و معروف تو نزد من بخصوص چنانچه

خَلَقْتَنِي فَاَحْسَنْتَ خَلْقِي وَعَلَّمْتَنِي فَاَحْسَنْتَ تَعْلِيمِي وَهَدَيْتَنِي فَاَحْسَنْتَ

آفریدی مرا پس نیک کردی آفرینش مرا و آموختی مرا پس نیک کردی آموختن مرا و راه نمودی مرا پس نیک کردی

هِدَايَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى اِنْعَامِكَ عَلَيَّ قَدِيمًا وَحَدِيثًا فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ

راه نمائی مرا پس مر تراست همه سپاس انعام تو بر من انعام کهنه و نو پس بسیار اندوه ای آقای من تحقیق

فَرَّجْتَهُ وَكَمْ مِنْ غَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ نَفَّسْتَهُ وَكَمْ مِنْ هَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ كَشَفْتَهُ وَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ

گشودی آنرا و چه بسیار از غم ای آقای من تحقیق زائل کردی آنرا و بسا اندوه ای آقای من تحقیق دفع نمودی آنرا و بسا از بلا

يَا سَيِّدِي قَدْ صَرَفْتَهُ وَكَمْ مِنْ عَيْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ سَتَرْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى كُلِّ

ای آقای من که تحقیق باز گردانیدی آنرا و بسا از عیب ای آقای من تحقیق پوشانیدی آنرا پس مر تراست همه سپاس بر هر

حَالٍ فِي كُلِّ مَثْوًى وَزَمَانٍ وَمُنْقَلَبٍ وَمَقَامٍ وَعَلٰى هٰذِهِ الْحَالِ وَكُلِّ

حالتی در هر آرامگاهی و زمانی و بازگشتن گاهی و جای ایستادن و بر این حالت و بر هر

حَالٍ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ اَفْضَلِ عِبَادِكَ نَصِيبًا فِي هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ خَيْرٍ

حال خداوندا بکن مرا از افزون ترین بندگان خود در بهره در این روز از نیکی

تقسمه او ضرّ تکشفه او سوء تصرفه او بلاء تدفعه او خیر تسوقه
که قسمت کنی آنرا یا گزندی که زایل نمائی آنرا یا بدی که برطرف کنی آنرا یا بلائی که دفع کنی آنرا یا خیری که برسانی آنرا

او رحمة تنشرها او عافیة تلبسها فانک علی کل شیء قدیر وبیدک
یا رحمتی که پراگنده سازی آنرا یا عافیتی که بپوشانی آنرا زیرا که بتحقیق تو بر همه چیز توانائی و بدست تست

خزائن السموات والارض وانت الواحد الکریم المعطی الذی
گنجینه های آسمانها و زمین و توئی یگانه بزرگوار بخشنده که

لا یردّ سائله ولا یخیب امله ولا ینقص نائله ولا ینفد ما عنده
برگردانیده نمی شود سوال کننده او و نا امید نمیگردد امیدوار او و کم نمیگردد عطای او و نیست نمیشود آنچه نزد اوست

بل یزداد کثرة وطیبا وعطاء وجودا وارزقنی من خزائنک
بلکه زیاده میشود به بسیاری و پاکیزگی و بخشش و وجود و روزی کن مرا از خزانه های خود

التی لا تفنی ومن رحمتک الواسعة ان عطاءک لم یکن محظورا
که فانی نمیشود و از رحمت خود که فراگیرنده است بدرستیکه عطای تو نیست ممنوع

وانت علی کل شیء قدیر برحمتک یا ارحم الراحمین
و تو بر همه چیز توانائی برحمت خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان

و احادیث بسیار در فضیلت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در شب و روز عرفه
وارد شده است و زیارت نزدیک را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام زیارت
و در ان شاء الله تعالی بعد از این مذکور خواهد شد و پیشتر نیز زیارت آنحضرت مذکور شده اما
روز عرفه از اعیاد عظیمه است و کسیکه توفیق یابد که در عرفات باشد ادعیه و اعمال بسیار
وارد شده است و بهترین اعمال در این روز دعاست حتی مستحب است که جمع کنند
میان نماز ظهر و عصر در اول وقت و نافله و اذان عصر ساقط می شود و بعد از نماز عصر
مشغول دعا باید شد تا شام و دعا از برای برادران مومن از زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه در
حدیث صحیح منقول است که ابراهیم بن هاشم گفت که من عبد الله بن جندب را دیدم در موقف عرفات

و حال آن شخص را از و بهتر ندیدم پیوسته دستهای خود را بسوی آسمان بلند کرده بود و آب دیده اش بر روی زمین جاری بود تا بزمین میرسید چون مردم فارغ شدند گفتم و قوف آنشخص را بهتر از وقوف تو ندیدم گفت بخدا سوگند که دعا نکردم مگر برای برادران مومن خود زیرا که از حضرت موسی کاظم علیه السّلام شنیدم که هر که دعا کند برای برادران مومن خود در غیبت او از عرش ندا میرسد که از برای تو صد هزار برابر او باد پس من نخواستم که دست بر آورم از صد هزار برابر دعای ملک که البته مستجابست برای یک دعای خود که نمیدانم مستجاب خواهد شد یا نه و اگر کسی توفیق یابد که در روز عرفه در تحت قبهٔ مقدسهٔ حضرت امام حسین علیه السّلام باشد ثوابش کمتر از کسیکه در عرفات باشد نخواهد بود بلکه زیاده است چنانچه از حضرت صادق منقولست که هر که در روز عرفه بزیارت آنحضرت برود و حق او را بشناسد و او را امام واجب الاطاعه داند بنویسد حق تعالی برای او ثواب هزار حج و هزار عمرهٔ مقبوله و هزار جهاد که با پیغمبر مرسل باشد یا امام عادلی راوی گفت کجاست ثواب موقف عرفات حضرت از روی غضب بسوی او نظر کرد و فرمود بدرستیکه بنده مومن چون در روز عرفه نزد قبر آنحضرت حاضر شود و در نهر فرات غسل کند و متوجه زیارت آنحضرت شود بهر گامی که بر میدارد ثواب یک حج و یک عمره بجهت او نوشته می‌شود و در روایت دیگر فرمود که در روز عرفه حق سبحانه تعالی اول نظر رحمت بسوی زوار حضرت امام حسین علیه السّلام میکند و گناهان ایشانرا می‌آمرزد و حاجات ایشانرا بر می‌آورد و بعد از آن متوجه اهل عرفات میشود زیرا که در میان زوار آنحضرت حرامزاده و فرزند زنا نیست و در میان عرفات هست و کسیکه توفیق هیچیک از اینها نیافته باشد باید که در سایر بلاد غسل کند و در مجمع مومنان حاضر شود و زیارت آنحضرت بکند و اگر در بام بلندی یا صحرای گشاده باشد بهترست پس مشغول دعا شوند و تا شام مشتغل ذکر و دعا باشند تا در ثواب آنها شریک گردند چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست و احادیث در باب روزهٔ روز عرفه مختلف است و اکثر علما جمع میان احادیث باین روش کرده اند که اگر اشتباهی در ماه نباشد و او را از دعا کردن ضعیف نگرداند

والاکرم است یعنی ثوابش کثیرتر است و در روایتی واقع شده است که روزه روز عرفه برابر است
با روزه یکسال و اگر اشتباهی در ماه باشد یا با روزه از دعا ضعیف شود روزه نگرفتن بهتر است
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در روز عرفه پیش از آنکه متوجه دعا شود دو رکعت
نماز بکند در زیر آسمان و اعتراف کند نزد خدا بگناهان خود و اقرار کند بخطاهای خود فائز گردد بثواب
اهل عرفات و گناه گذشته و آینده اش آمرزیده شود و شیخ مفید ره این نماز را بعد از نماز عصر ذکر
کرده است و گفته که این نماز مخصوص جمعی است که در اطراف باشند و در عرفات نباشند و در
حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون خواهد مشغول دعا شود اول صد مرتبه
الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه قل هو الله
احد و صد مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و در روایتی دیگر فرمود که صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و صد
مرتبه لاحول ولاقوة الا بالله بگوید و صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد بگوید پس مشغول دعا شود
و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است آنرا با خضوع و خشوع و تانی و رقت بخواند که مشتمل است
بر جمیع مطالب دنیا و آخرت و شیخ طوسی ره بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که حضرت رسول بحضرت امیر المؤمنین ع گفت میخواهی ترا تعلیم کنم دعای روز
عرفه را و آن دعای پیغمبران پیش از من است میگوئی

لا اله الا الله وحده لا شریك له له الملك وله الحمد یحیی ویمیت
نیست معبودی سزاوار پرستش بجز خدا در حالتی که یگانه است نیست شریکی برای او و مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده میکند و میمیراند
وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم لك الحمد
و او زنده است که نمیرد بدست اوست هر نیکی و او بر هر چیز تواناست خداوندا مر تراست همه سپاس
کالذی تقول وخیرا مما نقول وفوق ما یقول القائلون اللهم لك
مانند آنچه میگوئی و بهتر از آنچه میگوئیم و بالای آنچه میگویند گویندگان خداوندا برای تست
صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی ولك براءتی وبك حولی ومنك قوتی
نماز من و عبادت من و زندگی من و مردن من و برای تست بیزاری من و به تست قدرت من و از تست توانائی من

اللهم انی اعوذ بک من الفقر ومن وسواس الصدر ومن شتات الامر

بارخدایا بدرستیکه من پناه می برم بتو از احتیاج و از اندیشهٔ باطل سینه و از پراکندگی کار

ومن عذاب القبر اللهم انی اسالک خیر الریاح واعوذ بک من شر

و از عذاب قبر بارخدایا بدرستیکه من میخواهم از تو بهترین بادها و پناه میگیرم بتو از بدی

ما تجیء به الریاح واسالک خیر اللیل وخیر النهار اللهم اجعل

آنچه می آورد آنرا بادها و میخواهم از تو نیکی شب و نیکی روز را بارخدایا بگردان

فی قلبی نورا وفی سمعی نورا وفی بصری نورا وفی لحمی نورا وفی دمی

در دل من روشنائی و در گوش من روشنائی و در چشم من روشنائی و در گوشت من روشنائی و در خون من

وعظامی وعروقی ومقامی ومقعدی ومدخلی ومخرجی نورا واعظم

و استخوان من و رگهای من و ایستادنگاه من و نشستنگاه من و جای درآمدن من و جای بیرون آمدن من روشنائی و بزرگ گردان

لی النور یا رب یوم القاک انک علی کل شیء قدیر

برای من روشنائی ای پروردگار من در روزیکه ملاقات کنم ترا بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی

و از حضرت امام رضا علیه الصلوة والسلام منقول است که این دعا را در روز

عرفه بخوانند

اللهم کما سترت علی ما لم اعلم فاغفر لی ما تعلم وکما وسعنی علمک

خداوندا چنانچه پوشانیدی بر من آنچه را نمیدانستم از گناهان پس بیامرز برای من گناهی را که تو میدانی و چنانچه فرا گرفت مرا علم تو

فلیسعنی عفوک وکما بدأتنی بالاحسان فاتمم نعمتک بالغفران وکما

پس باید که فرا گیرد مرا در گذشتن تو و چنانچه آغاز کردی مرا به نیکوئی پس تمام کن نعمت خود را با آمرزش و چنانچه

اکرمتنی بمعرفتک فاشفعها بمغفرتک وکما عرفتنی وحدانیتک

گرامی داشتی مرا بشناختن خود پس جفت کن آنرا با آمرزش خود و چنانچه شناسانیدی بمن یگانگی خود را

فاکرمنی بطاعتک وکما عصمتنی مما لم اکن اعتصم منه الا بعصمتک

پس گرامی دار مرا بفرمان برداری خود و چنانچه نگاهداشتی مرا از آنچه نبودم من نگاهدارم خود را از آن مگر به نگاهداری تو

فاغفر لي ما اوحشت عصمتني منه يا جواد يا كريم يا ذا الجلال والاكرام

پس بیامرز برای من آنچه را که به جا آورده‌ام نگاه داشتی مرا از آن ای بخشنده ای بزرگوار ای خداوند بزرگواری و بزرگی

و از حضرت امام موسی علیه السلام این دعا منقول است

اللهم اني عبدك وابن عبدك ان تعذبني فبامور قد سلفت

خداوندا بدرستیکه من بنده تو و پسر بنده توام اگر عذاب کنی مرا پس باعتبار کارهاییست که بتحقیق گذشته

مني وانا بين يديك بمتي وان تعف عني فاهل العفو انت يا اهل

از من و من پیش توام تمام اعضای خود و اگر درگذری از من پس سزاوار درگذشتن توئی ای سزاوار

العفو يا احق من عفا اغفر لي ولاخواني

درگذشتن ای سزاوارتر کسیکه درگذشت بیامرز مرا و برادران مرا

و از جمله دعاهای مشهور روز عرفه دعای حضرت سید الشهدا امام حسین علیه السلام است

بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده اند که پسین روز عرفه در عرفات در خدمت

آنحضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون آمدند با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان خود

با نهایت تذلل و خشوع پس از جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را بسوی کعبه کردانیدند

و دستها را برابر رو برداشتند مانند کسیکه با نهایت مذلت و مسکنت طعام طلبد این دعا را خواندند

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي ليس لقضائه دافع ولا لعطائه

بنام خدای بخشاینده مهربان همه سپاس خدایرا که نیست مر حکم او را دفع نماینده و نه بخشش او را

مانع ولا كصنعه صنع صانع وهو الجواد الواسع فطر اجناس البدائع

بازدارنده و نه مانند کار او کار کارکننده و اوست بخشنده فراگیرنده آفرید انواع بدیع‌ها را

واتقن بحكمته الصنائع ولا تخفى عليه الطلائع ولا تضيع عنده

و محکم نمود بدانش خود کارها و پنهان نیست بر او جماعتها و ضایع نگردد نزد او

الودائع جازي كل صانع ورائش كل قانع وراحم كل ضارع ومنزل

امانتها او جزا دهنده هر کار کننده عطا کننده هر قانع نماینده رحم کننده هر زاری نماینده فرو فرستنده

الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ وَلِلْمُطِيعِ

سودها و کتابی که جامع همه چیز است بنور درخشان و او مر دعاها را شنونده و فرمان داران را

نَافِعٌ وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَلِلْكُرُبَاتِ دَافِعٌ وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ وَرَاحِمُ عَبْرَةِ

سود بخشنده و مرتبه ها را بلند کننده و بلاها را زائل کننده و متکبران را خوار سازنده و رحم کننده اشک

كُلِّ ضَارِعٍ وَدَافِعُ ضَرْعَةِ كُلِّ ضَارِعٍ فَلَا إِلٰهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ وَلَيْسَ

هر زاری کننده و زائل سازنده افتادگی هر افتاده پس نیست سزاوار پرستش غیر او و نه چیزی که برابری کند با او

كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

مانند او چیزی و اوست شنوا بینا مهربان آگاه و او بر هر چیز تواناست

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقِرًّا بِأَنَّكَ رَبِّي وَأَنَّ

خداوندا بدرستیکه من خواهش دارم بسوی تو و گواهی میدهم به پروردگاری تو در حالتیکه اقرار کننده‌ام بآنکه تو پروردگار منی و

إِلَيْكَ مَرَدِّي ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا وَخَلَقْتَنِي

بسوی تست بازگشت من آغاز کردی مرا به نعمت خود پیش از آنکه بوده باشم چیزی نام برده شده و آفریدی مرا

مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ آمِنًا لِرَيْبِ الْمَنُونِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ

از خاک پس قرار دادی مرا در پشتهای پدران ایمن از شداید زمانه و آمد و رفت روزگارها

فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلْبٍ إِلَىٰ رَحِمٍ فِي تَقَادُمِ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ

پس همیشه بودم منتقل از پشت پدری بسوی رحم مادر در پیشین روزهای گذشته و زمانهای

الْخَالِيَةِ لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَلُطْفِكَ لِي وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أَئِمَّةِ

رفته بیرون نیاوردی مرا بجهت مهربانی خود بمن و نوازش خود مرا و نیکو کردن بسوی من در دولت ائمه

الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ لٰكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي رَأْفَةً

کافران آنانکه شکستند پیمان ترا و دروغ نسبت دادند فرستادگان ترا لیکن تو بیرون آوردی مرا بجهت مهربانی

مِنْكَ وَتَحَنُّنًا عَلَيَّ لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي يَسَّرْتَنِي وَفِيهِ

خود و ترحم نمودن بمن برای آنچه پیشی گرفته است مرا از راه نمائی که مهیا کرده برای من و در آن

أنشأتني ومن قبل ذلك رؤفت بي بجميل صنعك وسوابغ نعمك

پدید آوردی مرا و پیش از آن مهربانی کردی بمن به کار نیکوی خود و نعمتهای کامل از جمله نعمت خود

فابتدعت خلقي من منيّ يمنى ثم أسكنتني في ظلمات ثلاث بين لحم

پس پدید آوردی صفت مرا از آب منی که ریخته شود در رحم پس قرار دادی مرا در تاریکیهای سه گانه میان گوشت

ودم وجلد لم تشهدني بخلقي ولم تجعل إليّ شيئاً من أمري ثم أخرجتني إلى

و پوست و خون و مشهود نساختی مرا بخلقت من و نگردانیدی بسوی من چیزی از کار مرا پس بیرون آوردی مرا بسوی

الدنيا تامّاً سويّاً وحفظتني في المهد طفلاً صبيّاً ورزقتني من الغذاء

دنیا کامل درست اعضاء و نگاه داشتی مرا در گهواره حال آنکه طفل صغیر بودم و روزی کردی مرا از جمله خوردنی

لبناً مريئاً وعطفت عليّ قلوب الحواضن وكفّلتني الأمّهات

شیر تازه گوارا و مهربان کردی بر من دلهای تربیت کنندگان را و کارگذار نمودی برای من مادرهای

الرواحم وكلأتني من طوارق الجانّ وسلّمتني من الزيادة والنقصان

مهربان را و حراست نمودی مرا از آسیبهای که میرسد از جن و سالم داشتی مرا از زیادتی و نقصان

فتعاليت يا رحيم يا رحمن حتّى إذا استهللت ناطقاً بالكلام أتممت

پس برتری تو ای مهربان ای بخشاینده تا آنکه چون بآواز آمدم در حالیکه گویا بودم بسخن تمام کردی

عليّ سوابغ الإنعام وربّيتني زائداً في كلّ عام حتّى إذا كملت فطرتي

بر من انعامهای کامل خود را پس پروردی مرا زیاده شونده در هر سالی تا آنکه چون کامل شد خلقت من

واعتدلت مرّتي أوجبت عليّ حجّتك بأن ألهمتني معرفتك

و درست شد پنهانی امر من لازم کردی بر من حجت خود را بآنکه الهام کردی بمن شناختن خود را

وروّعتني بعجائب فطرتك وأنطقتني لما ذرأت في سمائك وأرضك

و شگفت آوردی مرا بغرایب آفرینش خود و گویا کردی مرا برای آنچه خلق کردی در آسمان خود و زمین خود از

بدائع خلقك ونبّهتني لذكرك وشكرك وواجب طاعتك وعبادتك

غرایب خلق خود آگاه کردی مرا برای یاد کردن خود و سپاسگذاری خود و فرمانبرداری خود و پرستیدن

وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ وَمَنَنْتَ عَلَيَّ

و فهمانیدی مرا آنچه آورده اند آنرا فرستادگان تو و آسان کردی برای من برفتن خوشنودیهای ترا و منت گذاشتی بر من

فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى لَمْ تَرْضَ لِي

در همه آنها بمدد کاری خود و مهربانی خود پس چون آفریدی مرا از خالص خاک پسندیدی برای من

يَا إِلَهِي بِنِعْمَةٍ دُونَ أُخْرَى وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ بِمَنِّكَ

ای خدای من نعمتی را غیر نعمت دیگر و روزی کردی مرا از انواع روزیها و اقسام پوششها بانعام

الْعَظِيمِ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ حَتَّى إِذَا أَتْمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ

بزرگ خود بر من و نیکوئی دیرینه خود بسوی من تا آنکه وقتیکه تمام کردی بر من همه نعمتها را و گردانیدی

عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي عَلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ

از من تمام ناخوشیها را باز نداشت ترا نادانی من و دلیری من بر تو از آنکه راه نمائی مرا بر آنچه نزدیک دارد مرا

وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزْلِفُنِي لَدَيْكَ فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي

و توفیق دهی مرا برای آنچه نزدیک سازد مرا نزد تو پس اگر بخوانم ترا اجابت میکنی مرا و اگر خواهم از تو عطا میکنی مرا

وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعُمِكَ

و اگر فرمان برداری کنم ترا اجر امیدی مرا و اگر سپاس گذاری کنم ترا افزون میکنی مرا همه اینها بجهت تمام کردن نعمتهای تو

عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبْدِئٍ مُعِيدٍ حَمِيدٍ مَجِيدٍ تَقَدَّسَتْ

بر من و نیکوئی کردن تو است پس منزهی تو منزهی تو پدید آورنده باز گرداننده ستوده بزرگوار پاک است

أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ آلَاؤُكَ فَأَيُّ نِعَمِكَ يَا إِلَهِي أُحْصِي عَدَداً وَذِكْراً أَمْ أَيُّ

نامهای تو و بزرگ است نعمتهای تو پس کدام نعمت ای خداوند من در یابم بشمار یا بیاد آوردن یا کدام

عَطَايَاكَ أَقُومُ بِهَا شُكْراً وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ أَوْ يَبْلُغَ عِلْماً

بخششهای ترا قیام نمایم بآنها از روی سپاس گذاری و آن ای پروردگار من بیشتر از آنکه بشمارند آنها را شمار کنندگان یا

بِهَا الْحَافِظُونَ ثُمَّ مَا دَرَأْتَ وَصَرَفْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضُّرِّ وَالضَّرَّاءِ أَكْثَرُ مِمَّا

بآنها ضبط کنندگان پس آنچه دفع کردی و گردانیدی از من خداوندا از بدحالی و ناخوشی بیشتر است از آنچه

ظَهَرَ لِی مِنَ الْعَافِیَةِ وَالسَّرَّاءِ وَاَنَا اُشْهِدُكَ یَا اِلٰهِی بِحَقِیقَةِ اِیمَانِی

ظاهر شد برای من از عافیت و خوشی و من گواه میکنم ترا ای خدای من بکنه خالص ایمان خود

وَعَقْدِ عَزَمَاتِ یَقِینِی وَخَالِصِ صَرِیحِ تَوْحِیدِی وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِیرِی

و بستن قصدهای ثابت خود و خالص محض توحید خود و پنهان پوشیده دل خود

وَعَلَائِقِ مَجَارِی نُورِ بَصَرِی وَاَسَارِیرِ صَفْحَةِ جَبِینِی وَخُرْقِ مَسَارِبِ

و در آویخته های روان شدن نور دیده من و خطهای صفحهٔ پیشانی من و سوراخهای راههای

نَفْسِی وَخَذَارِیفِ مَارِنِ عِرْنِینِی وَمَسَارِبِ صِمَاخِ سَمْعِی وَمَا ضُمَّتْ

نفس من و پاره های نرمهٔ بینی من و راههای سوراخ گوش من و آنچه بهم آورده شد

وَاُطْبِقَتْ عَلَیْهِ شَفَتَایَ وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِی وَمَغْرِزِ حَنَكِ فَمِی

و پوشانیده شده بران لبهای من و جنبش های سخن زبان من و جای فرو بردن پایهٔ کام دهان من

وَفَكِّی وَمَنَابِتِ اَضْرَاسِی وَبُلُوغِ حَبَائِلِ بَارِعِ عُنُقِی وَمَسَاغِ مَاْكَلِی

و طرف بالا دهان من و جاهای رویدن دندانهای من و کامل شدن رسنهای گردن من و جای فرو بردن خوردنی

وَمَطْعَمِی وَمَشْرَبِی وَحِمَالَةِ اُمِّ رَاْسِی وَجُمَلِ حَمَائِلِ حَبْلِ وَتِینِی وَمَا

و طعام من و آشامیدن من و پردهٔ دماغ من و همه شعبه های رشتهٔ رگ دل من و آنچه

اشْتَمَلَ عَلَیْهِ تَامُورُ صَدْرِی وَنِیَاطِ حِجَابِ قَلْبِی وَاَفْلَاذِ حَوَاشِی

مشتمل است بران دلی که در سینه من است و رگ پردهٔ دل من و قطعهای کناره های

كَبِدِی وَمَا حَوَتْهُ شَرَاسِیفُ اَضْلَاعِی وَحِقَاقِ مَفَاصِلِی وَاَطْرَافِ

جگر من و آنچه فرا گرفته آنرا سرهای استخوانهای پهلو من و جاهای پیوستن بندهای استخوانهای من و کناره های

اَنَامِلِی وَقَبْضِ عَوَامِلِی وَلَحْمِی وَدَمِی وَشَعْرِی وَبَشَرِی وَعَصَبِی وَقَصَبِی

انگشتان من و گرد کردن دستها و پاهای من و گوشت من و خون من و موی من و پوست من و پی من و استخوانهای میان تهی من

وَعِظَامِی وَمُخِّی وَعُرُوقِی وَجَمِیعِ جَوَارِحِی وَمَا انْتَسَجَ عَلٰی ذٰلِكَ اَیَّامَ

و استخوان من و مغز استخوان من و رگهای من و همه عضوهای من و آنچه بافته شده بر اینها در روزگار

فَيَرْفَدَهُ فِيمَا صَنَعَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ

پس یاری دهد او را در آنچه کرده است پاک است و پاک است او اگر بودی در آسمان و زمین خدایانی

إِلَّا اللّٰهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا فَسُبْحَانَ اللّٰهِ الْوَاحِدِ الْحَقِّ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي

غیر از خدا و پرستش برایشان تباه شدندی و شکافته شدندی آسمان و زمین پس پاک است خدای یگانه ثابت یکتا پناه بی‌نیاز آن خدائی که

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ الْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْداً يَعْدِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ

نزاده و زائیده نشده و نیست مر او را مانند هیچ کس سپاس مر خدا را سپاسی که برابری کند سپاس فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى خِيَرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ

نزدیکان و پیغمبران فرستادگان او را و رحمت فرستد خدا بر اختیار کرده خود از خلق خود محمد

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلَصِينَ

آخر پیغمبران و آل او پاکیزگان و پاکان خالص گردانیده شدگان

پس شروع فرمود آنحضرت در سوال و اهتمام نمود در دعا و آب از

دیده‌های مبارکش جاری بود پس گفت

اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ وَلَا تُشْقِنِي

خداوندا بگردان مرا که بترسم ترا که گویا می‌بینم ترا و نیکبخت کن مرا به پرهیزکاری خود و بدبخت مساز مرا

بِمَعْصِيَتِكَ وَخِرْ لِي فِي قَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ

به نافرمانی خود و عطا کن مرا خیر در حکم خود و برکت ده در تقدیر خود تا آنکه دوست ندارم بشتاب کردن

مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَالْيَقِينَ

آنچه را که باز پس داری و نه باز پس داشتن آنچه را که بشتاب آوری خداوندا بگردان بی‌نیازی مرا در نفس من و یقین را

فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالنُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي

در دل من و اخلاص را در کردار من و روشنائی را در دیده من و بینائی را در دین من

وَمَتِّعْنِي بِجَوَارِحِي وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي وَانْصُرْنِي عَلَى

و بهره‌ور کن مرا با عضاهای من و بگردان گوش مرا و دیده مرا میراث برندگان از من و یاری ده مرا که

ظُلمي وارزقني فيه مآربي وثاري وأقرّ بذلك عيني اللهم اكشف

ستم شود مرا و روزی کن مرا در این روز حاجتهای مرا و خون مرا و خنک کن بآن دیده مرا خداوندا زایل کن

كربتي واستر عورتي واغفر لي خطيئتي واخسأ شيطاني وفكّ رهاني

اندوه مرا و بپوشان امر زشت مرا و بیامرز برای من گناه مرا و دور کن شیطان مرا که موکل است بمن

واجعل لي يا الهي الدرجة العليا في الآخرة والاولى اللهم لك

و بگردان برای من ای خدای من مرتبه بلندی در آنجهان و این جهان خداوندا مر تراست

الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعا بصيرا ولك الحمد كما خلقتني فجعلتني

سپاس چنانچه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا شنوا بینا و مر تراست سپاس چنانچه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا

حيّا سويّا رحمة بي وكنت عن خلقي غنيّا ربّ بما برأتني فعدّلت

زنده یکسان از راه مهربانی بمن و بودی از آفرینش من بی نیاز ای پروردگار من بسبب آنچه پیدا کردی مرا

فطرتي ربّ بما انشأتني فأحسنت صورتي يا ربّ بما احسنت

خلقت مرا ای پروردگار من بجهت آنچه ایجاد کردی مرا پس نیکو نمودی هیئت مرا ای پروردگار من

بي وفي نفسي عافيتني ربّ بما كلأتني ووفّقتني ربّ بما انعمت

بمن و در نفس من عافیت بخشیدی مرا ای پروردگار من بجهت آنچه حفظ کردی او توفیق دادی مرا ای پروردگار من

عليّ فهديتني ربّ بما أوليتني ومن كلّ خير اعطيتني

بر من پس راه نمودی مرا ای پروردگار من بجهت آنچه دادی مرا از هر نیکی که دادی مرا و بخشیدی مرا

ربّ بما اطعمتني وسقيتني ربّ بما اغنيتني واقنيتني ربّ

ای پروردگار من بجهت آنچه طعام دادی مرا و آب دادی مرا ای پروردگار من بجهت آنچه بی نیاز کردی مرا

بما اعنتني واعززتني ربّ بما البستني من ذكرك الصافي ويسّرت

بجهت آنچه مدد کردی مرا و ارجمند ساختی مرا ای پروردگار من بجهت آنچه پوشانیدی مرا و مهیا کردی

لي من صنعك الكافي صلّ على محمّد وآل محمّد واعنّي على بوائق الدهر

برای من از بخشش خود که بسنده است رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و مدد کن مرا بر بلاهای روزگار

وصروف الأيام والليالي ونجني من أهوال الدنيا وكربات الآخرة

و حوادث روزها و شبها و برهان مرا از ترسهای اینجهان و اندوههای آنجهان

واكفني شر ما يعمل الظالمون في الأرض اللهم ما أخاف فاكفني وما

و بس بسند شو مرا از بدی آنچه میکنند ستمکاران در زمین خداوندا آنچه می ترسم پس بسند شو تو مرا و آنچه

أحذر فقني وفي نفسي وديني فاحرسني وفي سفري فاحفظني وفي

می پرهیزم پس نگاه دار مرا از آن و در نفس من و دین من پس نگاه دار مرا و در سفر من پس حفظ کن مرا و در

أهلي ومالي وولدي فاخلفني وفيما رزقتني فبارك لي وفي نفسي

اهل من و مال من و فرزندان من پس خلیفه باش مرا و در آنچه روزی کردی مرا پس برکت ده مرا و در نفس من

فذللني وفي أعين الناس فعظمني ومن شر الجن والإنس فسلمني وبذنوبي

پس خوار کن مرا و در دیده های آدمیان پس بزرگ گردان مرا و از بدی دیوان و آدمیان پس سالم دار مرا و بگناهان من

فلا تفضحني وبسريرتي فلا تخزني وبعملي فلا تبتلني ونعمك

پس رسوا مساز مرا و بنهانهای من پس رسوا مکن مرا و بکردار من پس مبتلا مکن مرا و نعمتهای خود را

فلا تسلبني وإلى غيرك فلا تكلني إلهي إلى من تكلني إلى القريب

پس از من مگیر و بسوی غیر جناب خود پس مگذار مرا خدایا بسوی که میگذاری مرا آیا بسوی نزدیک

يقطعني أم إلى البعيد يتجهمني أم إلى المستضعفين لي وأنت ربي

که ببرد از من یا بسوی دور که بغلظت و ترشی پیش آید مرا یا بسوی ضعیف شمارندگان من و حال آنکه تو پروردگار منی

ومليك أمري أشكو إليك غربتي وبعد داري وهواني على من

و مالک کار منی شکوه میکنم بسوی تو از غربت و دوری سرای خود و خواری خود بر آنکه

ملكته أمري اللهم فلا تحلل بي غضبك فإن لم تكن غضبت

گردانیدی او را مالک مرا خداوندا پس فرود میار بمن غضب خود را پس اگر نبوده باشی که غضب کرده باشی

علي فلا أبالي سواك غير أن عافيتك أوسع لي فأسألك بنور وجهك

بر من پس باک ندارم از غیر تو مگر آنکه تحقیق عافیت تو فراخ تر است بمن پس سؤال میکنم بنور ذات تو

الذي اشرقت له الارض والسموات وانكشفت به الظلمات وصلح

که روشن شده است از زمین و آسمانها و زائل گشت بسبب آن تاریکیها و صلاح شد

عليه امر الاولين والاخرين ان لا تميتني على غضبك ولا تنزل بي

بران کار پیشینیان و پسینیان آنکه نمیرانی مرا بر غضب خود و فرو نیاری بمن

سخطك لك العتبى حتى ترضى قبل ذلك لا اله الا انت رب البلد الحرام

غضب خود را مر تراست مواخذه تا آنکه خوشنود شوی پیش از ان نیست سزاوار پرستش مگر تو ای پروردگار بلد محترم

والمشعر الحرام والبيت العتيق الذي احللته البركة وجعلته للناس

و مشعر حرام و خانه کهنه که فرود آوردی دران برکت و گردانیدی برای مردمان

امنة يا من عفا عن العظيم من الذنوب بحلمه يا من اسبغ النعمة بفضله

وسیله ایمنی ای آنکه در گذشته از بزرگ گناهان ببردباری خود ای آنکه تمام کرده نعمت را ببخشش خود

يا من اعطى الجزيل بكرمه يا عدتي في شدتي يا صاحبي في وحدتي يا غياثي

ای آنکه بخشیده عطیه بسیار به بزرگواری خود ای ذخیره من در حال سختی من ای یار من در تنهائی من ای فریادرس من

في كربتي يا مونسي في حفرتي يا ولي نعمتي يا الهي واله ابائي ابراهيم

در وقت اندوه من ای انیس من در قبر من ای خداوند نعمت من ای خدای من و خدای پدران من ابراهیم

واسماعيل واسحاق ويعقوب ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل ورب

و اسمعیل و اسحق و یعقوب و ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و ای پروردگار اسرافیل و ای پروردگار

محمد خاتم النبيين واله المنتجبين ومنزل التورية والانجيل والزبور

محمد آخر پیغمبران و خاندان برگزیدگان او و فرستنده توریت و انجیل و زبور

والفرقان ومنزل كهيعص وطه ويس والقران الحكيم انت

و فرقان و فرود آرنده کهیعص و طه و یس و قرآن محکم تو

كهفي حين تعييني المذاهب في سعتها وتضيق علي الارض برحبها

پناه منی هنگامیکه عاجز کنند مرا راهها با فراخی آنها و تنگ شود بر من زمین با گشادگی آن

وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَاَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي لَوْلَا سَتْرُكَ

واگر نمی بود رحمت تو هر اینه بودم از هلاک شدگان و تو درگذرندهٔ از لغزش منی و اگر نمی بود پوشانیدن تو

اِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ وَاَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى اَعْدَائِي لَوْلَا نَصْرُكَ

مرا هر اینه بودم از رسوا شدگان و تو قوت دهندهٔ مرا بیاری دادن بر دشمنان و اگر نمی بودی یاری تو

اِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَالرِّفْعَةِ فَاَوْلِيَاؤُهُ

مرا هر اینه بودم از مغلوبان ای آنکه مخصوص کرد خود را به بلندی و رفعت پس دوستان او

بِعِزِّهِ يَعْتَزُّونَ يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى اَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ

بارجمندی او ارجمندند ای آنکه گذاشته‌اند برای او پادشاهان لیاد خواری بر گردنهای خود پس ایشان

مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَغَيْبَ

از غضبهای او ترسانند میدانی خیانت دیده‌ها را و آنچه را پنهان میدارند سینه‌ها و پنهانی

مَا تَاْتِي بِهِ الْاَزْمَانُ وَالدُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ اِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ

آنچه می آورد آنرا زمانه‌ها و روزگارها ای آنکه نمیداند هیچکس که چگونه اوست مگر او ای آنکه نمیداند

مَا يَعْلَمُهُ اِلَّا هُوَ يَا مَنْ كَبَسَ الْاَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ

آنچه را که میداند او مگر او ای آنکه گسترد زمین را بر آب و بند کرد هوا را بآسمان ای آنکه برای اوست

اَكْرَمُ الْاَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ اَبَدًا يَا مُقَيِّضَ الرَّكْبِ لِيُوسُفَ

گرامی‌ترین نامها ای خداوند احسانی که بریده نشود هرگز ای گمارندهٔ سواران کاروان برای یوسف

فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا يَا رَادَّ يُوسُفَ

در شهر خالی از آب و گیاه و بیرون آورندهٔ او از چاه و گردانندهٔ او پس از بندگی پادشاه ای گردانندهٔ یوسف

عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ اَنِ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ

بیعقوب پس از آنکه سفید گشته بود دیده‌های او از اندوه پس بود او خشم فرو خورنده ای زائل نمایندهٔ حال

وَالْبَلَاءِ عَنْ اَيُّوبَ يَا مُمْسِكَ يَدِ اِبْرَاهِيمَ مِنَ الذَّبْحِ عَنِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ

و بلا از ایوب ای بازدارندهٔ دست ابراهیم از گلو بریدن از پسرش پس از آنکه زیاده گشته بود

فیدلسک وغیره یا من استجاب لزکریا فوهب له یحیی و لم یدعه فردا

پس سر و یا میسیده بود عمرا و ای آنکه اجابت کرده مر زکریا را پس بخشید او را یحیی و بگذاشت او را تنها

وحیدا یا من اخرج یونس من بطن الحوت یا من فلق البحر لبنی اسرائیل

یگانه ای آنکه بیرون آورد یونس را از شکم ماهی ای آنکه شکافت دریا را جهت پسران یعقوب

فانجاهم وجعل فرعون وجنوده من المغرقین یا من ارسل الریاح مبشرات

پس رهانید ایشان را و گردانید فرعون و لشکرهای او را از غرق شدگان ای آنکه فرستاد بادها را مژده دهنده

بین یدی رحمته یا من لم یعجل علی من عصاه من خلقه یا من استنقذ

پیش از فرود آمدن رحمت خود ای آنکه شتاب نکرده بر مواخذه آنکه نافرمانی کرده او را از خلق او ای آنکه نجات داد

السحرة من بعد طول الجحود وقد غدوا فی نعمته یاکلون رزقه و

جادوگران را پس از درازی انکار و بتحقیق صبح میکردند در نعمت او میخوردند روزی او را

یعبدون غیره وقد حادوه ونادوه وکذبوا رسله یا الله یا بدیع لا بدء لک یا دائما

می پرستیدند غیر او را و بتحقیق دشمنی کردند با او و مخالفت کردند او را و بدروغ نسبت دادند فرستادگان او را ای خدای پدید آورنده بی آغاز ای همیشه

لا نفاد لک یا حیا حین لا حی یا محیی الموتی یا من هو قائم علی کل نفس

که نیست نیستی مر ترا ای زنده هنگامی که نباشد زنده ای زنده کننده مردگان ای آنکه او نگهبان است بر هر نفس

بما کسبت یا من قل له شکری فلم یحرمنی وعظمت عنده خطیئتی

بآنچه کسب نموده ای آنکه اندک بود برای او سپاس گذاری من پس ناامید نکرد مرا و بزرگ بود نزد او گناه من

فلم یفضحنی ورآنی علی المعاصی فلم یخذلنی یا من حفظنی فی صغری یا من

پس رسوا نکرد مرا و دید مرا بر نافرمانیها پس خوار نکرد مرا ای آنکه نگاه داشت مرا در حال خوردی ای آنکه

رزقنی فی کبری یا من ایادیه عندی لا تحصی یا من نعمه عندی لا تجازی

روزی داد مرا در حال بزرگی من ای آنکه نعمتهای او نزد من شمرده نشود ای آنکه نعمتهای او نزد من شکر کرده نشود

یا من عارضنی بالخیر والاحسان وعارضته بالاساءة والعصیان

ای آنکه معارضه کرده مرا به نیکوئی و احسان و معارضه کردم من او را به بدی و نافرمانی

یا مَنْ هَدانی بِالْایمانِ قَبْلَ اَنْ اَعْرِفَ شُکْرَ الْاِمْتِنانِ یا مَنْ دَعَوْتُهُ

ای آنکه راه نمود مرا بایمان پیش از آنکه بشناسم شکر انعام را ای آنکه خواندم او را

مَریضاً فَشَفانی وَعُرْیاناً فَکَسانی وَجائِعاً فَاَطْعَمَنی وَعَطْشاناً فَاَرْوانی

در بیماری پس شفا داد و برهنه بودم پس پوشانید مرا و در گرسنگی پس طعام خورانید مرا و در تشنگی پس سیراب کرد مرا

وَذَلیلاً فَاَعَزَّنی وَجاهِلاً فَعَرَّفَنی وَوَحیداً فَکَثَّرَنی وَغائِباً فَرَدَّنی

و در خواری پس ارجمند ساخت مرا و در نادانی پس شناسا کرد مرا و در بیکسی پس بسیار کرد مرا و در مسافرت برگردانید مرا

وَمُقِلّاً فَاَغْنانی وَمُنْتَصِراً فَنَصَرَنی وَغَنِیّاً فَلَمْ یَسْلُبْنی وَاَمْسَکْتُ عَنْ

و در نیاز مندی پس بی نیاز کرد مرا و در حال یاری خواهی پس یاری کرد مرا و در بی نیازی پس سلب نکرد و من باز ایستادم از خواستن

جَمیعِ ذلِکَ فَابْتَدَاَنی فَلَکَ الْحَمْدُ یا مَنْ اَقالَ عَثْرَتی وَنَفَّسَ کُرْبَتی

همه آنها پس آغاز کرد مرا پس تراست سپاس ای آنکه در گذشت از لغزش من و زائل کرد اندوه مرا

وَاَجابَ دَعْوَتی وَسَتَرَ عَوْرَتی وَغَفَرَ ذُنُوبی وَبَلَّغَنی طَلِبَتی وَنَصَرَنی عَلی

و پذیرفت دعای مرا و پوشانید عورت مرا و آمرزید گناهان مرا و رسانید مرا بخواهش و یاری داد مرا بر

عَدُوّی وَاِنْ اَعُدَّ نِعَمَکَ وَمِنَنَکَ وَکَرائِمَ مِنَحِکَ لا اُحْصیها یا مَوْلایَ اَنْتَ

دشمن من و اگر خواهم بشمارم نعمتهای ترا و انعامهای ترا و بخششهای گرامی ترا نتوانم شمرد آنها را ای آقای من تو

الَّذی اَنْعَمْتَ اَنْتَ الَّذی اَحْسَنْتَ اَنْتَ الَّذی اَجْمَلْتَ اَنْتَ الَّذی اَفْضَلْتَ

آنکه انعام کردی تو آنکه بخشش نمودی تو آنکه نکوئی کردی تو آنکه بخشش نمودی

اَنْتَ الَّذی مَنَنْتَ اَنْتَ الَّذی اَکْمَلْتَ اَنْتَ الَّذی رَزَقْتَ اَنْتَ الَّذی

تو آنکه انعام کردی تو آنکه تمام و کامل نمودی تو آنکه روزی دادی تو آنکه

وَفَّقْتَ اَنْتَ الَّذی اَعْطَیْتَ اَنْتَ الَّذی اَغْنَیْتَ اَنْتَ الَّذی اَقْنَیْتَ

توفیق دادی تو آنکه عطا فرمودی تو آنکه بی نیاز کردی تو آنکه سرمایه دادی بقدر کفاف

اَنْتَ الَّذی آوَیْتَ اَنْتَ الَّذی کَفَیْتَ اَنْتَ الَّذی هَدَیْتَ اَنْتَ الَّذی عَصَمْتَ

تو آنکه جا دادی تو آنکه کارگذاری نمودی تو آنکه راه نمودی تو آنکه نگاه داشتی

یا من هدانی بالایمان قبل ان اعرف شکر الامتنان

ای آنکه راه نمود مرا با ایمان پیش از آنکه بشناسم شکر انعام را

مریضا فشفانی و عریانا فکسانی و جائعا فاطعمنی و عطشانا فاروانی

در بیماری پس شفا داد و برهنگی پس پوشانید مرا و در گرسنگی پس طعام داد مرا و در تشنگی پس سیراب کرد مرا

و ذلیلا فاعزنی و جاهلا فعرفنی و وحیدا فکثرنی و غائبا فردنی

و در خواری پس ارجمند ساخت مرا و در نادانی پس شناسا کرد مرا و در بیکسی پس بسیار کرد مرا و در سفر بازگردانید

و مقلا فاغنانی و منتصرا فنصرنی و غنیا فلم یسلبنی و امسکت عن

و در نیازمندی پس بی‌نیاز کرد مرا و در حالی که یاری خواستم پس یاری کرد مرا و در بی‌نیازی پس سلب نکرد و باز ایستادم از خواستن

جمیع ذلک فابتدانی فلک الحمد یا من اقال عثرتی و نفس کربتی

همه آنها پس آغاز کرد مرا پس تراست سپاس ای آنکه درگذشت از لغزش من و زائل کرد اندوه مرا

و اجاب دعوتی و ستر عورتی و غفر ذنوبی و بلغنی طلبتی و نصرنی علی

و پذیرفت دعای مرا و پوشانید عورت مرا و آمرزید گناهان مرا و رسانید مرا به خواهش و یاری داد مرا بر

عدوی و ان اعد نعمک و مننک و کرائم منحک لا احصیها یا مولای انت

دشمن من و اگر خواهم بشمارم نعمتهای ترا و انعامهای ترا و بخششهای گرامی ترا نتوانم شمرد آنها را آقای من

الذی انعمت انت الذی احسنت انت الذی اجملت انت الذی افضلت

آنکه انعام کردی تو آنکه بخشش نمودی تو آنکه نکوئی کردی تو آنکه بخشش نمودی

انت الذی مننت انت الذی اکملت انت الذی رزقت انت الذی

تو آنکه انعام کردی تو آنکه تمام و کامل نمودی تو آنکه روزی دادی تو آنکه

وفقت انت الذی اعطیت انت الذی اغنیت انت الذی اقنیت

توفیق دادی تو آنکه عطا فرمودی تو آنکه بی‌نیاز کردی تو آنکه سرمایه دادی به قدر کفایت

انت الذی آویت انت الذی کفیت انت الذی هدیت انت الذی عصمت

تو آنکه جا دادی تو آنکه کارگذاری نمودی تو آنکه راه نمودی تو آنکه نگاهداشتی

فانتصر فبأيّ شيء أستقبلك يا مولاي أبسمعي أم ببصري أم بلساني

پس انتقام کشم پس بکدام چیز پیش آیم ترا ای آقای من آیا بگوش خود یا بدیده خود یا بزبان خود

أم بيدي أم برجلي أليس كلّها نعمك عندي وبكلّها عصيتك

یا بدست خود یا بپای خود آیا نیست همه نعمتهای تو نزد من و بهمه آنها نافرمانی کردم ترا ای آقای من

فلك الحجّة والسبيل عليّ يا من سترني من الآباء والأمّهات أن يزجروني

پس مر تراست حجت و راه بر من ای آنکه پوشانید مرا از پدران و مادران از آن که زجر کنند مرا

ومن العشائر والإخوان أن يعيّروني ومن السلاطين أن يعاقبوني

و از خویشان و برادران از آنکه سرزنش کنند مرا و از پادشاهان از اینکه عذاب کنند مرا

ولو اطّلعوا يا مولاي على ما اطّلعت عليه منّي إذاً ما أنظروني ولرفضوني

و اگر مطلع میشدند ای آقای من بر آنچه تو مطلع شدی از من بر آن آنوقت مهلت نمیدادند و هر آینه ترک میکردند مرا

وقطعوني فها أنا ذا بين يديك يا سيّدي خاضعاً ذليلاً حصيراً حقيراً

و می بریدند از من پس اینک من پیش توام ای سردار من فروتنی کننده خوار تنگدل بیقدر

لا ذو براءة فأعتذر ولا ذو قوّة فأنتصر ولا حجّة لي فأحتجّ بها ولا قائل

نه خداوند بیزاری از گناهان پس عذر خواهی کنم و نه خداوند توانائی پس انتقام کشم و نیست حجتی برای من که حجت آرم

لم أجترح ولم أعمل سوءاً وما عسى الجحود لو جحدت يا مولاي ينفعني فكيف

کسب نکردم گناهی و نکردم بدی و نشاید انکار اگر انکار کنم ای آقای من نفع بخشد مرا پس چگونه

وأنّى ذلك وجوارحي كلّها شاهدة عليّ بما قد عملت يقيناً غير ذي شكّ

و کجاست آن و عضوهای من همه آنها گواه اند بر من بآنچه تحقیق کرده ام از روی یقین حال آنکه نیستم شک دارنده

سائل عن عظائم الأمور وأنّك الحكم العدل الذي لا يجور وعدلك مهلكي

سوال کننده مرا از کارهای بزرگ و آنکه بتحقیق توئی رب کفتار عادلی که ستم نکند و عدالت تو هلاک کننده است مرا

ومن كلّ عدلك مهربي فإن تعذّبني فبذنوبي يا إلهي بعد حجّتك عليّ وإن تعف

از همه عدالت تو گریختن من پس اگر عذاب کنی مرا پس بسبب گناهان است ای خدای من بعد از حجت گرفتن تو بر من و اگر بگذری از من

لما قدرت ولا هو على ذلك تقدست وتعاليت من رب كريم

لا نحصي آلاءك ولا نبلغ ثناءك ولا نكافئ نعماءك صل على محمد وآل محمد و

أتمم علينا نعمك وأسعدنا بطاعتك سبحانك لا إله إلا أنت اللهم إنك

تجيب دعوة المضطر إذا دعاك وتكشف السوء وتغيث المكروب وتشفي

السقيم وتغني الفقير وتجبر الكسير وترحم الصغير وتعين الكبير وليس

دونك ظهير ولا فوقك قدير وأنت العلي الكبير يا مطلق المكبل

الأسير يا رازق الطفل الصغير يا عصمة الخائف المستجير يا من لا شريك له

ولا وزير صل على محمد وآل محمد وأعطني في هذه العشية أفضل ما أعطيت

وأنلت أحدا من عبادك من نعمة توليها وآلاء تجددها وبلية تصرفها وكربة

تكشفها ودعوة تسمعها وحسنة تتقبلها وسيئة تغفرها إنك لطيف خبير

وعلى كل شيء قدير اللهم إنك أقرب من دعي وأسرع من أجاب وأكرم من عفا

وَأَوْسَعَ مَنْ أَعْطَى وَأَسْمَعَ مَنْ سُئِلَ يَا رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا

و فراگیرنده‌ترین از هر که بخشش نموده و شنواترین از هر که سوال کرده شده ای مهربان دنیا و آخرت و مهربان آن دو

لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْؤُولٌ وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ دَعَوْتُكَ فَأَجَبْتَنِي وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي

نیست مانند تو هیچ سوال کرده شده و نه غیر تو امید داشته شده خواندم ترا پس قبول کردی دعای مرا و خواستم از تو پس عطا کردی

وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي وَوَثِقْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَنِي وَفَزِعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي اللّٰهُمَّ

و رغبت نمودم بسوی تو پس رحم کردی مرا و اعتماد کردم بر تو پس نجات دادی مرا و پناه بردم بسوی تو پس کفایت کردی مرا خداوندا

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

پس رحمت فرست بر محمد بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر تو و بر آل پاکیزگان پاکان او

أَجْمَعِينَ وَتَمِّمْ لَنَا نَعْمَاءَكَ وَهَنِّئْنَا عَطَاءَكَ وَاجْعَلْنَا لَكَ شَاكِرِينَ

همگی و تمام کن برای ما نعمتهای خود را و گوارا کن برای ما بخشش خود را و بگردان ما را برای خود سپاس گزاران

وَلِآلَائِكَ ذَاكِرِينَ آمِينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ

و نعمتهای ترا یاد کنندگان قبول کن قبول کن ای پروردگار جهانیان بار خدایا ای آنکه مالک شد پس قادر شد

وَقَدَرَ فَقَهَرَ وَعُصِيَ فَسَتَرَ وَاسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ يَا غَايَةَ رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ

و قادر شد پس غلبه کرد و نافرمانی کرده شد پس پوشید و طلب آمرزش نموده شد پس آمرزید ای نهایت خواهش خواهندگان

وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً

و منتهای امید امیدواران ای آنکه فرو گرفته هر چیزی را بدانش و فرا گرفته عذرخواهان را از روی مهربانی

وَرَحْمَةً وَحِلْمًا اللّٰهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَّفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا

و بخشایش و بردباری خداوندا بدرستیکه ما روی آوریم بسوی تو در این شبانگاه که مشرف کردی آن را و بزرگ کردی آن را

بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ الْبَشِيرِ

بوسیله محمد پیغمبر تو و برگزیده تو از خلق تو و معتمد تو بر پیغام تو مژده دهنده

النَّذِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ

و بیم دهنده چراغ روشن آنکه انعام کردی او را بر مسلمانان و گردانیدی او را بخشایش برای جهانیان

غيرك نافذ فينا حكمك محيط بنا علمك عدل فينا قضاؤك اقض لنا

غیر تو روانست درباره ما حکم تو فرا گرفته است ما را دانش تو عادلست درباره ما حکم تو مقدر کن برای ما

الخير واجعلنا من اهل الخير اللهم اوجب لنا بجودك عظيم الاجر وكريم

نیکی را و بگردان ما را از اهل نیکی خداوندا واجب گردان برای ما ببخشش خود مزد بزرگ

الذخر ودوام اليسر واغفر لنا ذنوبنا اجمعين ولا تهلكنا مع الهالكين و

و ذخیره گرامی و یسر دائمی و بیامرز برای ما گناهان ما را همه را و هلاک مکن ما را با هلاک شوندگان و

لا تصرف عنا رافتك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اجعلنا في هذا الوقت

مگردان از ما مهربانی خود ببخشش خود ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا بگردان ما را در این وقت

ممن سألك فاعطيته وشكرك فزدته وتاب اليك فقبلته وتنصل

از آنکه درخواست از تو پس عطا کردی او را و سپاس کرد ترا پس افزودی او را و رجوع کرد بسوی تو پس قبول کردی او را و بیرون آمد

اليك من ذنوبه كلها فغفرتها له يا ذا الجلال والاكرام اللهم وفقنا

بسوی تو از گناهان خود همه آنها پس آمرزیدی آنها را برای او ای صاحب بزرگواری و گرامی خداوندا توفیق ده ما را

وسددنا واعصمنا واقبل تضرعنا يا خير من سئل ويا ارحم من استرحم

و درست کن کار ما را و نگاهدار ما را و بپذیر زاری ما را ای بهترین کسیکه سوال کرده شده و ای بخشنده ترین کسیکه طلب رحم شده

يا من لا يخفى عليه اغماض الجفون ولا لحظ العيون ولا ما استقر في

ای آنکه پنهان نیست بر او برهم نهادن پلکها و نه نگریستن بگوشه دیده ها و نه آنچه ثابت است در

المكنون ولا ما انطوت عليه مضمرات القلوب الا كل ذلك قد احصاه

امور پوشیده و نه آنچه در نوردیده شده بران نهانهای دلها مگر همه آنها بحقیقت احاطه کرده آنرا

علمك ووسعه حلمك سبحانك وتعاليت عما يقول الظالمون علوا

دانش تو و فرا گرفته آنها را بردباری تو پاکی تو و برتری تو از آنچه میگویند ستمکاران برتری

كبيرا تسبح لك السموات السبع والارضون ومن فيهن وان من شيء الا يسبح

بغایت تنزیه میکنند مر ترا آسمانهای هفتگانه و زمین و آنکه در آنهاست و نیست هیچ چیز مگر آنکه تنزیه میکند

بمحامدك فلك الحمد والمجد وعلو الجد يا ذا الجلال والاكرام والفضل

به سپاس تو مر تراست سپاس و بزرگواری و بلندی عظمت ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و بخشش

والانعام والايادي الجسام وانت الجواد الكريم الرؤف الرحيم

و نعمت دادن و نعمتهای بزرگ و توئی بخشنده بزرگوار مهربان رحمت کننده

اللهم اوسع علي من رزقك الحلال وعافني في بدني وديني وآمن

خداوندا فراخ کن بر من از روزی حلال خود و عافیت ده مرا در بدن و دین من و ایمن دار

خوفي واعتق رقبتي من النار اللهم لا تمكر بي ولا تستدرجني

ترس مرا و آزاد کن گردن مرا از آتش خداوندا مکر مکن با من و استدراج مکن با من

ولا تخدعني وادرأ عني شر فسقة الجن والانس

و خوار مگذار مرا و دفع کن از من بدی بدکاران دیوان و آدمیان

پس سر و دیده خود را بسوی آسمان بلند کرده از دیده های مبارکش آب میریخت مانند دو مشک ... گفت

يا اسمع السامعين ويا ابصر الناظرين ويا اسرع الحاسبين ويا ارحم

ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین نگرندگان و ای زودترین حساب کنندگان و ای رحم کننده ترین

الراحمين صل على محمد وآل محمد السادة الميامين واسألك اللهم حاجتي اليك

رحم کنندگان رحمت بفرست بر محمد و آل محمد سرداران با برکت و میخواهم از تو خداوندا حاجت خود را

التي ان اعطيتنيها لم يضرني ما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني ما اعطيتني

آن حاجتی که اگر عطا کنی مرا آنرا ضرر نرساند مرا آنچه باز داری از من و اگر باز داری آنرا از من نفع نبخشد مرا آنچه بمن عطا کرده ای

اسألك فكاك رقبتي من النار لا اله الا انت وحدك لا شريك لك

سوال میکنم از تو آزادی گردن خود را از آتش نیست سزاوار پرستش مگر تو در حالیکه یگانه ای نیست شریکی برای تو

لك الملك ولك الحمد وانت على كل شيء قدير يا رب يا رب يا رب

مر تراست پادشاهی و مر تراست سپاس و تو بر همه چیز توانائی ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

پس مکرر میگفت یا رب و صدا با گریه بلند شده بار کرده و روانه جانب مشعر الحرام شدند

وسید ابن طاوس رضی الله عنه بسند معتبر روایت کرده اند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در روز عرفه چون زوال شمس شود نماز ظهر و عصر را بکن پس برو بجل و توقف و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه سوره قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلناه بخوان پس این را بخوان

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ
نیست سزاوار پرستش مگر خدا که بردبار بزرگوار است سزاوار پرستش نیست مگر خدای بلند مرتبه بزرگ پاک است خداوند پروردگار

السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَهُوَ رَبُّ
آسمانهای هفت گانه و پروردگار زمینهای هفت گانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و او پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ اَعْبُدُ وَاِيَّاكَ
عرش بزرگ است و سپاس مر خدای را که پروردگار جهانیان است خداوندا ترا می پرستم و از تو

اَسْتَعِينُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُرِيدُ اَنْ اُثْنِيَ عَلَيْكَ فَمَا عَسٰى اَنْ اَبْلُغَ مِنْ مَدْحِكَ
یاری می جویم خداوندا بدرستیکه میخواهم که ستایش کنم ترا و نزدیک نیست که بتوانم برسم بجزئی از ستایش تو

مَعَ قِلَّةِ عَمَلِي وَقِصَرِ رَأْيِي وَاَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنَا الْمَخْلُوقُ وَاَنْتَ الْمَالِكُ وَاَنَا
با کمی کردار خود و کوتاهی فکر خود و توئی آفریدگار و منم آفریده شده و توئی خداوند و منم

الْمَمْلُوكُ وَاَنْتَ الرَّبُّ وَاَنَا الْعَبْدُ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ وَاَنَا الذَّلِيلُ وَاَنْتَ الْقَوِيُّ
مملوک و توئی پروردگار و منم بنده و توئی ارجمند و منم ذلیل و خوار و توئی توانا

وَاَنَا الضَّعِيفُ وَاَنْتَ الْغَنِيُّ وَاَنَا الْفَقِيرُ وَاَنْتَ الْمُعْطِي وَاَنَا السَّائِلُ
و منم ناتوان و توئی بی نیاز و منم نیازمند و توئی بخشنده و منم خواهنده

وَاَنْتَ الْغَفُورُ وَاَنَا الْخَاطِئُ وَاَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَاَنَا خَلْقٌ اَمُوتُ
و توئی آمرزگار و منم گنهکار و توئی زنده که نمیری و منم آفریده که می میرم

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
خداوندا توئی خدا نیست معبودی جز تو پروردگار جهانیان و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

غالب است کردار و توئی خدا نیست اوار پرستش مگر تو بلند مرتبه بزرگ و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو

الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ

آمرزکار مهربان و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو صاحب روز جزا و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر

اَنْتَ مِنْكَ بَدْءُ الْخَلْقِ وَاِلَيْكَ يَعُودُ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَلَا تَزَالُ

تو از تست نخستین آفرینش خلق و بسوی تو باز میگردد خلق و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو همیشه بوده و همیشه خواهی بود

وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَالِقُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَالِقُ

و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو آفریننده بهشت و دوزخ و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو آفریننده

الْخَيْرِ وَالشَّرِّ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْوَاحِدُ الْاَحَدُ الْفَرْدُ الصَّمَدُ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ

نیک و بد و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو یگانه یکتای تنهای بی نیاز نسبت نزاده و نزائیده شده

وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا اَحَدٌ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ

و نیست مر ترا مانند هیچ کس و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو دانای نهان و آشکار بخشاینده

الرَّحِيمُ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ

مهربان و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو پادشاهی پاکی از نقصها سالمی از عیبها امان دهنده نگهبان

الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْخَالِقُ

غالبی کار فرمائی بقهر و غلبه بزرگواری منزه است خدا از آنچه شریک می دانند و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو آفریدگاری

الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ

پدید آورنده نگارنده صورتی مر تراست نامهای نیک تنزیه میکند ترا آنچه در آسمانهاست و زمین

اَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ وَالْكِبْرِيَاءُ

توئی غالب درست کردار و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو بزرگواری بلند مرتبه و بزرگواری

رِدَاؤُكَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ سَابِغُ النَّعْمَاءِ حَسَنُ الْبَلَاءِ جَزِيلُ الْعَطَاءِ مُقْسِطُ الْقَضَاءِ

چادر تست خداوندا بدرستیکه تو کامل نعمتی نیکو انعامی بسیار بخشش عدالت کننده در حکم

باسط الیدین بالرحمة نفاع بالخیرات کاشف الکربات رفیع الدرجات

کشاده دستها بخشایش بغایت سود بخشی بنیکیها زائل کننده غمها بلند گرداننده مرتبها

منزل الآیات من فوق سبع سموات عظیم البرکات مخرج من

فرو فرستنده آیات و نشانهای قدرتی از بالای هفت آسمان صاحب برکتها و فزایا بزرگی بیرون آورنده

الظلمات الی النور مبدل السیئات حسنات و جاعل الحسنات

تاریکیها بسوی روشنائی بدل کننده گناهان به نیکیها و گرداننده نیکوئیها را

درجات اللهم انک دنوت فی علوک و علوت فی دنوک فدنوت

مرتبها خداوندا بدرستیکه تو نزدیک شدی در بلندی خود و بلند شدی در نزدیکی خود

فلیس دونک شیء و ارتفعت فلیس فوقک شیء تری و لا تری و

پس نیست نزدیک تر از تو چیزی و بغایت بلند شدی پس نیست بالای تو هیچ چیزی می بینی و دیده نمی شوی و

انت بالمنظر الاعلی فالق الحب و النوی لک ما فی السموات العلی

تو در دیدگاه بلند تری شکافنده دانه و هستهای خرما مرتراست آنچه در آسمانهای بلند است

و لک الکبریاء فی الآخرة و الاولی اللهم انک غافر الذنب شدید

و مرتراست بزرگواری در آنجهان و اینجهان خداوندا بدرستیکه تو آمرزنده گناهی سخت

العقاب ذو الطول لا اله الا انت الیک المصیر وسعت رحمتک

عقوبتی خداوند انعامی نیست خدائی مگر تو بسوی تست بازگردیدن فرا گرفته رحمت تو

کل شیء و بلغت حجتک و لا معقب لحکمک و انت لا تخیب

هر چیزی را و در رسید حجت تو و نیست بازپس دارنده مر حکم ترا و تو ناامید نمیسازی

سائلک انت الذی لا رافع لما وضعت و لا واضع لما رفعت انت

سوال کننده خود را توئی آنکه نیست بلند سازنده مرانچه را که پست کنی تو و نیست پست کننده مرانچه را که بلند کنی تو

الذی ثبت کل شیء بحکمتک و احصیت کل شیء بعلمک و ابرمت

آنکه ثابت داشتی هر چیز را بحکمت و مصلحت خود و احاطه کردی هر چیز را بدانش خود و محکم نمودی

كُلُّ شَيْءٍ بِحُكْمِكَ وَلَا يَفُوتُكَ شَيْءٌ بِعِلْمِكَ وَلَا يَمْتَنِعُ عَنْكَ شَيْءٌ

هر چیز را بحکم خود و فوت نشود از تو چیزی بدانش تو و ممتنع نشود از تو چیزی

اَنْتَ الَّذِي لَا يُعْجِزُكَ هَارِبُكَ وَلَا يَنْفَعُ صَرِيعَكَ وَلَا يُحْيِي قَتِيلَكَ اَنْتَ

توئی آنکه عاجز نسازد ترا گریزنده از تو و بر نمیخیزد افکنده تو و زنده نگردد کشته تو تو

عَلَوْتَ فَقَهَرْتَ وَمَلَكْتَ فَقَدَرْتَ وَبَطَنْتَ فَخَبَرْتَ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ

بلند شدی پس غلبه کردی مالک شدی پس توانا شدی و دانا باطن امور شدی پس خبر رسید و بر هر چیز

ظَهَرْتَ عَلِمْتَ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَتَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ

ظاهر شدی دانستی خیانت دیده ها را و آنچه را که پنهان است در سینه ها و میدانی آنچه را که بر میدارد

اُنْثَى وَمَا تَضَعُ وَمَا تَغِيضُ الْاَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَكَ

زنی و آنچه مینهاد و آنچه را بکاهد رحمها از اعضا و آنچه بیفزاید بر اعضا و هر چیزی نزد تو

بِمِقْدَارٍ اَنْتَ الَّذِي لَا تَنْسَى مَنْ ذَكَرَكَ وَلَا تُضَيِّعُ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ

باندازه ایست توئی آنکه و امیگذاری آنرا که یاد کرده ترا و ناچیز نکنی آنرا که توکل نموده بر تو

اَنْتَ الَّذِي لَا يَشْغَلُكَ مَا فِي جَوِّ اَرْضِكَ عَمَّا فِي جَوِّ سَمٰوَاتِكَ وَلَا يَشْغَلُكَ

توئی آنکه باز نمیدارد ترا آنچه در فضای زمین تست از آنچه در فضای آسمان تست باز نمیدارد ترا

مَا فِي جَوِّ سَمٰوَاتِكَ عَمَّا فِي جَوِّ اَرْضِكَ اَنْتَ الَّذِي تَعَزَّزْتَ فِي مُلْكِكَ

آنچه در فضای آسمان تست از آنچه در زمین تست توئی آنکه بغایت عزیزی در پادشاهی خود

وَلَمْ يُشْرِكْكَ اَحَدٌ فِي جَبَرُوتِكَ اَنْتَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ مُلْكُكَ وَ

و شریک نیست ترا هیچکس در بزرگواری تو توئی آنکه برتر است هر چیزی را پادشاهی تو و

مَلَكَ كُلَّ شَيْءٍ اَمْرُكَ اَنْتَ الَّذِي مَلَكْتَ الْمُلُوكَ بِقُدْرَتِكَ وَاسْتَعْبَدْتَ

مالک است هر چیزی را فرمان تو توئی آنکه مالک شدی پادشاهان را بتوانائی خود و بنده گردانیدی

الْاَرْبَابَ بِعِزَّتِكَ وَاَنْتَ الَّذِي قَهَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُوَّتِكَ وَعَلَوْتَ كُلَّ شَيْءٍ

مهتران را بغلبه خود و توئی آنکه مغلوب کردی هر چیز را به توانائی خود و برتر شدی هر چیز را

بفضلك انت الذي لا يستطاع كنه وصفك ولا منتهى لما عندك

به بزرگی جود تو ای آنکه مقدور نیست رسیدن بپایان ستایش تو و نیست نهایتی مر آنچه نزد تست

انت الذي لا يصف الواصفون عظمتك ولا يستطيع المزائلون

توئی آنکه نمی ستایند ستایندگان بزرگی ترا و طاقت ندارند از جا بردارندگان

تحويلك انت شفاء لما في الصدور وهدى ورحمة للمؤمنين انت

گردانیدن ترا تو شفا بخشنده مرضی را که در سینه هاست راه نمائی و لطف و مهربانی مر گروندگان را توئی

الذي لا يحفيك سائل ولا ينقصك نائل ولا يبلغ مدحك

آنکه نمی رنجاند ترا سوال کننده و کم نمیکند خزانه ترا عطائی و نمیرسد ستایش ترا

مادح ولا قائل انت الكائن قبل كل شيء والمكون لكل شيء و

ستاینده و نه گوینده توئی موجود پیش از هر چیز و پدید آورنده هر چیز را و

الكائن بعد كل شيء انت الواحد الصمد الذي لم تلد ولم تولد و

موجود پس از هر چیز توئی یگانه پناه نیازمندان آنکه نزاده و نزائیده شده و

لم يكن لك كفوا احد ولم تتخذ صاحبة ولا ولدا السموات ومن

نیست مر ترا مانند هیچ کس و نگرفته هیچ زنی و نه فرزندی آسمانها و آنچه

فيهن لك والارضون ومن فيهن لك وما بينهن احصيت كل شيء

در آنهاست برای تست زمینها و آنکه در آنهاست مر تراست و آنچه میان آنهاست شمردی تو هر چیز را

واحطت به علما وانت تزيد في الخلق ما تشاء وانت لا تسئل

و احاطه کردی بهر چیز از روی دانش و تو زیاده میکنی در آفرینش آنچه میخواهی و تو پرسیده نمی شوی

عما تفعل وهم يسئلون وانت الفعال لما تريد وانت القريب

از آنچه میکنی و آفریدگان پرسیده میشوند و توئی کننده مر آنچه را که اراده میکنی توئی نزدیک

وانت البعيد وانت السميع وانت البصير وانت الواحد وانت الماجد

و توئی دور و توئی شنوا و توئی بینا و توئی یگانه و توئی بزرگوار

وَاَنْتَ الْوَاجِدُ وَاَنْتَ الْعَلِيمُ وَاَنْتَ الْحَكِيمُ وَاَنْتَ الْغَنِيُّ وَاَنْتَ الْكَرِيمُ

وتوئی توانگر وتوئی دانا وتوئی درست کردار وتوئی بی نیاز وتوئی بزرگوار

وَاَنْتَ الْبَارُّ وَاَنْتَ الرَّحِيمُ وَاَنْتَ الْقَادِرُ وَاَنْتَ الْقَاهِرُ لَكَ الْاَسْمَاءُ

وتوئی نیکو کردار وتوئی مهربان وتوئی توانا وتوئی غالب برتراست نامهای

الْحُسْنٰى كُلُّهَا وَاَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَبْخَلُ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ الَّذِي

نیک همه آنها وتوئی بخشنده که بخل نمی کنی وتوئی ارجمند که

لَا يَذِلُّ وَاَنْتَ مُمْتَنِعٌ لَا يُرَامُ يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ

خوار نمیگردی وتوئی امتناع کننده که قصد کرده نمی شوی تنزیه میکند ترا آنچه در آسمانها و زمین است و تو

بِالْخَيْرِ اَجْوَدُ مِنْكَ بِالشَّرِّ اَنْتَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِيَ الْاَوَّلِينَ اَنْتَ تُجِيبُ

بنیکیها بخشنده تری از خود بکردارها و آزارها تو پروردگار منی و پروردگار پدران پیشینیان من تو اجابت میکنی

الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاكَ اَنْتَ نَجَّيْتَ نُوحًا مِنَ الْغَرَقِ وَاَنْتَ غَفَرْتَ

درماندگان را هرگاه بخوانند ترا تو رهانیدی نوح را از غرق شدن وتو آمرزیدی

لِدَاوُدَ ذَنْبَهُ وَاَنْتَ نَفَّسْتَ عَنْ ذِي النُّونِ كَرْبَهُ وَاَنْتَ كَشَفْتَ

برای داود گناه او را وتو زائل کردی از خداوند ماهی اندوه را وتو گشودی

عَنْ اَيُّوبَ ضُرَّهُ وَاَنْتَ رَدَدْتَ مُوسٰى عَلٰى اُمِّهِ وَاَنْتَ صَرَفْتَ قُلُوبَ

از ایوب بدحالی او را وتو بر گردانیدی موسی را بسوی مادرش وتو گردانیدی دلهای

السَّحَرَةِ اِلَيْكَ حَتّٰى قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَاَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَةِ الصَّالِحِينَ

جادوگران را بسوی خود تا آنکه گفتند ایمان آوردیم به پروردگار جهانیان تو متولی و متکفل نعمت نیکوکارانی

لَا يُذْكَرُ مِنْكَ اِلَّا الْحَسَنُ الْجَمِيلُ وَمَا لَا يُذْكَرُ اَكْثَرُ لَكَ الْآلَاءُ

یاد کرده نمیشود از تو مگر خوب نیک وآنچه یاد کرده نمیشود بیشتر است مر ترا نعمتها

وَالنِّعَمُ وَاَنْتَ الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ لَا تَبْلُغُ مِدْحَتَكَ وَلَا الثَّنَاءُ عَلَيْكَ

وعطاهاست وتوئی احسان کننده نیکوکردار نرسیده میشود بستایش تو و نه ثنای بر تو

وَاَحْصَيْتَ الْاَعْمَالَ وَعَلِمْتَ الْاَخْبَارَ وَبِيَدِكَ الْمَقَادِيرُ وَالْقُلُوبُ

شمرده کردارها را و دانستی نیکوکاران را و بدست تست اندازه ها و دلها

اِلَيْكَ مُقْتَصِدَةٌ وَالسِّرُّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةٌ وَالْمُهْتَدِي مَنْ هَدَيْتَ وَالْحَلَالُ

بسوی تو میل داده شده اند و پنهان نزد تو آشکار است و راه یافته کسیست که راه نمودی او را و حلال

مَا حَلَّلْتَ وَالْحَرَامُ مَا حَرَّمْتَ وَالدِّينُ مَا شَرَعْتَ وَالْاَمْرُ مَا قَضَيْتَ

چیزیست که حلال نمودی و حرام چیزیست که حرام کردی و دین چیزیست که تو قرار دادی و امر چیزیست که فرمان دادی

تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ

حکم میکنی و حکم کرده نمی شود بر تو خداوندا توئی اول پس نیست پیش از تو هیچ چیز و توئی

الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْبَاطِنُ

آخر پس نیست پس از تو چیزی و توئی ظاهر پس نیست بالای تو چیزی و توئی باطن

فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اَللّٰهُمَّ بِيَدِكَ مَقَادِيرُ اللَّيْلِ

پس نیست نزدیک از تو چیزی و توئی غالب راست گفتار درست کردار خداوندا بدست تست اندازه های شب

وَالنَّهَارِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ النَّصْرِ وَالْخِذْلَانِ وَبِيَدِكَ

و روز و بدست تست اندازه های آفتاب و ماه و بدست تست اندازه های یاری و خوار کردن

مَقَادِيرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الْمَوْتِ وَالْحَيٰوةِ وَبِيَدِكَ

اندازه های جهان و آنجهان و بدست تست اندازه های مرگ و زندگی و بدست تست

مَقَادِيرُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ

اندازه های نیک و بد رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز برای من هر گناهی را

اَذْنَبْتُهُ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ وَضَوْءِ النَّهَارِ عَمْدًا اَوْ خَطَاءً سِرًّا اَوْ عَلَانِيَةً اِنَّكَ

که کردم آنرا در تاریکیهای شب و روشنی روز از روی دانستگی یا از روی خطا در پنهان یا آشکار بدرستیکه تو

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

بر هر چیز توانائی و آن بر تو سهل آسان است و نیست قدرتی و نه توانائی

إلا بالله العلي العظيم اللهم إني أثني عليك بأحسن ما أقدر عليه

مگر بتوفیق خدا بلند مرتبه بزرگ خداوندا بدرستیکه من ستایش میکنم ترا به نیکوترین ستایشی که قدرت دارم

وأشكرك بما مننت به علي وعلمتني من شكرك اللهم لك الحمد

و سپاس میکنم ترا با آنچه انعام کردی بآن بمن و تعلیم کردی مرا از سپاس گذاری خود خداوندا مر تراست سپاس

بمحامدك كلها على نعمائك كلها وعلى جميع خلقك حتى ينتهي الحمد

بسپاسهای تو همه آنها بر نعمتهای تو همه آنها و بر همه آفریدهای تو تا آنکه رسد سپاس

لك إلى ما تحب ربنا وترضى اللهم لك الحمد عدد ما خلقت

تو بسوی آنچه دوست میداری پروردگار ما و پسندی خداوندا مر تراست سپاس بشمار آنچه آفریدی

وعدد ما أردت وعدد ما ذرأت ولك الحمد عدد ما برأت

و بشمار آنچه خواستی و بشمار آنچه پیدا کردی و مر تراست حمد بشمار آنچه خلق کردی

ولك الحمد عدد ما أحصيت ولك الحمد عدد ما في السموات والأرض

و مر تراست سپاس بشمار آنچه شمردی و مر تراست سپاس بشمار آنچه در آسمانها و زمینها

ولك الحمد ملأ الدنيا والآخرة پس ده مرتبه بگوید لا إله إلا الله وحده

و مر تراست سپاس بقدر پری این جهان و آن جهان نیست سزاوار پرستش مگر خدا حال آنکه تنهاست

لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت

نیست شریکی برای او مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس زنده میکند و میمیراند و او زنده است که نمی

بيده الخير وهو على كل شيء قدير و ده مرتبه بگوید أستغفر الله الذي

میرد بدست اوست خیر و او بر همه چیز تواناست طلب آمرزش مینمایم از خدائی که

لا إله إلا هو الحي القيوم وأتوب إليه پس بگوید یا الله یا الله ده مرتبه

نیست سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده و بازگشت میکنم بسوی او ای خدا ای خدا

یا رحمن یا رحمن ده مرتبه یا رحیم یا رحیم ده مرتبه یا بدیع السموات

ای بخشاینده ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان ای پدید آورنده آسمانها

والارض ده مرتبه یا ذا الجلال والاکرام ده مرتبه یا حنان یا منان

و زمین ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن ای نعایت مهربان ای بسیار بخشنده

ده مرتبه اللّهم ده مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم ده مرتبه یا حی یا قیوم ده مرتبه

خداوندا بنام خدای بخشاینده مهربان ای زنده ای پایدار

صلّ علی محمد وآل محمد ده مرتبه پس بگوید اللّهم لک الحمد ولی الحمد

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد خداوندا مر تراست سپاس سزاوار سپاس

ومنتهی الحمد وفی العهد عزیز الجند قدیم المجد الحمد لله الذی

و نهایی سپاس ای وفا کننده پیمان خداوند لشکر غالب مرتبه بزرگواری سپاس مر خدا را که

کان عرشه علی الماء حین لا شمس تضیء ولا قمر یسری ولا بحر یجری

بود علم او بر آب هنگامی که نبود آفتابی که روشنی بخشد و نه ماهی که حرکت کند و نه دریایی که روان گردد

ولا ریاح تذری ولا سماء مبنیة ولا ارض مدحیة ولا لیل یجن ولا

و نه بادهای که بهوا برد و نه آسمانی برافراشته شده و نه زمینی گسترده و نه شبی که بپوشاند و نه

نهار یکن ولا عین تدمع ولا صوت یسمع ولا جبل مرسی ولا سحاب

روزی که نگاهدارد و نه چشمی که سرشک ریزد و نه صدایی که شنیده شود و نه کوهی ثابت داشته شده و نه ابری

منشئ ولا انس مبرو ولا جن مذرو ولا ملک کریم ولا شیطان رجیم

برانگیخته شده و نه آدمی آفریده شده و نه دیوی خلق کرده شده و نه فرشته بزرگواری و نه شیطان رانده شده

ولا ظل ممدود ولا شیء معدود الحمد لله الذی استحمد الی من استحمده

و نه سایه کشیده شده و نه چیزی شمرده شده سپاس مر خدای را که خواستار ستایش شد بسوی آنکه ستایش کرده

من اهل محامده بمحمده علی ما بذل من نوافله الذی

از اهل ستایشهای او تا آنکه ستایش کنند او را بر آنچه بخشش فرمود از زیادتیهای خود خدای که

فاق مدح المادحین مآثر محامده وعلا وصف الواصفین

بالا شد از ستایش ستایش نمایندگان از مکارم صفات او و درگذشت از ستایش ستایش کنندگان کان

هيبة جلاله هو اهل لكل حمد ومنتهى كل رغبة وقاضى كل حاجة

هيبت جلال او سزاوار هر سپاسی و منتهای هر خواهشی است و روا کننده هر حاجت

الواحد الذي لا بدأ له الملك الذي لا زوال له الرفيع الذي ليس فوقه

یکانه است که نیست ابتدایی برای او پادشاهی که نیست زوالی او را بارفعتی که نیست بالای او

ناظر ذو المغفرة والرحمة المحمود لبذل نواله المعبود لهيبة

نظر کننده خداوند آمرزش و بخشش ستوده شده بجهت بخشیدن عطای خود پرستیده شده بجهت مهابت

جلاله المذكور بحسن آلائه المنان بسعة فواضله المرغوب

جلالت خود یاد کرده شده به نیکوئی نعمتهای خود بسیار بخشنده بگشایش زیادتیهای خود رغبت کرده شده است

اليه في تمام المواهب من خزائنه العظيم الشأن الكريم في

بسوی او در تمامی بخششها از خزانه های خود بزرگ مرتبه بزرگوار در

سلطانه العلي في مكانه المحسن في امتنانه الجواد في فواضله الحمد

سلطنت خود بلند در جایگاه خود نیکوئی کننده در انعام خود بخشنده در فزونیهای خود سپاس

لله بارئ خلق المخلوقين بعلمه ومصور اجساد العباد بقدرته

از برای خدای پدید آورنده آفرینش آفریدگان بدانش خود و صورت بخشنده تنهای بندگان بتوانائی خود

ومخالف صور من خلق من خلقه ونافخ الارواح في خلقه بعلمه

و امتیاز دهنده میان صورتهای آنانکه آفریده از خلق خود و دمنده روحها در خلق خود بدانش خود

ومعلم من خلق من عباده اسمه ومدبر خلق السموات والارض

و آموزاننده آنانکه آفریده از بندگان خود نام خود را و تدبیر کننده آفرینش آسمانها و زمین

بعظمته الذي وسع كل شئ خلق كرسيه وعلا بعظمته فوق

به بزرگی خود آنخدائی که فرا گرفته هر چیز را خلق کرسی او و برتر شد به بزرگی خود بالای

الاعلين وقهر الملوك بجبروته الجبار الاعلى المعبود في سلطانه

هر برتری و غالب شد پادشاهان را به بزرگواری خود کار فرما بقهر بلند مرتبه پرستیده شده در سلطنت خود

المتسلط بقوته المتعالي في دنوه المتداني من كل شيء في ارتفاعه الذي

خداوند سلطنت بتوانائی خود بلند در نزدیکی نزدیک به همه چیز در بلندی خود آنکه

نفذ بصره في خلقه وحارت الابصار لسطوع نوره الحمد لله الحليم

که روان شد بینائی و علم او در خلق او و حیران گشته دیده ها بجهت روشنائی او سپاس خدای بردبار

الرشيد القوي الشديد المبدئ المعيد الفعال لما يريد الحمد

راه نما توانا سخت عقاب پدید آورنده نخستین باز گرداننده هر آنچه که خواهد سپاس

لله منزل الآيات وكاشف الكربات ومؤتي السؤلات الحمد لله في

مر خدای را که فرو فرستنده آیات و معجزات و زائل کننده اندوهها و دهنده حاجتها سپاس خدای را در

كل مكان وفي كل زمان وفي كل اوان الحمد لله الذي لا ينسى

هر جای و در هر زمانی و در هر وقتی سپاس مر خدای را که فراموش نکند

من ذكره ولا يخيب من دعاه ولا يذل من والاه الذي يجزي

کسی که یاد کند او را و نا امید نکند کسی را که بخواند او را و خوار نسازد کسی که دوست دارد او را آنکه

بالاحسان احسانا وبالصبر نجاة الحمد لله الذي له ما في السموات

در مقابل نیکوئی نیکوئی را و در مقابل شکیبائی رستگاری سپاس مر خدای را که برای اوست آنچه در آسمانها

وما في الارض وله الحمد في الآخرة وهو الحكيم الخبير الحمد لله

و آنچه در زمین است و مر او راست سپاس در آنجهان و اوست درست کردار آگاه سپاس خدای را

فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى

آفریننده آسمانها و زمین گرداننده فرشتگان پیغامبران خداوندان بالهای دو دو

وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير

و سه سه و چهار چهار افزاید در آفرینش آنچه بخواهد بدرستیکه خدا بر هر چیز توانا است

سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة

پاکست خدا و سپاس خدا را و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگتر است و ...

إلا بالله العلي العظيم وسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون

مگر بتوفیق خدای بلند قدر بزرگ مرتبه و مستحق تنزیه ظاهر است هنگامیکه شام کنید و هنگامیکه صبح کنید

وله الحمد في السموات والارض وعشيا وحين تظهرون وسبحان الله

و مر او راست سپاس آسمانها و زمین و در آخر روز و هنگامیکه در پیشین می‌کنید و مستحق تنزیه است خدا

آناء الليل واطراف النهار وسبحان الله بالغدو والآصال وسبحان

در ساعتهای شب و طرفهای روز و مستحق تنزیه خداست در بامداد و شبانگاه و پاک است

ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله

پروردگار تو صاحب عزت از آنچه می‌ستایند کافران و درود بر فرستادگان و سپاس خدای

رب العالمين والحمد لله كما يحب ربنا وكما يرضى حمدا كثيرا

پروردگار جهانیان را و سپاس خدا را چنانکه دوست میدارد پروردگار ما و چنانچه می‌پسندد سپاس بسیار

طيبا وسبحان الله كلما سبح الله شيء وكما يحب الله أن يسبح

پاکیزه و تنزیه میکنم خدا را هرگاه تنزیه کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه تنزیه کرده شود

والحمد لله كلما حمد الله شيء وكما يحب الله أن يحمد ولا إله

و سپاس مر خدا را هرگاه سپاس گذاری کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه سپاس گذارده شود

إلا الله كلما هلل الله شيء وكما يحب الله أن يهلل والله أكبر

نیست خدایی مگر خدا هرگاه تهلیل کند خدا را چیزی و چنانکه دوست میدارد خدا آنکه تهلیل کرده شود و خدا بزرگتر است

كلما كبر الله شيء وكما يحب الله أن يكبر ولا حول ولا قوة إلا بالله

هرگاه بزرگی یاد کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه تعظیم کرده شود و نیست قدرتی و نه توانائی مگر بتوفیق خدا

العلي العظيم [illegible] اللهم إني أسألك يا الله يا رحمن

بلند قدر بزرگ مرتبه خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو ای خدا ای بخشنده

بأسمائك الرضية المرضية المكنونة يا الله اللهم إني

بحرمت نامهای خوش آینده پسندیده پوشیده تو ای خدا خداوندا بدرستیکه من

اللهم انی اسالك باسمائك الكبيرة الكبريائية اسالك باسمائك

سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که بزرگ و بزرگوار اند خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو

العزيزة المنيعة واسالك باسمائك التامة الكاملة المشهورة

که ارجمند و غالب اند و سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که تمام و کامل و مشهوراند

يا الله واسالك باسمائك التي هي رضاك يا الله واسالك باسمائك

ای خدا و سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که آنها پسندیده تست ای خدا و سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو

التي لا يردها دونك احد يا الله واسالك من مسائلك بما عاهدت

که بر نمیگرداند آنهارا غیر تو هیچکس ای خدا و سوال میکنم از تو از سوالهای تو بسوالی که عهد کردی

اوفی العهد يا الله ان لا تخيب سائلك يا الله واسالك بجملة

بوفا کرده ترین عهد ای خدا اینکه نا امید نسازی سوال کننده خود را ای خدا و سوال میکنم از تو بهمه

مسائلك التي لا يفي بحملها شيء غيرك يا الله هفت مرتبه واسالك

سوالهای تو سوالهائیکه وفا نمیکند به برداشتن اجابت آنها چیزی غیر تو ای خدا و سوال میکنم از تو

بكل اسم اوجبته وكل اسم هو لك وكل مسئلة حتى ينتهي الى

بحرمت هر نامی که لازم کردانیدی بخود و هر نامیکه آن بحمت تست و هر سوالی تا آنکه برسد بسوی

اسمك الاعظم الاعظم الاكبر الاكبر العلي الاعلى الذي استويت

نام تو نامیکه عظیم تر است عظیم تر بزرگتر است بزرگتر بلند است بلندتر آن نامیکه استیلا یافتی

به على عرشك واستقللت به على كرسيك وهو اسمك الفاضل

بآن بر عرش خود و مستقل گردیدی بسبب آن بر کرسی خود و آن نام نیک

الكامل الذي فضلته على جميع اسمائك يا رحمن هفت نوبت واسالك

کامل تست آن نامیکه زیادتی دادی آنرا بر همه نامهای خود ای بخشاینده و سوال میکنم

بما لا اعلمه ولو علمته لسئلتك به يا الله وبكل اسم استأثرت به في علم

بحرمت آنچه نمیدانم آنرا و اگر میدانستمی هر اینه سوال کردمی بآن ای خدا و بهر نامیکه متفرد شدی تو بآن در علم

الغیب عندک یا رحمن یا رحیم ان تصلی علی محمد عبدک و رسولک

نهانی که نزد تست ای بخشاینده ای بخشاینده اگر رحمت بفرستی بر محمد بنده تو و فرستاده تو

و نبیک و امینک و حبیبک و صفوتک من خلقک و خاصتک من

و پیغمبر تو و امین تو و دوست تو و برگزیده تو از خلق تو و مخصوص تو از

بریتک و نجیک و نجیبک و حبیبک و صفیک و علی اهل بیت محمد

جمله خلق تو و همراز تو و اختیار کرده شده و دوست تو و بنده خالص تو و بر خاندان محمد

و ترحم علی محمد و اهل بیت محمد کافضل و اجمل و ازکی و اطهر و اعظم و اکثر

و ترحم کن بر محمد و اهل بیت محمد مانند افزون تر و نیکوتر و افزاینده تر و پاکتر و بزرگتر و بیشتر

و اتم ما صلیت علی احد من انبیائک و رسلک یا ذا الجلال و الاکرام

و تمام تر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از پیغمبران خود و فرستادگان خود ای خداوند بزرگوار و گرامی

اللهم صل علی محمد و آل محمد فی الاولین و صل علی محمد و آل محمد فی الآخرین

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمره پیشینیان رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمره پسینیان

و صل علی محمد و آل محمد فی الملأ الاعلی و صل علی محمد و آل محمد فی النبیین

و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمره بزرگان محل برتر و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمره پیغمبران

و المرسلین اللهم اعط محمدا صلواتک علیه و آله الوسیلة و الفضیلة

و فرستادگان خداوندا ببخش محمد را رحمتهای تو بر او و آل او وسیله را و زیادتی را

و الشرف و الدرجة الرفیعة اللهم اکرم مقامه و شرف بنیانه

و شرف را و مرتبه بلند را خداوندا گرامی دار جای اقامت او را و بلند کن اساس او را

و عظم نوره و برهانه و بیض وجهه و اعل کعبه و افلج حجته و اظهر

و بزرگ گردان روشنائی او را و حجت او را و سفید کن روی او را و بلند کن قدر او را و غالب کن حجت او را و آشکار کن

عذره و دعوته و تقبل شفاعته کما بلغ رسالاتک و تلا آیاتک

عذر او را و دعوت او را و بپذیر شفاعت او را چنانکه رسانید پیغامهای ترا و تلاوت نمود آیات ترا

وَاَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَائْتَمَرَ بِهَا وَنَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَانْتَهَى عَنْهَا فِي سِرِّهِ
و امر کرد بطاعت تو و فرمانبرداری آن را و نهی نمود از نافرمانی تو و باز ایستاد از ان در نهانی
وَعَلَانِيَتِهِ وَجَاهَدَ فِيكَ حَقَّ الْجِهَادِ وَعَبَدَكَ مُخْلِصًا حَتّٰى اَتَاهُ
و آشکار و کارزار نمود حق کارزار در راه تو و پرستید ترا خالص گردانده تا آنکه رسید او را
الْيَقِيْنُ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اَهْلِهِ اَللّٰهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُوْدًا
مرگ رحمتهای تو بر او و بر خاندان او خداوندا برانگیز او را در مقام ستوده
يَغْبِطُهُ عَلَيْهِ الْاَوَّلُوْنَ وَالْاٰخِرُوْنَ مِنَ النَّبِيِّيْنَ وَالْمُرْسَلِيْنَ اَللّٰهُمَّ
که رشک برند او را بران پیشینیان و پسینیان از پیغمبران و فرستادگان خداوندا
اسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلٰى مِلَّتِهِ وَابْعَثْنَا فِي شِيْعَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي
بکار دار ما را بطریقه او و بمیران ما را بر دین او و برانگیز ما را در زمره پیروان او و زنده کن ما را در
زُمْرَتِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَتَّبِعُهُ وَلَا تَحْجُبْنَا عَنْ رُؤْيَتِهِ وَلَا تَحْرِمْنَا مُرَافَقَتَهُ
گروه او و بگردان ما را از آنانکه پیروی کنند او را و در پرده مکن ما را از دیدن او و محروم مکن ما را از رفاقت او
حَتّٰى تُسْكِنَنَا غُرَفَهُ وَتُخَلِّدَنَا فِي جِوَارِهِ رَبِّ اِنِّي اَحْبَبْتُهُ فَاَحْبِبْنِي لِذٰلِكَ
تا آنکه جا دهی ما را بغرفهای او و جاوید گردانی ما را در همسایگی او پروردگارا من دوست میدارم او را
وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِيْ وَبَيْنَهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
و جدایی مفکن میان من و میان او باندازه بهم زدن چشم در این جهان و آن جهان خداوندا رحمت کن بر محمد و
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الَّذِيْنَ اَذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيْرًا اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَهُمْ
آل محمد آنانکه برد خدا از ایشان ناپاکی و پاک کرد ایشان را پاک کردنی خداوندا بگشا برای ایشان
فَتْحًا يَسِيْرًا وَانْصُرْهُمْ نَصْرًا عَزِيْزًا وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيْرًا
گشودنی آسان و یاری کن ایشان را یاری با عزت و غلبه بگردان برای ایشان از نزد خود غلبه یاری دهنده
اَللّٰهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْاَرْضِ وَاجْعَلْهُمْ اَئِمَّةً وَاجْعَلْهُمُ الْوَارِثِيْنَ اَللّٰهُمَّ
خداوندا جای ده ایشان را در زمین بگردان ایشان را پیشوایان بگردان ایشان را وارثان خداوندا

أرهم في عدوّهم ما يأملون وأرِ عدوّهم منهم ما يحذرون اللهم اجمع

بنما ایشانرا درباره دشمنان ایشان بچه آرزو کنند و بنما دشمنان ایشانرا از ایشان چیزی را که می ترسند خداوندا جمع کن

بينهم على خير وعافية اللهم عجّل الروح والفرج لآل محمد اللهم اجمع على

میان ایشان در نیکی و عافیت خداوندا زود گردان راحت و گشایش برای آل محمد خداوندا جمع کن

الهدى أمرهم واجعل قلوبهم على قلوب خيارهم وأصلح ذات

بر هدایت کار ایشانرا و بگردان دلهای ایشانرا بر دلهای برگزیدگان ایشان و بصلاح آور حالی را

بينهم إنك حميد مجيد اللهم إني أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد

که در میان ایشانست بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

وأن تغفر لي ولوالديّ وما ولدا وأعتقهما من النار وارحمهما

و آنکه بیامرزی مرا و پدر و مادر مرا و آنرا که زائیده اند ایشان آزاد کن ایشانرا از آتش دوزخ و رحم کن ایشانرا

وأرضهما عني واغفر لكل والد دخل في الإسلام ولأهلي وولدي

و خوشنود ساز ایشانرا از من بیامرز هر یک از پدران مرا که در آمده اند در اسلام و اهل مرا و فرزندان مرا

وجميع قراباتي إنك على كل شيء قدير اللهم اجعلني وجميع ورثة أبي

و همه خویشان مرا بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی خداوندا بگردان مرا و همه وارثان پدر مرا

وإخواني فيك من أهل ولايتك ومحبتك فإنه لا يقدر على ذلك

و برادران مرا در راه تو از اهل یاری خود و دوستی خود زیرا که بتحقیق قدرت ندارد بر آن

غيرك يا أرحم اللهم أوزعني أن أشكر نعمتك التي

غیر تو ای بخشاینده خداوندا حریص کن مرا آنکه سپاس کنم ترا و شکر کنم نعمت ترا که

أنعمت عليّ وعلى والديّ وأن أعمل صالحا ترضاه وأصلح لي في ذريتي

انعام کردی بر من و بر پدر و مادر من و آنکه بکنم کاری نیکو که بپسندی آنرا و اصلاح کن برای من فرزندان مرا

إني تبت إليك وإني من المسلمين واجز والديّ خير ما جزيت [illegible]

بدرستیکه من رجوع کردم بسوی تو و بدرستیکه من از گروهی که گردن نهند کانیم و پاداش ده پدر و مادر مرا بهترین [illegible]

عن والده واجعل ثوابهما عني جنات النعيم واغفر لنا ولاخواننا

از فرزندش و بگردان پاداش نیک ایشانرا از من بهشتها با ناز و نعمت و بیامرز مرا و برادران

الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا

آنانکه پیشی گرفته اند ما را بایمان و مگردان در دلهای ما کینه برای آنانکه ایمان آورده اند ای پروردگار ما

انك رؤف رحيم واغفر لنا وللمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم

بدرستیکه تو مهربان بخشنده و بیامرز ما را و مومنان را و زنان مومنه را زندگان از ایشان

والاموات اللهم اصلح ذات بينهم واجمع على الهدى امرهم

و مردگان را خداوندا بصلاح آور حالتی را که میان ایشانست و جمع کن بر هدایت کار ایشان

واجعلني واياهم على طاعتك ومحبتك اللهم ومتعهم

و بگردان مرا و ایشانرا بر فرمان برداری خود و دوستی خود خداوندا فراهم آور یکدیگر ایشانرا

واحقن دماءهم وول امرهم خيارهم اهل الرافة والرحمة والمعدلة

و باز دار ریختن خونهای ایشانرا و متولی گردان بکار ایشان نیکان ایشانرا صاحب مهربانی و رحمت و عدالت

عليهم انك على كل شيء قدير يا رب يا رب يا رب اللهم

بر ایشان بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا

بديع السموات والارض عالم الغيب والشهادة ذا الجلال

ای نو پدید آورنده آسمانها و زمین ای دانای پنهان و آشکار ای خداوند بزرگواری

والاكرام والجود والقوة والسلطان والجبروت والملكوت

و گرامی داشتن و بخشش و توانائی و سلطنت و بزرگواری و پادشاهی

والكبرياء والعظمة والقدرة والمدحة والرهبة والرغبة والجود

و بزرگواری و بزرگی و توانائی و سپاس و ترس و خواهش و بخشش

والعلو والحجة والهدى والطاعة والعبادة والامر والخلق وكل شيء لك

و بلندی و حجت و راه نمائی و فرمان برداری و پرستش و فرمادهی و آفرینش و هر چیز تراست

یا ربّ العالمین یا ربّ یا ربّ یا ربّ اسألک یا ربّ سؤال الضّارعین

ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من سؤال میکنم از تو ای پروردگار من مانند سؤال زاری کنندگان

المتضرّعین المساکین المستکینین الرّاغبین الرّاهبین الّذین لا یجدون

مسکینان فروتنی نمایندگان خشوع کنندگان رغبت دارندگان ترسندگان آنانکه نمی رسند

سواک یا من یجیب المضطرّ و یکشف الضّرّ و یجیب الدّاعی و یعطی

از غیر تو ای کسیکه اجابت میکند درمانده را و برطرف میکند رنج را و اجابت میکند دعا کننده را و می بخشد

السّائل اسألک یا ربّ سؤال من لم یجد لضعفه مقوّیا و لا لذنبه

سؤال کننده را درخواست میکنم از تو ای پروردگار من مانند درخواست کسیکه نیافته است برای ناتوانی خود توانائی دهنده و برای گناه خود

غافرا و لا لفقره سادّا غیرک اسألک سؤال من اشتدّت فاقته

آمرزنده و نه برای حاجت خود بند کننده غیر از تو سؤال میکنم از تو مانند سؤال کسیکه سخت شده است فاقه او

و ضعفت قوّته و کثرت ذنوبه یا ذا الجلال و الاکرام یا ربّ یا ربّ

و سست شده است توانائی او و بسیار شده است گناهان او ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن ای پروردگار من ای پروردگار

یا ربّ اسألک یا ربّ مسألة کلّ سائل و رغبة کلّ راغب تبلّک

ای پروردگار من سؤال میکنم از تو ای پروردگار من مانند سؤال هر سؤال کننده و خواهش هر خواهش کننده بسوی

اذا دعیت و اجبت و بحقّ السّائلین علیک و بحقّ صفوتک من عبادک

هرگاه خوانده میشوی و اجابت میکنی و بحق سؤال کنندگان بر تو و بحق برگزیدگان تو از بندگان تو

و منتهی العزّ من عرشک و منتهی الرّحمة من کتابک ان لا تستدرجنی

و بحق نهایت بزرگی از عرش تو و بحق نهایت بخشایش تو از کتاب تو آنکه مستدرج نکنی مرا

بخطیئتی و لا تجعل مصیبتی فی دینی و اذکرنی یا ربّ برضاک و

بگناه من و نگردانی مصیبت مرا در دین من و یاد کن مرا ای پروردگار من بخشنودی خود

لا تنسنی حین تنشر رحمتک و اقبل علیّ بوجهک الکریم

و فراموش مکن مرا وقتی که پراکنده کنی رحمت خود را و متوجه شو بطرف من بذات خود که کریم است

وامنن علىّ بكرامتك يا كريم العفو واستجب دعائي وارحم تضرعي

واحسان كن بر من بكرامت خود اى بزرگ بخشايش و قبول كن دعاى مرا و رحم كن بزارى من

فاني بائس فقير خائف مستجير من عذابك لا اثق بعملي ولكني

پس بدرستيكه من محتاج فقير ترسان پناه برنده از عذاب توام اعتماد ندارم بكردار خود وليكن

اثق برحمتك يا رب يا رب يا رب اللهم كن بي حفيا ولا تجعلني

اعتماد دارم ببخشايش تو اى پروردگار من اى پروردگار من خداوندا باش بر من مهربان و مگردان

بدعائك رب شقيا وامنن علىّ بعافيتك واعتق رقبتي من النار

بدعاى خود اى پروردگار من بدبخت و احسان كن بر من بعافيت خود و آزاد كن گردن مرا از آتش دوزخ

فاني لا استغيث بغيرك واستجير بك فاجرني من كل هول و

پس بدرستيكه من استغاثه نميكنم بغير تو و پناه مى برم بتو پس پناه ده مرا از هر ترسى و

مشقة وخوف وآمن خوفي وشجع جبني وقو ضعفي وسد فاقتي واصلح

رنجى و بيمى و ايمن گردان ترس مرا و دلير كن بددلى مرا و قوت ده ناتوانى مرا و ببند كن فاقه مرا و اصلاح

لي جميع اموري يا رب اعوذ بك من هول المطلع ومن شدة الموقف

براى من همه كارهاى مرا اى پروردگار من پناه مى برم بتو از ترس رسانيدن عرصه قيامت از سختى

يوم الدين فانك تجير ولا يجار عليك يا رب يا رب اللهم

روز جزا بدرستيكه تو پناه دهنده و پناه داده نميشود بر تو اى پروردگار من اى پروردگار من خداوندا

لا تعرض عني حين ادعوك ولا تصرف عني وجهك حين اسألك

روى گردان از من هنگاميكه بخوانم ترا و برمگردان از من روى خود را هنگاميكه از تو سؤال نمايم

فلا رب لي سواك واعطني مسألتي وآمن خوفي يوم القاك اللهم

پس نيست پروردگارى مرا غير تو و بده مرا مسئول مرا و ايمن گردان از ترس روزيكه ببينم ترا خداوندا

اني اعوذ بك فاعذني فاني ضعيف خائف مستجير بائس فقير

بدرستيكه من پناه مى برم بتو پس پناه ده مرا پس بدرستيكه من ناتوان ترسان پناه برنده محتاج فقيرم

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ ضُرَّ مَا اسْتَعْذَنْتُكَ مِنْهُ وَ اَلْبِسْنِي

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا برطرف کن ضرر چیزی که پناه بردم بتو از آن و بپوشان لباس

رَحْمَتَكَ وَ حَلِّنِي عَافِيَتَكَ وَ امْنِي بِرَحْمَتِكَ فَاِنَّكَ تُجِيْرُ وَ لَا يُجَارُ عَلَيْكَ

رحمت خود و بپوشان مرا عافیت خود و در امان ادار مرا برحمت خود پس بدرستیکه تو پناه میدهی و پناه داده نمیشود بر تو

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ وَحْشَةِ الْقَبْرِ وَ مِنْ خَلْوَتِهِ وَ مِنْ ظُلْمَتِهِ وَ ضِيْقِهِ

خداوندا بدرستیکه من پناه می آورم بتو از وحشت قبر و از تنهائی آن و از تاریکی آن و تنگی آن

وَ عَذَابِهِ وَ مِنْ هَوْلِ مَا اَتَخَوَّفُ بَعْدَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

و عذاب آن و از ترس و بیم آن آنچه می ترسم بعد از قبر ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای پروردگار من

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ صَفْوَتِكَ

بارخدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اینکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و اهل بیت او که برگزیدگان تو

وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ اَنْ تَسْتَجِيْبَ لِيْ دُعَائِيْ وَ تُعْطِيَنِيْ سُؤْلِيْ وَ اَكْفِنِيْ

و نیکوکاران تو اند از خلق تو و اینکه مستجاب کردان از برای من دعای مرا و ببخشی مرا حاجتهای مرا و کفایت کن

اَمْرَ اٰخِرَتِيْ وَ دُنْيَايَ وَ ارْحَمْ فَاقَتِيْ وَ اغْفِرْ ذُنُوْبِيْ مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَ

کار آخرت مرا و دنیای مرا و رحم کن فاقه من و بیامرز گناهان مرا آنچه گذشته از آن و

مَا تَاَخَّرَ وَ اٰتِنِيْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّ قِنِيْ بِرَحْمَتِكَ

آنچه بعد از آن صادر شده و بده بمن در دنیا نیکوئی و در آخرت نیکوئی و نگاهدار مرا برحمت خود

عَذَابَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ صِلَةَ قَرَابَتِيْ وَ حَجًّا مَقْبُوْلًا وَ عَمَلًا صَالِحًا

از عذاب آتش دوزخ بارخدایا روزی کن بمن پیوند خویشی مرا و حجی که مقبول باشد و کردار نیک

مَبْرُوْرًا تَرْضَاهُ مِمَّنْ عَمِلَ بِهِ وَ اَصْلِحْ لِيْ اَهْلِيْ وَ وَلَدِيْ وَ اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ

پذیرفته شده که راضی باشی با آن کسیکه عمل کند با آن نیک گردان از برای من اهل مرا و فرزندان و سؤال میکنم از تو اینکه

لِيْ عَقِبًا صَالِحًا تُلْحِقُنِيْ مِنْ دُعَائِهِمْ رِضْوَانًا وَ مَغْفِرَةً وَ زِيَادَةً فِيْ كَرَامَتِكَ

از برای من فرزندان نیک که لاحق کردی مرا از دعای ایشان خوشنودی خود و آمرزش خود و افزونی در کرامت خود

[illegible]

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی وتو بخشنده ترین بخشندگانی ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

اللَّهُمَّ وَكُلَّمَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ أَوْ رِيبَةٍ أَوْ جُحُودٍ أَوْ قُنُوطٍ أَوْ فَرَحٍ

بار خدایا هرچه باشد در دل من از شک یا ریب یا انکار یا ناامیدی یا سرور

أَوْ مَرَحٍ أَوْ بَطَرٍ أَوْ بَذَخٍ أَوْ فَخْرٍ أَوْ خُيَلَاءَ أَوْ جُبْنٍ أَوْ خِيفَةٍ أَوْ رِيَاءٍ أَوْ سُمْعَةٍ

یا شادی بسیار یا شادی سخت یا طغیان یا نازش یا تکبر یا بد دلی یا ترس یا نمودن یا بگوش رسانیدن

أَوْ شِقَاقٍ أَوْ نِفَاقٍ أَوْ كُفْرٍ أَوْ فُسُوقٍ أَوْ عِصْيَانٍ أَوْ عَظَمَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِمَّا

یا مخالفت یا بدبختی یا نفاق یا کفر یا فسق یا گناه یا نخوت یا چیزی از آنچه

لَا تُحِبُّ عَلَيْهِ أَوْلِيَاءَكَ فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَمْحُوَ

دوست نداری بران دوستان خود را پس سوال میکنم از تو بحق محمد وآل محمد اینکه محو کردانی

ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي وَأَنْ تُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ إِيمَاناً وَعَدْلاً وَرِضاً بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً

آنرا از دل من واینکه بدل کنی بجای او ایمان را وعدل را وخوشنودی بقضای خود ووفا

بِعَهْدِكَ وَوَجَلاً مِنْكَ وَزُهْداً فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ

بعهد خود را وترس را از خود وزهد در دنیا وخواهش در آنچه نزد تست واعتماد بتو

وَطُمَأْنِينَةً إِلَيْكَ وَتَوْبَةً إِلَيْكَ نَصُوحاً يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

واطمینان بسوی تو وبازگشت بسوی تو بازگشتنی خالص ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من بار خدایا مر تراست حمد

كَمَا خَلَقْتَنِي وَلَمْ أَكُ شَيْئاً مَذْكُوراً فَأَعِنِّي عَلَى أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَنَوَائِبِ الدَّهْرِ

چنانچه آفریدی مرا ونبودم چیزی که مذکور شود پس یاری کن مرا بر ترسهای دنیا وحوادث روزگار

وَنَكَبَاتِ الزَّمَانِ وَكُرُبَاتِ الْآخِرَةِ وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ وَاكْفِنِي

ونکبتهای زمانه واندوههای آخرت ومصیبتهای شبها وروزها وکفایت کن مرا

شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ وَرَضِّنِي بِقَضَائِكَ

شر آنچه میکنند ستمکاران در زمین بار خدایا برکت ده مرا در مقدر کرده خود وراضی کن مرا بقضای خود

[illegible]

اللهم افتح مسامع قلبي لذكرك وارزقني شكرا وتوفيقا وعبادة وخشية

بار خدایا بگشا گوشهای دل مرا از جهت ذکر خود وروزی کن مرا شکر وتوفیق وپرستش وترس

یا رب العالمین یا رب یا رب یا رب اللهم اطلع الی الیوم اطلاعة تدخلني

ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خدایا نظر کن بسوی من امروز نظر کردنی که داخل کنی مرا

بها الجنة اللهم استجب دعائي واقبله مني واجعله دعاء جامعا

بآن در بهشت بار خدایا بپذیر دعای مرا وقبول کن آنرا از من وبگردان آنرا دعای جامع

یوافق بعضه بعضا فان کل شیء عندک بمقدار اللهم واجعله من شانک

که موافق باشد بعضی از آن با بعض پس بدرستیکه هر چیز نزد تو باندازه است بار خدایا وبگردان آنرا از شان خود

فانک کل یوم في شان اللهم واکتبه لي في علیین في کتاب لا یمحی ولا یبدل

پس بدرستیکه تو در هر روز در شانی هستی بار خدایا وبنویس آن دعا را برای من در علیین در کتابی که محو کرده نشود وبدل کرده نشود

بان تقول قد غفرت لعبدي ما تقدم من ذنبه وما تأخر واستجبت له

باینکه بگوئی که بتحقیق آمرزیدم مر بنده خود را آنچه پیش شده از گناه او وآنچه بعد از آن شده وپذیرفتم برای او

دعوته ووفقته واصطفیته لنفسي وکرمته وفضلته وعصمته

دعای او را وتوفیق دادم او را وبرگزیدم او را برای نفس خود وگرامی داشتم او را وبرتری دادم او را ونگاه داشتم او را

هدیته وزکیته واصلحته واستخلصته وغفرت له وعفوت عنه

راه نمودم او را وپاک کردم او را ونیک کردم او را وخالص کردم او را وآمرزیدم او را ودرگذشتم او را از او

آمین یا رب یا رب اللهم اني اتوجه الیک بنبیک نبي الرحمة

قبول کن ای پروردگار من ای پروردگار من خدایا بدرستیکه من متوجه میشوم بسوی تو به پیغمبر تو که پیغمبر رحمت است

محمد صلی الله علیه وآله في خلاصي وخلاص والدي وما ولدا واهلي

محمد رحمت خدا بر او وآل او در رهائی خودم ورهائی پدر ومادرم وآنچه زاده اند پدر ومادرم واهل من

وولدي وجمیع ذریاتي واخواني فیک وجمیع المؤمنین والمؤمنات

وفرزندان من وهمه ذریت پدر من وبرادران من در راه تو وهمه مردان مؤمن وزنان مؤمنه

وفی الآخرة حسنة وقنا برحمتک عذاب النار یا رب یا رب یا رب

و در آخرت نیکوئی و نگاه دار ما را برحمت خود از عذاب آتش ای پروردگار من ای پروردگار من

اللهم وما کان من خیر او عمل صالح اسألک به واکون فی رضوانک

بار خدایا آنچه باشد از خیر یا عمل نیک و درخواست میکنم ترا بوسیله آن و می باشم در خوشنودی تو

وعافیتک وما صلح من ذلک من البر فامنن علی به وانی الیک راغب

و عافیت تو و آنچه شایسته باشد از آن از نیکی پس منت گذار بر من بآن بدرستیکه بسوی تو راغبم

وبک مستجیر اللهم ما استعفیتک منه وما لم استعفک منه

و بتو پناه برنده ام بار خدایا آنچه طلب عفو کردم از تو از آن و آنچه طلب عفو نکردم از تو از آن

علیه النار وسخطک فعافنی منه وما عذت من المخازی یوم القیمة

یعنی بسبب آن آتش و غضب خود را پس عافیت ده مرا از آن و آنچه پناه بردم از رسوائیها در روز قیامت

وسوء المطلع الی ما فی القبور فاعذنی منه اللهم وما انت علیه

و بدی منظر بسوی آنچه در قبرهاست پس پناه ده مرا از آن بار خدایا و آنچه پشیمان شدم از آن

من فعلی له واجازنی علیه یوم المعاد اورانی فی الدنیا علی الحال

از کردن خود آن را و پاداش داده شوم بر آن روز بازگشت یا بینی مرا در دنیا بر حالیکه

التی تورث سخطک فاسألک بوجهک الکریم ان تعظم عافیتی من جمیع

باعث خشم تو شود پس سوال میکنم از تو بذات تو که کریم است اینکه بزرگ گردانی عافیت مرا از همه

ذلک یا ولی العافیة یا رب یا رب یا رب واسألک یا رب مع ذلک

این چیزها ای خداوند عافیت ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من و سوال میکنم از تو ای پروردگار من با این

العافیة من جهد البلاء وسوء القضاء وشماتة الاعداء وان تحملنی ما

عافیت از مشقت بلا و بدی قضا و شاد شدن دشمنان و اینکه بار نکنی مرا آنچه

لا طاقة لی به وان تسلط علی ظالما او تبتلینی بما لا طاقة لی به وتناقشنی

نیست طاقت مرا بآن و اینکه مسلط کنی بر من ظالمی را که گرفتار و مبتلا کند مرا بچیزیکه نیست مرا طاقت آن

١٣	٢	٣	١٦
٨	١١	١٠	٥
١٢	٧	٦	٩
١	١٤	١٥	٤

فی الحساب یوم الحساب مناقشة بمساوی احوج ما اکون الی عفوک

در حساب در روز حساب از روی مناقشه بدیهای من محتاج تر آنچه میباشم بعفو تو

وتجاوزک اسالک بوجهک الکریم ان تعظم عافیتی فی جمیع ذلک یا ولی

و درگذشتن تو سوال میکنم از تو بذات تو که بزرگست اینکه عظیم گردانی عافیت مرا در همه چیزها ای خداوند

العافیة ای من عفی عن السیئات ولم یجازبها ارحم عبدک یا رب یا رب

عافیت ای کسیکه درگذشت از بدیها و جزا نداد بان رحم کن بنده خود را ای پروردگار من ای پروردگار من

یا رب یا الله یا الله یا الله نفسی نفسی نفسی ارحم عبدک یا سیداه عبدک

ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدا نفس من نفس من نفس من رحم کن بنده خود را ای سرور من بنده تو

بین یدیک یا ربّاه یا ربّاه یا ربّاه یا منتهی رغبتاه یا مجری الدم فی

در برابر تست ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای نهایت خواهش من ای جاری کننده خون در

عروق عبدک عبدک یا سیداه یا مالک عبده یا سیداه یا مالکاه

رگهای من بنده توام بنده توام ای سرور ای مالک بنده خود ای سرور ای مالک

یا هو ربّاه لا حیلة لی ولا غنی بی عن نفسی ولا استطیع لها ضرّا

ای کسیکه او پروردگار من است نیست حیله مرا و نه بی نیازیست مرا از نفس من و ندارم طاقت آن از ضرر

ولا نفعا ولا رجاء لی ولا اجد احدا اصانعه تقطعت اسباب الخدائع

نه فایده و نیست امید مرا و نمی یابم کسی را که رشوت دهم او را بریده شد سببهای فریبها

واضمحل عنی کل باطل افردنی الدهر الیک فقمت هذا المقام الهی بعلمک

و ناپدید شد از من هر باطل تنها کرد مرا روزگار بسوی تو پس ایستادم درین مقام ای خدای من بدانش تو

فکیف انت صانع بی لیت شعری ولا اشعر کیف تقول لدعائی

پس چگونه تو عمل کننده بمن کاش که میدانستم و نمیدانم چگونه میگوئی مر دعای مرا

اتقول نعم ام تقول لا فان قلت لا فیا ویلتی یا ویلتاه یا ویلتاه

آیا میگوئی آری یا میگوئی نه پس اگر گوئی نه پس ای وای بر من ای وای بر من ای وای بر من

لا اله الا هو العزیز الحکیم الذین یقولون ربنا اننا امنا فاغفر لنا

بحق انیست خدای بجز او که غالبست کردارست آنانکه میگویند ای پروردگار ما بدرستیکه ما ایمان آوردیم پس بیامرز ما را

ذنوبنا وقنا عذاب النار الصابرین والصادقین والقانتین والمنفقین

گناهان ما و نگاه دار ما را از آتش دوزخ شکیبایی پیشگان و راست گویان و طاعت داران و صدقه کنندگان

والمستغفرین بالاسحار شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم

و آمرزش طلبان در سحرگاهان گواهی میدهد خدا بآنکه وی است خدا نیست خدای بجز او و فرشتگان و خداوندان

قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام

حالیکه برپاست بعدالت نیست خدای مگر او غالب صاحب حکمت بدرستیکه دین نزد خدا اسلام

الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه ومن اصدق

خدا نیست خدای بجز او هر آینه جمع میکند شما را بسوی روز قیامت نیست شکی در آن و کیست راست گوتر

من الله حدیثا ذلکم الله ربکم لا اله الا هو خالق کل شیء فاعبدوه

از خدا در سخن آنست خدا که پروردگار شماست نیست خدای بجز او آفریننده هر چیز پس بپرستید او را

وهو علی کل شیء وکیل اتبع ما یوحی الیک من ربک لا اله الا هو

و آن خدا بر هر چیز وکیل است پیروی کن آنچه وحی کرده شده بسوی تو از پروردگار تو نیست خدای بجز او

واعرض عن المشرکین قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا

و روی بگردان از مشرکان بگو ای مردمان بدرستیکه من فرستاده خدا ام بسوی شما همه

الذی له ملک السموات والارض لا اله الا هو یحیی ویمیت فامنوا بالله

آن کسیکه مر اوراست پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدای بجز او زنده میکند و میمیراند پس ایمان آرید بخدا

ورسوله النبی الامی الذی یؤمن بالله وکلماته واتبعوه لعلکم

و رسول او پیغمبر ناخوانده آنکه ایمان آورد بخدا و کلمات او و پیروی کنید او را باشد که شما

تهتدون وما امروا الا لیعبدوا الها واحدا لا اله الا هو سبحانه

راه یابید و مامور نشدند مگر آنکه عبادت کنند خدای یگانه را که نیست خدای بجز او منزه است او

عما يشركون لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص

از انچه شریک میکردانند هرآینه بتحقیق آمد شمارا رسولی از نفسهای شما سخت است براو رنج رسیدن شما حریص

عليكم بالمؤمنين رءوف رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو

بر شما بمومنان مهربان بخشاینده است پس اگر اعراض کنند پس بگو که کافیست مرا خداست نیست خدائی بجز او

عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه الغرق قال امنت

براو توکل کردم و او پروردگار عرش عظیم است تا وقتیکه دریافت فرعون را غرق گفت ایمان آوردم

انه لا اله الا الذي امنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين

بانکه نیست خدائی مگر آنکه ایمان آورده اند باو بنی اسرائیل و من از جمله مسلمانانم پس اگر

فالم يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم

قبول نکنند مر شمارا پس بدانید که انچه فرستاده شد مقرون بعلم خداست و آنکه نیست خدائی بجز او پس آیا شما

مسلمون قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب ان

مسلمانانید بگو که او پروردگار منست نیست خدائی بجز او براو توکل کردم و بسوی اوست بازگشت من آنکه

انذروا انه لا اله الا انا فاتقون الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى

بترسانید که بدرستیکه نیست خدائی بجز من پس بترسید از من خدائی که نیست خدائی بجز او و مر او راست نامهای

فاستمع لما يوحى انني انا الله لا اله الا انا فاعبدني واقم الصلوة

پس بشنو مر چیزیرا که وحی کرده میشود بدرستیکه منم خدا نیست خدائی بجز من پس عبادت کن مرا و برپا دار نمازرا

لذكري انما الهكم الله الذي لا اله الا هو وسع كل شيء علما وما ارسلنا

برای ذکر من جز این نیست که خدای شما خدائیست که نیست خدائی بجز او فرا گرفته است همه چیزرا العلم و نه فرستادیم

من قبلك من رسول الا نوحي اليه انه لا اله الا انا فاعبدون

پیش از تو هیچ پیغمبری مگر آنکه وحی کردیم بسوی او که بدرستیکه نیست خدائی بجز من پس پرستید مرا

وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمت

و یاد کن صاحب ماهی را وقتیکه رفت غضبناک پس گمان کرد که ما تنگ نگیریم براو پس ندا کرد در تاریکیها

ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه

اینکه نیست خدای بجز تو منزه هستی از نقصانها بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس قبول کردیم دعای او را و نجات دادیم او را

من الغم وكذلك ننجي المؤمنين فتعالى الله الملك الحق لا إله إلا هو

از غم و همچنین می رهانیم مومنان را پس برترست خدای پادشاه ثابت نیست خدای بجز او

رب العرش الكريم الله لا إله إلا هو رب العرش العظيم وهو الله

که پروردگار عرش بزرگست خدائیکه نیست خدای بجز او پروردگار عرش بزرگ و اوست خدای

لا إله إلا هو له الحمد في الأولى والآخرة وله الحكم وإليه ترجعون

که نیست خدای بجز او مر او راست ستایش در دنیا و آخرت و مر او راست فرمان و بسوی او برگردانیده میشوید

يا أيها الناس اذكروا نعمة الله عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم

ای مردمان یاد آورید نعمت خدا را بر شما آیا هیچ آفریننده هست غیر الله که روزی دهد شما را

من السماء والأرض لا إله إلا هو فأنى تؤفكون إنهم كانوا إذا قيل لهم

از آسمان و زمین نیست معبود بحق غیر از خدا پس کجا برگردانیده میشوید بدرستیکه ایشان بودند که چون گفته شود ایشان را

لا إله إلا الله يستكبرون ذلكم الله ربكم له الملك لا إله إلا هو فأنى

که نیست خدای بحق غیر از خدا تکبر میکردند اینست خدای پروردگار شما مر او راست پادشاهی نیست خدای بجز او پس کجا

تصرفون غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي الطول

برگردانیده خواهید شد آمرزنده گناه و پذیرنده توبه سخت پاداش صاحب نیکی و فضل

لا إله إلا هو إليه المصير ذلكم الله ربكم خالق كل شيء لا إله إلا هو

نیست معبود بحق بجز او بسوی اوست بازگشت این است معبود پروردگار شما آفریننده هر چیز نیست خدای بجز او

فأنى تؤفكون تبارك الله رب العالمين لا إله إلا هو يحيي ويميت ربكم

پس کجا برگردانیده خواهید شد بزرگست خدای پروردگار عالمیان نیست معبود بحق مگر او زنده میکند و میمیراند پروردگار شما

ورب آبائكم الأولين فاعلم أنه لا إله إلا الله واستغفر لذنبك

و پروردگار پدران شما که پیش از شما بودند پس بدانکه نیست معبود بحق بجز خدا و طلب آمرزش میکنم برای گناه خود

النبيون من ربهم لا نفرق بين احد منهم ونحن له مسلمون ربنا آمنا

انبیا از جانب پروردگار خود نه تفرقه نکنیم میان یکی از ایشان و ما مر او را فرمانبرداریم ای پروردگار

السموات والارض لن ندعوا من دونه الها لقد قلنا اذا شططا الحمد

آسمانها و زمین است هرگز نخوانیم غیر او خدایی را به تحقیق گفتیم آنگاه سخن بی‌اساس

لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله لقد جاءت

مر خدای را که راه نمود ما را باین و نبودیم ما که راه بریم اگر نه آنکه راه نمود ما را خدا هرآینه به تحقیق آمدند

رسل ربنا بالحق صلى الله عليهم اجمعين السلام عليك يا رسول الله

فرستادهای پروردگار ما براستی درود فرستد خدا بر ایشان همه ایشان سلام بر تو باد ای فرستاده خدا

السلام عليك يا نبي الله السلام عليك يا خيرة الله من خلقه وامينه

سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای برگزیده خدا از خلق او و امین خدا

على وحيه السلام عليك يا مولاي يا امير المؤمنين السلام عليك

بر وحی او سلام بر تو باد ای مولای من ای امیر مؤمنان سلام بر تو باد

يا مولاي انت حجة الله على خلقه وامينه على وحيه وباب علمه ووصي

ای آقای من تو حجت خدایی بر خلق او و امین خدایی بر وحی او و دروازه علم او و وصی

نبيه والخليفة من بعده في امته لعن الله امة غصبتك حقك

پیغمبر اویی و جانشین پیغمبر بعد از او در امت او لعنت کند خدا گروهی که غصب کردند حق تو

وقعدت مقعدك انا بريء منهم ومن شيعتهم اليك السلام عليك

و نشستند بجای تو من بیزارم و دور گردانم از ایشان و از یاران ایشان بسوی تو سلام بر تو باد

يا فاطمة البتول السلام عليك يا زين نساء العالمين السلام عليك يا بنت

ای فاطمه بتول سلام بر تو باد ای زینت زنان عالمیان سلام بر تو باد ای دختر

رسول الله رب العالمين صلى الله عليك وعليه السلام عليكما يا سبطي

رسول خدای پروردگار عالمیان درود فرستد خدا بر تو و بر او سلام بر شما باد ای دو نبیره پیغمبر

الحسن والحسین لعن الله امة غصبتك حقك ومنعتك ما جعله

حسن وحسین لعنت خدا گروهی را که غصب کردند حق تو و منع کردند ترا از آنچه گردانیده بود

الله لك حلالا انا بریء الیك منهم ومن شیعتهم السلام علیك یا مولای یا

خدا مر ترا حلال من بیزارم بسوی تو از ایشان و از یاران ایشان سلام بر تو باد ای آقای من ای

ابا محمد الحسن الزکی السلام علیك یا مولای لعن الله امة قتلتك وبایعت فی

ابو محمد حسن پاک سلام بر تو باد ای آقای من لعنت خدا گروهی را که کشتند و با هم بیعت کردند در

امرك وشایعت انا بریء الیك منهم ومن شیعتهم السلام علیك یا مولای

کار تو و یاری هم کردند من بیزارم بسوی تو از آنها و از یاران آنها سلام بر تو باد ای مولای من

یا ابا عبد الله الحسین بن علی صلوات الله علیك وعلی ابیك وجدك محمد

ای ابو عبد الله حسین پسر علی درودهای خدا بر تو باد و بر پدر تو و جد تو محمد

صلی الله علیه واله لعن الله امة استحلت دمك ولعن الله امة قتلتك

رحمت فرستد خدا بر او و آل او لعنت خدا گروهی را که حلال دانستند خون ترا و لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا

واستباحت حریمك ولعن الله اشیاعهم واتباعهم ولعن الله الممهدین

و مباح دانستند حریم ترا و لعنت کند خدا یاران ایشان را و تابعان ایشان را و لعنت کند خدا آماده کنندگان

لهم بالتمکین من قتالکم انا بریء الی الله والیك منهم السلام علیك یا مولای

مر ایشان را بتوانائی دادن از کارزار شما من بیزارم و روگردانم بسوی خدا و بسوی تو از ایشان سلام بر تو باد ای مولای من

یا ابا محمد علی بن الحسین السلام علیك یا مولای یا ابا جعفر محمد بن علی

ای ابو محمد علی پسر حسین سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو جعفر محمد پسر علی

السلام علیك یا مولای یا ابا عبد الله جعفر بن محمد السلام علیك

سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو عبد الله جعفر پسر محمد سلام بر تو باد

یا مولای یا ابا الحسن موسی بن جعفر السلام علیك یا مولای یا ابا الحسن

ای مولای من ای ابو الحسن موسی پسر جعفر سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو الحسن

یا اللهُ یا اللهُ یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ یا سَیِّداهُ یا سَیِّداهُ یا سَیِّداهُ

ای خدا ای خدا ای پروردگار من ای پروردگار من ای سرور من ای سرور من ای سرور من

یا مَولاهُ یا مَولاهُ یا مَولاهُ اللّٰهُمَّ وما قَسَمْتَ لی فی هٰذِهِ السّاعَةِ وفی هٰذا

ای مولای من ای مولای من ای مولای من بار خدایا و آنچه قسمت کردی برای من در این ساعت و در این

الیَومِ وفی هٰذا الشَّهرِ وفی هٰذِهِ السَّنَةِ مِن خَیرٍ او بَرَکَةٍ او عافِیَةٍ او مَغفِرَةٍ

روز و در این ماه و در این سال از خیر یا برکت یا عافیت یا آمرزش

او رَأفَةٍ او رَحمَةٍ او عِتقٍ مِنَ النّارِ او رِزقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَیِّبٍ او تَوبَةٍ

یا مهربانی یا بخشایش یا آزادی از آتش یا روزی فراخ حلال پاک یا توبهٔ

نَصُوحٍ فاجْعَلْ لَنا فی ذٰلِکَ اَوفَرَ النَّصیبِ واَجزَلَ الحَظِّ اللّٰهُمَّ وما اَنزَلتَ

راست و درست پس بگردان برای ما در آن وافرتر بهره و بزرگتر نصیبی بار خدایا و آنچه فرو فرستادی

فی هٰذِهِ السّاعَةِ وفی هٰذا الیَومِ وفی هٰذا الشَّهرِ وفی هٰذِهِ السَّنَةِ مِن حَرقٍ

در این ساعت و در این روز و در این ماه و در این سال از سوختن

او شَرَقٍ او غَرَقٍ او هَدمٍ او رَدمٍ او خَسفٍ او قَذفٍ او رَجفٍ او مَسخٍ او

یا گلوگرفتگی یا غرق شدن یا بر سر افتادن خانه یا افتادن دیوار یا بزمین فرو رفتن یا سنگ انداختن یا لرزیدن یا مسخ

صَیحَةٍ او زَلزَلَةٍ او فِتنَةٍ او صاعِقَةٍ او بَرَدٍ او جُنُونٍ او جُذامٍ او بَرَصٍ

بانگ آواز یا زلزله یا فتنه یا صاعقه یا ژاله یا جنون یا خوره یا پیسی

او اَکلِ سَبُعٍ او مِیتَةِ سُوءٍ وجَمیعِ اَنواعِ البَلاءِ فی الدُّنیا والآخِرَةِ

یا خوردن درنده یا مردن بد و همه انواع بلا در دنیا و آخرت

فاصْرِفْهُ عَنّا کَیفَ شِئتَ واَنّی شِئتَ وعَن جَمیعِ المُؤمِنینَ فی کُلِّ دارٍ

پس بگردان آن را از ما هر قسم که خواهی و هر جا که خواهی و از همه مؤمنان در هر خانه

ومَنزِلٍ فی شَرقِ الاَرضِ وغَربِها عَزَّ جارُکَ وجَلَّ ثَناؤُکَ ولا اِلٰهَ غَیرُکَ

و جایگاه در شرق زمین و مغرب من عزیز است پناه برنده بتو و بزرگ است ثنای تو و نیست معبودی غیر تو

وحدک لا شریک لک فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة

یگانه تو نیست شریکی مر ترا ای پدید کننده آسمانها و زمین دانای پنهان و آشکار

رب کل شیء وملیکه اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد

پروردگار هر چیز و مالک آن شهادت میدهم که نیست خدایی بجز خدای یگانه نیست شریکی مراو را و گواهی میدهم

ان محمدا صلی الله علیه واله عبده ورسوله واشهد ان الجنة حق وان النار

اینکه بدرستیکه محمد رحمت فرستد خدا براو و آل او بنده او و فرستاده او و گواهی میدهم بدرستیکه بهشت حق است و دوزخ

حق وان الساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور واشهد

حق است و بدرستیکه قیامت آینده است نیست شکی در قیامت و بدرستیکه خدا برمی انگیزد آنها را که در قبرهایند و گواهی میدهم

ان لا اله الا الله وحده لا شریک له علیها احیا وعلیها اموت وعلیها ابعث

که نیست معبود بحق مگر خدای یکتا که نیست انبازی مراو را بر این شهادت زنده ام و بر این میمیرم و بر این شهادت برانگیخته میشوم

حیا ان شاء الله رضیت بالله ربا وبالاسلام دینا وبمحمد صلی الله علیه

زنده اگر خواهد خدا راضیم بخدا از جهت پروردگار و باسلام از جهت دین و به محمد رحمت فرستد خدا براو

واله نبیا وبعلی ولیا وبالقرآن کتابا وبالکعبة قبلة وبابراهیم علیه السلام

و آل او از جهت پیغمبری و بعلی از راه ولایت و بقرآن از راه کتاب و بکعبه از راه قبله و بابراهیم سلام

لنبینا ابا وبمحمد صلی الله علیه واله نبیا وبامیر المؤمنین صلوات الله

مر نبی ما را از روی پدری و بمحمد درود فرستد خدا براو و آل او از جهت پیغمبری و بامیر مؤمنان درودهای خدا

علیه بالحق موضحا وللجنة والنار قاسما وبالاوصیاء من ذریته

بر او باد برای حق روشن کننده و مر بهشت و دوزخ را قسمت کننده و باوصیا از اولاد او

ائمة وبالمؤمنین من شیعته اخوانا لا اشرک بالله شیئا ولا

از روی پیشوایان و بمومنان از یاران او از جهت برادران شریک نمیکنم بخدا چیزی را و

اتخذ من دونه ولیا ولا ادعی معه الها لا اله الا الله وحده

نمیگیرم از غیر او دوست و یاوری و ادعا نمیکنم با او خدایی نیست معبود بحق مگر خدای یگانه

لا شريك له الهاً واحداً فرداً احداً صمداً لم يتخذ صاحبة ولا ولداً اللهم

نیست شریکی مر او را خدای یکتا یگانه بی همتا که نگرفته برای خود زنی و نه فرزندی بار خدایا

انی اسألك بالعظيم من آلائك والقديم من نعمائك والمخزون

بدرستیکه سوال میکنم بنعمت بزرگ از نعمتهای تو و بنعمت دیرین از نعمتهای تو و پنهان

من اسمائك وما وارت الحجب من بهائك ومعاقد العز من عرشك

از نامهای تو و آنچه پوشیده است آنرا حجابها از بزرگی تو و عقده کاههای عزت از عرش تو

ومنتهى الرحمة من كتابك وبك وحدك لا شريك لك ان تصلي

و نهایت بخشایش از کتاب تو و سوال میکنم بتو تنهای تو نیست شریک مر ترا اینکه درود فرستی

على محمد وآل محمد وان ترحم هذه النفس الجزوعة وهذا البدن

بر محمد و آل محمد و اینکه رحم کنی برین نفس زاری کننده و رحم کنی برین تن

الهلوع الذي لا يطيق حر شمسك فكيف حر نارك ان تعاقبني

بسیار جزع کننده که طاقت ندارد گرمی آفتاب ترا پس چگونه تاب آرد آتش ترا اگر عقاب کنی مرا

لا يزيد في ملكك شيء وان تعف عني لا ينقص من ملكك شيء

زیاده نمی شود در ملک تو چیزی و اگر عفو کنی از من کم نمیشود از ملک تو چیزی

انت يا رب بخلقك ارحم وبعبادك اعلم وبسلطانك ارأف

تو ای پروردگار بخلق خود مهربان تری از دیگران و به بندهای خود داناتری و بسلطان خود مهربان تری

وبملكك اقدم وبعفوك اكرم وعلى عبادك انعم

و بپادشاهی خود قدیم تری و بعفو خود کریم تری و بر بندهای خود نعمت دهنده تری

لا يزيد في ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص منه معصية

نمی افزاید در پادشاهی تو فرمانبری مطیعان و کم نمیکند از ان گناه

العاصين فاعف عني يا اكرم الاكرمين ويا ارحم الراحمين

گناهکاران پس عفو کن از من ای کریم ترین کرم کنندگان ای بخشنده ترین بخشندگان

أعوذ بعزتك واستظل بفنائك واستجير بقدرتك واستغيث

پناه میبرم بعزت تو و سایه میگیرم بساحت تو و پناه میگیرم بتوانائی تو و استغاثه می نمایم

برحمتك واعتصم بحبلك ولا أثق إلا بك ولا ألجأ إلا إليك

بمهربانی تو و چنگ میزنم بریسمان تو و اعتماد نمیکنم مگر بر تو و پناه نمی برم مگر بسوی تو

يا عظيم الرجاء يا كاشف البلاء ويا أحق من تجاوز وعفا

ای بزرگ امید ای برطرف کننده رنج و ای سزاوارتر از هر که در گذرد و ببخشد

اللهم إن ظلمي مستجير بعفوك وخوفي مستجير بأمانك وفقري

بارخدایا بدرستیکه ظلم من پناه برنده است بعفو تو و بیم من پناه برنده است بامان تو و ناداری من

مستجير بغناك ووجهي البالي الفاني مستجير بوجهك الدائم

پناه برنده است بتوانگری تو و روی پوسیده فانی شونده من پناه برنده است بذات پایدار

الباقي الذي لا يفنى ولا يزول يا من لا يشغله شأن عن شأن

باقی تو که فانی نمی شود و بر طرف نمی شود ای کسیکه باز نمیدارد او را کاری از کاری

لا تجعل مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا أكبر همنا

مگردان مصیبت ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگترین قصد ما

ولا تسلط علينا من لا يرحمنا وعد بحلمك على جهلنا

و مسلط مکن بر ما کسی که رحم نکند بر ما و رجوع کن بحلم خود بر جهل ما

وبإحسانك على إساءتنا وبقوتك على ضعفنا وبغناك على

و باحسان خود بر بدی ما و بقوت خود بر ناتوانی ما و بتوانگری خود بر

فقرنا وأعذنا من الأذى والقذى والضر وسوء القضاء

ناداری ما و پناه ده ما را از آزار و از آنچه در چشم افتد و ضرر و بدی قضا

وشماتة الأعداء وسوء المنظر في المال والدين والأهل

و سرزنش دشمنان و بدی نظر در مال و دین و در مردم خانه

والولد وعند معاينة ملك الموت اللهم يا رب نشكو اليك

وبسبب ونزد مشاهده فرشته موت بارخدایا ای پروردگار من شکایت میکنیم بسوی تو

غيبة نبينا عنا وقلة ناصرنا وكثرة عدونا وشدة الزمان

غائب شدن پیغمبر خود را از ما و کمی یاری دهنده خود را و بسیاری دشمن خود را و سختی زمانه را

علينا ووقوع الفتن بنا وتظاهر الخلق علينا اللهم صل على محمد

بر ما و واقع شدن فتنه ها بما و باهم یاری کردن خلق بر ما بارخدایا رحمت بفرست بر محمد

وآل محمد وافرج ذلك بفرج منك تعجله ونصر تعزه وحق تظهره

وآل محمد وبگشا آنرا بگشایشی از جانب خود که زود بیاری آنرا و یاری که عزیز کنی آنرا و حقیکه آشکارا کنی

اللهم وابعث بقائم آل محمد صلى الله عليه وآله النصر لدينك

بارخدایا و برانگیز قائم آل محمد را رحمت فرستد خدا براو و آل او برای یاری دادن دین تو

واظهار حجتك والقيام بامرك وتطهير ارضك من ارجاسها

و آشکار کردن حجت تو و قائم بودن بکار تو و پاک کردن زمین تو از پلیدیها

برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني اعوذ بك ان اوالي لك عدوا

برحمت تو ای مهربان ترین مهربانان خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از اینکه دوستی کنم دشمن ترا

او اعادي لك وليا او اسخط لك رضا او ارضى لك سخطا او اقول

یا دشمنی کنم کسی را که دوست تست یا غضب کنم بر آنچه خوشنودی تست یا خوشنود شوم بر آنچه غضبی یا بگویم

للحق هذا باطل او اقول للباطل هذا حق او اقول للذين كفروا هؤلاء

حقی که این باطل است یا بگویم مر باطل را که این حق است یا بگویم مر آنانرا که کافر شدند که این جماعت

اهدى من الذين آمنوا سبيلا اللهم صل على محمد وآله وآتنا في

راه برنده تر از آنان که ایمان آورده اند براه راست بارخدایا رحمت بفرست بر محمد و آل او و بده ما را در

الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار

دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را برحمت خود از عذاب دوزخ

مولف گوید که این جزوی است از دعای طولانی که از حضرت صادق علیه السلام منقول است
و ادعیهٔ عرفه بسیار است و در کتاب بحار الانوار و رساله علیحده جمع کرده ام و اکثر خلق را آنچه
مذکور شد درین رساله کافی است و سابقا مذکور شد که عمل استفتاح را نیز درین روز می توان کرد

فصل سوم در بیان اعمال ضروریهٔ شب عید قربان و روز عید و ایام تشریق است یعنی یازدهم
و دوازدهم و سیزدهم بدانکه شب عید اضحی از جملهٔ چهار شبی است که احیای آنها سنت موکده است
و منقول است که درین شب درهای آسمان بسته نمی شود برای آنکه صداها و دعای حاجیان بالا رود
و صداهای ایشان در آسمان پیچیده است مانند صدای مگس عسل در میان کندو و حق تعالی
حاجیان را ندا کند که منم پروردگار شما و شما بندگان من حق مرا ادا کردید و برمن لازم است
که دعای شما را مستجاب گردانم پس هرکه مستحق آمرزش است همه گناهان او را می آمرزد و هرکه
سزاوار آن نیست گناهانش را کم می کنند پس هرکه با ایشان در عبادت و دعا شریک شود
در ثواب با ایشان شریک خواهد بود و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام درین شب سنت
است و منقول است که هرکه درین شب آنحضرت را زیارت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده
شود و اما اعمال روز عید غسل در آن سنت موکده است و بعضی واجب دانسته اند
و بهتر آن است که پیش از نماز غسل کند و نماز عید بنا بر مشهور در زمان غیبت امام علیه
السلام سنت موکده است و بگمان فقیر واجب است بشرائط مقرره و نمازش بهمان کیفیت است
که در عید فطر مذکور شد و دعای پیش از رفتن بنماز عید آنجا مذکور شد و دعا [illegible]
و بعد از آن وارد شده است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بهترین دعاها [illegible]
صحیفهٔ کامله است که اولش اینست اللهم هذا یوم مبارک و اگر دعای چهل و هفتم
را که اولش یا من یرحم من لا یرحمه العباد است نیز بخواند بهتر است زیرا که در بعضی از نسخ صحیفه
استحباب خواندن آن دعا نیز وارد شده است و دعا [illegible]
و سائر اعیاد سنت است خواندن چنانچه بعد ازین انشاء الله تعالی در ضمن زیارات
مذکور خواهد شد و درین عید سنت است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی شود

و از جمله احکام این عید قربانی است و آن سنت موکدست و بعضی از علما واجب
دانسته اند اگر قدرت بران داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که اضحیه واجب ست بر هر مسلمانی و فرمود که از برای خود اضحیه بکن و از برای عیال خود
اگر خواهی بکن و اگر خواهی مکن و ام سلمه رضی الله عنها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که بآنحضرت عرض کرد که عید اضحی حاضر می شود و من قیمت اضحیه ندارم آیا قرض کنم و اضحیه بکنم
حضرت فرمود که قرض کن که آن قرض را خدا ادا میکند و بهتر آنست که در روز عید بکشند
و در روز یازدهم و دوازدهم نیز می تواند کشت و اگر در منی باشد در روز سیزدهم نیز
می تواند کشت و بهتر آنست که در دهه ذی الحجه خریده باشد و مکروه است قربانی
کردن حیوانی که در خانه تربیت کرده باشد و می باید که شتر یا گاو یا گوسفند یا بز بوده باشد
و حیوانات دیگر را قربانی نمی توان کرد و اگر شتر باشد می باید که پنج سال تمام و داخل شش شده باشد
یا زیاده و اگر گاو یا بز باشد می باید یکسالش تمام شده باشد و داخل سال دوم
شده باشد و اگر دو سال تمام داشته باشد بهترست و اگر گوسفند باشد شش ماهه
کافی ست و اگر هفت ماهش تمام باشد بهترست و می باید نقصی در اعضایش
نبوده باشد و کور یک چشم یا هر دو چشم نبوده باشد و بسیار لنگ نباشد
که راه رفتن بران دشوار باشد و گوشش بریده نباشد و اگر شق شده باشد
و جدا نشده باشد باکی نیست و اگر شق نیز نشده باشد بهترست و باید که مغز
شاخش شکسته نباشد بهترست و بهتر آنست که بیمار و بسیار پیر نبوده باشد
و سنت ست که فربه باشد و باید که بسیار لاغر نباشد که پیه بر گرده اش
نباشد و باید که خصی نباشد یعنی خصیه اش را بریده باشند و مکروه است اگر
خصیه اش را مالیده باشند و اگر بغیر خصی بهم نرسد خصی را قربانی می توان کرد
و سنت ست که اگر قربانی شتر یا گاو باشد ماده باشد و اگر گوسفند یا بز باشد نر
باشد و سنت ست که خود بکشد و اگر نتواند دست بر روی دست قصاب بگذارد

یافت نشود سنت است که قیمت وسطش را تصدق کند و اگر یک حیوان برای خود و عیال باشد کافیست و اگر یکی برای خود و یکی برای عیال بکشد بهتر است و اگر بعدد عیال بکشد ثوابش بیشتر خواهد بود و از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده باشند قربانی کردن خوب است و اگر برای حضرت رسول و ائمه صلوات الله علیهم قربانی کند ظاهرا خوب است و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم دو گوسفند قربانی کردند و در اول فرمودند که خداوندا این از من و از هرکه قربانی نکرده است از اهل بیت من و در دوم فرمودند که خداوندا این از من و از هرکه قربانی نکرده است از امت من و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هر سال اول یک گوسفند قربانی میکرد و می فرمود خداوندا این از پیغمبر است پس گوسفند دیگر از برای خود قربانی میفرمود و اگر جمعی قادر نباشند که قربانی جدا بکنند جائز است که با یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر بلکه هفتاد نفر حق تعالی فرموده است که خدا را یاد کنید در ایام معدودات یعنی در روزی چند شمرده شده و در احادیث معتبره منقول است که مراد تکبیر گفتن است در ایام تشریق پس هرکه در منی باشد عقیب پانزده نماز بگوید که اولش ظهر روز عید است و آخرش صبح سیزدهم و در سایر شهرها عقیب ده نماز که از ظهر روز عید است تا صبح روز دوازدهم و مشهور آنست که مستحب است و بعضی واجب دانسته اند و اقلش بعد از هر نماز یک مرتبه است و اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد از نماز نافله نیز اگر بگوید خوب است و اظهر اقوال تکبیر اینست که

اللّٰهُ اَکْبَرُ اللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اللّٰهُ اَکْبَرُ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است نیست معبودی بحق جز او و خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است

وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اللّٰهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا هَدٰینَا اللّٰهُ اَکْبَرُ

و مر خدا راست ستایش خدا بزرگتر است برانچه راه نمود ما را خدا بزرگتر است

عَلٰی مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِیْمَةِ الْاَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا اَبْلَانَا

برانچه روزی داده ما را از چهارپایی چرنده و حمد مر خدا راست برانچه آزمایش نمود ما را

فصل چهارم در فضائل و اعمال شب روز عید غدیر است روز عید غدیر هجدهم این ماه است و عظیم‌ترین اعیاد است و احادیث از طرق عامه و خاصه در فضیلت این روز و اعمال آن زیاده از حد و احصا است و درین مقام بچند حدیث اکتفا می‌نماید بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چون روز قیامت شود چهار روز را بنزد عرش الهی برند بازینتها مانند عروسی که بخانهٔ داماد برند روز عید اضحی و روز عید فطر و روز جمعه و روز عید غدیر و روز عید غدیر در میان آنها مانند ماه باشد در میان ستارگان و آن روزیست که حق تعالی ابراهیم خلیل علی نبینا و علیه السلام را از آتش نجات داد و این روز را روزه داشت برای شکر حق تعالی و آن روزیست که خدا درآن روز کامل گردانید دین را با آنکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را نصب کرد بخلافت و فضیلت او را و وصی بودن او را ظاهر گردانید بر مردم پس روزه داشت این روز را و این روز کامل شدن دین است و روزی است که بینی شیطان بر خاک مالیده شده است و روزیست که اعمال شیعیان و محبان آل محمد درین روز مقبول می‌شود و این روزیست که حق تعالی عملهای مخالفان و سنیان را باطل میکرداند مانند ذره‌ها که در میان هوا پراکنده میشود و این روزیست که خدای عز و جل امر میکند جبرئیل را که نصب کند کرسی کرامت خدا را در برابر بیت المعمور و جبرئیل بر آن کرسی بالا میرود و ملائکه از جمیع آسمانها نزد او جمع میشوند و ثنا می‌کنند بر محمد و آل محمد و استغفار می‌کنند برای شیعیان امیر المؤمنین و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و دوستان ایشان از فرزندان آدم و این روزیست که امر میکند حق تعالی ملائکه نویسندگان اعمال را که قلم بردارند از محبان اهل بیت و شیعیان ایشان تا سه روز از روز غدیر و ننویسند هیچ خطا و گناه ایشانرا برای کرامت محمد و علی و ائمه صلوات الله علیهم و این روزیست که خدا مخصوص محمد و آل محمد و شیعیان ایشان گردانیده و این روزیست که خدا آزاد میکرداند مال کسی را که عبادت خدا کند درین روز و توسعه دهد روزی بر عیال خود و برادران مؤمن خود و او را آزاد میگرداند از آتش جهنم و این روز سنت

که خدای تعالی شیعیان را شکر میکند یعنی مزد میدهد و گناه ایشان را می آمرزد و عمل ایشان را قبول میکند و این
روزیست که خدای تعالی عملهای شیعیان را زایل میکرداند و گناهان ایشان را کم میکند و بخشیدنی
است و روز عطیه است و روز پهن کردن علم است و روز بشارت است و روز عید بزرگ است و
روزیست که دعاها در آن مستجاب میکردد و روز موقف بزرگ است و روز پوشیدن جامه های نیکو
و روز بخشیدن گناهان شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام است و روزیست که بسیار صلوات باید فرستاد
بر محمد و آل محمد و روز خوشنودیست و روز عید اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و روز قبول
اعمال است و روز طلب زیادتی است و روز استراحت مومنان است و روز سوداگری ایشان است و روز دوستی
کردن شیعیان است با یکدیگر و روز رسیدن رحمت خداست و روز ترک کبایر و گناهان است و روز عبادت است
و روز افطار فرمودن روزه داران است پس که روزه داری را درین روز افطار فرماید
چنانست که ده فیام را طعام کرده باشد و هر فیامی صد هزار کس است و روز تهنیت
و مبارکباد است پس مومن که دیگری را ملاقات کند چنین تهنیت بگوید که
الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین والائمة علیهم السلام
یعنی حمد و سپاس خداوندی را سزاست که گردانید ما را از آنها که چنگ زده اند در ولایت و محبت
پادشاه مومنان و ائمه علیهم السلام این روز تبسم است در روی مومنان پس که تبسم کند
در روی برادر مومن خود در روز عید غدیر حق تعالی نظر کند در روز قیامت بسوی او برحمت
و برآورد هزار حاجت او را و بنا کند در بهشت از برای او قصری از در وارید سفید و روی او را
نورانی گرداند و این روز زینت است پس که زینت کند برای روز غدیر حق تعالی بیامرزد
از برای او هر گناهی که کرده است صغیره یا کبیره و بفرستد حق تعالی بسوی او ملکی چند را که بنویسند
برای او حسنات و بلند گردانند برای او درجات تا سال آینده مثل این روز پس اگر میرد شهید
مرده باشد و ثواب شهیدان نوشته باشد و اگر زنده باشد سعادتمند زندگانی کند و هر که طعامی
دهد درین روز مومنی را چنان باشد که طعام داده باشد جمیع پیغمبران و صدیقان را و هر که
دیدن کند درین روز مومنی را داخل گرداند خدای تعالی در قبر او هفتاد نور و قبرش را

کشاده کرده اند و زیارت کنند او را در قبر او هر روز هفتاد هزار ملک بشارت دهند او را به بهشت

و در روز غدیر حقتعالی عرض کرد ولایت و امامت و محبت ما اهل بیت را بر اهل آسمانها هفتگانه

پس سبقت گرفتند باقرار بآن اهل آسمان هفتم پس زینت داد او را بعرش پس بعد از ان سبقت گرفتند اهل آسمان

چهارم باقرار بآن پس زینت داد او را به بیت المعمور پس سبقت گرفتند بآن اهل آسمان اول پس زینت

بخشید به ستارگان پس حقتعالی عرض کرد ولایت ما را بر زمینها پس پیشی گرفت باقرار بآن

مکه معظمه پس زینت داد او را بکعبه پس پیشی گرفت مدینه طیبه پس زینت داد او را به محمد مصطفی صلی الله علیه و آله

پس سبقت گرفت کوفه پس آن شهر کوفه پس زینت داد او را بقبر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس عرض

کرد ولایت ما را بر کوهها پس اول کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه و کوه یاقوت و بسبب

این جواهر بهتر از آنها هم نیست پس کوههای دیگر سبقت گرفتند و باین سبب معدن طلا و نقره و سایر معدنها

گردیدند و هر یک که اقرار نکرد معدن هیچ چیز نگردید باز در روز غدیر عرض کرد ولایت ما را بر آبها هر

چه قبول کرد شیرین شد و هر چه قبول نکرد شور و تلخ شد پس عرض کرد ولایت ما را بر مرغان هر کدام قبول کرد

خوش آواز گردید و هر که قبول نکرد لال و بد آواز گردید و مثل منکران قبول کردن ولایت

امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر مانند مثل ملائکه است در قبول کردن سجده حضرت آدم علیه السلام و مثل آنها که قبول

ولایت آنحضرت نکردند در روز غدیر مثل شیطانست در قبول نکردن سجده آدم علیه السلام و در روز غدیر این آیه نازل شد

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا

یعنی امروز کامل گردانیدم برای شما دین شما را و تمام گردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای

دین شما این حضرت فرمود که تمام شدن نعمت خدا پیغمبر را که آنکه وصی و خلیفه خود را در این روز نصب کرده

است و کلینی بسند معتبر روایت کرده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی

غیر جمعه و اضحی و فطر هست فرمود عیدی هست که از همه عیدها بزرگتر است گفتم کدام عید است فرمود که روزی

که نصب کرد رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام را بخلافت خود و فرمود

که هر که من مولا و آقای اویم پس علی مولا و آقای اوست آن روز هجدهم ذی الحجه است راوی گفت

چه کار در آن باید کرد فرمود که باید روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم

یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین
علیه السلام را که این روز را عید کرداند و هر پیغمبری وصی خود را وصیت میکرد که این
روز را عید کردانند و بروایت دیگر فرموده که روزهٔ روز غدیر کفارهٔ شصت سال
گناه است و بروایت دیگر منقول است که مفضل از حضرت صادق علیه السلام پرسید
که آیا مسکینی مرا که روز غدیر را روزه بدارم فرمود آری والله آری والله آری والله بدرستیکه
که درین روز خدا توبهٔ حضرت آدم علیه السلام را قبول کرد و بشکر آن این روز را
روزه داشت و درین روز خدا حضرت ابراهیم را از آتش نجات داد و بشکر آن
این روز را روزه داشت و درین روز حضرت موسی هارون را وصی خود کردانید
و این روز را بشکر این نعمت روزه داشت و درین روز حضرت عیسی علیه السلام
وصیت وصی خود شمعون الصفا را اظاهر کردانید و این روز را بشکر حق سبحانه و تعالی
روزه داشت و درین روز حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم حضرت امیر المؤمنین
علی علیه الصلوة والسلام را خلیفه و جانشین خود کردانید و فضیلت و وصایت
او را بر خلق ظاهر کردانید و این روز را بشکر این نعمتها روزه داشت و این روز روز
داشتن است و روز عبادتست و روز طعام دادن است و روز نیکی کردن است
با برادران مؤمن و روزیست که خدا از مؤمنان خوشنود میکردد و بینی شیطان بخاک
مالیده میشود و بسند معتبر از ابن ابی نصر منقول است که گفت روزی در خدمت حضرت
امام رضا علیه السلام بودم و جماعت بسیاری حاضر بودند پس فضیلت روز غدیر مذکور شد
و بعضی از حاضران انکار کردند حضرت فرمود که پدرم از پدرش روایت کرد که روز
غدیر در آسمان مشهورتر است از زمین بدرستیکه خدا را در فردوس اعلی قصری
هست که یک خشت آن از طلاست و یک خشت از نقره و در آن قصر صد
هزار قبه است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است از یاقوت سبز و خاکش
مشک و عنبر است و در آن چهار نهر جاریست نهری از شراب و نهری از آب

ونهری از شیر ونهری از عسل ودر دور آن درختان است از انواع میوه ها وبران درختان
مرغان خوش الحان هستند بدنهای آنها از مروارید است وبالهای آنها از یاقوت وبانواع
نغمه ها خوانندگی می کنند وچون روز عید غدیر می شود ودران قصر حاضر می شوند جمیع
اهل آسمانها تسبیح وتقدیس حق تعالی میکنند وآن مرغان پرواز میکنند ودر میان
آن آب فرو میروند وبران مشک وعنبر می غلطند وچون ملائکه جمع شدند پرواز می کنند و
مشک وعنبر بر ایشان می افشانند ودرین روز نثار حضرت فاطمه صلوات الله علیها
که در شب زفاف آنحضرت سدرة المنتهی ودرخت طوبی نثار کردند برای یکدیگر بهدیه
می فرستند وچون آخر این روز می شود ندا از جانب رب اعلی بایشان میرسد که بر
گردید بسوی درجه ها ومرتبه های خود پس بتحقیق که ایمن گردیدید از گناه وخطا
ولغزش تا مثل این روز از سال آینده برای کرامت محمد وعلی صلوات الله علیهما پس
حضرت فرمود که ای پسر ابی نصر هر جا که باشی سعی کن که روز غدیر نزد حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام حاضر شوی بدرستیکه خدای تعالی درین روز می آمرزد از هر مرد مؤمن
وزن مؤمنه گناه شصت ساله ایشانرا ودرین روز آزاد می کند از آتش جهنم دو
برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان وشب قدر وشب فطر ویک درهم که درین روز
به برادران مؤمن بدهی برابر است باهزار درهم که در اوقات دیگر بدهی واحسان کن
درین روز به برادران مؤمن خود وشاد گردان هر مؤمن وزن مؤمنه را بخدا سوگند که اگر مردم
فضیلت این روز را بدانند چنانچه باید هر آئینه هر روزه ده مرتبه ملائکه بایشان مصافحه کنند
وزیارت امیر المؤمنین علیه السلام درین روز فضیلت بسیار دارد از نزدیک ودور
موافق روایت صفوان وغیر او اگر از دور زیارت کنند دو رکعت نماز زیارت بجا
آورند ودر رکعت اول سوره انا انزلنا ودر رکعت دوم سوره قل هو الله احد بخوانند پس بگویند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى وَلِيِّكَ وَاَخِيْ نَبِيِّكَ وَوَزِيْرِهٖ وَحَبِيْبِهٖ وَخَلِيْلِهٖ
بارخدایا درود ورحمت فرست بر ولی خود وبرادر پیغمبر خود ووزیر او ودوست او ودوست او

وموضع سره وخيرته من أسرته ووصيه وصفوته وخالصته وأمينه ووليه

ومحل راز او و برگزیده او از گروه او و وصی او و برگزیده او و مختار او و امین او و دوست او

وأشرف عترته الذين آمنوا به وأبي ذريته وباب حكمته والناطق

و بزرگترین خویشان او که ایمان آوردند باو و پدر اولاد او و دروازه حکمت او و گویا

بحجته والداعي إلى شريعته والماضي على سنته وخليفته على أمته

بحجت او و خواننده بسوی شریعت او و رونده بر طریقه او و جانشین او بر امت او

سيد المسلمين وأمير المؤمنين وقائد الغر المحجلين أفضل ما صليت

سردار مسلمانان و امیر مومنان و پیشوای مومنان تابان اعضا و سفید پیشانی بهترین آنچه درود فرستادی

على أحد من خلقك وأصفيائك وأوصياء أنبيائك اللهم إني أشهد

بر یکی از خلق خود و برگزیدگان خود و جانشینان پیغمبران خود بار خدایا بدرستیکه من گواهی میدهم

أنه قد بلغ عن نبيك صلى الله عليه وآله ما حمل ورعى ما استحفظ

بانکه برسانید رسانیدنی از پیغمبر تو صلوات فرستد خدا بر او و آل او آنچه را بر دوشش نهاده شد و رعایت کرد آنچه نگهبانی خواسته شد

وحفظ ما استودع وحلل حلالك وحرم حرامك وأقام أحكامك

و نگاهداشت آنچه امانت سپرده شد و حلال کرد حلال ترا و حرام کرد حرام ترا و برپا داشت حکمهای ترا

ودعا إلى سبيلك ووالى أولياءك وعادى أعداءك وجاهد

و دعوت کرد بسوی راه تو و دوستی کرد دوستان ترا و دشمنی کرد دشمنان ترا و مجاهده کرد

الناكثين عن سبيلك والقاسطين والمارقين عن أمرك صابرا

با برگردندگان از راه تو و با بیدادکنندگان و برآیندگان از فرمان تو در حالتی که صبر

محتسبا مقبلا غير مدبر لا تأخذه في الله لومة لائم حتى بلغ في ذلك

و احتساب روی آورنده نه پشت کرده نمی گرفت او را در راه خدا ملامت ملامت کننده تا آنکه رسید

الرضا وسلم إليك القضاء وعبدك مخلصا ونصح لك مجتهدا

رضا را و سپرد بسوی تو قضا را و پرستش کرد ترا در حال اخلاص بنده و او برای تو کوشش نماید

حَتّى اَتاهُ الْيَقينُ فَقَبَضْتَهُ اِلَيْكَ شَهيداً سَعيداً وَلِيّاً تَقِيّاً رَضِيّاً زَكِيّاً

تا آنکه آمد او را مرگ پس کشیدی او را بسوی خود و حال آنکه بود شهید سعادتمند دوست پرهیزکار پسندیده پاک

هادِياً مَهْدِيّاً اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ

راهنما راه یافته خداوندا رحمت فرست بر محمد و بر او بهترین رحمتی که فرستادی بر یکی

مِنْ اَنْبِيائِكَ وَاَصْفِيائِكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ و اگر اشاره کند بسمت [illegible] نجف

از پیغمبران خود و برگزیدگان خود ای پروردگار عالمیان آنحضرت [illegible]

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو باد ای امیر مؤمنان و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر تو باد

يا اَمينَ اللهِ في اَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلى عِبادِهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ جاهَدْتَ

ای امانت دار خدا در زمین او و دلیل او بر بندگان او گواهی میدهم که بتحقیق مجاهده کردی

يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ وَعَمِلْتَ بِكِتابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ

ای امیر مؤمنان در راه خدا نهایت مجاهده او و عمل کردی بقرآن او و پیروی کردی طریقه پیغمبر او را

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتّى دَعاكَ اللهُ اِلى جِوارِهِ فَقَبَضَكَ اِلَيْهِ بِاخْتِيارِهِ

درود فرستد خدا بر او و آل او تا آنکه خواند ترا خدا بسوی جوار خود پس کشید ترا بسوی خود بسبب اختیار او

لَكَ كَريمَ ثَوابِهِ وَاَلْزَمَ اَعْداءَكَ الْحُجَّةَ في قَتْلِهِمْ اِيّاكَ مَعَ مالَكَ مِنَ الْحُجَجِ

برای تو ثواب بزرگ خود را و لازم گردانید دشمنان ترا حجت در کشتن آنها ترا با آنچه برای تست از حجتهای

الْبالِغَةِ عَلى جَميعِ خَلْقِهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ نَفْسي مُطْمَئِنَّةً

کامله بر تمام خلق او بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و بگردان نفس مرا آرمیده

بِقَدَرِكَ راضِيَةً بِقَضائِكَ مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعائِكَ مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ اَوْلِيائِكَ

بقدر خود خوشنود شونده بقضای خود حریص بر ذکر خود و دعای خود دوست دارنده برای برگزیده اولیای خود

مَحْبُوبَةً في اَرْضِكَ وَسَمائِكَ صابِرَةً عِنْدَ نُزُولِ بَلائِكَ شاكِرَةً لِفَواضِلِ

دوست داشته شده در زمین و آسمان تو صبر کننده نزد فرود آمدن بلای تو شکر کننده برای زیادتیهای

نعمائك ذاكرة لسوابغ آلائك مشتاقة الى فرحة لقائك متزودة التقوى ليوم

نعمتهای تو یاد آورنده برای نعمتهای کامل تو آرزومند بسوی خوشی ملاقات تو توشه گیرنده پرهیزکاری را برای روز

جزائك مستنة بسنن اوليائك مفارقة لاخلاق اعدائك مشغولة

پاداش تو راه گیرنده براههای دوستان تو جدا شونده از خوهای دشمنان تو اعراض کننده

عن الدنيا بحمدك وثنائك اللهم ان قلوب المخبتين اليك والهة وسبل

از دنیا بحمد تو و ثنای تو بار خدایا بدرستیکه دلهای فروتنی کنندگان بسوی تو شیفته اند و راههای

الراغبين اليك شارعة واعلام القاصدين اليك واضحة وافئدة العارفين

راغبان بسوی تو گشاده است و نشانهای قصد کنندگان بسوی تو روشن است و دلهای عارفان

منك فازعة واصوات الداعين اليك صاعدة وابواب الاجابة لهم مفتحة

از تو ترسانست و آوازهای خوانندگان بسوی تو بلند است و درهای قبول دعا برای ایشان گشاده است

ودعوة من ناجاك مستجابة وتوبة من اناب اليك مقبولة وعبرة من بكى

و دعای کسیکه مناجات کند مستجاب است و توبه کسیکه بازگشت کند بسوی تو پذیرفته است و اشک کسیکه گریه کند

من خوفك مرحومة والاغاثة لمن استغاث بك موجودة والاعانة

از خوف تو رحم کرده شده است و فریادرسی از برای کسیکه استغاثه کند بتو موجود است و یاری دادن

لمن استعان بك مبذولة وعداتك لعبادك منجزة وزلل من استقالك

مر کسیرا که یاری جوید از تو بذل کرده شده است و وعده های تو مر بندگانرا وفا کرده شده است و لغزشهای کسیکه طلب تجاوز نماید از تو

مقالة واعمال العاملين لديك محفوظة وارزاق الخلائق من لدنك نازلة

تجاوز کرده شده است و عملهای عمل کنندگان نزد تو محفوظ است و روزیهای خلائق از نزد تو فرود آمده است

وعوائد المزيد اليهم واصلة وذنوب المستغفرين مغفورة وحوائج

و منافع زیادتی بسوی خلائق واصل است و گناهان مغفرت طلبان آمرزیده است و حاجتهای

خلقك عندك مقضية وجوائز السائلين عندك موفرة

آفریدگان تو نزد تو بر آورده شده است و جایزه های سوال کنندگان نزد تو بسیار است

وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ وَمَنَاهِلَ الظِّمَاءِ

ومنافع زیادتی پی در پی آینده است وخوانهای طعام طلبان آماده است وآبشخور تشنگان

لَدَيْكَ مُتْرَعَةٌ اَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَاقْبَلْ ثَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ

نزد تو پر آب است بارخدایا پس بپذیر دعای مرا وقبول کن ثنای مرا وجمع کن میان من ومیان

اَوْلِيَائِي وَاَحِبَّائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

یاران من ودوستان من بحق محمد وعلی وفاطمه وحسن وحسین

وَالْاَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّةِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ

وامامان از نسل حسین درودهای خدا ورحمت او بر ایشان

اِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَائِي وَمُنْتَهَى مُنَايَ وَغَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ

بدرستیکه تو خداوند نعمتهای منی ونهایت آرزوهای منی ونهایت امید منی در جای بازگشت وجای اقامت من

واگر بعد از نماز اول این زیارت را بعمل آورد وآخر آن دعا را بخواند شاید بهتر باشد وشب غدیر نیز شب بسیار مبارک است ودر شب نیز مناسب است که این زیارت را بعمل آورند ونمازی درین شب وارد شده است چون سندش معتبر نبود ایراد ننمودیم واما فضیلت روزه داشتن وتصدق کردن وافطار روزه دار نمودن درین روز درین ابواب احادیث بسیار است از جمله آنها این روایت است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که روزه روز عید غدیر برابر است با روزه عمر دنیا که اگر کسی بقدر تمام عمر دنیا عمر بیابد وروزه بدارد روزه این روز برابر است با ثواب او وروزه اش برابر است نزد خدا با صد حج وصد عمره واین عید بزرگ خدا است وخدا نفرستاده است پیغمبری مگر آنکه این روز را عید کرده است وحرمت آنرا دانسته است ونامش در آسمان روز عهد معهود است ونامش در زمین روز میثاق ماخوذ وجمع مشهود است وهرکه درین روز مومنی را افطار فرماید ثواب کسی دارد که ده فئام را طعام دهد که هر فئامی صد هزار کس است وثواب کسی دارد که طعام دهد وآب دهد باین عدد که مذکور شد

از پیغمبران و اوصیای ایشان و شهیدان و صالحان را در سال مقبول و یک درهم که درین
روز تصدق کنند برابرست با صد هزار درهم که در روزهای دیگر تصدق کنند
پس فرمود که شاید که گمان کنی که خداوند خلقی کرده است که حرمتش از این روز بیشتر باشد
نه والله نه والله نه والله و بروایت دیگر فرمود که روزه اش برابرست با شصت ماه
از ماههای حرام که روزه بدارند و فرمود که روز عید روز سرور و شادی است و بسند معتبر
از فیاض بن محمد منقولست که گفت در روز عید غدیر در مرو در خدمت حضرت
امام رضا علیه السلام بودم و آن حضرت در آن روز مخصوصان خویشان و
اصحاب خود را جمع کرده بود و ایشان را نگاه داشته بود که در شب افطار کنند و بخانهای
ایشان طعامها و زرها و خلعتها فرستاده حتی انگشتر و کفش نیز فرستاد و بایشان
خلعتهای فاخره شفقت فرمود و ملازمان و خدمتکاران خود را جامه های نو بسیار نفیس
پوشانیده بود و فضیلت این روز را برای ایشان نقل میفرمود و از جمله آنها گفت که در
بعضی از سالهای خلافت حضرت امیرالمومنین علیه السلام روز جمعه با روز عید غدیر
در یک روز جمع شد پس بعد از پنج ساعت که از روز گذشت بر منبر بالا رفت و خطبه
طولانی خواند و فضائل روز غدیر بسیار بیان فرمود تا آنجا که بسیار از برای این روز ذکر
کرد پس فرمود که بعد از انقضای این مجمع برگردید بخانهای خود و توسع کنید بر عیال خود
و احسان و نیکی کنید نسبت ببرادران مومن خود و در خانه های خود برادران
مومن را جمع کنید و نیکوئی کنید نسبت بایشان و یکدیگر را تهنیت و مبارکباد بگوئید و نیکی
و احسان کردن درین روز مال و عمر را زیاد می کند و مهربانی با یکدیگر کردن موجب
مزید رحمت الهی است و تا توانید بخشش و احسان کنید با عیال خود و برادران مومن
خود و اظهار شادی و خوشحالی کنید و هر که امید احسان از شما دارد در حق او تقصیر
مکنید و ضعیفان و فقیران و غلامان و کنیزان خود را با خود برابر کنید بدرستیکه او یک
درهم درین روز برابرست با دویست هزار درهم و حق تعالی زیاده نیز عطا می فرماید و روزه

این روز را حق تعالی سنت گردانیده ثوابش را مانند ثواب کسی گردانیده که از اول
دنیا تا آخر دنیا عبادت کند با آنکه روزها روزه بدارد و شبها بعبادت بیستد و کسیکه بر
آورد حاجت برادر مؤمن را پیش از آنکه او اظهار کند و از روی رغبت و خواهش تا او سعی کند چنان
باشد که این روز را روزه داشته باشد و تمام شبش را عبادت کرده باشد و هر که در شبش مؤمنی
را افطار فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر و صدیق و شهید را افطار فرموده باشد پس چگونه
باشد ثواب کسیکه متکفل احوال چندین نفر از مردان مؤمن و زنان مؤمنه بشود و هر که چنین
من ضامنم بر خدا که امان یابد از کافر شدن و فقیر شدن اگر بمیرد در آن شب یا در آن روز یا بعد
از آن تا عید غدیر آینده بدون آنکه گناه بسیار بکند البته آمرزیده است و هر که قرض بگیرد
درین روز برای برادران مؤمن من ضامنم بر خدا که او را زنده بدارد یا بمیراند آن قرض را از
متحمل شود و از دوش او بردارد و چون با یکدیگر ملاقات کنید مصافحه کنید و یکدیگر را
تهنیت بگوئید و آنچه گفتم حاضران بغائبان بگویند و توانگران عیادت کنند فقیران را و اقویا
دستگیری کنند ضعیفان را حضرت رسول صلعم مرا بهمهٔ اینها امر فرموده و بدانکه غسل در
اول این روز سنت مؤکده است و اما کیفیت نماز روز عید غدیر نماز مشهورش آنست که
از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده اند که هر که درین روز نیم ساعت پیش از
زوال شمس دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت سورهٔ حمد یکمرتبه و قل هو الله احد و انا انزلنا
و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون هر یک را ده مرتبه بخواند برابر باشد نزد حق تعالی با صد هزار
حج و صد هزار عمره و هر حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت که از خداوند کریم سوال کند
البته باسانی و عافیت برآورده شود و چون برادر مؤمن را ملاقات کنی بگو که

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَکْرَمَنَا بِهٰذَا الْیَوْمِ وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُوْفِیْنَ بِعَهْدِهِ الَّذِیْ عَهِدَهُ

سپاس خدای را که گرامی داشت ما را باین روز و گردانید ما را از وفاکنندگان بعهد خود که عهد کرده

اِلَیْنَا وَمِیْثَاقِهِ الَّذِیْ وَاثَقَنَا بِهٖ مِنْ وِلَایَةِ وُلَاةِ اَمْرِهٖ وَالْقُوَّامِ بِقِسْطِهٖ

بسوی ما و پیمانی که محکم کرده است با ما بآن از دوستی والیان امر او و قائمان بعدل او

وَلَم يَجْعَلْنَا مِنَ الْجَاحِدِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ

ونگردانید ما را از منکران و تکذیب کنندگان بروز جزا

یعنی سپاس خدایرا سزاست که ما را گرامی داشت باین روز و گردانید ما را از ایمان آورندگان

وگردانید ما را از وفا کنندگان بعهد خود که عهد گرفته است بر ما و پیمانی که محکم گردانیده است با

که ولایت والیان امر امامت است و آنها که حکم می کنند بعدالت در میان خلق و نگردانید

ما را از انکار کنندگان و تکذیب کنندگان بروز جزا و فرمود که بعد از نماز این دعا بخواند

رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا

ای پروردگار ما بدرستیکه ما شنیدیم ندا کننده که ندا میکرد برای ایمان اینکه ایمان آورید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم ای پروردگار

ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ

گناهان ما را و دور کن از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکان ای پروردگار ما و بده ما را آنچه وعده کرده ما را بر زبان پیغمبران خود

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَكَفَىٰ بِكَ

و رسوا مکن ما را در روز قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را بار خدایا بدرستیکه من گواه میگیرم ترا و کافی است

شَهِيدًا وَأُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيَاءَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ

گواه و گواه میگیرم فرشتگان ترا و پیغمبران ترا و بردارندگان عرش ترا و ساکنان آسمانهای ترا

وَأَرْضِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ فَلَا نَعْبُدُ سِوَاكَ فَتَعَالَيْتَ

و زمین های ترا باینکه بدرستیکه تو خدائی نیست خدائی بجز تو عبادت کرده شده پس پرستش نمیکنیم سوای ترا پس برتری

عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَشْهَدُ

از آنچه میگویند ستمکاران برتری بزرگ و گواهی میدهم باینکه محمد بنده تو و پیغمبر تست و گواهی میدهم

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ وَمَوْلَانَا رَبَّنَا سَمِعْنَا وَأَجَبْنَا وَصَدَّقْنَا الْمُنَادِيَ

باینکه امیر المؤمنین علی بنده تو و سرور ماست ای پروردگار ما شنیدیم و قبول کردیم و تصدیق کردیم ندا کننده

رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ نَادَىٰ بِنِدَاءٍ عَنْكَ بِالَّذِي أَمَرْتَهُ أَنْ يُبَلِّغَ

یعنی پیغمبر ترا درود فرستد خدا بر او و آل او وقتیکه ندا کرد بندائی از جانب تو بانچه امر کرده بود باو که تبلیغ نمید

ما أنزلت إليه من ولاية وليّ أمرك وحذّرته وأنذرته إن لم يبلّغه

به رسانید آنچه فرستادی بسوی او از مولی بودن ولی امر تو و حذر فرمودی او را و ترسانیدی او را از اینکه تبلیغ نکند

أمرته به أن تسخط عليه ولمّا بلّغ رسالاتك عصمته من الناس فنادى

امر کردی او را بآن بانکه غضب کنی بر او و هرگاه تبلیغ کرد رسالتهای ترا نگاهداشتی او را از مردم پس ندا کرد

مبلّغاً عنك ألا من كنت مولاه فعليّ مولاه ومن كنت وليّه فعليّ

درحالیکه رساننده بود از تو آگاه باشید هر که هستم من مولای او پس علی مولای او و هر که هستم من ولی او پس علی

وليّه ومن كنت نبيّه فعليّ أميره ربّنا قد أجبنا داعيك النذير محمّداً

ولی اوست و هر که هستم من پیغمبر او پس علی امیر او ای پروردگار ما بتحقیق اجابت کردیم دعوت کننده ترا که ترساننده است یعنی محمد

ورسولك إلى الهادي المهديّ عبدك الذي أنعمت عليه وجعلته

و رسول تست بجانب راه نما راه یافته بنده تو آنچنان بنده که انعام کردی بر او و گردانیدی او را

مثلاً لبني إسرائيل عليّ أمير المؤمنين ومولاهم ووليّهم ربّنا آمنّا واتّبعنا

مثل برای بنی اسرائیل علی امیر مومنان و مولای ایشان و ولی ایشان ای پروردگار ما ایمان آوردیم و پیروی کردیم

مولانا وولينا وهادينا وداعينا وداعي الأنام وصراطك المستقيم

مولای خود و ولی خود و رهنمای خود و دعوت کننده خود و دعوت کننده خلق را و راه راست ترا

وحجّتك البيضاء وسبيلك الداعي إليك على بصيرة هو ومن اتّبعه

و حجت روشن ترا و راه ترا که دعوت کننده است بجانب تو در بینائی او و هرکه پیروی او نماید

وسبحان الله وتعالى عمّا يشركون وأشهد أنّه الإمام الهادي

و منزه است خدا و برتر است از آنچه شریک او میگردانند و گواهی میدهم که اوست امام راه نماینده

الرشيد أمير المؤمنين الذي ذكرته في كتابك وقولك الحقّ

راه یابنده امیر مومنان آنکه ذکر کردی او را در کتاب خود و قول تو راست است

وإنّه في أمّ الكتاب لدينا لعليّ حكيم اللهمّ فإنّا

و بدرستیکه او در لوح محفوظ نزد ما هر آینه بلند مرتبه صاحب حکمت است بار خدایا پس ما

نشهد بانه عبدك والهادي بعد نبيك النذير المنذر وصراطك

شهادت میدهیم اینکه علی بنده تست و رهنماست بعد پیغمبر تو که ترساننده و بیم دهنده است و راه

المستقيم وامير المؤمنين وقائد الغر المحجلين وحجتك البالغة ولسانك

راست تست و امیر مومنان و پیشوای سفید رویان و دست و پا سفیدان و حجت تو که رساست و زبان تو

المعبر عنك في خلقك والقائم بالقسط في بريتك وديان دينك

که تعبیر کننده است از تو در خلق تو و ایستاده است با عدل در خلق تو و حاکم دین تو

وخازن علمك وامينك المامون المأخوذ ميثاقه وميثاق رسولك

و خزانه دار علم تو و امین تو اعتماد کرده شده گرفته شده پیمان او و پیمان رسول تو

عليهما السلام من جميع خلقك وبريتك شاهدا بالاخلاص لك و

بر هر دو سلام باد از همه خلق تو و آفریده تو گواهی دهنده باخلاص برای تو

بالوحدانية والربوبية بانك انت الله لا اله الا انت وان محمدا عبدك

به یکتائی و پروردگاری باینکه تو خدا [illegible] نیست معبودی بحق جز تو و اینکه محمد بنده تو

ورسولك وان عليا امير المؤمنين جعلته وليك والاقرار بولايته

و پیغمبر تست و اینکه علی امیر مومنانست گردانیدی او را ولی خود و گردانیدی اقرار بولایت او

تمام وحدانيتك وكمال دينك وتمام نعمتك على جميع خلقك وبريتك

تمامی توحید خود و کمال دین خود و تمام نعمت خود بر تمام خلق خود و آفریده های خود

فقلت وقولك الحق اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي

پس گفتی و گفته تو درست است که امروز کامل گردانیدم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را

ورضيت لكم الاسلام دينا فلك الحمد بموالاته واتمام نعمتك علينا

و پسندیدم برای شما اسلام را دین پس مر تراست ستایش بدوستی او و تمام کردن نعمت خود بر ما

بالذي جددت لنا من عهدك وميثاقك وذكرتنا ذلك وجعلتنا

بآنچه تازه کردی برای ما از عهد خود و پیمان خود و بیاد دادی ما را آن عهد بیاد آورندگان

مِنْ اَهْلِ الْاِخْلَاصِ وَالتَّصْدِيقِ بِمِيثَاقِكَ وَمِنْ اَهْلِ الْوَفَاءِ بِذَلِكَ

از اہل اخلاص و گرویدن بہ پیمان خود و از اہل وفا بآن پیمان

وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ اَتْبَاعِ الْمُغَيِّرِينَ وَالْمُبَدِّلِينَ وَالْمُحَرِّفِينَ وَالْمُبَتِّكِينَ

و مگردانید مارا از تابعان تغیر دہندگان و بدل کنندگان و تحریف کنندگان و بریدگان

اٰذَانَ الْاَنْعَامِ وَالْمُغَيِّرِينَ خَلْقَ اللّٰهِ وَمِنَ الَّذِينَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ

گوشہای چارپایان و تغیر دہندگان خلق خدا و از جماعت کہ غالب شد برایشان شیطان

فَاَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللّٰهِ وَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ اَللّٰهُمَّ

پس فراموش گردانید ایشان را از ذکر خدا و بازداشت ایشان را از راہ حق و طریق راست بار خدایا

الْعَنِ الْجَاحِدِينَ وَالنَّاكِثِينَ وَالْمُغَيِّرِينَ وَالْمُبَدِّلِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ

لعنت کن منکران را و عہد شکنان را و تغیر دہندگان را و بدل کنندگان را و تکذیب کنندگان روز جزا را

مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اَللّٰهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى اِنْعَامِكَ عَلَيْنَا بِالَّذِي

از پیشینیان و پسینیان بار خدایا پس مرتراست ستایش بر نعمت دادن تو برما بآنچه

هَدَيْتَنَا بِهِ اِلَى وُلَاةِ اَمْرِكَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ

کہ راہنمائی کردی مارا بآن بسوی والیان کار تو بعد از پیغمبر تو درود فرستد خدا برا او و آل او

الْاَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ وَاَعْلَامِ الْهُدَى وَمَنَارِ الْقُلُوبِ وَالتَّقْوَى

کہ امامان راہ نمایان راہ یابان نشانہای ہدایت و جای روشنائی دلہا و پرہیزگاری

وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَكَمَالِ دِينِكَ وَتَمَامِ نِعْمَتِكَ وَمَنْ بِهِمْ وَبِمُوَالَاتِهِمْ

و دست آویز محکم و کمال دین تو و تمام نعمت تو اند و کسانیکہ بایشان و بدوستی ایشان

رَضِيتَ لَنَا الْاِسْلَامَ دِينًا رَبَّنَا فَلَكَ الْحَمْدُ اٰمَنَّا وَصَدَّقْنَا بِمَنِّكَ

پسندیدی برای ما اسلام را دین ای پروردگار ما پس مرتراست ستایش ایمان آوردیم و تصدیق نمودیم

عَلَيْنَا بِالرَّسُولِ النَّذِيرِ الْمُنْذِرِ وَالَيْنَا وَلِيَّهُمْ وَعَادَيْنَا عَدُوَّهُمْ

بر ما به پیغمبر بیم دہندہ ترسانندہ و دوست داشتیم دوست ایشان را و دشمن داشتیم دشمن ایشان را

وتبرأنا من الجاحدين والمكذبين بيوم الدين اللهم فكما كان

و بیزار شدیم از انکار کنندگان و تکذیب کنندگان روز جزا بار خدایا پس چنانچه هست

ذلك من شأنك يا صادق الوعد يا من لا يخلف الميعاد يا من هو

این از شأن تو ای راست وعده ای کسیکه خلف وعده نمینماید ای کسیکه او

كل يوم في شأن إذ أتممت علينا نعمتك بموالاة أوليائك المسؤول

هر روز در کاریست وقتیکه تمام کردی بر ما نعمت خود را بدوستی دوستان خود آنانکه سؤال کرده شود

عنهم عبادك فإنك قلت ثم لتسألن يومئذ عن النعيم وقلت

از آنها بنده های تو زیرا که بدرستیکه تو گفتی که پس هر آینه سؤال کرده میشوید در آن روز از نعمتها و گفتی

وقولك الحق وقفوهم إنهم مسؤولون ومننت علينا بشهادة الإخلاص

و گفته تو حق است که بایستانید آنها را که بدرستیکه ایشان سؤال کرده میشوند و منت نهادی بما بگواهی اخلاص

وبموالاة أوليائك الهداة بعد النذير المنذر السراج المنير فأكملت

و بدوستی دوستان خود که راه نمایندگان اند بعد از ترساننده بیم دهنده ترساننده چراغ روشن پس کامل کردی

لنا بهم الدين وأتممت علينا النعمة وجددت لنا عهدك وذكرتنا

برای ما بایشان دین خود را و تمام کردی بر ما نعمت را و تازه کردی برای ما عهد خود را و یاد آوردی ما را

ميثاقك المأخوذ منا في ابتداء خلقك إيانا وجعلتنا من أهل الإجابة

پیمان خود را که گرفته شده بود از ما در ابتدای آفریدن تو ما را و گردانیدی ما را از قبول کنندگان

ولم تنسنا ذكرك فإنك قلت وإذ أخذ ربك من بني آدم من ظهورهم

و فراموش نگردانیدی ما را ذکر خود را پس بدرستیکه تو گفتی و یاد کن وقتی که گرفت پروردگار تو از فرزندان آدم از پشتهای ایشان

ذريتهم وأشهدهم على أنفسهم ألست بربكم قالوا بلى شهدنا

ذریت آنها را و گواه گردانید آنها را بر نفسهای آنها که آیا نیستم من پروردگار شما گفتند آری گواهیم

بمنك ولطفك بأنك أنت الله لا إله إلا أنت ربنا ومحمد عبدك

باحسان تو و لطف تو پس بدرستیکه توئی تو خدائی که نیست معبودی بجز تو پروردگار ما و محمد بنده تو

ورسولك نبيّنا وعلى امير المؤمنين عبدك الذي انعمت به علينا

ودرستاده تو پیغمبر ماست و علی امیر المؤمنان بنده تو آنچنان بنده که احسان کردی بسبب او برما

وجعلته آية لنبيك صلى الله عليه واله واياتك الكبرى وصراطك

وگردانیدی اورا علامتی برای پیغمبر خود درود فرستد خدا براو و آل او وگردانیدی اورا علامت بزرگ خود و راه خود

المستقيم والنبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون وعنه مسئولون

که راه راست و خبر بزرگی که ایشان در ان اختلاف دارند و ازان سوال کرده میشوند

اللهم فكما كان من شأنك ان انعمت علينا بالهداية الى معرفتهم

بار خدایا پس چنانچه بود از شان تو آنکه احسان کردی برما براه نمائی بسوی شناختن ایشان

فليكن من شأنك ان تصلي على محمد وال محمد وان تبارك لنا

پس باید که باشد از شان تو آنکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه برکت دهی مارا

في يومنا هذا الذي اكرمتنا به وذكرتنا فيه عهدك وميثاقك

در روز ما که این روز است آن روزیکه اکرام کردی مارا بآن و یاد دادی مارا در آن روز عهد خود و پیمان خود

واكملت لنا ديننا واتممت علينا نعمتك وجعلتنا بمنك من اهل

وکامل گردانیدی برای ما دین مارا و تمام کردی برما نعمت خود را وگردانیدی مارا باحسان خود از اهل

الاجابة لك والبراءة من اعدائك واعداء اوليائك المكذبين بيوم

اجابت خود و بیزاری از دشمنان خود و از دشمنان دوستان خود که تکذیب میکنند بروز

الدين فاسألك يا رب تمام ما انعمت به علينا وان تجعلنا من الموقنين

جزا پس سوال می نمایم ای پروردگار من تمام کردن آنچه انعام کرده بآن برما و آنکه بگردانی مارا از اهل یقین

ولا تلحقنا بالمكذبين واجعل لنا قدم صدق مع المتقين واجعلنا للمتقين اماما

و ملحق نگردانی مارا بتکذیب کنندگان و بگردان برای ما پای راستی با پرهیزکاران و بگردان مارا برای پرهیزکاران پیشوا

يوم ندعو كل اناس بامامهم واحشرنا في زمرة اهل بيت نبيك الائمة الصادقين

در روزیکه میخوانیم تمام آدمیان را به پیشوای ایشان و برانگیز مارا در گروه اهل بیت پیغمبر خود که امامان راستگویند

واجعلنا من البراء من الذين هم دعاة الى النار ويوم القيمة هم من
وبگردان ما را از بیزار شدگان از کسانیکه ایشان دعوت کنندگانند بسوی دوزخ و در روز قیامت ایشان از

المقبوحين واحينا على ذلك ما احييتنا واجعل لنا مع الرسول سبيلا
زشت شدگانند و زنده دار ما را برین مادام که زنده داری ما را و بگردان ما را با رسول خود راهی

واجعل لنا قدم صدق في الهجرة اليهم واجعل محيانا خير المحيا و
و بگردان برای ما قدم راستی در مهاجرت بسوی ایشان بگردان زندگانی ما را بهتر زندگی و

مماتنا خير الممات ومنقلبنا خير المنقلب على موالاة اوليائك ومعاداة
مرگ ما را بهتر مرگی و جای بازگشت ما را بهتر جای بازگشتی بر دوستی دوستان خود و دشمنی

اعدائك حتى تتوفانا وانت عنا راض قد اوجبت لنا جنتك
دشمنان خود تا آنکه بمیرانی ما را و تو از ما خوشنود باشی بتحقیق واجب کرده برای ما بهشت خود را

برحمتك يا ارحم الراحمين والمثوى من جوارك في دار المقامة من
برحمت خود ای مهربان ترین مهربانان و جای اقامت را از همسایگی خود در جای بودن از

فضلك لا يمسنا فيها نصب ولا يمسنا فيها لغوب ربنا اغفر لنا
فضل خود نرسد ما را در آنجا رنجی و نرسد ما را در آنجا ملالی ای پروردگار ما بیامرز ما را

ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا
گناهان ما را و دور کن از ما بدیهای ما و بمیران ما را با نیکان ای پروردگار ما بده ما را آنچه وعده کردی ما را

على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد اللهم احشرنا
بر زبان پیغمبران خود و رسوا مکن ما را در روز قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را خدایا محشور کن ما را

مع الائمة الهداة من آل رسولك نؤمن بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم
با امامان راه نمایان از آل پیغمبر خود ایمان آوریم به پنهان ایشان و آشکار ایشان و حاضر ایشان

وغائبهم اللهم اني اسألك بالحق الذي جعلته عندهم وبالذي
و غائب ایشان ای خدا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحقیکه گردانیدی آنرا نزد ایشان و

فَضَّلتَهُم بِهِ عَلَی العَالَمِینَ جَمِیعًا اَن تُبَارِکَ لَنَا فِی یَومِنَا هٰذَا الَّذِی اَکرَمتَنَا

فضیلت دادی ایشان را بسبب آن بر عالمیان همه اینکه برکت دهی ما را در روز ما این چنین که گرامی کرده

فِیهِ بِالمُوَافَاةِ بِعَهدِکَ الَّذِی عَهِدتَهُ اِلَینَا وَ بِالمِیثَاقِ الَّذِی وَاثَقتَنَا بِهِ مِن

در وی ما را بتمام کردن پیمان خود و پیمان بپایانیکه عهد کردی آنرا بسوی ما و بپیمانیکه پیمان گرفتی از ما

مُوَالَاةِ اَولِیَائِکَ وَالبَرَآءَةِ مِن اَعدَائِکَ اَن تُتِمَّ عَلَینَا نِعمَتَکَ وَ

دوستی دوستان خود و بیزاری از دشمنان خود اینکه تمام کنی بر ما نعمت خود را و

لَا تَجعَلهُ مُستَودَعًا وَاجعَلهُ مُستَقَرًّا وَلَا تَسلُبنَاهُ اَبَدًا وَلَا تَجعَلهُ

نگردان آنرا امانت گذاشته شده و بگردان آنرا ثابت و مربا از ما هرگز و مگردان آنرا

مُستَعَارًا وَارزُقنَا مُرَافَقَةَ وَلِیِّکَ الهَادِی المَهدِیِّ اِلَی الهُدٰی وَ

عاریت و روزی کن ما را همراهی دوست خود که راه نما و راه یافته است بسوی راه راست

تَحتَ لِوَائِهِ وَفِی زُمرَتِهِ شُهَدَآءَ صَادِقِینَ عَلٰی بَصِیرَةٍ مِن دِینِکَ اِنَّکَ

و در زیر علم او و در گروه او که شهیدان است کو باشند بر بینائی از دین خود بدرستیکه تو

عَلٰی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ ۔ اگر این عمل با دشوار باشد باین روایت عمل کند که شیخ مفید

بر همه چیز قادری علیه الرحمة و دیگران از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند

که هر که در روز عید غدیر دو رکعت نماز بکند هر وقت که خواهد الا نزدیک زوال بعد

که دران ساعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را

در غدیر خم برای مردم بامامت و خلافت نصب کرد بهتر است یعنی هر سوره که خواهد و اگر در

رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم قل هو الله احد بخواند چنانچه در روایت معتبر دیگر

وارد شده است بهتر است پس بسجده رود و صد مرتبه شکراً لله یا شکراً بگوید و چون

سر از سجده بردارد این دعا را بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسئَلُکَ بِاَنَّ لَکَ الحَمدَ وَحدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ

بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو باینکه مر تراست سپاس تنها نیست شریکی مر ترا

وَاَنَّكَ وَاحِدٌ اَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ تَكُنْ لَكَ كُفُواً اَحَدٌ وَاَنَّ

و بانکه تو یگانهٔ یکتائی پاکی نزائیدی و نزاده شدی و نیست مر ترا همتائی و بانکه

مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي

محمد بندهٔ تو و فرستادهٔ تست درودهای تو براو و آل او ای کسیکه او هر روز در

شَأْنٍ كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ اَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ بِاَنْ جَعَلْتَنِي مِنْ اَهْلِ اِجَابَتِكَ

کاری است چنانچه بود از کار تو اینکه احسان کردی بر من بانکه گردانیدی تو مرا از اهل پذیرای خود

وَاَهْلِ دِينِكَ وَاَهْلِ دَعْوَتِكَ وَوَفَّقْتَنِي لِذَلِكَ فِي مُبْتَدَءِ خَلْقِي تَفَضُّلاً

و اهل دین خود و اهل دعوت خود و توفیق دادی مرا برای این در آغاز آفرینش من از راه فضل

مِنْكَ وَكَرَماً وَجُوداً ثُمَّ اَرْدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلاً وَالْجُودَ جُوداً وَالْكَرَمَ كَرَماً

خود و از راه کرم و بخشش پس ردیف گردانیدی فضل را فضلی دیگر بخشش را بخششی دیگر و کرم را کرمی دیگر

رَأْفَةً مِنْكَ وَرَحْمَةً اِلَى اَنْ جَدَّدْتَ ذَلِكَ الْعَهْدَ لِي تَجْدِيداً بَعْدَ تَجْدِيدِ

از جهت مهربانی خود و رحمت خود تا اینکه تازه کردی آن عهد را برای من تازه کردنی بعد تازه کردن تو

خَلْقِي وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا نَاسِياً سَاهِياً غَافِلاً فَاَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ بِاَنْ ذَكَّرْتَنِي

آفرینش مرا و بودم فراموش شده یا فراموشکار سهو کننده غفلت زده پس تمام کردی تو نعمت خود را بانکه بیاد دادی مرا

ذَلِكَ وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَهَدَيْتَنِي لَهُ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ يَا اِلَهِي وَسَيِّدِي

آنرا و انعام کردی تو بآن بر من و راه نمودی مرا برای او پس باید که باشد از شان تو ای خدای من و سرور من

وَمَوْلاَيَ اَنْ تُتِمَّ لِي ذَلِكَ وَلاَ تَسْلُبْنِيهِ حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَى ذَلِكَ وَاَنْتَ عَنِّي رَاضٍ

و مولای من اینکه تمام کنی برای من آنرا و نربائی از من آنرا تا بمیرانی مرا بر آن در حالیکه تو از من خوشنود باشی

فَاِنَّكَ اَحَقُّ الْمُنْعِمِينَ اَنْ تُتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ اَللَّهُمَّ سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا وَاَجَبْنَا

پس بدرستیکه تو سزاوارترین نعمت دهندگانی بانکه تمام کنی نعمت خود را بر من بار خدایا شنیدیم و اطاعت کردیم و اجابت کردیم

دَاعِيَكَ بِمَنِّكَ فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيرُ آمَنَّا بِاللهِ

خواننده ترا باحسان تو پس مر تراست سپاس طلب آمرزش تو میکنیم ای پروردگار ما و بسوی تست بازگشت ایمان آوردیم بخدا

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَدَّقْنَا وَأَجَبْنَا

تنهانیست شریکی مراورا و برسول او محمد درود فرستد خدا برا و و آل او و تصدیق کردیم و قبول کردیم

دَاعِيَ اللّٰهِ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِي مُوَالَاةِ مَوْلَانَا وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

خواننده خدارا و پیروی کردیم رسول را در دوستی سرور ما و سرور مومنان امیر اهل ایمان

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِ اللّٰهِ وَأَخِي رَسُولِهِ وَالصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ وَالْحُجَّةِ عَلَى

علی پسر ابی طالب بندهٔ خدا و برادر رسول او و صدیق اکبر و حجت بر

بَرِيَّتِهِ الْمُؤَيَّدِ بِهِ نَبِيُّهُ وَدِينُهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ عَلَماً لِدِينِ اللّٰهِ وَخَازِنًا لِعِلْمِهِ

خلق خدا تقویت یافته با او پیغمبر او و دین او در است روشن نشان مر دین خدا را و خزانه دار مر علم او را

وَعَيْبَةِ غَيْبِ اللّٰهِ وَمَوْضِعِ سِرِّ اللّٰهِ وَأَمِينِ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ وَشَاهِدِهِ فِي

و جامه دان علم غیب خدا و جای راز پنهان خدا و امانت دار خدا بر خلق او و گواه او بر

بَرِيَّتِهِ اللّٰهُمَّ رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ

آفریدهای او بار خدایا پروردگار ما بدرستیکه ما شنیدیم ندا کننده را که میخواند برای ایمان که ایمان آرید به پروردگار خود

فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَ

پس ایمان آوردیم ای پروردگار ما پس بیامرز برای ما گناهان ما را و محو کن از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکان ای پروردگار ما

آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

بده ما را آنچه وعده کردهٔ ما را بر دست پیغمبران خود و رسوا مکن ما را در روز قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را

فَإِنَّا يَا رَبَّنَا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ أَجَبْنَا دَاعِيَكَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَصَدَّقْنَاهُ

پس بدرستیکه ای پروردگار ما باحسان تو و لطف تو قبول کردیم دعوت کنندهٔ ترا و پیروی کردیم رسول او را و تصدیق کردیم او را

وَصَدَّقْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ فَوَلِّنَا مَا تَوَلَّيْنَا وَاحْشُرْنَا

و تصدیق کردیم سرور مومنان را و انکار کردیم جبت و طاغوت را پس متوجه کن ما را بآنچه رو کردیم و برانگیز ما را

مَعَ أَئِمَّتِنَا فَإِنَّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ وَلَهُمْ مُسَلِّمُونَ آمَنَّا بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ

با امامان ما پس بدرستیکه ما بایشان گرویدگانیم و یقین آورندگانیم و مر ایشان را گردن نهادگانیم ایمان آوردیم به پنهان و آشکار ایشان

وشاهدهم وغائبهم وحيّهم وميّتهم ورضينا بهم ائمّة وقادة وسادة

وحاضر ایشان وغایب ایشان زنده ایشان مرده ایشان وراضی شدیم بایشان حالیکه امامانند و پیشوایانند و سرورانند

وحسبنا بهم بيننا وبين الله دون خلقه لا نبتغي بهم بدلاً ولا نتّخذ من

رسند ما را ایشان اسباب ما و میان خدا نه خلق او نطلبیم بجای ایشان بدلی و نگیریم از

دونهم وليجة وبرئنا الى الله من كلّ من نصب لهم حرباً من الجنّ والانس

غیر ایشان دوست خاصی و بری شدیم بسوی خدا از هر که برپا کرد از برای ایشان جنگ از جن و انس

من الاوّلين والآخرين وكفرنا بالجبت والطاغوت والاوثان الاربعة

از پیشینیان و پسینیان و انکار کردیم جبت و طاغوت را و بتهای چهارگانه را

واشياعهم واتباعهم وكلّ من والاهم من الجنّ والانس من اوّل الدهر

و دوستان ایشان را و پیروان ایشان را و هر که دوستدار ایشان از پریان و آدمیان از ابتدای دهر

الى آخره اللهمّ انّا نشهدك انّا ندين بما دان به محمّد وآل محمّد صلى الله

تا آخر آن بار خدایا بدرستیکه ما گواه میگیریم ترا بآنکه طاعت میکنیم بآنچه طاعت کرد بآن محمد و آل محمد

عليه وعليهم وقولنا ما قالوا وديننا ما دانوا به ما قالوا به قلنا وما دانوا

بر او و بر ایشان و سخن ما همانست که ایشان گفته اند و دین ما همانست که دین گرفتند ایشان آنچه گفتند

به دنّا وما انكروا انكرنا ومن والوا والينا ومن عادوا عادينا ومن

آنرا ما نیز دین خود کردیم آنچه انکار کردند ما انکار کردیم و کسی که دوست داشتند دوست داشتیم کسی که دشمن داشتند

لعنوا لعنّا ومن تبرّؤوا منه تبرّأنا منه ومن ترحّموا عليه ترحّمنا عليه

که لعن کردند لعن کردیم او را و کسیکه بیزار شدند از او بیزار شدیم از او و هر که رحم کردند بر او ترحم کردیم ما بر او

آمنّا وسلّمنا ورضينا واتّبعنا موالينا صلوات الله عليهم اللهمّ فتمّم

ایمان آوردیم و تسلیم کردیم و خوشنود شدیم پیروی کردیم آقایان خود را رحمتهای خدا باد بر ایشان خدایا پس تمام کن

لنا ذلك ولا تسلبناه واجعله مستقرّاً ثابتاً عندنا ولا تجعله مستعاراً

برای ما این اعتقاد را وجدا مکن آنرا از ما و بگردان آنرا قرار و ثابت نزد ما و مگردان آنرا عاریه گرفته شده

وَاَحْيِنَا مَا اَحْيَيْتَنَا عَلَيْهِ وَاَمِتْنَا اِذَا اَمَتَّنَا عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ مُحَمَّدٍ اَمِتْنَا

و زنده دار ما را مادامیکه زنده داری ما را بر آن بمیران ما را وقتیکه بمیرانی ما را بر آن آل محمد ما را

فِيْهِمْ نَأْتَمُّ وَاِيَّاهُمْ نُوَالِيْ وَعَدُوَّهُمْ عَدُوَّ اللّٰهِ نُعَادِيْ فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ

پس با ایشان اقتدا میکنیم و ایشان را دوست میداریم و دشمن آل محمد را که دشمن خداست دشمن میداریم پس بگردان

فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ فَاِنَّا بِذٰلِكَ رَاضُوْنَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

در دنیا و آخرت و بگردان ما را از مقربان پس بدرستیکه ما بآن خوشنودیم ای مهربان ترین مهربانان

پس بار بسجود رو و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه شکرا لله بگو بدرستی حضرت فرمود که هر که این عمل را بجا

آورد ثواب کسی نوشته باشد که در روز غدیر نزد حضرت رسول صلعم حاضر شده باشد با

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المومنین علیه السلام بر ولایت آنحضرت بیعت کرده باشد

و درجه او در بهشت با درجه رست گویان تصدیق کنندگان باشد که تصدیق خدا و حضرت

رسول ایشان کرده از روی اخلاص کرده اند مانند سلمان و ابوذر و مقداد و عمار رضی الله عنهم باشد

باشد که شهید شده باشد با حضرت رسول و حضرت امیر المومنین حسن و حسین صلوات الله علیهم اجمعین باشد

کسی باشد که در زیر علم حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه در زیر خیمه آنحضرت بوده شده باشد از نجبا

و نقیبان برگزیدگان صحابه آنحضرت الصالح شیخ مفید علیه الرحمه روایت کرده که سنت است این دعا را در روز عید غدیر بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلِيٍّ وَلِيِّكَ وَالشَّاْنِ وَالْقَدْرِ الَّذِيْ

بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحق محمد پیغمبر تو و علی ولی تو و بحق شان و منزلتی که

خَصَصْتَهُمَا بِهٖ دُوْنَ خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَاَنْ تَبْدَاَ

مخصوص کرده اید محمد و علی را بآن غیر از خلق خود اینکه درود فرستی بر محمد و علی و اینکه ابتدا کنی

بِهِمَا فِيْ كُلِّ خَيْرٍ عَاجِلٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ الْاَئِمَّةِ الْقَادَةِ

بمحمد و علی در هر چیز که زود تر باشد خدا وندا درود بفرست بر محمد و آل محمد که امامان پیشوایند

وَالدُّعَاةِ السَّادَةِ وَالنُّجُوْمِ الزَّاهِرَةِ وَالْاَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ وَسَاسَةِ الْعِبَادِ

و خوانندگان بحق سروران و ستارگان روشن و نشانهای درخشنده و امر و نهی کنندگان بندگان

وَأَرْكَانِ الْبِلَادِ وَالنَّاقَةِ الْمُرْسَلَةِ وَالسَّفِينَةِ النَّاجِيَةِ الْجَارِيَةِ فِي اللُّجَجِ

وستونهای شهرها و ناقه فرستاده شده و کشتی نجات یابنده رونده در آبهای

الْغَامِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خُزَّانِ عِلْمِكَ وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ

عظیم بسیار عمیق بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد خزانه داران علم تو و ستونهای توحید تو

وَدَعَائِمِ دِينِكَ وَمَعَادِنِ كَرَامَتِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَخِيَرَتِكَ

و ستونهای دین تو و کانهای کرامت تو و برگزیدهای تو از خلق تو و اختیار کرده شده

مِنْ خَلْقِكَ الْأَتْقِيَاءِ الْأَنْقِيَاءِ النُّجَبَاءِ الْأَبْرَارِ وَالْبَابِ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ

از خلق تو و پرهیزکاران و برگزیدگان و نجیبان و نیکان و در که امتحان کرده اند بآن مردم

مَنْ أَتَاهُ نَجَى وَمَنْ أَبَاهُ هَوَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَهْلِ الذِّكْرِ الَّذِينَ

هر که آمد در ان رستگار شد و هر که ابا کرد از ان افتاد خداوندا درود بفرست بمحمد و آل محمد که اهل ذکر اند آنانکه

أَمَرْتَ بِمَسْأَلَتِهِمْ وَذَوِي الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَفَرَضْتَ حَقَّهُمْ

امر کردی بسوال ایشان و صاحبان قرابت آنانکه امر فرمودی بدوستی ایشان و فرض کردی حق ایشان را

وَجَعَلْتَ الْجَنَّةَ مَعَادَ مَنِ اقْتَصَّ آثَارَهُمْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و گردانیدی بهشت را جای بازگشت کسیکه پیروی کرد روش ایشان را بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد

كَمَا أَمَرُوا بِطَاعَتِكَ وَنَهَوْا عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَدَلُّوا عِبَادَكَ عَلَى وَحْدَانِيَّتِكَ

چنانکه امر کردند ایشان بفرمانبری تو و منع کردند از نافرمانی تو و راه نمودند بندگان ترا به یگانگی تو

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَنَجِيبِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَمِينِكَ وَرَسُولِكَ

بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحق محمد پیغمبر تو و برگزیده تو و اختیار کرده تو و امانت دار تو و فرستاده تو

إِلَى خَلْقِكَ وَبِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَعْسُوبِ الدِّينِ وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ

بسوی خلق تو و بحق پیشوای مومنان و مهتر اهل دین و پیشوای نیکوکاران سفید دست و پایان

الْوَصِيِّ الْوَفِيِّ وَالصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ وَالْفَارُوقِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ

جانشین وفا کننده و راستگوی بزرگتر و جدا کننده میان حق و باطل

وَالشَّاهِدِ لَكَ وَالدَّالِّ عَلَيْكَ وَالصَّادِعِ بِأَمْرِكَ وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ

وگواه برای تو وراه نماینده بر تو وظاهر کننده فرمان ترا وجهاد کننده در راه تو

لَمْ تَأْخُذْهُ فِيكَ لَوْمَةُ لَائِمٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي

نگرفت اورا در حق تو سرزنش سرزنش کننده اینکه درود فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی مرا در

هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي عَقَدْتَ فِيهِ لِوَلِيِّكَ الْعَهْدَ فِي أَعْنَاقِ خَلْقِكَ

این روز که بستی تو در آن روز برای ولی خود عهدی در گردنهای خلق خود

وَأَكْمَلْتَ لَهُمُ الدِّينَ مِنَ الْعَارِفِينَ بِحُرْمَتِهِ وَالْمُقِرِّينَ بِفَضْلِهِ وَمِنْ عُتَقَائِكَ

وکامل گردانیدی برای ایشان دین را از شناسندگان بحرمت او واقرار کنندگان بفضیلت او واز آزاد کردهای خود

وَطُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَلَا تُشْمِتْ بِي حَاسِدِي النِّعَمِ اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَهُ عِيدَكَ

ورها کرده های خود از آتش وشاد مکن بمن حاسدان نعمتها را بار خدایا پس چنانچه گردانیدی آنرا عید

الْأَكْبَرَ وَسَمَّيْتَهُ فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ وَفِي الْأَرْضِ يَوْمَ الْمِيثَاقِ

بزرگ ونامیدی آنرا در آسمان روز عهد عهد کرده شده ودر زمین روز پیمان

الْمَأْخُوذِ وَالْجَمْعِ الْمَسْؤُولِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْرِرْ بِهِ عُيُونَنَا وَ

گرفته شده وجمع سوال کرده شده درود بفرست بر محمد وآل محمد وخنک کن باو چشمهای ما را و

اجْمَعْ بِهِ شَمْلَنَا وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَاجْعَلْنَا لِأَنْعُمِكَ مِنَ

فراهم آر باین پراکندگی ما را وگمراه مکن پس از آنکه راه نمودی ما را وبگردان ما را برای نعمتهای خود از

الشَّاكِرِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنَا فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ وَبَصَّرَنَا

شکر کنندگان ای مهربان ترین مهربانی کنندگان حمد مر خدای را که شناسانید ما را فضیلت این روز وبینا کرد ما را

حُرْمَتَهُ وَكَرَّمَنَا بِهِ وَشَرَّفَنَا بِمَعْرِفَتِهِ وَهَدَانَا بِنُورِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

حرمت این روز وگرامی کرد ما را باین روز وشرف داد ما را بشناختن او وراه نمود ما را بنور او

عَلَيْكُمَا وَعَلَى عِتْرَتِكُمَا وَعَلَى مُحِبِّيكُمَا مِنِّي أَفْضَلُ السَّلَامِ مَا بَقِيَ

بر شما باد وبر ذریت شما وبر دوستان شما از من بهترین سلام تا باقی

اللیل والنهار وبکما اتوجه الی الله ربی وربکما فی نجاح طلبتی

شب و روز و بوسیله شما متوجه میشوم بسوی خدا که پروردگار من و پروردگار شماست در روا کردن مطلب

وقضاء حوائجی وتیسیر اموری اللهم انی اسالک بحق محمد و

و بر آوردن حاجتهای خود و آسان کردن کارهای من خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحق محمد و

ال محمد ان تصلی علی محمد وال محمد وان تلعن من جحد حق هذا

آل محمد اینکه درود بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه لعن کنی بر هر که انکار کرده حق این

الیوم وانکر حرمته فصد عن سبیلک لاطفاء نورک فابی الله الا

روز را و انکار کرده حرمت آنرا پس باز داشت از راه تو بجهت فرونشانیدن نور تو پس ابا کرده خدا

ان یتم نوره اللهم فرج عن اهل بیت محمد نبیک واکشف عنهم

اینکه تمام کند نور خود را بار خدایا گشایش بده از اهل بیت محمد پیغمبر خود و برطرف کن از ایشان

وبهم عن المؤمنین الکربات اللهم املا الارض بهم عدلا کما

و بسبب ایشان از مومنان اندوهها را بار خدایا پر کن زمین را بسبب ایشان از عدل چنانچه

ملئت ظلما وجورا وانجز لهم ما وعدتهم انک لا تخلف المیعاد

پر کرده شده از ستم و جور و وفا کن مر ایشان را آنچه وعده کرده ایشان را بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را

و اگر بتواند بعد از این نماز سجده کند و صد مرتبه شکراً و صد مرتبه الحمد لله بگوید و صد مرتبه آنچه تو اند بگوید

الحمد لله علی اکمال الدین واتمام النعمة ورضا الرب الکریم والحمد

سپاس خدا را بر کامل گردانیدن دین و تمام کردن نعمت خوشنودی پروردگار کریم و سپاس

لله رب العالمین والصلوة علی خیر خلقه محمد وعترته الطاهرین

مر خدا را که پروردگار عالمیانست و درود بر بهترین خلق او محمد و ذریت او که پاکانند

بهتر خواهد بود چنانچه سید ابن باقی و کفعمی روایت کرده اند اما شیخ مفید علیه الرحمه این را

نقل نکرده است فصل پنجم در فضیلت و اعمال روز مباهله است تا آخر ماه و در

تعیین روز مباهله میان علما اختلاف است مشهور اقوی آنست که روز بیست و چهارم است و

بیست و پنجم و بعضی بیست و ششم و بعضی بیست و یکم نیز گفته اند و اگر در هر یک از اینها اعمال مستحبه را بعمل آورند بهتر است و آنچه مشهور است بیست و چهارم است و سبب فضیلت و مباهله گشت که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسولان فرستاد و بسوی نصارای نجران که عظمای ترسایان عرب بودند و ایشان به کتب خود رجوع کردند و اوصاف حضرت رسالت پناه صلعم را در کتب جمیع انبیا مشاهده کردند حجت و بنابر اکثر علمای ایشان غالب شد و ایمان بنا و ر... و هفتاد نفر از علما و عظمای خود را فرستادند که صفاتیکه در کتب سابقه برای حضرت رسالت دیده اند مشاهده نمایند بمدینه داخل شدند و صفات را موافق یافتند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله حجتهای شافی بر ایشان تمام کرد و باز بعضی از ایشان بسبب حب ریاست و اغراض باطله مضایقه کردند در ایمان آوردن و حق تعالی این آیه کریمه را فرستاد فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ یعنی پس هر که با تو مجادله کند در امر عیسی علیه السلام بعد از آنچه آمده است بسوی تو از علم و برهان و القا کردی بر ایشان و قبول نکردند پس بگو ای محمد بیایید بخوانیم پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را و جانهای خود را و جانهای شما را یعنی آنها را که بمنزله جان ما اند و آنها را که بمنزله جان شما اند پس تضرع کنیم و دعا کنیم پس بکنیم لعنت و دوری از رحمت خدا را بر آنها که دروغ گویند از ما و شما پس حضرت رسول صلعم عبای دوش مبارک خود گرفت و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را در زیر عبا داخل کرد و گفت پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص ترین خلق بوده اند نزد او خداوندا اینها اهل بیت منند پس از ایشان برطرف کن شک گناه را و پاک کن ایشان را پاک کردنی پس جبرئیل نازل شد و این آیه کریمه را در شان ایشان آورد که إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

یعنی نیست جز اینکه اراده دارد حق تعالی که زائل گرداند از شما اهل بیت بدی و شک را و پاک گرداند شما را از گناهان پاک گردانیدنی پس حضرت رسول علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را با خود بیرون برد از مدینه برای مباهله و چون نصاری حقیت آنحضرت را دانسته بودند بعد از ایستادن حضرت با آن بزرگواران در مقام مباهله آثار نزول عذاب در زمین و آسمان ظاهر شد و عالم بزرگ ایشان گفت بخدا سوگند که من رویها می بینم که اگر دعا کنند کوهی از جا کنده شود کنده خواهد شد جرأت نکردند بر مباهله و استدعای مسالمه و مصالحه کردند و قبول کردند که هر سال جزیه بدهند و حضرت ایشان را نفرین نکرد و بامر الهی جزیه بر ایشان قرار داد و حضرت فرمود که بخدا سوگند که هلاک و عذاب آویخته شد بر اهل نجران و اگر مباهله میکردم هر آینه همه ازین جماعت میمون و خوک میشدند و این وادی بر ایشان آتش میشد و مرا بیت نجران میکرد و همه رسایان نجران می سوختند و پیش از آنکه سال تمام شود جمیع نصاری میمردند و یک نصرانی بر روی زمین زنده نمی ماند و باین سبب چندین امر بر عالمیان ظاهر شد اول حقیت آنحضرت زیرا که اگر اعتماد بر حقیت خود نمیداشت خود را و عزیزترین اهل خود را در معرض مباهله بر نمی آورد و اگر آن جماعت حقیت آنحضرت بر ایشان ظاهر نشده بود مباهله میکردند و مذلت خواری جزیه را بر خود قرار نمیدادند دوم آنکه ظاهر شد که آل عبا علیهم السلام بزرگوارترین خلق بودند که ایشان را آنحضرت در دعا با خود شریک گردانید سوم آنکه ایشان عزیزترین خلق بودند نزد آنحضرت که برای اظهار حقیت خود ایشان را در معرض نفرین بر آورد زیرا که بسیار است که آدمی خود را به مهالک می افکند اما اعزه عیال خود را راضی نمیشود که در معرض خطر در آورد چنانکه صاحب کشاف و غیر او از متعصبان سنیان اعتراف نموده اند ... آنکه حسن و حسین علیهما السلام فرزندان حقیقی آنحضرت اند و رتبه ایشان از سایر صحابه بیشتر بوده است نزد خدا و رسول ... پنجم آنکه حضرت فاطمه بهترین زنان بوده و از زوجات و سایر قرابات با آنحضرت اخص و اقرب بوده و منزلت او نزد حق تعالی از همه بیشتر بوده ششم آنکه باتفاق عامه و خاصه

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در مباهله داخل بود و داخل ابنا و نسا نیست پس باید داخل
انفسنا باشد و حقیقت در اینجا مراد نمی تواند بود زیرا که اتحاد دو نفس محالست پس مراد ثبت
کمال اختصاص آنحضرت بحضرت رسالت صلعم در کمالات و صفات بمرتبه بود که بمنزله نفس آنجناب
آنحضرت بود پس هر کمالیکه در حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود باید که در آنحضرت باشد بغیر پیغمبری
پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه و جمیع پیغمبران بغیر آنحضرت و باید که مخصوص ترین خلق باشد
بآنحضرت و اعز خلق باشد نزد او و روایات مفصله این قصه شریفه و فوائد که از آن مستفاد میشود در
کتاب حیوة القلوب ذکر کرده ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و از جمله اموری که در روز
بست و چهارم واقع شده و موجب مزید فضل آن گردیده آنست که درین روز حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام در رکوع نماز انگشتری خود را بسائل بخشید و این آیه کریمه نازل شده و امامت
آنحضرت را باصحاب بصیرت هویدا گردید إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ
الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ
یعنی نیست اولی بامر شما و مالک اختیار شما مگر خدا و رسول او و آنها که ایمان آوردند و نماز را
برپا میدارند و چنانچه باید بجای آورند و زکوة میدهند در رکوع و این نص صریح است بر امامت
آنحضرت چنانچه در سایر کتب ذکر کرده ام و درین روز غسل سنت است و زیارت حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام را درین روز ذکر کرده اند و خواندن زیارت جامعه مناسب است و روزه
این روز مستحب است و تأسی بمولای خود امیر المؤمنین علیه السلام کردن در تصدق بر فقرا و ارباب
حاجات بآنچه مقدور و میسر باشد مطلوب است و اعمال این روز مبارک بسیار است **عمل**
اول شیخ طوسی رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که درین
روز پیش از زوال بنیم ساعت دو رکعت نماز بکند برای شکر نعمت مباهله و در هر رکعت
بعد از حمد هر یک از سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و سوره انا
انزلناه ده مرتبه بخواند اگر این نماز را بعمل آورد نزد خدا برابر است با صد
هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجتی که دارد از حاجتهای دنیا و آخرت از حق تعالی

سوال کند البته برآورده شود هرچند عظیم باشد ان شاء الله تعالی و این نماز همان نماز است که در اعمال روز عید غدیر مذکور شد عمل دوم از اعمال این روز دعائیست که شیخ طوسی و سید ابن طاوس قدس الله روحهما بسندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند و آنحضرت از پدر بزرگوار خود امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود که اگر بگویم مردم که اسم اعظم حق تعالی هست هرآینه راست گفته ام اگر مردم بدانند که این دعا در نزد خدا چگونه تاثیری نماید هرآینه بهر نحو که مقدور باشد سعی نمایند و تحصیل آن هرچند که باید که قتال کنند و هر حاجت که عارض میشود این دعا را میخوانم و بعد از آن حاجت خود را می طلبم و البته مستجاب میگردد و این دعائیست که در وقتی که آیه مباهله نازل شد جبرئیل از جانب خداوند جلیل بحضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد و این دعا را آورد و گفت برای مباهله بیرون رو و با خود علی بن ابیطالب علیه السلام را و سیدة نساء فاطمه زهرا و دو نور دیده و فرزند پسندیده خود حسن و حسین صلوات الله علیهم را با خود ببر و این دعا را بخوان با ترسایان مباهله کن بر ایشان نفرین کن پس حضرت جعفر صادق علیه السلام گفت که هر گاه این دعا را بخوانند جهد و سعی کنید در دعا و تضرع و این دعا را شفیع خود گردانید در حاجتها و از کسیکه اهل نباشد از بیدینها و منافقان پنهان دارید و بایشان تعلیم منمائید که از علمهای مخزونست و هرکس قابل این نباشد نمیتواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِاَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِیٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ
بار خدایا بدرستیکه من مطلبم از تو از نیکوئی تو به نیکوترش و همه نیکوئی تو نیکو است بار خدایا بدرستیکه من مطلبم از تو

بِبَهَائِكَ كُلِّهٖ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِاَجَلِّهٖ وَكُلُّ جَلَالِكَ
به نیکوئی تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من مطلبم از تو از بزرگی تو به بزرگترش و همه بزرگی تو

جَلِیْلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهٖ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِاَجْمَلِهٖ
بزرگست بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو به بزرگی تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من مطلبم از تو از خوبی تو بخوبترش

وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِیْلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهٖ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوْكَ كَمَا
و همه خوبی تو خوبست بار خدایا بدرستیکه من مطلبم از تو بخوبی تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسألك من عظمتك باعظمها

امر کرده مرا پس قبول کن از من چنانچه وعده کرده مرا بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از بزرگی تو ببزرگترین آن

وكل عظمتك عظيمة اللهم اني اسألك بعظمتك كلها اللهم اني

و همه بزرگی تو بزرگست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو ببزرگی تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من

اسألك من نورك بانوره وكل نورك نير اللهم اني اسألك بنورك كله

سوال میکنم از تو از نور تو بنورانی ترین آن و هر نور تو روشن است خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو بنور تو همه

اللهم اني اسألك من رحمتك باوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم اني اسألك

بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از بخشش تو بفراخ ترین آن و هر بخشش تو وسیع است خداوندا بدرستیکه من سوال

برحمتك كلها اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني

ببخشش تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کرده مرا پس مستجاب کن مرا چنانچه وعده کرده مرا

اسألك من كمالك باكمله وكل كمالك كامل اللهم اني اسألك بكمالك

سوال میکنم از تو از کمال تو بکامل ترین آن هر کمال تو کامل است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بکمال تو

كله اللهم اني اسألك من كلماتك باتمها وكل كلماتك تامة اللهم

همه آن بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از کلمات تو بتمام ترین آن هر یک از کلمات تو تمام است خداوندا

اني اسألك بكلماتك كلها اللهم اني اسألك من اسمائك باكبرها وكل

بدرستیکه من میخواهم از تو بکلمات تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از نامهای تو ببزرگترین آن و هر

اسمائك كبيرة اللهم اني اسألك باسمائك كلها اللهم اني ادعوك كما

نامهای تو بزرگست بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بنامهای تو همه آنها خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه

امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسألك من عزتك باعزها وكل عزتك

امر کرده و مستجاب کن مرا چنانچه وعده کرده مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از عزت تو بعزیزترین آن

عزيزة اللهم اني اسألك بعزتك كلها اللهم اني اسألك من مشيتك

عزیز است بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بعزت تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو از خواست تو

بِاَمْضَاهَا وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا

بروان تر آن و هر خواهش تو روان است خداوندا بدرستیکه من مطلبم از تو بمشیت تو بهر همه

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِهَا عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ

بارخدایا بدرستیکه من مطلبم از توانائی تو بتوانائی که استیلا داری بسبب آن بر هر چیزی و هر توانائی تو

مُسْتَطِيلَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي

مستولیست بارخدایا بدرستیکه من مطلبم از تو بتوانائی تو بهمه آنها خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه حکم کردی

فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نَافِذٌ

پس مستجاب کن برای من چنانکه وعده کرده مرا بارخدایا بدرستیکه من مطلبم از تو از دانش تو بروان ترین آن و هر دانش تو روان است

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضَاهُ وَكُلُّ

خداوندا بدرستیکه من مطلبم از تو بعلم تو بهر علمی بارخدایا بدرستیکه من مطلبم از تو از گفتار تو بپسندیده ترین آن و هر

قَوْلِكَ رَضِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ

گفتار تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه من مطلبم از تو بگفتار تو بهمه آن بارخدایا بدرستیکه من میخواهم از تو از سوالهای تو

بِاَحَبِّهَا اِلَيْكَ وَكُلُّ مَسَائِلِكَ حَبِيبَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا

بدوست ترین آنها بسوی تو و هر یک از سوالهای تو دوست داشته شده است خداوندا بدرستیکه من مطلبم از تو بسوالهای تو بهمه آنها

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

بارخدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کرده مرا پس بپذیر برای من چنانکه وعده کرده مرا بارخدایا بدرستیکه من مطلبم

مِنْ شَرَفِكَ بِاَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

از بزرگی تو به بزرگتر آن و هر بزرگی تو بزرگ است خداوندا بدرستیکه من مطلبم از تو به بزرگی تو بهمه آن بارخدایا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِاَدْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

مطلبم از تو از سلطنت تو بهمیشه ترین آن و هر سلطنتی از تو همیشه است خداوندا بدرستیکه من مطلبم از تو

بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِاَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاخِرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

بسلطنت تو بهمه آن بارخدایا بدرستیکه من مطلبم از تو از ملک تو به بزرگترین آن و هر ملکی بزرگ است بارخدایا بدرستیکه

كله اللهم اني اسألك من عطائك باهنئه وكل عطائك هني

همه آن بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از بخشش تو گواراتر آن و همه بخشش تو گوارا است

اللهم اني اسألك بعطائك كله اللهم اني اسألك من خيرك

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو به بخشش تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از خیر تو

باعجله وكل خيرك عاجل اللهم اني اسألك بخيرك كله اللهم

بشتابنده تر آن و همه خیر تو شتابنده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بخیر تو همه آن خداوندا

اني اسألك من فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم اني

بدرستیکه من سوال میکنم ترا از احسان تو به بهتر آن هر احسان تو بهتر است خداوندا بدرستیکه من

اسألك بفضلك كله اللهم اني ادعوك كما

سوال میکنم از تو باحسان تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم صل على محمد

امر کردی مرا پس بپذیر برای من چنانکه وعده کردی با من خداوندا درود بفرست بر محمد

وآل محمد وابعثني على الايمان بك والتصديق برسولك عليه وآ

و آل محمد و برانگیز مرا بر ایمان بخود و به تصدیق به پیغمبر خود بر او و

له السلام والولاية لعلي بن ابي طالب والبراءة من عدوه والائتمام

آل او سلام باد و برانگیز مرا بر دوستی علی ابن ابی طالب و بیزاری از دشمن او و پیروی

بالائمة من آل محمد عليهم السلام فاني قد رضيت بذلك يا رب

با امامان از آل محمد بر آنها سلام باد پس بدرستیکه من بتحقیق راضی شدم باین ای پروردگار من

اللهم صل على محمد عبدك ورسولك في الاولين وصل على محمد

خداوندا درود بفرست بر محمد بنده خود و پیغمبر خود در پیشینیان و درود بفرست بر محمد

وآل محمد في الآخرين وصل على محمد وآله في الملأ الاعلى وصل على

و آل محمد در پسینیان و درود بفرست بر محمد و آل او در گروه برتر و درود بفرست

محمد وآل محمد في المرسلين اللهم أعط محمداً الوسيلة والشرف والفضيلة

محمد وآل محمد در فرستادگان بار خدایا بده محمد را وسیله و بزرگی و بزرگواری

والدرجة الكبيرة اللهم صل على محمد وآل محمد وقنعني بما رزقتني وبارك

و درجه بزرگ بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد و قانع گردان مرا بآنچه روزی دادی مرا و برکت ده

لي فيما أعطيتني واحفظني في غيبتي وفي كل غائب هو لي اللهم صل على محمد

مرا در چیزی که بخشیده بمن و نگاهدار مرا در غیبت من و در هر غایبی که آن از برای منست خداوندا درود بفرست بر محمد

وآل محمد واسألك خير الخير رضوانك والجنة وأعوذ بك من شر الشر

و آل محمد و سوال میکنم از تو بهتر بهتری که خوشنودی تست و بهشت و پناه میبرم بتو از بدتر بدتر

سخطك والنار اللهم صل على محمد وآل محمد واحفظني من كل

که غضب تست و آتش و دوزخ بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد و نگاهدار مرا از هر

مصيبة ومن كل بلية ومن كل عقوبة ومن كل فتنة ومن كل بلاء ومن

مصیبتی و از هر بلایی و از هر پاداشی و از هر آزمایشی و از هر ناخوشی و از

كل شر ومن كل مكروه ومن كل مصيبة ومن كل آفة نزلت أو تنزل من

هر آفتی و از هر مکروهی و از هر مصیبتی و از هر آفتی که فرود آمده یا فرود آید از

السماء إلى الأرض في هذه الساعة وفي كل ساعة وفي هذه الليلة وفي هذا

آسمان بسوی زمین درین ساعت و در هر ساعتی و درین شب و درین

اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لي من

روز و درین ماه و درین سال خداوندا درود بفرست بر محمد و آل محمد و قسمت کن مرا از

كل سرور ومن كل بهجة ومن كل استقامة ومن كل فرج ومن كل

هر شادی و از هر خوشنودی و از هر پایداری و راستی و از هر گشایشی و از هر

عافية ومن كل سلامة ومن كل كرامة ومن كل رزق واسع حلال

عافیتی و از هر سلامتی و از هر کرامتی و از هر روزی فراخ حلال

طيّبٍ و من كلّ نعمةٍ و من كلّ سعةٍ نزلت و تنزل من السّماء الى
پاک و از هر نعمتی و از هر گشایشی که فرود آمده و فرود آید از آسمان بسوی

الارض و في هذه السّاعة و في هذه اللّيلة و في هذا اليوم و في هذا
زمین و درین ساعت و درین شب و درین روز و درین

الشّهر و في هذه السّنة اللّهمّ ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي عندك
ماه و درین سال بار خدایا اگر باشد گناهان من کهنه کرده باشد روی مرا نزد تو

و حالت بيني و بينك و غيّرت حالي عندك فانّي اسألك بنور وجهك الّذي
و حائل شده باشد میان ما و میان تو و تغییر داده است حال مرا نزد تو پس بدرستیکه من سوال میکنم ترا بنور روی تو که

لا يطفأ و بوجه محمّدٍ حبيبك المصطفى و بوجه وليّك عليٍّ المرتضى و بحقّ
فرو نشانیده نشود و بروی محمد دوست تو که برگزیده است و بروی ولی تو علی مرتضی و بحق

اوليائك الّذين انتجبتهم ان تصلّي على محمّدٍ و آل محمّدٍ و ان تغفر لي ما مضى
دوستان تو آنانکه برگزیدۀ آنها را اینکه درود بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی مرا آنچه گذشته است

من ذنوبي و ان تعصمني فيما بقي من عمري و اعوذ بك اللّهمّ ان اعود في
از گناهان من و اینکه نگاهداری مرا در آنچه باقی مانده از عمر من و پناه می برم بتو بار خدایا از اینکه باز گردم در

شيءٍ من معاصيك ابداً ما ابقيتني حتّى تتوفّاني و انا لك مطيعٌ و انت عنّي
چیزی از گناهان تو مادام که نگاهداری مرا تا بمیرانی مرا و من مر ترا فرمان بردار باشم و تو از من

راضٍ و ان تختم لي عملي باحسنه و تجعل لي ثوابه الجنّة و ان تفعل بي
خوشنود باشی و اینکه ختم کنی برای من کردار مرا به بهترین آن و بگردانی برای من ثواب آن بهشت را و اینکه بکنی بمن

ما انت اهله يا اهل التّقوى و يا اهل المغفرة صلّ على محمّدٍ و آل محمّدٍ
آنچه تو سزاوار آنی ای سزاوار پرهیزکاری و ای سزاوار آمرزیدن درود بفرست بر محمد و آل محمد

و ارحمني برحمتك يا ارحم الرّاحمين
و ببخشای مرا به بخشایش خود ای بخشنده ترین بخشندگان

بعد از آن هر حاجت که داری از حق تعالی طلب کن که ان شاء الله تعالی بر آورده است مؤلف گوید که خواندن این دعا در روز مباهله انسب است و شیخ طوسی علیه الرحمه نیز در این روز روایت نموده و از روایت مذکوره معلوم میشود که در همه وقت می توان خواند و در دعا اختلافی هست میان روایات و آنچه در اینجا ذکر شده است موافق روایت شیخ است و روایت دیگر را با ترجمه در رساله دیگر ایراد نموده ام و شبیه باین دعا در سحرهای ماه مبارک رمضان و روزهای آن نیز وارد شده است با فضیلت بسیار و از عظیم ترین دعاهاست عمل سوم آنست که شیخ طوسی و دیگران رحمهم الله بسند معتبر از حضرت موسی ابن جعفر صلوات الله علیهما روایت کرده اند که روز مباهله روز بیست و چهارم ماه ذی الحجه است و در این روز آنچه خواهی از نماز بکن و هر دو رکعت نماز که بکنی بعد از آن هفتاد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بگو پس می ایستی و بموضع سجده خود نظر می کنی و این دعا را میخوانی و باید که با غسل باشی و بروایت دیگر فرمود که روز بیست و چهارم روز مباهله است باید که این روز را روزه بداری برای شکر حق تعالی برین نعمت عظمی و غسل کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و آنچه توانی از بوی خوش خود را خوشبو کن و باید که با آرام دل و آرام تن باشی و اگر در یکی از مشاهد مشرفه باشی نزد آن ضریح مقدس حاضر شوی و الا بجای خلوتی بروی یا بر کوه بلندی بر آئی یا بصحرائی بروی و باید که از منزل خود بیرون رود و غسل کند و بهترین جامه های خود را بپوشد و چون بمحل دعا خواندن داخل شود دو رکعت نماز بکند با آداب و شرائط و بعد از سلام هفتاد مرتبه استغفار کند پس بایستد و بجانب آسمان نظر کند و این دعا را بخواند و بعد از آن فرمود که پس هر دعائیکه خواهی بکن بار دو رکعت نماز بکن و دعا بکن و دعا این است

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان است سپاس مر خدا را که پیدا کننده آسمانها و زمین است سپاس مر خدا را که

لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ

مر او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است سپاس مر خدا را که آفرید آسمانها و زمین را

وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون الحمد لله الذي

وپیدا کرد تاریکیها را و روشنی را پس آنانکه کافر شدند به پروردگار خود شریک میسازند سپاس خدایرا

عرّفني ما كنت به جاهلا ولولا تعريفه اياي كنت هالكا اذ قال

شناسانید مرا آنچه بودم به آن نادان و اگر نبود شناسانیدن خدا مرا هر آینه بودم هلاک شونده که گفت

وقوله الحق قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى فبين لي

وسخن او راست است که بگو ای محمد که نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت مزدی مگر دوستی در باره خویشان

القرابة وقال سبحانه انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت

خویشی را و گفت خدای سبحانه جز این نیست که میخواهد خدا تا ببرد از شما پلیدی را ای اهل بیت

ويطهركم تطهيرا فبين لي اهل البيت بعد القرابة ثم قال تعالى

و پاک کند شما را پاک کردنی پس ظاهر ساخت برای من اهل بیت را پس از بیان قرابت پس گفت

مبينا عن الصادقين الذين امرنا بالكون معهم والرد اليهم بقوله

بیان کنان از راستگویان آنانکه امر کرد ما را ببودن با ایشان و رجوع بسوی ایشان بقول خود

سبحانه يا ايها الذين امنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين

سبحانه که ای آنانکه ایمان آورده اند بترسید از خدا و باشید با راستگویان

فاوضح عنهم وابان عن صفتهم بقوله جل ثناؤه فقل تعالوا ندع

پس واضح کرد از ایشان و آشکار کرد از صفت ایشان بقول خود بزرگست ثنا او پس بگو ای محمد بیائید بخوانیم

ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل

پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را و نفسهای خود را و نفسهای شما را پس زاری کنیم

فنجعل لعنة الله على الكاذبين فلك الشكر يا رب ولك المن حيث

پس گردانیم لعنت خدا بر دروغگویان پس مر تراست شکر ای پروردگار و مر تراست منت

هديتني وارشدتني حتى لم يخف علي الاهل والبيت والقرابة

که راه نمودی مرا و دلالت براه راست کردی مرا تا پوشیده نماند بر من اهل خانه و خویشان پیغمبر خدا

فعرفتني نساءهم واولادهم ورجالهم اللهم اني اتقرب اليك بذلك

پس شناسانیدی مرا زنان ایشان را و فرزندان ایشان را و مردان ایشان را بار خدایا بدرستیکه من تقرب میجویم بسوی تو

المقام الذي لا يكون اعظم منه فضلا للمؤمنين ولا اكثر رحمة

مقامی که نمی شد بزرگتر از آن از روی فضل برای مومنان و نه بیشتر از آن از روی رحمت

لهم تعرفك اياهم شانه وابانتك فضل اهله الذين هم ادحضت

برای ایشان بشناسانیدن تو ایشان را شان آن مقام را و آشکار کردن تو فضیلت اهل آن را آنانکه بسبب ایشان باطل

باطل عدائك وثبتت بهم قواعد دينك ولولا هذا المقام المحمود

باطل دشمنان خود را و ثابت گردانیدی بایشان ستونهای دین خود را و اگر نمی بود این مقام ستوده

الذي انقذتنا به ودللتنا على اتباع المحقين من اهل بيت نبيك

که خلاص کردی ما را بآن و راه نمودی ما را بپیروی صاحبان حق از اهل بیت پیغمبر خود

الصادقين عنك الذين عصمتهم من لغو المقال ومدانس الافعال

که راستگو باشند از جانب تو آنانکه نگاه داشتی ایشان را از بیهوده گفتار و ناپاکیهای کردار

لخصم اهل الاسلام وظهرت كلمة اهل الالحاد وفعل اولي

هر آینه خصومت کرده شدندی اهل اسلام و ظاهر شدی سخن اهل الحاد و کردار صاحبان

العناد فلك الحمد ولك المن ولك الشكر على نعمائك واياديك

دشمنی پس مر تراست سپاس و مر تراست منت و مر تراست شکر بر نعمتهای تو و عطاهای تو

اللهم فصل على محمد وآل محمد الذين افترضت علينا طاعتهم

بار خدایا پس درود فرست بر محمد و آل محمد آنانکه فرض کردی بر ما فرمانبرداری ایشان را

وعقدت في رقابنا ولايتهم واكرمتنا بمعرفتهم وشرفتنا

و بستی در گردنهای ما دوستی ایشان را و گرامی کردی ما را بشناختن ایشان و شرافت دادی ما را

باتباع آثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذي عرفوناه فاعنا على

به پیروی روشهای ایشان و ثابت داشتی ما را بسخن پایدار ایشان که شناسانیدند ما را آن سخن را

الا جزيا بما بصّرتناه واجز محمداً عنا افضل الجزاء بما نصح لخلقك و

بذل وسعه في ابلاغ رسالاتك وخاطر بنفسه في اقامة دينك

وصرف کرده استطاعت خود را در رسانیدن پیامهای تو و در خطر انداخته جان خود را در برپا داشتن دین تو

وعلى اخيه ووصيه والهادي من بعده الى دينه والمقيم

و بر برادر او و وصی او و ره نمای از پس او بسوی دین او قائم دارنده

سنته على امير المؤمنين صلوات الله عليه وصل على الائمة من

طریقه او علی امیر مومنان درودهای خدا بر او و درود بر امامان از

ابنائه الصادقين الذين وصلت طاعتهم بطاعتك وادخلنا بشفاعتهم

اولاد او که راستگویانند آنانکه پیوند کردی طاعت آنها را بطاعت خود و داخل کن ما را بشفاعت ایشان

دار الكرامة يا ارحم الراحمين اللهم هؤلاء اصحاب الكساء والعباء

در خانه کرامت ای مهربان ترین مهربانان بار خدایا اینها مذکور شدند صاحبان گلیم و عبا اند

يوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا واسألك بحق ذلك المقام

در روز مباهله خداوندا بگردان ایشان را شفاعت کننده ما و میطلبم از تو بحق آن مقام

المحمود واليوم المشهود ان تغفر لي وتتوب علي انك انت التواب

ستوده و روز حاضر شده اینکه بیامرزی مرا و بپذیری توبه مرا بدرستیکه توئی بسیار پذیرنده توبه

الرحيم اللهم اني اشهد ان ارواحهم وطينتهم واحدة وهي الشجرة

مهربان بار خدایا بدرستیکه من گواهی میدهم باینکه ارواح ایشان و طینت ایشان یکی است و آن درختی است

التي طاب اصلها وفرعها واغصانها واوراقها اللهم ارحمنا

که پاک است بیخ آن و شاخ کلان آن و شاخهای کوچک آن و برگهای آن خدایا ...

بحقهم واجرنا من مواقف الخزي في الدنيا والاخرة بولايتهم

بحق ایشان و پناه ده ما را از جاهای رسوائی در دنیا و آخرت بدوستی ایشان

وَاَوْرِدْنَا مَوْرِدَ الْاَمْنِ مِنْ اَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ بِحُبِّهِمْ وَاِقْرَارِنَا بِفَضْلِهِمْ

و فرود آر ما را بجاهای امن از ترسهای روز قیامت بدوستی ایشان و باقرار ما بزرگی ایشان

وَاتِّبَاعِنَا اٰثَارَهُمْ وَاهْتِدَائِنَا بِهُدَاهُمْ وَاعْتِقَادِنَا مَا عَرَّفُونَاهُ مِنْ تَوْحِيدِكَ

و به پیروی ما اثرهای ایشان را و براه یافتن ما برهنمائی ایشان و باعتقاد ما بآنچه شناسانیدند ایشان ما را

وَوَقَّفُونَا عَلَيْهِ مِنْ تَعْظِيمِ شَاْنِكَ وَتَقْدِيسِ اَسْمَائِكَ وَشُكْرِ اٰلَائِكَ

و واقف کردانیدند ما را بران از تعظیم شان تو و پاک کردانیدن نامهای تو و سپاس نعمتهای تو

وَنَفْيِ الصِّفَاتِ اَنْ تَحُلَّكَ وَالْعِلْمِ اَنْ يُحِيطَ بِكَ وَالْوَهْمِ اَنْ يَقَعَ عَلَيْكَ

و نفی صفتها از اینکه حلول نماید در تو و نفی علم از اینکه احاطه نماید بتو و نفی وهم از اینکه واقع شود بر تو

فَاِنَّكَ اَقَمْتَهُمْ حُجَجًا عَلٰى خَلْقِكَ وَدَلَائِلَ عَلٰى تَوْحِيدِكَ وَهُدَاةً تُنَبِّهُ

پس بدرستیکه تو قائم کردانیدی ایشان را حجتها بر خلق خود و دلیلها بر یکانگی خود و راه نمایان که اگاه می نمایند

عَلٰى اَمْرِكَ وَتَهْدِي اِلٰى دِينِكَ وَتُوَضِّحُ مَا اَشْكَلَ عَلٰى عِبَادِكَ وَ

بر امر تو و هدایت می نمایند بسوی دین تو و روشن مینمایند آنچه مشتبه شود بر بندهای تو و

بَابًا لِلْمُعْجِزَاتِ الَّتِي يَعْجِزُ عَنْهَا غَيْرُكَ وَبِهَا تَبِينُ حُجَّتُكَ وَتَدْعُو اِلٰى

دری از برای معجزات آنچنانکه عاجز می شود از آن غیر تو و بآن آشکار می شود حجت تو و میخوانند بسوی

تَعْظِيمِ السَّفِيرِ بَيْنَكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ وَاَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ عَلَيْهِمْ حَيْثُ

بزرگی سفیر میان تو و میان خلق تو و توئی احسان کننده بر ایشان از انجا که

قَرَّبْتَهُمْ مِنْ مَلَكُوتِكَ وَاخْتَصَصْتَهُمْ بِسِرِّكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ لِوَحْيِكَ

نزدیک کردی ایشان را بپادشاهی خود و خاص کردانیدی ایشان را براز خود و برگزیدی ایشان را برای وحی خود

وَاَوْرَثْتَهُمْ غَوَامِضَ تَاْوِيلِكَ رَحْمَةً بِخَلْقِكَ وَلُطْفًا بِعِبَادِكَ وَ

و وارث کردی ایشان را تاویلهای پوشیده خود جهت مهربانی بر خلق خود و لطف بر بندهای خود و

حَنَانًا عَلٰى بَرِيَّتِكَ وَعِلْمًا بِمَا تَنْطَوِي عَلَيْهِ ضَمَائِرُ اُمَنَائِكَ وَمَا يَكُونُ

و مهربانی بر آفریدگان خود و جهت دانائی خود بچیزیکه محیط است بران ضمیرهای امینان تو و آنچه می باشد

مِنْ شَانِئِ صَفْوَتِكَ وَطَهَّرْتَهُمْ فِي مُنْشَئِهِمْ وَمُبْتَدَئِهِمْ وَحَرَسْتَهُمْ

مِنْ نَفْثِ نَافِثٍ إِلَيْهِمْ وَأَرَيْتَهُمْ بُرْهَاناً عَلَى مَنْ عَرَضَ بِسُوءٍ لَهُمْ فَاسْتَجَابُوا

لِأَمْرِكَ وَشَغَلُوا أَنْفُسَهُمْ بِطَاعَتِكَ وَمَلَئُوا أَجْزَاءَهُمْ مِنْ ذِكْرِكَ وَعَمَرُوا

قُلُوبَهُمْ بِتَعْظِيمِ أَمْرِكَ وَجَزَّءُوا أَوْقَاتَهُمْ فِيمَا يُرْضِيكَ وَأَخْلَوْا دَخَائِلَهُمْ

مِنْ مَعَارِيضِ الْخَطَرَاتِ الشَّاغِلَةِ عَنْكَ فَجَعَلْتَ قُلُوبَهُمْ مَكَامِنَ

لِإِرَادَتِكَ وَعُقُولَهُمْ مَنَاصِبَ لِأَمْرِكَ وَنَهْيِكَ وَأَلْسِنَتَهُمْ تَرَاجِمَةً

لِسُنَّتِكَ ثُمَّ أَكْرَمْتَهُمْ بِنُورِكَ حَتَّى فَضَّلْتَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَهْلِ زَمَانِهِمْ وَ

الْأَقْرَبِينَ إِلَيْهِمْ فَخَصَصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَأَنْزَلْتَ إِلَيْهِمْ كِتَابَكَ وَ

أَمَرْتَنَا بِالتَّمَسُّكِ بِهِ وَالرَّدِّ إِلَيْهِمْ وَالِاسْتِنْبَاطِ مِنْهُمْ اللَّهُمَّ فَإِنَّا

قَدْ تَمَسَّكْنَا بِكِتَابِكَ وَبِعِتْرَةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمُ الَّذِينَ أَقَمْتَهُمْ

لَنَا دَلِيلاً وَعَلَماً وَأَمَرْتَنَا بِاتِّبَاعِهِمْ اللَّهُمَّ فَإِنَّا قَدْ تَمَسَّكْنَا بِهِمْ

فَارْزُقْنَا شَفَاعَتَهُمْ حِينَ يَقُولُ الْخَائِبُونَ فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ

پس روزی کن ما را شفاعت ایشان هنگامی که گویند نا امید شدگان نیست برای ما از شفاعت کنندگان و نه دوست

حَمِيمٍ وَاجْعَلْنَا مِنَ الصَّادِقِينَ الْمُصَدِّقِينَ لَهُمُ الْمُنْتَظِرِينَ لِأَيَّامِهِمُ النَّاظِرِينَ

خالص و بگردان ما را از راستگویان و تصدیق کنندگان مر ایشان را آنانکه منتظرند مر ایام دولت ایشان را

إِلَى شَفَاعَتِهِمْ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

بجانب شفاعت ایشان گمراه مگردان ما را بعد از آنکه راه نمودی ما را و ببخش ما را از جانب خود رحمتی

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ

بدرستیکه توئی بسیار بخشنده مستجاب کن دعای ما ای پروردگار عالمیان خدایا درود و رحمت بفرست بر محمد پیغمبر خود

وَعَلَى أَخِيهِ وَصِنْوِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقِبْلَةِ الْعَارِفِينَ وَعَلَمِ الْمُهْتَدِينَ

و بر برادر او و خویش او امیر مومنان و پیشوای عارفان و نشان راه یافتگان

وَثَانِي الْخَمْسَةِ الْمَيَامِينِ الَّذِينَ فَخَرَ بِهِمُ الرُّوحُ الْأَمِينُ وَبَاهَلَ اللَّهُ بِهِمُ

و دوم پنجتن صاحب یمن آنانکه افتخار نموده بایشان جبرئیل امین و مباهله فرموده خدا بایشان

الْمُبَاهِلِينَ فَقَالَ وَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا

پنج کس با مباهله کنندگان پس گفت خدا و اوست راستگوترین گویندگان پس کسیکه خصومت و جدل نماید با تو بعد از آنکه

جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ

آمد ترا از علم پس بگو که بیائید تا بخوانیم پسران خود را و پسران شما و زنان خود را و زنان شما را

وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ذَلِكَ الْإِمَامُ

و نزدیکان خود را و نزدیکان شما را پس مباهله نمائیم پس بگردانیم لعنت خدا بر دروغگویان آن امامیکه

الْمَخْصُوصُ بِمُوَاخَاتِهِ يَوْمَ الْإِخَاءِ وَالْمُؤْثِرُ بِالْقُوتِ بَعْدَ ضُرِّ

مخصوص است به برادری آنحضرت روز برادر خواندگی و ایثار کننده غذا را بتوشه بعد ضرر

الطَّوَى وَمَنْ شَكَرَ اللَّهُ سَعْيَهُ فِي هَلْ أَتَى وَمَنْ شَهِدَ بِفَضْلِهِ مُعَادُوهُ

گرسنگی و کسیکه ستایش نمود خدا کوشش او را در سوره هل اتی و کسیکه گواهی داده اند به بزرگی او دشمنان او

وَاَقَرَّ بِمَنَاقِبِهِ جَاحِدُهُ مُوَلِّی الْاَنَامِ وَمُکَسِّرِ الْاَصْنَامِ وَمَنْ لَمْ یَاْخُذْهُ

و اقرار کردند بخوبیهای او منکران او خداوند خلائق و شکننده بتان و کسیکه نگرفت اورا

فِی اللهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ مَا طَلَعَتْ شَمْسُ النَّهَارِ وَاَوْرَقَتِ

در راه خدا سرزنش سرزنش کننده درود فرستد خدا بر او و آل او مادامیکه طلوع کند آفتاب روز و برگ برآرند

الْاَشْجَارُ وَعَلَی النُّجُومِ الْمُشْرِقَاتِ مِنْ عِتْرَتِهِ وَالْحُجَجِ الْوَاضِحَاتِ مِنْ ذُرِّیَّتِهِ

درختان و درود فرستد خدا بر ستارگان درخشان از فرزندان او و حجت های روشن از ذریت او

و این دعا بحسب سند و متن اصح ادعیه است و دیگر از ایام متبرکه روز بیست و پنجم است و مشهور است

که درین روز سوره کریمه هل اتی در شان حضرت امیر المومنین و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین

صلوات الله علیهم نازل شده بسبب آنکه حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند و حضرت رسول

صلی الله علیه و آله بعیادت ایشان رفت و امر فرمود که حضرت امیر و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام

نذر کردند که اگر خدا ایشان را عافیت دهد سه روز روزه بگیرند و چون خدا عافیت کرامت فرمود آن

چهار بزرگوار با فضه خادمه ایشان روزه گرفتند و نداشتند چیزی که بآن افطار نمایند پس حضرت

امیر المومنین علیه السلام قدری پشم از شمعون یهودی گرفت باسه صاع از جو که حضرت فاطمه صلوات

الله علیها سه روز ثلث آن پشم را بریسد و یک صاع از آن جو بمزد خود بردارد پس در روز اول حضرت

فاطمه علیها السلام قدر ثلث آن پشم را گرفت و رشت و بمزد آن صاعی از جو برداشت و آرد

کرد و پنج گرده نان پخت و چون حضرت امیر با حضرت رسول صلعم نماز شام کرد و بخانه برگشت حضرت فاطمه

علیها السلام پنج گرده نان را حاضر کرد خواستند افطار نمایند مسکینی بر در خانه ندا کرد که

السلام علیکم ای اهل بیت محمد من مسکینی ام از مساکین مسلمانان مرا طعام دهید تا خدا شما را

از مائده های بهشت طعام دهد پس حضرت امیر المومنین علیه السلام ابتدا کرد و فرمود که من نان خود

بدهم و سایر اهل بیت علیهم السلام با فضه با آنحضرت موافقت کردند و نانها همه را بسایل دادند

و بآب افطار کردند و روز دیگر را روزه داشتند و باز حضرت فاطمه علیها السلام بمزد رشتن

یک ثلث دیگر از پشم یک صاع دیگر را برداشت آرد کرد و نان پخت و چون خواستند افطار

کنند سائلی بر در خانه آمد و ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من یتیمی ام از اولاد مهاجرین
و پدرم در روز عقبه شهید شده است مرا طعام دهید تا خدا شما را از خوانهای بهشت طعام دهد حضرت
امیر مومنان اول نان خود را داد و بعد از ان فاطمه نیز و بعد از ان دو گوشواره عرش خدا و بعد از ان
فضه سعادتمند همگی نانهای خود را به یتیم دادند و با آب افطار نمودند و در روز سوم روزه داشتند و با
حضرت سیدة النساء در روز سوم بقیه پشم را رشت و بقیه جو را گرفت و در آسیا خرد کرد
و با پنج کرده نان پخت و چون حضرت امیر کبیر از نماز برگشت و حضرت فاطمه طعام را حاضر
ساخت که افطار نمایند ناگاه اسیری از اسیران کافران ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد
ما را اسیر می کنید و می بندید و طعام نمی دهید که بخوریم پس خوشبهای سابق همه گردهای نان را بسائل
دادند و آب بجهت افطار نمودند چون صبح شد خداوند عالمیان سوره کریمه هل اتی را در شان
ایشان فرستاد و در آن سوره اشاره باین قصه نمود که یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا
كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا
إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا إِنَّا
نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا یعنی وفا می کنند بنذر و می ترسند از روزیکه
شر آن اکثر خلق را فرا گرفته است و می خورانند طعام را با خواهش و محبت آن یا از برای محض
محبت خدا بمسکین و یتیم و اسیر و می گویند یعنی در دل خود و نیت ایشان است که ما طعام میدهیم
شما را مگر از برای رضای خدا نمی خواهیم از شما جزا و نه پاداشی و نه شکر و ثنایی ما می ترسیم از روز
قیامت که در نهایت شدت و هول است و چون در روز چهارم که بیست و پنجم ماه ذی الحجه
بود سوره هل اتی در مدح ایشان نازل شد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بخانه اهل بیت
علیهم السلام آمد و ایشان را با آن شدت گرسنگی و آن حالت غریب مشاهده نمود و گریست
و فرمود این چه حالتست که در شما مشاهده می نمایم و امام حسن و امام حسین علیهما السلام را دید
از نقاهت بیماری و گرسنگی مانند جوجه که از تخم بیرون آید می لرزند و حضرت فاطمه علیها السلام
در محراب عبادت ایستاده بود و از گرسنگی شکم مبارکش به پشت چسبیده بود و چشمهایش فرو رفته بود

چون از نماز فارغ شد حق تعالی خوانی از بهشت برای فاطمه فرستاد که دران کاسه بود و در کوزه
ثرید گرم دران میان بود که می جوشید بوی بهتر از بوی مشک ازان ساطع بود پس حضرت
فاطمه علیها السلام آن خوان را نزد رسول صلی الله علیه و آله و سلم آورد حضرت فرمود ای
فاطمه این از کجا آوردی گفت از جانب خدا آمده است خدا هر که را خواهد روزی میدهد بی حساب
حضرت فرمود الحمد لله که از دنیا نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر عیسی دیدم پس
ازان تناول فرمودند و تا هفت روز ازان میخوردند و آخر طی شد و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که آن کاسه در دست حضرت صاحب الامر است و ظاهر خواهد کرد و طعام بهشت ازان تناول خواهد
نمود و سنیان نیز این روایت را با نزول مائده بطرق بسیار نقل کرده اند و تفصیل این
قصه را در سایر کتب ذکر کرده ام پس مناسب است که شیعیان اهل بیت علیهم السلام درین ایام تاسی
نمایند بموالی خود در تصدق کردن بر مساکین و یتیمان و سعی نمایند در اطعام ایشان و شیخ
مفید علیه الرحمه گفته است که مستحب است که این روز را روزه بدارند برای شکر نعمت نزول
سوره هل اتی در شان آل عبا علیهم السلام و ایضا مناسب است غسل زیارت و زیارت ائمه
علیهم السلام و زیارت جامعه خواندن درین روز مناسب است و چون بعضی از علما این
روز را روز مباهله میدانند دعای مباهله را نیز درین روز خواندن خوب است و روز بیست و ششم
بنا بر مشهور عمر علیه اللعنة را خنجر زده اند و باین سبب نهایت برکت دارد و در روز
بیست و هفتم مروان که آخر خلفای بنی امیه است بجهنم واصل شد و دولت ملعونه بنی امیه
برطرف شد پس درین روز شکر این نعمت را باید کرد و بعضی گفته اند که حضرت امام علی
علیه السلام درین روز متولد شده است و روز بیست و نهم بنا بر مشهور عمر ملعون باسفل درک
سقر منتقل شده است و باین سبب فضیلت عظیم دارد و در روز آخر ذی الحجه که آخر
آخر سال عرب است روایت کرده اند که سنت است که دو رکعت نماز بجا آورند
و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی
بخوانند و بعد از سلام این دعا بخوانند

اللهم ما عملت فی هذه السنة من عمل نهیتنی عنه ولم ترضه ونسیته
خداوندا آنچه کردم درین سال از عملی که نهی کرده مرا از آن و راضی نیستی بآن و فراموش کردم
ولم تنسه ودعوتنی الی التوبة بعد اجترائی علیک اللهم فانی
و تو فراموش نکردی و خواندی مرا بسوی توبه پس از جرأت کردن من بتو بار خدایا پس بدرستیکه من
استغفرک منه فاغفر لی اللهم وما عملت من عمل یقربنی الیک
طلب آمرزش میکنم از تو از آن پس بیامرز مرا بار خدایا و آنچه کردم از عملی که نزدیک گرداند مرا بسوی تو
فاقبله منی ولا تقطع رجائی منک یا کریم یا ارحم الراحمین
پس قبول کن آن را از من و قطع مکن امید مرا از خود ای خداوند کریم ای بخشنده ترین بخشندگان

باب ششم

اعمال ماه محرم است و در آن سه فصل است فصل اول در اعمال شب اول محرم است از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز اول محرم دو رکعت نماز میکردند و چون از نماز فارغ میشدند دست بدعا برمیداشتند و این دعا را سه مرتبه میخواندند

اللهم انت الاله القدیم وهذه سنة جدیدة فاسئلک فیها
خداوندا توئی خدای قدیم و این سال تو نو است پس درخواست میکنم از تو درین سال
العصمة من الشیطان والقوة علی هذه النفس الامارة بالسوء والاشتغال
نگاه داشتن از شیطان و غلبه و توانائی بر این نفس بسیار امر کننده به بدی و مشغول شدن
بما یقربنی الیک یا کریم یا ذا الجلال والاکرام یا عماد من لا عماد له
بچیزی که نزدیک کند مرا بسوی تو ای کریم ای خداوند بزرگی و اکرام ای ستون کسیکه نیست ستونی از برای او
یا ذخیرة من لا ذخیرة له یا حرز من لا حرز له یا غیاث من لا غیاث
ای ذخیره کسیکه نیست ذخیره مر او را ای پناه کسیکه نیست پناهی مر او را ای فریادرس کسیکه نیست فریادرسی
له یا سند من لا سند له یا کنز من لا کنز له یا حسن البلاء یا عظیم الرجاء
مر او را ای تکیه گاه کسیکه نیست تکیه گاهی مر او را ای گنج کسیکه نیست گنجی مر او را ای آنکه احسان ... بزرگ امید

یا عِزَّ الضُّعَفاءِ یا مُنْقِذَ الْغَرْقی یا مُنْجِیَ الْهَلْکی یا مُنْعِمُ یا مُجْمِلُ یا مُفْضِلُ

ای غالب کننده ضعیفان ای رهاننده غرق شدگان ای نجات دهنده هلاک شدگان ای نعمت دهنده ای نیکی کننده

یا مُحْسِنُ اَنْتَ الَّذی سَجَدَ لَکَ سَوادُ اللَّیْلِ وَ نُورُ النَّهارِ وَ ضَوْءُ الْقَمَرِ

ای احسان کننده توئی آنکسیکه سجده کرد مر ترا سیاهی شب و روشنی روز و فروغ ماه

وَ شُعاعُ الشَّمْسِ وَ دَوِیُّ الْماءِ وَ حَفیفُ الشَّجَرِ یا اَللهُ لا شَریکَ لَکَ اَللّهُمَّ

و پرتو آفتاب و آواز جریان آب و آواز حرکت درخت ای خدا نیست شریکی مر ترا بار خدایا

اجْعَلْنا خَیْراً مِمّا یَظُنُّونَ وَ اغْفِرْ لَنا ما لا یَعْلَمُونَ وَ لا تُؤاخِذْنا

بگردان ما را بهتر از آنچه گمان میبرند و بیامرز ما را آنچه نمیدانند و مواخذه مکن ما را

بِما یَقُولُونَ حَسْبِیَ اللهُ لا اِلهَ اِلاّ هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ

بآنچه میگویند کافی است مرا خدائی که نیست معبودی بحق جز او بر او توکل نمودم و او پروردگار عرش بزرگ است

آمَنّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا وَ ما یَذَّکَّرُ اِلاّ اُولُوا الْاَلْبابِ رَبَّنا لا تُزِغْ

ایمان آوردیم ما باو همه چیز از نزد پروردگار ما است و پند نمی پذیرند مگر خداوندان عقول ای پروردگار ما مگردان

قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً اِنَّکَ اَنْتَ الْوَهّابُ

دلهای ما بعد از آنکه راه نمودی تو ما را و ببخش ما را از جانب خود رحمتی بدرستیکه توئی بسیار بخشنده

و چون حضرت سید الشهدا صلوات الله علیه در دهم این ماه بسعادت شهادت فائز گردید
در اکثر این دهه محزون و غمگین بودند و اخبار موحشه بایشان میرسید باید که شیعیان ایشان در جمیع
این ده روز بلوازم تعزیت آنحضرت قیام نمایند و محزون و اندوهناک باشند و اخبار و
احادیثی که مشتمل بر ذکر مصائب ایشان باشد بخوانند و بعضی از علما گفته اند که ترک بعضی لذتها
بکنند و از حضرت امام رضا منقول است که ماه محرم ماهی بود که کافران در این ماه جنگ کردن
را حرام میدانستند و منافقان این امت درین ماه خون ما را حلال دانستند و جنگ کردند
با ما کردند و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و آتش در خیمه های ما زدند و اموال و اسباب
ما را غارت کردند و حرمت حضرت رسالت پناه صلعم را در باب ما رعایت نکردند

بدرستیکه مصیبت امام حسین چشمهای ما را مجروح گردانید و آب دیده های ما را جاری ساخت و عزیزان ما را ذلیل گردانید و واقعهٔ کرب و بلا برای ما مهیا کرد تا روز قیامت پس باید که بر مصیبت آنحضرت گریه کنندگان گریه کنند بدرستیکه گریه بر آنحضرت گناهان بزرگ را برطرف میکند پس فرمود که پدرم حضرت امام موسی علیه السلام چون ماه محرم داخل میشد کسی آنحضرت را خندان نمیدید و اثر حزن و اندوه بر آنحضرت ظاهر میشد در مجموع دهه اول ماه چون روز دهم میشد روز مصیبت و گریه و اندوه او بود و می گفت امروز روز شهادت امام حسین علیه السلام است و در حدیث دیگر فرمود که چون جدم حسین شهید شد آسمان خون و خاک سرخ بارید اگر بر آنحضرت آنقدر گریه کنی که آب دیده بر روی تو جاری گردد حق تعالی جمیع گناهان کوچک و بزرگ ترا بیامرزد پس فرمود که اگر خواهی که چون بمیری هیچ گناهی تو نباشد زیارت کن امام حسین علیه السلام را اگر خواهی که در غرفه های بهشت با حضرت رسول و آل او باشی لعنت کن قاتلان حسین علیه السلام را و اگر خواهی که ثواب شهیدان کربلا داشته باشی هر وقت که مصیبت آنحضرت را بیاد آوری بگو

یَا لَیْتَنِی کُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِیمًا یعنی ای کاشکی می بودم با ایشان پس بدرستیکه رستگاری یافتم رستگاری بزرگ و اگر خواهی که در درجات عالیه بهشت با ما باشی از برای اندوه ما اندوهناک و از برای شادی ما شاد باش بدانکه روزه روز اول ماه محرم مستحب است و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که در روز اول ماه محرم حضرت زکریا علی نبینا و علیه السلام دعا کرد و از خدا فرزند طلبید حقتعالی دعای او را مستجاب گردانید و حضرت یحیی را باو عطا کرد پس که این روز را روزه بدارد و دعا کند حقتعالی دعای او را مستجاب گرداند چنانکه دعای زکریا را مستجاب کرد و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که روز سوم محرم روز مبارکیست و در این روز حضرت یوسف از چاه بیرون آمد هر که آن روز را روزه دارد حق تعالی کارهای صعب و دشوار او آسان گرداند و بهتر است که روز نهم و دهم را روزه ندارد زیرا که بنی امیه این دو روز را برای برکت و شماتت بقتل آنحضرت روزه میداشتند و احادیث بسیار در فضیلت این دو روز روزه

آنها بحضرت رسول صلی الله علیه و آله بسته اند و از طریق اهل بیت علیهم السلام احادیث بسیار در مذمت روزهٔ این روز خصوصاً گرفتن روزهٔ روز عاشورا وارد شده است و ایضا بنی امیه علیهم اللعنة برای برکت آذوقهٔ سال آن روز عاشورا در خانه ذخیره میکردند لهذا از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که ترک کند سعی در حوایج خود در روز عاشورا و پی کاری نرود حقتعالی حوایج دنیا و آخرت او را برآورد و هر که روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریهٔ او باشد حقتعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و شادی او گرداند و دیدهٔ او در بهشت بما روشن گردد و هر که روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای منزل خود در آن روز چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را بر او مبارک نگرداند و در روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنة محشور گردد پس باید که در روز عاشورا آدمی مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل خانهٔ خود را که تعزیت آنحضرت را بدارند و مشغول ماتم باشند چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود می باشند و در آن روز امساک کند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کند و در آخر روز بعد از عصر افطار کند اگر چه بشربت آبی باشد و روزه تمام ندارد مگر آنکه در خصوص آن روز روزهٔ واجبی داشته باشد که بنذر یا بشبه آن بر او واجب شده باشد که آن روز را باید روزه بگیرد و در آن روز آذوقه در خانه ذخیره نکند و نخندد و مشغول لهو و لعب نگردد و هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت کند بگوید

اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَیْنِ

بارخدایا لعنت کن بر کشندگان حسین ع

و در روایتی وارد شده است از حضرت صادق علیه السلام که هر که در روز عاشورا هزار مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند خداوند رحمن نظر رحمت بسوی او کند و هر که نظر رحمت بسوی او کند هرگز او را عذاب نکند و در شب عاشورا نیز باید که احیا کند بگریه و ناله و حزن برای تأسی بحضرت امام حسین علیه السلام و اصحاب او که در آن شب در صحرای کربلا در میان سی هزار نفر از کافران بی حیا تا صباح احیا کردند بعبادت و نوحه و سیادت

شهادت میکردند فصل دوم در زیارت مشهور آنحضرت است در روز عاشورا و فضیلت
زیارت آنحضرت در شب و روز عاشورا باسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هرکه در شب عاشورا نزد قبر شریف آنحضرت باشد و آنحضرت را زیارت کند در روز قیامت
محشور گردد در حالتی که بخون خود آلوده باشد و چنانست که با شهدای کربلا در میان محشور گردد و هرکه در شب و روز عاشورا
زیارت کند آن حضرت را چنان باشد که در پیش روی آنحضرت شهید شده باشد و بسند
صحیح از آن حضرت منقولست که هرکه حضرت امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت
کند بهشت او را واجب گردد و اما زیارت مشهور شیخ طوسی و ابن قولویه و غیر ایشان رحمهم الله
علیهم روایت کرده اند از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه هر دو از محمد بن اسمعیل و علقمه بن محمد
حضرمی هر دو از مالک جهنی که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هرکه زیارت کند
حضرت امام حسین صلوات الله علیه را در روز دهم محرم تا نزد قبر آنحضرت گریان شود ملاقات
کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار هزار حج و دو هزار هزار عمره و دو هزار هزار جهاد
که هریک را با رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام کرده باشد مالک گفت
فدای تو شوم چه ثوابست برای کسیکه در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد او را رفتن بسوی
آنحضرت فرمود که چون روز عاشورا در آید بیرون رود بسوی صحرا یا بالا رود بر بام بلند
خانهٔ خود و اشاره کند بسوی آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلان
آنحضرت و بعد از آن دو رکعت نماز کند و بکند این کار را در اول روز پیش از پیشین پس
ندبه و نوحه و گریه کند بر حضرت امام حسین علیه السلام و امر کند هرکه را در خانهٔ او هست
و از او تقیه نکند بگریه کردن بر آنحضرت و در خانهٔ مصیبتی بر پا دارد با اظهار جزع بر آنحضرت
و ملاقات کنند بعضی از ایشان بعضی را در خانهای خود بگریه کردن تعزیه گویند بعضی از ایشان
بعضی را بمصیبت آنحضرت پس من ضامنم بر خدا که هرگاه این کار را بکنند حقتعالی جمیع آن ثوابها
با ایشان عطا فرماید مالک گفت تو ضامنی و کفیلی از برای ایشان باین ثواب فرمود
بلی پس میگوید که چگونه یکدیگر را تعزیه گویند فرمود که میگویند

عَظَّمَ اللهُ اُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا وَاِيَّاكُمْ مِنَ

عظیم گرداند خدا مزدهای ما را بسبب مصیبتهای ما که بسبب ماتم امام حسین است بر او باد سلام و بگرداند ما را و شما را از

الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْاِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

طلب کنندگان خون او با دوست او امام مهدی از آل محمد بر ایشان باد سلام

و اگر توانی در آن روز برای هیچ کار از خانه بیرون مرو که آن روز نحسی است که حاجت هیچ مؤمنی
در آن روز بر آورده نمی‌شود و اگر بر آورده شود از برای او مبارک نیست و در آن خیری
و رشدی نخواهد دید و ذخیره مکن از برای منزل خود چیزی که هر که در این روز از برای منزل خود چیزی
ذخیره کند از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است و اهلش که از برای ایشان ذخیره کرده است
مبارک نخواهد بود از برای او پس کسی که چنین کند از برای او نوشته شود ثواب هزار هزار حج و هزار
هزار عمره و هزار هزار جهاد که همه را با رسول خدا صلی الله علیه و آله کرده باشد و از برای او خواهد بود
ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی و صدیقی و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد از وقتیکه خدا دنیا را
خلق کرده است تا روز قیامت علقمة بن محمد گفت که من گفتم بحضرت امام محمد باقر علیه السلام که تعلیم نما مرا
دعائیکه بخوانم در این روز هرگاه که خواهم آنحضرت را زیارت کنم از نزدیک و دعائی که هرگاه از شهرهای
دور خواهم که اشاره کنم بآن حضرت و او را زیارت کنم بخوانم فرمود که ای علقمه هرگاه بجا آوری
دو رکعت را بعد از آن که اشاره کرده باشی بجانب آنحضرت بسلام و گفته باشی بعد
از اشاره و نماز آن قول را که مذکور خواهد شد پس دعا کرده خواهی بود به دعائی که
ملائکه می‌خوانند در وقتیکه زیارت آنحضرت می‌کنند و می‌نویسد خدا برای تو با آن
زیارت هزار هزار حسنه و محو می‌کند از تو هزار هزار گناه و بلند می‌کند از برای تو
هزار هزار درجه و خواهی بود از آنها که شهید شده‌اند با حسین بن علی علیهما السلام تا آنکه
شریک شوی با ایشان در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر از آنها که با آنحضرت شهید شده‌اند
و نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبری و رسولی و ثواب زیارت هر که آنحضرت را زیارت کرده
است از روزی که آنحضرت شهید شده است می‌گوئی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ السَّلَامُ

سلام بر تو باد ای ابا عبد الله سلام بر تو باد ای فرزند پیغمبر خدا سلام

عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو باد ای پسر امیر مومنان و پسر سرور اوصیا سلام بر تو باد

يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ

ای پسر فاطمه زهرا سردار زنان عالمیان سلام بر تو باد ای خون طلب

اللهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ

خدا و پسر خون طلب و کشته که گرفته نشده عوض خون او ای اصحاب کشته که گرفته نشده عوض خون اسلام

بِفِنَائِكَ وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللهِ أَبَدًا مَا بَقِيتُ

اندر صحن خانه تو خوابانیدند شتران در منزل تو شما باد از جانب من همگی را سلام خدا همیشه تا باقی هستم

وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ

و باقی شب و روز ای ابا عبد الله رحمت های خدا و سلام او بر تو باد

لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ

تحقیق که بزرگ شد ماتم و بزرگ شد مصیبت بسبب تو بر ما و بر همه

أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمٰوَاتِ عَلَى جَمِيعِ

اهل اسلام و بزرگ شد و عظیم شد مصیبت تو در آسمانها بر همه

أَهْلِ السَّمٰوَاتِ فَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ

اهل آسمانها پس لعنت کند خدا گروهی را که نهادند بنیاد ستم و جور را بر شما اهل بیت

وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ

و لعنت کند خدا گروهی را که دور کردند شما را از جای شما و انداختند شما را از مرتبه های شما که مرتبه داده بود

اللهُ فِيهَا وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ

خدا در آن مرتبه و لعنت کند خدا گروهی را که شما را کشتند و لعنت کند خدا مهیا کنندگان ایشان را بقدرت دادن

مِن قِتالِكُم وَبَرِئتُ اِلَى اللهِ وَاِلَيكُم مِنهُم وَمِن اَشياعِهِم

از مقاتله شما و بیزار شدم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان و از یاران ایشان و پیروان ایشان

وَاَولِيائِهِم يا اَبا عَبدِاللهِ صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيكَ اِنّي سِلمٌ

و دوستان ایشان ای اباعبدالله رحمت خدا و سلام او بر تو من صلح کننده ام

لِمَن سالَمَكُم وَحَربٌ لِمَن حارَبَكُم اِلى يَومِ القِيمَةِ وَلَعَنَ اللهُ آلَ زِيادٍ

هر کسی را که صلح کند با شما و جنگ کننده ام هر کسی که جنگ کند با شما تا روز قیامت و لعنت کند خدا آل زیاد

وَآلَ مَروانَ وَلَعَنَ اللهُ بَني اُمَيَّةَ قاطِبَةً وَلَعَنَ اللهُ ابنَ مَرجانَةَ وَلَعَنَ

و آل مروان را و لعنت کند خدا بنی امیه را همه آنها را و لعنت کند خدا پسر مرجانه را لعنت کند

اللهُ عُمَرَ بنَ سَعدٍ وَلَعَنَ اللهُ شِمراً وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسرَجَت وَاَلجَمَت

خدا عمر پسر سعد را و لعنت کند خدا شمر را و لعنت کند خدا گروهی را که زین کردند اسبان را و لگام کردند

وَتَنَقَّبَت وَتَهَيَّأَت لِقِتالِكَ بِاَبي اَنتَ وَاُمّي لَقَد عَظُمَ مُصابُكَ

و نقاب بستند و آماده شدند برای جنگ تو فدای تو باد پدر و مادر من بتحقیق بزرگ شد مصیبت تو

فَاَسئَلُ اللهَ الَّذي اَكرَمَ مَقامَكَ وَاَكرَمَني بِكَ اَن يَرزُقَني طَلَبَ

پس سؤال میکنم از خدای که بزرگ کرده است مقام ترا و گرامی کرده است مرا بتو اینکه روزی کند مرا طلب

ثارِكَ مَعَ اِمامٍ مَنصورٍ مِن اَهلِ بَيتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ اَللّهُمَّ

خون تو با امام یاری داده شده از اهل بیت محمد درود فرستد خدا بر او و آل او خداوندا

اجعَلني عِندَكَ وَجيهاً بِالحُسَينِ في الدُّنيا وَالآخِرَةِ يا اَبا عَبدِاللهِ

بگردان مرا نزد خود خوش رو به برکت امام حسین علیه السلام در دنیا و آخرت ای اباعبدالله

صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيكَ اِنّي اَتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ وَاِلى رَسولِهِ وَاِلى

رحمتهای خدا و سلام او بر تو بدرستیکه من نزدیکی میجویم بسوی خدا و بسوی رسول او

اَميرِ المُؤمِنينَ وَاِلى فاطِمَةَ وَاِلَى الحَسَنِ وَاِلَيكَ بِمُوالاتِكَ وَبِالبَراءَةِ

امیر مؤمنان و بسوی فاطمه و بسوی حسن و بسوی تو بدوستی داشتن تو و بیزاری

مِمَّنْ قاتَلَكُمْ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَبِالْبَراءَةِ مِمَّنْ اَسَّسَ اَساسَ الظُّلْمِ

از کسانیکه کارزار کردند با تو و برپا کردند برای تو جنگ را و بیزاری از کسانیکه بنیاد نهادند بنیاد ستم را

وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ وَاَبْرَءُ اِلَى اللهِ وَاِلى رَسُولِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

و ظلم را بر شما و بری میشوم بجانب خدا و بجانب پیغمبر او درود فرستد خدا براو و آل او و سلام

مِمَّنْ اَسَّسَ اَساسَ ذلِكَ وَبَنى عَلَيْهِ بُنْيانَهُ وَجَرى فى ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ

از آنانکه بنیاد نهادند بنیاد این را و بنا کردند بران بنیاد آنرا و روان شدند در ظلم خود و ستم خود

عَلَيْكُمْ وَعَلى اَشْياعِكُمْ بَرِئْتُ اِلَى اللهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَاَتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ ثُمَّ

بر شما و بر یاران شما بری شدم بسوی خدا و بسوی شما از آنها و نزدیکی میجویم بسوی خدا

اِلَيْكُمْ بِمُوالاتِكُمْ وَمُوالاةِ وَلِيِّكُمْ وَبِالْبَراءَةِ مِنْ اَعْدائِكُمْ وَالنّاصِبينَ

پس بسوی شما بدوستی شما و بدوستی دوست شما و به بیزاری از دشمنان شما و از برپا کنندگان

لَكُمُ الْحَرْبَ وَبِالْبَراءَةِ مِنْ اَشْياعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ وَاَوْلِيائِهِمْ

برای شما جنگ را و به بیزاری از یاران آنها و پیروان آنها و دوستان آنها

يا اَبا عَبْدِاللهِ اِنّى سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ وَوَلِىٌّ لِمَنْ

ای ابا عبدالله بدرستیکه من صلحم کسی را که با شما صلح کند و جنگ میکنم با کسیکه با شما جنگ کند و دوستم مر کسی را

والاكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ فَاَسْئَلُ اللهَ الَّذى اَكْرَمَنى بِمَعْرِفَتِكُمْ

که با شما دوستی نماید و دشمنم مر کسی که با شما دشمنی نماید پس سوال میکنم از خدا آنکه اکرام کرد با من بمعرفت شما

وَمَعْرِفَةِ اَوْلِيائِكُمْ وَرَزَقَنِى الْبَراءَةَ مِنْ اَعْدائِكُمْ اَنْ يَجْعَلَنى مَعَكُمْ

و معرفت دوستان شما و روزی کرد مرا به بیزاری از دشمنان شما اینکه بگرداند مرا با شما

فِى الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَاَنْ يُثَبِّتَ لى عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِى الدُّنْيا

درین جهان و در جهان دیگر و اینکه ثابت دارد مرا نزد شما قدم راستی در دنیا

وَالْآخِرَةِ وَاَسْئَلُهُ اَنْ يُبَلِّغَنِى الْمَقامَ الْمَحْمُودَ الَّذى لَكُمْ عِنْدَ اللهِ

و آخرت و سوال میکنم از خدا اینکه برساند مرا در مقام ستوده که مر شما راست نزد خدا

وَاَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ اِمَامٍ مَهْدِيٍّ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ

وانکه روزی کند مرا طلب خون شما با امام هدایت یافته آشکار کننده حق که از شماست

وَاَسْئَلُ اللّٰهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّاْنِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ اَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ

وسوال میکنم از خدا بحق شما و منزلتی که شما را نزد اوست اینکه بخشد مرا به مصیبت من بشما

اَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُصَاباً بِمُصِيبَتِهِ يَا لَهَا مُصِيبَةً مَا اَعْظَمَهَا وَاَعْظَمَ

بهتر از آنچه بخشید بمصیبت زده بمصیبتش ای وای مصیبتی که بسیار عظیم و بسیار بزرگست

رَزِيَّتَهَا فِي الْاِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ اَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي

بلیه آنها در اسلام و در همه اهل آسمانها و زمین بار خدایا بگردان مرا در

مَقَامِي هٰذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ

جای من که ایمنم از آنکه میرسد او را از جانب تو درود و رحمت و آمرزش خدایا بگردان

مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ وَسَلَامُكَ

زندگانی مرا زندگانی محمد و آل محمد و مردن مرا مردن محمد و آل محمد درودهای تو و سلام تو

عَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو اُمَيَّةَ وَابْنُ آكِلَةِ الْاَكْبَادِ

بر ایشان خداوندا بدرستیکه این روزیست که برکت جستند بآن بنی امیه و پسر جگرخوار

اَللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ عَلىٰ لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كُلِّ

لعنت کرده شده پسر لعنت کرده شده بر زبان تو و بر زبان پیغمبر تو درود ... در هر

مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ

وطن گاه و جای ایستادن که ایستاده شده در آن پیغمبر تو درودهای تو بر او باد و آل او خداوندا لعنت کن

اَبَا سُفْيَانَ وَمُعَاوِيَةَ ابْنَ اَبِي سُفْيَانَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ وَآلَ مَرْوَانَ

ابوسفیان معاویه پسر ابوسفیان و یزید پسر معاویه را و خانواده مروان

عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ اَبَدَ الْاٰبِدِينَ وَهٰذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ

بر ایشان باد از جانب تو لعنت در جمیع روزگار باد و این روزیست که شاد شدند بآن آل زیاد و آل مروان

عليهم اللعنة بقتلهم الحسين صلوات الله عليه اللهم فضاعف

برایشان باد لعنت خدا بسبب کشتن امام حسین را درود خدا بر او باد بار خدایا پس دو بار کن

عليهم اللعن منك والعذاب الاليم اللهم اني اتقرب اليك في هذا اليوم

برایشان لعنت از خود و عذاب دردناک را بار خدایا بدرستیکه من نزدیکی میجویم بسوی تو در این روز

وفي موقفي هذا وايام حيوتي بالبراءة منهم واللعنة عليهم وبالموالاة

و در جای ایستادن من که این است و در روزهای زندگانی من به بیزاری از ایشان و لعنت برایشان و بدوستی

لنبيك وآل نبيك عليهم السلام پس صد مرتبه بگوئی اللهم العن اول ظالم

مر پیغمبر ترا و آل پیغمبر ترا بر ایشان سلام — بار خدایا لعنت کن اول ستمگر را

ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التي

که ستم کرد حق محمد و آل محمد و لعنت کن آخر تابع او را بر این بار خدایا لعنت کن گروهی را

جاهدت الحسين صلواتك عليه وشايعت وبايعت وتابعت

که جنگ کردند با حسین درودهای تو بر او و یاری کردند و بیعت کردند و پیروی کردند

على قتله اللهم العنهم جميعا پس صد مرتبه بگوئی السلام عليك يا ابا عبد الله

بر کشتن او بار خدایا لعنت کن همه ایشان را — سلام بر تو باد ای ابو عبد الله

وعلى الارواح التي حلت بفنائك وأناخت برحلك عليك مني سلام

و بر جانهائیکه فرود آمده اند بگرد خانه تو و خوابانیدند شتران را در منزل تو بر تو باد از من سلام

الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد مني

خدا همیشه تا وقتیکه باقی هستم و باقی است شب و روز و نگرداند خدا آخر عهد از جانب من

لزيارتك السلام على الحسين وعلى علي بن الحسين وعلى اولاد الحسين

مر زیارت ترا سلام باد بر حسین و بر علی زین العابدین پسر حسین و بر اولاد حسین

وعلى اصحاب الحسين پس بگوئی اللهم خص انت اول ظالم باللعن مني

و بر یاران حسین — بار خدایا مخصوص گردان تو اول ظالم را به لعنت

وابدأ به اولاً ثم الثاني ثم الثالث ثم الرابع اللهم العن يزيد بن معاوية

و آغاز کن با آن اول را پس دوم را پس سوم را پس چهارم را بار خدایا لعنت کن یزید پسر معاویه را

خامساً والعن عبيد الله بن زياد وابن مرجانة وعمر بن سعد وشمراً وآل

که پنجم است و لعنت کن عبیدالله پسر زیاد و پسر مرجانه را و عمر پسر سعد و شمر و آل

ابي سفيان وآل زياد وآل مروان الى يوم القيمة پس سجده میروی و می‌گوی

ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان را تا روز قیامت

اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله على عظيم

بار خدایا مر تراست سپاس مثل سپاس شکر کنندگان مر ترا بر مصیبت ایشان سپاس خدا را بر بزرگی

رزيتي اللهم ارزقني شفاعة الحسين عليه السلام يوم الورود وثبت

مصیبت من خداوندا روزی کن مرا شفاعت امام حسین برادر و باد سلام روز ورود و بر حوض و پایدار دار

لي قدم صدق عندك مع الحسين واولاد الحسين واصحاب الحسين

برای من قدم راستی نزد خود با امام حسین و اولاد حسین و یاران حسین

الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام

آنانکه صرف کردند جانهای خود را نزدیک امام حسین او با سلام

علقمه گفت حضرت امام باقر علیه السلام فرمود که اگر توانی هر روز آن حضرت را بدین کیفیت زیارت کنی بکن که جمیع ثوابها از برای تو خواهد بود و روایت کرد محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره که گفت من با صفوان جمال و جماعتی از اصحاب خود رفتیم بسوی نجف بعد از آنکه حضرت صادق علیه السلام بیرون رفته بود و از حیره به مدینه رفته پیش از ما پس چون از زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فارغ شدیم صفوان سر از رو خود را گردانید بسوی قبر حضرت امام حسین علیه السلام و گفت زیارت کنید امام حسین صلوات الله علیه را ازین مکان از بالای سر امیرالمؤمنین علیه السلام که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام چنین کرد وقتیکه من خدمت آنحضرت باین مکان تشریف آورده و هم من خواصفوان ... از زیارت را

که علقمه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام برای روز عاشورا روایت کرده است دو رکعت

نماز کردند و سر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام وداع کرد بعد از نماز حضرت امیر المؤمنین

علیه السلام را و رو بجانب قبر امام حسین علیه السلام کرد و آنحضرت را نیز وداع کرد

و از جمله دعاهای که بعد از دو رکعت خواند این دعا بود

یَا اللّٰهُ یَا اللّٰهُ یَا مُجِیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّینَ یَا کَاشِفَ کُرَبِ الْمَکْرُوبِینَ

ای خدا ای خدا ای مستجاب کننده دعای درماندگان ای برطرف کننده اندوه اندوهناکان

یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ وَ یَا صَرِیخَ الْمُسْتَصْرِخِینَ وَ یَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَیَّ

ای فریادرس فریاد کنندگان و ای چاره‌ساز ناله کنندگان و ای کسیکه او نزدیکتر است بمن

مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ وَ یَا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ یَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ

از رگ گردن و ای کسیکه حائل میشود میان مرد و دل او و ای کسیکه او به نظرگاه برتر

الْأَعْلَی وَ بِالْأُفُقِ الْمُبِینِ وَ یَا مَنْ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوَی

بلند است و بکرانه آشکار است و ای کسیکه اوست بخشاینده مهربان بر عرش مستولی شد

وَ یَا مَنْ یَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْیُنِ وَ مَا تُخْفِی الصُّدُورُ وَ یَا مَنْ لَا یَخْفَی عَلَیْهِ

و ای کسیکه میداند خیانت چشمهای خائن را و آنچه را که پنهان میکنند آنرا سینه‌ها و ای کسیکه پوشیده نیست بر او

خَافِیَةٌ وَ یَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَیْهِ الْأَصْوَاتُ وَ یَا مَنْ لَا تُغَلِّطُهُ الْحَاجَاتُ

پوشیدگی و ای کسیکه مشتبه نیست بر او آوازها و ای کسیکه بغلط نمی اندازد او را حاجتها

وَ یَا مَنْ لَا یُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّینَ وَ یَا مُدْرِکَ کُلِّ فَوْتٍ وَ یَا جَامِعَ کُلِّ

و ای کسیکه ابرام نمیکند او را مبالغه سؤال الحاح کنندگان و ای دریابنده هر فوتی و ای فراهم آورنده هر پراکنده

شَمْلٍ وَ یَا بَارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ یَا مَنْ هُوَ کُلَّ یَوْمٍ فِی شَأْنٍ یَا قَاضِیَ

و ای آفریننده جانهای بعد از مرگ ای کسیکه هر روزی در کاری است ای برآورنده

الْحَاجَاتِ یَا مُنَفِّسَ الْکُرُبَاتِ یَا مُعْطِیَ السُّؤُلَاتِ یَا وَلِیَّ الرَّغَبَاتِ

حاجتها ای گشاینده اندوهها ای بخشنده حاجتها ای خداوند خواهشها

يا كافي المهمات يا من يكفي من كل شيء ولا يكفي منه شيء في السموات

ای کفایت کننده مهمات ای کسی که بس است از هر چیزی و بس نمی شود از او چیزی در آسمانها

والارض اسئلك بحق محمد وعلي وبحق فاطمة بنت نبيك وبحق الحسن

و زمین سوال می کنم از تو بحق محمد و علی و بحق فاطمه دختر پیغمبر تو و بحق حسن

والحسين وبحق التسعة من ولد الحسين عليهم السلام فاني بهم اتوجه

و حسین و بحق نه پیشوایان از فرزندان حسین بر ایشان رحمت خدا باد پس بدرستیکه من بایشان رو می آورم

اليك في مقامي هذا وبهم اتوسل وبهم استشفع اليك وبحقهم اسئلك

بسوی تو در مقام خود که اینست و بایشان وسیله می جویم و بایشان شفاعت می جویم بسوی تو و بحق ایشان سوال می کنم از تو

واقسم واعزم عليك وبالشأن الذي لهم عندك وبالقدر الذي لهم

و سوگند می خورم و قسم میدهم بر تو و برتبه که مر ایشان راست نزد تو و بقدری که مر ایشان راست

عندك وبالذي فضلتهم على العالمين وباسمك الذي جعلته عندهم

نزد تو و بآنچه فضیلت دادی ایشان را بر عالمیان و بنام تو که گردانیدی آن نام را نزد ایشان

وبه خصصتهم دون العالمين وبه ابنتهم وابنت فضلهم من

و بآن مخصوص گردانیدی ایشان را سوای عالمیان و بآن نام آشکار کردی ایشان را و آشکار کردی فضل ایشان را از

فضل العالمين حتى فاق فضلهم فضل العالمين ان تصلي على محمد وآل محمد

فضیلت عالمیان تا آنکه پیشی گرفت فضیلت ایشان بر فضل عالمیان اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد

ان تكشف عني غمي وهمي وكربي وتكفيني المهم من اموري وتقضي عني

اینکه برداری از من اندوه مرا و ملال مرا و حزن مرا و کفایت کنی مرا آنچه مرا در غم اندازد از کارهای من و ادا کنی از من

ديني وتجيرني من الفقر وتجيرني من الفاقة وتغنيني عن المسئلة الى

قرض مرا و پناه دهی مرا از ادبار و پناه دهی مرا از فاقه و بی نیاز گردانی مرا از سوال بسوی

المخلوقين وتكفيني هم من اخاف همه وعسر من اخاف عسره وحزونة

آفریدگان و کفایت کنی مرا اندوه کسیکه می ترسم از اندوه او و دشواری کسیکه می ترسم از دشواری او

فی جمیع ذلک السقم ولا تشفه حتی تجعل ذلک له شغلا شاغلا عنی

در تمام اعضا بیماری و شفا مده او را تا بگردانی این بیماری برای او شغل بازدارنده او را از من

وعن ذکری واکفنی یا کافی ما لا یکفی سواک فانک الکافی

و از یاد من و کفایت کن ای کفایت کننده چیزی که کفایت نمیکند غیر تو پس بدرستیکه تو کفایت کننده

لا کافی سواک ومفرج لا مفرج سواک ومغیث لا مغیث سواک وجار

نیست کفایت کننده بغیر تو و گشاینده که نیست گشاینده بجز تو و فریاد رسنده که نیست فریاد رسنده غیر تو و پناه

لا جار سواک خاب من کان جاره سواک ومغیثه سواک ومفزعه

که نیست پناه غیر تو زیان کار است کسیکه باشد پناه او سوای تو و فریادرس او بغیر تو و زاری او

الی سواک ومهربه وملجأه الی غیرک ومنجاه من مخلوق غیرک وانت

بسوی غیر تو و گریزگاه و پناه او بسوی غیر تو و خلاص او از آفریده غیر تو پس تویی

ثقتی ورجائی ومفزعی ومهربی وملجای ومنجای فبک استفتح وبک

اعتماد من و امید من و پناه من و گریزگاه من و پناه من و خلاص من پس بتو گشایش میطلبم و بتو

استنجح وبمحمد وآل محمد اتوجه الیک واتوسل واتشفع فاسألک

رستگاری میجویم و بمحمد و آل محمد روی آورم بسوی تو و وسیله میگیرم و شفاعت میطلبم پس از تو

یا الله یا الله یا الله فلک الحمد ولک الشکر والیک المشتکی وانت المستعان

ای خدا ای خدا ای خدا پس مر تراست حمد و مر تراست شکر و بسوی تست شکایت و تویی یاری خواسته شده

فاسألک یا الله بحق محمد وآل محمد ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تکشف

پس سوال میکنم ای خدا بحق محمد و آل محمد اینکه درود بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه زائل کنی

عنی غمی وهمی وکربی فی مقامی هذا کما کشفت عن نبیک همه وغمه

از من غم مرا و اندوه مرا و حزن مرا در این مقام من چنانچه زائل کردی از پیغمبر خود حزن او را و غم او را

وکربه وکفیته هول عدوه واکشف عنی کما کشفت عنه وفرج عنی

و شدت او را و دفع نمودی از او بیم دشمن او را پس زائل کن از من چنانچه زائل کردی از او و گشایش ده از من

كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَاكْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ وَاصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلَهُ

چنانچه گشودی ازو وکفایت کن مرا چنانچه کفایت کردی اورا ودور کن از من هول چیزیکه می ترسم از ترس آن

وَمَؤُونَةَ مَا أَخَافُ مَؤُونَتَهُ وَهَمَّ مَا أَخَافُ هَمَّهُ بِلَا مَؤُونَةٍ عَلَى نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ

ومشقت چیزیکه می ترسم مشقت آنرا واندوه چیزیکه می ترسم از اندوه آن بغیر مشقت بر ذات من از آن

وَاصْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي وَكِفَايَةِ مَا أَهَمَّنِي هَمُّهُ مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي

وبگردان مرا بروا کردن حاجتهای من وبرطرف کردن چیزیکه اندوهگین کرده است مرا اندوه او از کار آخرت من

وَدُنْيَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللهِ عَلَيْكُمَا مِنِّي سَلَامُ اللهِ أَبَدًا مَا بَقِيتُ

ودنیای من ای امیر مومنان وای ابو عبدالله حسین بر شما باد از من سلام خدا همیشه تا وقتیکه زنده باشم

وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا وَلَا فَرَّقَ اللهُ بَيْنِي

وباقی ماند شب و روز ونه گرداند این را خدا آخر عهد از زیارت شما وجدائی نیفکند خدا میان من

وَبَيْنَكُمَا اللَّهُمَّ أَحْيِنِي حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَمِتْنِي مَمَاتَهُمْ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمْ

ومیان شما خداوندا زنده دار مرا بر روش زندگی محمد واولاد او وبمیران مرا مانند مردن ایشان وبمیران مرا بر ملت ایشان

وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا

وحشر کن مرا در جماعت ایشان وجدائی میفکن میان من ومیان ایشان یک چشم زدن کاهی در دنیا

وَالْآخِرَةِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكُمَا أَتَيْتُكُمَا زَائِرًا

وآخرت ای امیر مومنان وای ابا عبدالله رحمتهای خدا بر شما آمدم نزد شما زیارت کننده

وَمُتَوَسِّلًا إِلَى اللهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا وَمُتَوَجِّهًا إِلَيْهِ بِكُمَا وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمَا إِلَى اللهِ

ووسیله جوینده بسوی خدا پروردگار من وپروردگار شما وحالیکه روآورنده ام بسوی خدا بوسیله شما وشفاعت خواهنده بشما بسوی خدا

فِي حَاجَتِي هَذِهِ فَاشْفَعَا لِي فَإِنَّ لَكُمَا عِنْدَ اللهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَالْجَاهَ الْوَجِيهَ

در حاجت خود که این است پس شفاعت کنید برای من بدرستیکه مر شماراست نزد خدا مرتبه ستوده وقدر گرامی

وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ إِنِّي أَنْقَلِبُ عَنْكُمَا مُنْتَظِرًا لِتَنَجُّزِ الْحَاجَةِ وَقَضَائِهَا

ومنزلت بلند ووسیله بدرستیکه من بر میگردم از طرف شما انتظار کننده برای روا شدن حاجت وادای آن

وَنَجَاحِهِمَا مِنَ اللّٰهِ بِشَفَاعَتِكُمَا إِلَى اللّٰهِ فِي ذٰلِكَ فَلَا أَخِيبُ وَلَا يَكُونُ
وبرآمدن آن از خدا بشفاعت شما برای من بسوی خدا و درین پس محروم نشوم و نشود
مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا خَائِبًا خَاسِرًا بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاجِحًا مُفْلِحًا
بازگشت من بازگشت محروم زیان کار بلکه باشد بازگشت من بازگشت با مزیت و رستگاری
مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي وَتَشَفَّعَا لِي إِلَى اللّٰهِ انْقَلَبْتُ عَلَى
و فیروزی اجابت کرده شده برای من به برآمدن جمیع حاجتهای من شفاعت کنید برای من بسوی خدا برگردم
مَا شَاءَ اللّٰهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ مُفَوِّضًا أَمْرِي إِلَى اللّٰهِ مُلْجِئًا ظَهْرِي
آنچه میخواهد خدا و نیست بازگشت و نه توانائی مگر بخدا در حالتیکه گذارنده کار خود را بسوی خدا پناه دهنده پشت خود را
إِلَى اللّٰهِ وَمُتَوَكِّلًا عَلَى اللّٰهِ وَأَقُولُ حَسْبِيَ اللّٰهُ وَكَفَى سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ
بسوی خدا و توکل کننده بر خدا و میگویم کافی است مرا خدا و بس است می شنود خدا اگر کسی بخواند او را
لِي وَرَاءَ اللّٰهِ وَوَرَاءَكُمْ يَا سَادَتِي مُنْتَهًى مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ
مرا بجز خدا و جز شما ای سروران من منتهای آنچه خواسته است پروردگار من میشود و آنچه نخواهد
لَمْ يَكُنْ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ أَسْتَوْدِعُكُمَا اللّٰهَ وَلَا جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ
نمی شود و نیست گردیدن از گناهان و نه توانائی بر طاعت مگر بخدا امانت می سپارم شما را بخدا و نگرداند خدا
الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمَا انْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا مَوْلَايَ وَأَنْتَ
از آخر عهد من بسوی شما برگشتم ای سرور من ای پادشاه مومنان ای آقای من و تو
يَا أَبَا عَبْدِ اللّٰهِ يَا سَيِّدِي وَسَلَامِي عَلَيْكُمَا مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ
ای ابا عبد الله ای آقای من سلام من بر شما پیوسته است مادام که پیوسته شود شب و روز
وَاصِلٌ ذٰلِكَ إِلَيْكُمَا غَيْرُ مَحْجُوبٍ عَنْكُمَا سَلَامِي إِنْ شَاءَ اللّٰهُ وَأَسْأَلُهُ
و رسنده است این سلام من بسوی شما و ممنوع نیست از شما سلام من اگر خدا خواهد و سوال میکنم او را
بِحَقِّكُمَا أَنْ يَشَاءَ ذٰلِكَ وَيَفْعَلَ فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ انْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي
بحق شما این که بخواهد این را و بکند پس بدرستیکه خدا ستوده بزرگ است برگردیدم ای سرور من

عنکما تائبا حامدا لله شاکرا راجیا للاجابة غیر آیس ولا قانط آئبا

از طرف شما و رحمة توبه حمد کنان خدا را و شکر کنان امیدوار قبول را غیر نومید غیر محروم برگردیده

عائدا راجعا الی زیارتکما غیر راغب عنکما ولا من زیارتکما بل راجع

عود کننده رجوع نماینده بسوی زیارت شما نه روگرداننده از شما و نه از زیارت شما بلکه برگردم

عائد ان شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله یا سادتی رغبت الیکما

و عود می نمایم بسوی شما اگر خدا خواهد نیست گردیدن از گناهان و نه توانائی بر طاعت مگر بخدا ای سرداران من رغبت

والی زیارتکما بعد ان زهد فیکما وفی زیارتکما اهل الدنیا

و بسوی زیارت شما بعد از آنکه ترک کرده بودند شما را و زیارت شما را اهل دنیا

فلا خیبنی الله مما رجوت وما املت فی زیارتکما انه قریب مجیب

پس ناامید نکند مرا خدا از آنچه امید دارم و از آنچه آرزو دارم در زیارت شما بدرستیکه خدا نزدیک است

سیف بن عمیره گفت من بصفوان گفتم که علقمه که این زیارت را از امام محمد باقر علیه السلام

از برای ما روایت کرد این دعا را نقل نکرد و صفوان گفت که من وارد شدم با سید خود

امام جعفر صادق علیه السلام باین مکان پس کرد مثل آنچه ما کردیم در زیارت و این دعا را

خواند در هنگام وداع بعد از آنکه دو رکعت نماز را کرد و وداع را بجا آورد و بعد از آن

صفوان گفت که حضرت صادق علیه السلام بمن گفت که تعاهد نما این زیارت را و

بخوان این دعا را و باین نحو زیارت بکن که من ضامنم بر خدا که هر که این زیارت را بکند و این دعا را

بخواند از نزدیک یا دور آنکه زیارتش مقبول و سعیش مزد داده شود و سلامش بآنحضرت

برسد و محجوب نگردد و هر حاجت که از خدا طلبید بر آورده شود هر چند حاجتش بزرگ باشد

ای صفوان این زیارت را باهمین ضمانت از پدرم شنیدم و پدرم از علی بن الحسین

علیهما السلام باهمین ضمانت و او از امام حسین علیه السلام باهمین ضمانت و او از امام حسن علیه السلام

باهمین ضمانت و او از پدرش امیر المومنین علیه السلام باهمین ضمانت و امیر المومنین

علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله باهمین ضمانت و رسول خدا صلعم از جبرئیل

باهمین ضامنی و جبرئیل از خداوند عالمیان باهمین ضامنی بتحقیق که حق تعالی قسم بذات مقدس خود خورده است
که هر که حضرت امام حسین علیه السلام را باین روش زیارت کند از نزدیک یا دور و این دعا
را بخواند زیارت او را قبول کنم و هر حاجت که بطلبد برآورم هر چند که بزرگ باشد و هر سوال که
بکند عطا کنم و از درگاه من ناامید برنگردد و او را برگردانم شاد و خوشحال به برآمدن حاجتش
و فائز شدن به بهشت و آزاد شدن از جهنم و از برای هر که شفاعت کند شفاعتش را قبول کنم مگر
کسیکه دشمن با اهل بیت باشد و گواه گرفت خدا بر آنچه گواه گرفته بود بر آن ملائکه ملکوت خود را پس
جبرئیل گفت یا رسول الله حق تعالی مرا بسوی تو فرستاده است برای بشارت و سرور و خوشحالی
تو و بشارت و شادی علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان تو تا روز
قیامت پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که ای صفوان هر گاه ترا حاجتی بسوی خدا بهم رسد
این زیارت را بکن هر جا که باشی و این دعا را بخوان و از پروردگار خود حاجت خود را بطلب
که البته برآورده می شود و حق تعالی خلف وعدهٔ خود نمی فرماید مولف گوید که چون عبارت
حدیث تشویش عظیمی دارد و قابل احتمال بسیار است اگر اول زیارت السلام علیک یا ابا عبدالله
تا وآل نبیک علیهم السلام بخواند و نماز زیارت را بکند و باز همان زیارت را اعاده کند
بهتر است و اگر بعد صد مرتبه لعنت بار دیگر نماز بکند و بعد صد مرتبه سلام بار دیگر نماز بکند و متصل بسجده
بعد از سجده نیز نماز بکند شاید به همه احتمالات عمل کرده باشد و اگر اول یکی از زیارات بعید که العمل
آورده نماز بکند و بعد از آن این اعمال را بعمل آورد ظاهرا کافی باشد و اگر زیارت امیرالمؤمنین
علیه السلام را باین زیارت ضم کند بهتر است خصوصا هر گاه این زیارت را از نزد ضریح
مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام بعمل آورد و چون در حدیث تجویز کردن این زیارت
در هر وقت وارد شده است اگر در غیر روز عاشورا بکند بجای اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا
یَوْمٌ تَبَرَّکَتْ بِهِ بَنُو اُمَیَّةَ بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ یَوْمَ قَتْلِ الْحُسَیْنِ صَلَواتُكَ
عَلَیْهِ یَوْمٌ تَبَرَّکَتْ بِهِ بَنُو اُمَیَّةَ

فصل سوم

در سائر زیارات این روز است و از جمله آنها زیارتیست که بسند صحیح از عبدالله بن سنان

روایت کرده است که رفتم بخدمت حضرت صادق علیه السلام در روز عاشورا آنحضرت را شکسته رنگ واندوهناک یافتم و آب از دیده های مبارکش مانند مروارید میریخت گفتم یا ابن رسول الله سبب گریه شما چیست خدا هرگز دیده های شما را گریان نکرداند حضرت فرمود که مگر غافلی نمیدانی که در مثل این روز حضرت امام حسین علیه السلام شهید شده است گفتم ای سید من چه میفرمائی در روزه اش فرمود که روزه بدار بی آنکه شب نیت روزه کنی و افطار مکن نه از روی شماتت و مگر و تمام روزه مگیر باید افطار تو بعد از نماز عصر باشد یکساعت بشربتی از آب زیرا که در مثل این وقت جنگ برطرف شد از آل رسول علیه السلام و در زمین سی نفر از اهل بیت و موالی ایشان افتاده بودند که صاحب مصیبت در اینها حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود و اگر آن حضرت صلعم در دنیا می بود بایست آنحضرت را برای ایشان تعزیت بگویند پس آنحضرت چندان گریست که ریش مبارکش از آب دیده اش تر شد پس فرمود که بهتر کاری که درین روز بکنی آنست که جامه های پاکیزه بپوشی و بندها را بگشائی و آستین ها را تا فوق بالا کنی بروش مصیبت زدگان پس بیرون روی بسوی بیابان یا مکانی که کسی ترا نه بیند یا خانهٔ خالی از برای تقیه از سنیان در وقت چاشت پس چهار رکعت نماز بجا آوری با خشوع و خضوع و رکوع نیکو و بعد از هر دو رکعت سلام بگوئی و در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ قل یا ایها الکافرون بخوانی و در رکعت دوم سورهٔ قل هو الله احد و در دو رکعت دیگر در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ احزاب بخوانی و در رکعت دوم سورهٔ اذا جاءک المنافقون و اگر اینها را ندانی هر سوره که توانی بخوانی پس بگردانی روی خود را بجانب روضهٔ مقدسهٔ آنحضرت و بخاطر آوری شهادت آن امام مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب آنجناب را و سلام کنی بر او و صلوات فرستی بر او و لعنت کنی بر قاتلان ایشان و بروایت دیگر هزار مرتبه لعنت کنی بر قاتلان آنحضرت که بهر لعنتی هزار حسنه برای تو نوشته میشود و هزار گناه از تو محو می شود و هزار درجه در بهشت از برای تو بلند می شود

و بهتر این است که هزار مرتبه بگوید

اللهم العن قتلة الحسين واصحابه

بار خدایا لعنت کن بر کشندگان حسین علیه السلام و کشندگان اصحابش

پس فرمود که بعد از آن از موضعی که ایستاده چند گام پیش برو و بگو

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ رِضًا بِقَضَائِهِ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ

بدرستیکه ما بندۀ خدائیم و بسوی خدا گردنده ایم جهت خوشنودی بقضای او و گردن نهادن مر امر او را

و اگر سعی مرتبه چنین کند بهتر است و فرمود که در جمیع این احوال باید که محزون غمناک

و گریان باشی پس بجای خود برگردی و بگوئی

اللّٰهُمَّ عَذِّبِ الْفَجَرَةَ الَّذِينَ شَاقُّوا رَسُولَكَ وَحَارَبُوا أَوْلِيَاءَكَ

بار خدایا عذاب کن فاجرانی را که مخالفت کردند پیغمبر ترا و جنگ کردند دوستان ترا

وَعَبَدُوا غَيْرَكَ وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَكَ وَالْعَنِ الْقَادَةَ وَالْأَتْبَاعَ وَمَنْ

و پرستش کردند غیر ترا و حلال دانستند حرام کردهای ترا و لعنت کن پیشوایان را و تابعان ایشان را و هر که

كَانَ مِنْهُمْ فَخَبَّ وَأَوْضَعَ مَعَهُمْ أَوْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْنًا كَثِيرًا اللّٰهُمَّ وَ

بود از آنها پس شتافت مرکب خود با آنها یا خوشنود شد بکردار آنها لعنت بسیار خداوندا

عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي

تعجیل کن در گشایش کار آل محمد و بگردان رحمتهای خود را بر او و بر ایشان و خلاص کن ایشان را از دستهای

الْمُنَافِقِينَ الْمُضِلِّينَ وَالْكَفَرَةِ الْجَاحِدِينَ وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا وَأَتِحْ لَهُمْ

منافقان گمراه کننده گان و کافران انکار نماینده گان و فتح ده ایشان را فتح آسان و آماده کن برای ایشان

رَوْحًا وَفَرَجًا قَرِيبًا وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطَانًا نَصِيرًا

راحت و گشایش نزدیک بگردان برای ایشان از جانب خود بر دشمن خود و دشمن ایشان غلبه یاری دهنده

پس دست بدعا بردارد و قصد کند دشمنان آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین را و بگوید

اللّٰهُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمَّةِ نَاصَبَتِ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنَ الْأَئِمَّةِ وَكَفَرَتْ

بار خدایا بدرستیکه بسیاری از امت دشمنی ورزیدند با حفظ کنندگان از امامان و کافر شدند

بِالْكَلِمَةِ وَعَكَفَتْ عَلَى الْقَادَةِ الظَّلَمَةِ وَهَجَرَتِ الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ وَعَدَلَتْ

بکلمۀ حق و رو آوردند به پیشوایان ستمگران و ترک کردند قرآن و سنت را و عدول کر[دند]

عَنِ الحَبلَينِ الَّذَينِ اَمَرتَ بِطَاعَتِهِمَا وَالتَّمَسُّكِ بِهِمَا فَاَمَاتَتِ الحَقَّ

از دو ریسمانی که امر کردی بفرمانبرداری آن هر دو و چنگ زدن بهر دو و بمیرانیدند حق

وَحَادَت عَنِ القَصدِ وَمَالَاَتِ الاَحزَابَ وَحَرَّفَتِ الكِتَابَ وَكَفَرَت

و عدول کردند از راه راست و یاری کردند گروهها را و تحریف کردند کتاب را و کفر ورزیدند

بِالحَقِّ لَمَّا جَاءَهَا وَتَمَسَّكَت بِالبَاطِلِ لَمَّا اعتَرَضَهَا وَضَيَّعَت حَقَّكَ

بحق هرگاه آمد ایشان را و چنگ زدند بباطل هرگاه پیش آمد آنها را و ضائع کردند حق ترا

وَاَضَلَّت خَلقَكَ وَقَتَلَت اَولَادَ نَبِيِّكَ وَخِيَرَةَ عِبَادِكَ وَحَمَلَةَ عِلمِكَ

و گمراه کردند خلق ترا و کشتند فرزندان پیغمبر ترا و برگزیدهای بندهای ترا و بردارندهای علم ترا

وَوَرَثَةَ حِكمَتِكَ وَوَحيِكَ اَللّٰهُمَّ فَزَلزِل اَقدَامَ اَعدَائِكَ وَاَعدَاءِ

و میراثیان حکمت ترا و وحی ترا بار خدایا پس بلغزان پاهای دشمنان خود را و دشمنان

رَسُولِكَ وَاَهلِ بَيتِ رَسُولِكَ اَللّٰهُمَّ وَاَخرِب دِيَارَهُم وَافلُل سِلَاحَهُم

پیغمبر خود را و دشمنان اهل بیت پیغمبر خود را بار خدایا و خراب کن خانهای آنها را و رخنه بینداز در سلاح

وَخَالِف بَينَ كَلِمَتِهِم وَفُتَّ فِي اَعضَادِهِم وَاَوهِن كَيدَهُم وَاضرِبهُم

و مخالفت بینداز میان سخن ایشان و سست کن بازوهای ایشان و سست کن مکر ایشان و بزن ایشان را

بِسَيفِكَ القَاطِعِ وَارمِهِم بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ وَطُمَّهُم بِالبَلَاءِ طَمًّا وَ

بشمشیر خود که برنده است و بزن ایشان را بسنگ خود که شکننده است و انباشته کن ایشان را ببلا انباشتنی

قُمَّهُم بِالعَذَابِ قَمًّا وَعَذِّبهُم عَذَابًا نُكرًا وَخُذهُم بِالسِّنِينَ وَالمَثُلَاتِ

و بروب ایشان را بعذاب رفتنی و عذاب کن ایشان را بعذابی سخت و بگیر ایشان را به قحط سالی و عقوبتهای

الَّتِي اَهلَكتَ بِهَا اَعدَاءَكَ اِنَّكَ ذُو نِقمَةٍ مِنَ المُجرِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنَّ سُنَّتَكَ

که هلاک کردی بآن دشمنان خود را بدرستیکه تو صاحب انتقامی از گناهکاران بار خدایا بدرستیکه طریقه تو

ضَائِعَةٌ وَاَحكَامَكَ مُعَطَّلَةٌ وَعِترَةَ نَبِيِّكَ فِي الاَرضِ هَائِمَةٌ اَللّٰهُمَّ

ضائع است و حکمهای تو معطل است و فرزندان پیغمبر تو در زمین سرگردانند بار خدایا

فأعزّ الحقّ وأهله وأقمع الباطل وأهله ومُنّ علينا بالنجاة واهدنا

پس عزیز گردان حق را و اهل حق را و مقهور ساز باطل و اهل باطل را و منت نه بر ما برستگاری و راه بنما ما را

إلى الإيمان وعجّل فرجنا وانظمه بفرج أوليائك واجعلهم لنا ودّاً

بجانب ایمان و زود کن گشایش ما را و پیوسته کن آن را بگشایش اولیای خود و بگردان ایشان را برای ما دوست

واجعلنا لهم وفداً اللهمّ وأهلك من جعل يوم قتل ابن نبيّك وخيرتك

و بگردان ما را برای ایشان وارد شونده بار خدایا و هلاک کن کسی که گردانید روز کشته شدن پسر پیغمبر را و برگزیده ترا

عيداً واستهلّ به فرحاً ومرحاً وخذ آخرهم كما أخذت أوّلهم وضاعف

عید و آواز بر داشت بقتل او از روی شادی و خوشحالی و بگیر آخر جماعت را چنانچه گرفتی اول آنها را و مضاعف کن

اللهمّ العذاب والتنكيل على ظالمي أهل بيت نبيّك وأهلك أشياعهم

بار خدایا عذاب را و عقوبت را بر ستم کنندگان اهل بیت پیغمبر تو و هلاک گردان تابعان ایشان را

وقادتهم وأبر حماتهم وجماعتهم اللهمّ وضاعف صلواتك ورحمتك

و پیشوایان ایشان را و هلاک کن حمایت کنندگان آنها و جماعت آنها را بار خدایا و مضاعف کن درود خود و رحمت خود

وبركاتك على عترة نبيّك العترة الضائعة الخائفة المستذلّة

و برکتهای خود بر اولاد پیغمبر خود که اولاد تلف شده ترسان خوار کرده شده

بقيّة من الشجرة الطيّبة الزاكية المباركة وأعل اللهمّ كلمتهم

باقی مانده از درخت پاک پاکیزه مبارک و بلند کن بار خدایا کلمه ایشان را

وأفلج حجّتهم واكشف البلاء واللأواء وحنادس الأباطيل والعمى

و غلبه بده حجت ایشان را و برطرف کن بلا و سختی و تاریکیهای باطلها را و نابینائی را

عنهم وثبّت قلوب شيعتهم وحزبك على طاعتك وولايتهم ونصرتهم

از ایشان و ثابت دار دلهای شیعیان ایشان را و گروه خود را بر طاعت خود و دوستی ایشان و یاری ایشان

وموالاتهم وأعنهم وامنحهم الصبر على الأذى فيك واجعل لهم

و دوستی ایشان و یاری ده ایشان را و بخش ایشان را صبر را از آزار کشیدن در راه تو و بگردان برای ایشان

ایّاماً مشهودةً واوقاتاً محمودةً مسعودةً تؤنسك فیها رحمة وتوجب

روزهای مشهود و وقتهای ستوده شده باسعادت که نزدیک گردانی ...

فیها تمکینهم ونصرهم کما ضمنت لاولیائك فی کتابك المنزل

... و یاری ایشانرا چنانچه ضامن شدی برای دوستان خود در کتاب خود که فرستاده شده

قلت وقولك الحقّ وعد الله الذین آمنوا منکم وعملوا الصالحات

فرموده و قول تو راست است وعده کرده خدا آنانکه ایمان آوردند از شما و عمل کردند عملهای نیک که

لیستخلفنّهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم ولیمکّننّ

هر آینه خلیفه گرداند ایشانرا در زمین چنانچه خلیفه گردانید آنانرا که پیش ایشان بودند و هر آینه تمکین ...

لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدّلنّهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی

... ایشانرا دین ایشان که پسندیده است برای ایشان و هر آینه تبدیل نماید ایشانرا از پس ترس ایشان ایمنی که بپرستند مرا

لا یشرکون بی شیئاً اللّهمّ فاکشف غمّتهم یا من لا یملك کشف الضرّ الّا هو

و شریک نگردانند بمن چیزیرا بار خدایا برطرف کن غم ایشانرا ای کسیکه مالک نیست برطرف کردن ضرر را مگر او

یا واحد یا احد یا حیّ یا قیّوم وانا یا الهی عبدك الخائف منك والراجع

ای یگانه ای یکتا ای زنده ای پایدار و من ای خدای من بنده توام که ترسانم از تو و بازگشت کننده ام

الیك السائل لك المقبل علیك اللاجئ الی فنائك العالم بانّه لا ملجأ

بسوی تو سوال کننده ام ترا و رو آورنده ام بر تو پناه برنده ام بسوی درگاه تو دانا ام باینکه نیست پناهی

منك الّا الیك اللّهمّ فتقبّل دعائی واسمع یا الهی علانیتی ونجوای واجعلنی

از تو مگر بسوی تو بار خدایا بپذیر دعای مرا و بشنو ای خدای من سخن آشکار مرا و راز مرا و بگردان مرا

ممّن رضیت عمله وقبلت نسکه ونجّیته برحمتك انّك انت العزیز الکریم

از کسانیکه راضی شدی از عمل ایشان و پذیرفتی عبادت ایشانرا و رهانیدی ایشانرا برحمت خود بدرستیکه توئی غالب بزرگوار

اللّهمّ وصلّ اوّلاً وآخراً علی محمّد وآل محمّد وبارك علی محمّد وآل محمّد

بار خدایا درود بفرست در اول و آخر بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد

وارحم محمداً وآل محمد بأكمل وأفضل ما صليت وباركت وترحمت على

و ببخشا بر محمد و آل محمد بکامل تر و فاضل تر از آنچه درود فرستادی و برکت دادی و رحم کردی بر

انبيائك ورسلك وملائكتك وحملة عرشك بلا اله الا انت اللهم

پیغمبران خود و فرستادگان خود و فرشتگان خود و برداشتگان عرش خود بحق کلمه مبارک توحید بار خدایا

لا تفرق بيني وبين محمد وآل محمد صلواتك عليه وعليهم واجعلني

جدائی میفکن میان من و میان محمد و آل محمد درود های تو باد بر او و بر ایشان و بگردان مرا

يا مولاي من شيعة محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وذريتهم

ای مولای من از یاران محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ذریت آنها

الطاهرة المنتجبة وهب لي التمسك بحبلهم والرضا بسبيلهم والاخذ

که پاک و برگزیده اند و ببخش مرا چنگ زدن بدوستی ایشان و خوشنودی براه ایشان و فرا گرفتن

بطريقتهم انك جواد كريم

بطریقه ایشان بتحقیق که تو بخشنده بزرگوار

پس بسجده برو و طرف روی
خود را بر خاک بگذار و بگو

يا من يحكم ما يشاء ويفعل ما يريد انت حكمت فلك الحمد محموداً مشكوراً

ای کسیکه حکم میکند هرچه میخواهد و میکند هرچه میخواهد تو حکم کردی پس مر تراست سپاس ستوده و شکر کرده شده

فعجل يا مولاي فرجهم وفرجنا بهم فانك ضمنت اعزازهم بعد الذلة و

پس زود کن و ظاهر کن ای مولای من گشایش ایشان را و گشایش ما را با ایشان پس بتحقیق که تو ضامن شدی عزیز کردن ایشان را

تكثيرهم بعد القلة واظهارهم بعد الخمول يا اصدق الصادقين و

بسیار کردن ایشان را بعد از کمی و آشکار کردن ایشان را بعد از گمنامی ای راست گوترین راستگویان

يا ارحم الراحمين فاسألك يا الهي وسيدي متضرعاً اليك بجودك

ای مهربان ترین مهربانان پس سوال میکنم از تو ای خدا و آقای من حالتیکه زاری کننده ام بسوی تو بجود تو

وكرمك بسط املي والتجاوز عني وقبول قليل عملي وكثيره والزيادة

و کرم تو فراخی امید خود و در گذشتن از جرم خود و پذیرفتن کردار کم و بسیار خود و افزودن

فی ایامی وتبلیغی ذلک المشهد وان تجعلنی ممن یدعی فیجیب الی طاعتهم

در ایام خود و رسانیدن مرا باین مشهد و آنکه بگردانی مرا از کسانیکه دعوت کرده میشوند بس اجابت میکنند

وموالاتهم ونصرهم وترینی ذلک قریبا سریعا فی عافیة انک علی کل

و دوستی ایشان و یاری ایشان و بنمائی مرا این امر زود و بسرعت در عافیت بدرستیکه تو بر همه

شیٔ قدیر پس سر خود را بسوی آسمان بلند کن بگو اعوذ بک ان اکون من

چیز توانائی پناه می برم بتو از آنکه باشم از

الذین لا یرجون ایامک فاعذنی یا الهی برحمتک من ذلک

آنجماعت که امید ندارند روزهای ترا پس پناه ده مرا ای خدای من بمهربانی خود از این

چون چنین کنی این عمل بهترست از برای تو از حجهای بسیار و عمرهای بسیار که مال بسیار

در آنها صرف نمائی و بدن خود را در آنها در تعب افکنی و از اهل و عیال خود و فرزندان خود جدا

شوی و بدانکه کسیکه این نماز را در این روز بکند و این دعا را بخواند از روی اخلاص و این

عمل را بیقین و تصدیق بجا آورد حقتعالی ده خصلت باو عطا کند که از جملهٔ آنها اینست که او را

از هر رنجها حفظ کند مانند غرق شدن و سوختن و در زیر عمارت ماندن و امثال اینها و مردم

دشمن برا و مسلط نکرده و نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی از خود و فرزندانش تا چهار پشت

و شیطان او و دوستان و یاوران شیطان را مسلط نکرداند بر او و بر نسل او تا چهار پشت

زیارت دیگر زیارتیست که مشتمل ست بر زیارت شهدا و متضمن تعزیت حضرت

رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم ست و مناسب ست که در این روز

خوانده شود و اگر در آخر روز خوانده شود شاید انسب باشد و زیارت اینست

السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السلام علیک یا وارث

سلام بر تو باد ای وارث آدم برگزیدهٔ خدا سلام بر تو باد ای وارث

نوح نبی الله السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام علیک

نوح نبی خدا سلام بر تو باد ای وارث ابراهیم دوست خدا سلام بر تو باد

يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللهِ

ای وارث موسی هم سخن خدا سلام برتو باد ای وارث عیسی روح خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيٍّ

سلام برتو باد ای وارث محمد دوست خدا سلام برتو باد ای وارث علی

اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الشَّهِيدِ سِبْطِ رَسُولِ اللهِ

امیر مومنان سلام برتو باد ای وارث حسن شهید فرزندزاده پیغمبر خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ وَابْنِ

سلام برتو باد ای پسر پیغمبر خدا سلام برتو باد ای پسر بشارت دهنده و ترساننده و پسر

سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ

سردار اوصیا سلام برتو باد ای پسر فاطمه سرور زنان عالمیان سلام

عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللهِ وَابْنَ خِيَرَتِهِ السَّلَامُ

برتو باد ای اباعبدالله سلام برتو باد ای برگزیده خدا و پسر برگزیده او سلام

عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللهِ وَابْنَ ثَارِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ السَّلَامُ

برتو باد ای خون طلب خدا و پسر خون طلب او سلام برتو باد ای وتر موتور سلام

عَلَيْكَ اَيُّهَا الْاِمَامُ الْهَادِي الزَّكِيُّ وَعَلَى اَرْوَاحٍ حَلَّتْ بِفِنَائِكَ

برتو باد ای امام رهنما پاک و بر ارواحی که فرود آمدند بکرد خانه تو

وَاَقَامَتْ فِي جِوَارِكَ وَوَفَدَتْ مَعَ زُوَّارِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنِّي مَا بَقِيتُ

و جا گرفته اند در همسایگی تو و وارد شده اند با زیارت کنندگان تو سلام برتو باد از جانب من تا وقتیکه باقی ام

وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِكَ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّ الْمُصَابُ فِي الْمُؤْمِنِينَ

و باقیست شب و روز پس بدرستیکه بتحقیق بزرگ شده است بسبب تو مصیبت و عظیم شده است مصیبت در میان مومنان

وَالْمُسْلِمِينَ وَفِي اَهْلِ السَّمٰوَاتِ اَجْمَعِينَ وَفِي سُكَّانِ الْاَرَضِينَ

و در مسلمانان و در اهل آسمانها همه ایشان و در ساکنان زمین ها

فانا لله وانا الیه راجعون وصلوات الله وبرکاته وتحیاته علیک وعلی

پس بدرستیکه ما منقادیم خدا را و بسوی او بازگشت ما و درود های خدا و برکتهای او و تحفه های او بر تو باد و بر

آبائک الطیبین المنتجبین وعلی ذراریهم الهداة المهدیین السلام علیک

پدران تو که پاکان و برگزیدگانند و بر فرزندان ایشان که راه نمایان راه یافتگانند سلام بر تو باد

یا مولای وعلیهم وعلی روحک وعلی ارواحهم وعلی تربتک وعلی تربتهم

ای آقای من و بر ایشان و بر روح تو و بر ارواح ایشان و بر تربت تو و بر تربت ایشان

اللهم لقهم رحمة ورضوانا وروحا وریحانا السلام علیک یا مولای

خداوندا ملاقات کن ایشان را رحمت و خوشنودی و روح و راحت و بوی خوش جنت سلام بر تو باد ای مولای من

یا ابا عبد الله یا ابن خاتم النبیین ویا ابن سید الوصیین ویا ابن

ای اباعبدالله ای پسر آخر پیغمبران و ای پسر سرور اوصیا و ای پسر

سیدة نساء العالمین السلام علیک یا شهید یا ابن الشهید یا اخا الشهید

سرور زنان عالمیان سلام بر تو باد ای شهید ای پسر شهید ای برادر شهید

یا ابا الشهداء اللهم بلغه عنی فی هذه الساعة وفی هذا الیوم وفی هذا

ای پدر شهیدان خداوندا برسان او را از جانب من در این ساعت و در این روز و در این

الوقت وفی کل وقت تحیة کثیرة وسلاما سلام الله علیک ورحمة

وقت و در هر وقت درود بسیار و سلام بسیار سلام خدا بر تو باد و رحمت

الله وبرکاته یا ابن سید العالمین وعلی المستشهدین معک سلاما

خدا و برکتهای او ای پسر سرور عالمیان و بر آنها که دریافتند شهادت را با تو سلامی

متصلا ما اتصل اللیل والنهار السلام علی الحسین بن علی الشهید

پیوسته مادامیکه پیوسته شود شب و روز سلام بر حسین پسر علی شهید

السلام علی علی بن الحسین الشهید السلام علی عباس بن امیر المؤمنین

سلام بر علی پسر حسین شهید سلام بر عباس پسر پادشاه مؤمنان

از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که ظلمی بر کسی بکند حق تعالی برانگیزد کسی را که ظلم کند بر او یا بر فرزندان او یا فرزندان فرزندان او و در حدیث دیگر است که هر که حق مؤمنی را حبس کند حق تعالی در قیامت او را پانصد سال بر پا دارد

الشَّهِيدِ اَلسَّلامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلامُ عَلَى

شهید سلام بر شهیدان از فرزندان امیر المؤمنین علیه السلام سلام بر

الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ اَلسَّلامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ اَلسَّلامُ

شهیدان از فرزندان امام حسن سلام بر شهیدان از اولاد حسین ع سلام

عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ وَعَقِيلٍ اَلسَّلامُ عَلَى كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مَعَهُمْ مِنَ

بر شهیدان از اولاد جعفر و عقیل سلام بر هر که در یافته شهادت را با ایشان از

الْمُؤْمِنِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلاماً

اهل ایمان ای خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد و برسان ایشان از من تحیت بسیار و سلام

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ اَحْسَنَ اللهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ اَلسَّلامُ

سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا نیکو گرداند خدا برای تو عزا را در حق فرزند تو حسین سلام

عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةُ اَحْسَنَ اللهُ لَكِ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكِ الْحُسَيْنِ عليه السلام اَلسَّلامُ

بر تو باد ای فاطمه نیکو گرداند خدا برای تو عزا را در حق فرزند تو حسین سلام بر تو باد

يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اَحْسَنَ اللهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ اَلسَّلامُ

ای امیر مؤمنان نیکو گرداند خدا ترا صبر را در حق فرزند تو حسین سلام

عَلَيْكَ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ اَحْسَنَ اللهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي اَخِيكَ الْحُسَيْنِ يَا مَوْلايَ

بر تو باد ای ابو محمد حسن نیکو گرداند خدا مر ترا صبر در حق برادرت حسین ای آقای من

يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اَنَا ضَيْفُ اللهِ وَضَيْفُكَ وَجَارُ اللهِ وَجَارُكَ وَلِكُلِّ

ای ابو عبد الله من مهمان خدا و مهمان توام و پناه گیرنده خدا و پناه گیرنده توام و از برای هر

ضَيْفٍ وَجَارٍ قِرىً وَقِرَايَ فِي هٰذَا الْوَقْتِ اَنْ تَسْأَلَ اللهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى

مهمان و پناه گیرنده ضیافتی است و احسانی و ضیافت و احسان من در این وقت آنست که بطلبی از خدای سبحانه و تعالی

اَنْ يَرْزُقَنِي فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اِنَّهُ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ

اینکه روزی کند مرا رهائی گردن من از آتش بدرستی که او شنونده دعا است نزدیک و اجابت کننده

و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که در شب بیست و یکم ماه محرم زفاف حضرت فاطمه بحضرت
امیر المؤمنین علیهما السلام واقع شد باید که آن روز را بجا آورند شکراً این نعمت عظمی شیعیان
روزه بدارند و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که در روز بیست و پنجم ماه محرم اصحاب
فیل بجهت خراب کردن کعبه آمده بودند بکشتند و عذاب بر ایشان نازل شد و روز
بیست و پنجم این ماه حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعالم اعلی رحلت نمودند
در اعمال ماه صفر بدانکه این ماه مشهور است بنحوست و وجهی تواند داشت اول آنکه موافق
قول علمای شیعه وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم در این ماه واقع
شده است دوم آنکه در سه ماه متوالی که ماه حرام است اعراب ترک قتال میکردند و در این ماه
شروع بقتال میکردند لهذا نحس شمرده اند و در احادیث شیعه ندیده ام چیزی که دلالت بر نحوست کند
و در روایت غیر معتبره عامه وارد شده است و سید ابن طاوس رضی الله عنه در بعضی از کتب
معتبره روایت کرده است که در روز سوم این ماه مستحب است که دو رکعت نماز بجا آورند و در رکعت
اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخوانند و در رکعت دوم سوره توحید و بعد از سلام صد مرتبه بگویند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ و صد مرتبه اَللّٰهُمَّ الْعَنْ

بار خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد — بار خدایا لعنت کن

اٰلَ اَبِیْ سُفْیَانَ و صد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّیْ وَ اَتُوْبُ اِلَیْهِ

اولاد ابی سفیان را — طلب آمرزش میکنم از خدا و بازگشت میکنم بسوی او

و روز بیستم این ماه مشهور است بروز اربعین یعنی روز چهلم شهادت حضرت سید الشهدا
صلوات الله علیه و در کتب معتبره از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده اند
که علامات مؤمن پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت فریضه و نافله و زیارت
اربعین و انگشتر در دست راست کردن و جبین را در سجده بر خاک گذاشتن و بسم الله
الرحمن الرحیم بلند گفتن و کیفیت زیارت اربعین بسند معتبر منقول است از صفوان جمال که گفت مولای من حضرت
صادق علیه السلام بمن گفت در زیارت اربعین که ...

السلام على ولي الله وحبيبه السلام على خليل الله ونجيبه السلام على

سلام باد بر ولی خدا و دوست او سلام باد بر دوست خدا و برگزیده او سلام باد بر

صفي الله وابن صفيه السلام على الحسين المظلوم الشهيد السلام على

برگزیده خدا و پسر برگزیده او سلام باد بر حسین ستم رسیده شهید سلام باد بر

اسير الكربات وقتيل العبرات اللهم اني اشهد انه وليك وابن

گرفتار اندوهها و کشته سرشکها بار خدایا بدرستیکه من گواهی میدهم باینکه او دوست تو و پسر

وليك وصفيك وابن صفيك الفائز بكرامتك اكرمته بالشهادة و حبوته

دوست تو و برگزیده تو و پسر برگزیده تو واصل بکرامت تست اکرام کردی او را بشهادت و مخصوص گردانیدی او را

بالسعادة واجتبيته بطيب الولادة وجعلته سيدا من السادة

بسعادت و برگزیدی او را بپاکی ولادت و گردانیدی او را سروری از سروران

وقائدا من القادة وذائدا من الذادة واعطيته مواريث الانبياء

و پیشوای از پیشوایان و راننده از رانندگان و بخشیدی او را میراث پیغمبران

وجعلته حجة على خلقك من الاوصياء فاعذر في الدعاء ومنح النصح

و گردانیدی او را حجت بر خلق خود از جمله وصیت کرده شدگان پس تمام کرد در خواندن خلق عطا کرد نصیحت را

وبذل مهجته فيك ليستنقذ عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة

و صرف کرد جان خود را در راه تو تا برهاند بنده‌های ترا از نادانی و حیرانی و گمراهی

وقد توازر عليه من غرته الدنيا وباع حظه بالارذل الادنى وشرى

بتحقیق شدت کرد بر او کسی که فریفته است او را دنیا و فروخته بهره خود را بچیزی زبون تر و کمتر و فروخته است

آخرته بالثمن الاوكس وتغطرس وتردى في هواه واسخطك واسخط

آخرت خود را بقیمت بسیار ناقص و کم و تکبر نموده و افتاده است در خواهش خود و در غضب آورد ترا و در غضب آورد

نبيك واطاع من عبادك اهل الشقاق والنفاق وحملة الاوزار

پیغمبر ترا و اطاعت کرده از بنده‌های تو اهل مخالفت و نفاق را و بردارندگان گناهان را

الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِراً مُحْتَسِباً حَتَّى سُفِكَ فِي طَاعَتِكَ

که مستوجب آتش دوزخ اند پس مجاهده نمود با ایشان در راه تو صبرکنان اجرجویان تا ریخته شد در فرمان برداری تو

دَمُهُ وَاسْتُبِيحَ حَرِيمُهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبِيلاً وَعَذِّبْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً السَّلَامُ

خون او و مباح کرده شد حریم او بارخدایا لعنت کن ایشان را لعنتی سخت و عذاب کن ایشان را عذابی دردناک سلام

عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ

بر تو ای پسر پیغمبر خدا سلام باد بر تو ای پسر سرور وصیت شدگان گواهی میدهم اینکه تو

أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيداً وَمَضَيْتَ حَمِيداً وَمُتَّ فَقِيداً مَظْلُوماً

امانت دار خدائی و پسر امانت دار اوئی زندگانی کردی در حالت نیکبختی و گذشتی در حالت ستودگی و مردی در حالتی که گم شده ستم رسیده

شَهِيداً وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكَ مَا وَعَدَكَ وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَذِّبٌ

شهید و گواهی میدهم بدرستیکه خدا وفا کننده است برای تو آنچه وعده کرده است ترا و هلاک کننده است کسی که خوار کرده ترا و عذاب کننده

مَنْ قَتَلَكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ

کسی که کشته ترا و گواهی میدهم بدرستیکه تو وفا کردی بعهد خدا و مجاهده نمودی در راه خدا تا آنکه آمد ترا

الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ

مرگ پس لعنت کند خدا کسی را که کشت ترا و لعنت کند خدا کسی را که ستم کرد بر تو و لعنت کند خدا گروهی را که شنید

بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ

این خبر پس خوشنود شد بآن بارخدایا بدرستیکه من گواه میگیرم ترا بدرستیکه من دوستم مر کسی را که دوست داردش و دشمنم مر کسی را که دشمن داردش

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ

پدر و مادرم فدای تو باد ای پسر پیغمبر خدا گواهی میدهم بدرستیکه تو بودی نوری در پشتهای بلند

وَالْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمَّاتُ

و رحمهای پاک ناپاک نکرد ترا نادانی بناپاکیهای خود و نپوشانید ترا تاریکیها

مِنْ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ

از جامه‌های خود و گواهی میدهم بدرستیکه تو از ستونهای دین و ستونهای مسلمین و جای پناه مؤمنین هستی

وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَاَشْهَدُ

و گواهی میدهم بدرستیکه تو امام نیکوکار پرهیزکار پاک راه نماینده راه یافته و گواهی میدهم

اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوٰى وَاَعْلَامُ الْهُدٰى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقٰى

اینکه امامان از اولاد تو سخن پرهیزکاری و نشانهای هدایت و دست آویز محکم

وَالْحُجَّةُ عَلٰى اَهْلِ الدُّنْيَا وَاَشْهَدُ اَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ

و حجت بر اهل دنیا اند و گواهی میدهم بدرستیکه من بشما ایمان دارنده ام و بباز آمدن شما یقین دارنده ام

دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَاَمْرِي لِاَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي

دین خود و خاتمه های عمل خود و دل من دل شما را تسلیم شده است و امر من امر شما را تابع و یاری کردن من

لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّٰى يَاْذَنَ اللّٰهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوَاتُ اللّٰهِ

برای شما مهیا کرده شده است تا اذن دهد خدا مر شما را پس با شماام با شماام نه با دشمن شما درودهای خدا

عَلَيْكُمْ وَعَلٰى اَرْوَاحِكُمْ وَاَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ

بر شما باد و بر جانهای شما و تنهای شما و حاضر شما و غائب شما و آشکار شما

وَبَاطِنِكُمْ اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

و پنهان شما قبول کن ای پروردگار عالمیان

دو رکعت نماز بگذار [illegible]

کن [illegible]

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضٰى

سلام بر تو باد ای پسر پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای پسر علی مرتضی

وَصِيِّ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

وصی رسول خدا سلام بر تو باد ای پسر فاطمه زهرا سیده زنان عالمیان

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَخَا الْحَسَنِ الزَّكِيِّ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ

سلام بر تو باد ای برادر امام حسن پاک سلام بر تو باد ای حجت خدا و فرزند

وَشَاهِدَةٌ عَلَى خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ

و گواه او بر خلق او سلام بر تو باد ای ابو عبد الله شهید سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَآتَيْتَ

بر تو ای مولای من و ای پسر مولای من گواهی میدهم من بدرستیکه تو برپا داشتی نماز را و دادی

الزَّكٰوةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللهِ

زکوة را و امر کردی بکار خوب و نهی کردی از کار زشت و مجاهده نمودی در راه خدا

حَتّٰى أَتَاكَ الْيَقِينُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ أَتَيْتُكَ

تا آمد ترا مرگ و گواهی میدهم من بدرستیکه تو بر حجتی هستی از جانب پروردگار خود آمدم ترا

يَا مَوْلَايَ زَائِرًا وَافِدًا رَاغِبًا مُقِرًّا لَكَ بِالذُّنُوبِ هَارِبًا إِلَيْكَ

ای مولای من حالتیکه زیارت کننده ام وارد شونده ام خواهش نماینده ام اقرار کننده ام بگناهان

مِنَ الْخَطَايَا لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ

از گناهان تا شفیع شوی از برای من نزد پروردگار خود ای پسر پیغمبر خدا درود فرستد خدا

حَيًّا وَمَيِّتًا فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ مَقَامًا مَعْلُومًا وَشَفَاعَةً مَقْبُولَةً

در حالت زندگی و مردگی پس بدرستیکه مر تراست نزد خدا مقامی معلوم و شفاعتی مقبول کرده شده

لَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ حَرَمَكَ وَغَصَبَ حَقَّكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ

و لعنت کند خدا کسی را که ستم کرد بر تو و لعنت کند کسی را که محروم گردانید ترا و غصب کرد حق تو و

قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ خَذَلَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ دَعَوْتَهُ فَلَمْ يُجِبْكَ وَ

کشته است ترا و لعنت کند خدا کسی را که یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا کسی را که خواندی او را پس اجابت نکرد ترا و

لَمْ يُعِنْكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ حَرَمِ اللهِ وَحَرَمِ رَسُولِهِ وَحَرَمِ أَبِيكَ

یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا کسی را که مانع شد ترا از حرم خدا و حرم پیغمبر او و حرم پدر ترا

وَأَخِيكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ شُرْبِ مَاءِ الْفُرَاتِ لَعْنًا كَثِيرًا

و برادر تو و لعنت کند خدا کسی را که مانع شد ترا از آشامیدن آب فرات لعنت بسیار

يَتْبَعُ بَعْضُهَا بَعْضاً اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

که در پی می آید بعض آن بعض را خداوندا ای پیدا کننده آسمانها و زمین و دانای پنهان و آشکار

أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا

تو حکم میکنی میان بنده های خود در آنچه بودند که در آن اختلاف میکردند و عنقریب خواهند دانست آنانکه ستم کرده اند

أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ وَارْزُقْنِيهِ

که بکدام جا بازگشت میکنند بار خدایا مگردان این وقت را آخرین عهد از زیارت او و روزی کن آنرا بمن

أَبَداً مَا بَقِيتُ وَحَيِيتُ يَا رَبِّ وَإِنْ مُتُّ فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

همیشه مادام که باقی ام و زنده ام ای پروردگار من و اگر بمیرم پس حشر کن مرا در گروه او ای بخشنده ترین بخشندگان

و اگر زیارت آخر روز عاشورا درین روز نیز بخوانند مناسبت و بدانکه مشهور آنست که سبب تأکید زیارت آنحضرت درین روز آنست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام با سایر اهل بیت درین روز بعد از مراجعت از شام وارد کربلای معلی شدند و سرهای مقدس شهدا را به بدنهای مطهر ایشان ملحق کردند و این بسیار بعیدست از جهات بسیار که ذکر آنها موجب تطویل است و بعضی گفته اند که درین روز اهل بیت علیهم السلام وارد مدینه طیبه شدند و این نیز بسیار بعیدست و بعضی گفته اند که شاید امام زین العابدین علیه السلام بطی الارض مخفی بکربلا رفته باشند از شام و سرها را به بدنها ملحق کرده باشند و این ممکنست و آثار و اخباری درین باب بنظر نرسیده بلکه بعضی از روایات منافاتی فی الجمله با این دارد و وجهی که از احادیث ظاهر می شود آنست اول کسیکه از صحابه حضرت رسالت پناه صلعم بزیارت آنحضرت مشرف شد جابر بن عبد الله انصاری بود و او درین روز بکربلا رسید و آنحضرت را با شهدا زیارت کرد و چون جابر از اکابر صحابه بود و اساس این امر عظیم را گذاشت می تواند بود که سبب مزید فضل زیارت آنحضرت درین روز شده باشد و شاید وجوه دیگر داشته باشد که بر ما مخفی باشد چون فرموده اند که درین روز زیارت کنیم باید کرد و تفحص سبب آن ضرور نیست و مشهور میان علمای امامیه آنست که وفات حضرت سید انبیا صلعم در بیست و هشتم ماه صفر واقع شد و شیخ طوسی و جمعی دیگر گفته اند

که شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام نیز درین روز واقع شد پس قیام مراسم تعزیت این دو بزرگوار
و زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسبت بدانکه در میان عوام بلکه خواص نحوست چهارشنبه
آخر ماه صفر شهرت دارد و در کتب معتبرهٔ عامه و خاصه چیزی که دلالت برین کند بنظر نرسیده
احادیث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصا چهارشنبه آخر ماه وارد شده است و چون اینماه بنابر اسبابیکه
مذکور شد فی الجمله نحوستی دارد ممکن است که چهارشنبه آخر آن از سایر چهارشنبه‌ها نحوستش بیشتر باشد
اگر در ان روز از قبیل احتراز از طیره استدفاع بلایا بصدقات و ادعیه و استعاذات که از
ائمه صلوات الله علیهم وارد شده است بکنند و توکل نمایند بر جناب مقدس الهی که آن کفارهٔ
طیره است مناسبت و اگر بلای متوجه باشد باینها دفع می‌شود نه آنکه بروش جهال عجم
متابعت مجوسان کنند و بلهو و لعب و سرور و سور و ساز و اعمال قبیحه مشغول شوند که موجب
مزید استحکام قضاهای آسمانی و تقدیرات ربانی گردد

باب هشتم

در فضائل ایام و اعمال ماه ربیع الاول است و در آن دو فصل است **فصل اول** در فضیلت
و اعمال روز اول است تا روز شانزدهم شیخ مفید و شیخ طوسی و دیگران رضی الله عنهم گفته اند
که حضرت رسالت پناه صلعم در شب اول ماه ربیع الاول اراده هجرت نمود از مکه معظمه بسوی مدینه
مشرفه و در ان شب بغار رفت و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام جان شریف خود را
فدای جان مقدس حضرت رسول صلعم کرده در جای آن حضرت خوابید و از شمشیرهای کین
قبائل مشرکین پروا نکرد و فضل او بر جمیع است بلکه بر جمیع عالمیان یکسان ظاهر گردید حق تعالی
با ملائکه سموات بآن حضرت مباهات نمود و این آیه کریمه

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ

در شان او نازل شد چنانچه تفصیلش در حیات القلوب مذکور است و چون حق تعالی آن دو جان
مقدس را از کید کافران حفظ کرد گفته اند که روزش را که روز اول ماه ربیع الاول است
مستحب است که برای شکر این نعمت عظمی روزه بدارند هرچند علما درین روز زیارت ذکر نکرده اند

عیدیست و آن روز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله عیدهای مومنان چهار است
عید فطر و عید اضحی و عید غدیر و روز جمعه آن مرد گفت که احمد بن اسحق از حضرت امام علی
علیه السلام روایت میکند که امروز روز عیدیست و بهترین عیدهاست نزد اهل بیت
و شیعیان ایشان گفتیم حضرت طلب نماید به نزد او آئیم چون آن مرد خبر کرد بیرون آمد
با نکی بسته و عبای خود پیچیده بود و بوی مشک از او ساطع بود گفتیم که این چه حالت
که در تو مشاهده میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شده ام گفتیم که امروز عیدیست گفت بلی
و ما را بخانه خود درآورد و بر روی کرسی نشاند گفت روزی با جمعی از برادران خود به خدمت مولای خود
حضرت امام حسن عسکری علیه السلام رفتیم در سر من رای در مثل این روز که شما به نزد من آمده‌اید
چون حضرت رفتیم و بخدمت آنحضرت رسیدیم دیدیم که حضرت مجلس خود را آراسته و مجمره در
پیش خود گذاشته است و بدست مبارک خود عود در آن مجمره می‌اندازد و مجلس خود را معطر
گردانیده است و بر غلامان و خدمتکاران خود جامه‌های فاخره پوشانیده است گفتیم یا ابن
رسول الله پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت امروز فرحی تازه شده است
حضرت فرمود که امروز روز حرمتش از این روز نزد اهل بیت عظیم‌تر نیست بدرستیکه خبر داد مرا
پدرم علیه السلام که حذیفة بن الیمان در روز نهم ربیع الاول داخل شد بر جدم رسول خدا
گفت که دیدم حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهم اجمعین
با حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله طعام تناول می‌نمودند و حضرت تبسم بروی ایشان
می‌نمود و با امام حسن و امام حسین علیهما السلام میگفت که بخورید گوارا باد بر شما
برکت و سعادت این روز بدرستیکه این روزیست که حقتعالی هلاک میکند در این روز دشمن خود و دشمن
شما را و مستجاب میگرداند در این روز دعای مادر شما را بخورید که این روزیست که حق تعالی
قبول میکند اعمال شیعیان و محبان شما را در این روز بخورید که این روزیست که ظاهر شد
راستی گفته خدا که میفرماید فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا یعنی اینست خانه‌های
ایشان که ویران است بسبب ستمهای ایشان بخورید که این روزیست که شکسته شد

و درین روز شکست دشمن جد شما و یاری کننده دشمن جد شما و یاری کننده دشمن شما بخورید که این روز

که هلاک شد و درین روز فرعون اهل بیت من و ستم کننده بر ایشان و غصب کننده حق ایشان

بخورید که این روزیست که حق تعالی عملهای دشمنان شما را باطل و هبا کرده اند حذیفه گفت که من گفتم

یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی خواهد بود که هتک این حرمتها نماید حضرت فرمود که ای حذیفه

بتی از منافقان بر ایشان سرکرده خواهد شد و دعوی ریاست در میان ایشان خواهد کرد و مردم را

بسوی خود دعوت خواهد نمود و تازیانهٔ ظلم و ستم را بر دوش خود خواهد گرفت و مردم را از راه خدا

منع خواهد کرد و کتاب خدا را تحریف خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث فرزند مرا متصرف

خواهد شد و خود را پیشوای مردم خواهد خواند و زیادتی بر وصی من علی ابن ابیطالب خواهد کرد و مالهای

خدا را به ناحق بر خود حلال خواهد کرد و در غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا و برادر من و وزیر من

علی را بدروغ نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد کرد و اینده پس دختر من او را نفرین خواهد

کرد و حق تعالی نفرین او را درین روز مستجاب خواهد کرد و حذیفه گفت یا رسول الله چرا دعا نمیکنی

که حق تعالی او را در حیات تو هلاک کند حضرت فرمود که ای حذیفه دوست نمیدارم که جرأت کنم بر

قضای خدا و از و طلب کنم تغییر امری را که در علم او گذشته است و لیکن از حق تعالی سوال کردم که

فضیلت دهد آن روز را که چهار آن روز او جهنم میرود بر سایر روزها تا آنکه احترام آن سنتی گردد

در میان دوستان من و شیعیان اهل بیت من پس حق تعالی وحی کرد بسوی من که ای محمد

در علم سابق من گذشته است که برسد بتو و اهل بیت تو محنتها و بلاهای دنیا و ستمهای منافقان

و غصب کنندگان از بندگان من آن منافقان که تو خیرخواهی ایشان کردی و با تو خیانت کردند

و تو با ایشان راستی کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان صاف بودی و ایشان دشمنی

ترا بدل گرفتند و تو ایشان را خشنود کردی و ایشان ترا تکذیب کردند و تو ایشان را برگزیدی

و ایشان ترا در بلیه گذاشتند و قسم یاد میکنم بحول و قوت و پادشاهی خود که البته بگشایم

بر روی کسی که غصب کند حق علی را که وصی تست بعد از تو هزار در از پست ترین طبقات جهنم که آن را

فیلوق می گویند و او و اصحاب او را و او در قعر جهنم جا دهم که شیطان از مرتبهٔ خود بر او مشرف شود

واو را لعنت کند و آن منافق را در روز قیامت عبرتی گردانم برای فرعونها که در زمانهای پیغمبران دیگر بودند و برای سایر دشمنان دین و ایشان را و دوستان ایشان را بسوی جهنم برم با دیدهای کبود و روها سیاه با نهایت مذلّت و خواری و پشیمانی ایشان را ابد الآباد و در عذاب خود بدارم ای محمّد نمیرسد علی بمنزلت تو مگر با آنچه میرسد با و از بلاها از فرعون او و غصب کننده حق او که جرأت میکند بر من و کلام مرا بدل میکند و شرک بمن می آورد و مردم را منع میکند از راه رضای من و گوساله از برای امت تو برپا میکند که آن ابو بکر است و کافر میشود بمن و بعرش عظمت و جلال من بدرستیکه من امر کرده ام ملائکه هفت آسمان خود را که برای شیعیان و محبان دین شما عید کنند آن روزی را که آن ملعون کشته میشود و امر کردم ایشان را که کرسی کرامت مرا نصب کنند در برابر بیت المعمور و ثنا کنند بر من و طلب آمرزش نمایند برای شیعیان و محبان شما از فرزندان آدم و امر کردم ملائکه نویسندگان اعمال را که از این روز تا سه روز قلم از مردم بردارند و ننویسند گناهان ایشان را برای کرامت تو و وصی تو ای محمّد این روز را عیدی گردانیدم برای تو و اهل بیت تو و برای هر که تابع ایشان باشد از مومنان و شیعیان ایشان و سوگند یاد میکنم بعزّت و جلال خود و علو منزلت و مکان خود که عطا کنم کسی که عید کند این روز را از برای من ثواب آنها که بدور عرش احاطه کرده اند و قبول کنم شفاعت او را در خویشان او و زیاده کنم مال او را اگر گشادگی دهد بر خود و بر عیال خود در این روز و هر سال در این روز هزار هزار کس از موالیان و شیعیان شما را از آتش جهنم آزاد گردانم و اعمال ایشان را قبول کنم و گناهان ایشان را بیامرزم حذیفه گفت که پس برخاست حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و بخانه ام سلمه رفت و من برگشتم و صاحب یقین بودم در کفر عمر تا آنکه بعد از وفات رسول دیدم که او چه فتنه ها برانگیخت و کفر اصلی خود را اظهار کرد و از دین برگشت و دامان بیحیائی در وقاحت برای غصب امامت و خلافت بر زد و قرآن را تحریف کرد و آتش در خانه وحی و رسالت زد و بدعتها در دین خدا پیدا کرد و ملت پیغمبر را تغییر داد و سنّت آنحضرت را بدل کرد و شهادت حضرت امیر المؤمنین را رد کرد و فاطمه دختر رسول خدا را بدروغ نسبت داد و فدک را غصب کرد و یهود و نصاری و مجوس را از خود راضی کرد و نور دیده مصطفی را بخشم آورد و جمیع اهل بیت رسالت ...

مومنانست و روز عید اهل بیت ست و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل بر فرعونست و روز مقبول
شدن اعمال شیعیانست و روز پیش فرستادن تصدقاتست و روز زیادتی مثوباتست و روز
قتل منافق ست و روز وقت معلوم ست و روز سرور اهل بیت ست و روز مشهود ست و روز
قهر بر دشمن ست و روز خراب شدن بنیان ضلالت ست و روزیست که ظالم انگشت ندامت
بدندان میگزد و روز تنبیه و روز شرف ست و روز خنک شدن دلهای مومنانست و روز
شهادتست و روز درگذشتن از گناه مومنان ست و روز تازگی بوستان اهل ایمانست
و روز شیرینی کام ایشانست و روز خوشی دلهای مومنانست و روز برطرف شدن پادشاهی
منافقانست و روز توفیق اهل ایمانست و روز رهائی مومنانست از شر کافران و روز تظاهرست
ست و روز مفاخرتست و روز قبول اعمالست و روز تبجیل و تعظیم ست و روز نحله و عطاست
و روز شکر حق تعالی ست و روز یاری مظلومانست و روز زیارت کردن مومنانست
و روز محبت کردن با ایشانست و روز رسیدن رحمتهای الهی ست و روز پاک گردانیدن
اعمال ست و روز فاش کردن رازهاست و روز برطرف شدن بدعتهاست و روز ترک
گناهان کبیره است و روز ندا کردن بحق ست و روز عبادتست و روز موعظت و نصیحتست
و روز انقیاد پیشوایان دین ست حذیفه گفت که پس از خدمت امیر المومنین علیه السلام برخاستم و گفتم
اگر در نیابم از افعال خیر و آنچه امید ثواب از آن دارم مگر محبت این روز و دانستن فضیلت
این را هر آینه منتهای آرزوی من خواهد بود پس محمد و یحیی راویان حدیث گفتند که چون
این حدیث را از احمد بن اسحق شنیدیم هر یک برخاستیم و سرش را بوسیدیم و گفتیم حمد و شکری
کنیم خداوندی را که نصیحت ترا ارسال تا آنکه فضیلت این روز را بما رسانید پس بخانه ها
خود برگشتیم و این روز را عید کردیم صاحب کتاب زوائد الفوائد گفته است که این حدیث را از خط علی
بن محمد بن طی رحمه الله نوشتیم و در کتب دیگر تتبع کردیم چند حدیث دیگر موافق این یافتیم
بر این روایت نمودیم و منظور آنست شیعیان که این روز را تعظیم نمایند و اظهار سرور و شادی
در این روز بکنند شیخ ابراهیم بن علی الکفعمی در مصباح گفته است که صاحب کتاب مسار الشیعه ذکر کرده است

که هر که در روز نهم ماه ربیع الاول چیزی انفاق کند حق تعالی گناهان او را بیامرزد و مستحب است در این روز اطعام برادران مومن و خوشبو گردانیدن ایشان و توسعه دادن بر عیال خود و پوشیدن جامه های نو و شکر و عبادت حق تعالی و این روز برطرف شدن غمهاست و روز روزه نیست

مولف گوید که از نقل این بزرگواران معلوم شد که بر فضیلت این روز و فرح این قضیه مبارک که در آن احادیث بسیار وارد شده است و در اعصار سابقه میان شیعه مشهور بوده است و بر خلافش روایتی بنظر این قاصر نرسیده است و اتفاق مورخان عامه با احادیث معتبره منافاتی ندارد و اگر کسی استبعاد کند که چنین واقعه عظیمی که سبب جمعی کرده چون می تواند بود که مضبوط نماند جوابش آنست که این واقعه از واقعه وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و شهادت حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه عظیم تر نیست و در هر یک از اینها خلاف میان خاصه و عامه است و در واقعه اول اتفاق دارند عامه بر خلاف آنچه مختار شیعه است و اگر گویند که با عجب از قراین ایشان در بنجا نیست جواب میگوییم که شبهه در هر دو جاست و باعث قوی در اینجا هست زیرا که ممکن است که برای رفع شماتت شیعیان اخفای آن نموده باشند و علی ای حال چون مدار علمای خاصه و عامه آنست که در مستحبات باحادیث ضعیفه متمسک میشوند بنابر احادیث صحیحه که از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده است که هر که ثوابی از خدا باو برسد بر عملی و آنرا بجا آورد آن ثواب داده میشود و هر چند چنان نباشد که باو رسیده است پس اگر اعمال این روز را که نقل از شایع وارد شده باشد و مخالفتی با آیات و اخبار نداشته باشد کسی بعمل آورد خوب خواهد بود و مستحق ثواب خواهد بود و بعضی میگویند که عمر ابن سعد علیه اللعنة در این روز بجهنم واصل شد اگر چنین باشد این شرافت نیز برای آن کافی است و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که در روز دهم این ماه حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله خدیجه کبری رضی الله عنها را تزویج نمودند و مستحب است برای شکر این مواصلت عظیم البرکة شیعیان روزه بدارند و گفته است که در روز دوازدهم این ماه حضرت رسول صلی الله علیه و آله داخل مدینه طیبه شد و از شر دشمنان ایمن گردید و باین جهت روز مبارکی است و ایضا دولت بنی مروان که از بقیه بنی امیه و از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بودند در این روز به نهایت رسید

وزایل کردید و این نیز فضیلت دیگرست برای این روز و اکثر شیعیان ولادت باسعادت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم درین روز میدانند و محمد بن یعقوب کلینی رحمة الله علیه از علمای
امامیه نیز در کتاب کافی چنین قائل شده است و بعضی از ارباب حساب موافق فحوای بعضی از روایا
این را ظاهر میدانند و اگرچه خلاف مشهور میان علمای امامیه است اما اگر روزه و غسل و زیارت
و سائر اعمال که در روز هفدهم مذکور خواهد شد درین روز بعمل آورند باحتیاط اقربست و سید ابن
طاوس رحمه الله از بعضی علمای عجم روایت کرده است که سنت است که در روز دوازدهم
این ماه دو رکعت نماز بجا آورد و در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون و در رکعت
دوم سه مرتبه قل هو الله احد بخواند و ایضا شیخ مفید و شیخ طوسی رضی الله عنهما روایت کرده اند که
یزید پلید علیه اللعنة در روز چهاردهم این ماه بدرک اسفل جهنم منتقل شده باید که شیعیان این روز
را بر خود مبارک دانند و شکر حق تعالی برای این نعمت عظمی ادا کنند و بعضی روزه این روز
راسنت دانسته اند **فصل دوم** در فضائل و اعمال روز هفدهم این ماه است و مشهور میان علمای شیعه
آنست که ولادت کثیر السعادت حضرت صلی الله علیه و آله وسلم در روز جمعه هفدهم ماه ربیع الاول
واقع شد و در بعضی از روایات وارد شده است که عروج آنحضرت بآسمانها نیز در شب هفدهم
واقع شده است و شب و روزش هر دو مبارکست و در هر دو زیارت حضرت رسالت پناه
و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما مناسبست و علما ذکر کرده اند روزه آن روز فضیلت
بسیار دارد و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که این روز شریفی است و پیوسته فرقه محقه شیعه از
قدیم الایام الی الآن تعظیم آن میکرده اند و حق آن را می شناخته اند و روزه میداشته اند و از
ائمه هدی علیهم السلام روایت کرده اند که هر که این روز را روزه دارد ثواب روزه یکساله برای
او نوشته شود و مستحب است که تصدقات بارباب حاجات بدهند و مومنان و مومنات
را شاد کنند و بزیارت مشاهد مشرفه بروند خصوصا مرقد مطهر حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه و آله و ضریح منور حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و شیخ مفید و شیخ شهید و سید
ابن طاوس رضی الله عنهم گفته اند که چون در غیر مدینه طیبه خواهی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم

بر از زیارت کنی غسل بکن و شبیه بقبر و بر زمین روی خود را بساز و جسم مبارک آنحضرت را
بر آن نبویش است و دل خود را متوجه بحضرت گردان و بگو

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً
گواهی میدهم که نیست معبودی بحق مگر خدای یگانه که نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم بدرستیکه محمد
عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ اَنَّهُ سَیِّدُ الْاَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ وَ اَنَّهُ سَیِّدُ الْاَنْبِیاءِ
بنده او است و فرستاده او است و بدرستیکه او سرور پیشینیان و پسینیان است و بدرستیکه او سرور پیغمبران
وَ الْمُرْسَلِینَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلی اَهْلِ بَیْتِهِ الْاَئِمَّةِ الطَّیِّبِینَ الطّاهِرِینَ
و فرستاده شدگان است بار خدایا رحمت فرست بر او و بر اهل بیت او که امامان پاکان پاکانند
پس بگوید اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خَلِیلَ اللهِ
سلام باد بر تو ای پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای دوست خدا
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا سلام باد بر تو ای برگزیده خدا سلام باد بر تو
یا رَحْمَةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبِیبَ اللهِ اَلسَّلامُ
ای رحمت خدا سلام باد بر تو ای برگزیده خدا سلام باد بر تو ای دوست خدا سلام باد
عَلَیْکَ یا نَجِیبَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خاتَمَ النَّبِیِّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَ
بر تو ای نجیب خدا سلام باد بر تو ای آخر پیغمبران سلام باد بر تو ای سرور
الْمُرْسَلِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا قائِماً بِالْقِسْطِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا فاتِحَ الْخَیْرِ اَلسَّلامُ
فرستادگان سلام باد بر تو ای قائم بعدل سلام باد بر تو ای گشاینده و آغاز نماینده خیر سلام
عَلَیْکَ یا مَعْدِنَ الْوَحْیِ وَ التَّنْزِیلِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُبَلِّغاً عَنِ اللهِ اَلسَّلامُ
بر تو ای کان وحی و قرآن سلام باد بر تو ای تبلیغ نماینده احکام از جانب خدا سلام باد
عَلَیْکَ اَیُّهَا السِّراجُ الْمُنِیرُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُبَشِّرُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَذِیرُ
بر تو ای چراغ روشن هدایت سلام باد بر تو ای بشارت دهنده بثواب سلام باد بر تو ای بیم دهنده

السلام علیک یا منذر السلام علیک یا نور الله الذی یستضاء به

سلام باد بر تو ای ترساننده بعذاب سلام باد بر تو ای نور خدا نوری که روشنی کرفته میشود به او

السلام علیک و علی اهل بیتک الطیبین الطاهرین الهادین المهدیین

سلام باد بر تو و بر اهل بیت تو که پاکان پاکیزکانند راه نمایان راه نموده شدکانند

السلام علیک و علی جدک عبد المطلب و علی ابیک عبد الله السلام

سلام باد بر تو و بر جد تو عبد المطلب و بر پدر تو عبد الله سلام باد

علی امک آمنة بنت وهب السلام علی عمک حمزة سید الشهداء السلام

بر مادر تو آمنه دختر وهب سلام باد بر عموی تو حمزه سرور شهیدان سلام باد

علی عمک و کفیلک ابی طالب السلام علی ابن عمک جعفر الطیار فی

بر عم تو و کفیل تو ابو طالب سلام باد بر پسر عم تو جعفر که پرواز کننده است در

جنان الخلد السلام علیک یا محمد السلام علیک یا احمد السلام علیک

باغهای بهشت سلام باد بر تو ای محمد سلام باد بر تو ای احمد سلام باد بر تو

یا حجة الله علی الاولین و الآخرین و السابق فی طاعة رب العالمین و

ای حجت خدا بر پیشینیان و پسینیان و سبقت کیرنده در طاعت پروردکار عالمیان و

المهیمن علی رسله و الخاتم لانبیائه و الشاهد علی خلقه و الشفیع الیه

کواه بر فرستادکان خدا و خاتم انبیا و شاهد بر خلق او و شفاعت کننده بسوی او

و المکین لدیه و المطاع فی ملکوته الاحمد من الاوصاف المحمد لسائر الاشراف

و صاحب منزلت نزد او و اطاعت کرده شده در عالم غیب او ستوده از جهت صفتها ستایش کرده شده

الکریم عند الرب و المکلم من وراء الحجب الفائز بالسباق و الفائت

کرامی نزد پروردکار و سخن کننده از عقب پرده ها رسنده بسبقت و فائت

عن اللحاق تسلیم عارف بحقک معترف بالتقصیر فی قیامه بواجبک

سلام شناسای حق تو اعتراف نماینده بکوتاهی در قیام

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است که ... هر که برخوری سلام کنی ... از جمله تواضع آنست که سلام کنی بهر که برخوری
جعفر صادق علیه السلام منقول است از سلمان و از حضرت امام
که تحیت فرزند و سلام کردن بر اهل
پس فرمود که افشای سلام آن است
در وقتیکه مردم همه در خواب باشند
افشای سلام بکند و نماز کند در شب
وطعام مردم بخوراند و

غیر منکر ما انتهی الیه من فضلک موقن بالمزیدات من ربک مؤمن
غیر منکر چیزی را که رسیده است باو از فضل تو یقین کننده بافزونی عطایا از جانب پروردگار تو ایمان آرنده
بالکتاب المنزل علیک محلل حلالک محرم حرامک اشهد یا رسول الله
بکتابی که فرستاده شده بر تو حلال کننده حلال ترا حرام دانسته حرام ترا گواهی میدهم ای پیغمبر خدا
مع کل شاهد وانا احملها عن کل جاحد انک قد بلغت رسالات ربک
با هر گواهی دهنده و بر میدارم آنرا از هر کوشش کننده بانکه تو رسانیدی رسالتهای پروردگار خود را
ونصحت لامتک وجاهدت فی سبیل ربک وصدعت بامره واحتملت
نصیحت فرمودی امت خود را و جهاد کردی در راه خدای خود و آشکارا کردی فرمان او را و متحمل شدی
الاذی فی جنبه ودعوت الی سبیله بالحکمة والموعظة الحسنة
اذیت را در مقابل آن و خواندی بسوی راه او بحکمت و وعظ نیکو
الجمیلة وادیت الحق الذی کان علیک وانک قد رؤفت بالمؤمنین
خوب و ادا نمودی حقی را که بود بر تو و بدرستیکه تو بتحقیق مهربانی کردی بمؤمنان
وغلظت علی الکافرین وعبدت الله مخلصا حتی اتاک الیقین فبلغ
و سخت بودی بر کافران و پرستیدی خدا را در حالت خلاص آمد ترا مرگ پس رسانید
الله بک اشرف محل المکرمین واعلی منازل المقربین وارفع درجات
خدا ترا به بزرگتر مکان بزرگ کرده شدگان و بلندترجاهای مقربان و بالاتر مرتبه
المرسلین حیث لا یلحقک لاحق ولا یفوقک فائق ولا یسبقک سابق
فرستاده شدگان جاییکه لاحق نشود ترا لاحقی و برتری نشود ترا برتری و پیشی نگیرد ترا پیشی گیرنده
ولا یطمع فی ادراکک طامع الحمد لله الذی استنقذنا بک من الهلکة
و طمع نمیکند در دریافت مرتبه تو طمع کننده حمد مر خدای را که نجات داد ما را بسبب تو از هلاکت
وهدانا بک من الضلالة ونورنا بک من الظلمة فجزاک الله یا رسول الله
و راه نمود ما را بسبب تو از گمراهی و روشن کرد ما را بسبب تو از تیرگی پس مزد دهد ترا خدا ای پیغمبر خدا

منقول است که مردی ... کسی را بطعام خود ... فرمود که عاجزترین مردم کسی است که از دعا عاجز باشد و بخیل ترین مردم کسی است که بسلام کردن بخل کند ... [illegible]

مِنْ مَبْعُوثٍ أَفْضَلَ مَا جَازَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ وَرَسُولًا عَمَّنْ أُرْسِلَ إِلَيْهِ بِأَبِي

از براینکه فرستاده شده بهتر از آنچه مزد داده پیغمبری را از امت او و فرستاده را از جانب کسیکه فرستاده شده بسوی او پدرم

أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللهِ زُرْتُكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُقِرًّا بِفَضْلِكَ مُسْتَبْصِرًا

فدای تو باد و مادرم ای پیغمبر خدا زیارت کردم ترا در حالتیکه شناسایم بحق تو و اقرار کننده ام به بزرگی تو و بینایم

بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ وَخَالَفَ أَهْلَ بَيْتِكَ عَارِفًا بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ

بگمراهی کسیکه مخالفت نمود ترا و مخالفت نمود اهل بیت ترا در حالتیکه شناسایم براه راستی که تو بران راهی

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي أَنَا أُصَلِّي عَلَيْكَ كَمَا صَلَّى اللهُ

پدرم فدای تو باد و مادرم و نفس من و اهل من و مال من و فرزندان من درود میفرستم بر تو چنانچه درود فرستاده خدا

عَلَيْكَ وَصَلَّى عَلَيْكَ مَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَاؤُهُ وَرُسُلُهُ صَلَاةً مُتَتَابِعَةً وَافِرَةً مُتَوَاصِلَةً

بر تو و درود فرستاده اند بر تو فرشتگان او و پیغمبران او و فرستادگان او درودی در پی و بسیار بهم پیوسته

لَا انْقِطَاعَ لَهَا وَلَا أَمَدَ وَلَا أَجَلَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ

نیست انقطاعی مر آن را و نه نهایتی و نه مدتی درود فرستد خدا بر تو و بر اهل بیت تو که پاکان

الطَّاهِرِينَ كَمَا أَنْتُمْ أَهْلُهُ بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ أَللّٰهُمَّ اجْعَلْ جَوَامِعَ صَلَوَاتِكَ وَنَوَامِيَ

و پاکیزگانند چنانچه شما سزاوار آن هستید بار خدایا بگردان رحمتهای کامله خود را و فزون شونده

بَرَكَاتِكَ وَفَوَاضِلَ خَيْرَاتِكَ وَشَرَائِفَ تَحِيَّاتِكَ وَتَسْلِيمَاتِكَ وَكَرَامَاتِكَ

برکتهای خود را و خیرهای فاضل خود را و درودهای بزرگ خود را و تسلیمات خود را و کرامتهای خود را

وَرَحَمَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَأَئِمَّتِكَ

و رحمتهای خود را و استغفار فرشتگان مقربین خود و پیغمبران مرسل خود را و امامان

الْمُنْتَجَبِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرَضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ

برگزیدگان خود را و بنده های صالح خود را و اهل آسمانها و زمینها را و هر که تسبیح کند

لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

ترا ای پروردگار عالمیان از پیشینیان و پسینیان بر محمد بنده خود و فرستاده خود

وشاهدك ونبيك ونذيرك وامينك ومكينك ونجيك وحبيبك

وگواه خود وپیغمبر خود وبیم دهنده خود وامانت دار خود وصاحب منزلت در نزد خود وبرگزیده خود ودوست خود

وخليلك وصفيك وصفوتك وخاصتك وخالصتك ورحمتك وخير

وخالص خود وپسندیده خود وخالص خود وخاصه خود ودوست خود ورحمت خود وبهتر

خيرتك من خلقك نبي الرحمة وخازن المغفرة وقائد الخير والبركة ومنقذ

برگزیده های خود از خلق خود پیغمبر رحمت وخزانه دار آمرزش کشنده خیر وبرکت رهاننده

العباد من الهلكة باذنك وداعيهم الى دينك القيم بامرك اول النبيين

بنده ها از هلاکت باذن تو وخواننده ایشان بسوی دین تو که پاینده است بامر تو اول پیغمبران

ميثاقا وآخرهم مبعثا الذي غمسته في بحر الفضيلة والمنزلة الجليلة والدرجة

از روی پیمان وآخر ایشان از روی بعثت آنکه فرو بردی او را در دریای فضیلت ومرتبه بزرگ وپایه

الرفيعة والمرتبة الخطيرة واودعته الاصلاب الطاهرة ونقلته منها الى

بلند ومرتبه بزرگ وامانت سپردی او را در پشتهای پاک ونقل فرمودی او را از آنها بسوی

الارحام المطهرة لطفا منك له وتحننا منك عليه اذ وكلت لصونه

زهدانهای پاک از راه لطف خود مر او را ومهربانی از جانب خود بر او از آنجهت که موکل ساختی

وحراسته وحفظه وحياطته من قدرتك عينا عاصمة حجبت بها عنه مدانس

وپاسبانی ومحافظت وحمایت او از قدرت خود چشم نگاهدارنده که باز داشتی از آن از جهت او

العهر ومعائب السفاح حتى رفعت به نواظر العباد واحييت به ميت البلاد

زنا وعیبهای ... تا آنکه بلند کردی بسبب او چشمهای بنده ها وزنده کردی بسبب او شهرهای مرده را

بان كشفت عن نور ولادته ظلم الاستار والبست حرمك به حلل

باین که برطرف کردی از نور ولادت او تاریکیهای پرده ها وپوشانیدی حرم خود را بآن حله های

الانوار اللهم فكما خصصته بشرف هذه المرتبة الكريمة وذخر هذه

نورها بار خدایا پس چنانچه خاص کردانیدی او را ببزرگی این مرتبه بزرگ وذخیره کردن

المنقبة العظيمة صل عليه كما وفى بعهدك وبلغ رسالاتك وقاتل

این منقبه عظیم درود بفرست برا و چنانچه وفا کرد بعهد تو و رسانید رسالتهای ترا و مقاتله کرد

اهل الجحود على توحيدك وقطع رحم الكفر في اعزاز دينك ولبس

با اهل انکار بر توحید تو و برید قرابت کفر را در عزیز کردن و غالب کردن دین تو و پوشید

ثوب البلوى في مجاهدة اعدائك واوجبت له بكل اذى مسه

جامه محنت را در جهاد کردن با دشمنان تو و واجب گردانیدی مر او را بهر رنجی که رسانید او را

او كيد احس به من الفئة التي حاولت قتله فضيلة تفوق الفضائل

یا مکری که احساس کرد با و از گروهی که قصد کردند کشتن او را فضیلتی که بالا باشد همه فضائل را

وتملك بها الجزيل من نوالك وقد اسر الحسرة واخفى الزفرة وتجرع

و مالک شد بآن عطاهای بزرگ ترا و بتحقیق پنهان داشت حسرت را و مخفی داشت تنهد را و جرعه جرعه خورد

الغصة ولم يتخط ما مثل له وحيك اللهم صل عليه وعلى اهل بيته

غصه و تجاوز نکرد چیزی را که ثابت کرد برای او وحی تو بار خدایا درود بفرست برا و و بر اهل بیتش

صلوة ترضاها لهم وبلغهم منا تحية كثيرة وسلاما واتنا من لدنك

درودی که بپسندی از برای ایشان و برسان ایشان را از جانب ما تحیت بسیار و سلام و بده ما را از نزد خود

من موالاتهم فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا انك ذو الفضل العظيم

بسبب دوستی ایشان تفضل و جود و احسان و مهربانی و آمرزش بدرستیکه تو خداوند جود بزرگی

پس چهار رکعت نماز زیارت بکن بدو سلام بهر سوره که خواهی و چون فارغ شوی تسبیح

حضرت فاطمه علیها السلام بخوان پس بگو

اللهم انك قلت لنبيك محمد صلى الله عليه وآله ولو انهم اذ ظلموا انفسهم

خداوندا بدرستیکه تو گفتی مر پیغمبر خود را که محمد است درود فرستد خدا بر او و بر آل او و اگر بدرستیکه ایشان

جاؤك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا

نزد تو آمدند پس طلب آمرزش نمودند از خدا و طلب آمرزش نماید از برای ایشان پیغمبر هر آینه یافتند خدا را بسیار

رَاغِباً تَائِباً مِنْ سَيِّئِ عَمَلِي وَمُسْتَغْفِراً لَكَ مِنْ ذُنُوبِي وَمُقِرّاً لَكَ بِهَا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي وَمُتَوَجِّهاً إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاجْعَلْنِي

(the first Arabic line is written right to left on the page: رَحِيماً وَلَمْ أَحْضُرْ زَمَانَ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ اللّٰهُمَّ زُرْتُهُ رَاغِباً)

رَحِيماً وَلَمْ أَحْضُرْ زَمَانَ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ اللّٰهُمَّ زُرْتُهُ رَاغِباً

مهربان و حاضر نبودم در زمان پیغمبر تو براو وآل او سلام باد خدایا زیارت کردم پیغمبر ترا از روی خواهش

تَائِباً مِنْ سَيِّئِ عَمَلِي وَمُسْتَغْفِراً لَكَ مِنْ ذُنُوبِي وَمُقِرّاً لَكَ بِهَا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا

توبه کننده از بدی کردار خود و طلب آمرزش کننده از تو از گناهان خود و اقرار نماینده مر ترا بگناهان و حال آنکه تو داناتری بآن

مِنِّي وَمُتَوَجِّهاً إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاجْعَلْنِي

از من و در حالت توجه بسوی تو به پیغمبر تو پیغمبر بخشایش درودهای تو براو وآل او پس بگردان مرا

اللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

بارخدایا بحرمت محمد و اهل بیت او نزد خود خوشرو در دنیا و آخرت واز جمله مقربان

يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا نَبِيَّ اللّٰهِ يَا سَيِّدَ خَلْقِ اللّٰهِ إِنِّي

ای محمد ای پیغمبر خدا پدرم فدای تو باد و مادرم ای پیغمبر خدا ای سرور خلق خدا بدرستیکه من

أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللّٰهِ رَبِّكَ وَرَبِّي لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَيَتَقَبَّلَ مِنِّي عَمَلِي وَيَقْضِيَ لِي

توجه می‌نمایم بسبب تو بسوی خدا که پروردگار تو و پروردگار منست تا بیامرزد برای من گناهانم و بپذیرد از من کردارم را و برآورد برای من

حَوَائِجِي فَكُنْ لِي شَفِيعاً عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي فَنِعْمَ الْمَسْؤُولُ الْمَوْلَى وَنِعْمَ الشَّفِيعُ

حاجتهای مرا پس باش برای من شفاعت کننده نزد پروردگار خود و پروردگار من پس نیکو سؤال کرده شده ای که صاحب اختیاری و نیکو شفاعت کننده

أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ السَّلَامُ اللّٰهُمَّ وَأَوْجِبْ لِي مِنْكَ الْمَغْفِرَةَ

توئی ای محمد بر تو و بر اهل بیت تو سلام باد بارخدایا و واجب گردان برای من از جانب خود آمرزش

وَالرَّحْمَةَ وَالرِّزْقَ الْوَاسِعَ الطَّيِّبَ النَّافِعَ كَمَا أَوْجَبْتَ لِمَنْ أَتَى نَبِيَّكَ

و بخشایش و روزی فراخ پاک سودمند چنانچه واجب کردی برای کسیکه آمد نزد پیغمبر تو

مُحَمَّداً صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ حَيٌّ فَأَقَرَّ لَهُ بِذُنُوبِهِ وَاسْتَغْفَرَ لَهُ رَسُولُكَ

محمد درود باد براو و بر آل او در حالیکه زنده بود پس اقرار کرد بگناهان خود و طلب آمرزش کرد برای او پیغمبر تو

عَلَيْهِ السَّلَامُ فَغَفَرْتَ لَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ وَقَدْ أَمَّلْتُكَ وَ

براو باد سلام پس آمرزیدی او را برحمت خود ای مهربان ترین مهربانان بارخدایا و بتحقیق امیدوار شدم بتو و

رجوتك وقمت بين يديك ورغبت إليك عمن سواك وقد أملت

امید کردم تو و ایستادم در برابر تو و رغبت کردم بسوی تو در حالت باز آمدن از غیر تو و امیدوار شدم

جزيل ثوابك واني مقر غير منكر وتائب إليك مما اقترفت وعائذ بك

ثواب بزرگ ترا و بدرستیکه من اقرار کننده ام و منکر نیستم و توبه کننده بسوی تو از چیزیکه کسب کرده ام و پناه برنده ام بتو

في هذا المقام مما قدمت من الأعمال التي تقدمت الي فيها ونهيتني عنها

درین مقام از آنچه پیش ازین کردم از کردارهائیکه تقدم کردی بسوی من در آن و منع کردی مرا از آن

وأوعدت عليها العقاب وأعوذ بكرم وجهك أن تقيمني مقام الخزي و

و وعید کردی بر آن بعقاب و پناه میبرم به بزرگواری ذات تو از اینکه ایستاده کنی مرا در مقام رسوائی و

الذل يوم تهتك فيه الأستار وتبدو فيه الأسرار والفضائح وترعد

مقام خواری روزیکه دریده شود در آن روز پرده ها و آشکار شود در آن روز رازها و فضیحتها و لرزان شود

فيه الفرائص يوم الحسرة والندامة يوم الآفكة يوم الآزفة يوم

در آن روز گوشت دوشها روز حسرت و پشیمانی روز بازگشت روز نزدیک روز

التغابن يوم الفصل يوم الجزاء يوما كان مقداره خمسين ألف سنة

زیان کشیدن روز جدا کردن حق از باطل روز پاداش روزیکه هست مقدار آن پنجاه هزار سال

يوم النفخة يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة يوم النشر يوم العرض

روز دمیدن صور روزیکه بلرزد زمین لرزنده پی آن میرسد از پی رسنده روز برانگیختن روز نمودن اعمال

يوم يقوم الناس لرب العالمين يوم يفر المرء من أخيه وأمه وأبيه

روزیکه می‌ایستند مردم برای پروردگار عالمیان روزیکه بگریزد مرد از برادر خود و مادر خود و پدر خود

وصاحبته وبنيه يوم تشقق الأرض وأكناف السماء يوم تأتي كل نفس

و زن خود و پسران خود روزیکه شکافته شود زمین و کناره های آسمان روزیکه بیاید هر نفسی

تجادل عن نفسها يوم يردون إلى الله فينبئهم بما عملوا يوم لا يغني مولى

جدال کنان از جانب خود روزیکه برگردانیده شوند بسوی خدا پس خبر دهد ایشانرا بآنچه عمل کرده اند روزیکه بی نیاز نکند دوستی

عن مولى شيئا ولا هم ينصرون الا من رحم الله انه هو العزيز الرحيم

از دوستی چیزی را و نه ایشان یاری داده میشوند مگر کسیکه رحم کند او را خدا بدرستیکه او غالب مهربان است

يوم يردون الى عالم الغيب والشهادة يوم يردون الى الله مولاهم الحق

روزیکه برگردانیده میشوند بسوی دانای پنهان و آشکارا روزیکه برگردانیده میشوند بسوی خدا مولای ایشان

يوم يخرجون من الاجداث سراعا كانهم الى نصب يوفضون وكانهم

روزیکه بر می آیند از قبرها شتابان گویا ایشان بسوی علمی بر پا کرده شده می شتابند و گویا ایشان

جراد منتشر مهطعين الى الداع الى الله يوم الواقعة يوم ترج الارض

ملخ پراکنده اند شتابنده بسوی طلب کننده بسوی خدا روز واقعه روزیکه لرزانیده شود زمین

رجا يوم تكون السماء كالمهل وتكون الجبال كالعهن ولا يسأل حميم

لرزیدن سخت روزیکه میشود آسمان همچو مس گداخته و می شوند کوهها همچو پشم و نمی پرسد خویش

حميما يوم الشاهد والمشهود يوم تكون الملائكة صفا صفا اللهم

از حال خویشی روز حاضر و حاضر کرده شده روزیکه می شوند فرشتگان صف صف بار خدایا

ارحم موقفي في ذلك اليوم بموقفي في هذا اليوم ولا تخزني في ذلك

رحم کن ایستادن مرا در آن روز به ایستادن من درین روز و رسوا مکن مرا در آن

الموقف بما جنيت على نفسي واجعل يا رب في ذلك اليوم مع اوليائك

جای ایستادن بآنچه خطا کردم بر نفس خود و بگردان ای پروردگار من در آن روز با دوستان خود

منطلقي وفي زمرة محمد واهل بيته عليهم السلام محشري واجعل حوضه

راه رفتن مرا و در جماعت محمد و اهل بیت او بر ایشان باد سلام برانگیخته شدن مرا و بگردان حوض

موردي وفي الغر الكرام مصدري واعطني كتابي بيميني حتى افوز بحسناتي

آنحضرت را آبشخور من و در بزرگان کریمان جای بازگشت من بده نامهٔ اعمال مرا بدست راست من تا رستگار شوم بنیکیهای

وتبيض به وجهي وتيسر به حسابي وترجح به ميزاني وامضي مع الفائزين

و سفید کنی بآن روی مرا و آسان کنی بآن حساب مرا و سنگین کنی بآن ترازوی عمل مرا و بگذرم با رستگاران

مِن عبادك الصالحين الى رضوانك وجنانك اله العالمين اللهم

از بنده های نیکوکاران تو بسوی رضوان تو و بهشتهای تو ای خدای عالمیان بارخدایا

انی اعوذ بك من ان تفضحنی فی ذلك الیوم بین یدی الخلائق بجریرتی او

بدرستیکه من پناه میبرم بتو از آنکه رسوا کنی مرا در آن روز در برابر آفریدگان بگناه من یا

ان القی الخزی والندامة بخطیئتی او ان تظهر فیه سیئاتی علی حسناتی

آنکه ببینم خواری و پشیمانی را بگناه خود یا آنکه ظاهر کردی در آن روز بدیهایم را بر نیکیهایم

او ان تنوه بین الخلائق باسمی یا کریم یا کریم العفو العفو الستر الستر

و آنکه بلند کنی میان آفریدگان بنام من ای کریم ای کریم بخشش بخشش پرده پوشی

اللهم واعوذ بك من ان یکون فی ذلك الیوم فی مواقف الاشرار

بارخدایا پناه میبرم بتو از آنکه باشد در آن روز در جای ایستادن بدان

موقفی او فی مقام الاشقیاء مقامی واذا میزت بین خلقك فسقت

جای ایستادن من یا در جای بدبختان جای من و چون جدا کنی میان آفریدگان خود

کلا باعمالهم زمرا الی منازلهم فسقنی برحمتك فی عبادك الصالحین

هر یکی را بسبب عملهای ایشان گروه گروه بسوی جاهای نزول آنها پس ببر مرا برحمت خود در میان بندگان نیکوکار خود

وفی زمرة اولیائك المتقین الی جنانك یا رب العالمین

و در گروه دوستان خود که پرهیزکارانند بسوی بهشتهای خود ای پروردگار عالمیان

السلام علیك یا رسول الله السلام علیك ایها البشیر النذیر السلام

سلام باد بر تو ای پیغمبر خدا سلام باد بر تو ای بشارت دهنده و ترساننده سلام باد

علیك ایها السراج المنیر السلام علیك ایها السفیر بین الله وبین خلقه

بر تو ای چراغ روشن سلام باد بر تو ای برسالت آمده میان خدا و میان خلق او

اشهد یا رسول الله انك کنت نورا فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة

گواهی میدهم ای پیغمبر خدا بدرستیکه تو بودی نوری در پشتهای بلند مرتبه و رحمهای پاکیزه

لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك من مدلهمات ثيابها واشهد

نجس نکردانید ترا جاهلیت بپلیدیهای خود و نپوشانید ترا جاهلیت از تیره رختهای خود و گواهی میدهیم

یا رسول الله انی مؤمن بك وبالائمة من اهل بیتك موقن بجمیع ما اتیت

ای پیغمبر خدا بدرستیکه من ایمان آورنده ام بتو و با امامان از اهل بیت تو و یقین دارنده ام بهمه آنچه آوردی

به راض مؤمن واشهد ان الائمة من اهل بیتك اعلام الهدی و

از آن راضی و ایمان آورنده ام و گواهی میدهم بدرستیکه امامان از اهل بیت تو نشانهای هدایت اند و

العروة الوثقی والحجة علی اهل الدنیا اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارة

دست آویزان محکم و حجت بر اهل دنیا اند بار خدایا مگردان این آخر عهد از زیارت

نبیك علیه وآله السلام وان توفیتنی فانی اشهد فی مماتی علی ما اشهد

پیغمبر خود بر او و خانواده او سلام باد و اگر بمیرانی مرا پس بدرستیکه من گواهی دهم در مردن خود بر آنچه گواهی میدهیم

علیه فی حیاتی انك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شریك لك وان

بر آن در زندگی خود اینکه بدرستیکه تو خدائی نیست معبود بحق بجز تو یگانه ئی نیست انبازی مر ترا و بدرستیکه

محمدا عبدك ورسولك وان الائمة من اهل بیته اولیاؤك و

محمد بنده تو و پیغمبر تست و بدرستیکه امامان از اهل بیت او دوستان تو اند و

انصارك وحججك علی خلقك وخلفاؤك فی عبادك واعلامك فی

یاوران تو اند و حجتهای تو اند بر خلق تو و خلیفهای تو اند در بندهای تو و نشانهای تو اند در

بلادك وخزان علمك وحفظة سرك وتراجمة وحیك اللهم صل

شهرهای تو و خازنان علم تو اند و حافظان راز تو اند و بیان کنندگان وحی تو اند خداوندا درود و رحمت

علی محمد وال محمد وبلغ روح نبیك محمد واله فی ساعتی هذه وفی كل

بر محمد و آل محمد و برسان بروح پیغمبر خود محمد و آل او در ساعت من این ساعت و در هر

ساعة تحیة منی وسلاما والسلام علیك یا رسول الله ورحمة الله وبركاته

ساعتی درود از جانب من و سلام و سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا و رحمت خدا و برکتهای او

لَا جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ

نگرداند آنرا خدا آخر سلام کردن من بر تو

مولف گوید که این زیارت اگرچه سندش بنظر فقیر نرسید لهذا در تحفة الزائر ایراد نکرده ام اما زیارت جامع کاملیست و در همه اوقات میتوان بجا آورد و اگر کسی نتواند زیارت مختصر که بعد از این ان شاء الله تعالی مذکور خواهد شد بعمل آورد و علما ذکر کرده اند که زیارت حضرت امیر المومنین علیه السلام درین روز سنت است و خصوص این زیارت را درین روز ذکر کرده اند و از بعضی از روایات خصوص این روز معلوم میشود و بهترین زیارات است از جهت لفظ و معنی و بسند بسیار معتبر منقولست و در همه ایام و اوقات از نزدیک و دور میتوان کرد خصوصا درین روز چنانچه شیخ مفید و شیخ شهید و سید ابن طاوس رضی الله عنهم روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام زیارت کرد حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه را در مثل چنین روزی ماه ربیع الاول باین زیارت و تعلیم فرمود زیارت را براوی ثقه عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی فرمود که چون بیائی بمشهد امیر المومنین علیه السلام غسل زیارت بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بقدری بوی خوش خود را خوشبو کن و بر تو باد بآرام دل و آرام تن پس چون برسی بباب السلام یعنی درگاه روضه مقدسه که ضریح مقدس نمایان شود پس رو بقبله بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو و بگو

اَلسَّلَامُ عَلٰی رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلٰی خِیَرَةِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَی الْبَشِیرِ النَّذِیرِ السِّرَاجِ

سلام باد بر پیغمبر خدا سلام باد بر برگزیدهٔ خدا سلام باد بر بشارت دهنده ترساننده چراغ

الْمُنِیرِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلٰی اَنْبِیَاءِ اللّٰهِ الْمُرْسَلِینَ وَعِبَادِ

روشن و رحمت خدا و برکتهای او سلام باد بر پیغمبران خدا که فرستاده شده اند و بر بندهای

اللّٰهِ الصَّالِحِینَ اَلسَّلَامُ عَلٰی مَلَائِکَةِ اللّٰهِ الْحَافِّینَ بِهٰذَا الْحَرَمِ وَ

خدا که نیکانند سلام باد بر فرشتگان خدا که احاطه کننده اند باین حرم و

بِهٰذَا الضَّرِیحِ اللَّائِذِینَ بِهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَصِیَّ الْاَوْصِیَاءِ

باین قبه و پناه برنده اند باین قبر سلام بر تو باد ای وصی وصیت کردهٔ پیغمبران

السلام علیک یا عماد الاتقیاء السلام علیک یا ولی الاولیاء السلام

سلام بر تو باد ای ستون پرہیزکاران سلام بر تو باد ای دوست دوستان سلام

علیک یا سید الشہداء السلام علیک یا آیة اللہ العظمی السلام علیک

بر تو باد ای سرور شہیدان سلام بر تو باد ای نشان بزرگ خدا سلام بر تو باد

یا خامس اہل العباء السلام علیک یا قائد الغر المحجلین الاتقیاء السلام

ای پنجم اہل عبا سلام بر تو باد ای پیشوای سپید پیشانی روشنان دست و پا سپیدان پرہیزکاران سلام

علیک یا عصمة الاولیاء السلام علیک یا زین الموحدین النجباء السلام

بر تو باد ای پناه اولیا سلام بر تو باد ای زینت اہل توحید که نجیبان اند سلام

علیک یا خالص الاخلاء السلام علیک یا والد الائمة الامناء السلام علیک

بر تو باد ای برگزیده دوستان سلام بر تو باد ای پدر امامان که امینانند سلام بر تو باد

یا صاحب الحوض و حامل اللواء السلام علیک یا قسیم الجنة و لظی السلام

ای صاحب حوض کوثر و بردارنده علم سلام بر تو باد ای قسمت کننده بہشت و دوزخ سلام

علیک یا من شرفت به مکة و منی السلام علیک یا بحر العلوم و کہف الفقراء

بر تو باد ای کسیکه مشرف شد باو مکه و منا سلام بر تو باد ای دریای علوم و پناه فقیران

السلام علیک یا من ولد فی الکعبة و زوج فی السماء بسیدة النساء و کان

سلام بر تو باد ای کسیکه زاده شده در کعبه و تزویج کرده شده در آسمان بسرور زنان و حال آنکه بودند

شہودها الملائکة السفرة الاصفیاء السلام علیک یا مصباح الضیاء

گواہان او فرشتگان نویسندگان برگزیدگان سلام باد بر تو ای چراغ روشنائی

السلام علیک یا من خصه النبی بجزیل الحباء السلام علیک یا من بات علی فراش

سلام باد بر تو ای کسیکه خاص کرد او را پیغمبر به عطای بزرگ سلام باد بر تو ای کسیکه شب گذرانید بر خوابگاه

خاتم الانبیاء و وقاه بنفسه شر الاعداء السلام علیک یا من رد له الشمس

خاتم پیغمبران و نگاہداشت پیغمبر را بجان خود از شر دشمنان سلام باد بر تو ای کسیکه برگردانیده شد برای او آفتاب

فَسَامِي شَمْعُونَ الصَّفَا اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اَنْجَى اللّٰهُ سَفِينَةَ نُوحٍ بِاسْمِهِ

پس برتر شد از شمعون الصفا سلام باد بر تو ای کسیکه نجات داد خدا کشتی نوح را بنام او

وَاسْمِ اَخِيهِ حَيْثُ الْتَطَمَ الْمَاءُ حَوْلَهَا وَطَمَى اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَابَ اللّٰهُ بِهِ

و نام برادر او جائیکه بر هم خورد آب گرد کشتی و بلند شد سلام باد بر تو ای کسیکه قبول توبه کرد خدا

وَبِاَخِيهِ عَلَى آدَمَ اِذْ غَوَى اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فُلْكَ النَّجَاةِ الَّذِي مَنْ رَكِبَهُ

و برادر او بر آدم چون از راه صلاح بیرون رفت سلام باد بر تو ای کشتی رستگاری آنکه هر که سوار شد بر آن

نَجَا وَمَنْ تَاَخَّرَ عَنْهُ هَوَى اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَاطَبَ الثُّعْبَانَ وَذِئْبَ

نجات یافت و هر که خود را پس داشت هلاک شد سلام باد بر تو ای کسیکه خطاب کرد اژدها و گرگ

الْفَلَا اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ

بیابان را سلام باد بر تو ای امیر مومنان و رحمت خدا و برکتهای او سلام

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلَى مَنْ كَفَرَ وَاَنَابَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اِمَامَ

بر تو باد ای حجت خدا بر کسیکه کافر شد و برگشت سلام باد بر تو ای پیشوای

ذَوِي الْاَلْبَابِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْحِكْمَةِ وَفَصْلِ الْخِطَابِ اَلسَّلَامُ

صاحبان خرد سلام باد بر تو ای کان حکمت و خطاب فیصل سلام

عَلَيْكَ يَا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ الْحِسَابِ اَلسَّلَامُ

بر تو باد ای کسیکه نزد او است علم قرآن سلام باد بر تو ای میزان روز حساب سلام

عَلَيْكَ يَا فَاصِلَ الْحُكْمِ النَّاطِقَ بِالصَّوَابِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمُتَصَدِّقُ

بر تو باد ای جدا کننده حکم گویا براستی سلام بر تو باد ای تصدق کننده

بِالْخَاتَمِ فِي الْمِحْرَابِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ كَفَى اللّٰهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ بِهِ

انگشتری در محراب سلام بر تو باد ای کسیکه کفایت کرد خدا از مومنان جنگ را بسبب او

يَوْمَ الْاَحْزَابِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اَخْلَصَ لِلّٰهِ الْوَحْدَانِيَّةَ وَاَنَابَ

در روز احزاب سلام بر تو باد ای کسیکه خالص کرد و پسندید برای خدا یگانه بودن او را و بازگشت نمود

السَّلامُ عَلَیْکَ یا قاتِلَ خَیْبَرَ وَ قالِعَ الْبابِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ دَعاهُ

سلام باد بر تو ای کشنده مشرکان خیبر و کننده در سلام بر تو باد ای کسیکه طلب کرد اورا

خَیْرُ الْأَنامِ لِلْمَبیتِ عَلی فِراشِهِ فَأَسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَنِیَّةِ وَ أَجابَ السَّلامُ عَلَیْکَ

بهترین خلق برای خوابیدن بر فرش خواجه پس سپرد نفس خود را بمرگ و قبول کرد سلام بر تو باد

یا مَنْ لَهُ طُوبی وَ حُسْنُ مَآبٍ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ

ای کسیکه مر او راست خوشی و نیکوئی بازگشت و رحمت خدا و برکتهای او سلام باد بر تو ای متولی

عِصْمَةِ الدّینِ وَ یا سَیِّدَ السّاداتِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْمُعْجِزاتِ

نگهبانی دین و ای سرور سروران سلام باد بر تو ای صاحب معجزه ها

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ نَزَلَتْ فی فَضْلِهِ سُورَةُ الْعادِیاتِ السَّلامُ عَلَیْکَ

سلام باد بر تو ای کسیکه نازل شد در فضیلت او سوره و العادیات سلام باد بر تو

یا مَنْ کُتِبَ اسْمُهُ فِی السَّماءِ عَلَی السُّرادِقاتِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُظْهِرَ

ای کسیکه نوشته شده است اسم او در آسمان بر سراپرده ها سلام بر تو باد ای ظاهر کننده

الْعَجائِبِ وَ الْآیاتِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا أَمیرَ الْغَزَواتِ السَّلامُ عَلَیْکَ

عجائب و آیات سلام بر تو باد ای سرور جنگها سلام بر تو باد

یا مُخْبِراً بِما غَبَرَ وَ بِما هُوَ آتٍ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُخاطِبَ ذِئْبِ الْفَلَواتِ

ای خبر دهنده بآنچه گذشت و بآنچه آینده است سلام باد بر تو ای خطاب کننده گرگ بیابانها

السَّلامُ عَلَیْکَ یا خاتِمَ الْحَصی وَ مُبَیِّنَ الْمُشْکِلاتِ السَّلامُ عَلَیْکَ

سلام باد بر تو ای مهر کننده سنگریزه و بیان کننده مشکلها سلام بر تو باد

یا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلاتِهِ فِی الْوَغا مَلائِکَةُ السَّماواتِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ

ای کسیکه تعجب داده است از حملهای او در روز جنگ فرشتگان آسمانها سلام بر تو باد ای کسیکه

ناجَی الرَّسُولَ فَقَدَّمَ بَیْنَ یَدَیْ نَجْواهُ الصَّدَقاتِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا

راز گفت با پیغمبر پس مقدم کرد پیش از خود صدقه ها را سلام بر تو باد ای

وَالِدِ الْاَئِمَّةِ الْبَرَرَةِ السَّادَاتِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَ

پدر امامان که نیکان و سروران بودند و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر تو باد ای پیرو پیغمبر

الْمَبْعُوثِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ خَيْرِ مَوْرُوثٍ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

برانگیخته شده سلام بر تو باد ای وارث علم بهترین میراث برده شدگان و رحمت خدا و برکتهای او

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اِمَامَ الْمُتَّقِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غِيَاثَ الْمَكْرُوبِينَ اَلسَّلَامُ

سلام بر تو باد ای پیشوای پرهیزکاران سلام بر تو باد ای فریادرس اندوه زدگان سلام باد

عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْبَرَاهِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای پناه مومنان سلام باد بر تو ای ظاهر کننده حجتها سلام بر تو باد

يَا طٰهٰ وَيٰسٓ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللّٰهِ الْمَتِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَصَدَّقَ

ای طاها و یاسین سلام بر تو باد ای رسن خدا که محکم است سلام بر تو باد ای کسیکه صدقه داد

فِي صَلٰوتِهِ بِخَاتَمِهِ عَلَى الْمِسْكِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَالِعَ الصَّخْرَةِ عَنْ فَمِ

در نماز خود بانگشتر خود بر درویش سلام بر تو باد ای برکننده سنگ از دهن

الْقَلِيبِ وَمُظْهِرَ الْمَاءِ الْمَعِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللّٰهِ النَّاظِرَةَ وَيَدَهُ

چاه و ظاهر کننده آب شیرین سلام بر تو باد ای چشم خدا که بیننده است و دست او

الْبَاسِطَةَ وَلِسَانَهُ الْمُعَبِّرَ عَنْهُ فِي بَرِيَّتِهِ اَجْمَعِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

که گشاده است و زبان او که تعبیر کننده احکام است از و در خلق و همه خلق سلام بر تو باد ای وارث

عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَمُسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَصَاحِبَ لِوَاءِ الْحَمْدِ وَسَاقِيَ

علم پیغمبران و جای امانت علم پیشینیان و پسینیان و صاحب نشان حمد و آب دهنده

اَوْلِيَائِهِ مِنْ حَوْضِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا يَعْسُوبَ الدِّينِ وَقَائِدَ

دوستان خود از حوض تتمه پیغمبران سلام باد بر تو ای پادشاه دین و پیشوای

الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَوَالِدَ الْاَئِمَّةِ الْمَرْضِيِّينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى

پیشانیهای روشنان دست و پا سفیدان و پدر امامان ستوده‌گان و رحمت خدا و برکتهای او سلام باد بر

بسم الله الرضي و وجهه المضيء وجنبه القوي وصراطه السوي السلام

نام خدا که پسندیده است و روی خدا که تابنده است و پهلوی خدا که توانا است و راه خدا که راست سلام

على الامام التقي المخلص الصفي السلام على الكوكب الدري السلام على

بر امام پرهیزکار اخلاص مند برگزیده سلام بر ستاره تابنده سلام بر

الامام ابي الحسن علي ورحمة الله وبركاته السلام على امام الهدى و

امام ابو الحسن علی و رحمت خدا و برکتهای او و سلام بر امام هدایت و

مصباح الدجى وعلم التقى ومنار الهدى وذي النهى وكهف الورى والعروة

چراغ تاریکی و علم پرهیزکاری و مناره هدایت و صاحب عقلها و پناه جهان و دستاویز

الوثقى والحجة على اهل الدنيا ورحمة الله وبركاته السلام على نور الانوار

محکم و حجت بر اهل دنیا و رحمت خدا و برکتهای او و سلام باد به نور نورها

وحجة الجبار ووالد الائمة الاطهار وقسيم الجنة والنار المخبر عن الآثار

و حجت خدای بزرگ و پدر امامان پاک و قسمت کننده بهشت و دوزخ خبر دهنده از آثار

المدمر على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين من عظيم الاوزار السلام

هلاک کننده کفار رهاننده شیعیان اخلاص مند از گناهان بزرگ سلام باد

على المخصوص بالطاهرة التقية ابنة المختار المولود في البيت ذي الاستار

بر کسیکه خاص کرده شده به زن پاکیزه پرهیزکار دختر پیغمبر مختار زائیده شده در خانه صاحب پرده‌ها

المزوج في السماء بالبرة الطاهرة الرضية المرضية ابنة الاطهار ورحمة الله

تزویج کرده شده در آسمانها بزن نیک پاک پسندیده و دختر پاکان رحمت خدا

وبركاته السلام على النبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون وعليه يعرضون

و برکتهای او و سلام باد بر خبر بزرگ آنچنان خبر که ایشان در آن اختلاف دارند و بر او عرض کرده شوند

وعنه يسئلون السلام على نور الله الانور وضيائه الازهر ورحمة الله

و از او سوال کرده شوند سلام بر نور خدا که روشن است و روشنی او تابنده تر و رحمت خدا

وبركاته السلام عليك يا ولي الله وحجته وخالصة الله وخاصته أشهد

وبرکتهای او سلام بر تو باد ای دوست خدا و حجت او و اختیار کرده خدا و برگزیده او گواهی میدهم

يا ولي الله لقد جاهدت في سبيل الله حق جهاده واتبعت منهاج رسول الله

ای دوست خدا هر آینه بتحقیق جهاد کردی در راه خدا حق جهاد او و پیروی کردی راه پیغمبر خدا را

صلى الله عليه وآله وحللت حلال الله وحرمت حرام الله وشرعت أحكامه

درود فرستد خدا بر او و آل او و حلال کردی حلال خدا را و حرام کردی حرام خدا را و ظاهر کردی احکام او

وأقمت الصلوة وآتيت الزكوة وأمرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت

و برپا داشتی نماز را و دادی زکوة را و امر کردی بکار نیکو و باز داشتی از کار زشت و جهاد کردی

في سبيل الله صابراً ناصحاً مجتهداً محتسباً عند الله عظيم الأجر حتى أتاك

در راه خدا صبر کننده پند دهنده کوشش کننده امید ثواب دارنده نزد خدا اجر بزرگ را تا آنکه آمد ترا

اليقين فلعن الله من دفعك عن حقك وأزالك عن مقامك ولعن

مرگ پس لعنت کند خدا کسی را که باز داشت ترا از حق تو و زائل کرد ترا از مکان تو و لعنت کند

الله من بلغه ذلك فرضي به أشهد الله وملائكته وأنبيائه ورسله

خدا کسی را که رسید او را این خبر پس راضی شد باین گواه میگیرم خدا را و فرشتگان او را و پیغمبران او را و رسولان او را

إني ولي لمن والاك وعدو لمن عاداك السلام عليك ورحمة الله وبركاته

باینکه من دوستم مر کسی که دوست دارد ترا و دشمنم مر کسی که دشمن دارد ترا سلام بر تو باد و رحمت خدا و برکتهای او

پس ضریح را ببوس و قبر را ببوس أشهد أنك تسمع كلامي وتشهد مقامي و

گواهی میدهم بدرستیکه تو می شنوی سخن مرا و می بینی جای مرا

أشهد لك يا ولي الله بالبلاغ والأداء يا مولاي يا حجة الله يا أمين الله

گواهی میدهم برای تو ای دوست خدا برسانیدن حکم خدا و ادا کردن ای آقای من ای حجت خدا ای امین خدا

يا ولي الله إن بيني وبين الله عز وجل ذنوباً قد أثقلت ظهري ومنعتني

ای دوست خدا بدرستیکه میان من و میان خدای عز و جل گناهانیست که بتحقیق سنگین کرده است پشت مرا و باز داشته

مِنَ الرُّقَادِ وَذِكْرُهَا يُقَلْقِلُ أَحْشَائِي وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَيْكَ

از خواب ویاد آن گناهان مضطرب میکند حشای مرا وبتحقیق گریختم بسوی خدای عزیز وبزرگ وبسوی تو

فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ

پس بحق کسیکه امانت دار کرده است ترا بر راز های خود وگردانید ترا راعی کار خلق خود وقرین طاعت ترا بطاعت خود

وَمُوَالاتَكَ بِمُوَالاتِهِ كُنْ لِي إِلَى اللَّهِ شَفِيعًا وَمِنَ النَّارِ مُجِيرًا وَعَلَى الدَّهْرِ

و دوستی ترا بدوستی خود باش برای من بسوی خدا شفاعت کننده واز آتش پناه دهنده وبر روزگار

ظَهِيرًا

پشتیبان

پس بدرستیکه من بسوی تو بیکس ... فَإِنِّي عَبْدُكَ ... يَا وَلِيَّ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ يَا بَابَ حِطَّةِ اللَّهِ

ای ولی خدا ای حجت خدا ای دروازهٔ منزل خدا

وَلِيُّكَ وَزَائِرُكَ وَاللَّائِذُ بِقَبْرِكَ وَالنَّازِلُ بِفِنَائِكَ وَالْمُنِيخُ رَحْلَهُ فِي

دوست تو وزیارت کنندهٔ تو وپناه آورنده بقبر تو وفرود آینده بفضای خانهٔ تو وفرود آورنده بار خود را در

جِوَارِكَ يَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لَهُ إِلَى اللَّهِ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ فِي

جوار تو سوال میکند از تو اینکه شفاعت کنی برای او بسوی خدا در قضای حاجت او وروا کردن مطالب او در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ الْجَاهَ الْعَظِيمَ وَالشَّفَاعَةَ الْمَقْبُولَةَ فَاجْعَلْنِي يَا مَوْلَايَ

دنیا و آخرت پس بدرستیکه مر ترا نزد خدا قدر ومنزلت بزرگ است وشفاعت پذیرفته شده است پس بگردان مرا ای مولای من

مِنْ هَمِّكَ وَأَدْخِلْنِي فِي حِزْبِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ضَجِيعَيْكَ آدَمَ وَنُوحٍ

از کسانیکه فکر آنها پشت دار ... خود وسلام بر تو باد وبر دو همخواب تو که آدم ونوح اند

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ

وسلام باد بر تو وبر دو پسر تو حسن وحسین وبر امامان پاک

مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

از اولاد تو ورحمت خدا وبرکتهای او

پس از روی تضرع وخشوع هر حاجت که داری از حق تعالی طلب نما مولف گوید که هر که از دور زیارت کند در هذا الحرم و

بهذا الضریح قصد ضریح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میکند وزیارتها ودعاها متصل بیکدیگر میخواند نزدیک رفتن و

بوسیدن نمی باشد یعنی مس آنها در کار نیست چنانچه عمل آخر و سید ابن طاوس رحمه الله گفته که مستحب است بین هر دو رکعت بکنند در هر رکعت

بعد از سورهٔ فاتحه ده مرتبه انا انزلناه و ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون سلام بگوید بجای نماز خود نشسته این دعا بخواند

اَنْتَ حَیٌّ لا تَمُوتُ وَخالِقٌ لا تُغْلَبُ وَبَدِیءٌ لا تَنْفَدُ وَقَرِیبٌ لا تَبْعُدُ وَ

تو زنده که نمی میری و آفریننده که مغلوب نمیشوی و اولی که انقطاع نداری و نزدیکی که دور نمی شوی و

قادِرٌ لا تُضادُّ وَغافِرٌ لا تَظْلِمُ وَصَمَدٌ لا تُطْعَمُ وَقَیُّومٌ لا تَنامُ وَعالِمٌ لا تُعَلَّمُ

توانائی که خصومت کرده نمیشوی آمرزنده که ستم نمیکنی و بی نیازی که چیزی نمیخوری پاینده که نمیخوابی و داننده که تعلیم کرده نمیشوی

وَقَوِیٌّ لا تَضْعُفُ وَعَظِیمٌ لا تُوصَفُ وَوَفِیٌّ لا تُخْلِفُ وَغَنِیٌّ لا تَفْتَقِرُ

و زورمندی که سست کرده نمیشوی بزرگ هستی که وصف کرده نمیشوی وفا کننده که خلاف وعده نمی کنی توانگری که محتاج نمیشوی

وَحَلِیمٌ لا تَعْجَلُ وَمَنِیعٌ لا تُقْهَرُ وَمَعْرُوفٌ لا تُنْکَرُ وَوَکِیلٌ لا تَخْفی وَغالِبٌ

و حلیمی که ستم نمیکنی و صاحب عزتی که مغلوب نمیشوی و شناخته شده که انکار کرده نمیشوی وکیلی که پوشیده نمیشوی و غالبی که

لا تُغْلَبُ وَفَرْدٌ لا تَسْتَشِیرُ وَوَهّابٌ لا تَمَلُّ وَسَرِیعٌ لا تَذْهَلُ وَجَوادٌ

غلبه کرده نمیشوی و یگانه هستی که مشورت نمیکنی و بسیار بخشنده که تنگ نمیشوی و شتابنده که فراموش نمیکنی و بخشنده که

لا تَبْخَلُ وَعَزِیزٌ لا تَذِلُّ وَحافِظٌ لا تَغْفُلُ وَقائِمٌ لا تَزُولُ وَمُحْتَجِبٌ لا تُری

بخل نمیورزی و ارجمند هستی که خوار نمیشوی یاد کننده که غافل نمیشوی و پاینده که برطرف نمیشوی و در پرده شونده که دیده نمیشوی

وَدائِمٌ لا تَفْنی وَباقٍ لا تَبْلی وَواحِدٌ لا تُشْبَهُ وَمُقْتَدِرٌ لا تُنازَعُ اَللّهُمَّ

و پایداری که فانی نمیشوی پاینده که کهنه نمیشوی و یگانه که شبیه نمیشوی و توانائی که نزاع کرده نمی شوی بار خدایا

اِنِّی اَسْاَلُكَ بِعِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَكَ وَقُدْرَتِكَ عَلَی الْخَلْقِ اَجْمَعِینَ اَنْ تُحْیِیَنِی

بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بعلم غیبی که نزد تست و توانائی تو بر خلائق همه آنها که زنده داری مرا

ما عَلِمْتَ الْحَیوةَ خَیْراً لِی وَاَنْ تَتَوَفّانِی اِذا کانَتِ الْوَفاةُ خَیْراً لِی وَاَسْاَلُكَ

تا وقتیکه دانی زندگی را بهتر از برای من و بمیرانی مرا وقتیکه باشد مرگ بهتر از برای من و سؤال میکنم از تو

اَلْخَشْیَةَ فِی الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ وَاَسْاَلُكَ اللّهُمَّ کَلِمَةَ الْحَقِّ فِی الْغَضَبِ

ترس را در پنهان و آشکارا و سؤال میکنم از تو بار خدایا سخن حق را در حالت خشم

وَالرِّضَا وَاَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَنْفَدُ وَاَسْأَلُكَ الرِّضَا بَعْدَ الْقَضَاءِ وَاَسْأَلُكَ

و خوشنودی و سوال میکنم از تو نعمتی را که منقطع نمی شود و سوال میکنم از تو رضا بعد از قضا و سوال میکنم

بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَاَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ اِلَى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ آمِينَ

خنکی زندگانی پس از مرگ و سوال میکنم از تو لذت نظر بسوی رحمت تو که گرامی است قبول کن

رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ الْكَرِيمِ وَفَضْلِكَ الْعَظِيمِ اَنْ

ای پروردگار عالمیان خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو باحسان تو که بزرگ است و فضل تو که عظیم است

تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي يَا لَطِيفُ اُلْطُفْ بِي فِي كُلِّ مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اَللّٰهُمَّ اِنِّي

بیامرزی مرا و ببخشایی مرا ای لطف کننده لطف کن بحال من در هر چه که دوست میداری و میپسندی خداوندا

اَسْأَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَتَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ وَحُبَّ الْمَسَاكِينِ وَمُخَالَطَةَ

سوال میکنم از تو کردن کارهای نیک و گذاشتن کارهای زشت را و دوستی مسکینان را و آمیزش

الصَّالِحِينَ وَاَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَاِذَا اَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً فَتَوَفَّنِي غَيْرَ مَفْتُونٍ

صالحان را و اینکه بیامرزی مرا و ببخشایی مرا و هرگاه خواهی بگروهی آشوبی پس بمیران مرا بی آشوب

وَاَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي اِلَى حُبِّكَ

و سوال میکنم از تو دوستی تو و دوستی کسی را که دوست میدارد ترا و دوستی هر کرداری که نزدیک گرداند

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَبِيبِكَ وَبِحَقِّ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ

بار خدایا بحق محمد درود فرستد خدا بر او و آل او حبیب تو و بحق ابراهیم دوست تو

وَصَفِيِّكَ وَبِحَقِّ مُوسَى كَلِيمِكَ وَبِحَقِّ عِيسَى رُوحِكَ وَاَسْأَلُكَ بِصُحُفِ اِبْرَاهِيمَ

و برگزیده تو و بحق موسی هم سخن تو و بحق عیسی روح تو و سوال میکنم از تو بصحیفه های ابراهیم

وَتَوْرَاةِ مُوسَى وَاِنْجِيلِ عِيسَى وَزَبُورِ دَاوُدَ وَفُرْقَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود و قرآن محمد درود فرستد خدا بر او و آل او

وَاَسْأَلُكَ بِكُلِّ وَحْيٍ اَوْحَيْتَهُ وَبِحَقِّ كُلِّ قَضَاءٍ قَضَيْتَهُ وَبِكُلِّ سَائِلٍ اَعْطَيْتَهُ

و سوال میکنم از تو بهر وحی که پیغام کردی آنرا و بحق هر حکمی که قرار دادی آنرا و بحق هر سائلی که بخشیدی او را

وَاَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ اَنْزَلْتَهُ فِيْ كِتَابِكَ وَاَسْأَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِيْ اسْتَقَلَّ بِهَا

وسوال میکنم از تو بهر نامیکه فرود آوردی آنرا در کتاب خود و سوال میکنم ترا بنامهای تو که قرار گرفت بآنها

عَرْشُكَ وَاَسْأَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِيْ وَضَعْتَهَا عَلَى النَّارِ فَاسْتَنَارَتْ وَاَسْأَلُكَ

عرش تو و سوال میکنم ترا بنامهای تو که گذاشتی آنهارا بر آتش پس روشن شد و سوال میکنم ترا

بِاَسْمَائِكَ الَّتِيْ وَضَعْتَهَا عَلَى اللَّيْلِ فَاَظْلَمَ وَاَسْأَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِيْ وَضَعْتَهَا عَلَى

بنامهای تو که نهادی آنرا بر شب پس تاریک شد و سوال میکنم ترا بنامهای تو آن نامهائی که گذاشتی آنهارا

النَّهَارِ فَاَضَاءَ وَاَسْأَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِيْ وَضَعْتَهَا عَلَى الْاَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَ

روز پس روشن شد و سوال میکنم ترا بنامهای تو که گذاشتی آنهارا بر زمین پس قرار گرفت و

اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِيْ مَلَاَ اَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَاَسْأَلُكَ

سوال میکنم از تو بنام تو که یگانه و بی نیاز است آن نامیکه پر کرده است ستونهای هر چیز را و سوال میکنم از تو

بِاسْمِكَ الطُّهْرِ الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ الْحَيِّ الْقَيُّوْمِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ

نام تو که پاک پاکیزه مبارک زنده پاینده است نیست معبودی جز او بخشنده مهربان

وَاَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاَسْمَائِكَ

و سوال میکنم از تو بجای بستن عزت از عرش تو و بجای رسیدن رحمت از کتاب تو و بنامهای تو

الْعِظَامِ وَجَدِّكَ الْاَعْلٰى وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ اَنْ تَرْزُقَنَا حِفْظَ الْقُرْاٰنِ

که بزرگ اند و عظمت تو که بلند مرتبه است و سخنهای تو که تام اند اینکه روزی کنی مارا حفظ قرآن

وَالْعَمَلَ بِهٖ وَالطَّاعَةَ لَكَ وَالْعَمَلَ الصَّالِحَ وَاَنْ تُثْبِتَ ذٰلِكَ فِيْ اَسْمَاعِنَا

و عمل کردن بران و فرمان بردار برای تو و کردار نیک اینکه ثابت داری آنرا در گوشهای ما

وَاَبْصَارِنَا وَاَنْ تَخْلِطَ ذٰلِكَ بِلَحْمِيْ وَدَمِيْ وَمُخِّيْ وَعَظْمِيْ وَاَنْ تَسْتَعْمِلَ بِذٰلِكَ

و چشمهای ما و اینکه بیامیزی آنرا بگوشت من و خون من و مغز من و پیه من و اینکه استعمال کنی بآن

بَدَنِيْ وَقُوَّتِيْ فَاِنَّهٗ لَا يَقْوٰى عَلٰى ذٰلِكَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ

تن مرا و قوت مرا پس بدرستیکه شان این است که توانا نیست برین کار مگر تو یگانه نیست شریکی

يَا اللّٰهُ الْوَاحِدُ الرَّبُّ الْقَدِيرُ يَا اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ يَا اللّٰهُ الْبَاعِثُ

اى خداى يگانه پروردگار توانا اى خداى آفريننده پيدا كننده صورت دهنده اى خداى برانگيزنده

الْوَارِثُ يَا اللّٰهُ الْفَتَّاحُ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ يَا اللّٰهُ الْمَلِكُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ

وارث اى خداى بسيار گشاينده غالب دانا اى خدا پادشاه توانا صاحب اقتدار

اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ

بيامرز مرا و ببخشا مرا بدرستيكه تو بخشنده ترين بخشندگانى بارخدايا تو گفتى و حال آنكه گفته تو راست است

ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ فَأَسْأَلُكَ يَا اللّٰهُ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آدَمُ صَلَّى اللّٰهُ

كه بخوانيد مرا مستجاب ميكنم شما را پس ميخوانم ترا اى خدا بنام تو آن نام كه خواند ترا بآن نام آدم درود فرستد خدا

عَلَيْهِ فَأَوْجَبْتَ لَهُ الْجَنَّةَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ شِيثُ بْنُ آدَمَ

بر او پس واجب گردانيدى براى او بهشت را ميخوانم ترا بنام تو كه خواند ترا بآن نام شيث پسر آدم

فَجَعَلْتَهُ وَصِيَّ أَبِيهِ بَعْدَهُ أَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَاءَنَا وَأَنْ تَرْزُقَنَا إِنْفَاذَ كُلِّ وَصِيَّةٍ

پس گردانيدى او را وصى پدر او بعد از او اينكه مستجاب گردانى دعاى ما را و اينكه روزى كنى ما را اجرا كردن هر وصيت

لِأَحَدٍ عِنْدَنَا وَأَنْ تُقَدِّمَ وَصِيَّتَنَا أَمَامَنَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ

كه يكى را نزد ما باشد و اينكه پيش كنى وصيت ما را پيش ما وسوال مى نمايم ترا بنامى كه خواند ترا

بِهِ إِدْرِيسُ فَرَفَعْتَهُ مَكَانًا عَلِيًّا أَنْ تَرْفَعَنَا إِلَى أَحَبِّ الْبِقَاعِ إِلَيْكَ وَتَمُنَّ

بآن نام ادريس پس بالا بردى او را بمكانى بلند اينكه بلند گردانى ما را بسوى دوست ترين بقعه ها بسوى تو و منت نهى

عَلَيْنَا بِمَرْضَاتِكَ وَتُدْخِلَنَا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

بر ما و احسان كنى بر ما بخشنودى خود و در آورى ما را در بهشت برحمت خود وسوال ميكنم ترا بنام تو كه خواند ترا بآن نام

نُوحٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَرَقِ وَأَهْلَكْتَ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ أَنْ تُنَجِّيَنَا مِمَّا نَخَافُ فِيهِ

نوح عم پس رهانيدى او را از غرق و هلاك كردى گروه ستمكار را از اينكه نجات دهى ما را از آنچه ما در آن هستيم

مِنَ الْبَلَاءِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ هُودٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَجَّيْتَهُ

از فتنه وسوال ميكنم ترا بنام تو كه خواند ترا بآن نام هود بر او سلام باد پس نجات دادى او را

مِنَ الرِّيحِ الْعَقِيمِ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ بَلاءِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَعَذَابِهِمَا وَاَسْاَلُكَ

از باد عقیم اینکه نجات دهی ما را از بلای دنیا و آخرت و عذاب دنیا و آخرت و سوال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صَالِحٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ خِزْيِ

بنام تو آنچنان نامی که دعا کرد با آن صالح پس نجات دادی ورا از خواری آن روز اینکه نجات دهی مرا از خواری

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَعَذَابِهِمَا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ فَنَجَّيْتَهُ

دنیا و آخرت و عذاب دنیا و آخرت و سوال میکنم ترا بنام تو آن نامیکه خواند ترا با آن نام لوط پس نجات دادی اورا

مِنَ الْمُؤْتَفِكَةِ وَالْمَطَرِ السَّوْءِ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ مَخَازِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاَسْاَلُكَ

از شهر زیر و زبر شده و باران بد اینکه نجات دهی ما را از خواریهای دنیا و آخرت و سوال می کنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ شُعَيْبٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الظُّلَّةِ اَنْ تُنَجِّيَنَا

بنام تو آنچنان نامیکه خواند ترا با آن نام شعیب پس نجات دادی ورا از عذاب روز ظله اینکه نجات دهی مرا

مِنَ الْعَذَابِ اِلَى رَوْحِكَ وَرَحْمَتِكَ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

از عذاب بسوی روزی خود و رحمت خود و سوال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامیکه خواند ترا بآن نام

اِبْرَاهِيمُ فَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْداً وَسَلاماً اَنْ تُخَلِّصَنَا كَمَا خَلَّصْتَهُ وَاَنْ

ابراهیم پس گردانیدی آتش را برا و سرد و سلامت اینکه برهانی ما را چنانچه رهانیدی اورا و اینکه

تَجْعَلَ مَا نَحْنُ فِيهِ بَرْداً وَسَلاماً كَمَا جَعَلْتَهَا عَلَيْهِ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

بگردانی چیزیرا که ما در ویم سرد و سلامت چنانچه گردانیدی آتش را برابراهیم و سوال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامیکه خواند ترا

اِسْمٰعِيلُ عِنْدَ الْعَطَشِ فَاَخْرَجْتَ مِنْ زَمْزَمَ الْمَاءَ الرَّوِيَّ اَنْ تَجْعَلَ مَخْرَجَنَا

اسمعیل نزد تشنگی و برآوردی از چاه زمزم آب سیراب کننده اینکه بگردانی برآمدن ما را

اِلَى خَيْرٍ وَاَنْ تَرْزُقَنَا الْمَالَ الْوَاسِعَ بِرَحْمَتِكَ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

بسوی خیر و اینکه روزی دهی ما را مال فراخ برحمت خود و سوال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامیکه خواند ترا بآن نام

يَعْقُوبُ فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَوَلَدَهُ وَقُرَّةَ عَيْنِهِ اَنْ تُخَلِّصَنَا وَتَجْمَعَ

یعقوب پس برگردانیدی براو بینائی چشم او را و فرزند او را و روشنی چشم او را اینکه رهانی ما را و جمع کنی

بَيْنَنَا وَبَيْنَ اَوْلَادِنَا وَاَهَالِيْنَا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِهٖ يُوْسُفُ فَاَخْرَجْتَهٗ

میان ما و میان فرزندان ما و خویشان ما و سوال میکنیم از تو بنام تو آنچنان نامی که خواند ترا بآن نام یوسف پس بیرون آوردی او را

مِنَ السِّجْنِ اَنْ تُخْرِجَنَا مِنَ السِّجْنِ وَتُمَلِّكَنَا نِعْمَتَكَ الَّتِيْ اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيْنَا وَاَسْاَلُكَ

از زندان اینکه بیرون آری ما را از زندان و مالک کردانی ما را نعمت خود آنچنان نعمتی که انعام کردی بآن بر ما

بِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِهِ الْاَسْبَاطُ فَتُبْتَ عَلَيْهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ اَنْبِيَاءَ اَنْ تَتُوْبَ

بنام تو آنچنان نامی که خواندند ترا بآن نام پسرهای یعقوب پس قبول کردی توبه ایشان را و کردانیدی ایشان را پیغمبران اینکه توبه

عَلَيْنَا وَتَرْزُقَنَا طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ وَالْخَلَاصَ مِمَّا نَحْنُ فِيْهِ وَاَسْاَلُكَ

ما را قبول کنی و روزی کنی ما را اطاعت خود و عبادت خود و رستکاری از آنچه ما در آن هستیم و سوال میکنیم از تو

بِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِهٖ اَيُّوْبُ اِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ فَقَالَ رَبِّ اِنِّيْ مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ

بنام تو آن نامی که خواندند ترا بآن نام ایوب وقتیکه نازل شد بوی رنج پس گفت ای پروردگار من بتحقیقکه رسید بمن رنج و تو

اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ فَاسْتَجَبْتَ لَهٗ وَكَشَفْتَ عَنْهُ ضُرَّهٗ وَرَدَدْتَ عَلَيْهِ اَهْلَهٗ

مهربان ترین مهربانانی پس مستجاب کردی او را و برطرف کردی رنج او را و رد کردی بسوی او مردم او را

وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْكَ وَذِكْرٰى لِلْعَابِدِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَقُوْلُ كَمَا قَالَ

و مانند آنها با آنها از روی مهربانی از جانب خود و یادآوری برای عبادت کنندگان خداوندا بتحقیقکه من میگویم چنانکه گفت

رَبِّ اِنِّيْ مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ فَاسْتَجِبْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَخَلِّصْنَا

که ای پروردگار من بتحقیقکه رسیده مرا رنج و تو مهربانترین مهربانانی پس مستجاب کن برای ما و رحم کن بر ما و خلاص کن ما را

وَرُدَّ عَلَيْنَا اَهْلَنَا وَمَالَنَا وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْكَ وَاجْعَلْنَا مِنَ

و باز گردان برای ما اهل ما را و مال ما را و مانند آنها با آنها از روی مهربانی خود و بگردان ما را از

الْعَابِدِيْنَ لَكَ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِهٖ مُوْسٰى وَهٰرُوْنُ فَقُلْتَ عَزَّ

عبادت کنندگان برای خود و سوال میکنیم از تو بنام تو آن نامیکه خواندند ترا بآن نام موسی و هارون پس گفتی عزیز

مِنْ قَائِلٍ قَدْ اُجِيْبَتْ دَعْوَتُكُمَا اَنْ تَسْتَجِيْبَ دُعَاءَنَا وَتُنَجِّيَنَا كَمَا نَجَّيْتَهُمَا

گویندگان که بتحقیق اجابت کرده شده دعای شما اینکه مستجاب کنی دعای ما را و نجات دهی ما را چنانچه نجات دادی ایشان را

وَنَقُولُ كَمَا قَالَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْ لِي

و میگویم چنانچه گفت یونس که نیست معبودی بحق بجز تو تنزیه میکنم ترا بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس اجابت کن مرا

وَنَجِّنِي مِنْ غَمِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَمَا ضَمِنْتَ أَنْ تُنَجِّيَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

و نجات ده مرا از غم دنیا و آخرت چنانچه ضامن شدی این را که نجات دهی مومنان را و سوال میکنم از تو بنام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ زَكَرِيَّا وَقَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

آن نامیکه خواند ترا بآن نام زکریا و گفت که ای پروردگار من مگذار مرا تنها و حال آنکه تو بهترین وارثانی

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَوَهَبْتَ لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْتَ لَهُ زَوْجَهُ وَجَعَلْتَهُمْ يُسَارِعُونَ

پس مستجاب کردی برای او و بخشیدی مر او را یحیی و اصلاح آوردی برای او زوج او و گردانیدی ایشان را که سرعت کننده بودند

فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَكَ رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَكَ خَاشِعِينَ فَإِنِّي أَقُولُ

در خیرها و میخواندند ترا از روی خواهش و ترس و بودند مر ترا زاری کننده گان پس بدرستیکه من میگویم

كَمَا قَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ فَاسْتَجِبْ لِي وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي

چنانکه گفت او ای پروردگار من مگذار مرا تنها و حال آنکه تو بهترین وارثانی پس اجابت کن برای من و نیکو کن برای من حال مرا

وَجَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَخَلِّصْنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ وَهَبْ لِي كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ

و همه چیزها را که انعام کردی بآن بر من و رها کن مرا از آنچه من در آنم و ببخش مرا بزرگی دنیا و

الْآخِرَةِ وَأَوْلَادًا صَالِحِينَ يَرِثُونِي وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَدْعُوكَ رَهَبًا وَرَغَبًا

آخرت و فرزندان نیکوکاران که میراث برند از من بگردان ما را از آن کسان که میخوانند ترا از ترس و رغبت

وَمِنَ الْخَاشِعِينَ الْمُطِيعِينَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يَحْيَى

و از زاری کنندگان اطاعت کنندگان مر ترا و سوال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه خواند ترا بآن نام یحیی

فَجَعَلْتَهُ بِهِ بَرَّ الْفِتْيَةِ وَلَمْ يَعْمَلْ مَعْصِيَةً وَلَمْ يَهُمَّ بِهَا أَنْ تَعْصِمَنِي مِنِ اقْتِرَافِ الْمَعَاصِي

پس گردانیدی او را معصوم که و از نشو و [illegible] و حال آنکه نکرده باشد گناهی و قصد کرده باشد بگناه اینکه نگهداری مرا از کسب گناهان

حَتَّى أَلْقَاكَ طَاهِرًا لَيْسَ لَكَ قِبَلَنَا مَعْصِيَةٌ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

تا ملاقات کنم ترا در حالت پاکیزگی نباشد ترا جانب ما گناهی و سوال میکنم از تو بنام تو آن نامی که

دَعَتْكَ بِهٖ مَرْيَمُ فَنَطَقَ وَلَدُهَا بِحُجَّتِهَا اَنْ تُوَفِّقَنَا وَتُخَلِّصَنَا بِحُجَّتِنَا عِنْدَكَ

خواند ترا بآن نام مریم پس ناطق شد فرزندا و بحجت او اینکه توفیق بدهی مارا و بر ہانی مارا بحجت ما نزد تو

وَعِنْدَ كُلِّ مُلِمَّةٍ حَتّٰى تُظْهِرَ حُجَّتَنَا عَلٰى ظَالِمِيْنَا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ

ونزد ہر حادثۂ نازله تا ظاهر کنی حجت مارا بر ستمکاران ما وسوال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه

دَعَاكَ بِهٖ عِيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فَاَحْيَا بِهِ الْمَوْتٰى وَاَبْرَاَ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ

خواند ترا بآن نام عیسی پسر مریم پس زنده کرد بآن نام مرده را وشفا داد کور مادر زاد را وصاحب برص را

اَنْ تُخَلِّصَنَا وَتُبَرِّئَنَا مِنْ كُلِّ سُوْءٍ وَاٰفَةٍ وَاَلَمٍ وَتُحْيِيَنَا حَيٰوةً طَيِّبَةً فِي الدُّنْيَا

اینکه خلاص کنی مارا و پاک سازی مارا از ہر بدی و آفتی و رنجی و زنده داری مارا بزندگانی پاک در دنیا

وَالْاٰخِرَةِ وَاَنْ تَرْزُقَنَا الْعَافِيَةَ فِيْ اَبْدَانِنَا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ

وآخرت واینکه روزی دہی مارا عافیت در بدنهای ما وسوال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه خواند ترا

بِهِ الْحَوَارِيُّوْنَ فَاَعَنْتَهُمْ حَتّٰى بَلَغُوْا عَنْ عِيْسٰى مَا اَمَرَهُمْ بِهٖ وَصَرَفْتَ عَنْهُمْ

بآن نام حواریون پس یاری کردی ایشانرا تا رسیدند از عیسی آنچه فرموده بود ایشانرا و بر گردانیدی از ایشان

كَيْدَ الْجَبَّارِيْنَ وَتَوَلَّيْتَهُمْ اَنْ تُخَلِّصَنَا وَتَجْعَلَنَا مِنَ الدُّعَاةِ اِلٰى

مکر جباران را ومتولی کار ایشان شدی اینکه خلاص کنی مارا و بگردانی مارا از دعوت کنندگان بسوی

طَاعَتِكَ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِهٖ جِرْجِيْسُ فَرَفَعْتَ عَنْهُ اَلَمَ

طاعت خود وسوال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه خواند ترا بآن نام جرجیس پس برطرف کردی از و رنج

الْعَذَابِ اَنْ تَرْفَعَ عَنَّا اَلَمَ الْعَذَابِ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَنْ لَا تَبْتَلِيَنَا وَ

عذاب را اینکه برطرف کنی از ما رنج عذاب را در دنیا و آخرت و اینکه مبتلا نسازی مارا و

اِنِ ابْتَلَيْتَنَا فَصَبِّرْنَا وَالْعَافِيَةُ اَحَبُّ اِلَيْنَا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ

اگر مبتلا سازی پس صبر ده مارا و عافیت دوست تر است بسوی ما از ابتلا وسوال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه خواند ترا

بِهِ الْخَضِرُ حَتّٰى اَبْقَيْتَهُ اَنْ تُفَرِّجَ عَنَّا وَتَنْصُرَنَا عَلٰى مَنْ ظَلَمَنَا وَتَرُدَّنَا

بآن نام خضر تا باقی داشتی او را اینکه بگشائی از ما و یاری دہی مارا بر ہر که ستم کند مارا و بر گردانی مارا

هو العزيز الحكيم الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب فيه ذلكم

او که غالب صاحب حکمت خدا نیست معبودی مگر او جمع میکند شما را در روز قیامت نیست شکی در ان همانست

الله ربكم لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل

خدا پروردگار شما نیست معبود بحق مگر او آفریننده هر چیز پس عبادت کنید او را و او بر هر چیز نگهبانست

اتبع ما اوحي اليك من ربك لا اله الا هو واعرض عن المشركين

پیروی کن آنچه وحی کرده شده است بسوی تو از پروردگار تو نیست معبود بحق مگر او و روگردان از مشرکان

قل يا ايها الناس اني رسول الله اليكم جميعا الذي له ملك السموات والارض

بگو ای محمد که ای مردمان بدرستیکه من فرستاده خدایم بسوی شما همه آن خدا که مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین

لا اله الا هو يحيي ويميت فامنوا بالله ورسوله النبي الامي الذي

نیست معبود بحق بجز او زنده میکند و می میراند پس ایمان بیاورید بخدا و رسول او که پیغمبر نانویسنده است آنکه

يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون وما امروا الا ليعبدوا

ایمان می آرد بخدا و کلمه های او و پیروی کنید او را که شاید شما راه یابید و مامور نشده اند مگر اینکه پرستند

الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما يشركون فان تولوا فقل

خدای یگانه را نیست معبود بحق مگر او پاکست او از آنچه شریک میکنند مشرکان پس اگر برگردانند پس بگو

حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم

کفایت میکند مرا خدا نیست معبود بحق مگر او بر او کار گذاشتم و او پروردگار عرش بزرگ است

حتى اذا ادركه الغرق قال امنت انه لا اله الا الذي امنت به

تا وقتیکه دریافت فرعون را غرق گفت ایمان آوردم که نیست خدا جز آنکه ایمان آورده اند باو

بنوا اسرائيل وانا من المسلمين قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت

بنی اسرائیل و من نیز از مسلمانان هستم بگو او پروردگار من نیست معبود بحق بجز او بر او کار گذاشتم

واليه متاب ينزل الملائكة بالروح من امره على من يشاء من عباده

و بسوی اوست بازگشت من فرو میفرستد فرشتگان را بروح از امر خود بر هر که خواهد از بنده های خود

اَنْ اَنْذِرُوْا اَنَّهٗ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ فَاتَّقُوْنِ وَاِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَاِنَّهٗ يَعْلَمُ

اینکه بیم دهید بندگان را بدرستیکه نیست معبودی بحق بغیر از من پس بترسید از او اگر آشکارا و بلند بگوئی پس بدرستیکه خدا میداند

السِّرَّ وَاَخْفٰى اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَاَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ

راز و پنهان تر از آن را خدا نیست معبودی مگر او مر او راست نامهای نیک و من اختیار کردم ترا پس بشنو

لِمَا يُوْحٰى اِنَّنِىْ اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدْنِىْ وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِىْ اِنَّمَا

چیزی را که وحی کرده میشود بدرستیکه من خدایم نیست معبودی بحق جز من پس عبادت کن مرا و بر پا دار نماز را برای یاد من نیست

اِلٰهُكُمُ اللّٰهُ الَّذِىْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَىْءٍ عِلْمًا وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ

خدای شما مگر خدا اینکه نیست معبودی بحق بجز او فرا گرفته است همه چیز را از روی علم و نفرستادیم پیش از تو

مِنْ رَسُوْلٍ اِلَّا نُوْحِىْ اِلَيْهِ اَنَّهٗ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدُوْنِ وَذَا النُّوْنِ اِذْ

پیغمبری را مگر آنکه وحی میکردیم بسوی او اینکه نیست معبودی بحق جز من پس پرستید مرا و یاد کن صاحب ماهی که یونس است

ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادٰى فِى الظُّلُمٰتِ اَنْ

وقتیکه رفت غضبناک پس گمان برد این را که تنگ نمیگیریم بر وی پس ندا کرد در تاریکیها این را که

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّىْ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ فَتَعٰلَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ

نیست معبودی بحق بجز تو تنزیه مر ترا بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس بلند است خدای پادشاه راست

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمِ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ

نیست معبودی بحق بجز او که پروردگار عرش بزرگست نیست معبودی بحق بجز او که پروردگار عرش بزرگست

وَهُوَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِى الْاُوْلٰى وَالْاٰخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ

و اوست خدا اینکه نیست معبودی بحق بجز او و مر او راست ستایش در آغاز یعنی دنیا و انجام یعنی عقبی و مر او راست حکم

وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ كُلُّ شَىْءٍ هَالِكٌ اِلَّا

و بسوی او برگردانیده میشوید و مخوان با خدا خدای دیگر را نیست معبودی بجز او همه چیز نابود شونده است مگر

وَجْهَهٗ لَهُ الْحُكْمُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ

ذات خدا و مر او راست حکم و بسوی او برگردانیده میشوید ای گروه مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر شما

هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللّٰهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنّٰى

آیا هست هیچ آفریننده غیر از خدا که روزی دهد شما را از آسمان و زمین نیست معبودی بحق بجز او پس بکجا

تُؤْفَكُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنّٰى تُصْرَفُونَ غَافِرِ الذَّنْبِ

برگردانیده میشوید این است خدا پروردگار شما مر اوست پادشاهی نیست معبودی بحق بجز او پس بکجا برگردانیده میشوید آمرزنده گناه

وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ذٰلِكُمُ

و پذیرنده توبه سخت عقوبت است صاحب بزرگی و نفع است نیست معبودی بحق بجز او بسوی اوست بازگشت این است

اللّٰهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنّٰى تُؤْفَكُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ

خدا پروردگار شما پیدا کننده هر چیز نیست معبودی بحق بجز او پس بکجا برگردانیده میشوید این است خدا پروردگار شما

اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

خدای پروردگار عالمیان وست زنده نیست معبودی بحق بجز او پس بخوانید او را خالص کنندگان برای او دین را

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ

حمد مر خدای را که پروردگار عالمیان است پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان هر دو است اگر هستید

مُوقِنِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ فَأَنّٰى لَهُمُ

صاحبان یقین نیست معبودی بحق بجز او زنده میکند و میمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران شما که پیش گذشتند پس کجاست ایشان را

إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرٰيهُمْ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ

هرگاه بیاید ایشان را پند ایشان پس بدانکه نیست معبودی بحق بجز خدا و طلب آمرزش کن برای گناه خود و برای مومنان

وَالْمُؤْمِنَاتِ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ

و زنان مومنه اوست خدائی که نیست معبودی بحق بجز او که داناست نهانست و آشکار اوست بخشاینده

الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

مهربان اوست خدائی که نیست خدا بجز او پادشاه پاک سالم ایمنی دهنده

الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

ایمن سازنده نگاهبان صاحب عظمت بسیار بزرگوار منزه است خدا از آنچه شریک میکنند خدا نیست معبودی بحق

وعلى الله فليتوكل المؤمنون اللهم اني اسألك عفواً ليس بعده

و بر خدا باید که توکل نمایند مومنان بار خدایا من سوال میکنم از تو عفوی را که نباشد بعد از آن

عقوبة ورضا ليس بعده سخط وعافية ليس بعدها بلاء وسعادة

عقابی و خشنودی را که نباشد بعد از آن خشمی و عافیتی که نباشد بعد از آن رنجی و نیک بختی

ليس بعدها شقاء وهدى لا يكون بعده ضلالة وايمانا لا يداخله

که نباشد بعد از آن بدبختی و هدایتی که نباشد بعد از آن گمراهی و ایمانی که در نیاید او را

كفر ويقينا لا يداخله فتنة اللهم اني اسألك السعة في القبر والحجة

کفر و یقینی که در نیاید او را فتنه بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو فراخی در قبر و حجت

البالغة والقول الثابت وان تنزل علي الامان والفرح والسرور

رسا و قول پایدار و اینکه نازل گردانی بر من امان را و گشایش را و شادی را

ونضرة النعيم اللهم صل على محمد وال محمد وعرفني بركة هذا

و تازگی نعمت را بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد و بشناسان مرا برکت این

الشهر ويمنه وارزقني خيره واصرف عني شره واجعلني فيه من

ماه و میمنت آن را و روزی کن مرا خوبی او را و دفع کن از من بدی او را و بگردان مرا در این ماه از

الفائزين برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم انت وهاب الخير فهب لي

رستگاران برحمت خود ای مهربان ترین مهربانان بار خدایا تو بسیار بخشنده خیری پس ببخش مرا

شوقا الى لقائك واشفاقا من عذابك وحياء منك وتوقيرا واجلالا

خواهشی بسوی ملاقات خود و ترسیدن از عذاب خود و شرم از خود و توقیر و بزرگ داشتن

حتى يوجل من ذلك قلبي ويقشعر منه جلدي ويتجافى له جنبي

تا آنکه بترسد از این دل من و بلرزد از آن پوست من و برخیزد از رختخواب پهلوی من

وتدمع منه عيني ولا اخلو من ذكرك في ليلي ونهاري يا ارحم

و اشک بریزد از آن چشم من و خالی نشوم از یاد تو در شب خود و در روز خود ای مهربان

فصل دوم در فضیلت ذکر حضرت رسول صلی الله علیه وآله ...

الرّاحمين اللّهمّ انّي اثني عليك وما عسى ان تبلغ مدحتي وثنائي

مهربانان بار خدایا بدرستیکه من ثنا میکنم بر تو ونیست قریب بآنکه برسد مدح کردن من وستایش من

مع قلّة عملي وقصر رأيي وانت الخالق وانا المخلوق وانت المالك

با کمی کردار من وکوتاهی بینش من تو آفریننده ومن آفریده شده ام و تو مالکی

وانا المملوك وانت الرّبّ وانا العبد وانت العزيز وانا الذّليل

ومن مملوکم و تو پروردگاری ومن بنده ام وتو عزیزی ومن خوارم

وانت القويّ وانا الضّعيف وانت الغنيّ وانا الفقير وانت المعطي

وتو توانائی ومن ناتوانم وتو بی نیازی ومن محتاجم وتو بخشنده

وانا السّائل وانت الحيّ الّذي لا يموت وانا خلق اموت فاغفر لي

ومن طلب کننده ام وتو زنده که نمی میرد ومن آفریده ام که می میرم پس بیامرز مرا

وارحمني واعطني سؤلي في دنياي وآخرتي وتجاوز عنّي وعن جميع

وببخشای مرا وبده مسئولات مرا در دنیای من وآخرت من ودرگذر از من واز همه

المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم و

مردان مؤمن وزنان مؤمنه ومردان مسلم وزنان مسلمه زندگان از ایشان و

الاموات اللّهمّ صلّ على محمّد عبدك ورسولك ونبيّك وصفيّك

مردگان بار خدایا درود بفرست بر محمد بنده خود وپیغمبر خود ونبی خود وبرگزیده خود

وخيرتك من خلقك اللّهمّ ارفع درجته وكرّم مقامه واجزل ثوابه

ومختار خود از خلق خود بار خدایا بلند کن درجه او را وبزرگ گردان جای او را وعظیم گردان ثواب او را

وافلج حجّته واظهر عذره وعظّم نوره وادم كرامته والحق به امّته

وظاهر گردان حجت او را وآشکار گردان عذر او را وعظیم کن نور او را وپایدار کن بزرگی او را وملحق کن باو امت او را

وذرّيّته واقرر بذلك عينه اللّهمّ اجعل محمّدا اكرم النّبيّين تبعا

وفرزندان او را وروشن کن چشم او را بار خدایا بگردان محمد را گرامی ترین پیغمبران از راه تابعان

وَاَعْظَمَهُمْ مَنْزِلَةً وَاَشْرَفَهُمْ كَرَامَةً وَاَعْلَاهُمْ دَرَجَةً وَاَفْسَحَهُمْ فِي

و بزرگترین آنها از روی منزلت و شریفترین آنها از روی کرامت و بلندترین آنها از روی درجه و گشاده‌ترین آنها در

الْجَنَّةِ مَنْزِلًا اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّدًا دَرَجَةَ الْوَسِيلَةِ وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ

بهشت از روی خانه بارخدایا برسان محمد را بدرجه وسیله و بزرگ کن بنیاد او را و عظیم کن

نُورَهُ وَبُرْهَانَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي اُمَّتِهِ وَتَقَبَّلْ صَلٰوةَ اُمَّتِهِ عَلَيْهِ

نور او را و برهان او را و قبول کن شفاعت او را در حق امتش و قبول کن درود امت او را بر او

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَتَلَا اٰيَاتِكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ وَجَاهَدَ

بارخدایا درود بفرست بر محمد چنانکه تبلیغ کرد رسالتهای ترا و خواند آیتهای ترا و نصیحت کرد مر بندهای ترا و جهاد کرد

فِي سَبِيلِكَ حَتّٰى اَتَاهُ الْيَقِينُ اَللّٰهُمَّ زِدْ مُحَمَّدًا مَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفًا وَمَعَ كُلِّ

در راه تو تا آمد او را مرگ بارخدایا زیاده کن محمد را با هر بزرگی بزرگی و با هر

فَضْلٍ فَضْلًا وَمَعَ كُلِّ كَرَامَةٍ كَرَامَةً وَمَعَ كُلِّ سَعَادَةٍ سَعَادَةً حَتّٰى

فضیلتی فضیلتی و با هر بزرگی بزرگی و با هر نیک بختی نیک بختی تا آنکه

تَجْعَلَ مُحَمَّدًا فِي الشَّرَفِ الْاَعْلٰى مِنَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

بگردانی محمد را در مرتبهٔ بلند از مرتبه‌های بلند بارخدایا درود بفرست بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَسَهِّلْ لِي مَحَبَّتِي وَبَلِّغْنِي اُمْنِيَّتِي وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي

و آل محمد و آسان کن برای من محبت مرا و برسان مرا بآرزوی من و وسعت بده بر من در روزی

وَاقْضِ عَنِّي دَيْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي وَيَسِّرْ لِي اِرَادَتِي

و برطرف کن از من وام و بگشای از من غم و اندوه و حزن مرا و آسان کن برای من اراده مرا

وَاَوْصِلْنِي اِلٰى بُغْيَتِي سَرِيعًا عَاجِلًا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و برسان مرا بسوی حاجت من بزودی و شتاب ای مهربان‌ترین مهربانان

و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است در روز دهم ماه ربیع الآخر سال دویست و سی و دو از هجرت نبوی صلعم حضرت امام حسن عسکری متولد شده است و روز شریف بسیار مبارکیست و مستحب است که بشکر

این نعمت عظمی روزه از ند مولف گوید که زیارت آنحضرت و سایر اعمال خیر درین ماه بسیار برکت است

فصل دوم

در اعمال ماه جمادی الاولی است سید ابن طاوس رضی الله عنه از بعضی کتب معتبره نقل کرده که در روز اول این ماه مستحب است که این دعا را بخوانند

اللّهمّ انت الله وانت الرّحمن الرّحیم وانت الملک القدّوس وانت السّلام
بار خدایا توئی خدا و توئی بخشاینده مهربان و توئی پادشاه بسیار پاک و توئی سالم از نقص

المؤمن وانت المهیمن وانت العزیز وانت الجبّار وانت المتکبّر وانت
امان دهنده و توئی ایمن سازنده و توئی غالب و توئی بسیار جبر کننده و توئی صاحب بزرگی و توئی

الخالق وانت البارئ وانت المصوّر وانت العزیز الحکیم وانت الاوّل
آفریننده و توئی پیدا کننده و توئی صورت دهنده و توئی غالب صاحب حکمت و توئی آغاز همه

والآخر والظّاهر والباطن لک الاسماء الحسنی اسئلک یا ربّ بحقّ
و انجام همه آشکار و پنهان همه مر تراست نامهای نیکو سؤال میکنم از تو ای پروردگار من بحق

هذه الاسماء وبحقّ اسمائک کلّها ان تصلّی علی محمّد وعلی آل محمّد و
این نامها و بحق نامهای تو همه آن اینکه درود فرستی بر محمد و بر آل محمد و

تؤتینا اللّهمّ فی الدّنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وتختم لنا بالسّعادة
بدهی ما را خدایا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و ختم کنی ما را به نیک بختی

والشّهادة فی سبیلک وتعرّفنا برکة شهرنا هذا ویمنه وترزقنا خیره و
و شهید شدن در راه تو و بشناسانی ما را برکت ماه ما که این ماه است و میمنت او و روزی کنی ما را خیر او و

تصرف عنّا شرّه واجعلنا فیه من الفائزین وقنا برحمتک عذاب النّار یا ارحم
برگردانی از ما شر او را و بگردانی ما را در این ماه از رستگاران و نگاهداری ما را برحمت خود از عذاب آتش ای ارحم

الرّاحمین انّک علی کلّ شیء قدیر پس این آیات بخوانند الحمد لله ربّ العالمین
مهربانان بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی
حمد مر خدا را که پروردگار عالمیان است

الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم
حمد مر خدای را که آفرید آسمانها و زمین و پیدا کرد تاریکیها و روشنی را پس
الذین کفروا بربهم یعدلون هو الذی خلقکم من طین ثم قضی
آنانکه کافر شدند به پروردگار خود برابر میکنند دیگری را اوست آن کسیکه آفرید شما را از گل بعد از آن مقرر کرد
اجلا واجل مسمی عنده ثم انتم تمترون وهو الله فی السموات وفی
اجل و اجل معین نزد اوست انگاه شما شک می آورید اوست خدا در آسمانها و در
الارض یعلم سرکم وجهرکم ویعلم ما تکسبون الحمد لله الذی
زمین میداند نهان شما و آشکار شما و میداند آنچه کسب میکنید شما حمد مر خدا را که
انزل علی عبده الکتاب ولم یجعل له عوجا قیما لینذر بأسا شدیدا من
فرو فرستاد بر بنده خود قرآن را و نکرد اندر آن هیچ کجی در حالتی راستی تا بیم دهد عذاب سخت را از
لدنه الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض وله الحمد فی
جانب او حمد مر خدای را که مر او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است مر او راست حمد در
الآخرة وهو الحکیم الخبیر الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل
آخرت و اوست صاحب حکمت آگاه حمد مر خدای را که پیدا کننده آسمانها و زمین است گرداننده
الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی وثلاث ورباع یزید فی الخلق ما یشاء
فرشتگان فرستادگان صاحب بالها دو دو و سه سه چهار چهار می افزاید در خلق آنچه خواهد
ان الله علی کل شیء قدیر ما یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک
بدرستیکه خدا بر همه چیز تواناست آنچه می گشاید خدا برای مردم از بخشایش پس نیست گیرنده
لها وما یمسک فلا مرسل له من بعده وهو العزیز الحکیم الحمد لله
مر آن را و آنچه بسته کند پس نیست باز کننده مر آن را از پس آن و اوست غالب حکیم حمد مر خدای را
الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله
که راه نمود ما را به این و نبودیم ما که راه یابیم اگر نبودی آنکه راه می نمود ما را خدا

لقد جاءت رسل ربنا بالحق الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر

هر آینه بتحقیق آمدند فرستادگان پروردگار ما براستی حمد مر خدایرا که بخشید مرا بر پیری

اسمٰعیل و اسحاق ان ربی لسمیع الدعاء الحمد لله بل اکثرهم

اسمعیل و اسحاق را بدرستیکه پروردگار من هر آینه شنوای دعاست حمد مر خدایرا بل اکثر ایشان

لا یعلمون الحمد لله الذی نجانا من القوم الظالمین الحمد لله الذی

نمیدانند حمد مر خدایرا که نجات داد ما را از گروه ستمکاران حمد مر خدایرا که

فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین الحمد لله سیریکم آیاته

که زیادتی فضل داد ما را بر بسیار از بندهای خود که مومنانند حمد خدایرا بزودی خواهد نمود شما را آیات خود را

فتعرفونها وما ربک بغافل عما تعملون الحمد لله الذی اذهب عنا

پس خواهید شناخت شما آنرا و نیست پروردگار تو غافل از آنچه میکنید حمد مر خدایرا که برد از ما

الحزن ان ربنا لغفور شکور الحمد لله الذی صدقنا وعده

اندوه را بدرستیکه پروردگار ما آمرزنده و سپاس پذیر است حمد مر خدایرا که راست کرد ما را وعده خود

واورثنا الارض نتبوأ من الجنة حیث نشاء فنعم اجر العاملین

و میراث داد ما را زمین جا میگیریم از بهشت هر جا خواهیم پس نیکوست مزد عمل کنندگان

تری الملائکة حافین من حول العرش یسبحون بحمد ربهم

و می بینی فرشتگان را طواف کنندگان از گرد عرش تسبیح میکنند بحمد پروردگار خود

وقضی بینهم بالحق وقیل الحمد لله رب العالمین فلله الحمد رب

و حکم کرده شده میان ایشان براستی و گفته شد حمد مر خدایرا که پروردگار عالمیانست پس خدایراست حمد که پروردگار

السموات ورب الارض رب العالمین وله الکبریاء فی السموات

آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار عالمیان و مر او راست بزرگی در آسمان

والارض وهو العزیز الحکیم الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن

و زمین و اوست غالب صاحب حکمت حمد مر خدایرا که اختیار نکرد فرزند را و نشد

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا

مراورا شریک در پادشاهی ونشد مراورا یاری دهنده از خواری وتکبیر بگو اورا تکبیر گفتنی

اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَتَدَارَكْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي

بارخدایا بیامرز مرا آنچه گذشته از گناهان من ودریاب مرا در آنچه باقی ماندهٔ از عمر من

وَقَوِّ ضَعْفِي لِلَّذِي خَلَقْتَنِي لَهُ وَحَبِّبْ إِلَيَّ الْإِيمَانَ وَزَيِّنْهُ فِي قَلْبِي

وقوت بده ناتوانی مرا برای چیزیکه آفریدهٔ مرا برای آن ودوست گردان بسوی من ایمان را وزینت ده آنرا در دل من

وَقَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اللّٰهُمَّ أَصْبَحْتُ

وبتحقیق دعا کردم ترا چنانچه فرمودی مرا پس مستجاب کن برای من چنانچه وعده کردی مرا بارخدایا صبح کردم

لَكَ عَبْدًا لَا أَسْتَطِيعُ دَفْعَ مَا أَكْرَهُ وَلَا أَمْلِكُ مَا أَرْجُو وَأَصْبَحْتُ

حالیکه برای تو بندهام توانائی ندارم دفع چیزیرا که ناخوش دارم ومالک نیستم چیزیرا که امید دارم وصبح کردم

مُرْتَهِنًا بِعَمَلِي فَلَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي إِلَيْكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَنِي

گروکرده شده بکردار خود پس نیست محتاجی حاجتمندتر از من بسوی تو ای پروردگار عالمیان سوال میکنم از تو اینکه بکار وادار مرا

عَمَلَ مَنِ اسْتَيْقَنَ حُضُورَ أَجَلِهِ لَا بَلْ عَمَلَ مَنْ قَدَّمَ مَاتَ وَرَأَى عَمَلَهُ

بهمچو کار کسیکه یقین دارد حاضر شدن اجل خود را نه بلکه بهمچو کار کسیکه بتحقیق مرد وپس دید کار خود را

وَنَظَرَ إِلَى ثَوَابِ عَمَلِهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللّٰهُمَّ هٰذَا مَكَانُ الْعَائِذِ

ونظر کرد بسوی ثواب عمل خود بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی بارخدایا این جای کسی است که پناه برنده است

بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَهٰذَا مَكَانُ الْعَائِذِ بِعَفْوِكَ مِنْ غَضَبِكَ

برحمت تو از عذاب تو واین مکان کسی است که پناه برنده است به بخشش تو از غضب تو

اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ دَعَاكَ فَأَجَبْتَهُ وَسَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَأَمَّلَكَ فَبَلَّغْتَهُ

بارخدایا بگردان مرا از آنکسانیکه خواندند ترا پس اجابت کردی آنهارا وسوال کردند ترا پس بخشیدی آنهارا وامید آوردند بتو پس رسانیدی آنهارا

وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فَكَفَيْتَهُ وَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَدْنَيْتَهُ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ فَأَغْنَيْتَهُ

وتوکل کردند بر تو پس کفایت کردی آنهارا ونزدیکی خواستند بسوی تو پس نزدیک کردی آنهارا واحتیاج شدند بسوی تو پس غنی کردی آنهارا

وَاسْتَغْفَرَكَ فَغَفَرْتَ لَهُ وَرَضِيتَ عَنْهُ وَأَرْضَيْتَهُ وَهَدَيْتَهُ إِلَى

وطلب آمرزش کردند از تو پس آمرزیدی آنها را و راضی شدی از آنها و راضی کردی آنها را و رهنمودی

مَرْضَاتِكَ وَاسْتَعْمَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ وَلِذَلِكَ فَرَّغْتَهُ أَبَداً مَا أَحْيَيْتَهُ

خوشنودی خود و بکار فرمودی آنها را بطاعت خود و از برای همین فارغ کردی آنها را همیشه مادام که زنده داشتی آنها را

فَتُبْ عَلَيَّ يَا رَبِّ وَأَعْطِنِي سُؤْلِي وَلَا تَحْرِمْنِي شَيْئاً مِمَّا سَأَلْتُكَ وَاكْفِنِي

پس قبول توبه من بکن ای پروردگار من و بده مرا مسئول مرا و نا امید مکن مرا از چیزی که سؤال کردم از تو و کفایت کن

شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ وَأَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

شر آنچه میکنند ظالمان در زمین و طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست معبودی بحق بجز

هُوَ الَّذِي لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا هُوَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ

او آن کسی که نمی آمرزد گناهان را کسی بجز او بار خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ وَأَعِنِّي عَلَى الدُّنْيَا وَارْزُقْنِي خَيْرَهَا وَكَرِّهْ إِلَيَّ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ

محمد و یاری کن مرا بر کار دنیا و روزی کن مرا خیر آن را و ناخوش گردان بسوی من کفر و فسوق

وَالْعِصْيَانَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الرَّاشِدِينَ اللَّهُمَّ قَوِّنِي لِعِبَادَتِكَ

و گناه را و بگردان مرا از راه یافتگان بار خدایا قوت بده مرا برای عبادت خود

وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَبَلِّغْنِي الَّذِي أَرْجُو مِنْ رَحْمَتِكَ يَا

و بکار بدار مرا در طاعت خود و برسان مرا آنچه امید آن دارم از رحمت تو ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرِّيَّ يَوْمَ الظَّمَاءِ وَالنَّجَاةَ يَوْمَ

مهربان ترین مهربانان بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم از تو سیرابی را در روز تشنگی و رستگاری را در روز

الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ وَالْفَوْزَ يَوْمَ الْحِسَابِ وَالْأَمْنَ يَوْمَ الْخَوْفِ وَأَسْأَلُكَ

ترس بزرگتر و فیروزی یافتن در روز حساب و امن بودن در روز ترس سؤال میکنم از تو

النَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَالْخُلُودَ فِي جَنَّتِكَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ مِنْ

نظر را بسوی روی تو که بزرگوار است و همیشه بودن در بهشت تو در جای اقامت از

فَضْلِكَ وَ السُّجُوْدَ يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَ الظِّلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ اِلَّا ظِلُّكَ

فضل تو و سجده کردن را روزیکه برهنه کرده شود از ساق و سایه را روزیکه سایه نیست بجز سایه تو

وَ مُرَافَقَةَ اَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ اَوْلِيَائِكَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ مَا قَدَّمْتُ

و همراهی پیغمبران تو و فرستادگان تو و دوستان تو بار خدایا بیامرز مرا آنچه پیش کردم

مِنْ ذُنُوْبِيْ وَ مَا اَخَّرْتُ وَ مَا اَسْرَرْتُ وَ مَا اَعْلَنْتُ وَ مَا اَسْرَفْتُ

گناهان خود و آنچه آخر کردم و آنچه نهان داشتم و آنچه آشکار کردم و آنچه اسراف کردم

عَلٰى نَفْسِيْ وَ مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّيْ وَ ارْزُقْنِي التُّقٰى وَ الْهُدٰى وَ الْعَفَافَ

بر نفس خود و آنچه تو داناتری بآن از من و روزی کن مرا پرهیزگاری و راه یافتن و نگاهداشتن خود را

وَ الْغِنٰى وَ وَفِّقْنِيْ لِلْعَمَلِ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضٰى اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِيْ دِيْنِيَ الَّذِيْ

و توانگری و توفیق ده مرا برای عمل کردن بچیزی که دوست میداری و خوشنود میشوی بار خدایا

هُوَ عِصْمَةُ اَمْرِيْ وَ اَصْلِحْ لِيْ دُنْيَايَ الَّتِيْ فِيْهَا مَعَاشِيْ وَ اَصْلِحْ

آن حفظ امر من است و نیکو کن برای من دنیا مرا که در آن معاش من است و نیکو کن

لِيْ آخِرَتِيَ الَّتِيْ اِلَيْهَا مُنْقَلَبِيْ وَ اجْعَلِ الْحَيٰوةَ زِيَادَةً لِيْ فِيْ

برای من آخرت مرا آنچنان آخرت که بسوی آن بازگشت من است و بگردان زندگانی را زیاده برای من در

كُلِّ خَيْرٍ وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِيْ مِنْ كُلِّ سُوْءٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

هر خیر و بگردان موت را آسایش برای من از هر بدی بار خدایا بدرستیکه

اَسْاَلُكَ يَا رَبَّ الْاَرْبَابِ وَ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ وَ يَا مَالِكَ الْمُلُوْكِ

سوال میکنم از تو ای پروردگار پروردگاران ای سرور سروران و ای مالک پادشاهان

اَنْ تَرْحَمَنِيْ وَ تَسْتَجِيْبَ لِيْ وَ تُصْلِحَنِيْ فَاِنَّهُ لَا يُصْلِحُ مَنْ صَلَحَ مِنْ عِبَادِكَ

اینکه رحم کنی بر من و مستجاب کنی برای من و نیکو کنی مرا پس بدرستیکه شان این است که نیکو نمیکند کسی را که نیکو شود از بندگان تو

اِلَّا اَنْتَ فَاِنَّكَ اَنْتَ ثِقَتِيْ وَ رَجَائِيْ وَ مَوْلَايَ وَ مَلْجَايَ

بجز تو پس بدرستیکه تو بهره کارسازی و معتمد منی و امید منی و یاور منی و پناه منی

وَلَا رَاحِمَ لِي غَيْرُكَ وَلَا مُغِيثَ لِي سِوَاكَ وَلَا مَالِكَ سِوَاكَ وَلَا مُجِيبَ

ونیست مهربانی مرا غیر تو ونه فریادرسی مرا غیر از تو ونه مالکی سوای تو ونه اجابت کننده

إِلَّا أَنْتَ أَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ الْخَاطِئُ الَّذِي

غیر از تو من بندهٔ تو وپسر غلام تو وپسر کنیز تو خطاکاری که

وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ وَأَنْتَ الْعَالِمُ بِحَالِي وَحَاجَتِي وَكَثْرَةِ ذُنُوبِي

فراخ است برای او بخشش تو وتو بی دانا بحال من واحتیاج من وبسیاری گناهان من

وَالْمُطَّلِعُ عَلَى أُمُورِي كُلِّهَا فَأَسْأَلُكَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَغْفِرَ لِي

وآگاه برکارهای من همه آن پس سوال میکنم از تو ای آنکه نیست معبودی بجز تو اینکه بیامرزی برای من

مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِي وَمَا تَأَخَّرَ اللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ

آنچه پیش گذشته از گناه من وآنچه متاخر است بارخدایا مگذار برای من گناهی مگر آنکه بیامرزی آن را

وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا إِلَّا قَضَيْتَهَا وَلَا عَيْبًا

ونه اندوهی مگر آنکه بگشائی آنرا ونه حاجتی که آن حاجت مرترا خشنودی است مگر آنکه روا کردانی آنرا ونه عیبی

إِلَّا أَصْلَحْتَهُ اللّٰهُمَّ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

مگر آنکه اصلاح کنی آنرا بارخدایا وبده مارا در دنیا نیکی ودر آخرت نیکی

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ اللّٰهُمَّ أَعِنِّي عَلَى أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَبَوَائِقِ الدُّهُورِ

ونگاهدار مرا از عذاب آتش بارخدایا یاری کن مرا بر ترسندهای دنیا وفتنهٔ روزگاران

وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ اللّٰهُمَّ وَاحْرُسْنِي مِنْ شَرِّ مَا يَعْمَلُ

ومصیبتهای شبها وروزها بارخدایا در پناه دار مرا از شر آنچه میکنند

الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي

ستمکاران در زمین پس بدرستیکه نیست قوت ونه توانائی مگر بتو بارخدایا بدرستیکه من

أَسْأَلُكَ إِيمَانًا ثَابِتًا وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا وَدُعَاءً مُسْتَجَابًا وَيَقِينًا صَادِقًا

سوال میکنم از تو ایمان پایدار وکردار پذیرفته ودعای مستجاب ویقین صادق را

وقولاً طيباً وقلباً شاكراً وبدناً صابراً ولساناً ذاكراً اللهم انزع
وسخن پاک را و دل شکرگذار را و تن شکیبا را و زبان ذکر کننده بارخدایا برکن

حب الدنيا ومعاصيها وذكرها وشهوتها من قلبي اللهم انك
دوستی دنیا وگناهان آنرا و یاد آنرا و خواهش آنرا از دل من بارخدایا بدرستیکه تو

بكرمك تشكر اليسير من عملي فاعف لي الكثير من ذنوبي وكن
بکرم خود راضی میشوی باندکی از عمل من پس عفو کن مرا بسیاری از گناهان من و باش

لي ولياً ونصيراً ومنيعاً وحافظاً اللهم هب لي قلباً اشد رهبة
برای من دوست ویاری دهنده و بازدارنده وحفظ کننده بارخدایا بخش مرا دلی که باشد سخت ترسنده

لك من قلبي ولساناً ادوم لك ذكراً من لساني وجسماً اقوى
مر ترا از دل من وزبانی که مداومت کننده باشد مر ترا در ذکر از زبان من و تنی که توانا باشد

على طاعتك وعبادتك من جسمي اللهم اني اعوذ بك من زوال
بر طاعت تو وپرستش تو از تن من بارخدایا بدرستیکه من پناه میبرم از زایل شدن

نعمتك ومن فجاءة نقمتك ومن تحول عافيتك ومن حلول
نعمت تو واز ناگاه دررسیدن غضب تو واز گردیدن عافیت تو واز درآمدن

غضبك واعوذ بك من جهد البلاء ودرك الشقاء ومن
خشم تو وپناه میبرم بتو از کوشش بلا و دریافت شقاوت واز

شماتة الاعداء وسوء القضاء في الدنيا والآخرة اللهم اني
سرزنش دشمنان وبدی قضا در دنیا وآخرت بارخدایا بدرستیکه من

اسألك باسمك الكريم وعرشك العظيم وملكك القديم يا وهاب
سوال میکنم از تو بنام تو که صاحب کرم است و بعرش تو که بزرگست وبپادشاهی تو که دیرینه است ای بسیار بخشنده

العطايا ويا مطلق الاسارى ويا فكاك الرقاب ويا كاشف العذاب
عطاها وای رهاننده اسیران وای بسیار جدا کننده گردنها وای برطرف کننده عذاب

أسألك أن تخرجني من الدنيا سالماً غانماً وأن تدخلني الجنة
سؤال میکنم از تو آنکه بیرون بری مرا از دنیا سلامت با غنیمت و آنکه در آری مرا در بهشت
برحمتك آمناً وأن تجعل أول شهري هذا صلاحاً وأوسطه
برحمت خود با امن و آنکه بگردانی اول ماه مرا که این ماه است صلاح و میان آن را
فلاحاً وآخره نجاحاً إنك أنت علام الغيوب
فیروزی و آخر آن را رستگاری بدرستیکه توئی بسیار داننده پنهانها

مؤلف گوید که کلینی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت
فاطمه صلوات الله علیها هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسالت صلعم زنده بود و بنابر مشهور
وفات حضرت رسول در بیست و هشتم ماه صفر بود باید که وفات حضرت فاطمه در سیزدهم
یا چهاردهم یا پانزدهم ماه جمادی الاولی باشد پس زیارت آنحضرت در این ایام مناسبست
خصوصاً در روز چهاردهم که ظاهر است شیخ مفید علیه الرحمه گفته که در شب پانزدهم ماه
حضرت امام زین العابدین علیه السلام متولد شده است و روز شریفی است و مستحب است که روزه بدارند و
اعمال خیر از عبادات و تصدق بجا آورند و شیخ طوسی گفته است که فتح البصره برای حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام نیز در این روز میسر شد مؤلف گوید که زیارت آن امام علیه السلام
در این روز مناسبست و اگر زیارت جامعه در این ایام بخوانند چنانچه مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی
بهتر است فصل سوم در اعمال ماه جمادی الثانیه [illegible] ابن طاوس رضی الله عنه روایت کرده
که در این ماه هر روز که خواهد سنت است که چهار رکعت نماز بکند یعنی و سلام در رکعت اول بعد از
سوره فاتحه یکمرتبه آیة الکرسی و بیست و پنج مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم یکمرتبه الهکم التکاثر و بیست و پنج مرتبه
قل هو الله احد در رکعت سوم یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الفلق و در رکعت چهارم
اذا جاء نصر الله یکمرتبه و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الناس و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید
سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر و هفتاد مرتبه
تنزیه میکنم خدا را و سپاس مر خدا راست و نیست معبودی بجز خدا و خدا بزرگتر است

اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد پس سه مرتبه بگوید اللّهمّ اغفر للمؤمنین و المؤمنات
خداوندا درود بفرست بر محمّد و آل محمّد بار خدایا بیامرز مردان مؤمن و زنان مؤمنه را

پس سر بسجده بگذارد و سه مرتبه بگوید

یا حیّ یا قیّوم یا ذا الجلال و الاکرام یا الله یا رحمن یا رحیم یا ارحم الرّاحمین
ای زنده ای پاینده ای صاحب بزرگی و گرامی کردن ای خدا ای مهربان ای بخشاینده ای مهربانترین مهربانان

پس هر حاجت که دارد از حق تعالی طلب نماید هر که چنین کند خدا خویش را و مالش را و فرزندانش را و دین و دنیای او را حفظ کند و اگر در آن سال بمیرد بشهادت میرد یعنی ثواب شهیدان نوشته باشند و شیخ بزرگوار محمّد بن جریر طبری در کتاب دلائل الامامة بسند معتبر از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده که وفات حضرت فاطمه صلوات الله علیها در سیم ماه جمادی الثانیه واقع شده شهادت آنحضرت در سوم این ماه نیز واقع شده و شیخ طوسی و سید ابن طاوس و دیگران چنین ذکر کرده‌اند اگرچه وفات منافی روایتی است که سابقا ذکر کردیم اما چون مشهور است و روایت معتبر دارد باید که در روز سوم مراسم تعزیت آنحضرت قیام نمایند و زیارت آنحضرت بکنند و لعن بر ظالمان آنحضرت و غاصبان حق او بکنند خصوصا ابوبکر و عمر و قنفذ غلام عمر و در بیستم ولادت آنحضرت است زیارت کنند چنانچه شیخ مفید گفته است و اظهار سرور و خوشحالی بکنند و روزه بدارند و تصدقات و اعمال خیر بکنند و زیارت آنحضرت بدو طریق وارد شده است اول آنکه سید ابن طاوس روایت کرده است که هر که آنحضرت را زیارت بکند باین زیارت که گوید

السّلام علیک یا سیّدة نساء العالمین السّلام علیک یا والدة
سلام بر تو باد ای بهترین زنان عالمیان سلام بر تو باد ای مادر
الحجج علی النّاس اجمعین السّلام علیک ایّتها المظلومة الممنوعة
حجتها بر مردم همه سلام بر تو باد ای ستم رسیده منع کرده شده
حقّها پس بگوید اللّهمّ صلّ علی امتک و ابنة نبیّک و زوجة وصیّ نبیّک
از حق خود بار خدایا درود بفرست بر کنیز خود و دختر پیغمبر خود و زن وصی پیغمبر خود

صَلوةً تُزلِفُها فوقَ زُلفی عِبادِکَ المُکرَمینَ مِن اَهلِ السَّمواتِ واَهلِ الاَرضینَ

درودیکه منزلت ها و را بالاتر از منزلت بنده های تو که گرامی کرده شده اند از اهل آسمانها و اهل زمینها

پس طلب آمرزش کند از خدای تعالی از گناهان و را با مردوا و را داخل بهشت گرداند و این زیارت مختصر است

و همه وقت میتوان کرد ... زیارت مبسوطیست که علما ذکر کرده اند در کتب زیارات بسند ... رسیده و آن زیارت این است

اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ نَبِیِّ اللهِ

سلام بر تو باد ای دختر پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای دختر پیغمبر خدا

اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ حَبیبِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ خَلیلِ اللهِ

سلام بر تو باد ای دختر دوست خدا سلام بر تو باد ای دختر دوست خدا

اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ صَفِیِّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ اَمینِ اللهِ

سلام بر تو باد ای دختر برگزیده خدا سلام بر تو باد ای دختر امانت دار خدا

اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ خَیرِ خَلقِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ اَفضَلِ

سلام بر تو باد ای دختر بهترین خلق خدا سلام بر تو باد ای دختر بهتر

اَنبِیاءِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ خَیرِ البَرِیَّةِ اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا سَیِّدَةَ

پیغمبران خدا سلام بر تو باد ای دختر بهترین خلق سلام بر تو باد ای سرور

نِساءِ العالَمینَ مِنَ الاَوَّلینَ وَالآخِرینَ اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا زَوجَةَ وَلِیِّ اللهِ

زنان عالمیان از پیشینیان و پسینیان سلام بر تو باد ای زن ولی خدا

وَخَیرِ خَلقِهِ بَعدَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا اُمَّ الحَسَنِ وَالحُسَینِ

و بهترین خلق او بعد از رسول خدا سلام بر تو باد ای مادر حسن ع و حسین ع

سَیِّدَی شَبابِ اَهلِ الجَنَّةِ اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا اُمَّ المُؤمِنینَ

دو سرور جوانان بهشت سلام بر تو باد ای مادر مومنان

اَلسَّلامُ عَلَیکِ اَیَّتُهَا الصِّدّیقَةُ الشَّهیدَةُ اَلسَّلامُ عَلَیکِ اَیَّتُها

سلام بر تو باد ای صدیقه شهیده سلام بر تو باد ای

الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الصَّادِقَةُ الرَّشِيدَةُ اَلسَّلَامُ

پسندیده خدا و کسیکه خدا از و راضیست سلام بر تو باد ای راستگو راه یاب سلام

عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْاِنْسِيَّةُ

بر تو باد ای صاحب عقل پاک سلام بر تو باد ای حور آدمیان

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ

سلام بر تو باد ای پاک پاکیزه سلام بر تو باد ای محدثه

الْعَلِيمَةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمَعْصُومَةُ الْمَظْلُومَةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ

دانا سلام بر تو باد ای صاحب عصمت ستم رسیده سلام بر تو باد

اَيَّتُهَا الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَغْصُوبَةُ

ای پاک پاک کرده شده سلام بر تو باد ای قهر کرده شده غصب کرده شده

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْغَرَّاءُ الزَّهْرَاءُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةُ بِنْتَ مُحَمَّدٍ

سلام بر تو باد ای نورانی تابنده روی سلام بر تو باد ای فاطمه دختر محمد

رَسُولِ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْكِ يَا مَوْلَاتِي وَابْنَةَ

پیغمبر خدا و رحمت خدا و برکتهای او درود فرستد خدا بر تو ای مالکه من و دختر

مَوْلَايَ وَعَلَى رُوحِكِ وَبَدَنِكِ وَاَشْهَدُ اَنَّكِ مَضَيْتِ عَلَى بَيِّنَةٍ

آقای من و بر روح تو و بدن تو و گواهی میدهم بر اینکه گذشتی از دنیا به برهان

مِنْ رَبِّكِ وَاَنَّ مَنْ سَرَّكِ فَقَدْ سَرَّ اللهَ وَمَنْ جَفَاكِ فَقَدْ جَفَا

از جانب پروردگار خود و بر اینکه هر که ترا شاد کرد پس تحقیق شاد کرد خدا را و هر که جفا کرد بر تو پس تحقیق جفا کرده

رَسُولَ اللهِ وَمَنْ اٰذَاكِ فَقَدْ اٰذَى رَسُولَ اللهِ وَمَنْ وَصَلَكِ

پیغمبر خدا و هر که ایذا بتو رساند پس تحقیق ایذا کرده پیغمبر خدا را و هر که پیوست بتو

فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللهِ وَمَنْ قَطَعَكِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللهِ لِاَنَّكِ

پس تحقیق پیوست به پیغمبر خدا و هر که برید از تو پس تحقیق برید از پیغمبر خدا از جهت آنکه تو

بَضعةٌ منه وروحه التي بين جنبيه كما قال عليه افضل الصلوة

پاره از رسول خدا و روح او آن روحی که میان دو پهلوی اوست چنانچه گفت

واكمل السلام اشهد الله وملئكته انّي وليّ لمن والاك وعدوّ

و کامل تر سلام که گواه میگیرم خدا و فرشتگان او را بر اینکه من دوستم مر کسی که دوست دارد ترا و دشمنم

لمن عاداك وحربٌ لمن حاربك انا يا مولاتي بك وبابيك وبعلك

مر کسی را که دشمنی کند با تو و جنگم با کسی که محاربه کند با تو من ای مالکه من بتو و بپدر تو و شوهر تو

والائمة من ولدك موقنٌ بولايتهم مؤمنٌ وبطاعتهم ملتزمٌ اشهد

و با امامان از فرزندان تو یقین دارنده ام بدوستی ایشان ایمان دارنده ام و بطاعت ایشان لازم گیرنده ام گواهی میدهم

انّ الدين دينهم والحكم حكمهم وهم قد بلّغوا عن الله عزّ

بر اینکه دین دین ایشانست و فرمان فرمان ایشانست و ایشان بتحقیق تبلیغ کردند از جانب خدا که عالی

وجلّ ودعوا الى سبيل الله بالحكمة والموعظة الحسنة لا تأخذهم

و بزرگست و خواندند بسوی راه خدا بحکمت و پند نیک نمیگیرد ایشان را

في الله لومة لائم وصلوات الله عليك وعلى ابيك وبعلك

در راه خدا سرزنش سرزنش کننده و رحمت خدا بر تو باد و بر پدر تو و شوهر تو

وذرّيتك الائمة الطاهرين اللهم صلّ على محمد واهل بيته وصلّ

و فرزندان تو که امامان پاکانند بار خدایا درود فرست بر محمد و اهل بیت او و درود بفرست

على البتول الطاهرة الصدّيقة المعصومة التقيّة النقيّة الرضيّة

بر بتول پاکیزه بسیار صدق نگاه داشته شده از خطا پرهیزکار پاکیزه پسندیده

الزكيّة الرشيدة المظلومة المقهورة المغصوبة حقّها الممنوعة ارثها

راه یافته ستم رسیده قهر کرده شده گرفته شده حق او باز داشته شده میراث

المكسورة ضلعها المظلوم بعلها المقتول ولدها فاطمة بنت رسولك

شکسته پهلو و ستم رسیده شوهر او کشته شده فرزند او فاطمه دختر پیغمبر تو

وبضعة لحمه وصميم قلبه وفلذة كبده والنخبة منك له والتحفة

وپاره گوشت او وخالص دل او وپاره جگر او وبرگزیده از جانب تو برای او وتحفه

خصصت بها وصيّه وحبيبة المصطفى وقرينة المرتضى وسيدة

که خاص گردانیدی بآن وصی او را ودوست او را که برگزیده است وقرین او را که پسندیده است وسرور

النساء ومبشرة الاولياء وحليفة الورع والزهد وتفاحة

زنان وبشارت دهنده دوستان وهم عهد پارسائی وزاهدی وسیب

الفردوس والخلد التي شرفت مولدها بنساء الجنة وسللت

بهشت وجنت آنکه شرف دادی مولد او را بزنان بهشت وبرآوردی

منها انوار الائمة وارخيت دونها حجاب النبوة اللهم صل

ازو نورهای امامان را وافکندی نزد او پرده نبوت را بار خدایا درود فرست

عليها صلوة تزيد في محلها عندك وشرفها لديك ومنزلتها

براو درودی که بیفزاید در منزلت او نزد تو وبزرگی او پیش تو وقدر او

من رضاك وبلغها منا تحية وسلاما وآتنا من لدنك في حبها

از رضای تو وبرسان او را از جانب ما تحیت وسلام وبده ما را از نزد خود در دوستی او

فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا انك ذو العفو الكريم

زیادتی وعطا ونیکی وبخشایش وآمرزش بدرستیکه تو صاحب بخشش بزرگی

وسید ابن طاوس علیه الرحمه گفته است که پس نماز زیارت بکن اگر توانی نماز حضرت را بجا آور و
آن دو رکعت است ودر هر رکعت بعد از فاتحه شصت مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان اگر نتوانی
دو رکعت بکن در رکعت اول بعد از فاتحه یک مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان ودر رکعت دوم
یک مرتبه قل یا ایها الکافرون بخوان بعد از نماز تسبیح حضرت را بگو واین دعا بخوان

اللهم اني اتوجه اليك بنبينا محمد وباهل بيته صلواتك عليهم

بار خدایا بدرستیکه من متوجه میشوم بسوی تو بوسیله پیغمبر ما محمد وبوسیله اهل بیت او درود ورحمت تو بر ایشان باد

وَاَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيْهِمُ الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ وَاَسْأَلُكَ

وسوال میکنم از تو بحق بزرگ تو که بر ایشانست و از ان حقی که نمیداند کنه آنرا سوای تو و سوال میکنم

بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ وَبِاَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي اَمَرْتَنِي اَنْ

بحق کسیکه حق او نزد تو بزرگ است و بنامهای تو که نیکوتر اند آن نامها که فرمودی مرا که

اَدْعُوَكَ بِهَا وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الَّذِي اَمَرْتَ بِهِ اِبْرَاهِيمَ

بخوانم ترا بآن نامها و سوال میکنم ترا بنام بزرگ تو که امر کردی بآن نام ابراهیم را

اَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَاَجَابَتْهُ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ

که هر آینه بخواند بآن نام مرغانرا پس اجابت کردند مرغان ورا و بآن نام بزرگ تو که گفتی آتش را بآن نام

كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى اِبْرَاهِيمَ فَكَانَتْ بَرْدًا وَبِاَحَبِّ الْاَسْمَاءِ اِلَيْكَ

که بشو سرد و سلامت بر ابراهیم پس سرد شد آتش و سوال میکنم بدوست ترین نامها بسوی تو

وَاَشْرَفِهَا وَاَعْظَمِهَا لَدَيْكَ وَاَسْرَعِهَا اِجَابَةً وَاَنْجَحِهَا طَلِبَةً وَبِمَا اَنْتَ

و بزرگترین آنها عظیم تر آنها نزد تو و شتابان تر آنها از روی اجابت و روا کننده تر آنها در طلب

اَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ

سزاوار آنی و مستحق آنی و لایق آنی و وسیله میکنم بسوی تو و رغبت میکنم بسوی تو

وَاَتَضَرَّعُ وَاُلِحُّ عَلَيْكَ وَاَسْأَلُكَ بِكُتُبِكَ الَّتِي اَنْزَلْتَهَا عَلَى اَنْبِيَائِكَ

و زاری میکنم و الحاح میکنم بر تو و سوال میکنم از تو بکتابهای تو آن کتابها که فرو فرستادی بر پیغمبران

وَرُسُلِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ

و فرستادگان تو درود تو بر ایشان باد از توریت و انجیل و زبور و فرقان

الْعَظِيمِ فَاِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الْاَعْظَمَ وَبِمَا فِيهَا مِنْ اَسْمَائِكَ الْعُظْمٰى اَنْ تُصَلِّيَ

بزرگ پس بدرستیکه در این کتب نام تو که اعظم است و بحقی که در این کتب از نامهاست پس سوال کنم که درود فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنْ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَعَنِّي

بر محمد و آل محمد و آنکه بگشایی از آل محمد و شیعیان و یاران ایشان و از من

وَتَفْتَحَ اَبْوابَ السَّماءِ لِدُعائی وَتَرْفَعَهُ فی عِلِّیّینَ وَتَاْذَنَ فی هذَا الْیَوْمِ

وبگشائی درهای آسمان بجهت دعای من وبلند کنی آن دعا را در علیین واذن دهی درین روز

وَفی هذِهِ السّاعَةِ بِفَرَجی وَاِعْطائی اَمَلی وَسُؤْلی فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَةِ

ودرین ساعت بگشایش من وبخشیدن من امیدمرا وسوال مرا در دنیا و آخرت

یا مَنْ لا یَعْلَمُ اَحَدٌ کَیْفَ هُوَ وَقُدْرَتُهُ اِلّا هُوَ یا مَنْ سَدَّ الْهَواءَ

ای کسیکه نمیداند کسی چگونه است او وقدرت او را مگر او ای کسیکه بست هوا را

بِالسَّماءِ وَکَبَسَ الْاَرْضَ عَلَی الْماءِ وَاخْتارَ لِنَفْسِهِ اَحْسَنَ الْاَسْماءِ یا

باسمان وانباشت زمین را بر آب واختیار کرد برای ذات خود نیکوترین نامها را ای

مَنْ سَمّی نَفْسَهُ بِالْاِسْمِ الَّذی یُقْضی بِهِ حاجَةُ مَنْ یَدْعُوهُ اَسْاَلُکَ بِحَقِّ

کسیکه نامید ذات خود را بنامیکه روا میشود بآن نام حاجت کسیکه میخواند او را سوال میکنم از تو بحق

هذَا الْاِسْمِ فَلا شَفیعَ اَقْوی لی مِنْهُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

آن نام پس نیست شفاعت کننده قوی تر برای من از آن نام اینکه درود فرستی بر محمد وآل محمد

تَقْضِیَ لی حَوائِجی وَتُسْمِعَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَعَلِیِّ

اینکه روا کنی برای من حاجتهای مرا وبشنوی با محمد وعلی وفاطمه وحسن وحسین وعلی

بْنِ الْحُسَیْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِیِّ بْنِ

پسر حسین ومحمد پسر علی وجعفر پسر محمد وموسی پسر جعفر وعلی پسر

مُوسی وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَالْحُجَّةِ الْمُنْتَظَرِ لِاِذْنِکَ

موسی ومحمد پسر علی وعلی پسر محمد وحسن پسر علی وحجت بسیار انتظار کشیده شده مر اذن

صَلَواتُکَ وَسَلامُکَ وَرَحْمَتُکَ وَبَرَکاتُکَ عَلَیْهِمْ صَوْتی لِیَشْفَعُوا

درودهای تو وسلام تو ورحمت تو وبرکتهای تو بر ایشان باد آواز مرا تا شفاعت کنند

لی اِلَیْکَ وَتُشَفِّعَهُمْ فِیَّ وَلا تَرُدَّنی خائِباً بِحَقِّ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ

برای من بسوی تو وشفیع گردانی ایشان را در حق من وبرنگردانی مرا ناامید بحق نیست معبودی بجز تو

پس حاجتهای خود را طلب کن که بر آورده است باب سیم در اعمال هر ماهست بدانکه در رویت ماه نو خواه در شب اول و خواه دوم و خواه سوم مستحب ست که دعاهای منقول را بخوانند و بهترین آنها دعای صحیفهٔ کامله است که دعای چهل و سوم ست و هفت مرتبه سورهٔ حمد خواندن برای دفع درد چشم منقولست و اندک پنیر خوردن گفته اند مستحب ست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نیکو لقمه ایست پنیر دهان را شیرین و خوشبو میکرداند و اشتهای طعام می آورد و باعث هضم طعام میشود و هرکه در اول ماه بخورد رحاجت او رد نمی شود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه در شب اول ماه دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از سورهٔ فاتحه سورهٔ انعام بخواند و از حقتعالی سوال کند که او را از هر ترسی و دردی ایمن گرداند نه بیند در آن ماه امری که مکروه او باشد و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که چون ماه تازه در آید در روز اول ماه دو رکعت نماز بکن در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخوان و تصدقی بکن چون چنین کنی سلامتی آن ماه را از حق تعالی خریده و در روایت دیگر وارد است که مستحب ست که بعد ازین دو رکعت این دعا بخوانند

بسم الله الرحمن الرحیم

وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ

و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی او و میداند قرارگاه او را و

مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ

جای امانت او را همه در لوح محفوظ است بنام خدا بخشاینده مهربان و اگر مساس کند ترا خدا

بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ

برنجی و سختی پس نیست برطرف کننده آن غیر او و اگر اراده کند ترا بخیر پس نیست رد کننده فضل او را میرساند

بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آنرا بهر که خواهد از بندهای خود و اوست آمرزنده مهربان بنام خدا بخشاینده مهربان

سَيَجْعَلُ اللّٰهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ
زود باشد که بگرداند خدا بعد از دشواری آسانی آنچه خواهد خدا نیست توانائی مگر بخدا کافی است ما را خدا و
نِعْمَ الْوَكِيلُ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ لَا إِلٰهَ إِلَّا
نیکو کسی است که کار با او گذارند و میگذارم کار خود را بسوی خدا بدرستیکه خدا بیناست به بندگان نیست معبودی بحق
أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ
تو تنزیه میکنم ترا بدرستیکه من هستم از ستمکاران ای خدا بدرستیکه من برای چیزیکه فرستادی بسوی من از
خَيْرٍ فَقِيرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ
خیر محتاجم ای پروردگار من مگذار مرا تنها و تو بهترین وارثانی

و بدانکه از جمله سنتها یکی آنست که حضرت رسول صلعم بران مواظبت می نمود تا از دنیا رفت
روزه سه روز هر ماه است و آن موافق مشهور پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه اول از
دهه میان ماه است و در بعضی از روایات عکس این نیز وارد شده است یعنی چهارشنبه اول
و چهارشنبه آخر و پنجشنبه اول از دهه میان اول اشهر بهتر است و سنت آنحضرت تا آخر حیات
در فضیلت و تاکید آنحضرت نماز سنت را در هر شب و روز دو برابر نماز واجب مقرر فرمود
هشت رکعت نافله پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر و چهار رکعت بعد از نماز شام
و دو رکعت وتر بعد از نماز خفتن و چون نشسته کرده می شود برابر یک رکعت است و یازده رکعت
نماز شب و دو رکعت پیش نماز صبح و اینها همه فریضه اند و در ثواب و تاکید مثل آنند و باشد قضا
اگر ترک کند سنت است که قضا کند و از برای ترک آن کفاره یک مد از گندم یا جو بدهد تا فایده ترک
برای نافله شب مقرر کرده اند و همچنین روزه سنت و برابر روزه واجب است که تمام ماه شعبان
و روزه ده ماه دیگر هر ماه سه روز و اگر فوت شود سنت است که قضا کند و اگر در زمستان شود
باشد سنت که در زمستان قضا کند و اگر دشوار باشد بدل هر روز یک درم بدهد که
بحساب زره دو دانگی سیستی و سه ناره باشد و بحساب زر های ناقص این زمان خود چهار
غاز بکی است یا یک مد گندم که بحساب وسط صد درم قدیم اصفهان باشد اگر صدقه بدهد

که باو دست کذارد حق تعالی ثواب روزه یکسال برای او بنویسد اگر این سه روز را در اول ماه یا میان
ماه یا آخر ماه بعمل آورد خوبست و فی الجمله متابعت سنت کرده است و ثواب روزه سال در
بیابد حقتعالی فرموده است که من جاء بالحسنة فله عشر امثالها یعنی هر که حسنه بدرگاه خدا بیاورد برای
اوست ده برابر آن و این مضمون از احادیث بسیار وارد شده است اما بهتر آنست که بنحوی
باشد که اول مذکور شد و از جمله روزه های سنت هر ماه روزه ایام البیض است یعنی سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم و احادیث در فضیلت این سه روز از طرق عامه و خاصه منقول است و در بعضی
از روایات وارد شده است که چون حضرت آدم علیه السلام مرتکب آن ترک اولی شد و از بهشت
او را بزمین فرستادند بدنش سیاه بود تا بعد از قبول توبه خطا سیاهی از سر تا پای او مانده بود چون
ملائکه این حالت را در او دیدند خروش برآوردند و گریستند و استغاثه کردند بدرگاه حقتعالی پس منادی
ندا کرد که ای آدم این روز را روزه بدار که آن روز سیزدهم ماه بود چون روزه داشت ثلث آن سیاهی
برطرف شد پس در روز چهاردهم ندا رسید که امروز را نیز روزه بدار چون روزه داشت ثلث دیگر
دیگر برطرف شد پس در روز پانزدهم باز ندا رسید از آسمان چون روزه داشت تمام سیاهی
برطرف شد پس باز ندا رسید از آسمان که ای آدم روزه این سه روز را برای تو و فرزندان تو
مقرر کردم هر که در هر ماه این روزها را روزه بدارد چنان باشد که در تمام عمر خود روزه داشته
باشد و این با آنچه گفته است که روزه دو پنجشنبه و چهارشنبه بدل از ایام البیض مقرر شده است
و منافات ندارد که هر دو سنت باشد و دو پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه میان بهتر باشد زیرا که
اکثر احادیث ایام البیض از طرق عامه است و ابن طاوس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
روایت کرده است که جبرئیل بر من نازل شد و گفت که بگو بعلی علیه السلام که روزه بدارد از هر ماهی سه روز که
برای تو بنویسند بروزه اول روزه ده هزار سال و بروزه دوم روزه سی هزار سال و بروزه
روز سوم روزه صد هزار سال حضرت امیر علیه السلام گفت یا رسول الله این ثواب مخصوص من است
یا برای همه کس است حضرت فرمود که هر که از شیعیان تو این روزها را روزه بدارد این ثواب
برای او خواهد بود گفت کدام روزهاست آن یا رسول الله فرمود که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم است از هر ماه

روزهای مرغوب روزه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است برای کسیکه چیزی خواسته باشد
چنانچه در ربیع الاسابیع در ضمن نماز های حاجت ذکر کرده ام و مشهور میان علماست که
پنجشنبه و جمعه را روزه گرفتن سنت است مگر آنکه موافق یکی از ایام محرمه یا مکروهه واقع شود و
بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسیکه اراده عمل خیری داشته باشد مانند
تصدق کردن و روزه داشتن و مثل اینها باید که در روز جمعه بعمل آورد زیرا که ثواب عمل در روز
جمعه مضاعف است و ابن جنید گفته که مستحب نیست در جمعه تنها روزه گرفتن مگر ملحق سازد
بآن یک روز پیش یا یک روز بعد را جایز است و گفته است استحباب روزه روز دوشنبه و پنجشنبه مشهور
است و روزه روز دوشنبه نهی از آن وارد شده است و علامه گوید که اکثر آنچه ابن جنید گفته خلاف
مشهور میان علماست و شیخ طوسی علیه الرحمه در مصباح گفته است که ترغیب در روزه روز جمعه
وارد شده است و بهتر آنست که آنرا تنها روزه ندارد مگر آنکه یک روز پیش روزه بدارد و گمان
آنست که نهی از تنها گرفتن روزه در روز جمعه محمول بر تقیه است زیرا که سنیان این حدیث را
از ابوهریره علیه اللعنه نقل کرده اند و بعضی از علما نهی از روزه روز جمعه را حمل بر تنزیه
کراهیت آن در صورتیست که آنرا ضعیف کرداند از فرائض و نوافل و دعاهای روز جمعه و این حمل
بد نیست و اما روزه روز دوشنبه چنانچه ابن جنید گفت نهی از روزه آن واقع شده است و بهتر ترک است خصوصا هرگاه
بقصد برکت روز دوشنبه باشد مگر آنکه با روز دیگر از روزهای سنت یا ماه موافق شود مثل عید یا سه روز ماه
و امثال اینها و نهی از روزه روز شنبه بنظر فقیر نرسیده اما فضیلتی هم در روزه آن بخاطر ندارم مگر آنکه
شیخ مفید روایت کرده است که هر که در یکی از ماههای حرام یعنی رجب و ذی القعده و ذی الحجه و محرم
پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب عبادت نهصد سال بنویسد

باب یازدهم

در بیان زیارت حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم است بغیر آنچه سابق مذکور شد
بدانکه زیارت حضرت رسول خدا و ائمه هدی در همه اوقات از دور و نزدیک سنت است و
بعد از غسل باشد افضل است خصوصا در شب و روز جمعه و سایر ایام و لیالی متبرکه چنانکه در کتاب تحفة الزائر

به تفصیل ذکر کرده‌ام و درین مقام بذکر چند زیارت بعیده زیارت جامع و دعاهائیکه به صلوات و فرستادن بر ایشان اکتفا می‌نمایم اما زیارت حضرت رسالت پناه صلعم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خدا را ملکی چند هست که سیر می‌کنند در زمین هر که از امت من بر من سلامی میفرستد بمن میرسانند و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که ملکی از ملائکه از خدا سؤال نمود که همه بندگان خدا گوید بندگانش و حق تعالی باو عطا کرد پس آن ملک ایستاده است تا روز قیامت و هر که از مؤمنان بگوید صلی الله علی محمد و آله و سلم البته آن ملک میگوید علیک یعنی بر تو باد نیز سلامی پس آن ملک میگوید یا رسول الله فلان شخص سلام رسانیده است بشما پس حضرت میفرماید علیه السلام یعنی بر او باد نیز سلام و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که هر که در هر جای زمین بر من سلام کند بمن میرسد و هر که نزد قبر من بر من سلام کند من میشنوم و بسند حسن از حضرمی منقولست که حضرت صادق علیه السلام مرا امر فرمود که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار نماز کنم تا توانم و فرمود که همیشه میسر نمی‌شود که باین مکان شریف بیائی و فرمود که نزد رسول صلعم میرفتم گفتم بلی فرمود که بدرستیکه سلامی که از نزدیک میکنی آنحضرت می‌شنود و اگر دور باشی سلامت بآنحضرت میرسد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که هر که صلوات و سلام کنید بر رسول خدا هر چند صلوات مؤمنان در هر جا که باشند بآنحضرت میرسد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که صلوات بفرستید بر محمد صلعم در پهلوی قبر آنحضرت هر چند صلوات مؤمنان در هر جا که باشند بآنحضرت میرسد و این حدیث احتمال نماز بجا دارد که در نزدیک قبر نماز کنند و ثوابش را بروح مقدس آنحضرت کنند و احادیث صلوات و سلام بر آن حضرت و زیارت آنحضرت در شهرهای دور بسیار است و بسند صحیح منقولست که ابن ابی نصر بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که بعد از نماز چگونه صلوات و سلام بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله بفرستادم فرمود که می‌گوئی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام باد بر تو ای پیغمبر خدا و رحمت خدا و برکتهای او و سلام بر تو باد

يا محمد بن عبد الله السلام عليك يا خيرة الله السلام عليك يا حبيب الله

ای محمد بن عبد الله سلام بر تو باد ای برگزیده خدا سلام بر تو باد ای دوست خدا

السلام عليك يا صفوة الله السلام عليك يا امين الله اشهد انك

سلام بر تو باد ای برگزیده خدا سلام بر تو باد ای امانت دار خدا گواهی میدهم بدرستیکه تو

رسول الله واشهد انك محمد بن عبد الله واشهد انك قد نصحت لامتك

پیغمبر خدائی و گواهی میدهم بدرستیکه محمد پسر عبد الله هستی و گواهی میدهم بدرستیکه بتحقیق نصیحت کردی امت خود را

وجاهدت في سبيل ربك وعبدته حتى اتاك اليقين فجزاك الله

و جهاد کردی در راه پروردگار خود و پرستیدی او را تا آمد ترا مرگ پس جزا دهد ترا خدا

يا رسول الله افضل ما جزى نبيا عن امته اللهم صل على محمد

ای پیغمبر خدا بهتر آنچه جزا داده پیغمبری را از امت او بار خدایا درود بفرست بر محمد

وآل محمد افضل ما صليت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد

و آل محمد بهتر درودیکه فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگی

در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و قبر حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و قبرهای حجتهای خدا را صلوات الله علیهم اجمعین و در شهر خود باشد پس غسل کند در روز جمعه و جامهای پاکیزه بپوشد و بیرون رود بصحرا پس چهار رکعت نماز بگذارد با هر سوره که میسر شود پس رو بقبله بگوید

السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته السلام عليك

سلام بر تو ای پیغمبر و رحمت خدا و برکتهای او و سلام بر تو باد

ايها النبي المرسل والوصي المرتضى والسيدة الزهراء والسبطان

ای پیغمبر فرستاده شده و وصی پسندیده و فاطمه زهرا و دو نبیره

المنتجبان والاولاد الاعلام والامناء المنتجبون جئت انقطاعا

برگزیده و فرزندان نشانهای هدایت و امینان برگزیدگان آمدم در حالتی که بریدم از دیگران

إِلَيْكُمْ وَإِلَى آبَائِكُمْ وَوَلَدِكُمُ الْخَالِفِ عَلَى بَرَكَةِ الْحَقِّ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ

بسوی شما و بسوی پدران شما و فرزندان شما باز مانده شید بر برکت حق پس دل شما را اطاعت کننده است

وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللهُ لِدِينِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ

و یاری من مر شما را مهیا کرده شده است تا حکم کند خدا برای دین خود پس با شمایم با شمایم نه با دشمن شما

إِنِّي لَمِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ لَا أُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً وَلَا أَزْعُمُ

بدرستیکه من هر آینه از اقرار کنندگان بفضل شمایم اقرار کننده بباز گشت شمایم انکار نمی کنم برای خدا قدرت را و گمان نمی کنم

إِلَّا مَا شَاءَ اللهُ سُبْحَانَ اللهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ يُسَبِّحُ اللهَ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعُ

مگر آنچه خواهد خدا تنزیه میکنم خدا را که خداوند پادشاهی عالم سفلی و عالم علوی است تسبیح میکنند خدا را بنامهای او همه

خَلْقِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

آفریدگان او و سلام بر روحهای شما و تنهای شما و سلام بر شما و رحمت خدا و برکتهای او

در روایت دیگر وارد شده است که این زیارت را بر بام خانه خود بکن و زیارت حضرت فاطمه علیها السلام سابقا مذکور شد و اما زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بسند معتبر از سدیر صراف منقولست که گفت که حضرت صادق علیه السلام بمن گفت که ای سدیر آیا زیارت میکنی قبر امام حسین علیه السلام را در هر هفته گفتم نه پس فرمود که چه بسیار جفا کرده اید گفتم فدای تو شوم میان من و میان آنحضرت فرسخهای بسیار است فرمود که بالا میروی بر بام خانه خود پس ملتفت میشوی بجانب راست و چپ خود پس سر خود را بسوی آسمان بلند میکنی پس بجانب قبر آنحضرت می گردانی و می گوئی

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ

سلام بر تو باد ای ابو عبد الله سلام بر تو باد ای پسر رسول خدا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

سلام بر تو باد و رحمت خدا و برکتهای او

تا نوشته شود برای تو ثواب حجی و عمره سدیر گفت که بسا هست که من در روزی زیاده از

بیست مرتبه چنین زیارت میکنم و بسند صحیح از آنحضرت منقولست که ناحیه اش بعید و خانه اش دور باشد از بالین بالا رود و ببام خانه خود رود و دو رکعت نماز بگذارد و اشاره کند بسوی قبرهای ما که آن سلام بما میرسد و در حدیث معتبر منقولست از سلیمان بن عیسی که گفت پدرم عرض کرد بخدمت حضرت صادق علیه السلام که چگونه ترا زیارت کنم هرگاه قادر بر آمدن بخدمت تو نباشم فرمود که ای عیسی هرگاه قادر بر آمدن نباشی چون روز جمعه شود غسل کن یا وضو بساز و بالا رو ببام خانه خود و دو رکعت نماز بکن متوجه شو بسوی من بدرستیکه هر که مرا زیارت کند در حیات من چنانست که مرا زیارت کرده است بعد از موت من و کسیکه مرا زیارت کند بعد از من چنانست که مرا زیارت کرده باشد در حیات مولف گوید که این حدیث دلالت میکند بر آنکه در زیارتها حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه را در همه موضع زیارت توان کرد و اگر رو بسامره کند در وقت زیارت بهتر است و بعضی از زیارات مخصوصه آنحضرت مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و در حدیث معتبر دیگر مرویست که حضرت صادق علیه السلام شنید فرمود که بسیار زیارت میکنی قبر حسین بن علی علیهما السلام گفت از بسیاری شغل میسر نمیشود فرمود که میخواهی ترا چیزی تعلیم نمایم که هرگاه بکنی از برای تو ثواب زیارت آنحضرت نوشته شود گفتم بلی فدای تو شوم فرمود که غسل بکن در خانه خود و بالا رو ببام خانه خود و اشاره کن بسوی آنحضرت بسلام کردن تا نوشته شود برای تو ثواب زیارت و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حنان ابن سدیر رفت بخدمت حضرت صادق علیه السلام نزد آنحضرت جماعتی از اصحابش بودند پس فرمود که ای حنان زیارت حضرت امام حسین علیه السلام میکنی هر ماه یکمرتبه گفت نه فرمود که هر دو ماه یکمرتبه گفت نه فرمود هر سال یکمرتبه گفت نه فرمود چه بسیار جفا کار شده اید نسبت بآقای خود گفت ای فرزند رسول الله مانع من کمی توشه و دوری مسافت است فرمود که میخواهی که بشما دلالت کنم بر زیارتیکه مقبول باشد هرچند زیارت کننده دور باشد گفت چگونه زیارت کنم یا ابن رسول الله فرمود که غسل کن در روز جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش پاکترین جامه های خود را و بالا رو بر بلندترین بامهای خانه خود و یا برو بصحرای و رو بجانب قبر کن بگو

السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ وَابْنَ مَوْلَایَ وَسَیِّدِی وَابْنَ سَیِّدِی السَّلَامُ

سلام بر تو باد ای آقای من و پسر آقای من و سرور من و پسر سرور من سلام

عليك يا مولاي يا قتيل ابن القتيل الشهيد ابن الشهيد السلام عليك

بر تو باد ای آقای من ای کشته شده پسر کشته شده شهید پسر شهید سلام بر تو باد

ورحمة الله وبركاته انا زائرك يا ابن رسول الله بقلبي ولساني وجوارحي

و رحمت خدا و برکتهای او من زیارت کننده توام ای پسر پیغمبر خدا بدل خود و زبان خود و اعضای خود

وان لم ازرك بنفسي والمشاهدة لقبتك فعليك السلام يا وارث

و اگرچه زیارت نکردم ترا بنفس خود و معاینه کردن قبه روضه ترا پس بر تو سلام ای وارث

آدم صفوة الله ووارث نوح نبي الله ووارث ابراهيم خليل الله

آدم برگزیده خدا و وارث نوح پیغمبر خدا و وارث ابراهیم دوست خدا

ووارث موسى كليم الله ووارث عيسى روح الله وكلمته ووارث

و وارث موسی هم سخن خدا و وارث عیسی روح خدا و سخن خدا و وارث

محمد حبيب الله ونبيه ورسوله ووارث علي امير المؤمنين ووصي

محمد دوست خدا و پیغمبر او و فرستاده او و وارث علی سردار مومنان و وصی

رسول الله وخليفته ووارث الحسن بن علي وصي امير المؤمنين

پیغمبر خدا و جانشین او و وارث حسن پسر علی و وصی سرور مومنان

لعن الله قاتليك وجدد عليهم العذاب في هذه الساعة وفي كل

لعنت کند خدا کشندگان ترا و تازه نماید برایشان عذاب را در این ساعت و در هر

ساعة انا يا سيدي متقرب الى الله جل وعز والى جدك رسول الله و

ساعت من ای سرور من تقرب جوینده ام بسوی خدا که بزرگست و غالب و بسوی جد تو که پیغمبر خدا است

الى ابيك امير المؤمنين والى اخيك الحسن واليك يا مولاي عليك

و بسوی پدر تو که امیر مومنانست و بسوی برادر تو حسن و بسوی تو ای آقای من بر تو باد

سلام الله ورحمته وبركاته بزيارتي لك بقلبي ولساني وجميع جوارحي

سلام خدا و رحمت او و برکتهای او بزیارت خود مر ترا بدل و زبان خودم و تمام اعضای خودم

فَكُنْ يا سَيِّدي شَفيعي لِقَبُولِ ذلِكَ مِنّي وَاَنَا بالبَراءَةِ مِنْ اَعْدائِكَ

پس باش ای سرور من شفاعت کننده من بجهت قبول این زیارت از من و من بیزاری از دشمنان تو

وَاللَّعْنَةِ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ اَتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ وَاِلَيْكُمْ اَجْمَعينَ فَعَلَيْكَ

و لعنت کردن ایشان را و بر ایشان تقرب میجویم بسوی خدا و بسوی شما همه پس بر تو باد

صَلَواتُ اللهِ وَرِضْوانُهُ وَرَحْمَتُهُ

درودهای خدا و خوشنودی او و رحمت او

پس اندکی میگردی بجانب جنب خود و رو میکردانی بسوی قبر علی بن الحسین علیه السلام که نزد پای پدر خود مدفون است و سلام میکنی باو مثل این سلام پس عامی کنی و می طلبی حاجتهای دنیا و آخرت خود را پس چهار رکعت نماز بجا آر که نماز زیارت هشت رکعت است یا شش رکعت یا چهار رکعت یا دو رکعت و بهتر هشت رکعت است پس میکنی بجانب قبر امام علیه السلام و میگوئی

اَنَا مُوَدِّعُكَ يا مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ وَسَيِّدي وَابْنَ سَيِّدي

من وداع کننده توام ای آقای من و پسر آقای من و سرور من و پسر سرور من

وَمُوَدِّعُكَ يا سَيِّدي وَابْنَ سَيِّدي يا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُوَدِّعُكُمْ

و وداع کننده توام ای سرور من و پسر سرور من ای علی پسر حسین و وداع کننده شمایم

يا سادَتي يا مَعْشَرَ الشُّهَداءِ فَعَلَيْكُمْ سَلامُ اللهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكاتُهُ وَرِضْوانُهُ

ای سروران من ای جماعت شهیدان پس بر شما باد سلام خدا و رحمت او و برکتهای او و خوشنودی او

مؤلف گوید که چون عبارت این حدیث تشویش و اضطرابی دارد و چند احتمال دارد بهتر است که همین زیارت را با وداع چنانچه رو بقبر شریف میخوانند رو بقبله نیز میکنند و میخوانند تا آنکه بهمه احتمالات عمل کرده باشد و در زیارت علی بن الحسین بجای وارث در همه جا ابن الوارث میخوانند یا از وارث قصد وراثت امامت و خلافت نکنند زیرا که آنحضرت امام نبوده است بدانکه این حدیث دلالت میکند برآنکه از هر دو که زیارت کنند نماز زیارت را بعد از زیارت باید کرد و احادیث بسیار دلالت کرد برآنکه بسیار باید کرد و بهتر است که مکرر باشد و اگر این زیارت را کنند

همین نحو که وارد شده است بکنند و ازین احادیث معلوم شد که غسل از برای زیارت بعید سنت است و از بعضی مفهوم میشود که بی غسل نیز می توان کرد و از بعضی عمومات مستفاد میشود که به هر جایی میتوان کرد چنانکه اکثر علما گفته اند و اگر در بام خانه یا در صحرا واقع سازد احوط و اولی است و در حدیث معتبر از حسین ابن ثویر منقول است که بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که من بسیار است که امام حسین علیه السلام را زیارت نمیکنم در این وقت چه گویم فرمود که بر بام بلندی میروی و میگوئی صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ که سلام به آنحضرت میرسد از نزدیک و دور و شیخ طوسی علیه الرحمة ذکر کرده است که زیارت میتوان کرد ائمه صلوات الله علیهم را از نزدیک و دور چنانچه از نزدیک ایشان را زیارت میکنند اما در جائیکه اَتَيْتُكَ زَائِرًا باشد نگوید بلکه بگوید

قَصَدْتُكَ بِقَلْبِي زَائِرًا اِذْ عَجَزْتُ عَنْ حُضُورِ مَشْهَدِكَ وَجَّهْتُ اِلَيْكَ

قصد کردم ترا بدل خود در حالت زیارت از آنجهت که عاجز شدم از حاضر شدن قبر تو و متوجه ساختم بسوی تو

سَلَامِي لِعِلْمِي اَنَّهُ يَبْلُغُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ

سلام خود را از جهت علم من باینکه آن بتو میرسد درود فرستد خدا بر تو پس شفاعت کن مرا نزد پروردگار خود که بزرگست و عالیست

و دعا کن آنچه خواهی و بعضی از اکابر علما روایت کرده اند از ابوالحسن فارسی که گفت من بسیار زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می رفتم پس چند گاه بسبب پیری و کمی مال توفیق زیارت آنحضرت را نیافتم پس شبی حضرت رسول را در خواب دیدم که حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام در خدمت آنحضرت بودند چون من نزدیک ایشان رسیدم حضرت امام حسین علیه السلام گفت یا رسول الله این مرا بسیار زیارت میکرد و اکنون ترک کرده است حضرت رسول متوجه من گردید و فرمود که آیا ترک زیارت مثل حسین میتوان کرد گفتم یا رسول الله قلت مال و پیری مرا مانع از ادراک این سعادت گردیده است حضرت فرمود که هر شب بر بام خانه خود برو و بجانب شهادت بسوی قبر آنحضرت اشاره بکن و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَاَبِيكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى اُمِّكَ وَاَخِيكَ

سلام بر تو باد و بر جد تو و پدر تو سلام بر تو باد و بر مادر تو و برادر تو

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ

سلام بر تو باد و بر امامان از پسران تو سلام بر تو باد ای صاحب

الدَّمْعَةِ السَّاكِبَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُصِيبَةِ الرَّاتِبَةِ لَقَدْ أَصْبَحَ

اشک ریزنده سلام بر تو باد ای صاحب مصیبت سخت هر آینه تحقیق گردید

كِتَابُ اللهِ فِيكَ مَهْجُوراً وَرَسُولُ اللهِ فِيكَ مَوْتُوراً السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ

کتاب خدا درباره تو متروک و پیغمبر خدا در تو حق خون ناگرفته مانده سلام بر تو باد و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللهِ وَخُلَفَائِهِ السَّلَامُ عَلَى أُمَنَاءِ اللهِ وَأَحِبَّائِهِ

و برکتهای او سلام باد بر یاوران خدا و خلفای او و سلام باد بر امینان خدا و دوستان او

السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللهِ وَحَفَظَةِ سِرِّ اللهِ وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللهِ

سلام باد بر جاهای شناخت خدا و کانهای حکمت خدا و نگاهدارندگان راز خدا و بردارندگان کتاب خدا

وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

و وصیت کرده‌های پیغمبر خدا و اولاد پیغمبر خدا و درود فرستد خدا بر او و آل او و رحمت خدا و برکتهای او

پس حاجت که خواهی از خدا سؤال کن پس که چنین کنی زیارت تو از نزدیک و دور هر دو مقبول است

و اما زیارت سایر ائمه از نزدیک و دور بهترین آنها زیارت جامعه است که ابن بابویه و دیگران

بسند معتبر روایت کرده‌اند که شخصی از حضرت امام علی نقی علیه السلام سؤال نمود که التماس دارم

مرا تعلیم نمائی سخنی بلیغ کاملی که آنرا بخوانم هرگاه زیارت کنم یکی از شما را فرمود که چون بدرگاه رسیدی بایست و بگو

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ

گواهی میدهم بانکه نیست معبودی بغیر خدا تنها نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم بانکه بدرستیکه محمد درود فرستد خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

بر او و آل او بنده او و فرستاده او است

و باید که با غسل باشی پس چون داخل شوی و قبر را ببینی بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس اندکی راه برو با آرامی و تن

و گامها را نزدیک یکدیگر بگذار پس بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس نزدیک قبر برو و چهل مرتبه الله اکبر بگو که صد تکبیر تمام شود

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملائکة

سلام باد بر شما ای اهل خانه نبوت و جایگاه رسالت و محل آمدن فرشتگان

ومهبط الوحی ومعدن الرحمة وخزان العلم ومنتهی الحلم واصول الکرم

و جای فرود آمدن وحی و مکان رحمت و خزانه داران علم و نهایت بردباری و اصلهای کرم

وقادة الامم واولیاء النعم وعناصر الابرار ودعائم الاخیار وساسة

و پیشروان امتها و کارگزاران نعمتها و بنیادهای نیکوکاران و ستونهای نیکان و امیر و فرمانروایان

العباد وارکان البلاد وابواب الایمان وامناء الرحمن وسلالة

بندگان و رکنهای شهرها و درهای ایمان و معتمدان خداوند رحمن و فرزندهای

النبیین وصفوة المرسلین وعترة خیرة رب العالمین ورحمة الله وبرکاته

پیغمبران و برگزیدگان فرستادگان و خویشان برگزیدگان پروردگار عالمیان و رحمت خدا و برکتهای او

السلام علی ائمة الهدی ومصابیح الدجی واعلام التقی وذوی النهی

سلام بر پیشوایان هدایت و چراغهای تاریکی و نشانهای پرهیزکاری و خداوند عقلها

واولی الحجی وکهف الوری وورثة الانبیاء والمثل الاعلی والدعوة

و صاحبان خرد و پناه خلق و وارثان پیغمبران و مثل برتر و دعوت

الحسنی وحجج الله علی اهل الدنیا والآخرة والاولی ورحمة الله وبرکاته

نیکو و حجتهای خدا بر اهل دنیا و اهل سرای آخرت و اولی و رحمت خدا و برکتهای او

السلام علی محال معرفة الله ومساکن برکة الله ومعادن حکمة الله

سلام بر مکانهای شناخت خدا و منزلهای برکت خدا و کانهای حکمت خدا

وحفظة سر الله وحملة کتاب الله واوصیاء نبی الله وذریة رسول الله

و نگهبانان راز خدا و حاملان کتاب خدا و اوصیای پیغمبر خدا و فرزندان رسول خدا

صلی الله علیه وآله ورحمة الله وبرکاته السلام علی الدعاة الی الله

درود فرستد خدا بر او و آل او و رحمت خدا و برکتهای او و سلام بر دعوت کنندگان بسوی خدا

والأدلاء على مرضات الله والمستقرين في أمر الله والتامين في محبة

و دلالت نمایندگان بر خشنودی خدا و طلب افزایش کنندگان در امر خدا و کاملان در دوستی

الله والمخلصين في توحيد الله والمظهرين لأمر الله ونهيه وعباده

خدا و خالص گردانندگان جمع در اور یگانه پرستی خدا و آشکار کنندگان امر خدا و نهی او و بندگان

المكرمين الذين لا يسبقونه بالقول وهم بأمره يعملون ورحمة الله وبركاته

گرامی داشته شدگان آنانکه سبقت نمیگیرند بر خدا در سخن و ایشان بامر او عمل میکنند و رحمت خدا و برکتهای او

السلام على الأئمة الدعاة والقادة الهداة والسادة الولاة و

سلام بر پیشوایان دعوت کنندگان پیشوایان راه نمایندگان سروران سالاران

الذادة الحماة وأهل الذكر وأولي الأمر وبقية الله وخيرته وحزبه

دفع کنندگان مضرت و حمایت نمایندگان اهل ذکر و صاحبان امر و باقیماندگان خدا و برگزیدگان خدا و گروه او

وعيبة علمه وحجته وصراطه ونوره ورحمة الله وبركاته أشهد أن

ظرف علم او و حجت او و راه او و نور او و رحمت خدا و برکتهای او و گواهی میدهم که

لا إله إلا الله وحده لا شريك له كما شهد الله لنفسه وشهدت له ملائكته

نیست معبود بحق بجز خدا حال آنکه یگانه است نیست شریکی او را همچنانکه گواهی داد خدا از برای خود و گواهی دادند از برای او ملائکه او

وأولو العلم من خلقه لا إله إلا هو العزيز الحكيم وأشهد أن محمدا عبده

و صاحبان علم از خلق او نیست معبودی بجز او که عزیز و حکیم است و گواهی میدهم باینکه حضرت محمد بنده او

المنتجب ورسوله المرتضى أرسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين

برگزیده او و رسول پسندیده او است فرستاده او را براهنما و دین ثابت تا غالب گرداند او را بر دین

كله ولو كره المشركون وأشهد أنكم الأئمة الراشدون المهديون

همه و اگر چه ناخوش دارند مشرکان و گواهی میدهم که شما اید پیشوایان راه یافتگان

المعصومون المكرمون المقربون المتقون الصادقون المصطفون

نگاه داشته شدگان از خطا و تعظیم کرده شدگان مقربان پرهیزکاران راستگویان برگزیدگان

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که پاک کنید خانه های خود را از تار عنکبوت که گذاشتن آن در خانه باعث فقر و پریشانی میشود و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است

الْمُطِيعُونَ لِلّٰهِ الْقَوَّامُونَ بِاَمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِاِرَادَتِهِ الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ

اطاعت کنندگان خدا را برپا دارندگان بامر او عمل نمایندگان باراده او رسندگان بنوازش او

اصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ وَارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ

برگزید شما را برای علم خود و پسندید شما را از برای غیب خود اختیار کرد شما را برای راز خود و انتخاب کرد شما را بقدرت خود

وَاَعَزَّكُمْ بِهُدَاهُ وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَاَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ وَرَضِيَكُمْ

و عزیز نمود شما را بهدایت خود مخصوص کرد شما را بحجت خود و برگزید شما را برای نور خود نصرت کرد شما را بروح خود و پسندید شما را

خُلَفَاءَ فِي اَرْضِهِ وَحُجَجًا عَلٰى بَرِيَّتِهِ وَاَنْصَارًا لِدِينِهِ وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ

جانشینان در زمین خود و حجتها برای آفریدگان خود و یاری کنندگان از برای دین خود و نگهبانان برای راز خود و خزینه داران علم خود

وَمُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ وَتَرَاجِمَةً لِوَحْيِهِ وَاَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ وَشُهَدَاءَ عَلٰى

و محل ودیعه حکمت خود و بیان کنندگان وحی او و ستونها برای یگانه پرستی خود و گواهان بر

خَلْقِهِ وَاَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَاَدِلَّاءَ عَلٰى صِرَاطِهِ عَصَمَكُمُ اللّٰهُ

خلق خود و نشانها برای بندگان خود و علامت نمایان در شهرهای خود و دلالت نمایندگان براه خود نگاه داشت شما را خدا

مِنَ الزَّلَلِ وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَاَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَ

از لغزش و ایمن گردانید شما را از فتنه ها و پاک گردانید شما را از آلایش و دور گردانید از شما پلیدی را

طَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ وَاَكْبَرْتُمْ شَاْنَهُ وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَاَدَمْتُمْ

پاک گردانید شما را پاک گردانیدنی پس تعظیم نمودید بزرگواری او را و بزرگ شمردید شأن او را و بعظمت یاد کردید کرم او را و مداومت نمودید

ذِكْرَهُ وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ وَاَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ

یاد او را و استوار ساختید پیمان او را و محکم نمودید عقد فرمانبرداری او را و خالص نمودید از برای او در پنهان و آشکار

وَدَعَوْتُمْ اِلٰى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَبَذَلْتُمْ اَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ

و خواندید مردم را بسوی راه او بحکمت و موعظه نیکو و دادید جانهای خود را در راه خوشنودی او

وَصَبَرْتُمْ عَلٰى مَا اَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ وَاَقَمْتُمُ الصَّلٰوةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكٰوةَ وَاَمَرْتُمْ

و شکیبائی کردید بآنچه رسید شما را در جنب او و برپا داشتید نماز را و دادید زکوة را و امر نمودید

بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتُمْ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتّٰى اَعْلَنْتُمْ
بانچه پسندیده است و نهی فرمودید از آنچه ناپسندیده است و جهاد کردید در راه خدا چنانچه حق جهاد

دَعْوَتَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَاَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ اَحْكَامِهِ وَسَنَنْتُمْ
دعوت او را و بیان نمودید واجبات او را و برپا داشتید حدود او را و پهن کردید احکام شریعتهای او را و جاری کردید

سُنَّتَهُ وَصِرْتُمْ فِي ذٰلِكَ مِنْهُ اِلَى الرِّضَا وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ وَصَدَّقْتُمْ
طریقه او را و گردیده آید در این باب بر رضای او و خشنودی او و گردن نهادید از برای قضای او و تصدیق نمودید

مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضٰى فَالرَّاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ وَالْمُقَصِّرُ
از پیغمبران او هر که را که گذشته است پس اعراض کننده از شما از دین بیرون رفته است و همراه شما رسنده است

فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَاِلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ اَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ
در حق شما ضایع شونده و حق با شماست و در میان شما و از جانب شما و بسوی شماست و شما اهل آن و کان آن

وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ وَاِيَابُ الْخَلْقِ اِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ
و میراث پیغمبری نزد شماست و بازگشتن خلق بسوی شماست و حساب خلق بر شماست

وَفَصْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ وَآيَاتُ اللّٰهِ لَدَيْكُمْ وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ وَنُورُهُ
و خطاب فیصل نزد شماست و آیتهای خدا نزد شماست و عزیمتهای خدا در میان شما و نور او

وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ وَاَمْرُهُ اِلَيْكُمْ مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللّٰهَ وَمَنْ عَادَاكُمْ
و حجت او نزد شما و امر او بسوی شماست هر که دوستی کند با شما پس بتحقیق دوستی کرده خدا را و هر که دشمنی کند با شما

فَقَدْ عَادَى اللّٰهَ وَمَنْ اَحَبَّكُمْ فَقَدْ اَحَبَّ اللّٰهَ وَمَنْ اَبْغَضَكُمْ فَقَدْ
پس بتحقیق دشمنی کرده با خدا و هر که دوست دارد شما را پس بتحقیق دوست داشته است خدا را و هر که دشمن دارد شما را

اَبْغَضَ اللّٰهَ وَمَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللّٰهِ اَنْتُمُ السَّبِيلُ الْاَعْظَمُ
دشمن داشته خدا را و هر که چنگ زند بشما پس بتحقیق چنگ زده است بخدا شمائید راه عظیم تر

وَالصِّرَاطُ الْاَقْوَمُ وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَشُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ وَالرَّحْمَةُ
و شمائید راه راست تر و گواهان خانه فانی دنیا و شفیعان سرای باقی عقبی و رحمت

الموصولة والآية المخزونة والامانة المحفوظة والباب المبتلى به

بهم پیوسته ونشانهٔ بزرگی در خزانه نهاده شده وامانت حفظ کرده شده ودرکه بسبب او امتحان کرده شدند

الناس من أتاكم نجى ومن لم يأتكم هلك الى الله تدعون

مردمان هرکه بیاید بسوی شما این تحقیق نجات یافت وهرکه نیاید بسوی شما این تحقیق هلاک شد بسوی خدا میخوانید

وعليه تدلون وبه تؤمنون وله تسلمون وبأمره تعملون والى سبيله

وبر او دلالت می نمایید وباو میگروید ومر او را اطاعت میکنید وبامر او عمل می نمایید وبسوی راه او

ترشدون وبقوله تحكمون سعد والله من والاكم وهلك من عاداكم

راه نمایی میکنید وبگفته او حکم میکنید نیک بخت شد قسم بخدا هرکه دوستی نمود با شما وهلاک شد هرکه دشمنی نمود

وخاب من جحدكم وضل من فارقكم وفاز من تمسك بكم وامن من لجأ

ونا امید شد هرکه انکار کرد شما را وگمراه شد هرکه مفارقت نمود از شما وظفر یافت هرکه چنگ زد بشما وایمن شد هرکه پناه آورد

اليكم وسلم من صدقكم وهدى من اعتصم بكم من اتبعكم فالجنة مأواه

بسوی شما وسالم ماند هرکه تصدیق نمود شما را وراه نموده شد هرکه چنگ زد بشما هرکه متابعت نماید شما را پس بهشت جای او است

ومن خالفكم فالنار مثواه ومن جحدكم كافر ومن حاربكم مشرك

وهرکه مخالفت نمود شما را پس آتش قرارگاه او است وهرکه انکار کند شما را کافر است وهرکه جنگ نماید با شما مشرک است

ومن رد عليكم في اسفل درك من الجحيم اشهد ان هذا سابق لكم

وهرکه رد کند بر شما در پست ترین طبقه است از جهنم گواهی میدهم که این تحقیق گذشته برای شما

فيما مضى وجار لكم فيما بقي وان ارواحكم ونوركم وطينتكم

در آنچه گذشته وجاریست از برای شما در آنچه باقی مانده وتحقیق که ارواح شما ونور شما وطینت شما

واحدة طابت وطهرت بعضها من بعض خلقكم الله انوارا فجعلكم

یکی است پاکیزه است وپاک است بعضی از آنها از بعض دیگر آفرید شما را خدا نورها پس گردانید شما را

بعرشه محدقين حتى من علينا بكم فجعلكم في بيوت اذن الله

بعرش خود احاطه کنندگان تا آنکه منت گذاشت بر ما بشما پس قرار داد شما را در خانه هایی که رخصت داد خدا

أن يرفع ويذكر فيها اسمه وجعل صلواتنا عليكم وما خصنا به من

که بلند کرده شود و یاد کرده شود در آنها نام او و گردانید درود ما را بر شما و آنچه اختصاص داده ما را

ولايتكم طيبا لخلقنا وطهارة لأنفسنا وتزكية لنا وكفارة لذنوبنا

به دوستی شما باعث نیکوئی آفرینش ما و پاکی از برای نفسهای ما و پاکیزگی از برای ما و کفاره از برای گناهان ما

فكنا عنده مسلمين بفضلكم ومعروفين بتصديقنا إياكم فبلغ الله

پس گردیدیم نزد او گردن نهندگان به فضل شما و شناخته شدگان به تصدیق ما شما را پس رسانید خدا

بكم أشرف محل المكرمين وأعلى منازل المقربين وأرفع درجات

شما را بهترین جایگاه نوازش یافتگان و برترین منزلهای مقربان و بلندترین درجه‌های

المرسلين حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق

رسولان جائیکه ملحق نشود به آن ملحق شونده و برتر از آن نشود برتر شونده و سبقت نگیرد بر آن سبقت گیرنده

ولا يطمع في إدراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل

و طمع نکند در یافتن آن را طمع کننده تا آنکه باقی نماند فرشته مقربی و نه پیغمبر مرسلی

ولا صديق ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا دني ولا فاضل ولا

و نه صدیقی و نه شهیدی و نه دانائی و نه نادانی و نه پستی و نه صاحب فضلی و نه

مؤمن صالح ولا فاجر طالح ولا جبار عنيد ولا شيطان مريد ولا خلق

مؤمن صالحی و نه گنهکار نابکاری و نه گردنکشی عناد پیشه و نه شیطان سرکشی و نه خلقی

فيما بين ذلك شهيد إلا عرفهم جلالة أمركم وعظم خطركم وكبر شأنكم

در میانه آنچه مذکور شد حاضر شده مگر آنکه شناسانید خدای تعالی بزرگی کار شما و بلندی مرتبه شما و بزرگی شأن شما

وتمام نوركم وصدق مقاعدكم وثبات مقامكم وشرف محلكم

و تمام نور شما و خوبی جایگاه شما و ثابت بودن مقام شما و ارجمندی جایگاه شما

ومنزلتكم عنده وكرامتكم عليه وخاصتكم لديه وقرب منزلتكم منه

منزلت شما نزد خود و گرامی بودن شما بر خود و خصوصیت شما از خود و نزدیکی منزلت شما از خود

السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین ... السلام علی الائمة ... السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین [illegible]

بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأُسْرَتِي أُشْهِدُ اللهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي

فدای شما باد پدر من و مادر من و اهل من و مال من و خویشان من گواه می‌گیرم خدا را و گواه می‌گیرم شما را بآنکه

مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ

ایمان آورده‌ام بشما و بآنچه ایمان آورده‌اید شما بآن و کافرم بدشمن شما و بآنچه اعتقاد ندارید شما بآن بینایم

بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ مُوَالٍ لَكُمْ وَلِأَوْلِيَائِكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ

بحال شما و بگمراهی هر که مخالفت نمود با شما دوستی کننده‌ام با شما و با دوستان شما و دشمنم با دشمنان شما

وَمُعَادٍ لَهُمْ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ

و عداوت کننده‌ام با ایشان صلحم با هر که صلح کرد با شما و جنگم با هر که جنگ کرد با شما تصدیق نماینده‌ام آنچه شما [illegible]

مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ

باطل کننده‌ام آنچه باطل کردید اطاعت کننده‌ام شما را شناسا هستم بحق شما اقرار کننده‌ام بفضل شما دارنده‌ام علم شما را

مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ

پناه گیرنده‌ام با مان شما اعتراف نماینده‌ام بشما ایمان آورده‌ام به بازگشت شما تصدیق نماینده‌ام برجعت شما انتظار [illegible]

لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ

امر شما را چشم براهم دولت شما را گیرنده‌ام بفرموده شما عمل کننده‌ام بامر شما پناه جوینده‌ام بشما

زَائِرٌ لَكُمْ عَائِذٌ بِكُمْ لَائِذٌ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ

زیارت کننده‌ام شما را پناه آورنده‌ام بشما پناه گیرنده‌ام بقبرهای شما شفیع آورنده‌ام بسوی خدای عز و جل شما را

وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَمُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَحَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي

و تقرب جویم بوسیله شما بسوی خدا و پیش دارنده‌ام شما را در پیش مطالب و حاجتها و خواهش خود

كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ

همه احوال خود و کارها خود ایمان آورنده‌ام به پنهان و آشکار شما و حاضر شما و غائب شما

وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ وَمُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ

و ظاهر شما و باطن و اول شما و آخر شما و تفویض کننده‌ام در همه آنچه گفته شد بسوی شما و تسلیم‌ام

[illegible marginal notes]

فی مرتکم و بکم فی رجعتکم و یملّک فی دولتکم و یشرّف فی عافیتکم

در گروه شما و بازگشت می نماید در رجعت شما و پادشاهی داده شود در زمان دولت شما و بزرگ کرده شود در عافیت شما

و یمکّن فی ایامکم و تقرّ عینه غدا برؤیتکم بابی انتم و امّی و نفسی و

و تمکین داده شود در ایام پادشاهی شما و خنک شود چشمش فردا بدیدن شما پدرم فدای شما و مادرم و جانم و

اهلی و مالی من اراد الله بدأ بکم و من وحّده قبل عنکم و من قصده

اهل من و مال من کسی که اراده کند خدا را ابتدا کند بشما و هر که یگانه پرستد او را قبول کند از شما و هر که قصد او نماید

توجّه بکم موالیّ لا احصی ثناءکم و لا ابلغ من المدح کنهکم و من

رو آورد بشما ای آقایان من نمی توانم شمرد ثنای شما و نمی توانم رسید بمدح کردن کنه شما و از

الوصف قدرکم و انتم نور الاخیار و هداة الابرار و حجج

وصف نمودن قدر شما و شمائید نور نیکان و راه نمایان نیکوکاران و حجتهای

الجبّار بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ینزّل الغیث و بکم یمسک

خداوند با عظمت بشما ابتدا نمود خدا و بشما ختم می نماید و بشما فرو می فرستد باران را و بشما نگاه می دارد

السماء ان تقع علی الارض الا باذنه و بکم ینفّس الهمّ و یکشف الضرّ

آسمان را از اینکه بیفتد بر زمین مگر به رخصت او و بشما زائل می کند غم را و بشما برطرف می کند حال بد

و عندکم ما نزلت به رسله و هبطت به ملائکته و الی جدّکم بعث الروح الامین

و نزد شماست آنچه فرود آورده شد او رسولان خود را و فرود آمدند بآن فرشتگان او و بسوی جد شما فرستاده شد روح الامین

و اگر زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام باشد بجای و الی جدکم بعث الروح الامین بگو

و الی اخیک بعث الروح الامین آتاکم الله ما لم یؤت احدا

و بسوی برادر تو فرستاده شده روح الامین داده است بشما خدا آنچه نداده است بهیچ یک

من العالمین طأطأ کلّ شریف لشرفکم و بخع کلّ متکبّر لطاعتکم

از عالمیان سر فرود آورده هر بزرگی از برای بزرگی شما و فروتنی کرده هر متکبری از برای فرمان بردن شما

وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ وَاَشْرَقَتِ الْاَرْضُ بِنُورِكُمْ

و فروتنی نمود هر سرکشی از برای فضیلت شما و خوار شد هر چیزی از برای شما و روشن شده زمین بنور شما

وَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ بِكُمْ يُسْلَكُ اِلَى الرِّضْوَانِ وَعَلَى مَنْ جَحَدَ

و فیروزی یافتند فیروزی یابندگان بمحبت شما بسبب شما راه برده میشود بسوی خشنودی خدا و بر کسیکه انکار نمود

وِلَايَتَكُمْ غَضَبُ الرَّحْمٰنِ بِاَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي وَنَفْسِي وَاَهْلِي وَمَالِي ذِكْرُكُمْ

با امامت شما غضب خداست پدرم فدای تو باد و مادرم و جانم و اهلم و مالم ذکر شما

فِي الذَّاكِرِينَ وَاَسْمَاؤُكُمْ فِي الْاَسْمَاءِ وَاَجْسَادُكُمْ فِي الْاَجْسَادِ وَاَرْوَاحُكُمْ

در میان یاد کنندگان و نامهای شما در میان نامها و کالبدهای شما در میان کالبدها و روحهای شما

فِي الْاَرْوَاحِ وَاَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ وَآثَارُكُمْ فِي الْآثَارِ وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ

در میان روحها و نفسهای شما در میان نفسها و آثار شما در میان اثرها و قبرهای شما در میان قبرها

فَمَا اَحْلَى اَسْمَاءَكُمْ وَاَكْرَمَ اَنْفُسَكُمْ وَاَعْظَمَ شَاْنَكُمْ وَاَجَلَّ خَطَرَكُمْ وَاَوْفَى

پس چه شیرین است نامهای شما و چه گرامی است نفسهای شما و چه بزرگست شأن شما و چه بزرگست قدر شما و چه وفا کرده شده

عَهْدَكُمْ وَاَصْدَقَ وَعْدَكُمْ كَلَامُكُمْ نُورٌ وَاَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَوَصِيَّتُكُمُ

پیمان شما و چه راست است وعده شما سخن شما نور است و فرمان شما رستگاریست و وصیت شما

التَّقْوَى وَفِعْلُكُمُ الْخَيْرُ وَعَادَتُكُمُ الْاِحْسَانُ وَسَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ وَشَاْنُكُمُ

پرهیزکاریست و کار شما خیر است و عادت شما نیکوکاریست و طبیعت شما کرم است و امر شما

الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ وَرَاْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ

حق و راستی و ملایمت و گفتار شما حکم است و واجب و رای شما دانش و بردباری و دوراندیشی است

اِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ اَوَّلَهُ وَاَصْلَهُ وَفَرْعَهُ وَمَعْدِنَهُ وَمَاْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ

اگر ذکر شود خیر شما اول آن و اصل آن و فرع آن و معدن آن و جایگاه آن و منتهای آن

بِاَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي وَنَفْسِي كَيْفَ اَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ وَاُحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ

فدای شما مادرم و پدرم و جانم چگونه وصف کنم خوبی ثنای شما و شمارم نعمت نیکوئی شما

وبكم اخرجنا الله من الذل وفرج عنا غمرات الكروب وانقذنا بكم

وحال آنکه بسبب شما بیرون آورد ما را خدای تعالی از خواری و گشود از ما سختیهای اندوه را و رهانید ما را بسبب شما

من شفا جرف الهلكات ومن النار بابي انتم وامي ونفسي بموالاتكم

از کنار گودال مهلکه‌ها و از آتش پدرم فدای شما باد و مادرم و جانم بدوستی شما

علمنا الله معالم ديننا واصلح ما كان فسد من دنيانا وبموالاتكم تمت الكلمة

تعلیم نمود خدای تعالی معالم دین ما را و اصلاح نمود آنچه را که فاسد شده بود از دنیای ما و بدوستی شما تمام شد کلمه دین

وعظمت النعمة وائتلفت الفرقة وبموالاتكم تقبل الطاعة المفترضة

و عظیم شد نعمت و به الفت بدل شد جدائی و بدوستی شما مقبول میشود طاعت فرض شده

ولكم المودة الواجبة والدرجات الرفيعة والمقام المحمود والمكان

و از برای شماست دوستی و محبتی که واجب است و مرتبه‌های بلند و مقام ستوده و آن مقامی

المعلوم عند الله عز وجل والجاه العظيم والشان الكبير والشفاعة

که معلوم است نزد خدا غالب و بزرگ و منزلت عظیم و شان بزرگ و شفاعت

المقبولة ربنا آمنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين

پذیرفته ای پروردگار ما ایمان آوردیم بآنچه فرو فرستادی و پیروی کردیم پیغمبر را پس بنویس ما را در زمره گواهی دهندگان

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت

ای پروردگار ما میل مده دلهای ما را بعد از آنکه هدایت کردی ما را و ببخش ما را از جانب خود رحمتی بدرستیکه تو

الوهاب سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا يا ولي الله ان بيني

بسیار بخشنده پاک و منزه است پروردگار ما بدرستیکه هست وعده پروردگار ما هر آینه بجا آورده شده ای ولی خدا بدرستیکه میان من

وبين الله عز وجل ذنوبا لا ياتي عليها الا رضاكم فبحق من ائتمنكم

و میان خدای عز و جل گناهانی هست که محو نمیکند آنها را مگر خشنودی شما پس بحق آنکه امین گردانید شما را

على سره واسترعاكم امر خلقه وقرن طاعتكم بطاعته لما استوهبتم

بر راز خود و گماشت شما را بر کار خلق خود و پیوسته گردانید طاعت شما را بطاعت خود که اینکه طلب بخشید از خدا بخشایش

اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جمیع المؤمنین

خداوندا برسان آقای من صاحب زمان را درودهای خدا براو باد از همه مردان مؤمن

والمؤمنات فی مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها وسهلها وجبلها

وزنان مؤمنه که در مشرقهای زمین ومغربهای آن و بیابان آن و دریای آن و زمین هموار آن و کوه آن

حیهم ومیتهم وعن والدی وولدی وعنی من الصلوات والتحیات زنة

زنده ایشان و مرده ایشان از جانب پدر و مادر من و فرزندان من از من از درودها و دعاها بوزن

عرش الله ومداد کلماته ومنتهی رضاه وعدد ما احصاه کتابه

عرش خدا و مداد کلمه های او و نهایت خشنودی او و شمار چیزیکه احاطه کرده بران کتاب او

واحاط به علمه اللهم انی اجدد له فی هذا الیوم وفی کل یوم عهدا

و احاطه نموده بآن علم او خدایا بدرستیکه تازه میکنم برای صاحب زمان درین روز و هر روز پیمانی

وعقدا وبیعة له فی رقبتی اللهم کما شرفتنی بهذا التشریف وفضلتنی

و قرار و بیعتی مر آنحضرت را در گردن خود بار خدایا چنانچه مشرف کردی مرا باین بزرگی و زیادتی دادی مرا

بهذه الفضیلة وخصصتنی بهذه النعمة فصل علی مولای وسیدی

باین فضیلت و خاص کردی مرا باین نعمت پس درود و رحمت بفرست بر آقای من و سید من

صاحب الزمان واجعلنی من انصاره واشیاعه والذابین عنه واجعلنی

صاحب زمان و بگردان مرا از یاوران او و متابعان او و دفع کنندگان از او و بگردان مرا

من المستشهدین بین یدیه طائعا غیر مکره فی الصف الذی نعت اهله

از شهادت یافتگان در برابر او بطوع و رغبت بدون اکراه در صفیکه تعریف کردی اهل آنرا

فی کتابک فقلت صفا کانهم بنیان مرصوص علی طاعتک وطاعة رسولک

در کتاب خود پس گفتی صفی که گویا ایشان بنای بهم پیوسته محکم اند بر طاعت تو و طاعت پیغمبر تو

وآله علیهم السلام اللهم هذه بیعة له فی عنقی الی یوم القیمة

و آل او بر ایشان سلام باد بار خدایا این بیعتی مر صاحب الزمان را در گردن منست تا روز قیامت

و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد
او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی بهر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن عهد اینست

اللّهُمَّ رَبَّ النُّورِ العَظِيمِ وَرَبَّ الكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ البَحْرِ المَسْجُورِ وَمُنْزِلَ
بارخدایا پروردگار نور بزرگ و پروردگار کرسی بلند و پروردگار دریای پر کرده و فرستنده

التَّوْرٰاةِ وَالإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالحَرُورِ وَمُنْزِلَ القُرْآنِ العَظِيمِ
توریت و انجیل و زبور و پروردگار سایه و آفتاب و فرستنده قرآن بزرگ

وَرَبَّ المَلٰائِكَةِ المُقَرَّبِينَ وَالأَنْبِيٰاءِ وَالمُرْسَلِينَ اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
و پروردگار فرشتگان مقرب و پروردگار پیغمبران و فرستادگان بارخدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو

بِوَجْهِكَ الكَرِيمِ وَبِنُورِ وَجْهِكَ المُنِيرِ وَمُلْكِكَ القَدِيمِ يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ
از توجه تو که بزرگ است و بنور روی تو که روشن است و پادشاهی تو که دیرین است ای زنده ای پایدار

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰاوٰاتُ وَالأَرَضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي
سؤال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامیکه تابان شده است بآن آسمانها و زمینها و بنام تو آنچنان نامیکه

يَصْلَحُ بِهِ الأَوَّلُونَ وَالآخِرُونَ يٰا حَيّاً قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيٰا حَيّاً بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ يٰا حَيّاً
شایسته میشوند بآن پیشینیان و پسینیان ای زنده پیش از هر زنده و ای زنده بعد از هر زنده ای زنده

حِينَ لٰا حَيَّ يٰا مُحْيِيَ المَوْتىٰ وَمُمِيتَ الأَحْيٰاءِ يٰا حَيُّ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ اللّهُمَّ بَلِّغْ
هنگامیکه هیچ زنده نماند ای زنده کننده مردگان و میراننده زندگان ای زنده که نیست معبودی جز تو بارخدایا برسان

مَوْلاٰنَا الإِمٰامَ الهٰادِيَ المَهْدِيَّ القٰائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَعَلىٰ
آقای ما امام راهنمای راه یافته شده پا بپا ایستاده بحکم تو درودهای خدا براو باد و بر

آبٰائِهِ الطّٰاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ المُؤْمِنِينَ وَالمُؤْمِنٰاتِ فِي مَشٰارِقِ الأَرْضِ
پدران او که پاکانند از جانب همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه در مشرقهای زمین

وَمَغٰارِبِهٰا سَهْلِهٰا وَجَبَلِهٰا وَبَرِّهٰا وَبَحْرِهٰا وَعَنِّي وَعَنْ وٰالِدَيَّ مِنَ الصَّلَوٰاتِ
و مغربهای آن هموار آن و کوه آن و بیابان آن و دریای آن و از جانب من و از جانب پدر و مادر من از درودها

والتحيات زنة عرش الله ومداد كلماته وما احصاه علمه واحاط به كتابه

ودعاها بوزن عرش خدا و درازی سخنان او و آنچه احاطه کرده آنرا علم او و فرا گرفته است آنرا کتاب او

اللهم اني اجدد له في صبيحة يومي هذا وما عشت من ايامي عهدا وعقدا

بار خدایا بدرستیکه من تازه میکنم مر آنحضرت را در صبح روز خود که این روز است و آنچه زنده باشم از روزهای خود عهدی را و اقراری را

وبيعة له في عنقي لا احول عنها ولا ازول ابدا اللهم اجعلني من انصاره

و بیعتی را که مر او راست در گردن من بنگردم از آن و زائل نشوم هرگز بار خدایا بگردان مرا از یاران او

واعوانه والذابين عنه والمسارعين اليه في قضاء حوائجه والممتثلين

و یاری دهندگان او و دفع کنندگان از او و شتابندگان بسوی او در برآوردن حاجتهای او و فرمانبرداران

لاوامره والمحامين عنه والسابقين الى ارادته والمستشهدين بين يديه

امرهای او و حمایت کنندگان او و سبقت کنندگان بسوی اراده او و شهادت یافتگان روبروی او

اللهم ان حال بيني وبينه الموت الذي جعلته على عبادك حتما مقضيا فاخرجني

بار خدایا اگر حائل شود میان من و میان او مرگی که گردانیدی آنرا بر بندهای خود واجب پس برآر مرا

من قبري مؤتزرا كفني شاهرا سيفي مجردا قناتي ملبيا دعوة الداعي

از قبر من در حالی که پوشیده باشم کفن خود را و برآورده باشم شمشیر خود را برهنه کرده باشم نیزه خود را لبیک گوینده باشم خواندن خواننده را

في الحاضر والبادي اللهم ارني الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة واكحل

در ساکن شهر و بادیه بار خدایا بنما مرا صورت نیکو و پیشانی نورانی ستوده و سرمه کش

ناظري بنظرة مني اليه وعجل فرجه وسهل مخرجه واوسع منهجه

چشم مرا بنظری از من بسوی او و زود کن گشایش کار او را و سهل کن برآمدن او را و وسیع کن راه او را

واسلك بي محجته وانفذ امره واشدد ازره واعمر اللهم به بلادك

و ببر مرا بطریق و جاده او و جاری کن امر او را و قوی کن پشت او را و آباد گردان بار خدایا بسبب او شهرهای خود را

واحي به عبادك فانك قلت وقولك الحق ظهر الفساد في البر والبحر

و زنده گردان باو بندهای خود را بدرستیکه تو گفتی و گفته تو درست است که ظاهر شد فساد در بیابان و دریا

بما كسبت ايدي الناس فاظهر اللهم لنا وليك وابن بنت نبيك

بانچه کسب کرده است دستهای مردم پس ظاهر کن خداوندا برای ما ولی خود را و پسر دختر نبی خود

المسمى باسم رسولك حتى لا يظفر بشيء من الباطل الا مزقه ويحق الحق

که نامیده شده است بنام رسول تو تا ظفر نیابد بچیزی از باطل مگر پاره کند آنرا و درست گرداند حق را

ويحققه واجعله اللهم مفزعا للمظلوم من عبادك وناصرا لمن لا يجد

و تحقیق آن نماید و بگردان او را بار خدایا پناه برای ستمدیده ها از بنده های خود و یاری کننده برای کسیکه نیابد

له ناصرا غيرك ومجددا لما عطل من احكام كتابك ومشيدا لما ورد

برای خود یاوری غیر از تو و تازه کننده مر چیزی را که معطل مانده از احکام کتاب تو و محکم کننده مر چیزی را که وارد شده

من اعلام دينك وسنن نبيك صلى الله عليه وآله واجعله اللهم ممن حصنته

از نشانهای دین تو و طریقه های پیغمبر تو درود فرستد خدا بر او و آل او و بگردان او را بار خدایا از کسیکه

من بأس المعتدين وسر نبيك محمدا صلى الله عليه وآله برؤيته ومن تبعه

از ترس تجاوز کنندگان شاد گردان پیغمبر خود محمد درود فرستد خدا بر او و بر آل او بدیدن او و کسیکه پیروی کرد

على دعوته وارحم استكانتنا بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن الامة بحضوره

بر دعوت او و رحم کن بر فروتنی ما بعد او بار خدایا بگشا این غم را از امت بحاضر شدن او

وعجل لنا ظهوره انهم يرونه بعيدا ونريه قريبا برحمتك يا ارحم الراحمين

و تعجیل کن برای ما آشکار شدن او و بدرستیکه منافقان می بینند او را دور و ما می بینیم نزدیک برحمت خود ای مهربانترین مهربانان

پس سه مرتبه بزن بر ران راست خود میگوئی در هر مرتبه

العجل يا مولاي يا صاحب الزمان

زود زود بشتاب ای آقای من ای صاحب زمان

و اما دعائی که مشتمل است بر عقاید حقه و تاسف بر غیبت حضرت قائم صلوات الله علیه بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که این دعا را در اعیاد بخوانند یعنی روز جمعه و روز عید فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر

الحمد لله الذي لا اله الا هو وله الحمد رب العالمين وصلى الله على محمد

حمد مر خدا را که نیست معبودی بحق مگر او و مر او راست حمد که پروردگار عالمیانست و درود فرستد خدا بر محمد

نبيه وآله وسلم تسليما اللهم لك الحمد على ما جرى به قضاؤك في اوليائك

پیغمبر خود و آل او و سلام فرستد سلام فرستادنی خدایا مر تراست حمد بر چیزی که جاری شده است به آن حکم تو در دوستان تو

الذين استخلصتهم لنفسك ودينك اذ اخترت لهم جزيل ما عندك من

آنانکه خالص کردانیدی ایشانرا از برای نفس خود و دین خود چون اختیار کردی از برای ایشان بسیاری آنچه نزد تست از

النعيم المقيم الذي لا زوال له ولا اضمحلال له بعد ان شرطت عليهم

نعیم پایدار که نیست زوالی مر او را و نه کاهشی مر او را بعد از آنکه شرط کردی بر ایشان

الزهد في درجات هذه الدنيا الدنية وزخرفها وزبرجها فشرطوا لك

ترک رغبت در درجه‌های این دنیای پست مرتبه و زینت آن و آرایش آن پس شرط کردند [illegible]

ذلك وعلمت منهم الوفاء به فقبلتهم وقربتهم وقدمت لهم الذكر

این زهد را و دانستی از ایشان وفا کردن بآن پس قبول کردی ایشانرا و مقرب کردانیدی ایشانرا و پیش داشتی برای ایشان ذکر

العلي والثناء الجلي واهبطت عليهم ملائكتك وكرمتهم بوحيك

بلند و ثنای آشکار و فرو فرستادی بر ایشان فرشتگان خود را و گرامی کردی ایشانرا بوحی خود

ورفدتهم بعلمك وجعلتهم الذرائع اليك والوسيلة الى رضوانك فبعض

و عطا کردی ایشانرا علم خود و کردانیدی ایشانرا وسیله‌ها بسوی خود و وسیله بسوی رضای خود پس بعضی را

اسكنته جنتك الى ان اخرجته منها وبعض حملته في فلكك ونجيته

ساکن کردانیدی او را در بهشت خود تا آنکه بیرون آوردی او را از بهشت و بعضی را برداشتی در کشتی خود و نجات دادی او را

ومن آمن معه من الهلكة برحمتك وبعض اتخذته لنفسك خليلا

و کسی که ایمان آورده بود با او از هلاکت برحمت خود و بعضی را اختیار کردی او را از برای نفس خود دوست

وسألك لسان صدق في الآخرين فاجبته وجعلت ذلك عليا وبعض كلمته

و طلب کرد خلیل از تو زبان راستی در پسینان پس قبول کردی آنرا و کردانیدی آنرا بلند و بعضی سخن [illegible]

مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِدْءًا وَوَزِيرًا وَبَعْضٌ وَلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ

از درخت سخن کردنی و گردانیدی برای او از برادر او یار و وزیر و بعضی زاییدی او را از غیر

أَبٍ وَآتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَكُلٌّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً

پدر و دادی او را حجتها و قوت بخشیدی او را بروح قدس یعنی جبرئیل و هر کدام از انبیاء قرار دادی برای او شریعتی

وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَاجًا وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ مِنْ مُدَّةٍ

و مقرر کردی برای او راهی و اختیار کردی برای او وصیان نگاهبانی بعد نگاهبانی از مدتی

إِلَى مُدَّةٍ إِقَامَةً لِدِينِكَ وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ وَلِئَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ

تا مدتی از جهت قائم داشتن دین تو و حجت بر بنده های تو و تا اینکه زائل نگردد حق از قرارگاه خود

وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ وَلَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا

و غلبه ننماید باطل بر اهل خود و نگوید کسی که چرا نفرستادی بسوی ما پیغمبری ترساننده

وَأَقَمْتَ لَنَا عَلَمًا هَادِيًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى إِلَى أَنِ انْتَهَيْتَ

و چرا برپا نکردی برای ما علمی راهنما تا پیروی میکردیم آیات ترا پیش از آنکه خوار گردیم و رسوا شویم تا آنکه رسانیدی

بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ كَمَا انْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ

کار را بسوی دوست خود و برگزیده خود محمد درود فرستد خدا بر او و آل او پس بود چنانچه برگزیدی او را سرور

خَلَقْتَهُ وَصَفْوَةَ مَنِ اصْطَفَيْتَهُ وَأَفْضَلَ مَنِ اجْتَبَيْتَهُ وَأَكْرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَهُ

آفریدی او را و برگزیده هر که برگزیدی او را و برتر از هر که اختیار کردی او را و بزرگتر هر که اعتماد کردی او را

قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ

مقدم کردی بر پیغمبران خود و برانگیختی او را بسوی جن و انس از بنده های خود و سیر فرمودی او را در مشرقهای

وَمَغَارِبَكَ وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ وَعَرَجْتَ بِرُوحِهِ إِلَى سَمَائِكَ وَأَوْدَعْتَهُ

و مغربهای خود و مسخر گردانیدی برای او براق را و بالا بردی روح او را بسوی آسمان خود و سپردی او را

عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ وَحَفَفْتَهُ

علم آنچه شده است و آنچه خواهد شد تا آخر شدن آفرینش تو پس یاری کردی او را به ترس و فرو گرفتی او را

بجبرئيل وميكائيل والمسوّمين من ملائكتك ووعدته ان تظهر دينه على

بجبرئیل و میکائیل و علامت داران از فرشتگان خود و وعده فرمودی او را که قوی گردانی دین او را

الدين كله ولو كره المشركون وذلك بعد ان بوّأته مبوّأ صدق من اهله

بهمه دینها اگرچه ناخوش دارند مشرکان و آن بعد از آن بود که جای دادی او را جایگاه صدق از اهل او

وجعلت له ولهم اوّل بيت وضع للناس للذي ببكّة مباركا وهدى للعالمين

و گردانیدی برای او و برای ایشان اول خانه که بنا گذاشته شده برای مردم هرآینه خانه‌ایست در مکه

فيه آيات بيّنات مقام ابراهيم ومن دخله كان آمنا وقلت انّما يريد

و در آن خانه علامتهای آشکار است جای ابراهیم و هر که درآید در وی ایمن است و گفتی جز این نیست که میخواهد

الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهّركم تطهيرا ثمّ جعلت

خدا که برطرف کند از شما پلیدی را ای اهل بیت و پاک گرداند شما را پاک کردنی و گردانیدی

اجر محمّد صلواتك عليه وآله مودّتهم في كتابك فقلت قل لا اسئلكم

مزد محمد درود تو باد بر او و بر آل او دوستی ایشان در کتاب خود پس گفتی که بگو نمی طلبم از شما

عليه اجرا الّا المودّة في القربى وقلت ما اسئلكم عليه من اجر الّا من

بر این مزدی را مگر دوستی در خویشاوندان و گفتی نمی طلبم از شما بر او هیچ مزدی مگر آنکه

شاء ان يتّخذ الى ربّه سبيلا فكانوا هم السبيل اليك والمسلك

خواهد که بگیرد بسوی پروردگار خود راهی پس هستند ایشان راه بسوی تو و راه

الى رضوانك فلمّا انقضت ايّامه اقام وليّه عليّ بن ابي طالب صلواتك

بسوی خشنودی تو پس چون گذشت ایام او برپا داشت خلیفه خود علی ابن ابیطالب را درود تو

عليهما وآلهما هاديا اذ كان هو المنذر ولكلّ قوم هاد فقال

بر هر دو باد و آل هر دو باد در حالیکه هدایت کننده است بجهت آنکه بود او بیم دهنده و هر گروهی را راه نماینده پس گفت

والملأ امامه من كنت مولاه فعليّ مولاه اللّهمّ وال من والاه وعاد

و در حالیکه جماعت پیش او بودند که هر که هستم من مولای او پس علی مولای اوست بار خدایا دوست دار کسی را که دوست دارد علی را و دشمن باش

من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله وقال من كنت انا نبيه

هر که دشمن باشد او را و یاری کن کسی که یاری کند او را و خوار کن کسی که خوار کند او را و گفت هر که من نبی او ام

فعلي اميره وقال انا وعلي من شجرة واحدة وسائر الناس من اشجار

پس علی امیر او است و گفت من و علی از یک درخت ایم و باقی مردم از درختهای

شتى واحله محل هرون من موسى فقال له انت مني بمنزلة هرون من

مختلف و جای داد او را جای هارون از موسی پس گفت مر او را که تو از من بمنزله هارونی از

موسى الا انه لا نبي بعدي وزوجه ابنته سيدة نساء العالمين واحل

موسی مگر اینکه نیست پیغمبری بعد از من و تزویج کرد او را دختر خود که سردار زنان عالمیان است و حلال کرد

له من مسجده ما حل له وسد الابواب الا بابه ثم اودعه علمه وحكمته

برای او از مسجد خود آنچه حلال بود مر او را و بست درهای مسجد را مگر در او را پس امانت داد او را علم خود و حکمت خود را

فقال انا مدينة العلم وعلي بابها فمن اراد الحكمة فليأتها من بابها

پس گفت که من شهر علمم و علی دروازه آن شهر است پس کسی که خواهد حکمت را پس باید که بیاید از دروازه

ثم قال له انت اخي ووصيي ووارثي لحمك من لحمي ودمك من دمي

آنگاه گفت مر او را که تو برادر منی و وصی منی و وارث منی گوشت تو از گوشت من است و خون تو از خون من است

وسلمك سلمي وحربك حربي والايمان مخالط لحمك ودمك كما خالط

و صلح تو صلح منست و جنگ تو جنگ منست و ایمان آمیخته است گوشت ترا و خون ترا چنانچه آمیخته است

لحمي ودمي وانت غدا على الحوض خليفتي وانت تقضي ديني وتنجز عداتي

گوشت مرا و خون مرا و تو فردا بر حوض خلیفه منی و تو ادا میکنی دین مرا و وفا میکنی وعده های مرا

شيعتك على منابر من نور مبيضة وجوههم حولي في الجنة وهم جيراني ولولا

شیعیان تو بر منبرها از نور اند سفید کرده شده رویهای ایشان در گرد من در بهشت ایشان همسایگان من اند و اگر نبودی

انت يا علي لم يعرف المؤمنون بعدي وكان بعده هدى من الضلالة

تو ای علی شناخته نمی شدند مؤمنان بعد از من و بود علی بعد پیغمبر راه نمای از گمراهی

وَنُوراً مِنَ الْعَمى وَحَبْلَ اللهِ الْمَتينَ وَصِراطَهُ الْمُسْتَقيمَ لا يُسْبَقُ بِقَرابَةٍ في رَحِمٍ
و نوری از نابینایی و ریسمان خدا که محکم است و راه او که راست است سبقت گرفته نمی‌شود به نزدیکی در رحم
وَلا بِسابِقَةٍ في دينٍ وَلا يُلْحَقُ في مَنْقَبَةٍ مِنْ مَناقِبِهِ يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ
و نه به پیشی در دین و لحوق کرده نمی‌شود در منقبتی از منقبتهای او پیروی می‌کند عقب پیغمبر
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِما وَآلِهِما وَيُقاتِلُ عَلَى التَّأْويلِ وَلا تَأْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةُ لائِمٍ
درود فرستد خدا بر ایشان و آل ایشان و مقاتله می‌نماید بر تأویل و نمی‌گیرد او را در راه خدا سرزنش سرزنش‌کننده
قَدْ وَتَرَ فيهِ صَناديدَ الْعَرَبِ وَقَتَلَ أَبْطالَهُمْ وَناوَشَ ذُؤْبانَهُمْ فَأَوْدَعَ
بتحقیق که ریخت در راه خدا خون بزرگان عرب را و کشت دلیران ایشان را و بجنگ درآمد با گرگان ایشان پس سپرد
قُلُوبَهُمْ أَحْقاداً بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ فَأَضَبَّتْ عَلى عَداوَتِهِ
در دلهای ایشان کینه‌های بدر و خیبر و حنین و غیر آنها پس دل گرفتند بر دشمنی او
وَأَكَبَّتْ عَلى مُنابَذَتِهِ حَتّى قَتَلَ النّاكِثينَ وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ وَلَمّا قَضى
و اقبال نمودند بر جنگ کردن با او تا آنکه کشت عهدشکنان را که اهل جمل بودند و ستمکاران را که اهل شام بودند و خارجیان را
نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ أَشْقَى الْآخِرينَ يَتْبَعُ أَشْقَى الْأَوَّلينَ لَمْ يُمْتَثَلْ أَمْرُ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ
مدت عمر خود را و کشت او را بدبخت‌ترین پسینیان تابع بدبخت‌ترین پیشینیان اطاعت کرده نشد فرمان پیغمبر رحمت خدا
عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهادينَ بَعْدَ الْهادينَ وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلى مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلى
بر او و بر آل او در راه‌نمایان بعد از راه‌نمایان و امت بجد بودند در دشمنی او و فراهم آمده بودند
قَطيعَةِ رَحِمِهِ وَإِقْصاءِ وُلْدِهِ إِلَّا الْقَليلَ مِمَّنْ وَفى لِرِعايَةِ الْحَقِّ فيهِمْ
قطع رحم او و دور کردن فرزندان او مگر کمی از کسانی که وفا کردند برعایت حق او در فرزندان او
فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ وَأُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ وَجَرَى الْقَضاءُ لَهُمْ
پس کشته شد هر که کشته شد و اسیر شد هر که اسیر شد و دور کرده شد هر که دور کرده شد و جاری شد قضا برای ایشان
بِما يُرْجى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ إِذْ كانَتِ الْأَرْضُ لِلّهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِنْ
بچیزی که امید داشته می‌شود برای او ثواب نیکو زیرا که باشد زمین مر خدا را وارث می‌گرداند آن را هر که خواهد از

عِبادِهٖ وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِیْنَ وَسُبْحانَ رَبِّنا اِنْ کانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُوْلاً وَ

بنده های خود و خوشی آخرت مر پرهیزکاران است و منزه و تسبیح مر پروردگار ما است که بی شکیه وعده پروردگار ما البته کرده شده و

لَنْ یُخْلِفَ اللّٰهُ وَعْدَهٗ وَهُوَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ فَعَلَی الْاَطائِبِ مِنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ

خلاف نمیکند خدا وعده خود را و اوست صاحب حکمت پس بر بسیار پاکان از اهل بیت محمد و علی

صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِما فَلْیَبْکِ الْباکُوْنَ وَاِیّاهُمْ فَلْیَنْدُبِ النّادِبُوْنَ وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتُذْرَفِ

رحمت کند خدا بر هر دو پس باید که بگریند گریه کنندگان و برایشان باید که گریه و زاری کنند زاری کنندگان و برای مثل ایشان

الدُّمُوْعُ وَلْیَصْرُخِ الصّارِخُوْنَ وَیَضِجَّ الضّاجُّوْنَ وَیَعِجَّ الْعاجُّوْنَ اَیْنَ الْحَسَنُ وَاَیْنَ الْحُسَیْنُ

اشکها ریخته شود و باید فریاد کنند فریاد کنندگان و باید که ناله کنند ناله کنندگان و آواز برآرند آواز برآرندگان کجاست حسن کجاست حسین

وَاَیْنَ اَبْناءُ الْحُسَیْنِ صالِحٌ بَعْدَ صالِحٍ وَصادِقٌ بَعْدَ صادِقٍ وَاَیْنَ السَّبِیْلُ

و کجاست پسران حسین ع نیکوکار پس نیکوکار و راست گو بعد از راستگو و کجاست راه

بَعْدَ السَّبِیْلِ وَاَیْنَ الْخِیَرَةُ بَعْدَ الْخِیَرَةِ وَاَیْنَ الشُّمُوْسُ الطّالِعَةُ اَیْنَ الْاَقْمارُ الْمُنِیْرَةُ

بعد از راه و کجاست برگزیده بعد از برگزیده و کجایند آفتابهای درخشان کجایند ماههای تابان

اَیْنَ الْاَنْجُمُ الزّاهِرَةُ اَیْنَ اَعْلامُ الدِّیْنِ وَقَواعِدُ الْعِلْمِ اَیْنَ بَقِیَّةُ اللّٰهِ الَّتِیْ لا تَخْلُوْ مِنَ

کجایند ستاره های فروزان کجایند نشانهای دین و بنیادهای علم کجاست باقی گذاشتگان خدا که نباشد خالی از

الْعِتْرَةِ الطّاهِرَةِ اَیْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دابِرِ الظَّلَمَةِ اَیْنَ الْمُنْتَظَرُ لِاِقامَةِ الْاَمْتِ

عترت پاک کجاست آماده شده برای بریدن بنیاد ستمکاران کجاست انتظار کشیده شده برای راست کردن پستی

وَالْعِوَجِ اَیْنَ الْمُرْتَجٰی لِاِزالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوانِ اَیْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْدِیْدِ الْفَرائِضِ

و بلندی کجاست امید داشته شده برای طرف کردن ستم و زیادتی کجاست ذخیره کرده شده برای تازه کردن واجبها

وَالسُّنَنِ اَیْنَ الْمُتَخَیَّرُ لِاِعادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِیْعَةِ اَیْنَ الْمُؤَمَّلُ لِاِحْیاءِ

و سنتها کجاست اختیار کرده شده برای برگردانیدن ملت و شریعت کجاست آرزو کرده شده برای زنده کردن

الْکِتابِ وَحُدُوْدِهٖ اَیْنَ مُحْیِیْ مَعالِمِ الدِّیْنِ وَاَهْلِهٖ اَیْنَ قاصِمُ شَوْکَةِ الْمُعْتَدِیْنَ

کتاب و حدود آن کجاست زنده کننده علامتهای دین و اهل آن کجاست شکننده شوکت تجاوز کنندگان

أَيْنَ هَادِمُ أَبْنِيَةِ الشِّرْكِ وَالنِّفَاقِ أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ

کجاست ویران کننده بنیادهای شرک و نفاق کجاست هلاک کننده اهل فسق و معصیت

وَالطُّغْيَانِ أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشِّقَاقِ أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ

و سرکشی کجاست برنده شاخهای گمراهی و مخالفت کجاست محو کننده اثرهای میل

وَالْأَهْوَاءِ أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْافْتِرَاءِ أَيْنَ مُبِيدُ الْعُتَاةِ وَ

و خواهشها کجاست قطع کننده ریسمانهای دروغ و افترا کجاست هلاک کننده سرکشان

الْمَرَدَةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ أَيْنَ مُعِزُّ

سرتابان کجاست برآرنده اهل دشمنی و گمراه کردن و از دین در گذشتن کجاست عزیز کننده

الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمِ عَلَى التَّقْوَى أَيْنَ بَابُ اللَّهِ

دوستان خوار کننده دشمنان کجاست جمع کننده ... پرهیزکاران کجاست دروازه خدا

الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ أَيْنَ السَّبَبُ

که از آن در آمده میشود کجاست روی خدا که بسوی او متوجه میشوند اولیا کجاست سبب

الْمُتَّصِلُ بَيْنَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى

پیوسته میان اهل زمین و آسمانها کجاست صاحب یوم فتح و برافرازنده علم هدایت

أَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ

کجاست جمع نماینده پراکندگی شایستگی و خوشنودی کجاست طلب کننده خونهای پیغمبران و پسران

الْأَنْبِيَاءِ أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنِ اعْتَدَى

پیغمبران کجاست طلب کننده خون کشتگان کربلا کجاست کسیکه یاری کرده شده بر کسیکه ستم کرده

عَلَيْهِ وَافْتَرَى أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ

براو و افترا کرد کجاست مضطریکه اجابت کرده میشود هرگاه بخواند کجاست سر گروه خلائق

ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَابْنِ

صاحب نیکی و پرهیزکاری و کجاست پسر پیغمبر برگزیده و پسر علی پسندیده و پسر

خديجة الغراء وابن فاطمة الزهراء الكبرى بابي انت وامي ونفسي لك

خدیجه صاحب شرف و پسر فاطمه زهرا بزرگ مرتبه فدای تو شود پدر من و مادر من و جان من

الوقاء والحمى يا ابن السادة المقربين يا ابن النجباء الاكرمين يا ابن الهداة

حفظ و حمایت ای پسر سروران مقربین ای پسر برگزیدگان بزرگواران ای پسر راهنمایان

المهتدين يا ابن الخيرة المهذبين يا ابن الغطارفة الانجبين يا ابن

راه یافتگان ای پسر برگزیدگان نیکو اخلاق ای پسر سروران بسیار برگزیده ای پسر

الخضارمة المنتجبين يا ابن القماقمة الاكرمين يا ابن الاطائب

نامداران برگزیدگان ای پسر مهتران بسیار گرامی کان ای پسر پاکان پاکیزه شدگان

المطهرين يا ابن البدور المنيرة يا ابن السرج المضيئة يا ابن الشهب

پاکیزه شدگان ای پسر ماههای روشن ای پسر چراغهای روشن ای پسر شهابهای

الثاقبة يا ابن الانجم الزاهرة يا ابن السبل الواضحة يا ابن الاعلام

درخشنده ای پسر ستارگان روشن ای پسر راههای روشن ای پسر علمهای

اللائحة يا ابن العلوم الكاملة يا ابن السنن المشهورة يا ابن المعالم

نمایان ای پسر علمهای کامل ای پسر سنتهای مشهوره ای پسر نشانهای

المأثورة يا ابن المعجزات الموجودة يا ابن الدلائل المشهودة يا ابن الصراط

راه نشانه وارد ای پسر معجزه محقق ای پسر دلیلها دیده شده ای پسر کسیکه او راه

المستقيم يا ابن النبأ العظيم يا ابن من هو في ام الكتاب لدى الله علي

راست است بحقیقت ای پسر خبر بزرگ ای پسر کسیکه او در لوح محفوظ نزد خداوند بلند

حكيم يا ابن الآيات والبينات يا ابن الدلائل الظاهرات يا ابن البراهين

صاحب حکمت ای پسر آیتها و دلیلها ای پسر دلیلهای آشکار ای پسر برهانهای

الواضحات الباهرات يا ابن الحجج البالغات يا ابن النعم السابغات يا ابن طه

روشن غالب ای پسر حجتهای رسا ای پسر نعمتهای کامل ای پسر طه

والمحکمات یا ابن یس والذاریات یا ابن الطور والعادیات یا ابن من

محکمات ای پسر یسین و ذاریات ای پسر طور و عادیات ای پسر کسیکه

دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی دنوا واقترابا من العلی الاعلی

نزدیک شد پس آویخت پس بود بقدر دو گوشه کمان یا نزدیک تر از روی قرب و نزدیکی از خدای برتر

لیت شعری این استقرت بک النوی بل ای ارض تقلک او ثری

کاش میدانستم که کجا قرار گرفت ترا نقل مکان بلکه کدام زمین بر میدارد ترا یا کدام خاک

ابرضوی ام غیرها ام ذی طوی عزیز علی ان اری الخلق ولا تری

آیا بکوه رضوی یا سوای آن یا ذی طوی سخت است بر من آنکه می بینم خلق را و دیده نمی شوی

ولا اسمع لک حسیسا ولا نجوی عزیز علی ان لا یحیط بی دونک

و نمی شنوم مر ترا آواز نرمی و نه رازی سخت است بر من آنکه فرا نگیرد مرا غیر تو

البلوی ولا ینالک منی ضجیج ولا شکوی بنفسی انت من مغیب لم یخل منا

رنجی و نه رسد بتو از من فریادی و نه شکایتی بجان من تو غائب کرده شده که نیست خالی از ما

انت من نازح ما نزح عنا بنفسی انت امنیة شائق یتمنی من مؤمن ومؤمنة

تو دوری که دور نشد از ما بنفس من تو آرزوی مشتاقی که آرزو کرده از مرد مومن و زن مومنه

ذکرا فحنا بنفسی انت من عقید عز لا یسامی بنفسی انت من اثیل مجد لا یجاری

که یاد کردند پس زار گردیدند بنفس من تو هم پیمان عزی که برابری کرده نمی شود بنفس من تو اصل بزرگی که برابر کرده نمی شود

بنفسی انت من تلاد نعم لا تضاهی بنفسی انت من نصیف شرف لا یساوی الی متی احار

بنفس من تو در برینه نعمتها که مشابه کرده نمی شود بنفس من تو همتای بزرگی که برابری کرده نمیشود تا کی سرگردان باشم

فیک یا مولای والی متی وای خطاب اصف فیک وای نجوی عزیز علی ان

در باب تو ای آقای من و تا کجا و کدام خطاب وصف کنم در حق تو و کدام راز سخت است بر من آنکه

اجاب دونک واناغی عزیز علی ان ابکیک ویخذلک الوری عزیز

جواب داده شوم غیر تو و سخن رانم سخت است بر من آنکه گریه کنم ترا و فرو گذارند ترا مردم سخت است

عَلَيَّ أَنْ يَجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ

بر من اینکه جاری بشود بر تو نه بر ایشان آنچه جاری شد آیا یاوری هست پس دراز کنم با او فغان را

وَالْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأُسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا هَلْ قَذِيَتْ عَيْنٌ فَتُسْعِدَهَا

و گریه را آیا هیچ جزع کننده هست پس یاری کنم جزع او را وقتیکه تنها باشد آیا خاشاک آلوده شده چشمی پس یاری کند آنرا

عَيْنِي عَلَى الْقَذَى هَلْ إِلَيْكَ يَا ابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمُنَا

چشم من بر خاشاک آیا بسوی تو ای پسر احمد راهی هست پس ملاقات کرده شوی آیا متصل میشود روز ما

مِنْكَ بِعِدَةٍ فَنَحْظَى مَتَى نَرِدُ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرْوَى مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ

از تو بوعده پس بهره مند شویم کی خواهیم رسید بجاهای آب خوردن تو که سیراب است پس سیراب شویم کی بهره گیریم از

عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى مَتَى نُغَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ فَنُقِرَّ عُيُونَنَا

آب گوارای تو پس بتحقیق بطول انجامید تشنگی کی صبح خواهیم کرد با تو و شام خواهیم کرد با تو پس روشن کنیم چشمهای خود را

مَتَى تَرَانَا وَنَرَاكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِوَاءَ النَّصْرِ تُرَى أَتَرَانَا نَحُفُّ بِكَ وَأَنْتَ

کی خواهی دید ما را و خواهیم دید ترا در حالتیکه گشوده باشی نشان نصرت را دیده میشوی آیا می بینی ما را که گرد تو باشیم و تو

تَؤُمُّ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا وَأَذَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا

امامت کنی جماعت بسیار را در حالتیکه پر کرده باشی زمین را از عدل و چشانیده باشی دشمنان خود را خواری و عقوبت

وَأَبَرْتَ الْعُتَاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ وَاجْتَثَثْتَ أُصُولَ

و هلاک کرده باشی سرکشان و انکار کنندگان حق را و قطع کرده باشی آخر تکبر کنندگان را و برکنده باشی بیخهای

الظَّالِمِينَ وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرَبِ

ستمکاران را و ما گوییم سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان است بار خدایا توئی برطرف کننده اندوه

وَالْبَلْوَى وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ

و بلا و بسوی تو یاری میجویم پس نزد تو است یاری و توئی پروردگار آخرت

وَالْأُولَى فَأَغِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلَى وَأَرِهِ سَيِّدَهُ

و دنیا پس فریاد رس ای فریاد رس فریاد کنندگان بنده حقیر خود را که مبتلاست و بنما او را آقای او را

بشديد القوى وازل عنه به الاسى والجوى وبرد غليله يا ابن

ای سخت توانا وزائل کردان از بنده خود بسبب آن اثر اندوه و سوزش را و سرد کن سوزش تشنگی او را ای پسر

على العرش استوى ويا من اليه الرجعى والمنتهى اللهم ونحن عبيدك

بر عرش غالب شده وای کسیکه بسوی او است بازگشت وانتها بار خدایا وما بنده‌های توئیم

التائقون الى وليك المذكر بك وبنبيك خلقته لنا عصمة وملاذا واقمته

که مشتاقانیم بسوی دوست تو که یاد دهنده است بتو وبه پیغمبر تو آفریدی تو او را برای ما پناه و مرجع و برپا کردی او را

لنا قواما ومعاذا وجعلته للمؤمنين منا اماما فبلغه منا تحية وسلاما وزدنا

برای ما پایداری و پناهی وگردانیدی او را برای مؤمنان از ما پیشوا پس برسان او را از ما درود وسلام و بیفزای ما را

بذلك يا رب اكراما واجعل مستقره لنا مستقرا ومقاما واتمم نعمتك

باین ای پروردگار ما نعمت واکرام وبگردان قرارگاه او را برای ما جای قرار وجای قامت وتمام کن نعمت خود را

بتقديمك اياه امامنا حتى تورده جنانك ومرافقة الشهداء من

بمقدم داشتن خود او را پیش تا بر سانی ما را بهشتهای خود وبرفاقت شهیدان از

خلصائك اللهم صل على حجتك وولي امرك وصل على جده محمد

خالصان خود بار خدایا درود بفرست بر حجت خود و ولی امر خود و درود بفرست بر جد او محمد

رسولك السيد الاكبر وصل على ابيه السيد القسور وحامل اللواء

پیغمبر خود سرور بزرگتر و درود بفرست بجد پدر او سرور شیر صولت و بردارنده علم

في المحشر وساقي اوليائه من نهر الكوثر والامير على سائر البشر

در محشر وآب دهنده دوستان خود از نهر کوثر وامیر بر همه آدمیان

الذي من امن به فقد ظفر ومن لم يؤمن به فقد خطر وكفر صلى الله

آنکه هر که ایمان آورد باو پس بتحقیق ظفر یافته و هر که ایمان نیاورد باو پس بتحقیق خطر کرده و کافر شده درود فرستد خدا

عليه وعلى اخيه وعلى نجلهما الميامين الغرر ما طلعت شمس وما اضاء قمر

بر او وبر برادر او وبر اولاد هر دو که صاحبان میمنت و درخشنده‌اند تا زمانیکه طلوع کند آفتاب وتا زمانیکه بتابد ماه

وعلى الجدّة الصدّيقة الكبرى فاطمة الزهراء بنت محمد المصطفى وعلى

و بر جده او بسیار صدق و بزرگ فاطمه زهرا دختر محمد مصطفی و بر

من اصطفيت من آبائه البررة وعليه افضل واكمل واتمّ وادوم واكثر

هر که بر گزیدی از پدران او که نیکان بودند و بر او بهتر و کامل تر و تمام تر و دائم تر و بیشتر

واوفر ما صلّيت على احد من اصفيائك وخيرتك من خلقك وصلّ عليه

و فراوان تر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از برگزیدگان خود و اختیار کرده‌های خود از خلق خود و درود فرست

صلوة لا غاية لعددها ولا نهاية لمددها ولا نفاد لامدها اللّهمّ واقم به

درودی که نباشد نهایت مر شمار او را و آخر نباشد مدد او را و آخر شدن نباشد منتهای او را بار خدایا و برپا دار به او

الحقّ وادحض به الباطل وادل به اولياءك واذلل به اعداءك

حق را و زایل گردان بسبب او باطل را و دولت ده به او دوستان خود را و خوار گردان به او دشمنان خود را

وصل اللّهمّ بيننا وبينه وصلة تؤدّي الى مرافقة سلفه واجعلنا

و وصل کن بار خدایا میان ما و میان او پیوستگی که برساند بسوی همراهی آنانکه پیش رفتند و بگردان ما را

ممّن يأخذ بحجزتهم ويمكث في ظلّهم واعنّا على تأدية حقوقه اليه

از آنکه بگیرند بحجزه و دامان ایشان و درنگ کنند در سایه ایشان و یاری کن ما را بر ادا کردن حقهای او بسوی او

والاجتهاد في طاعته والاجتناب عن معصيته وامنن علينا برضاه

و سعی کردن در طاعت او و پرهیز کردن از نافرمانی او و احسان کن با برضای او

وهب لنا رأفته ورحمته ودعاءه وخيره ما ننال به سعة من رحمتك

و ببخش ما را مهربانی او و رحمت او و دعای او و خیر او که دریابیم به آن وسعتی از رحمت تو

وفوزا عندك واجعل صلوتنا به مقبولة وذنوبنا به مغفورة

و رستگاری نزد تو و بگردان نماز ما را بسبب او مقبول کرده شده و گناهان ما را آمرزیده شده

ودعاءنا به مستجابا واجعل ارزاقنا به مبسوطة وهمومنا به مكفيّة

و دعای ما را مستجاب و بگردان روزیهای ما را گشاده و اندوههای ما را بر طرف کرده شده

وَحَوائِجِنا بِهِ مَقْضِيَّةً وَاَقْبِلْ اِلَيْنا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنا اِلَيْكَ

و حاجتهای ما را با و بر آورده شده متوجه شو بسوی ما بروی خود که کریم است و قبول کن تقرب ما را بسوی خود

وَانْظُرْ اِلَيْنا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لا تَصْرِفْها

و نگاه کن بسوی ما نگاه مهربانی که بکمال رسانیم بآن بدین گرامی بودن را نزد تو اکنون بگردان

عَنَّا بِجُودِكَ وَاسْقِنا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَاْسِهِ

از ما نظر را بخشش خود و آب ده ما را از حوض جداو درود فرستد خدا براو و آل و بجام او

وَبِيَدِهِ رِيّاً رَوِيّاً هَنِيئاً سائِغاً لا ظَمَاءَ بَعْدَهُ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ

و دست او سیراب سیر گوارا آسان که تشنگی نباشد بعد از آن ای مهربان ترین مهربانان

و اما طریق صلوات فرستادن بر ایشان شیخ طوسی رحمه الله بسند معتبر روایت کرده است که

عبد الله بن محمد گفت که من سؤال کردم از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که املا نماید بر

من کیفیت صلوة فرستادن بحضرت رسول صلعم و اوصیای آنحضرت صلوات الله علیهم اجمعین با خود

حاضر کرده بودم کاغذ بزرگی را پس بمن املا فرمود بی آنکه از کتابی املا کند باین نحو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما حَمَلَ وَحْيَكَ وَبَلَّغَ رِسالاتِكَ وَصَلِّ عَلىٰ

بار خدایا رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانچه برداشت وحی ترا و رسانید رسالت ترا و رحمت کن

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما اَحَلَّ حَلالَكَ وَحَرَّمَ حَرامَكَ وَعَلَّمَ كِتابَكَ وَصَلِّ عَلىٰ

محمد و آل محمد چنانچه حلال گردانید حلال ترا و حرام گردانید حرام ترا و تعلیم کرد کتاب ترا و رحمت کن

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما اَقامَ الصَّلوٰةَ وَآتَى الزَّكوٰةَ وَدَعا اِلىٰ دِينِكَ

محمد و آل محمد چنانچه بر پا داشت نماز را و ادا کرد زکوة را و خواند بسوی دین تو

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَاَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ

و رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانچه تصدیق نمود بوعده ثواب تو و ترسید از وعده عذاب تو

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ

و رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانچه آمرزیدی باو گناهان را و پوشیدی باو عیبها را

وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ

وگشایش دادی باو اندوهها را ورحمت کن بر محمد وآل محمد چنانچه دفع کردی باو بدبختی را

وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ وَأَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَصَلِّ عَلَى

وبرطرف کردی باو غمها را مستجاب کردی دعا را ونجات دادی باو از بلا ورحمت کن بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَأَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ

محمد وآل محمد چنانچه رحم کردی باو بندهارا وزنده کردی باو شهرها را وشکستی باو جباران را

وَأَهْلَكْتَ بِهِ الْفَرَاعِنَةَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَضْعَفْتَ بِهِ

وهلاک گردانیدی باو فرعون صفتان را ورحمت بفرست بر محمد وآل محمد چنانچه مضاعف گردانیدی باو

الْأَمْوَالَ وَحَذَّرْتَ بِهِ الْأَهْوَالَ وَكَسَرْتَ بِهِ الْأَصْنَامَ وَرَحِمْتَ بِهِ

مالها را وترسانیدی باو از هولهای قیامت وشکستی باو بتان را ومهربان شدی باو

الْأَنَامَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْيَانِ وَأَعْزَزْتَ بِهِ

برخلق ورحمت کن بر محمد وآل محمد چنانچه برانگیختی او را به بهترین دینها واعزاز فرمودی باو

الْإِيمَانَ وَتَبَّرْتَ بِهِ الْأَوْثَانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

ایمان را وهلاک کردی باو بتان را وبزرگی دادی باو کعبه را ورحمت کن بر محمد

وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَسَلِّمْ تَسْلِيماً اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

واهل بیت او که پاکان برگزیدگان اند وسلام بفرست سلام فرستادنی بارخدایا ورحمت بفرست بر امیر مومنان

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَخِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ

علی بن ابی طالب که برادر پیغمبر تست ودوست او ووصی اوست ووزیر اوست ومحل امانت علم او

وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ وَخَلِيفَتِهِ

وجای راز اوست ودر دروازه حکمت اوست وگویا بحجت اوست وخواننده بسوی شرع اوست وجانشین

فِي أُمَّتِهِ وَمُفَرِّجِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكَفَرَةِ وَمُرْغِمِ الْفَجَرَةِ الَّذِي جَعَلْتَهُ

در امت اوست وگشاینده اندوه از روی اوست شکننده کافران وبینی بخاک مالنده فاجران آنکه گردانیدی او را

مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسى اللّٰهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ

پیغمبر خود بجای هارون نسبت بموسی بارخدایا دوست دار هر که او را دوست دارد و دشمن باش هر که او را دشمن دارد

وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْاَوَّلِينَ

و یاری ده هر که او را یاری کند و واگذار هر که او را واگذارد و لعن کن کسی که دشمنی با او کند از پیشینیان

وَالْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ مِنْ اَوْصِياءِ اَنْبِيائِكَ

و پسینیان و رحمت فرست بر او بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از وصیت یافتگان پیغمبران خود

يا رَبَّ الْعالَمِينَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ فاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ

ای پروردگار عالمیان بارخدایا درود و رحمت فرست بر بسیار صدق فاطمه پاک دوست دوست تو

وَنَبِيِّكَ وَاُمِّ اَحِبّائِكَ وَاَصْفِيائِكَ الَّتِي انْتَجَبْتَها وَفَضَّلْتَها وَاخْتَرْتَها عَلى

و پیغمبر تو و مادر دوستان و برگزیدگان تو آنکه برگزیدی او را و بزرگی بخشیدی او را و اختیار کردی او را بر

نِساءِ الْعالَمِينَ اللّٰهُمَّ كُنِ الطّالِبَ لَها مِمَّنْ ظَلَمَها وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّها وَكُنِ

زنان عالمیان بارخدایا باش طلب کننده حق او از کسانیکه ستم کردند و سبک شمردند حق او را

الثّائِرَ اللّٰهُمَّ بِدَمِ اَوْلادِها اللّٰهُمَّ وَكَما جَعَلْتَها اُمَّ اَئِمَّةِ الْهُدى

خون طلب خدایا بخون فرزندان او بارخدایا و چنانچه گردانیدی او را مادر امامان هدایت

وَحَلِيلَةَ صاحِبِ اللِّواءِ وَالْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلَاِ الْاَعْلى فَصَلِّ عَلَيْها وَعَلى اُمِّها

و زوجه صاحب علم که علی است و گرامی نزد فرشتگان عالم بالا پس درود و رحمت فرست بر او و بر مادرش

صَلوةً تُكْرِمُ بِها وَجْهَ اَبِيها مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُقِرُّ بِها اَعْيُنَ ذُرِّيَّتِها

درودی که گرامی داری بآن روی پدر او احمد رحمت کند خدا بر او و آل او و روشن کنی بآن چشم فرزندانش

وَاَبْلِغْهُمْ عَنِّي فِي هذِهِ السّاعَةِ اَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ

و برسان ایشان را از جانب من در این ساعت بهتر درود و سلام بارخدایا رحمت کن بر حسن

وَالْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ وَوَلِيَّيْكَ وَابْنَيْ رَسُولِكَ وَسِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَسَيِّدَيْ

و حسین دو بنده خود و دو دوست خود و دو پسر پیغمبر خود و دو نبیره رحمت و دو آقای

شباب اهل الجنة افضل ما صليت على احد من اولاد النبيين

جوانان اهل بهشت بهتر از آنچه رحمت کردی بر یکی از فرزندان پیغمبران

والمرسلين اللهم صل على الحسن ابن سيد النبيين ووصي امير المؤمنين

و فرستادگان بارخدایا رحمت کن بر حسن پسر سید پیغمبران و وصیت کرده شده امیر مؤمنان

السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد الوصيين

سلام باد بر تو ای پسر پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای پسر سید اوصیا

اشهد انك يا ابن امير المؤمنين امين الله وابن امينه عشت مظلوما

گواهی میدهم بدرستیکه تو ای پسر امیر مؤمنان امانت دار خدا و پسر امانت دار او زندگانی کردی در حال مظلومیت

ومضيت شهيدا واشهد انك الامام الزكي الهادي المهدي اللهم

و در گذشتی در حال شهادت و گواهی میدهم بدرستیکه تو امام پاک راه نماینده راه یافته شده بار خدایا

صل عليه وبلغ روحه وجسده عني في هذه الساعة افضل التحية

رحمت کن بر او و برسان روح او را و تن او را از من درین ساعت بهترین تحیت

والسلام اللهم صل على الحسين بن علي المظلوم الشهيد قتيل الكفرة

و سلام بارخدایا رحمت کن بر حسین ابن علی ستم رسیده شهید مقتول کافران

وطريح الفجرة والسلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله

و انداخته فاجران و سلام بر تو ای ابو عبد الله سلام باد بر تو ای پسر پیغمبر خدا

السلام عليك يا ابن امير المؤمنين اشهد موقنا انك امين الله وابن امينه

سلام باد بر تو ای پسر امیر مؤمنان گواهی میدهم در حالت یقین بدرستیکه تو امانت دار خدا و پسر امانت دار او

قتلت مظلوما ومضيت شهيدا واشهد ان الله تعالى الطالب بثارك

کشته شده در حالت ستم رسیدگی و رفتی شهید و گواهی میدهم بدرستیکه خدای بزرگ طلب کننده خون تست

ومنجز ما وعدك من النصر والتاييد في هلاك عدوك واظهار دعوتك

و وفا کننده است بآنچه وعده کرد ترا از یاری و قوت بخشی در هلاک دشمن تو و آشکار کردن دعوت تو

واشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيل الله وعبدت الله

وگواهی میدهم بدرستیکه تو وفا کردی بعهد خدا وجهاد کردی در راه خدا و پرستیدی خدا را

مخلصا حتى اتاك اليقين لعن الله امة قتلتك ولعن الله امة خذلتك

در حالت خالص تا آمد ترا مرگ لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که ترک یاری کردند

ولعن الله امة البت عليك وابرأ الى الله تعالى ممن كذبك واستخف بحقك

و لعنت کند خدا گروهی را ... و بیزاری میجویم بسوی خدا ...

واستحل دمك بابي انت وامي يا ابا عبد الله لعن الله قاتلك ولعن الله

وحلال دانست خون ترا فدای تو باد پدر من و مادر من ای ابو عبد الله لعنت کند خدا کشنده ترا و لعنت کند خدا

خاذلك ولعن الله من سمع واعيتك فلم يجبك ولم ينصرك ولعن الله

فرو گذارنده ترا و لعنت کند خدا کسی که شنید فریاد ترا پس اجابت نکرد ترا و یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا

من سبى نساءك وانا الى الله منهم بريء وممن والاهم ومالأهم و

کسی را که اسیر کرد زنان ترا و من بسوی خدا از آنها بیزارم و از آنها که دوست داشتند آنها را و همراهی کردند

اعانهم عليه اشهد انك والائمة من ولدك كلمة التقوى وباب

یاری کرد ایشان را ... گواهی میدهم بدرستیکه تو و امامان از فرزندان تو سخن پرهیزکاری اند و دروازه

الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن

هدایت و دستاویز محکم و حجت بر اهل دنیا و گواهی میدهم بدرستیکه بشما ایمان دارم

وبايابكم موقن لكم تابع بذات نفسي وشرائع ديني وخواتيم عملي و

و ببازگشت شما یقین دارم و مر شما را پیروی کننده ام بذات نفس خود و بشریعتهای دین خود و در خاتمه های کردار خود

منقلبي في دنياي وآخرتي اللهم صل على علي بن الحسين سيد العابدين

جای بازگشت خود در دنیای خود و آخرت خود بار خدایا رحمت کن بر علی بن الحسین آقای عبادت کنندگان

الذي استخلصته لنفسك وجعلت منه ائمة الهدى الذين يهدون

آنکسیکه خالص گردانیدی او را برای خود و قرار دادی از او پیشوایان هدایت آنانکه هدایت میکنند

بالحق وبه يعدلون اخترته لنفسك وطهرته من الرجس واصطفيته

براستی و براستی داد میدهند اختیار کردی او را برای نفس خود و پاک گردانیدی او را از پلیدی و برگزیدی او را

وجعلته هاديا مهديا اللهم فصل عليه افضل ما صليت على احد من

و گردانیدی او را راه نماینده راه یافته شده بار خدایا پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه رحمت کردی بر یکی

ذرية انبيائك حتى تبلغ به ما تقر به عينه في الدنيا والآخرة انك

فرزندان پیغمبران خود تا برسانی او را بچیزی که روشن گردانی بآن چشم او را در دنیا و آخرت بدرستیکه تو

عزيز حكيم اللهم صل على محمد بن علي باقر العلم وامام الهدى وقائد

غالب حکیمی بار خدایا رحمت کن بر محمد پسر علی باقر علم و امام رهنما و پیشوای

اهل التقوى والمنتجب من عبادك اللهم كما جعلته علما لعبادك

پرهیزکاران و برگزیده از بنده های تو بار خدایا و چنانچه گردانیدی او را نشان هدایت بنده های خود

ومنارا لبلادك ومستودعا لحكمتك ومترجما لوحيك وامرت

و منار برای شهرهای خود و جای امانت برای حکمت خود و ترجمه کننده برای وحی خود و امر کردی خلق را

بطاعته وحذرت من معصيته فصل عليه يا رب افضل ما صليت

برای فرمان بردن او و ترسانیدی مردم را از معصیت او پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه رحمت کردی

على احد من ذرية انبيائك واصفيائك ورسلك وامنائك يا رب العالمين

بر یکی از نسل پیغمبران خود و برگزیدگان خود و فرستادگان خود و امینهای خود ای پروردگار عالمیان

اللهم صل على جعفر بن محمد الصادق خازن العلم الداعي اليك بالحق النور

بار خدایا رحمت کن بر جعفر پسر محمد ملقب بصادق خزانه دار علم دعوت کننده بسوی تو براستی نور

المبين اللهم وكما جعلته معدن كلامك ووحيك وخازن علمك

آشکار خدایا چنانچه گردانیدی او را کان سخن خود و وحی خود و خزانه دار علم خود

ولسان توحيدك وولي امرك ومستحفظ دينك فصل عليه افضل ما

و زبان توحید خود و نگاهدارنده امر خود و نگاهدارنده دین خود پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه

صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَصْفِيَائِكَ وَحُجَجِكَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَمِينِ

...ی بر یکی از برگزیده‌های خود و حجتهای خود بدرستیکه تو ستوده بزرگی بار خدایا رحمت کن بر امانتدار

الْمُؤْمِنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْبَرِّ الْوَفِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ النُّورِ الْمُبِينِ الْمُجْتَهِدِ

مؤمن موسی پسر جعفر نیکوکار و نیکوکردار پاک پاکیزه بیان کننده جهد کننده

الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ عَلَى الْاَذَى فِيكَ اَللّٰهُمَّ وَكَمَا بَلَّغَ عَنْ آبَائِهِ مَا اسْتُودِعَ

احتساب کننده صبر کننده بر ایذا در راه تو بار خدایا و چنانچه رسانید از پدران خود آنچه امانت سپرده شده بود

مِنْ اَمْرِكَ وَنَهْيِكَ وَحَمَلَ عَلَى الْمَحَجَّةِ وَكَابَدَ اَهْلَ الْعِزَّةِ وَالشِّدَّةِ فِيمَا كَانَ

از امر تو و نهی تو و برداشت زحمات بر راه راست و سختی کشید از اهل غلبه و شدت در آنچه بود

يَلْقَى مِنْ جُهَّالِ قَوْمِهِ رَبِّ فَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ وَاَكْمَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ

می‌رسید از بی‌دانشان قوم او ای پروردگار من پس رحمت کن بر او زیاده‌تر و کامل‌تر از آنچه رحمت کردی بر یکی

مِمَّنْ اَطَاعَكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ اِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى

از آنها که اطاعت کردند ترا و نصیحت کردند مر بندگان ترا بدرستیکه تو آمرزنده مهربانی بار خدایا رحمت کن بر علی پسر موسی

الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَرَضَّيْتَ بِهِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ

آنکه پسندیدی او را و راضی گردانیدی باو هر که را خواستی از خلق خود خداوندا چنانچه گردانیدی او را

حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ وَقَائِمًا بِاَمْرِكَ وَنَاصِرًا لِدِينِكَ وَشَاهِدًا عَلَى عِبَادِكَ

حجت بر خلق خود و قائم بامر خود و یاری دهنده برای دین خود و گواه بر بنده‌های خود

وَكَمَا نَصَحَ لَهُمْ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَدَعَا اِلَى سَبِيلِكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

و چنانچه نصیحت کرد مر ایشانرا در نهان و آشکار و خواند بسوی راه تو بحکمت و پند

الْحَسَنَةِ فَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَخِيَرَتِكَ

نیک پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه رحمت کردی بر یکی از دوستان خود و برگزیدگان خود

مِنْ خَلْقِكَ اِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَمِ التُّقَى

از خلق خود بدرستیکه تو صاحب جود و صاحب کرمی بار خدایا رحمت کن بر محمد پسر علی پسر موسی نشانه پرهیزکاری

ونور الهدى ومعدن الوفاء وفرع الأزكياء وخليفة الأوصياء وأمينك

و روشنی هدایت و کان وفا و شاخ پاکان و جانشین وصیت شدگان و امین تو

على وحيك اللهم وكما هديت به من الضلالة واستنقذت به من الحيرة

بر وحی تو بار خدایا و چنانچه هدایت کردی باو از گمراهی و رهائی بخشیدی باو از حیرانی

وأرشدت به من اهتدى وزكيت به من تزكى فصل عليه أفضل ما

و راه نمودی باو کسی را که راه یافت و پاک کردی باو کسی را که پاک شد پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه

صليت على أحد من أوليائك وبقية أصفيائك إنك عزيز حكيم

رحمت کردی بر یکی از دوستان خود و باقی برگزیدگان خود بدرستیکه تو غالب صاحب حکمتی

اللهم صل على علي بن محمد وصي الأوصياء وإمام الأتقياء وخلف أئمة

بار خدایا رحمت کن بر علی پسر محمد وصیت کرده شده وصیت کرده شدگان و پیشوای پرهیزکاران و جانشین امامان

الدين والحجة على الخلائق أجمعين اللهم كما جعلته نوراً يستضيء به

دین و حجت خدا بر آفریدگان همه بار خدایا چنانچه گردانیدی او را نوری که روشنی طلبند باو

المؤمنون فبشر بالجزيل من ثوابك وأنذر بالأليم من عقابك وحذر

مومنان پس بشارت داده به بزرگ از ثواب تو و بیم فرمود بالم رساننده از عقوبت تو و ترسانید

بأسك وذكر بآياتك وأحل حلالك وحرم حرامك وبين شرائعك و

از عذاب تو و یاد داده آیات ترا و حلال کرده حلال ترا و حرام کرده حرام ترا و آشکار نمود شریعتهای ترا و

فرائضك وحض على عبادتك وأمر بطاعتك ونهى عن معصيتك

فریضه های ترا و تحریص کرده بر پرستش تو و امر کرده بطاعت تو و نهی کرد از گناه تو

فصل عليه أفضل ما صليت على أحد من أوليائك وذرية أنبيائك يا إله

پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه رحمت کردی بر یکی از دوستان خود و فرزندان پیغمبران خود ای خدای

العالمين اللهم صل على الحسن بن علي البر التقي الصادق الوفي النور المضيء خازن علمك

عالمیان بار خدایا رحمت کن بر حسن پسر علی نیکوکار پرهیزکار راستگو وفا کننده نور روشن خزانه دار علم تو

والمذكر بتوحيدك وولي امرك وخلف ائمة الدين الهداة الراشدين

ودهنده به یکتائی تو ومتولی امر تو وجانشین امامان دین راه نمایان راه یابان

والحجة على اهل الدنيا فصل عليه يا رب افضل ما صليت على احد

وحجت خدا بر اهل دنیا پس رحمت کن بر او ای پروردگار من بهترین رحمت کردی بر یکی

من انبيائك وحججك وولاة رسلك يا اله العالمين اللهم صل على

از پیغمبران خود و حجتهای خود و فرزندان پیغمبر خود ای خدای عالمیان بار خدایا رحمت کن

وليك وابناء اوليائك الذين فرضت طاعتهم واوجبت حقهم و

دوست خود و پسر دوستان خود آنانکه فرض کردی طاعت ایشان را و واجب کردی حق ایشان را و

اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم انصره وانتصر به

بردی از ایشان پلیدی را و پاک کردی ایشان را پاک کردنی بار خدایا یاری کن او را و انتقام کش به او

لدينك وانصر به اوليائك واوليائه وشيعته وانصاره و

برای دین خود و یاری کن به او دوستان خود را و دوستان او را و یاوران او را و

اجعلنا منهم اللهم اعذه من شر كل باغ وطاغ ومن شر جميع خلقك واحفظه

بگردان ما را از ایشان بار خدایا پناه ده او را از شر هر ستم کننده و طغیان نماینده و از شر همه خلق خود و نگاه دار او را

من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله واحرسه وامنعه

از پیش روی او و از پس او و از جانب راست او و از جانب چپ او و نگاهبانی کن او را و باز دار او را

من ان يوصل اليه بسوء واحفظ فيه رسولك وآل رسولك واظهر به

از آنکه رسیده شود به او به بدی و حفظ کن در او پیغمبر خود را و آل پیغمبر خود را و آشکار کن به او

العدل وايده بالنصر وانصر ناصريه واخذل خاذليه واقصم به جبابرة

عدل را و تقویت ده او را به یاری و یاری ده یاری دهندگان او را و خوار کن خوار کنندگان او را و بشکن به او جباران

الكفرة واقتل به الكفار والمنافقين وجميع الملحدين حيث كانوا

کافران را و بکش به او کافران و منافقان را و تمام ملحدان را هر جا باشند

بخواند اعاده حمد نمی کند و اگر سوره که پنج آیه باشد تفریق کند بر رکوعها بیک حمد که در رکوع اول خواند بس است آنرا تمام بکند و همچنین در رکعت دوم بیک حمد و سوره همچنین که تفریق کند اکتفا می تواند کرد و بهتر آنست که بطریق اول بکند و بده حمد و ده سوره بجا آورد و اگر وقت تنگ باشد و اول وقت نماز کسوف و خسوف ابتدای گرفتن است و آخر وقت بقول مشهور ابتدای منجلی شدن است و اظهر نزد فقیر و جمعی از محققین آنست که تا تمام منجلی نشود وقتش باقیست و نماز زلزله و آیات که وقتش وفا بنماز نکند موافق مشهور تمام عمر ادا است و اگر کسی ترک کرده نماز مذکور را با حدوث یکی از اسباب مذکوره مشهور میان علما آنست که قضا میکند آن نماز را مطلقا و بعضی گفته اند بر ناسی که فراموش کرده باشد قضا نیست اما کسی که تمام فرص نگرفته باشد و عمل بمشهور احوط است و اگر مطلع نشود تا وقت بدر رود مشهور میان علما آنست که قضای کسوفین بر او واجب نیست مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد و جمعی گفته اند واجب است قضا مطلقا و قول اول اقوی است و ثانی احوط است و مستحب است که این نماز را بجماعت کنند و طول بدهند بقدر زمان کسوف و خسوف و هرگاه از نماز فارغ شود و انجلا نشده باشد اشهر و اقوی آنست که اعاده نماز مستحب است و بعضی واجب دانسته اند و مستحب است خواندن سوره های طولانی با وسعت وقت و برابر ساختن رکوع و سجود با قرائت و مستحب است قنوت خواندن پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم

و اگر در ایام زلزله مکرر این آیت را بخوانند مناسب است

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا

بدرستیکه خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین را از اینکه زائل شوند و اگر زائل شوند نگاه نمیدارد ایشانرا

مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

هیچکس بعد از او بدرستیکه او هست بردبار آمرزنده

و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در وقت خواب بخواند این آیه را خانه بر سرش خراب نشود

فصل دوم

در بیان نماز استسقاست یعنی نماز طلب باران در وقتیکه باران کم آید و آب چاهها و چشمه ها کم شود و کیفیت این نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد و بجماعت باید کرد و در قنوتها طلب رحمت و استغفار از گناهان و طلب باران باید کرد و در قنوتها بهترین دعاها که نوشته ام

صحیفهٔ کامله است و اکثر گفته اند که وقتش میان طلوع آفتاب است تا زوال و باید که امام امر کند
مردم را که سه روز روزه بدارند و روز سوم ایشان را بیرون آورد بهتر آنست که روز سوم جمعه باشد
و دوشنبه بصحرا بیرون روند پای برهنه با سکینه و وقار و مؤذنان عصاها بدست گرفته پیش
امام بروند و چون امام از نماز فارغ شود بر منبر بالا رود و ردا برگرداند یعنی آنکه جانب راست را بجانب
چپ بگرداند و جانب چپ را بجانب راست و رو بقبله کند و با آواز بلند صد مرتبه الله اکبر
راست بگوید و صد مرتبه سبحان الله بگوید بجانب چپ ... و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید
بمردم کند و صد مرتبه الحمد لله بگوید و گفته اند که مردم در ذکرها موافقت کنند با او بعد گشتن ...
خطبه بخواند و مبالغه کند در استغفار و دعا و طلب رحمت و خطبه‌های منقوله بهتر است ...
که اگر آن ... بار بعد از خطبه باز بخواند خوب باشد فصل سوم در بیان نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله
است سید ابن طاوس بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از آنحضرت
سوال کردند از نماز جعفر طیار حضرت فرمود که چرا غافلی از نماز حضرت رسول صلی الله علیه و
آله شاید حضرت رسول نماز جعفر نکرده باشد و شاید جعفر نماز آنحضرت را نکرده باشد راوی
گفت که آن نماز را تعلیم کن بمن حضرت فرمود که دو رکعت نماز میکنی در هر رکعت یکمرتبه فاتحه
و پانزده مرتبه سوره انا انزلناه میخوانی در رکوع و بعد از سر برداشتن و در سجده اول و سر برداشتن
و سجده دوم و سر برداشتن پس یک پانزده مرتبه سوره قدر را میخوانی پس تشهد میخوانی و سلام میگوئی و چون فارغ
شوی میان تو و خدا گناهی نمی‌ماند مگر آنکه آمرزیده شده است و هر حاجت که طلبی روا شود بعد از آن این دعا بخوان

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْاَوَّلِیْنَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِلٰهًا وَاحِدًا

نیست معبودی بحق بجز خدا پروردگار ما و پروردگار پدران ما که گذشته اند نیست معبودی بحق بجز خدا ...

وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُوْنَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ لَا نَعْبُدُ اِلَّا اِیَّاهُ مُخْلِصِیْنَ لَهُ الدِّیْنَ

و ما او را گردن نهنده ایم نیست معبودی بحق بجز خدا پرستش نمی‌کنیم مگر او را در حالتیکه خالص کننده ایم از برای ...

وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُوْنَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ

اگرچه ناخوش دارند مشرکان نیست معبودی بحق بجز خدا در حالتیکه یگانه است یگانه است یگانه است ...

نصر عبده و اعزّ جنده و هزم الاحزاب وحده فله الملک و له الحمد

یاری نمود بندهٔ خود را و عزیز گردانید لشکر خود را و گریزانید طوایف را تنهائی پس او راست پادشاهی و او راست

و هو علی کلّ شیء قدیر اللهم انت نور السموات و الارض و من

حمد و او بر همه چیز تواناست بار خدایا تو نور آسمانها و زمین هستی و هر که

فیهنّ فلک الحمد و انت قیّام السموات و الارض و من فیهنّ فلک

در آنهاست پس او راست حمد و توئی برپا دارندهٔ آسمانها و زمین هر که در آنهاست پس تراست

الحمد و انت الحقّ و وعدک الحقّ و قولک الحقّ و انجازک الحقّ و الجنّة

سپاس توئی حق و وعدهٔ تو حق است و گفتهٔ تو حق است و وفای وعدهٔ تو حق است و بهشت

حقّ و النار حقّ اللهم لک اسلمت و بک آمنت و علیک توکّلت و بک

حق است و دوزخ حق است بار خدایا ترا گردن نهادم و بتو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم و بتو

خاصمت و الیک حاکمت یا ربّ یا ربّ یا ربّ اغفر لی ما قدّمت و ما

مخاصمه کردم و بسوی تو محاکمه کردم ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من بیامرز مرا آنچه پیش کردم

اخّرت و اسررت و اعلنت انت الهی لا اله الّا انت صلّ علی محمّد و آل

و بعد کردم و آنچه پنهان کردم و آنچه آشکار کردم توئی خدای من نیست معبودی بجز تو رحمت کن بر محمد و آل

محمّد و اغفر لی و ارحمنی و تب علیّ انّک انت التوّاب الرحیم

محمد و بیامرز مرا و رحم کن بر من و توبه مرا بپذیر بدرستیکه توئی توبه بسیار پذیرندهٔ مهربان

مؤلف گوید که این نماز از نمازهای مشهور است و عامه و خاصه در کتب خود روایت کرده‌اند و بعضی این نماز را از نمازهای روز جمعه شمرده‌اند و از روایات اختصاص معلوم نمی‌شود و ظاهر سائر ایام توان کرد

فصل چهارم در بیان نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است ابن بابویه و عیاشی و شیخ و دیگران رضی الله عنهم بسندهای صحیح و حسن معتبر بسیار از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که هر که چهار رکعت نماز بگذارد یعنی بدو سلام و در هر رکعت الحمد پنجاه مرتبه قل هو الله احد بخواند چون فارغ گردد میان او و حق تعالی گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شود و

و شیخ از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هرکه چهار رکعت نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را بجا آورد از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده بود و حاجتهای او برآورده شود و در هر رکعت سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید بخواند و چون فارغ شود این دعا بخواند که تسبیح آنحضرت است

سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ مَنْ

منزه است کسیکه پاک نمی شود نشانهای او منزه است کسیکه کم نمی شود خزانه های او منزه است کسیکه

لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ

نیست کهنه شدن مر فخر او را منزه است کسیکه منقطع نمی شود آنچه نزد اوست منزه است کسیکه انقطاعی ندارد

لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُشَارِكُ أَحَداً فِي أَمْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ

مدت او منزه است کسیکه شریک نمی کند هیچیک را در کار خود منزه است کسیکه نیست معبودی بحق غیر او

پس این دعا بخواند يَا مَنْ عَفَا عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَازِ بِهَا ارْحَمْ عَبْدَكَ يَا اللَّهُ

ای کسیکه عفو کرد از بدیها و سزا نداد بآن رحم کن بر بنده خود ای خدا

يَا اللَّهُ نَفْسِي نَفْسِي أَنَا عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ أَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَا رَبَّاهُ

ای خدا النفس مرا النفس مرا من بنده توام ای آقای من من بنده توام در برابر تو ای پروردگار من

بِكَ إِلَهِي بِكَيْنُونَتِكَ يَا أَمَلَاهُ يَا رَحْمَانَاهُ يَا غِيَاثَاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ

بتو ای معبود من بوجود تو ای امید من ای بخشاینده من ای فریادرس من بنده تو بنده تو

لَا حِيلَةَ لَهُ يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ يَا مُجْرِيَ الدَّمِ فِي عُرُوقِ عَبْدِكَ يَا سَيِّدَاهُ

نیست چاره مر او را ای نهایت خواهش من ای روان کننده خون در رگهای من بنده توام ای آقای من

يَا مَالِكَاهُ أَيَا هُوَ أَيَا هُوَ أَيَا هُوَ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ

ای مالک من ای آنکه اوست ای آنکه اوست ای آنکه اوست ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

لَا حِيلَةَ لِي وَلَا غِنَى بِي عَنْ نَفْسِي وَلَا أَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرّاً وَلَا نَفْعاً وَلَا أَجِدُ

نیست چاره مرا و نیست بی نیازی مرا از نفس من و استطاعت ندارم برای نفس خود ضرری و نه نفعی و نمی یابم

مِنْ أَصَابِعِهِ تَقَطَّعَتْ أَسْبَابُ الْخَدَائِعِ عَنِّي وَاضْمَحَلَّ كُلُّ مَظْنُونٍ عَنِّي

تنی که شوق و هم او را قطع شده است سببهای مکرها و فریبها از من و گداخته شده است هر گمان برده شده از من

أَفْرَدَنِي الدَّهْرُ إِلَيْكَ فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ هٰذَا الْمَقَامَ يَا إِلٰهِي بِعِلْمِكَ هٰذَا

تنها کرده است مرا روزگار بسوی تو پس ایستادم در برابر تو در این جا ای خدای من بدانست تو این

كَانَ كُلُّهُ فَكَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ بِي وَلَيْتَ شِعْرِي كَيْفَ تَقُولُ لِدُعَائِي أَتَقُولُ

شد همه آن پس چگونه تو کنی با من کاش میدانستم که چگونه میگوئی مر دعای مرا آیا میگوئی

نَعَمْ أَمْ تَقُولُ لَا فَإِنْ قُلْتَ لَا فَيَا وَيْلِي يَا وَيْلِي يَا وَيْلِي يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي

آری یا میگوئی نه پس اگر بگوئی نه پس ای وای من ای وای من ای وای من ای نوحه من ای نوحه من

يَا عَوْلِي يَا شِقْوَتِي يَا شِقْوَتِي يَا شِقْوَتِي يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي إِلَى مَنْ وَمِمَّنْ

ای نوحه من ای بدبختی من ای بدبختی من ای بدبختی من ای خواری من ای خواری من ای خواری من بسوی که و از که

أَوْ عِنْدَ مَنْ أَوْ كَيْفَ أَوْ مَاذَا أَوْ إِلَى أَيِّ شَيْءٍ أَلْجَأُ وَمَنْ أَرْجُو وَمَنْ يَجُودُ

یا نزد که یا چگونه یا چه چیز یا بسوی کدام چیز پناه برم و بکه امید داری نمایم و یا که بخشد

عَلَيَّ بِفَضْلِهِ حِينَ تَرْفُضُنِي يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَإِنْ قُلْتَ نَعَمْ كَمَا هُوَ الظَّنُّ

بر من بفضل خود هنگامیکه ترک کنی مرا ای گشاده آمرزش و اگر گوئی آری چنانچه آن گمان

بِكَ وَالرَّجَاءُ لَكَ فَطُوبَى لِي أَنَا السَّعِيدُ وَأَنَا الْمَسْعُودُ فَطُوبَى لِي وَأَنَا

بتو هست و امید از تو هست پس خوشحال من منم نیک بخت خواهم بود و منم سعادتمند خواهم بود پس خوشحال من منم

الْمَرْحُومُ يَا مُتَرَحِّمُ يَا مُتَرَئِّفُ يَا مُتَعَطِّفُ يَا مُتَجَبِّرُ يَا مُتَمَلِّكُ يَا مُقْسِطُ لَا عَمَلَ

مهربانی کرده شده هم ای رحم کننده ای مهربان ای مهربانی کننده ای صاحب عظمت ای پادشاه ای عدالت کننده نیست عملی

لِي مَعَ نَجَاحِ حَاجَتِي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ فِي مَكْنُونِ غَيْبِكَ

مرا با روای حاجت من سوال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه گردانیدی آنرا در پنهان شده غیب خود

وَاسْتَقَرَّ عِنْدَكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى شَيْءٍ سِوَاكَ اللّٰهُمَّ بِهِ وَبِكَ وَبِكَ وَبِهِ

و قرار گرفت نزد تو پس بر نمی آید از تو بسوی چیزی که غیر تست بار خدایا بحق آن نام و بحق تو و بحق تو و بحق آن نام

فانه اجل واشرف اسمائك لا شیء لی غیر هذا ولا احد اعود علی منک

پس بتحقیق که بزرگترین و شریفترین نامهای تست نیست چیزی مرا غیر این نام و نیست کسی نافع تر بر من از تو

یا کینون یا مکون یا من عرفنی نفسه یا من امرنی بطاعته یا من نهانی عن

ای صاحب وجود و ایجاد کننده ای کسیکه شناسانید نفس خود را بمن ای کسیکه امر کرد مرا بطاعت خود ای کسیکه منع کرد مرا از

معصیته ویا مدعو ویا مسئول یا مطلوبا الیه رفضت وصیتک التی

گناه خود و ای خوانده شده و ای سؤال کرده شده و ای طلب کرده شده بسوی او ترک کردم وصیت ترا آنکه

اوصیتنی بها ولم اطعک ولو اطعتک فیما امرتنی لکفیتنی ما قمت الیک فیه

وصیت کرده بودی مرا آن را اطاعت نکردم ترا و اگر اطاعت میکردم ترا در آنچه فرموده بودی البته کفایت میکردی مرا آنچه برخاسته ام بسوی تو از برای آن

وانا مع معصیتی لک راج فلا تحل بینی وبین ما رجوت یا متزحما لی اعذنی

و من با وجود گناه خود ترا امیدوارم پس حائل مشو میان من و میان آنچه امید دارم ای مهربان بر من پناه ده مرا

من بین یدی ومن خلفی ومن فوقی ومن تحتی ومن کل جهات الاحاطة

از پیش رو و از عقب من و از بالای من و از پایین من و از جمیع طرفهای احاطه

بی اللهم بمحمد سیدی وبعلی ولیی وبالائمة الراشدین علیهم السلام

من بار خدایا بحق محمد آقای من و بحق علی یار و دوست من و بحرمت امامان من که راه یابندگانند بر ایشان باد سلام

اجعل علینا صلواتک ورأفتک ورحمتک واوسع علینا من رزقک

بگردان بر ما رحمتهای خود را و مهربانی خود را و رحمت خود را و فراخ کن بر ما از روزی خود

واقض عنا الدین وجمیع حوائجنا یا الله یا الله یا الله انک علی کل شیء قدیر

و ادا کن از ما دین ما را و همه حاجات ما را ای خدا ای خدا ای خدا بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

پس حضرت فرمود که هر که این نماز کند و این دعا بخواند هیچ گناهی میان او و خدا نماند مگر آنکه

آمرزیده شود

فصل پنجم

در بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها

است سید ابن طاوس علیه الرحمه بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده

است که فرمود که نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل علیه السلام

علیه السلام تعلیم او کرده و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم صد مرتبه سوره
توحید میخواند و چون سلام می گفت این دعا را می خواند

سُبحانَ ذی العِزِّ الشّامخِ المُنیفِ سُبحانَ ذی الجَلالِ الباذخِ العَظیمِ
منزه است صاحب عزت بلند بلند قدر منزه است صاحب بزرگی شکبر بزرگ

سُبحانَ ذی المُلکِ الفاخرِ القدیمِ سُبحانَ مَن لَبِسَ البَهجةَ والجَمالَ
منزه است صاحب پادشاهی فخر کننده منزه هر کسی را که پوشید حسن و جمال را

سُبحانَ مَن تَرَدّی بالنّورِ والوَقارِ سُبحانَ مَن یَری اَثَرَ النَّملِ فی الصَّفا
منزه هر کسی را که متلبس شد بنور و وقار منزه هر کسی را که می بیند نشان پای مور در سنگ صاف

سُبحانَ مَن یَری وَقعَ الطَّیرِ فی الهَواءِ سُبحانَ مَن هُوَ هکذا ولا هکذا غَیرُه
منزه هر کسی را که می بیند بزیر آمدن مرغ را در هوا منزه هر کسیکه او چنین است و نیست چنین غیر او

و سید گفته است که در روایت دیگر وارد شده است که بعد این نماز تسبیح مشهور حضرت
فاطمه علیها السلام را که بعد هر نماز خوانده میشود بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد
و آل محمد بفرستد و شیخ رحمه الله در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده است و گفته است که
چون سلام بگوید تسبیح فاطمه علیها السلام را بخواند بعد از آن بخواند دعا را یعنی دعائیکه پیش گذشت
است که سزاوار است برای کسیکه این نماز را بکند و از این فارغ شود زانوها و ذراعهای خود را برهنه کند و بسجده رود و
و جمیع مساجد سبعه را بخاک بسپارد که حائلی در میان مانع نباشد و دعا کند و حاجت خود را از حق تعالی طلب نماید

یا مَن لَیسَ غَیرُه رَبٌّ یُدعی یا مَن لَیسَ فَوقَه اِلهٌ یُخشی یا مَن لَیسَ
ای کسیکه نیست بغیر او پروردگاری که خوانده شود ای کسیکه نیست بالا از او خدایی که ترسیده شود ای کسیکه نیست

دُونَه مَلِکٌ یُتَّقی یا مَن لَیسَ لَه وَزیرٌ یُؤتی یا مَن لَیسَ لَه حاجِبٌ
سوای او پادشاهی که ترسیده شود ای کسیکه نیست او را وزیری که نزد او آمده شود ای کسیکه نیست او را دربانی

یُرشی یا مَن لَیسَ لَه بَوّابٌ یُغشی یا مَن لا یَزدادُ عَلی کَثرَةِ السُّؤالِ
که رشوت داده شود ای کسیکه نیست او را دربانی که پوشیده شود ای کسیکه زیاده نمیکند بر بسیاری سؤال مگر خیر

که هر که درخت سدر را آب بدهد چنان است که مومنی را در وقت تشنگی آب داده باشد و فرمود که حق تعالی هیچ درختی از خلق نکرده است که هر آینه میوه داشت که می خوردند از برای عذاب فرزند آدم چون ... میوه نصف درختان ...

إِلَّا كَرَماً وَجُوداً وَعَلَى كَثْرَةِ الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْواً وَصَفْحاً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

مگر کرم و بخشش را و بر بسیاری گناهان مگر بخشایش و درگذشتن را درود و بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا

و آل محمد و بکن بمن چنین و چنین

پس بجای وافعل بی کذا حاجتهای خود را یاد کند **فصل ششم** در بیان فضیلت کیفیت و احکام نماز جعفر طیار است بدانکه این نماز از جمله متواترات است و عامه و خاصه سندهای بسیار روایت کرده اند و مخالفان نیز این نماز را مستحب دانند مگر نادری از ایشان اما اکثر ایشان باعتبار عداوت باطنی که با حضرت امیر المومنین علیه السلام و اقارب آنحضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر صلعم نسبت داده اند و بعد از نوافل شبانه روزی بحسب صحت سند و کثرت ثواب نمازی باین نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که چون جعفر طیار برادر حضرت امیر المومنین از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزی آمد که فتح خیبر بدست حضرت امیر المومنین علیه السلام شده بود و حضرت رسول صلعم بقدر یک تیر پرتاب باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش بر جمال عدیم المثال آنحضرت افتاد مشتاقانه بجانب آنحضرت دوید حضرت او را در بر گرفت و دست در گردن او در آورد و ساعتی با او سخن گفت پس بر ناقه عضبا سوار شد و جعفر را ردیف خود ساخت و چون ناقه براه افتاد فرمود که ای جعفر ای برادر میخواهی بخشش کنم نسبت بتو میخواهی را عطیه دهم میخواهی ترا گرامی دارم مردمان گمان کردند که مال جزیلی از غنایم خیبر با و عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلی پدر و مادرم فدای تو باد پس حضرت نماز تسبیح را باو تعلیم فرمود حضرت صادق علیه السلام فرمود که صفتش این است که آن چهار رکعت است بدو تشهد و بدو سلام و در رکعت اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت میخوانند در رکعت دوم سوره والعادیات و در رکعت سوم سوره اذا جاء نصر الله و در رکعت چهارم قل هو الله احد و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه میگوید

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ

تنزیه میکنم خدای را و حمد میکنم خدا را که نیست معبودی بجز خدا و خدا بزرگست

و در رکوع همچنین تسبیحات را ده مرتبه میگوید و چون سر از رکوع برمیدارد ده مرتبه و در سجده

اولی ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجده دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش

از آنکه برخیزد ده مرتبه و در هر چهار رکعت چنین میکند که مجموع سی صد مرتبه میشود و هزار و دویست

مرتبه تسبیح بوده باشد و بروایت معتبر دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که اگر هر روز بکنی

بهترست از برای تو از دنیا و آنچه در آن هست و اگر هر دو روز یکبار بکنی گناهانی که در میان

نماز کرده آمرزیده میشود و اگر در هر جمعه بکنی یا در هر ماهی یک مرتبه یا در سالی یک مرتبه بکنی گناهانی که

در میان دو نماز کرده آمرزیده شود و بروایت معتبر دیگر اگر بقدر کف دریاها و بعدد ریگ بیابانها

گناه بر تو باشد خدا بیامرزد و اگر از جنگ گریخته باشی که بدترین گناهانست خدا ترا بیامرزد

و بروایت دیگر اگر توانی هر روز بکن و اگر نتوانی هفته یکبار و اگر نتوانی ماهی یکبار و اگر نتوانی

سالی یکبار و اگر نتوانی در تمام عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان کبیره و صغیره و تازه و کهنه و عمد و

خطای ترا بیامرزد و اما دعاها که در این نماز سنتست کلینی بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام روایت کرده است که در سجده آخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی بگو

سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ

منزه است کسیکه پوشیده عزت و تمکین را منزه است کسیکه رو آورد به بزرگواری و گرامی گشت بآن

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ اَحْصٰى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ

پاک است کسیکه سزاوار نیست تنزیه مگر او را پاک است کسیکه احاطه کرده هر چیز را علم او

سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْاَمْرِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

پاک است خداوند منت و نعمتها پاک است خداوند قدرت و فرمان بار خدایا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ

سؤال میکنم بحرمت جاهای بستن عزت از عرش تو و نهایت رحمت از کتاب تو و بنام تو

الاعظم وکلماتک التامة التی تمت صدقا وعدلا صل علی محمد واهل بیته

که بزرگترست و سخنان تو که تمام اند آن کلماتی که تمام شده اند براستی و عدل درود بفرست بر محمد و اهل بیت او

پس حاجت خود را ذکر کند شیخ در مصباح این دعا را روایت کرده است با این زیادتی

سبحان ذی القدرة والکرم سبحان ذی العزة والفضل سبحان ذی

پاک است خداوند قدرت و بزرگواری پاک است خداوند غلبه و احسان پاک است خداوند

القوة والطول اللهم انی اسألک

توانائی و طاقت بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم

تا آخر دعا و الصا شیخ و سید از مفضل بن عمر روایت کرده اند که گفت دیدم روزی حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام نماز جعفر را بجا آورد پس این دعا خواند یا رب یا رب بقدر یک

نفس فوت کند یا رباه یا رباه بقدر یک نفس یا رب یا رب بقدر یک نفس رب رب

رب بقدر یک نفس یا الله یا الله بقدر یک نفس یا حی یا حی یا رحیم بقدر یک

نفس یا رحمن یا رحمن هفت مرتبه یا ارحم الراحمین هفت مرتبه پس این دعا خواند

اللهم انی افتتح القول بحمدک وانطق بالثناء علیک وامجدک ولا غایة

بار خدایا بدرستیکه من ابتدا میکنم سخن را بستایش تو و گویا میشوم بستایش کردن تو و بزرگی و بیان میکنم را

لمدحک واثنی علیک ومن یبلغ غایة ثنائک وامد مجدک وانی

برای مدح ترا و ثنا میگویم بر تو و که میرسد بنهایت ثنای تو و انتهای بزرگی تو و کجاست

لخلیقتک کنه معرفة مجدک وای زمن لم تکن ممدوحا بفضلک موصوفا

مرا فریده ترا اینکه شناسائی بزرگی تو و کدام روزگار بود که نبودی ستوده شده بفضل خود و صفت کرده شده

بمجدک عوادا علی المذنبین بحلمک تخلف سکان ارضک عن طاعتک

ببزرگی خود و بسیار رجوع کننده بر گناهکاران به بردباری خود تخلف نمودند ساکنان زمین تو از فرمانبرداری تو

فکنت علیهم عطوفا بجودک جوادا بفضلک عوادا بکرمک

پس بودی تو بر ایشان مهربان بجشش خود و بخشش کننده بفضل خود و بسیار نفع رساننده بفضل خود

يا لا اله الا انت المنان ذو الجلال والاكرام
اى آنكه نيست خدا مگر تو بسيار نعمت دهنده اوئى صاحب بزرگى و بخشش كردن

پس حضرت فرمود اى مفضل هرگاه ترا حاجتى روى دهد و پريشان باشى بسيار جعفر را بكن پس بخوان اين دعا را بخوان حوائج خود را از خدا طلب كن پس برآورده ميشود ان شاء الله تعالى و اين دعا را ذكر كرده است شيخ و سيد ابن طاوس رحمة الله عليهما

سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَتَرَدَّى بِهِ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ
تنزيه ميكنم آنكه پوشيد عزت را و ردا كرده است بآن تنزيه ميكنم كسى كه رداى خود ساخت بزرگى را و بزرگى قدر شد بآن

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ جَلَّ جَلَالُهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ
پاكست كسيكه سزاوار نيست تسبيح كردن مگر براى او بزرگست بزرگى او منزه است كسيكه شمار آورده هر چيز را

بِعِلْمِهِ وَخَلَقَهُ بِقُدْرَتِهِ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ
بدانش خود و بيافريد آنرا بقدرت خود تنزيه ميكنم كسى را كه صاحب احسان و نعمتهاست تنزيه ميكنم كسى كه صاحب توانائى

وَالْكَرَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ
و كرامست خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم از تو بجاهاى بستن عزت از عرش تو و انتهاى رحمت

مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا
از كتاب تو و بنام تو كه بزرگترين نامها و سخنان تو كه تمام اند آن سخنان كه تمام شده اند از روى راستى

وَعَدْلًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَأَنْ تَجْمَعَ لِي خَيْرَ
و عدالت اينكه درود بفرستى بر محمد و آل محمد كه پاكان و پاكيزگانند و اينكه جمع كنى براى من خير

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بَعْدَ عُمُرٍ طَوِيلٍ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
دنيا و آخرت بعد عمر دراز بار خدايا توئى زنده پاينده بلند مرتبه بزرگوار

الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْمُبْدِئُ الْبَدِيعُ لَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْمَجْدُ
آفريننده روزى دهنده زنده كننده ميراننده پيدا كننده حاصل كننده مر تراست كرم و مر تراست بزرگى

وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْأَمْرُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ
و مر تراست احسان مر تراست بخشش و مر تراست فرمان در حالتيكه تنهائى نيست شريكى مر ترا اى يگانه

يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ يَا اَهْلَ التَّقْوٰى وَيَا اَهْلَ

ای آنکه باو محتاج اند ای کسیکه نزاییده و زاییده نشده و نیست مر او را همتا هیچ یکی ای سزاوار پرهیزکاری و ای سزاوار

الْمَغْفِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا عَفُوُّ يَا غَفُورُ يَا وَدُودُ يَا شَكُورُ اَنْتَ اَبَرُّ بِي

آمرزش ای مهربان ترین مهربانان ای عفو کننده ای آمرزگار ای دوست ای جزا دهنده تو نیکوکارتری بمن

مِنْ اَبِي وَاُمِّي وَاَرْحَمُ بِي مِنْ نَفْسِي وَمِنَ النَّاسِ اَجْمَعِينَ يَا كَرِيمُ يَا جَوَادُ اَللّٰهُمَّ

از پدر من و مادر من و مهربان تری بمن از نفس من و از مردم همه ای صاحب کرم ای بخشنده بارخدایا

اِنِّي صَلَّيْتُ هٰذِهِ الصَّلٰوةَ اِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَطَلَبَ نَائِلِكَ وَمَعْرُوفِكَ

بدرستیکه من نماز گذاردم این نماز را از جهت خشنودی تو و طلب احسان تو و عطای تو

وَرَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَائِزَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ وَرِضْوَانِكَ وَقَدِيمِ غُفْرَانِكَ

و امیدواری عطای تو و بخشش تو و عفو بزرگ تو و خشنودی تو و آمرزش دیرینهٔ تو

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْفَعْهَا فِي عِلِّيِّينَ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي وَاجْعَلْ

خداوندا پس درود بفرست بر محمد و آل محمد و بلند کن این نماز را در علیین و قبول کن آن را از من و بگردان

نَائِلَكَ وَمَعْرُوفَكَ وَرَجَاءَ مَا اَرْجُو مِنْكَ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزَ

عطای خود و احسان خود و امید چیزی را که امیدوارم از تو جدا گردیدن گردن من از آتش و ظفر یافتن

بِالْجَنَّةِ وَمَا جَمَعْتَ مِنْ اَنْوَاعِ النَّعِيمِ وَمِنْ حُسْنِ الْحُورِ الْعِينِ وَاجْعَلْ

به بهشت و آنچه فراهم آوردی از انواع نعمت و از حسن سیاه چشمان فراخ چشم و بگردان

جَائِزَتِي مِنْكَ الْعِتْقَ مِنَ النَّارِ وَغُفْرَانَ ذُنُوبِي وَذُنُوبَ وَالِدَيَّ

عطا مرا از جانب خود آزادی از آتش و آمرزش گناهان من و گناهان پدر و مادر من

وَمَا وَلَدَا وَجَمِيعِ اِخْوَانِي وَاَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ

و آنچه از آنها ولادت یافت و همه برادران من و خواهران من مردان مومن و زنان مومنه و مردان مسلم

وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ وَاَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَتَرْحَمَ

و زنان مسلمه زندگان ایشان و مردگان و اینکه مستجاب گردانی دعای مرا و رحم کنی

صرختی وندائی ولاتردنی خائبا خاسرا واقلبنی منجحا مفلحا مرحوما مستجابا

بر فریاد من و بانگ من ورد مکن مرا نا امید زیان کار و بگردان مرا بمطلب رسیده رستگار رحم کرده شده پذیرفته شده

دعائی مغفورا لی یا ارحم الراحمین یا عظیم یا عظیم یا عظیم قد عظم الذنب

دعای من آمرزیده شده برای من ای مهربان ترین مهربانان ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ بتحقیق عظیم شده است گناه

من عبدک فلیحسن العفو منک یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط

از بنده تو پس باید که نیکو شود عفو از جانب تو ای نیکو در گذشتن ای فراخ آمرزش ای گشاینده

الیدین بالرحمة یا فیاضا بالخیرات یا معطی المسئولات یا فکاک الرقاب

هر دو دست برحمت ای بسیار عطا دهنده بنیکوئیها ای بخشنده سوالها ای بسیار جدا کننده جسدها

من النار صل علی محمد وآل محمد وفک رقبتی من النار واعطنی سؤلی

از آتش درود بفرست بر محمد و آل محمد وجدا کن تن مرا از آتش و ببخش مرا حاجتهای مرا

واستجب دعائی وارحم صرختی وتضرعی وندائی واقض لی حوائجی کلها

و بپذیر دعای مرا و رحم کن بر آواز من و زاری من و بانگ من و روا کن برای من حاجتهای مرا همه آن

لدنیای وآخرتی ودینی ما ذکرت منها وما لم اذکر واجعل لی فی ذلک

برای دنیای من و آخرت من و دین من آنچه ذکر کردم ازان و آنچه ذکر نکردم و بگردان برای من در این

الخیرة ولا تردنی خائبا خاسرا واقلبنی مفلحا منجحا مستجابا لی دعائی مغفورا

بهتری را و برمگردان مرا نا امید زیان کار و بگردان مرا رستگار رسیده بمطلب اجابت کرده شده برای من دعای من آمرزیده شده

لی مرحوما یا ارحم الراحمین یا محمد یا ابا القاسم یا رسول الله یا امیر المؤمنین

برای من بخشیده شده ای مهربان ترین مهربانان ای محمد ای ابو القاسم ای پیغمبر خدا ای امیر مومنان

انا عبدکما ومولاکما غیر مستنکف ولا مستکبر بل خاضع ذلیل

من بنده شما و غلام شما هستم در حالیکه عار ندارم و نه بزرگی می نمایم بلکه زاری کننده خوار

عبد مقر متمسک بحبلکما معتصم من ذنوبی بولایتکما اتقرب الی الله بکما

بنده اقرار کننده چنگ زننده بریسمان محبت شما پناه برنده از گناهان خود بدوستی شما نزدیکی میجویم بسوی خدا تعالی بشما

که هر سجده که می‌کند بخوانند این را و بعضی گفته‌اند که همه را با سوره توحید می‌توان کرد و ظاهر همه
خوبست اگر چه اول و سوم افضل است ششم مشهور آنست که تسبیحات بعد از سجده دوم رکعت اول و سوم
نشسته میخوانند و بعضی گفته‌اند بعد از برخاستن رکعت دیگر پیش از قرائت میخوانند و عمل بمشهور اولی
هفتم بعضی گفته‌اند که چهار رکعت را بیک سلام میکنند و مشهور اقوی دو سلام است چنانچه گذشت
هشتم مشهور میان علما آنست که تسبیحات این نماز که پیش از رکوع خوانند بعد از قرائت می‌باید خواند
و ابن بابویه علیه الرحمه و بعضی از روایات قائل شده است که مخیرست میان آنکه پیش از قرائت بخوانند یا
بعد از قرائت و عمل بمشهور اقوی و اولیست فصل ششم در بیان فضیلت و اعمال نوروز است بدانکه
میان علما در تعیین روز نوروز اختلاف بسیار است بعضی گفته‌اند دهم ایار است از ماههای
رومی و بعضی گفته‌اند نهم شباط است و مشهور آنست که اول انتقال شمس است ببرج حمل
چنانچه در این ازمنه معمول است و این مطالب در کتاب بحار الانوار بسط عظیمی داده‌ام و این رساله
ذکر گنجایش آنها ندارد و بگمان فقیر همین نوروز که در این ازمنه مشهور است اقرب بصواب و ضبط
است بحساب و اگر بنای اعمال را بر این بگذارند ظاهرا بد نیست و اما فضائل و اعمال این روز
باسانید معتبره از معلی بن خنیس که از خواص اصحاب حضرت صادق علیه السلام بوده است منقول است
که گفت در روز نوروز بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم فرمود که آیا میشناسی این روز را
گفتم فدای تو شوم این روزیست که عجم آنرا تعظیم میکنند و در این روز تحفه‌ها و هدیه‌ها
برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق پروردگار خانه کعبه که بمکه معظمه
است که این تعظیم کردن نیست مگر برای امری قدیمی که تفسیر میکنم آنرا برای تو تا بفهمی گفتم ای
آقای من دانستن این را از برکت شما محبوب‌ترست نزد من از آنکه مردگان من زنده شوند
و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای معلی بدرستیکه روز نوروز روزیست که حق سبحانه
و تعالی در این روز پیمان بندگان را گرفت از ارواح ایشان در روز الست که او را بیگانگی
بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند و در بندگی و پرستیدن هیچ چیز را شریک او نگردانند
و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان و حجتهای او بر خلق و امامان و پیشوایان از ائمه معصومین

صلوات الله علیهم اجمعین و این اول روزی است که دران آفتاب طلوع کرده است و بادهای
آبستن کننده درختان وزیده است و گلها و شکوفهای زمین آفریده شده است و درین روز
کشتی حضرت نوح علی نبینا علیه السلم بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته است و این روزیست
که حق تعالی حیات بخشید چندین هزار کس را که از مرگ گریختند یعنی از طاعون و بیک دفعه خداوند تعالی
همه را میرانید پس از مدتها که استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا بران استخوانها گذشت و از
پروردگار خود سوال کرد که باو بنماید که چگونه این استخوانهای پوسیده را زنده میگرداند پس حق تعالی
وحی فرستاد بسوی او که آب بریز بر این استخوانهای ایشان در همان جاهای خود که هستند پس
چنین کرد و همه بقدرت الهی زنده شدند و این اول سال فرس قدیم است و باین سبب سنت شد که درین
روز آب بر یکدیگر بریزند یا آب بر خود بریزند و غسل کنند و حق تعالی در قرآن مجید اشاره باین قصه
نموده است در آنجا که فرموده

الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت

آیا ندیدی بسوی آنانکه برآمدند از خانهای خود و ایشان هزاران بودند از جهت حذر از مرگ

فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم

پس گفت ایشان را خدا بمیرید آنگاه زنده گردانید

مفسران گفته اند که آن پیغمبر حضرت حزقیل علیه السلام بود و حضرت فرموده که ایشان سی هزار کس بودند
و فرموده که درین روز جبرئیل علیه السلم بر حضرت رسول وحی نازل شده است یعنی روز نوروز
موافق روز مبعث بوده که بیست و هفتم ماه مبارک رجب است و فرموده که این روزیست که حضرت
رسول بتهای کفار قریش را در مکه شکست و حضرت ابراهیم علیه السلام نیز درین روز بتهای
کافران را شکست و اول اشاره است باینکه سنی و شیعه روایت کرده اند بطریق بسیار که شبی
رسالت پناه صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را با خود بمسجد الحرام آورد و حضرت
امیر را امر کرد که بر دوش آنحضرت بالا رفت و بتهای کافران را بزیر آورد و شکست پس مراد
این است که آن شب این روز بود و فرموده که درین روز حضرت رسول امر کرد اصحاب را

...ها بیعت کنند با امیرالمؤمنین و اقرار کنند که او پادشاه مؤمنان است یعنی روز عید غدیر این روز بوده یا آن روزی که سرکرده های اصحاب را گفت بروید و بر علی سلام کنید و بگوئید السلام علیک یا امیرالمؤمنین این روز بوده فرمود که درین روز حضرت رسول حضرت امیر را فرستاد بسوی جنیان که از ایشان بیعت از برای او بگیرد و فرمود که درین روز حق خلافت با امیرالمؤمنین علیه السلام برگشت و بار دیگر بعد از کشته شدن عثمان علیه اللعن با آنحضرت بیعت کردند و درین روز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با خارجیان نهروان جنگ کرد و بر ایشان ظفر یافت و سرکرده ایشان که ذو الثدیه می گفتند کشته شد و درین روز قائم آل محمد صلوات الله علیه و سلامه ظاهر خواهد شد و درین روز امامان دیگر بدنیا رجعت خواهند کرد و درین روز قائم ظفر خواهد یافت بر دجال و در کناسه که محله ایست از محلات کوفه او را بردار خواهد کشید و در هیچ روز نوروزی نیست مگر ما انتظار فرج می کشیم زیرا که آن از روزهای ما و روزهای شیعیان ماست آن روز را عجمان حفظ کردند و حرمت آن را رعایت کردند و شما عربان آن را ضایع کردید پس حضرت فرمود بمعلی که چون روز نوروز شود غسل کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و به بهترین خوشبوهای خود را خوشبو گردان و در آن روز روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافله های فارغ شوی چهار رکعت نماز بگذار یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت سوم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت چهارم بعد از حمد سوره

قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس

بخوان و بعد از نماز سجده شکر برو و این دعا را بخوان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّيْنَ وَعَلٰى جَمِيْعِ اَنْبِيَائِكَ

بارخدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد وصیت کرده شدگان پسندیدگان و بر همه پیغمبران خود

وَرُسُلِكَ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَصَلِّ عَلٰى

و فرستادگان خود به بهترین درودهای خود و برکت ده بر ایشان به بهترین برکتهای خود و درود بفرست بر

و فرزند بیاورد و از این آب باین نیت بیاشامد فرزند از و بوجود آید و اگر در و زن هر دو پسر خواهند یا دختر و از این آب بیاشامند مقصود ایشان بعمل آید چنانچه حق تعالی میفرماید یهب لمن یشاء

إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيمًا

یعنی می بخشد حق تعالی هر که را خواهد دختران و می بخشد هر که را خواهد پسران یا جفت میکرداند برای ایشان پسران و دختران را یعنی هر دو را بایشان عطا میکند و هر که را میخواهد عقیم و بی فرزند میکرداند پس حضرت فرمود که اگر کسی درد سر داشته باشد و از این آب بیاشامد صداع او زایل گردد بقدرت الهی و اگر چشم درد داشته باشد و در چشمهای خود قطره از این آب بچکاند و بیاشامد چشمهای خود را از این آب بشوید باذن خدای تعالی شفا یابد و آشامیدن این آب دندانها را محکم گرداند و دهان را خوشبو گرداند و لعاب بن دندان را کم کند و بلغم را کم کند و تخمه و امتلا بسبب خوردن طعام و آشامیدن آب بهم نرساند و از بادهای تولنج و غیر آن متاذی نگردد و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از زکام آزار نکشد و درد دندان بهم نرساند و درد معده و کرم معده را زایل گرداند و محتاج بحجامت نگردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانگی و خوره و پیسی و رعاف در وقت نجات یابد و کور و لال و کر و زمین گیر نشود و آب سیاه بر دیده اش نزول نکند و دردی که موجب افطار روزه و نقصان نماز او باشد او را عارض نگردد و از وسوسه جنیان و شیاطین متاذی نگردد پس حضرت رسالت پناه صلعم فرمود که جبرئیل گفت که هر که از این آب بیاشامد و بجمیع دردهایی که مردم می باشند مبتلا باشد موجب شفا از جمیع آنها گردد پس جبرئیل گفت بحق خداوندی که ترا براستی فرستاد که هر که این آیات را از این آب بخواند حق تعالی دلش را مملو گرداند از نور روشنی و الهام خود را بر دل او وارد سازد و حکمت را بر زبان او جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی و باو عطا کند از کرامتها آنچه باحدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت بر او بفرستد و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص و غضب را از دل او بردارد و از عداوت و دشمنی مردم و بد گوئی ایشان نجات یابد و موجب شفای جمیع امراض او گردد مؤلف گوید این روایت مشهور بعید است

صلوات الله علیه منقول است که چون کسی بسفری برون رود بگوید اللهم انت الصاحب فی السفر

پسر عمر علیه اللعنه نهی میشود و این سند بسیار ضعیف است و فقیر بخط شیخ شهید علیه الرحمه دیدم که این
روایت را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده بود و باین خواص و سورها
اما آیات و اذکار را باین روش روایت کرده است که میخوانی بر آب باران نیسان فاتحة الکتاب
و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی الذی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس و قل هو الله احد هر یک هفتاد مرتبه و میگوئی هفتاد مرتبه لا اله الا الله و هفتاد مرتبه
الله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد و هفتاد مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
و در خواص آن مذکور است که اگر کسی در زندان باشد و از آن آب بیاشامد از حبس نجات یابد
و سردی بر طبع او غالب نگردد و اکثر آن خواص که مذکور شد در این روایت نیز مذکور است
و آب باران مطلقا مبارک است و منفعت بسیار دارد خواه در نیسان بیارد خواه در غیر آن
چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که بیاشامید از آب
آسمان که پاک کننده بدن شماست و دردها را دفع میکند چنانچه حق تعالی می فرماید
وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ
وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ یعنی میفرستد حق تعالی بر شما از آسمان آبی
برای آنکه پاک گرداند شما را بآن و ببرد از شما وسوسه شیطان را و دلهای شما را محکم گرداند
و ثابت گرداند بآن قدمهای شما را و در عمل نیسان بهتر آنست که اگر جمعی خوانند هر یک مجموع
آن سوره ها و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند و از برای آنها که می خوانند فائده اش عظیم تر
و ثوابش بیشتر است و در این سالها بعد از بیست و سه روز که از نوروز بگذرد تقریبا داخل ماه
ماه رومی می شود و ماه نیسان سی روز است و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که در هفتم حزیران البته حجامت بکن و اگر میسر نشود در چهاردهم بکن و اول حزیران
تقریبا هشتاد و چهارم نوروز است و آن نیز سی روز است و حزیران ماه نحسی است
چنانچه در حدیث معتبر منقول است که در خدمت حضرت صادق علیه السلام ماه حزیران مذکور شد
حضرت فرمود که ماهی است که حضرت موسی علیه السلام در این ماه نفرین کرد بر بنی اسرائیل

کفنش با او باشد و در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هر گاه نظرش بران کفن افتد برای او حسنه نوشته شود و باید که در ان وقت امیدوار رحمت حق تعالی و شفاعت حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیه علیهم بوده باشد و بسند معتبر از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت کمی عقل و نقص مروت او است گفتند یا رسول الله صلی الله علیه و آله چگونه وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفاتش شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید

اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيمَ

خداوندا ای آفریننده آسمانها و زمین داننده نهان و آشکارا بخشاینده مهربان

اِنِّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ اَنِّي اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ

بدرستیکه من عهد میکنم بسوی تو بدرستیکه من گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر تو در حالتیکه یگانه نیست شریکی

لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ السَّاعَةَ

مر ترا و بدرستیکه محمد درود فرستد خدا بر او و آل او بنده تو است و رسول تو است و بدرستیکه قیامت

اٰتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَاَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَاَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ

آینده است نیست شکی دران و بدرستیکه تو مبعوث گردانی هر که را در قبرهاست و بدرستیکه حساب حق است

وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَمَا وَعَدَ اللّٰهُ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ مِنَ الْمَاكَلِ وَالْمَشْرَبِ

و بدرستیکه بهشت حق است و آنچه وعده کرده خدا در ان از نعمت از خوردنیها و آشامیدنیها

وَالنِّكَاحِ حَقٌّ وَاَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَاَنَّ الْاِيمَانَ حَقٌّ وَاَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ

و نکاح حق است و بدرستیکه آتش حق است و بدرستیکه ایمان حق است و بدرستیکه دین چنانست که وصف کردی تو

وَاَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَاَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتَ وَاَنَّ الْقُرْاٰنَ كَمَا اَنْزَلْتَ وَ

و بدرستیکه اسلام چنانست که قرار داده و بدرستیکه قول چنانست که گفته و بدرستیکه قرآن چنانست که نازل کرده

اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَاِنِّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا اَنِّي رَضِيتُ بِكَ

بدرستیکه تو خدای حق آشکاری و بدرستیکه من عهد میکنم بسوی تو در خانه دنیا بدرستیکه من راضیم بتو

نزد او آیة الکرسی و اکر تواند خواند سوره قدر را او بخواند و دعای عدیله را برای او بخواند و اکر عربی نداند مضامینش را او
القا کنند که در این وقت شیطان بر او دست نیابد که او را از دین بر کرداند و باید که کلمه طیبه
لا اله الا الله بسیار بکوید و مکرر تلقین او کنند زیرا که در حدیث معتبر وارد است که هر که آخر
سخن او لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام مرویست که تلقین کنید مردکان خود را لا اله الا الله بدرستیکه گناهان را
در هم می شکند بدرستیکه مومن است در حال حیات و نزد مردن و نزد مبعوث کردیدن و هر که
در هنکام مردن این کلمه طیبه را بکوید داخل بهشت کردد و احوط آنست که در این حال پای او را
جانب قبله کردانند تا ملائکه رحمت باو رو آورند و در این وقت حائض و جنب نزد او نباید که ملائکه از
ایشان نفرت می کنند و اکر بغیر ایشان کسی نباشد جائز است که برای ضرورت پرستاری
او نمایند و چون نزدیک شود که جانش برآید بیرون روند و در احادیث معتبره وارد شده است
که اکر جان کندن بر او دشوار شود او را ببرند بآن جائی که همیشه نماز میکرده است یا بخوابانند
او را بروی جای نماز که بر آن نماز میکرده است زیرا که اکر امید شفا هست شفا می یابد و الا
جانش بآسانی بر می آید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که زنهار در حال احتضار
دست بر او مکذارید و اکر دست و پا را حرکت دهد مانعش مشوید چنانچه جاهلان میکنند و نزد او
قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید و صلوات بر حضرت رسول و آل او بفرستید و در حدیث دیکر
منقولست که فرزندی از حضرت صادق علیه السلام در احتضار بود و حضرت امام محمد باقر
علیه السلام در کنار خانه نشسته بودند هر که نزدیک او میرفت منع میکردند و می فرمودند که دست
مکذارید که او در این حالت در نهایت ناتوانی است هر که دست بر او می کذارد چنان است که
او را کشته است و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کاه
کسی را در وقت جان کندن بیابید کلمات فرج را تلقین او کنید و کلمات فرج این است
لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله
نیست خدائی بغیر خدای بردبار بزرکوار نیست خدائی بغیر خدای بلند بزرک منزه است خدا

حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون مؤمن را بقبر میبرند ندا میکنند که اول عطائی که ترا دادیم بهشت است و اول عطائی که دادیم آنها را که با جنازه تو آمده اند آمرزش گناهانست و در حدیث دیگر فرموده که اول تحفه که بمؤمن میرسد در قبر آنست که می آمرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است و در حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مؤمنی بکند تا او را دفن کنند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک را برای او بگمارد که همراهی او نمایند و استغفار برای او کنند از قبر تا موقف حساب و فرمود که هر که یک طرف جنازه را بگیرد بیست و پنج گناه کبیره او آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون آید و باید که جنازه را چهار کس بردارند و بهتر آنست که برای کسیکه تشییع جنازه کند اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بدوش راست خود بردارد پس پای راست میت را بدوش راست خود بردارد پس از پشت جنازه برود و پای چپ میت را که در جانب راست جنازه است بدوش چپ خود بردارد پس دست چپ میت را که در جانب راست جنازه است بدوش چپ بردارد و چون خواهد که بار دیگر تربیع نماید کند از پیش جنازه برود و ملک از جانب پشت جنازه برگردد و باز بهمان روش تربیع بجا آورد و اکثر علما بعکس گفته اند که اول ابتدا بدست راست جنازه می کنند پس پای راست پس پای چپ پس دست چپ و اول موافق احادیث معتبره اولیست و اگر بر دو دوش بعمل آورند بهتر است و افضل آنست که عقب جنازه یا پهلوها راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر اکثر احادیث آنست که اگر جنازه مؤمن باشد پیش آن راه رفتن خوبست و جنازه مخالف مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب می کنند با جنازه سواره رفتن مکروه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که جنازه را ببیند این دعا بخواند

اللّٰه اکبر هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله اللّٰهم زدنا

خدا بزرگترست این ست آنچه وعده کرده ما را خدا و رسول او و راست گفته خدا و رسول او خداوندا بیفزا ما را

ایماناً و تسلیماً الحمد لله الذی تعزّز بالقدرة و قهر العباد بالموت

ایمان و تسلیم سپاس خدا را که عزیزست بقدرت و غالب است بندگان را بمرگ

هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کند از برای ترحم بر او و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون نظر بر جنازه افتد این دعا بخواند

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

بنام خدا و بیاری خدا خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد و بیامرز مردان مومن و زنان مومنه را

و منقولست که حضرت امام زین العابدین هرگاه جنازه را میدید میگفت

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ

سپاس مر خدا را که نگردانید مرا از گروه هالکان

و زنان را تشییع جنازه سنت نیست و بعضی گفته اند که جنازه را سوار شده بردن مکروه است و مجمره بردن با جنازه کراهت دارد و در روز چراغ بردن خوب نیست و اسراف است و در شب خوب است و مکروه است کسی را که بجنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل گفتن

فصل دوم در غسل دادن میت

بدانکه احکام میت از غسل دادن و کفن کردن و نماز کردن و دفن کردن و احکام دیگر همه واجب کفائی است یعنی بر همه واجب است اگر یکی بکند از همه ساقط میشود و اگر همه ترک کنند همه معاقب می شوند و مشهور میان علما آنست که ولایت این معنی تعلق بوارث میت دارد و ولی رخصت او دیگری متوجه اینها نمی تواند شد و مردان در تولی اینها اولی اند از زنان و شوهر اولی است از دیگران و احوط آنست که بی ضرورت خود غسل ندهد و غسل و نماز و سایر احکام میت واجب است برای شیعه اثنا عشری و در سنی و سایر فرقه مخالفان خلاف است و ظاهر او واجب نباشد مگر در حال تقیه و شهیدی که در جهاد با امام کشته شده باشد و در معرکه مرده باشد او را غسل نمی دهند و کفن نمی کنند با رخت نماز میکنند همانها که پوشیده است دفن می کنند و بعضی گفته اند که در جهاد حقی که کشته شود چنین است و خالی از قوتی نیست و مشهور میان اصحاب آنست که هرگاه از میت عضوی یافته شود که در آن استخوان باشد می شویند و کفن می کنند و دفن میکنند و بعضی سه کفن را در این حالت واجب دانسته اند و اگر عضوی باشد که دل در آن باشد نماز هم می باید کرد و احوط آنست که اگر سینه را تنها بیابند با جنین کنند و همچنین اگر جمیع استخوانهای

میت را بپایند و عضوی که بی استخوان باشد مشهور آنست که در لته می پیچند و دفن میکنند و بعضی لته پیچیدن واجب ندانسته اند و بچه که در شکم ساقط شود و هرگاه چهار ماه یا زیاده داشته باشد غسل میدهند و کفن و دفن می کنند و بر او نماز نیست و بعضی گفته اند که بسه جامه کفن میکنند و حنوط می کنند و هرگاه چهار ماه نداشته باشد مشهور آنست که در لته می پیچند و دفن میکنند و در روایت در لته پیچیدن مذکور نیست و بعضی تمام شدن خلقت طفل را اعتبار کرده اند در غسل و کفن نه چهار ماه و این احوط است و اگر عضوی استخوان داری از زنده بریده باشند احوط آنست که غسل و کفن و دفن بکنند اگرچه اظهر عدم وجوب است و اگر طفلی در شکم مادر مرده باشد و مادر زنده باشد اگر توانند درست بیرون می آورند و الا پاره پاره میکنند و بیرون می آورند و اگر مادر بمیرد و طفل زنده باشد شکم مادر را می شکافند از جانب چپ و طفل را بیرون می آورند و بهتر آنست که شکمش را بدوزند و واجب است که مرد را مرد غسل دهد و زن را زن الا چند موضع اول زن و شوهر که بقول اشهر و اقوی یکی دیگری را غسل می تواند داد و احوط آنست که از زیر جامه غسل دهد و نظر بعورت نکند و بهتر آنست که بدون ضرورت غسل ندهند خصوصا مرد زن را دوم جائز است که آقا کنیز خود را غسل دهد هرگاه زن کسی و در عدت کسی نبوده باشد و در غسل دادن کنیز آقا را خلاف است سوم جائز است که غسل دهد مرد اجنبی دختر سه ساله را برهنه و زن اجنبیه پسر سه ساله را برهنه و بعضی تا پنج ساله نیز تجویز کرده اند چهارم هرگاه مردی فوت شود و مردی نباشد که او را غسل دهد و زن محرم او را غسل میتوانند داد و از زیر جامه و همچنین است هرگاه زن فوت شده باشد و ظاهر او حال اختیار نیز محارم یکدیگر را غسل می توانند داد اما احوط آنست که تا ممکن باشد زنان را زن و مردان را مرد غسل دهد و اما کیفیت غسل بهتر آنست که پیش از غسل کفن را مهیا کند و اول حبره را بعد از آن ستر سری بعد از آن پیراهن را پهن کند و نصف بالای پیراهن را برگردانند و لنگ را و بعد از آن ران پیچ را بجای خود پهن کند پس متوجه غسل شود و اگر میسر باشد که میت را در وقت غسل بر روی تختی یا تخته بخوابانند بهتر است و مستحب است که در وقت غسل پای میت بسوی قبله باشد بطریق حال احتضار و بعضی واجب دانسته اند و در سایر احوال باید چنین باشد مگر در حال نماز و حال دفن و باید که رختهایش را بکند و اگر خواهد با پیراهن غسل دهد و اگر خواهد لنگ به ... و پیراهن را بکند و بر هر تقدیر واجب است که در وقت غسل دادن عورتین میت را بپوشانند مشهور آنست

که واجب است که اول ازالهٔ نجاست از بدن میت بکنند و سنت است که برای حرمت میت پیراهن از طرف
پا بیرون بکنند و اگر تنگ باشد یا اذن ورثه بشکافند و سنت است که در زیر سقفی یا خیمه غسل بدهد که برابر
آسمان نباشد و سنت است که دو نفر بنشینند غسل دهنده یکی آب بریزد و دیگری گرداند میت را و مستحب است
که انگشتان میت بدارا نرم کند و اگر دشوار باشد و خوف شکستن باشد دست بردارد و واجب است
که میت را سه غسل بدهد اول با آب سدر بعد از آن با آب کافور بعد از آن با آب خالص و سنت است که اول
دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشویند بنابر بعضی از روایات پس عورت میت را بشویند و احوط آنست
که چون خواهد عورت را بشوید لته بر دست بپیچد که دستش بعورت نرسد و اگر بدست چپ بشوید
بهتر است و سنت است که اول عورت میت را بکف سدر و اشنان سه مرتبه بشوید و آب بسیار بریزد
تا خوب پاک شود پس دست بالای شکمش بگذارد و بنرمی بهموار پایین بکشد که اگر فضله باشد بیرون آید
و اگر چیزی بیرون آید باز مخرج را بشویند و اگر زن حامله باشد و خوف افتادن بچه باشد دست بر
شکمش نکشد و علما گفته اند که سنت است که سر و ریش او را پیش از غسل بکف سدر بشوید و سنت است که
دستهای خود را تا مرفق بشوید یعنی آنکسی که دست بر میت بگذارد پس وضو دهد میت را و روش
وضوی زندگان با آب خالص بعضی واجب دانسته اند و نیت کند وضو میدهم این میت را
قربة الی الله پس رو و دستهایش را بشوید و سر و پاهایش را مسح کند پس ابتدا کند بغسل و احوط
آنست که آب ریزنده و گرداننده هر دو کس بشنوند نیت و نیت کنند و بهتر آنست که نیت هر سه
غسل را در اول بکنند و از برای غسل کافور و قراح نیز نیت جدا بکنند پس اول نیت میکنند که
این میت را غسل میدهیم با آب سدر و کافور و قراح از جهت آنکه واجب است از برای رضای
خدا قربة الی الله پس سر میت را با آب سدر و خطمی بشوید و احوط آنست که اول جانب راست سر را
بریزد و بعد از آن جانب چپ و سنت است که سر را و گردن را سه مرتبه بشوید پس میت را بر
پهلوی چپ بخواباند و جانب راست را بشوید و سنت است که سه مرتبه بشوید و بر هر عضوی
که میریزد قطع نکند تا بپا برساند و اگر میت را [illegible] [illegible] بر پشت او
شکم بمالد بهموار که آب خوب [illegible] بهتر است و سنت است [illegible] [illegible]

که آب بزیر آنکه و خوردن و ران و سایر اعضا خوب جاری شود پس میت را بر گردانند و بر پهلوی
راست بخوابانند و پهلوی چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه مرتبه بشویند و در آب سدر
و مشهور آنست که حد معین ندارد و بعضی گفته‌اند که باید بقدر یک سدر باشد و بعضی یک رطل و بعضی یک رطل و نیم گفته
اند که نزدیک به بیست و پنج درم و زیاده بوده باشد و گویا این تا و تنها برای شستن فرج سایر
اعضا بیش از غسل بوده باشد و احوط آنست که در آب غسل آنقدر داخل نکنند که مضاف شود
و آب را نگویند و در بعضی از روایات در شستن هر جانب شستن نصف سر نیز وارد شده است شاید
بد نباشد اگرچه خلاف مشهور است پس میت را بر پشت بخوابانند و ظرفها را آب شویند که از سدر از آنها
برطرف شود و اندکی کافور را ریزه می‌کنند و داخل آب بکنند و غسل دهنده دستهای خود را تا مرفق بشوید
و بهتر آنست که دستهای میت را نیز تا نصف ذراع سه مرتبه با آب کافور بشویند و فرج او را نیز سه مرتبه بشویند بهمان
نحو که گفته شد و دستمالی بر دست پیچد و دست بر شکم میت بکشد بهمواری و بهتر آنست که هر گاه دست بر شکم می‌کشند
سر میت را بلند کنند که فضلات از آن ظرف بیرون رود و لیکن احتیاطاً آب بریزند و گردانند بهتر و سنت است که آن
میت را غسل سیوم با آب کافور از برای آنکه واجبست از برای اعضا پس سر را بشویند و سنت است که
سه مرتبه بشویند و در هر مرتبه ابتدا از جانب راست سر بکنند و گردانند بهموار و سنت بمالد پس جانب راست را
سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بنحویکه در غسل سدر مذکور شد بشویند پس میت را بر پشت بخوابانند و
باز دست خود را تا مرفق بشوید و ظرفها را خوب بشوید که اثری از سدر و کافور در آنها نماند و
اگر بشود دیگر برای آب قراح مهیا کند بهتر است و احوط آنست که آب غسل قراح را از حوضی
که آب سدر و کافور در آن ریخته شده است برندارند و آن آب بردارند که اینها مطلقاً در آن داخل
نشده باشد پس دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه با آب خالص بشویند و همچنین فرج
میت را نیز با آب خالص سه مرتبه بشویند و اگر در این وقت نیز باز دیگر میت را وضو دهند شاید
بهتر باشد پس احتیاط نیت کند که غسل سیوم این میت را با آب قراح از جهت آنکه واجبست
قربة الی الله پس سر را سه مرتبه و جانب راست را سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بشویند که یکمرتبه
واجب است و دو مرتبه سنت و بهتر آنست که گردانند بعد از او وقت آب ریختن سنت نکشند

بر بدن میت و پیش از این غسل و در اثنای این غسل دست بر شکم میت بمالند چون از هر سه غسل فارغ
شوند اگر خوف خروج نجاسات بوده باشد قدری از پنبه در دبر میت داخل کنند و همچنین در دهان و بینی
قدری از پنبه داخل کنند اگر خوف بیرون آمدن خون یا نجاستی بوده باشد پس سنت است که بدن او را
بجامه خشک کنند و بعد از آن او را بر روی جامهای کفن بگذارند و سنت است که هر مرتبه که میت را از
جائی بجائی گردانند این دعا خوانند

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ بَيْنَهُمَا فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ

خداوندا بدرستیکه این بدن بنده مؤمن تست و بتحقیق بر آوردی روح او را از این بدن و تفرقه انداختی میان آنها پس میطلبیم عفو ترا عفو ترا

و اگر زن باشد بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ اَمَتِكَ الْمُؤْمِنَةِ

خداوندا بدرستیکه این بدن کنیز مؤمنه تست

و اگر رو بهم بگوید بهتر است و در سایر احوال غسل مکرر بگوید

رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ

ای پروردگار من میطلبیم عفو ترا عفو ترا

تا خدا او را بیامرزد و سنت است که هر چه از عیوب میت بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند تا حق تعالی
گناهان او را بیامرزد چنانکه از ائمه منقول شده و مستحب است که غسل دهنده از جانب راست
بایستد و کودالی برابر قبله بکنند و تخته سر از بالا باشد که آب غسل در آن کودال رود و مکروه است
که آب غسل را بجائی که در آن بول و غایط کنند بریزند و اگر چاهی باشد که نجاست خانه در آن ریزند قصور
ندارد و مکروه است میت را به آب گرم غسل دادن مگر در حال ضرورت و مکروه است که میت
را در میان پاهای خود بگیرد و ایضا مکروه است که ناخن میت را بگیرد و یا موی او را بگیرد و یا شانه
کند و اگر بگیرد یا ناخن و موی [illegible] در اثنای غسل جدا شود باید که در میان کفن بگذارد و با میت دفن
[illegible] منقول است که [illegible] از حضرت امام محمد باقر پرسیده شد و حضرت صادق علیه السلام
و فرمودند که [illegible] مرتبه با آب قراح غسل دهند
و احوط آنست که سه مرتبه غسل دهند و اگر بیش از [illegible] هم [illegible] آنست که [illegible]

غسل دهند و اگر آب بهم نرسد یا میت را غسل نتوان داد که خوف آن باشد که بدن میت از هم بپاشد
تیمم دهند او را طاهر ایک تیمم کافی است و سه تیمم احوط است و بهتر آنست که تیمم را چنین بدهد که نیت کند
که تیمم میدهم این میت را بدل از غسلهای سه گانه که بسدر و کافور و قراح از جهت آنکه واجب است از برای
رضای خدا و تیمم دیگر را قصد کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسل کافور احتیاطاً قربةً الی الله و همچنین
قراح را و چون نیت کند دست خود را بر خاک زند و بر پیشانی میت کشد و دیگر بر پشت دست راست
میت و بعد از آن بر پشت دست چپ و اگر دو ضرب تیمم بدهد یکی برای رو و یکی برای دستها
خوب است و اگر میت محرم باشد او را غسل کافور ندهند و حنوط نکنند **فصل سوم** در کفن کردن
میت است واجب است که میت را سه کفن کنند و اکثر علما گفته اند که اول آنها لنگ است که از ناف
تا بعضی از ساق را بپوشد و بعضی گفته اند که سنت است که سینه را بپوشاند و بعضی گفته اند که سینه
را بپوشاند و تا پاها برسد و دوم پیراهن است و سوم سرتاسری که جمیع بدن را بپوشاند و بعضی از علما
گفته اند که پیراهن است و دو سرتاسری و جایز است که بجای پیراهن یک سرتاسری دیگر
بگیرند که مجموع سه سرتاسری باشد و این قول اظهر است و احادیث معتبره بر این دلالت دارد
و احوط آنست که با اینها لنگ نیز بکنند و با ضرورت یک سرتاسری کافی است و باید که کفن حریر
محض نبوده باشد و احوط آنست که کفن زنان نیز حریر محض نبوده باشد احوط آنست که کفن از پوست
نبوده باشد و بهتر آنست که از مو و پشم نیز نبوده باشد و مستحب است که از پنبه سفید بوده باشد
و سنت است که سرتاسری بالا از جمله دو سرتاسری حبره باشد و آن جامه بوده که از یمن
می آوردند و الحال معلوم نیست و دور نیست که اگر بجای آن قطنی سفید بکنند بد نباشد و علما
گفته اند که سنت است که اول جانب چپ لفافه را بر جانب راست میت اندازند و
بعد از آن جانب راست لفافه را بر جانب چپ میت و بهتر آنست که چنین کنند اگرچه
سندش بنظر نرسیده و سنت آنست که خرقه طولی که عرضش یک شبر و نیم طولش اقلاً سه
ذراع و نیم باشد بلکه پنج دست زیاده کنند برای ران پیچ یا آنکه سینه را آنرا [illegible]
[illegible] می بندند و پنبه بسیار بر عورت میت بگذارند و اگر زن باشد پنبه بیشتر بگذارند

و اگر پنبه قدری کافور بپاشند بهتر باشد و سر دیگر خرقه را از میان پاها بدر آورند و از زیر
بخیه بر کمرش بسته اند بیرون آورند و محکم ببندند که فرج را و پنبه که گذاشته اند فرا گیرد و پاها را
بهم آورند و رانها را با یکدیگر آن خرقه سخت به بندند تا زانوها و بهر جا که منتهی شود سرش را در آنچه
پیچیده اند فرو برند و سنت است که عمامه از برای مرد بگذارند که دور سرش بگردانند و موافق مشهور
بزیر حنک بگردانند و سرهای عمامه را از هر دو طرف بدر آورند و بر سینه میت بیندازند جانب چپ را بر جانب
راست و راست را بر جانب چپ و بدل عمامه مرد از برای زن مقنعه بگذارند و پارچه بر سینه
زن ببندند که پستانهای او بکفن بسته شود و بر پشتش گره زنند و مکروه است که کفن از کتان باشد یا پیراهنی
که تازه کنند آستین دوخته باشد اما اگر میت را در پیراهن خودش کفن کنند ضرر نیست و پیراهن آستین
و آستین داشتن باکی نیست اما تکمه ها و بندهایش را ببرند و سنت است که میت را کفن کنند در
پیراهنی که در آن نماز بسیار کرده است و اگر در پیراهن بعضی از علما و صلحا نیز کفن کنند شاید بنابر
و مستحب است که در جامه که در آن احرام بسته است در حج یا عمره کفن کنند و مستحب است که کفن خوب [illegible]
و مناسب میت باشد چنانچه در حدیث وارد شده است که نیکو کنید کفنهای مردگان
خود را که زینت ایشانست و با آن کفنها در قیامت مبعوث میشوند و سنت است که در قیمت
کفن مضایقه و مصری نکنند و کفن از مال بسیار حلال بی شبهه باشد و سنت است موافق
مشهور که بر کفن شهادتین و اقرار با ئمه معصومین ع بنویسند و دعای جوشن کبیر و غیر آن در بعضی
روایات وارد شده است و سنت است که بتربت حضرت امام حسین ع بنویسند و علما
گفته اند که سنت است که کفن را بر ریسمانی که از پیرزن [illegible] و زنند و با آب دهان تر نکنند
و سنت است که در وقتیکه غسل دهنده خواهد که میت را کفن کند دستهایش تا دوش یا آرنج
بشوید و بعد از آن شروع کند در کفن کردن و واجب است حنوط کردن میت را با آنکه بر هفت
موضع سجده او یعنی پیشانی و کف دستها و زانوها و انگشتان مهین پا کافور بمالند
اگر چه اندکی باشد بهتر آنست که سر بینی را نیز بمالند و بر سینه اش بریزند و اگر کافور
باقی ماند بر بندهای پا و بندهای دست و مرفقها و زیر بغلها و پیچ ران و بند انگشتانها

و سایر بدن‌ها را با الندا حوط است و بهتر آنست که کافور حنوط و کافور خام خودانه باشد و مقدار اقلش
بقدر یک شرفی باشد که چهار دانگ و نیم مثقال است و بهتر ازین آنست که یک مثقال باشد و بهتر
ازین آنست که سیزده درم و ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت رسول صلی الله علیه و آله که تقریبا
هفت مثقال صیرفی بوده باشد و بهتر آنست که کافور غسل ازین مقدار را نباشد و سنت مؤکده
سنت که دو جریده تازه با میت بگذارند و در اخبار بسیار وارد شده است که تا این تر باشد
میت را عذاب نمی‌کنند و بهتر آنست که چوب درخت خرما بوده باشد و اگر یافت نشود چوب
درخت سدر و اگر یافت نشود چوب درخت بید و اگر یافت نشود چوب درخت انار و اگر هم
نرسد هر چوب تر خوبست و باید که تر باشد و تازه از درخت بریده شده و خشک
هر چند از درخت خرما باشد لیکن هرگاه بریده شده فایده نمیکند و باید که هر یک بقدر یک شبر
بوده باشد یا یک ذراع و بعضی گفته اند که بقدر استخوان ذراع که از یک شبر
بیشتر است و ظاهر اسمه خوبست و بعضی گفته اند که یکی را با پهلوی راست بر طوبت شان بچسبانند
باند و یکی را از جانب راست بگذارند و سرش را بچنبر گردن گذارند و ملصق به بدن سازند و
دیگری را از جانب چپ در میان پیراهن و ستر تا سری بگذارند و سر آنرا نیز بچنبر گردن گذارند و بعضی
گفته اند که سنت که بر جریدتین شهادتین بنویسند به تربت شریف و اگر تقیه باشد و جریده
نتوان در کفن گذاشت در میان قبر بیندازند و اگر بعد از پر کردن قبر بخاطرشان بیاید
در میان قبر فرو برند و بدانکه کفن واجب میت از اصل مال او است مقدم بر دین و وصیت و میراث
و اگر چیزی نداشته باشد رختهای او را تطهیر کنند و با آنها کفن کنند و اگر آنهم نباشد
برهنه دفن کنند و بعضی گفته اند که از زکوة واجب کفن میت می توان کرد و خالی
از قوتی نیست و سنت موکد است که مومنان او را کفن کنند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که کفن کند مومنی را چنانست که ضامن جامه او
شده باشد تا روز قیامت و هر که قبری کند برای مومنی چنانست که او را در خانه موافقی
نیکو جا داده باشد تا روز قیامت و کفن زن بر شوهر واجب است هر چند زن مالدار باشد همچنین کفن بنده

بر صاحبش واجب است و اگر از میت نجاستی بیرون آید بدن او را بشویند و اگر کفن آلوده شده باشد تا در قبر نگذاشته اند آن را می شویند و اگر بقبر برده باشند مشهور آنست که آن موضع را مقراض میکنند و کفن را از یکدیگر می گذارند تا بدن میت پوشیده شود و بعضی گفته اند که اگر ممکن بوده باشد شستن در اندرون قبر با لگن و آفتابه ببرند و بشویند بهتر است خصوصا هر گاه بدن بسیار نجس شده باشد و تطهیر آن لازم باشد کفن را نیز تا آن عنوان بشویند و این احوط است و جمعی گفته اند که مکروه است کفن را با بدن بریدن و گفته اند از مشایخ چنین شنیده ایم و در حال کفن نیز سنت است که پا بالینش بجانب قبله باشد و سیکه در غیر جهاد یا با امام کشته شده باشد جراحتهای بدنش را ازاله می کنند و غسل میدهند و اگر سر جدا باشد در غسل اول سر را می شویند و آخر بدن را و بعضی گفته اند که اگر خون بند نشود و گل ارمنی میریزند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست در حکم چنین کسی که اول خون را می شویند و آب بر وی می ریزند در غسل و دست بر بدنش نمی مالند و بر جراحتهایش پنبه و کافور میگذارند و محکم می بندند و همچنین اگر گردنش بریده شده باشد و جدا نشده باشد کافور می پاشند بر موضع جراحت و پنبه بر آن میگذارند و بخرقه می بندند که خون بیرون نیاید و اگر سر از بدن جدا شده باشد در غسل اول سر را می شویند و بعد از آن بدن را و پنبه بر بالای گردن میگذارند و بعد از آن سر را بر روی گردن میگذارند و در میان کفن می پیچند و در هنگام دفن سر را با بدن میگیرند و در لحد میگذارند و رویش را بجانب قبله میگردانند

فصل چهارم در نماز میت است و این نماز واجب است بر همه مسلمانان که علم بفوت شخصی هم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران ساقط می شود و واجب است نماز بر هر شیعه اثنا عشری که بالغ باشد بخلاف و اشهر و اقوی آنست که بر طفلی که شش سالش تمام شده باشد نماز واجب است و ظاهر المقصد قربت آنستکه توان کرد و کمتر از شش ماهه را اگر زنده متولد شده باشد بعضی سنت دانسته اند و بعضی بدعت و احوط نماز نکردن است و جائز نیست نماز کردن بر کفار و خوارج و ناصبیان که عداوت اهل بیت داشته باشند و غالیان که ائمه علیهم السلام را خدا دانند یا گویند که خدا در ایشان حلول کرده است و بر و بد و بتضعا

که جدا را جسم میدانند و بر غیر ایشان از مخالفان خلاف است و ظاهر احوط نیست میان آنکه
نماز نکند یا بکند و چهار تکبیر بگوید و در تکبیر چهارم نفرین و لعنت بر او بکند و در موضع تقیه ترک نباید کرد و اولی
ترین مردم بنماز میت وارث او است بنا بر مشهور و بعضی گفته اند که بی رخصت ایشان نماز جماعت
نمی توان کرد و بانفراد می توان کرد و احوط آنست که تا توانند از ایشان رخصت گرفتن بی رخصت
نکنند و شوهر از همه خویشان اولی است نسبت بزن و مردان اولی اند از زنان و وارث اگر
خود قابلیت پیش نمازی نداشته باشد هر که را اعتقاد داشته باشد و بهتر داند مقدم دارد
و جائز است که زن پیش نمازی زنان بکند و با ماموان در یک صف بایستد و مرد باید که
پیش بایستد اگر چه ماموم یک نفر باشد و اگر زنان با مردان جمع شوند زنان در عقب مردان
بایستند و اگر حائض باشد سنت است که در صف جدا بایستد و واجب است که نماز گذارنده رو بقبله
بایستد و سر جنازه بجانب راست او باشد اگر امام باشد و در ماموم در کار نیست و احوط
در منفرد آن است که از برابر جنازه بیرون نباشد و واجب است که میت را بر پشت بخوابانند
و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست و جنب و حائض بی وضو این نماز می توانند کرد
و احوط آنست که سائر شروط نماز یومیه را درین نماز رعایت کنند از پوشانیدن عورت
و نجس نبودن جامه و بدن و حریر نبودن جامه و غیر اینها اگر چه اظهر آنست که هیچ یک در کار نیست
مگر چیزی چند که حرام باشد و ازاله آنها منافی افعال نماز باشد مانند طلا و حریر برای مردان
و جامه غصبی و سنت است که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی داشته باشد یا وقت
تنگ باشد سنت است که تیمم کند و ظاهر بعضی اخبار آنست که بدون عذر نیز تیمم مستحب است
و می باید که از جنازه بسیار دور نباشد مگر آنکه در نماز جماعت باشد و صفها در میان باشد
و نماز بر میت نمی توان کرد تا او را غسل و کفن بکنند اگر ممکن باشد و اگر کفن نداشته باشد او را
بقبر بگذارند و عورتش را بپوشانند و نماز کنند و سنت است که پیش نماز برابر میان مرد باشد
و سینه زن بنا بر مشهور و سنت است که کفش را بکنند و اگر موزه در پا داشته باشد در کار نیست
کندن او و اگر پا برهنه باشد بهتر است و واجب است که نیت کند و بهتر آنست که چنین نیت کند

الاحياء منهم والاموات تابع بيننا وبينهم بالخيرات انك مجيب

زنده های ایشان و مرده ها متابعت بینداز میان ما و میان ایشان به نیکیها بدرستیکه تو اجابت کننده

الدعوات انك على كل شيء قدير پس بگوید الله اكبر اللهم ان هذا عبدك

دعاهائی بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی خدا بزرگترست خداوندا بدرستیکه این بنده تست

وابن عبدك وابن امتك نزل بك وانت خير منزول به اللهم انا لا نعلم

و پسر بنده تست و پسر کنیز تست فرود آمد نزد تو و تو بهترین فرود شده کانی خداوندا بدرستیکه ما ندانیم

منه الا خيرا وانت اعلم به منا اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان

از او مگر نیکی و تو داناتری باو از ما خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاده کن در احسان او و اگر هست

مسيئا فتجاوز عنه واغفر له اللهم اجعله عندك في اعلى عليين واخلف

گناهکار پس درگذر از او و بیامرز او را خداوندا بگردان او را نزد خود در بلندترین جاها و خلیفه باش

على اهله في الغابرين وارحمه برحمتك يا ارحم الراحمين پس بگوید الله اكبر و

بر اهل او در باقی ماندگان و رحم کن بر او برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان خدا بزرگترست

می شود و اگر زن باشد می گوید اللهم ان هذه امتك وابنة عبدك وابنة امتك

خداوندا بدرستیکه این کنیز تست و دختر بنده تست و دختر کنیز تست

نزلت بك وانت خير منزول به اللهم انا لا نعلم منها الا خيرا وانت اعلم

فرود آمده است بتو و تو بهترین فرود شده کانی خداوندا بدرستیکه ما ندانیم از او مگر نیکی و تو داناتری

بها منا اللهم ان كانت محسنة فزد في احسانها وان كانت مسيئة

باو از ما خداوندا اگر هست احسان کننده پس زیاده کن در احسان او و اگر هست گناهکار

فتجاوز عنها واغفر لها اللهم اجعلها عندك في اعلى عليين واخلف

پس درگذر از او و بیامرز او را خداوندا بگردان او را نزد خود در بلندترین جاها و خلیفه باش

على اهلها في الغابرين وارحمها برحمتك يا ارحم الراحمين

بر اهل او در باقی ماندگان و رحم کن او را برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان

واگر بعد از هر چهار تکبیر این دعا بخواند خوب است

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ

گواهی میدهم اینکه نیست معبودی بحق مگر خدای یگانه در حالیکه نیست شریکی او را و گواهی میدهم بدرستیکه محمد بنده او و پیغمبر او

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا

خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد و بیامرز مردان مومن را و زنان مومنه را خداوندا بدرستیکه این

الْمُسَجّٰی قُدَّامَنَا عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ وَقَدْ قَبَضْتَ رُوْحَهُ اِلَیْکَ وَقَدِ احْتَاجَ

چادر پوش که در پیش ماست بنده تست و پسر بنده تست و بتحقیق گرفتی روح او را بسوی خود و بتحقیق محتاج

اِلٰی رَحْمَتِکَ وَاَنْتَ غَنِیٌّ عَنْ عَذَابِهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَیْرًا

بسوی رحمت تو و تو بی نیازی از عذاب او خداوندا بدرستیکه ما نمی دانیم از ظاهر او مگر نیکی

وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِسَرِیْرَتِهِ اَللّٰهُمَّ اِنْ کَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِیْ اِحْسَانِهِ وَاِنْ کَانَ

و تو داناتری به پنهان او خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاده کن در احسان او و اگر

مُسِیْئًا فَتَجَاوَزْ عَنْ سَیِّئَاتِهِ

گنه کار پس درگذر از گناهان او

واگر زن باشد بگوید

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ الْمُسَجَّاةَ قُدَّامَنَا اَمَتُکَ وَابْنَةُ عَبْدِکَ وَقَدْ قَبَضْتَ رُوْحَهَا

خداوندا بدرستیکه این چادر پوش که پیش روی ماست کنیز تست و دختر بنده تست و بتحقیق گرفتی روح او را

اِلَیْکَ وَقَدِ احْتَاجَتْ اِلٰی رَحْمَتِکَ وَاَنْتَ غَنِیٌّ عَنْ عَذَابِهَا اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ

بسوی خود و بتحقیق محتاج است بسوی رحمت تو و تو بی نیازی از عذاب او خداوندا ما نمی دانیم

مِنْهَا اِلَّا خَیْرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِسَرِیْرَتِهَا اَللّٰهُمَّ اِنْ کَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ

از ظاهر او مگر نیکی و تو داناتری بباطن او خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاده کن

فِیْ اِحْسَانِهَا وَاِنْ کَانَتْ مُسِیْئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْ سَیِّئَاتِهَا

در نیکی او و اگر هست گنه کار پس درگذر از گناهان او

بلکه موافق جمع بین الاحادیث بهتر است و اگر بعد از تکبیر این دعا را بخواند

خوب است

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمداً عبده ورسوله

گواهی میدهم اینکه نیست معبودی مگر خدا در حالتیکه یگانه است نیست شریکی او را و گواهی میدهم بدرستیکه محمد بنده و پیغمبر او

اللهم صل علی محمد وآل محمد وعلی الائمة الهداة واغفر لنا ولاخواننا

خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد و بر امامان راهنما و بیامرز مارا و برادران مارا

الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک

که سبقت کردند مارا بایمان و مگردان در دلهای ما کینه برای آنانکه ایمان آورده اند پروردگارا بدرستیکه تو

رؤف رحیم اللهم اغفر لاحیائنا وامواتنا من المؤمنین والمؤمنات والف

آمرزنده مهربانی خداوندا بیامرز زنده ها مارا و مرده ها مارا از مردان مؤمن و زنان مؤمنه والفت ده

قلوبنا علی قلوب اخیارنا واهدنا لما اختلف فیه من الحق باذنک انک تهدی

دلهای مارا بر دلهای بهتران ما و راه نما بما آن چیزیکه اختلاف کرده شده در آن از حق باذن تو بدرستیکه تو هدایت میکنی

من تشاء الی صراط مستقیم اللهم عبدک ابن عبدک ابن امتک اتی الیک

کسی را که میخواهی بسوی راه راست خداوندا بنده تو پسر بنده تو پسر کنیز تو و تو وارد شده بر تو

افتقر الی رحمتک واستغنیت عنه اللهم فتجاوز عن سیئاته وزد فی حسناته

محتاج است بسوی رحمت تو و بی نیازی تو از او خداوندا پس درگذر از گناهان او و افزون کن در نیکیهای او

واغفر له وارحمه ونور له فی قبره ولقنه حجته والحقه بنبیه صلی الله علیه

و بیامرز او را و رحم کن او را و نور بخش او را در قبر او و بیاموز او را حجت او را و او را لاحق کن با پیغمبر او درود خدا بر او

وآله ولا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده

و آل او و محروم مگردان مارا از اجر او و میازما مارا بعد او

و اگر زن باشد از اول این دعا بخواند تا

الی صراط مستقیم

و بعد از آن میگوید اَللّٰهُمَّ اَمَتُكَ ابْنَةُ عَبْدِكَ ابْنَةُ اَمَتِكَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِهَا

خداوندا کنیز تو دختر بندهٔ تو دختر کنیز تو تو داناتری بآن

اَفْتَقَرَتْ اِلَى رَحْمَتِكَ وَاسْتَغْنَيْتَ عَنْهَا اَللّٰهُمَّ فَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِهَا وَزِدْ

و محتاج است بسوی رحمت تو و تو بی نیازی از وی خداوندا پس درگذر از گناهان او و زیاده کن

فِى حَسَنَاتِهَا وَاغْفِرْ لَهَا وَارْحَمْهَا وَنَوِّرْ لَهَا فِى قَبْرِهَا وَلَقِّنْهَا حُجَّتَهَا

در نیکیهای او و بیامرز او را و رحم کن او را و نور بخش مر او را در قبرش و تلقین کن او را حجت او را

وَاَلْحِقْهَا بِنَبِيِّهَا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تَحْرِمْنَا اَجْرَهَا وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهَا

و لاحق کن او را به پیغمبر او درود فرستد خدا بر او و آل او و محروم مکن ما را از اجر او و مفتون مکن ما را بعد از او

و سنت است که بعد از فارغ شدن از نماز بگوید

رَبَّنَا اٰتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

ای پروردگار ما عطا کن ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش

و اگر میت مخالف مذهب باشد نماز کننده بعد از تکبیر چهارم بلکه بعد از هر تکبیر

او را لعنت و نفرین کند و بهتر این است که چنین بگوید

اَللّٰهُمَّ اَخْزِ عَبْدَكَ فِى عِبَادِكَ وَبِلَادِكَ اَللّٰهُمَّ اَصْلِهِ حَرَّ نَارِكَ

خداوندا رسوا کن بندهٔ خود را در میان بندگان خود و شهرهای خود خداوندا در آور او را بگرمی آتش

اَللّٰهُمَّ اَذِقْهُ اَشَدَّ عَذَابِكَ فَاِنَّهُ كَانَ يُوَالِى اَعْدَائَكَ وَيُعَادِى اَوْلِيَائَكَ

خداوندا بچشان او را سخت ترین عذاب خود بدرستیکه او دوست میداشت دشمنان ترا و دشمن میداشت دوستان ترا

وَيُبْغِضُ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و دشمن میداشت اهل بیت پیغمبر ترا رحمت کند خدا بر او و آل او

و اگر میت مستضعف باشد که ضعیف العقل باشد و تمیز میان حق و باطل نتواند کرد

یا اهل بیت علیهم السلام

و حکم او با دشمنان ایشان باشد ...

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِيْنَ تَابُوْا وَاتَّبَعُوْا سَبِيْلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيْمِ

خداوندا بیامرز جماعتی را که توبه کردند و پیروی کردند راه ترا و نگاهدار ایشان را از عذاب دوزخ

و اگر مذهب میت معلوم نباشد بگوید

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ النَّفْسَ اَنْتَ اَحْيَيْتَهَا وَاَنْتَ اَمَتَّهَا اَللّٰهُمَّ وَلِّهَا

خداوندا بدرستیکه این نفس تو زنده کردی آنرا و تو میرانیدی او را خداوندا دوست گردان او را

مَا تَوَلَّتْ وَاحْشُرْهَا مَعَ مَنْ اَحَبَّتْ

بآنچه متوجه بوده و محشور گردان ویرا با کسیکه دوست میداشت

و اگر میت طفل و نابالغ باشد بگوید

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِاَبَوَيْهِ وَلَنَا سَلَفًا وَفَرَطًا وَاَجْرًا

خداوندا بگردان او را برای پدر و مادرش برای ما پیشرو و پیش رسنده و مزد و مشهور در میه آنست که دعاهای سه تکبیر اول را میخواند بنحویکه گذشت و این دعا را بعد از تکبیر چهارم میخواند و برسنی اگر نماز کند تکبیر پنجم را نمیگوید و سنت ست که بر جای خود بایستد تا جنازه را بردارند خصوصا پیش نماز و نماز جنازه را در مسجد میتوان کرد و مشهور آنست که اگر در مسجد نکند بهتر ست و بر یک جنازه دو مرتبه نماز کردن خلاف ست در جواز آن و در نیست که کسیکه نماز نکرده باشد تواند کرد و کسیکه در اثنای نماز برسد بقصد جماعت ملحق میشود و دعاها که خودش را می باید خواند میخواند و چون پیش نماز فارغ شود بقیه را با دعاهای مختصر بخواند اگر جنازه را برداشته و اگر دور شود یا که دو تکبیر یا زیادتی بجای بگوید و اگر میتی را بی نماز دفن کرده باشند احوط آنست که بر قبر او نماز کنند هر چند مدتی گذشته باشد و همه وقت نماز جنازه میتوان کرد مگر آنکه وقت حاضره تنگ باشد که حاضره مقدم میدارد و بهتر آنست که با وسعت وقت نیز اول حاضره را مقدم دارد مگر آنکه خوف فوت نماز جنازه بوده باشد یا خوف ضایع شدن میت **فصل پنجم** در آداب دفن میت و آداب آن و بعد از آن سنت ست که تا میت را در قبر بگذارند بنشینند و واجب ست کفایةً دفن کردن میت

و قدر واجب آنست که میت را در گودی پنهان کنند بحیثیتی که بوی بد او از مردم مستور گردد
و جسد او از درندگان ایمن باشد و خوابانیدن او بر جانب راست رو بقبله واجب است بقول
مشهور و بعضی مستحب دانسته اند و مستحب است کندن قبر بقدر قامتی یا تا چنبر گردن و سنت است
کندن لحد از طرف قبله و مستحب است که آنقدر فراخ باشد که کسی در آن تواند نشست و اگر
زمین سست باشد و لحد نتوان کند بعضی گفته اند که مانند لحد بسازند و اگر نتوانند قبر را شق کنند
با آنکه از میان قبر بقدر جسد میت فرو برند آنقدر که توان نشست و دو طرف را داشته باشد که
خشت بر روی آن توان گذاشت که خاک بر میت ریخته نشود و احوط آنست که در مانند سرداب و
تابوت و صندوق نگذارند و شخصی که در دریا بمیرد اگر ممکن باشد بخشکی برسانند و الا در مانند خم گذارند
و سرش را ببندند و در دریا اندازند اگر ممکن باشد و الا او را سنگین کنند و رو بقبله بآب
اندازند و چون جنازه نزدیک قبر رسد سنت است که او را نزد پای قبر بگذارند اگر مرد باشد
و اگر زن باشد برابر قبله بگذارند و مشهور آنست که زمانی میگذارند و سه مرتبه او را نقل میکنند
و مرتبه چهارم او را بقبر می برند و آنچه در روایات معتبره وارد شده است آنست که چون
میت را نزدیک قبر رسانی او را ناگاه در قبر مبر و کار را بر او سنگین مکن و پائین تر از قبر بدو
ذراع یا سه ذراع بگذار و ساعتی صبر کن تا تهیه خود را بگیرد برای سؤال قبر زیرا که قبر را هولهای
عظیم است و دعا کن خدا او را پناه دهد از اهوال قبر و سنت است که سر میت را
پیش کنند و از پای قبر سرازیر بقبر فرو برند و جمعی از علما گفته اند که زن را از پیش
قبله میگیرند و بعرض قبر می برند و سرازیر نمی کنند چنانچه در بعضی از روایات وارد شده است
و سنت است که شخصی که بقبر میرود که میت را بقبر گذارد بندهای قبا را بگشاید و بالاپوش و ردا
را بیندازد و سر و پایش برهنه باشد و جایز است یک کس برود یا زیاده خواه طاق باشد
و خواه جفت و اکثر علما گفته اند که مکروه است که اگر میت مرد باشد خویش او او را بقبر برد و از آنچه
از احادیث ظاهر میشود آنست که پدر را مکروه است که در قبر فرزند داخل شود و فرزند و سایر
اقارب را باکی نیست و اگر میت زن بوده باشد احوط آنست که محرم او او را بقبر برد

واگر محرم نبوده باشد زن صالحه برد واگر زن نبوده باشد مرد صالح برد و در رفتن و
بیرون آمدن سنت است که از پیش پای قبر باشد سنت است که چون میت را نزدیک قبر بگذارد بگوید
اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ
خداوندا بنده تو پسر بنده تو و پسر کنیز تو فرود آمد بتو و تو بهتر از کسانیکه فرود آمده شوند باو

و چون میت را بردارد که بقبر برد بگوید
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ اِلٰى
بنام خدا و بیاری خدا و بر مذهب رسول خدا درود فرستد خدا بر او و آل او خداوندا بسوی
رَحْمَتِكَ لَا اِلٰى عَذَابِكَ اَللّٰهُمَّ اَفْسِحْ لَهٗ فِيْ قَبْرِهٖ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهٗ وَثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ
رحمت تو نه بسوی عذاب تو خداوندا فراخی کن برای او در قبر او و بیاد ده او را حجت او و ثابت گذار او را بقول
الثَّابِتِ وَقِنَا وَاِيَّاهُ عَذَابَ الْقَبْرِ
ثابت و نگاهدار ما را و او را از عذاب قبر

و چون در قبر بگذارد سنت است که بندهای کفن را بگشاید و روی میت را باز کند و طرف
راست روی او را بر زمین برساند و اگر زیر سر را از خاک بلند تر کند بد نیست و خشتی بر پشت
بگذارد که بر پشت نیفتد و سنت است که مهری از تربت حضرت امام حسین در برابر روی
او بگذارد و اگر تربت آنحضرت در کفن نیز بگذارد بهتر است و بگوید
اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ
پس سوره فاتحه و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی
بخواند و اگر حاضران هم بخوانند بهتر است پس بگوید
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ
بنام خدا و بیاری خدا و در راه خدا و بر مذهب رسول خدا درود فرستد خدا بر او و اولاد او
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ افْسَحْ فِيْ قَبْرِهٖ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهٖ
خداوندا درود فرست بر محمد و اولاد محمد خداوندا فراخی کن او را در قبر او و لاحق کن او را به پیغمبر او

صلى الله عليه وآله اللهم إن كان محسنا فزد في إحسانه وإن كان

و درود بفرستد خدا بر او و اولاد او خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاده کن در احسان او و اگر هست

مسيئا فاغفر له وارحمه وتجاوز عنه و پس بگوید اللهم جاف الأرض

گنه کار پس بیامرز او را و ترحم کن او را و درگذر از او خداوندا دور دار زمین را

عن جنبيه وصاعد عمله ولقه منك رضوانا پس بگوید اللهم عبدك

از دو پهلوی او و بالا ببر عمل او را و برسان او را از خود خوشنودی خداوندا بنده تو

وابن عبدك وابن أمتك نزل بك وأنت خير منزول به اللهم افسح

و پسر بنده تو و پسر کنیز تو فرود آمده بتو و تو بهترین کسانیکه فرود آیند باو خداوندا گشاده

له في قبره ولقه حجته وألحقه بنبيه وقه شر منكر ونكير

بر او در گور او و بیاموز او را حجت او را و برسان او را به پیغمبر او و نگاهدار او را از شر منکر و نکیر

بسم الله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه وآله

بنام خدا و در راه خدا و بر مذهب رسول خدا درود بفرستد خدا بر او و اولاد

اللهم عبدك ابن عبدك نزل بك وأنت خير منزول به اللهم

خداوندا بنده تو پسر بنده تو فرود آمده بتو و تو بهترین کسانیکه فرود آیند باو خداوندا

افسح له في قبره وألحقه بنبيه اللهم إنا لا نعلم منه إلا خيرا وأنت

گشاده کن بر او در گورش و برسانش به پیغمبرش خداوندا بدرستیکه ما نمیدانیم از او مگر نیکوئی و تو

أعلم به منا و در روایت دیگر است اللهم یا رب عبدك ابن عبدك نزل بك

دانا تری باو از ما خداوندا ای پروردگار بنده تو پسر بنده تو فرود آمده بتو

وأنت خير منزول به اللهم إن كان محسنا فزد في إحسانه وإن كان مسيئا

و تو بهترین کسانیکه فرود آیند باو خداوندا اگر باشد نیکوکار پس زیاده کن در نیکوئی او و اگر باشد گنه کار

فتجاوز عنه وألحقه بنبيه محمد صلى الله عليه وآله وصالح شيعته

پس درگذر از او و برسان او را به پیغمبر او که محمد است درود بفرستد خدا بر او و آل او و نیکوکاران شیعه او

وَاهدِنا وَاِیّاهُ اِلی صِراطٍ مُستَقیمٍ اَللّٰهُمَّ عَفوَکَ عَفوَکَ

و راه نما ما را و او را بسوی راه راست خداوندا می خواهم عفو تو عفو تو

اَللّٰهُمَّ هٰذا عَبدُکَ فُلانٌ وَابنُ عَبدِکَ قَد نَزَلَ

خداوندا این بنده تو فلان و پسر بنده تو فرود آمده

بِکَ وَاَنتَ خَیرُ مَنزُولٍ بِهِ قَد احتاجَ اِلی رَحمَتِکَ اَللّٰهُمَّ وَلا نَعلَمُ

بتو و تو بهترین فرود آمده شده که بتحقیق نیازمند شده بسوی رحمت تو خداوندا و نمیدانیم ما

مِنهُ اِلّا خَیراً وَاَنتَ اَعلَمُ بِسَریرَتِهِ وَنَحنُ الشُّهَداءُ بِعَلانِیَتِهِ اَللّٰهُمَّ فَجافِ

از و مگر نیکوئی و تو داناتری به نهانی او و مائیم گواهان آشکارای او خداوندا دور کن

الاَرضَ عَن جَنبَیهِ وَلَقِّنهُ حُجَّتَهُ وَاجعَل هٰذا الیَومَ خَیرَ یَومٍ اَتیٰ عَلَیهِ

زمین را از دو پهلوی او و بیاموز او را حجت او را و بگردان این روز را بهترین روزی که گذشت بر او

وَاجعَل هٰذَا القَبرَ خَیرَ بَیتٍ نَزَلَ فِیهِ وَصَیِّرهُ اِلی خَیرٍ مِمّا کانَ فِیهِ وَوَسِّع

و بگردان این گور را بهترین خانه که فرود آمده در او و بگردان او را بسوی بهتر از آنچه بود در آن و فراخ گردان

لَهُ فی مُدخَلِهِ وَآنِس وَحشَتَهُ وَاغفِر ذَنبَهُ وَلا تَحرِمنا اَجرَهُ وَلا تُضِلَّنا بَعدَهُ

برای او جای آمدنش را و آرام کن ترسیدگیش را و بیامرز گناهانش را و محروم مکن ما را از ثواب مصیبت او و گمراه مکن ما را بعد از او

و سنت است که درین حال عقاید حقه را تلقین کند خصوصاً ولایت ائمه معصومین صلوات الله علیهم و بهتر آنکه بدست راست دوش راست را بگیرد و بدست چپ دوش چپ را حرکت دهد و تلقین کند و اگر این تلقین را بگوید بهتر است

اِسمَع اِفهَم اِسمَع اِفهَم اِسمَع اِفهَم یا فُلانَ بنَ فُلانٍ هَل اَنتَ عَلَی

بشنو بفهم بشنو بفهم بشنو بفهم ای فلان پسر فلان آیا تو هستی بر

العَهدِ الَّذی فارَقتَنا عَلَیهِ مِن شَهادَةِ اَن لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَحدَهُ لا شَریکَ

عهدی که مفارقت کردی ما را بر آن از شهادت اینکه نیست خدائی مگر خدا یگانه نیست شریک

لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللّٰهُ عَلَیهِ وَآلِهِ عَبدُهُ وَرَسُولُهُ وَسَیِّدُ النَّبِیّینَ وَخاتَمُ

مر او را و بدرستیکه محمد بنده او و فرستاده اوست و سید پیغمبران و آخر

الْمُرْسَلِينَ وَاَنَّ عَلِيًّا اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَاِمَامٌ افْتَرَضَ اللّٰهُ

فرستاده شدگان وبدرستیکه علی امیر مومنان است وسرور اوصیا وامامیکه واجب کرده است خدا

طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ وَاَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ

طاعت او را بر عالمیان وبدرستیکه حسن وحسین وعلی پسر حسین ومحمد پسر

عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ

علی وجعفر پسر محمد وموسی پسر جعفر وعلی پسر موسی ومحمد پسر علی

وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْقَائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ

وعلی پسر محمد وحسن پسر علی وحجت مهدی درودهای

اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَئِمَّةُ الْمُؤْمِنِينَ وَحُجَجُ اللّٰهِ عَلَى الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ وَاَئِمَّتُكَ

خدا برایشان پیشوایان مومنان وحجتهای خدا بر خلق همه وپیشوایان تو

اَئِمَّةُ هُدًى اَبْرَارٌ يَا فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ اِذَا اَتَاكَ الْمَلَكَانِ الْمُقَرَّبَانِ رَسُولَيْنِ

پیشوایان هدایت نیکان ای فلان پسر فلان هرگاه بیایند ترا دو فرشتگان ومقرب درگاه دو فرستاده

مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَسَئَلَاكَ عَنْ رَبِّكَ وَعَنْ نَبِيِّكَ

از نزد خداکه بزرگ است وبلند وسوال کنند ترا از پروردگار تو واز پیغمبر تو

وَعَنْ دِينِكَ وَعَنْ كِتَابِكَ وَعَنْ قِبْلَتِكَ وَعَنْ اَئِمَّتِكَ فَلَا تَخَفْ

واز دین تو واز کتاب تو واز قبله تو واز امامان تو. پس مترس

وَقُلْ فِي جَوَابِهِمَا اللّٰهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ

وبگو در جواب ایشان خدا که بزرگست بزرگواری او پروردگار منست محمد درود فرستد خدا براو

آلِهِ نَبِيِّي وَالْاِسْلَامُ دِينِي وَالْقُرْآنُ كِتَابِي وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِي وَ

واولاد او پیغمبر من است واسلام دین منست وقرآن کتاب من است وکعبه قبله من است و

اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ اَبِي طَالِبٍ اِمَامِي وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى

امیر المومنین علی پسر ابوطالب امام من است وحسن پسر علی برگزیده

إمامي والحسين بن علي الشهيد بكربلا إمامي وعلي زين العابدين

امام من است و حسين پسر علي شهيد در كربلا امام من است و علي زينت عابدان

إمامي ومحمد بن علي باقر علم النبيين إمامي وجعفر الصادق إمامي

امام من است و محمد پسر علي باقر علم پيغامبران امام من است و جعفر صادق امام من است

وموسى الكاظم إمامي وعلي الرضا إمامي ومحمد الجواد إمامي

و موسى كاظم امام من است و علي بن موسى الرضا امام من است و امام محمد تقي امام من است

وعلي الهادي إمامي والحسن العسكري إمامي والحجة المنتظر إمامي

و علي نقي راهنما امام من است و حسن عسكري امام من است و حجت خدا انتظار برده شده امام من است

هؤلاء صلوات الله عليهم أجمعين أئمتي وسادتي وقادتي وشفعائي

اين جماعت درودهاي خدا بر ايشان همه پيشوايان من اند و سروران من و پيشوايان من و شفاعت كنندگان من

بهم أتولى ومن أعدائهم أتبرأ في الدنيا والآخرة ثم اعلم

با ايشان تولى مينمايم و از دشمنان ايشان تبرا ميجويم در دنيا و آخرت بعد از آن بدان

يا فلان بن فلان أن الله تبارك وتعالى نعم الرب وأن محمدا صلى الله عليه

اى فلان پسر فلان بدرستيكه خداى بلند و بلند خوب پروردگاري است و بدرستيكه محمد درود فرستد خدا بر او

وآله نعم الرسول وأن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب وأولاده

و اولاد او خوب رسولي است و بدرستيكه امير المؤمنين علي پسر ابو طالب و اولاد او

الأئمة الأحد عشر نعم الأئمة وأن ما جاء به محمد صلى الله عليه

امامان يازده گانه خوب امامانند و بدرستيكه آنچه آورده است آنرا محمد درود فرستد خدا بر او

وآله حق وأن الموت حق وسؤال منكر ونكير في القبر حق

و اولاد او حق است و بدرستيكه مرگ حق است و سوال منكر و نكير در قبر حق است

والبعث حق والنشور حق والصراط حق والميزان حق وتطاير

و بعث حق است و زندگي بعد مرگ حق است و پل صراط حق است و ميزان حق است و پريدن

الكتب حق والجنة حق والنار حق وان الساعة اٰتية لا ريب

کتابها حق ست و بهشت حق ست و دوزخ حق ست و بدرستیکه قیامت آینده هست نیست شکی

فيها وان الله يبعث من في القبور پس بگوید افهمت يا فلان

دران و بدرستیکه خدا مبعوث میکند کسیکه در قبرست آیا فهمیدی ای فلان

که سیت در جواب میگوید فهمیدم ثبتك الله بالقول الثابت هداك الله الى صراط

ثابت دارد ترا خدا بالقول ثابت هدایت کند ترا خدا بسوی راه

مستقيم عرف الله بينك وبين اوليائك في مستقر من رحمته پس بگوید

است شناسا کند خدا میان تو و میان دوستان تو در قرارگاهی از رحمت خود

اللهم جاف الارض عن جنبيه واصعد بروحه اليك ولقه

خدایا دور کن زمین را از دو پهلوی او و بالا ببر روح او را بسوی خود و بنما او را

منك برهانا اللهم عفوك عفوك پس خشت بر لحد بگذارد و آجر پخته نیز

از نزد خود برهانی خدایا عفو ترا عفو ترا خوب ست و خشت خام بهترست

و اگر خشت عریض باشد بست بگذارد و بر رخنه خشتها خشت و گل بگذارد و با گل رخنه ها را

بگیرد و اگر خشتها کوچک باشد ...

اللهم صل وحدته وآنس وحشته وآمن روعته واسكن

خدایا وصل کن تنهایی او را و مونس شو وحشت او را و ایمن کن خوف او را و جا بده

اليه من رحمتك رحمة تغنيه بها عن رحمة من سواك

بسوی او از رحمت خود رحمتی که بی نیاز گرداند او را بآن از رحمت غیر خود

فانما رحمتك للظالمين و در روایت دیگر دارد یستغنی

پس جز این نیست که رحمت تو برای ظالمانست رحمتی که بی نیاز شود

بها عن رحمة من سواك واحشره مع من كان يتولاه

بآن از رحمت آنکه غیر تست و محشور کن او را با کسیکه همیشه دوست میداشت او را

و مکروه است فرش قبر بچوب و تخته کردن یا میت را با تابوت کذاشتن مگر آنکه زمین آب
بر آرد یا نم بسیار داشته باشد چون از میت جدا شوی و قبر آید بگوید

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ

بدرستیکه ما بندهٔ خدائیم و بدرستیکه بسوی او رجوع کنندگانیم و سپاس خدای را که پروردگار عالمیانست خداوندا بلند کن درجهٔ او را

فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلَىٰ عَقِبِهِ فِي الْغَابِرِينَ وَعِنْدَكَ نَحْتَسِبُهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

در مرتبهٔ بلند علیین و خلیفه باش بر عقب او در باقیماندگان و نزد تو حساب میکنیم از آن ای پروردگار عالمیان

پس سنت است که حاضران به پشت کف خاک در قبر بریزند و اگر انگشتان دست کفها را پر کنند
و بریزند نیز خوبست و سنت است که سه مرتبه بریزند و در وقت ریختن بگویند

اَللّٰهُمَّ إِيمَانًا بِكَ وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ

خداوندا از راه ایمان بتو و تصدیق به کتاب تو چیزیست که وعده کرده است ما را خدا

وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَنَا إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا

و پیغمبر او و راست گفت خدا و رسول او و نیفزود ما را مگر ایمان و قبول کردن

و در حدیث است که هر که چنین کند و اینه دعا بخواند حق تعالی بعدد هر ذرهٔ از خاک حسنهٔ از برای
او بنویسد و مکروه است که خویشان میت خاک بر قبر بریزند که موجب قساوت قلب است و دوری
از رحمت الهی و سنت است که بغیر خاک قبر میت نریزند که با میت بریست و سنت است
که قبر را بقدر چهار انگشت بلند کنند و بعضی چهار انگشت گشاده و بعضی هم آورده گفته اند که تا
هر دو خوب باشد و در روایت است که یک شبر نیز مجوز باشد و مستحب است که قبر را چهار گوشه کنند
و درویش هن کنند و خرپشته نکنند چنانکه سنیان می کنند و بعد از آن آب بر قبر بریزند
و در خبر است که تا تری در قبر هست میت را عذاب نمی کنند و سنت است که آب بریزنده
بقبله بایستد و ابتدا از پیش سر کند و بر یک جانب قبر بریزد تا به پیش پا و برگرداند بجانب
دیگر و بریزد تا به پیش سر و بعد از آن بمیان قبر بریزد و سنت است که آب قطع نکنند و متصل بریزد
تا تمام شود و مستحب است که بعد از آب ریختن دست بر قبر گذارند در حالیکه انگشتان ایشان گشاده باشد

وقوت کنند تا از انگشتان ایشان در گل بماند و در ولید باشند و از بعضی روایات مفهوم میشود که نزدیک سر او بنشینند و این دعا بخوانند

اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَاَصْعِدْ اِلَيْكَ رُوْحَهُ وَلَقِّهِ مِنْكَ

خداوندا دور گردان زمین را از دو پهلوی او و بالا ببر بسوی خود روح او را و ملاقات ده او را از جانب خود

رِضْوَانًا وَاَسْكِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُغْنِيهِ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ

خوشنودی و ساکن کن در قبر او از رحمت خود چیزی را که بی نیاز کند او را از رحمت کسی که سوای تست و هفت مرتبه انا انزلنا بخوانند و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که گذشت ضمیر مؤنث بیاورند و سنت است که ولی میت یعنی اقرب خویشان او بعد از آنکه مردم برگردند نزد سر میت بنشینند و بآواز بلند آن تلقین که گذشت بار دیگر بکنند و اگر دیگری را نایب کند نیز خوب است و در اخبار وارد شده است که چون این تلقین را بکنند منکر بنکیر میگوید بیا برویم که تلقین حجتش کردند احتیاج به پرسیدن نیست پس برمیگردند و سوال نمی‌کنند و مکروه است عمارت بر قبر زدن و بر سر قبر بسیار ماندن و رو مالیدن بر قبر مگر قبور ائمه و انبیا و بعضی گفته اند که قبور علما و صلحا نیز این حکم دارد و مکروه است تازه کردن قبر بعد از مندرس شدن و در خبر است که حق تعالی دوست میدارد دلهای شکسته و قبرهای مندرس شده را و مکروه است در حال اختیار دو میت را در یک قبر گذاشتن و میت را از بلدی که در آنجا مرده است بشهرهای دیگر بردن مگر بمشاهد مشرفه ائمه معصومین علیهم السلام و بعضی استثنا کرده اند نقل بمقبره علما و صلحا و شهدا را نیز و مکروه است بر روی قبر نشستن و راه رفتن بلکه بخصوص زیارت قبور که ضرور شود و مشهور آنست که جایز نیست نبش قبور مگر در چند صورت یکی آنکه در قبر مال صاحب قیمت افتاده باشد دیگر آنکه در زمین غصبی دفن کرده باشند یا در کفن غصبی کفن کرده باشند دیگر آنکه او را بی غسل و کفن در خاک کرده باشند و از هم نپاشیده باشد و مشهور آنست که جایز نیست نقل مردگان بعد از دفن و بعضی استثنا کرده اند نقل بمشاهد مشرفه حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و مشهور آنست که از برای غیر پدر و برادر گریبان چاک کردن و جامه

دریدن برای غیر پدر و برادر روا نیست جائز است بلکه از بعضی اخبار ظاهر میشود که مستحب باشد خصوصاً بر پدر و بعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا و احوط ترک است و جائز نیست خراشیدن رو و کندن و بریدن مو و احوط آنست که طپانچه بر رو و زانو و غیر آن نزنند و بعضی از علما موافق روایتی قائل شده اند که زنیکه موی سر خود را در مصیبتی ببرد واجبست که کفاره بدهد چنانچه در خاتمه مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و بعضی گفته اند که گناه دارد و کفاره بر او نیست و در نیست که سنت باشد و احوط دادن کفاره است و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند به بریدن در وجوب کفاره و همچنین اکثر علما قائل شده اند که واجبست کفاره قسم بر زنی که موی سر را بکند در مصیبت یا روی خود را بخراشد که خون برآید و بر مردی که در مرگ فرزند خود یا زن خود جامه چاک کند و کفاره یمین ان شاء الله تعالی مذکور خواهد شد و بعضی واجب ندانسته اند و احوط عمل بمشهور است و لازمست اصحاب مصیبت را که صبر کنند بلکه بقضای الهی راضی باشند و بدانند که حق تعالی صابران را اجر بی حساب کرامت میفرماید و باید که چون مصیبت رسد بسیار بگویند

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

هر آئینه ما منقادیم خدا را و هر آئینه بسوی او است بازگشت ما را

تا ثوابهای گذشته او آمرزیده شود و هرگاه که آن مصیبت بخاطرش آید این کلمه را بگوید تا گناهان ما بین این دو کلمه آمرزیده شود و بسند معتبر منقولست که هر که مصیبتی را بخاطر آورد اگر چه بعد از مدتی باشد و بگوید

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ أْجُرْنِي

بدرستیکه ما برای خدائیم و بدرستیکه ما بسوی او رجوع کنندگانیم و سپاس خدای پروردگار عالمیان خداوندا مزد ده مرا

عَلَىٰ مُصِيبَتِي وَاخْلُفْ عَلَيَّ أَفْضَلَ مِنْهَا

بر مصیبت من و خلیفه باش بر من بهتر از آن

ثواب همان مصیبت بار دیگر باو داده شود و سنت است که دیگران تعزیت ایشان بکنند و ایشان را تحریص بر شکیبائی امر کنند پیش از دفن و بعد از دفن و مبالغه در بعد از دفن بیشتر است و اقل تعزیت آنست که بروند نا صاحب عزا ایشان را ببیند و منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم که هر که

صبر فرماید او و ثنای او در صحرای محشر که همه کس ببینند خدا او را حله نیکوئی از حله‌های
بهشت بپوشاند که موجب سرور او گردد و هر که مصیبت زده را صبر فرماید حق تعالی او را ثواب
آن صاحب مصیبت با کرامت فرماید بی آنکه از اجر او چیزی کم شود و فرمود که ثواب تعزیه بهشت است
بهشت و مستحب است که صاحب مصیبت تغیر وضع خود بکند تا او را بشناسند جایز است گریه
کردن که بنیکوئیهای میت را بشمارند و نوحه کردن بحق جایز است که دروغ نگویند و چیزی بدان
برای میت اظهار نکنند و بهتر آنست که نوحه کنند و مستحب است که خویشان و دیگران
خصوصاً همسایگان برای صاحب مصیبت طعام بفرستند و زیاده از سه روز ماتم نگیرند مگر زن که
چهار ماه و ده روز برای شوهر ماتم میگیرد با آنکه جامه‌های رنگین نمی پوشد و زینت نمیکند و سنت
موکد است زیارت قبور مومنان خصوصاً خویشان چون داخل قبرستان شود بگوید

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ

سلام بر صاحبان دیار از مومنان و مسلمانان شما برای ما پیش روانید و ما

إِنْ شَاءَ اللّٰهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ و در روایت دیگر السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ

اگر خواهد خدا بشما لاحق شونده ایم — سلام بر شما ای اهل دیار

الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ رَحِمَ اللّٰهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا

از مسلمانان و مومنان ببخشد خدا پیشینیان را از ما و پسینیان را و بدرستیکه ما

إِنْ شَاءَ اللّٰهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ و در روایت دیگر السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ

اگر خواهد خدا بشما لاحق شونده ایم — سلام بر شما ای اهل دیار از

قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ أَنْتُمْ لَنَا سَلَفٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ رَحِمَ اللّٰهُ

گروه مومنان و رحمت خدا و برکتهای او بر شما شما برای ما پیش روندگانید و ما شما را پیرو ایم ببخشد خدا

الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

پیشینیان را از شما و پسینیان و بدرستیکه ما برای خدائیم و بدرستیکه ما بسوی او رجوع کننده ایم

و در احادیث بسیار وارد شده است که هر که نزد قبر برادر مومن خود هفت مرتبه انا انزلناه بخواند

از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گردد و در روایت دیگر خدا امر او و صاحب قبر را بیامرزد

و سنت است که در وقت خواندن دست بر قبر گذارد و رو بقبله باشد و سنت است که این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ وَصَاعِدْ إِلَيْكَ أَرْوَاحَهُمْ وَلَقِّهِمْ

خداوندا دور گردان زمین را از پهلوهای ایشان و بلند کن بسوی خود ارواح ایشان را و ملاقات ایشان را

مِنْكَ رِضْوَانًا وَأَسْكِنْ إِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ وَتُونِسُ

از جانب خود خوشنودی و ساکن گردان بسوی ایشان از رحمت خود چیزی که وصل کنی بآن تنهائی ایشان را و رحم

بِهِ وَحْشَتَهُمْ إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و در روایت معتبر دیگر این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ

بآن وحشت ایشان را بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی خداوندا رحم کن

غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ وَآنِسْ بِهِ وَحْشَتَهُ وَآمِنْ رَوْعَتَهُ وَأَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ

غریبی او را و وصل کن تنهائی او را و رام کن بآن ترسیدگی او را و ایمن کن ترس او را و ساکن کن بسوی او از

رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَغْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَأَلْحِقْهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ

رحمت خود آنچه بی نیاز شود بآن از رحمت شخصی که سوای تست و برسان او را بشخصی که دوست میداشت

و بروایت دیگر مستحب است که نزد قبر سوره حمد و معوذتین و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه

بخواند و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که

در قبرستان بگذرد و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را بمردگان قبرستان

بخشد بعدد مردگان اجر و ثواب یابد و بروایت دیگر هر که آیة الکرسی بخواند و ثوابش را

هدیه اهل قبور کند حق تعالی بعدد هر حرفی ملکی خلق کند که تسبیح کند برای او تا روز قیامت و در عصر

روز پنجشنبه و جمعه زیارت قبور مستحب است و در احادیث معتبره وارد شده است که بر هر که

مصیبتی وارد شود مصیبت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله را بیاد آورد که صعب ترین

مصیبتهاست و در اخبار بسیار وارد شده است که هر که در وقت مصیبت دست بر ران خود زند

ثواب او حبط میشود و نباید که شیون و فریاد کند و واویلا و واثکلاه بگوید و در حدیث معتبر منقولست

که هر که یک فرزند از او بمیرد و صبر کند بهتر است برای او از آنکه هفتاد فرزند از او بماند که همه سوار شوند

در راه خدا جهاد کند و منقول است که هر که را دوست میدارد بهترین فرزندان او میگیرد و منقول است که ثواب مومن از مردن فرزندش بهشت است خواه صبر کند و خواه نکند
و بسند معتبر منقول است که حضرت صادق در مصیبت این دعا میخواندند

الحمد لله الذی لم یجعل مصیبتی فی دینی والحمد لله الذی لو شاء جعل
سپاس مر خدا را که نگردانید مصیبت مرا در دین من و سپاس خدا را که اگر میخواست میگردانید
مصیبتی اعظم مما کانت والحمد لله علی الامر الذی شاء ان یکون فکان
مصیبت مرا بزرگتر از آنچه هست سپاس مر خدا را بر امری که میخواهد اینکه بشود پس شد
و باید که مردگان را فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و امید ایشان به فرزندان و خویشان و برادران مومن امیدوارند و احسان ایشان را چشم بر راه اند خصوصا دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد مشرفه و پدر و مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان بعمل آورد که در خبر است که بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد بسبب اعمال خیری که از برای ایشان بعمل آورد و بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از فوت ایشان عاق گردد بسبب آنکه اعمال خیر برای ایشان کم بعمل آورد و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان است که قرض ایشان را ادا کند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری گرداند و حج و سایر عبادتی که از ایشان فوت شده باشد سعی کند که بجا بیاورد یا بتبرع بعمل آورد و در حدیث صحیح منقول است که حضرت صادق علیه السلام در هر شب برای فرزند خود و در هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم انا اعطینا میخواندند و بسند صحیح منقول است از حضرت صادق علیه السلام که بسا باشد که میت در تنگی و شدتی باشد و حق تعالی آنرا وسعت دهد و تنگی را از و بردارد پس باو بگویند که این فرج که ترا روداده است بسبب نمازی است که فلان برادر مومن برای تو کرد راوی پرسید که دو میت را در دو رکعت نماز شریک میتوان کرد فرمود بلی و فرمود

که میت شادی شود و فرح می یابد بدعا و استغفاری که برای او کنند چنانچه زنده شادی شود
بهدیه که برای او برند و فرمود که بر میت داخل میشود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدق و
سائر عملهای خیر و دعا و ثواب آن اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته می شود و در
حدیث دیگر فرمود که هر که از مسلمانان برای میتی عمل صالحی بکند خدا ثواب او را مضاعف
میگرداند و میت باین عمل منتفع میگردد و در روایتی وارد شده است که هر گاه شخصی از جهت
میتی تصدق بکند حقتعالی جبرئیل را امر فرماید که با هفتاد هزار ملک نزد قبر او میروند
و هر یکی طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک باو میگویند السلام علیک ای دوست
خدا این هدیه فلان مومن است برای تو پس قبر او روشن میشود و حق تعالی هزار شهر در
بهشت باو کرامت میفرماید و هزار حوری باو تزویج مینماید و هزار حله باو می پوشاند و
هزار حاجت او را روا میگرداند و در حدیث معتبر منقول است که شش چیز بمومن میرسد بعد از
وفات اول فرزندی که از جهت او استغفار کند دوم مصحفی یا کتابی از کتب علمی که از او
بماند و مردم بعد از او بخوانند سوم درختی که بکارد و مردم از ان نفع یابند چهارم آبی
که جاری سازد پنجم چاهی که حفر نماید که خلق خدا منتفع گردند ششم سنتی است که مردم آن را
عمل نمایند از ارشاد و هدایت خلق یا تصنیف کتب و مانند آن باب چهاردهم در بعضی از
احکام زکوة و خمس و اعتکاف است و در ان سه فصل است فصل اول در زکوة از آیات
و احادیث در وجوب آن و عقاب ترک کنندگان آن بسیار است از آن جمله حقتعالی می فرماید

وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي
سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ
فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ
لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ

یعنی آن کسانیکه جمع میکنند طلا و نقره را و حقوق الهی را نمیدهند و در راه الهی صرف نمایند
پس بشارت ده ایشانرا بعذابی دردناک در آن روز که سرخ کنند این طلا و نقره را در آتش جهنم
و داغ کنند با آنها پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشانرا و با ایشان گویند این مالهائی که از برای خود
جمع کرده بودید الحال بچشید عذاب آنهارا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر
نمیدهد قیراطی از زکوة را که نیست و یک نار است و نه مومن است نه مسلمان و در وقت مردن استغاثه
میکنند که مرا برگردانید بدنیا تا زکوة را بدهم چنانچه حق تعالی فرموده است

حَتّٰى اِذَا جَاءَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُوْنِ لَعَلِّىْ اَعْمَلُ صَالِحًا فِيْمَا تَرَكْتُ

یعنی تا وقتیکه بیاید یکی از ایشانرا مرگ گوید پروردگارا برگردانید مرا بدنیا شاید عمل شایسته
کنم در آن مالی که بعد از خود گذاشتم و از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و ائمه
طاهرین علیهم السلم بطرق صحیحه منقولست که کسیکه طلا و نقره داشته باشد و زکوة آنرا ندهد
حقتعالی او را در روز قیامت حبس خواهد نمود در زمینی لغزنده که پا بند نشود بر آن و مسلط سازد
بر او ماری را که زهرش از مارهای دیگر عظیمتر است و در عقب او دود و او از وی گریزد
تا چون ماری برسد داند که از آن خلاصی ندارد دست خود را بدهان او بدهد پس بدندان
بگزد او را مانند شتر نری که بر چیزی دندان فرو برد پس طوق گردد در گردن
او و اینست معنی قول حق تعالی

سَيُطَوَّقُوْنَ مَا بَخِلُوْا بِهٖ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

یعنی زود باشد طوق کرده شوند در گردن ایشان چیزی را که بخل ورزیدند در دنیا با آن در راه
خدا و در روز قیامت و هرکس شتر یا گاو یا گوسفند داشته باشد و زکوة آنرا ندهد
حق تعالی حبس کند او را در صحرائی فراخ و پایمال کنند او را هر حیوان شاخداری بسم
خود و بگزند او را بدندان [illegible] و هر که نخلستان یا کشته باشد
یا باغ خرما و انگور داشته باشد و زکوة آنها را ندهد او را باشد قطعه از زمین تا طبقه هفتم

طوق کرده در گردن او اندازند و آن همه آتش گردد تا روز قیامت و بروایت معتبر دیگر هرکه زکوة مالش را ندهد حق تعالی آن مال را اژدهائی گرداند در گردن او که دائم گوشتش را خورد و گوشتش را بدندان کند تا از حساب خلائق فارغ شوند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام فرموده که هیچ مالی در صحرا و دریا تلف نشود مگر بسبب ندادن زکوة و حق تعالی می فرماید

مَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ

یعنی مثل جماعتی که صرف می نمایند مالهای خود را در راه خدا از زکوة و خمس و جهاد و حج و غیر اینها مانند دانه ایست که بروید از آن هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه بوده باشد که مجموع هفتصد برابر میشود و حق تعالی مضاعف میگرداند باضعاف این از برای هر که خواهد و آیات و اخبار درین باب بسیار و آنچه مذکور شد برای کسیکه ایمان بفرموده خدا و رسول صلی الله علیه و آله داشته باشد کافی است و اما جنسی که در آنها زکوة واجب میشود پس نه جنس است اول طلا هر گاه مقدار بیست اشرفی باشد و سکه داشته باشد و یکسال بماند که بدل نکنند و متغیر نشوند مقدار چهل و یک آن از زکوة می باید داد و بعد از آن هر چهار اشرفی که زیاده می شود بعد از سال چهل و یک می باید داد دوم نقره است هر گاه برسد که تخمیناً دوازده هزار و ششصد دینار عجمی باشد موافق زر رائج و سکه داشته باشد یکسال بحال خود بماند بعد از سال چهل و یک می باید داد و همچنین هر چند چهل درهم زیاده شود که دوازده هزار و پانصد و بیست دینار باشد چهل و یک آن را می باید داد سوم شتر است و نصاب آن دوازده است اول پنج شتر است و در آن یک گوسفند است دوم ده شتر است و در آن دو گوسفند است سوم پانزده شتر است و در آن سه گوسفند است چهارم بیست شتر است و در آن چهار گوسفند است پنجم بیست و پنج شتر است و در آن پنج گوسفند و گوسفندیکه دهند باید هفت ماهه یا هشت ماهه باشد و کمتر نباشد اگر بز دهند یکساله یا دو ساله باشد ششم بیست و شش شتر است و در آن یک شتر باید که تمام یکساله یا دو ساله باشد و اگر نداشته باشد شتر نر دو ساله یا سه ساله بدهند هفتم سی و شش است باید که شتر

تا ده دو ساله یا در سه ساله بدهند هشتم چهل و شش است باید شتر ماده سه ساله یا در چهار بدهند

نهم شصت و یک است و باید شتر ماده چهار ساله یا در پنج بدهند دهم هفتاد و

شش است و باید دو شتر ماده دو ساله یا در سه بدهند یازدهم نود و یک است

باید دو شتر ماده سه ساله یا در چهار بدهند دوازدهم صد و بیست و یک است و هر چه

زیاده شود در هر پنجاه یک شتر ماده سه ساله میدهد و در هر چهل شتر یک شتر ماده دو ساله میدهد

چهارم گاو است در سی گاو یک گوساله ماده یا نر یک ساله یا در دو میدهد و در هر چهل گاو

یک گاو ماده دو ساله یا در سه میدهد پنجم گوسفند است و در چهل گوسفند یک گوسفند واجب است

و در صد و بیست و یک دو گوسفند است و در دویست و یک گوسفند سه گوسفند واجب

است و در سیصد و یک گوسفند احوط آنست که چهار گوسفند بدهد و چون بچهار صد برسد هر چه

زیاده شود از هر صد گوسفند یک گوسفند میدهد و در زکوة هر یک از شتر و گاو و گوسفند شرط است

که در علف مباح چریده باشند در تمام سال پس اگر علف مملوک خورده باشند زکوة واجب نیست و اگر

بعضی از سال چریده باشند و بعضی علف ملک خورده باشند احوط آنست که اگر چریدنش بیشتر

باشد زکوة بدهند و بچه ها را تا شیر میخورند حساب نباید کرد بنا بر مشهور و احتیاط در آنست که از

روزی که متولد میشوند حساب کنند و در طلا و نقره و حیوانات شرط است که سال بر ایشان

بگذرد و سال زکوة یازده ماه است چون ماه دوازدهم داخل میشود زکوة واجب میشود

و در گاو و شتر شرط است که کارکن نباشند پس اگر بار کشند یا خیش کنند زکوة واجب نیست

و گوسفند و بز برابر هم حساب میکنند و گاو و گاومیش را برابر هم حساب میکنند و شتر

ماده و لوک را برابر هم حساب میکنند ششم و هفتم و هشتم و نهم

گندم و جو و خرما و مویز است و شرط است که هر یک بنصاب برسند و نصاب [illegible]

و هفت من و نیم [illegible] درهم است سنگ تبریز و انگور هر گاه [illegible] صد و بیست و یک من باشد احوط

آنست که زکوة بدهند و شرط است این غلات در ملک او بحد نصاب رسیده باشند پس اگر گندم و جو را

[illegible]

بر مساجر واجب است و اگر مزارعت بگیرد به نصف یا ثلث یا ربع یا ده چهار مثلا زکوة حصه مالک
بر مالک واجب است و زکوة حصه عامل بر عامل اگر حصه هر یک بتنهائی به نصاب رسیده باشد
پس اگر زراعت و باغ آب باران یا آب روان یا آب قنات یا آب ریشه خورده باشد
ده یک میدهند و اگر آب دست یا گاو یا شتر یا چرخاب خورده باشد بیست یک میدهند
و اگر از هر دو خورده باشد بیشتر اعتبار دارد و اگر هر دو مساوی باشد پانزده یک میدهند
و احوط و اقوی آنست که بغیر از خراج پادشاه چیزی از خرج زراعت را بدر نکنند در دادن
زکوة و چون اکثر علما بر آنند که تعلق زکوة بانگور در وقت غوره شدن است پس احوط آنست
که اول ارباب خبرت را بیاورد که تخمین کنند میوه باغ را که چه مقدار است و با خود مقرر سازد که بآن
نسبت زکوة خواهم داد تا آنچه خورد از غوره و انگور حلال باشد یا آنکه آنچه بردارد و بکشد حساب
یا آنچه بردارد عشر غوره را بدهد و همچنین گندم و جو وقتیکه دانه به بندد و بعضی از علما گفته اند که زکوة
واجب است در حبوبات مانند برنج و ماش و نخود و عدس و امثال اینها هرگاه به نصاب جو
و گندم برسد بهمان شرائط و مقداری که گذشت و مشهور آنست که زکوة در اینها سنت است
و در مادیان که در علف صحرا چرا کند و سال بر و بگذرد زکوة سنت است پس اگر پدر و مادرش
عربی باشند در سالی دو اشرفی چهار دانگی میدهد و اگر یابو باشد که یکی از پدر و مادرش عربی
نباشد یک اشرفی میدهد و در زکوة تجارت جمعی بوجوب قائل شده اند و مشهور آنست که سنت است
و آن مالی است که مالک شود آنرا بعنوان معاوضه و در وقت مالک شدن قصد اکتساب و تجارت بآن
داشته باشد و می باید که قیمت آن بیکی از نصاب طلا و نقره برسد و در تمام سال نصاب باقی باشد و در
تمام سال از مایه کم نشود که یا بمایه یا بیشتر بخرند و اگر چند سال بگذرد که مایه در کمی باشد سنت است که زکوة
یکسال را بدهد و اگر مایه باقی باشد هر سال چهل یک را میدهد و اگر معاوضه کند در اثنای سال بقصد
تجارت خلاف است و احوط آنست که باز بدهد و سنت است که در وقت درو کردن اگر فقیر حاضر
باشد هر فقیر را دسته گندم بدهد هر قدر در دستش در آید و در وقت چیدن خرما و انگور یک مشت بدهد و زکوة
حساب نکند و بعضی واجب دانسته اند و احوط آنست که ترک نکنند اما مستحق زکوة پس هشت طائفه اند

اول و دوم فقرا و مساکین و ایشان کسانی اند که موونت سالیانهٔ خود و عیال خود نداشته باشند
و قادر بر کسبی نباشند که معاش خود و عیال خود بآن توانند گذرانید و احوط آنست که صالح باشند
و گدا و سائل بکف نباشند سوم کسی ست که امام علیه السلام نصب میکند برای گرفتن زکوة
و حصه باو میدهد و در زمان آن نمی باشد غالبا و هم چنین چهارم که مولفة قلوبهم اند در زمان
نمی باشند غالبا پنجم صرف کردن در آزادی بندگان ست مثل آنکه آقای غلام خود را مکاتب کرده باشد
که مالی بدهد و آزاد شود و او عاجز باشد از دادن آن اگر بر آقا زکوة واجب شده باشد باید که قدری
از زکوة را بمال کتابت او حساب کند و الا دیگران از زکوة حصه باو بدهند که بآقا بدهد و آزاد شود
یا غلامی که از دست آقا در تعب و شدت باشد از مال زکوة بخرند و آزاد کنند ششم قرضداران که قرض
کرده باشند و در معصیت صرف نکرده باشند و ادای قرض ایشان می توان داد هفتم فی سبیل الله است
یعنی صرف در راههای خدا مانند جهاد فی سبیل الله و یاری حاجیان و زوار ائمه معصومین علیهم السلام
و بنای مساجد و پلها و امثال اینها و بعضی گفته اند که مخصوص جهاد است و در زمانیکه جهاد واجب باشد و
این احوط است هشتم ابن السبیل ست و آن کسی ست که بغربت افتاده باشد و خرج رفتن بجای خود
نداشته باشد بمقداریکه برسد بخانهٔ خود و برسد اگر سفرش معصیت نباشد و باید کسیکه باو زکوة
میدهند غیر مولفه شیعهٔ اثنا عشری باشد و احوط آنست که اجتناب از گناهان کبیره کند خصوصا
شراب خوردن و دیگر شرط است که واجب النفقهٔ مالک نباشد مثل پدر و مادر و جد و جده هر چند
بالا روند و فرزندان و فرزند زادگان هر چند پائین روند و زن و بنده و بهتر آنست که زکوة را به
خویشان پریشان بدهند غیر آنها که مذکور شدند اگر شرائط را داشته باشند و غیر سید زکوة
بسید نمی تواند داد و غیر سید احوط آنست که بشریف ندهد و بهتر آنست که زکوة به مجتهد دین
یا عالمی که مصارف زکوة را داند که بمصرف برساند فصل دوم در خمس ست بدانکه خمس در
هفت چیز واجب میشود اول غنیمتی که از کافران در جنگ بگیرند خواه در جنگگاه باشد خواه در
بیرون دوم معادن مانند طلا و نقره و مس و سرب و یاقوت و زبرجد و مومیا و عنبر و قیر و نفط
و کبریت بعد از آنکه خرج بیرون آوردن را بر دارند پنج یک آنرا باید داد و مشهور آنست که نصاب ندارد

بعضی گفته اند نصابش یک دینار است تا به یک دینار برسد خمس واجب نمیشود و بعضی بیست دینار گفته
اند یعنی بیست اشرفی که نصاب اول طلاست و اکثر متاخرین باین قائل شده اند و خالی از قوتی
نیست و اگر چند کس شریک باشند باید که حصه هر یک جدا بنصاب برسد سوم گنج است یعنی
مالیکه در زمین پنهان کرده باشند پس اگر گنج را در بلاد کفار بیابند که در آنجا مسلمانی نباشد هر چند
سکه اسلام داشته باشد یا در دار الاسلام بیابند و سکه اسلام نداشته باشد و به بیست دینار یعنی
بیست اشرفی برسد اگر طلا باشد خمس آنرا بسید بدهد و باقی از وست و اگر نقره باشد بدویست درهم برسد که موافق
نزده دو ازده هزار و ششصد دینار است و اگر غیر طلا و نقره باشد قیمت آن بیکی از این دو مقدار
برسد و اگر سکه اسلام داشته باشد یا علامتی که دلالت کند برآنکه از مسلمانی بوده است مشهور
میان علما آنست که حکم لقطه دارد می باید که یکسال تعریف کند اگر صاحبش پیدا شود بصاحب بدهد
و الا مخیر است میان مالک شدن و تصدق کردن و بامانت نگاه داشتن و اگر در صورت اول صاحبش
پیدا شود و راضی نباشد عوض بدهد و ظاهر اخبار آنست که اگر از روی زمین یافته است لقطه است
و اگر در زیر زمین بوده است گنج است خواه اثر اسلام داشته باشد و خواه نداشته باشد و جمعی باین قائل
شده اند و خالی از قوتی نیست و اگر گنج را در زمین خود بیابد که از پدران او رسیده باشد از وست
و اگر خمس آنرا بدهد احوط است و اگر زمین را خریده باشد تعریف میکند بایع و شریک او و اگر نشانی
بدهند که ظن صدق ایشان حاصل شود بایشان میدهند علی المشهور و الا از وست و باز احوط آنست که خمس آنرا بدهد
و همچنین اگر حیوانی بخرد چون شتر و گاو و در شکم آن چیزی بیابد تعریف میکند بایع و اگر نشان ندهد از وست
و احوط اخراج خمس است و اگر در شکم ماهی چیزی بیابد خمس بسید بدهد احتیاطا و باقی از وست و بآن ملحق
کرده اند حیوانات شکاری را مانند آهو اگر محتمل باشد که در خانه مالک سابق خورده باشد احوط آنست
که تعریف او بکند چهارم چیزیست که بغوص از دریا بیرون آورند مانند مروارید و مرجان و نصاب در آن
معتبر است و مشهور آنست که نصابش یک دینار است یعنی یک اشرفی تمام و در آن و بعضی بیست دینار گفته اند
و اگر چند مرتبه در آورد همه را نصاب با هم حساب میکنند هر چند در یکروز یا چند روز که عرفا یکی کرده باشد علی الاحوط
و اگر چند کس شریک باشند حصه هر یک باید بنصاب برسد [illegible] اگر از روی دریا بغوص [illegible] حکم

مروارید دارد و اگر از روی آب یا ساحل بردارند مشهور آنست که حکم معدن دارد و احوط آنست
که بهر حال خمس آن را بدهند و رعایت نصاب در آن نکنند **پنجم** فاضل مؤنت سالیانه است
از ارباح تجارتها و زراعتها و جمیع کسبها و مشهور آنست که در میراث و بخشش و هدیه خمس نمی باشد
و خرج سالیانه را که بیرون کنند قدر وسط مناسب حال آن شخص را اعتبار کرده اند پس اگر اسراف
کرده باشد خمس آنچه اسراف کرده است بیرون میکند و اگر بر خود تنگ گرفته باشد آن را هم بیرون
میکند علی المشهور و احوط آنست که از هر چه زیاده آمده باشد بدهد بلکه نهایت احتیاط آنست که
هر چه حاصل شود و خرج بکند و زیادتی را روز بروز خمس بدهد و اگر در اثنای سال اخراجات ضرور
واقع شود مثل خرج کد خدائی و حج بیت الله و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت
ائمه معصومین علیهم السلام و امثال اینها همه را بقدر وسط بیرون میکند و همچنین تعدیات و زیاده
ظلمه میکنند جمیع را بیرون میکند و خمس بقیه را میدهد و ابو الصلاح رح قائل شده است
که در میراث و هبه و هدیه نیز خمس واجب است و در حدیث صحیح وارد شده است که اگر از شخصی
جائزه عظیمی باو برسد یا میراثی از جائیکه گمان نداشته باشد باو برسد یا مالی از دشمنان دین
باو برسد خمس می باید داد و عمل باین روایت احوط است **ششم** زمینی است که یهودیان
و نصرانیان و مجوسیان از مسلمانی بخرند خمس آن زمین را یا خمس قیمت آن را بارضای ذمی میگیرند
و اگر خانه یا باغ بخرند مشهور میان علما آنست که خمس زمین آنها را میگیرند و اکثر قدمای علما متعرض
این نوع خمس نشده اند **هفتم** مال حلالی است که مخلوط شده باشد بحرام و صاحب آن را
نداند و مقدار حرام را نداند خمس آن را میدهد بفقرای سادات و غیر ایشان و بعضی آن را مخصوص
سادات میدانند و بعضی گفته اند بسادات نمی توان داد و ظاهرا بهر دو توان داد و اگر بسر
بدهند بهتر است و اگر مقدار حرام را داند و صاحبش را نیز داند آن مقدار را واجب است
که بصاحبش بدهد و اگر صاحب داند و مقدار را نداند با صاحبش باید که صلح کند و بعضی گفته اند
که خمس را بصاحب بدهد و بعضی گفته اند مقدار را که علم دارد بصاحب میدهد
و باقی را با صاحب صلح میکند احتیاطا و این احوط است و اگر مقدار را داند و صاحب را نداند

سعی میکند تا صاحب را بهم رساند و اگر بهم نرسد از برای او تصدق میکند و اینصورت و صورت
اول مسمی است برد مظالم و اگر خمس را بدهد یا تصدق کند کل را یا بعض را و بعد از آن صاحب پیدا شود
خلاف است آیا باید باز بصاحب بدهد یا نه و احوط آنست که بدهد و اما مستحق خمس مشهور میان علما
آنست که شش حصه میشود چنانچه ظاهر آیت کریمه است حصه خدا و حصه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ذوی
القربی که نصف خمس است بعد از حضرت رسول خدا از امام زمان علیه السلام است و نصف دیگر
حصه میشود که به یتیمان سادات و مسکینان سادات و ابنا سبیل سادات میدهند و مراد از سید موافق
مشهور کسی است که منسوب باشد از جانب پدر به عبد المطلب و تفسیر مسکین و ابن السبیل در زکوة گذشت
و در یتیم احوط آنست که پریشان باشند و ابن السبیل را آنقدر میدهند که بشهر خود برود و از احادیث معتبره ظاهر
میشود که در زمان حضور امام علیه السلام جمیع خمس را بخدمت آنحضرت می برده اند و حضرت نصف را خود متصرف میشدند
و نصف را بآن سه فرقه سادات میداده اند که مذکور شدند و بهر یک بقدر کفایت ایشان در یک
سال میداده اند و آنچه زیاده می آمده خود بر میداشتند و اگر وفا نمیکرد از حصه خود تتمه را میداده اند و ایشان
بمنزله عیال امام علیه السلام بوده اند و در زمان غیبت احوط آنست که حصه سادات را بعالم عادل امامی
بدهند که بسادات برساند بقدر احتیاج ایشان و اما نصف دیگر خمس که حصه آنحضرت است در زمان
غیبت خلاف است و مشهور آنست که بعالم عادل باید داد که بر سبیل تتمه به نیابت آنحضرت بسادات
بدهد و اگر چیزی زیاده آید حفظ کند و بعد از آن خود بعالم دیگر بدهد که اگر سید پریشانی بیاید باو بدهد و الا از
برای آنحضرت ضبط کند و این فرض در این زمانها بسیار نادر است زیرا که سادات پریشان بسیار اند و خمس
دهندگان کم اند و جمعی گفته اند که در زمان غیبت ائمه علیهم السلام این حصه را بر شیعیان حلال کرده اند و این
سخن بیوجه است زیرا که از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت صریحی نرسیده است که بر شیعیان حلال
کرده باشند بلکه خلافش ظاهر است زیرا که در زمان غیبت صغری که هفتاد سال و کسری بود و نایبان آنحضرت
ابو عثمان عمری و پسر او محمد و حسین بن روح و علی بن محمد سمری رضی الله عنهم حصه آنحضرت را بلکه جمیع
خمس را از شیعیان میگرفتند و بفرموده حضرت بمردم میدادند و ظاهر آنست که درین زمان نایب
عام آنحضرت که علمای ربانی و محدثان و حاملان علوم ایشانند باید که بگیرند و بسادات که عیال آنحضرت اند

برسانند و الا باید سادات که اشرف خلق اند یا از گرسنگی بمیرند یا سائل بکف شوند و از همه کس

ذلیل تر باشند زیرا که زکوة و صدقات واجبه بر ایشان حرام است و خمس العوض آن با ایشان داده

اند و بسبب اختلافی که در میان علما بهم رسیده است و بعضی از علمای عصر که عقبار اجرات داده اند

بر ترک خمس باعث این شده است که اکثر سادات به فقر و فاقه مبتلا اند و حقوق ایشان و اجداد ایشان

در ذمه اغنیا می ماند و بر تقدیری که امام بر ایشان حرام کرده باشد و در زمانها که تقیه و خوف و تعدیات از

خلفای جور بر ایشان در آن شده و حلال کرده باشد ایشان چگونه بر خود تجویز میکنند که عیال

و خویشان و اقارب امام خود را در فقر و اضطرار ببینند و بر ایشان رحم نکنند و باز در قیامت

امید شفاعت از ایشان داشته باشند و حال آنکه فرموده اند که بدترین احوال مردم در روز قیامت

وقتی خواهد بود که صاحبان خمس بر خیزند و بگویند پروردگارا خمس خود را میخواهیم و حضرت صادق

علیه السلام فرمود که من یک درهم خمس را از شما میگیرم و حال آنکه مال من از همه اهل مدینه بیشتر است

و میگیرم بجهت آنکه شما پاک شوید از گناه و از حقوق ما و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود

که هر که احسانی با یکی از اولاد من بکند من مکافات میدهم او را در روز قیامت اکثر علما را

که اگر صاحب مال خود حصه امام علیه السلام را با سادات بدهد بری الذمه می شود مگر آنکه وسعت ایام

محدث سادات [illegible] بیان [illegible] این حکم و الله اعلم فصل سوم در بیان فضیلت و کیفیت

اعتکاف اعتکاف نشستن در مسجد جامع بجهت عبادت و آن سنت مؤکده است خصوصا

[illegible] خصوصا در دهه آخر ماه مبارک رمضان چنانچه سید المرسلین صلی الله علیه

و آله همیشه در دهه آخر ماه مبارک رمضان اعتکاف می نمودند مگر یک سال که در آن جنگ بدر واقع

شد و در سال دیگر بعد از آن بیست روز اعتکاف داشتند ده روز قضای سال گذشته

و ده روز ادا و از آنحضرت منقول است که اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان برابر است

با حج و دو عمره و اعتکاف [illegible] مانند عهد و قسم و اجاره [illegible] واجب

می شود و اگر [illegible] واجب شده باشد [illegible] که [illegible] قضا کنند

و بعضی گفته اند [illegible] شروع کردن واجب می شود و بعضی گفته اند [illegible] روز سیوم واجب می شود

چنین بیست و ششم و نهم و دوازدهم و پانزدهم و هرچه بالا رود باین نسبت و بعضی گفته اند مطلقا واجب
می شود تا آن سبب وجوب بعمل نیاید و این محل قولیست و احوط آنست که در اول شبهای گذ
تجدید نیت بکند بقصد قربت و مستحب است که معتکف شرط کند بیرون رود کار خود که اگر او را
مانعی عارض شود بیرون تواند رفت از اعتکاف و ظاهر جمعی آنست که جایز است اشتراط
رجوع باختیار بی تقیید بعارض و مانع و بعضی درین مضایقه کرده اند و ظاهر اعارض و مانع
اعم از عذر ضروری است و محل این شرط در اعتکاف سنت نزد نیت اعتکاف است و
منقول دران جماعتی از اصحاب ذکر کرده اند که محل آن در اعتکاف واجب به نذر در گفتن صیغه
نذرست و خالی از اشکالی نیست و فایده شرط آنست که نزد عارض یا مطلقا اگر خواهد رجوع کند
اگرچه روز سوم باشد و فایده دیگر آنکه اگر با شرط رجوع کند قضا بر او واجب نیست اما
مکان اعتکاف جمعی از اصحاب گفته اند که در غیر مسجد مکه و مدینه و مسجد کوفه و مسجد بصره اعتکاف
نمی باشد و بعضی بجای مسجد بصره مسجد مداین گفته اند و بعضی هر دو را گفته اند و خلاف درین
باب بسیارست و مسجد این زمینها که بالفعل معلوم نیست و مسجد بصره درین اوقات بیابان و
اعتکاف دران مشکل است و گفته اند مراد مسجد مکه و مدینه آن قدریست که در زمان حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم مسجد بود نه آنچه بعد از آن حضرت الحاق کرده اند و ظاهرا در هر مسجد
جامع اعتکاف توان کرد و مراد بمسجد جامع مسجدیست در بلد که در آنجا نماز با جماعت
کنند و مخصوص محله نباشد و از اکثر محلات شهر بآنجا برای اقامت جمعه یا جماعت حاضر
شوند که متعدد و باشد مثل مسجد جامع عباسی و مسجد جامع قدیم در صفهان و سائر آنها مثل مسجد
آقا نور و مسجد عباس آباد محل تامل است و احوط آنست که اگر در مکه و مدینه و کوفه باشند در غیر
آن مساجد مخصوصه در تمع [illegible] و در بلاد دیگر احوط آنست که در مسجد کبیر بلد که مشهور بجامع باشد
بجا آورند و اگر مسجد [illegible] کبیر شهر باشد [illegible] است و نهایت احتیاط آنست که قصد کنند
که اعتکاف [illegible] مسجد اگر [illegible] باشد بعنوان اعتکاف معتبر فقها و الا و مسجد
عبادت [illegible] شرط است و اعتکاف کمتر از سه روز

بابیشتر و مشهور آنست که دو شب میان داخل اند و بعضی گفته اند شب اول نیز داخل است و احوط
آنست که نزدیک بغروب آفتاب نیت اعتکاف بکند تا شام روز سوم و اگر تا صبح روز چهارم قصد کند
نهایت احتیاط است و شرط است در اعتکاف که معتکف روزه باشد خواه روزه واجب خواه
سنت و در سنت باید برخصت کسانی باشد که رخصت ایشان در روزه سنت شرط است مانند
شوهر زن را و مالک بنده را و احوط آنست که فرزند بی رخصت پدر و مادر اعتکاف سنت نکند و مهمان
بی رخصت مهماندار و بر عکس واقع نسازد و نیت در اعتکاف شرط است و ظاهر قصد قربت کافی
است و واجب است که بیرون نرود از مسجدی که در آن اعتکاف میکند بدون ضرورت مانند نماز
جمعه اگر در غیر آن مسجد کنند یا عیادت بیمار مومن یا حاضر شدن در جنازه مومن یا قضای حاجت
مومن یا برای حاجات ضروری خود مانند بیت الخلا رفتن و غسل جنابت اگر محتلم شده باشد و در
غسل جمعه بنا بر قول باستحباب آن و سایر اغسال مستحبه اگر در مسجد نتوان کرد اشکالی هست و مشهور آنست
که نمی توان کرد و همچنین جایز است بیرون رفتن از برای تحصیل آب و نان و سایر ضروریات
اگر کسی نداشته باشد که برای او تحصیل نماید و همچنین جایز است بیرون رفتن از جهت گواهی دادن
و گواه شدن اگر دیگری نباشد و نتوان در مسجد بجا آوردن و چون بدر رود در جائی ننشیند
تا برگردد بمسجد و بهتر آن است که در زیر سقف راه نرود تا ممکن باشد و از راههای نزدیکتر
بمطلب برود و به بیت الخلای نزدیکتر برود اگر ممکن باشد و توقف بسیار زیاده از ضرورت
واقع نسازد و چون وقت نماز شود نماز را در جای دیگر غیر آن مسجد که محل اعتکاف است
نکند مگر در مکه معظمه که در همه جا می تواند کرد و اگر وقت تنگ شود در جای دیگر میتواند کرد و اگر
سهوا از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمی شود مگر آنکه زمان بسیار بکشد و کسی که او را معتکف نکنند
و همچنین اگر جبرا او را بیرون برند و احوط آنست که جبر و بدن را نیز از مسجد بیرون نکند و بعضی
منع کرده اند از رفتن ببام مسجد و ظاهر آنکه اگر داخل مسجد باشد [illegible] و [illegible] آنکه حرام است
بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب [illegible] حرام است بوسیدن بشهوت و دست
بر بدن او مالیدن بشهوت و احوط اجتناب است از همه اگر [illegible] نباشد و حرام است

طلب منی کردن اگرچه بگفتگو باشد هرگاه عادتش آن باشد که از وی منی آید بسبب آن و احوط آنست که لعبت دست بر ذکر نمالد و حرام است بوی خوش کردن و گل بوییدن هر گلی که باشد علی المشهور و باید که جدل و نزاع با کسی نکند و احوط آنست که مباحثهٔ علمی نیز نکند مگر بقدر اظهار حق و خرید و فروش نکند مگر برای ضروریات خود و عیال خود و احوط آنست که وکیلی از برای خود قرار دهد که اینها را بکند و احوط آنست که مطلقا معاملات خود را واقع نسازد و عقد نکاح را و جمیع اینها که در اعتکاف حرام است در روزها و شبها همه حرام است مگر خوردن و آشامیدن که در شب جائز است نه در روز و هرچه روزه را باطل میسازد اعتکاف را نیز باطل می کند اگر در روز بفعل آید و در شب افطار می تواند کرد و مفطرات غیر جماع و استمنا اگر واقع میتواند ساخت و اولی اجتناب است از غیر اکل و شرب اگر کسی جماع کند اعتکاف او باطل می شود و کفاره میدهد اگر اعتکاف واجب باشد و در روز اول و دوم اعتکاف سنت خلافست و احوط آنست که کفاره بدهد اگرچه جماع در شب واقع شود و احوط آنست که هرچه روزه را باطل میکند اگر آنها را در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره بنده آزاد کردن است اگر تواند و الا دو ماه پی در پی روزه گرفتن و الا شصت مسکین را طعام دادن و بعضی گفته اند مخیر است میان اینها و اول احوط است بلکه اظهر پس اگر جماع در شب واقع شود یک کفاره میدهد و اگر در روز ماه مبارک واقع شود دو کفاره میدهد یکی مرتبه و دیگری مخیره و بعضی گفته اند که اگر در روز غیر ماه رمضان واقع شود باز دو کفاره میدهد و آن بیوجه است و بیع و شرا و سائر محرمات غیر از جماع سبب بطلان اعتکاف نمیشود و کفاره بآنها واجب نمیشود و در بطلان باستمنا و کفاره بسبب آن خلافست و احوط اتمام است و کفاره اگر در شب واقع شود و اگر در روز واقع شود استمنا باطل میکند اعتکاف را البته و کفاره میدهد احتیاطا و احکام اعتکاف بسیار است و بآنچه ضرور بود اکتفا کردیم

خاتمه در بیان کفارات است بدانکه کفاره بر دو نوع است **اول** کفارات احرام حج و عمره و آنها را در رسالهٔ حج بیان کرده ام **دوم** سائر کفارات و آنها بسیار است [illegible] متفق علیه و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب و بعضی سنت

وبعضی بترتیب وبعضی بتخییر وهمه را باید که بر سبیل اجمال برای طالبان ادراک سعادات
ومحصلان نجات عقوبات اخروی بیان می نماید اول کفاره افطار روزه ماه مبارک
رمضان است و آن واجب میشود بخوردن و آشامیدن چیزیکه خوردن و آشامیدن آن متعارف
ومعتاد باشد اتفاقا و در غیر معتاد خلاف است و اشهر و اقوی وجوب است و جماع کردن
در قبل زن اتفاقا و در دبر زن علی الاقوی و باقی ماندن بجنابت عمدا تا طلوع صبح علی الاقوی
وبخوابیدن با جنابت بی نیت غسل تا صبح علی الاحوط وبخوابیدن بعد از بیدار شدن [illegible]
یا زیاده تا صبح علی الاحوط و رسانیدن غبار غلیظ بحلق بنا بر قول جمعی و طلب منی کردن
دست بازی کردن یا مکرر نظر کردن بزن تا منی بیاید علی الاحوط و قی کردن عمدا بنا بر قول بعضی
وحقنه کردن بشیاف عمل کردن بنا بر قول بعضی و بدروغ بستن بر خدا و حضرت رسول
و ائمه هدی صلوات الله علیه علیهم السلام بنا بر قول بعضی و بسر فرو بردن عمدا در آب بنا بر قول بعضی
هرگاه یکی از این امور را بجا آورد عمدا و مسئله دانسته کفاره باید داد و در بعضی اجماعا و در بعضی احتیاطا
و اگر از روی سهو باشد کفاره ندارد و اگر مسئله ندانند در کفاره خلاف است و احوط کفاره
است و اگر افطار بحلال باشد کفاره یک بنده آزاد کردن یا دو ماه پیاپی روزه گرفتن یا شصت
مسکین را اطعام دادن است و بعضی به ترتیب قائل شده اند یعنی اگر قادر باشد بر
بنده آزاد کردن آن مقدم است و الا دو ماه روزه گرفتن و اگر از این نیز عاجز باشد شصت
مسکین را طعام بدهد و قول اول اقوی و ثانی احوط است و اگر افطار بحرام کرده باشد
مانند شراب [illegible] خوردن مال مغصوب [illegible] بعضی از علما قائل شده اند
که هر سه کفاره بر او واجب می شود و بعضی مانند افطار بحلال میدانند و اول احوط است
دوم هرگاه در قضای روزه ماه رمضان بعد از زوال افطار کند مشهور آنست که کفاره واجب
است و بعضی سنت میدانند و اشهر و اقوی آنست که کفاره ده مسکین طعام دادن [illegible]
است و اگر عاجز شود سه روز روزه بگیرد و بعضی مخیر میان این دو میدانند [illegible]
کفاره سوم و بعضی کفاره افطار ماه رمضان لازم میدانند [illegible] کفاره ظهار است که [illegible]

... عَلَیَّ کَظَهْرِ اُمّی یعنی تو برمن مانند پشت مادر منی یا خواهر منی یا سائر محارم علی
... اشهر اگر این را بگوید و در وقتیکه زن حائض نباشد و در آن طهر با او جماع نکرده باشد و در
... دو عادل بگوید پس اگر خواهد جماع کند باید کفاره بدهد و اگر بدون کفاره جماع کند و کفاره
... او دو ... بنابر قول مشهور و کفاره یک بنده آزاد کردن ست و اگر عاجز شود
... ... و با عجز شصت مسکین را اطعام کردن ست چهارم کفاره
... ایلاست یعنی قسم بخورد که زوجه دائمه خود را چهار ماه یا زیاده وطی نکند و زن او را به نزد
... حاکم ... برد و حاکم حکم کند که او را طلاق بگوید یا وطی کند و اختیار وطی نماید باید که
... کفاره بدهد و کفاره این کفاره قسم ست که بعد از این مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی
... پنجم کفاره مخالفت قسم ست بآنکه قسم خورد باسمای مقدسه خدا که کردن فعلی که ترکش رجحان
... داشته باشد و یا کردن فعلی که فعلش رجحان نداشته باشد و مخالفت آن قسم نماید کفاره آن
... آنست که یک بنده آزاد کند یا ده مسکین را جامه بپوشاند یا ده مسکین را اطعام کند و اگر از سه
... عاجز باشد سه روز پیاپی روزه بدارد ششم کفاره مخالفت نذر ست بآنکه نذر کند فعل امری را
... که راجح باشد یا ترک امری را که مرجوح باشد و مخالفت نماید کفاره این بعضی گفته اند مانند
... کفاره قسم ست و بعضی گفته اند مانند کفاره افطار ماه مبارک رمضان ست یک بنده آزاد
... کردن یا دو ماه پیاپی روزه گرفتن یا شصت مسکین را طعام دادن و بعضی گفته اند که اگر
... نذر تعلق بروزه داشته باشد کفاره این کفاره افطار ماه مبارک رمضانست و اگر تعلق بغیر
... روزه داشته باشد کفاره این کفاره قسم ست و این قول خالی از قوتی نیست و احوط کفاره
... ماه مبارک رمضانست مطلقا هفتم کفاره عهد ست که با خدا عهد کرده باشد که امر راجحی
... یا غیر مرجوحی را بعمل آورد یا ترک کند امر غیر راجحی یا امر مرجوحی را و مخالف آن عهد نماید
... ... مانند کفاره نذر خلاف ... و احوط آنست که در نذر مذکور ... هشتم
... ... قسم خوردن بعنوان بیزاری از خدا و حضرت رسول و حضرت ائمه معصومین علیهم السلام
... ... قسمی خلاف نیست ولیکن در وجوب کفاره چنین قسمی یا کردن خلاف

بعضی گفته اند کفاره اش کفاره ظهار است اول بنده آزاد کردن و با عجز از آن دو ماه روزه
داشتن و با عجز از آن شصت مسکین را اطعام کردن و اگر عاجز شود ده مسکین اطعام یا کسوت دهد
و اگر عاجز شود سه روز متوالی روزه بدارد و بعضی گفته اند کفاره اش کفاره نذر است و
ابن بابویه گفته است که سه روز را روزه بدارد و ده مسکین اطعام بدهد و بعضی گفته اند که
گناه کرده است و کفاره ندارد و در حدیث صحیح وارد شده است که صفار بحضرت امام حسن عسکری
نوشت که شخصی سوگند یاد کرد به بیزاری از خدا و حضرت رسول و مخالفت کرد توبه و کفاره او
چیست حضرت فرمودند که ده مسکین را اطعام دهد هر مسکینی را یک مد و طلب آمرزش میکند و بعضی
از علما باین مضمون قائل شده اند و خالی از قوتی نیست و ایضاً خلاف کرده اند که این کفاره
برای اصل سوگند خوردن است یا برای مخالفت سوگند کردن و باید که چنین سوگند یاد نکند و اگر بکند
بمحض سوگند عمل بقول اول بکند اگر چه ظاهر است که عمل بروایت مجزی است نهم بعضی از علما
قائل شده اند که زنی که در مصیبت موی سر خود را ببرد کفاره افطار ماه مبارک رمضان میدهد
بترتیب بر قول بعضی و بتخییر بر قول بعضی و بعضی گفته اند گناه دارد و کفاره ندارد و در روایتی
وارد شده است که کفاره افطار ماه مبارک رمضان لازم است و احوط عمل بروایت است
و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند به بریدن در وجوب کفاره دهم هر گاه زنی
در مصیبت موی سر خود را بکند یا روی خود را بخراشد یا مردی جامه خود را در مرگ فرزند خود
یا زوجه خود چاک کند کفاره قسم لازم میشود بنا بر قول بعضی و روایتی بر این مضمون وارد شده است
و احوط است هر چند وجوبش ثابت نیست یازدهم مردی که زن دائمه یا متعه یا کنیز خود را
در ایام حیض جماع کند در قول بعضی کفاره واجب دانسته اند و بعضی سنت و مشهور میان علما
آنست که اگر در اول حیض باشد یک اشرفی تصدق میکند و در وسط حیض نیم اشرفی و در آخر
حیض ثلث اشرفی و احوط عدم ترک کفاره است دوازدهم کسیکه بخواب رود و نماز خفتن نکرده
باشد تا نصف شب بگذرد بعضی گفته اند که واجب است که آن روز را روزه بدارد و مشهور استحباب است
و بعضی عامد و ناسی را نیز ملحق کرده اند و مشهور آنست که بر تقدیر وجوب ...

[illegible] رده است کفاره ندارد و بعضی لازم دانسته اند کفاره ماه مبارک رمضان و این قول
ضعیف است و احوط آنست که یک روزه قضا بگیرد سیزدهم کفاره قتل عمد است که دانسته
کسی را بکشد یا کاری که غالبا کشنده باشد نسبت بکسی واقع سازد و او کشته شود و قصد کشتن
نداشته باشد کفاره اش آنست که بنده آزاد کند و دو ماه متوالی روزه بدارد و شصت مسکین
را اطعام دهد چهاردهم کفاره قتل خطاست که کسی را بنادانی بکشد یا آنکه قصد قتل
نداشته باشد و کاری کند که غالبا کشنده نباشد و او کشته شود مانند آنکه طفلی را برای
تادیب بزند و او بمیرد یا تیری بسوی آهوی بیندازد و بشخصی خورد و کشته شود یا در راه بکسی بخورد
و او بیفتد و بمیرد و اگر خود مباشر قتل نباشد و کاری کند که از سبب قتل شود مثل آنکه چاهی در راهی
بکند و کسی در آن چاه بیفتد و بمیرد و یا سنگی بر سر راهی بگذارد و باعث قتل کسی شود مشهور آنست
که کفاره لازم نمی شود هر چند دیت لازم شود و کفاره بنده آزاد کردن است و بعد از عاجز شدن
از آن دو ماه متوالی روزه داشتن و بعد از عجز از آن شصت مسکین اطعام دادن پانزدهم
اگر کسی زنی را در عدت دیگری تزویج کند می باید از آن زن مفارقت کند و بقول بعضی از علما
پنج صاع آرد تصدق میکند و احوط آنست که اگر زن دیگری را عقد کند نیز این کفاره
را بدهد یا بجد هم تصدق کند شانزدهم کسی که مملوک خود را زیاده از حد شرعی بزند بعضی از
علما گفته اند موافق بعضی از روایات که واجب است که آن مملوک را بکفاره آن عمل
آزاد کند و این احوط است و اگر او را بکشد بعد کفاره جمع میدهد و اگر بخطا بکشد کفاره
قتل خطا میدهد و واجب است که قیمت آن غلام را تصدق کند بنا بر مشهور هفدهم کسیکه روزه
ماه مبارک رمضان را افطار کند بسبب بیماری اگر تا ماه دیگر رمضان بیمار باشد اشهر و
قوی آنست که قضا ساقط می شود و برای هر روزی یک مد یا دو مد طعام میدهد علی الخلاف
[illegible] قضا میکند و این چند [illegible] اند گفته است احتیاطا هر دو را میکند و اگر بین
در میان دو رمضان از مرض بر طرف شود و قادر بر روزه باشد و بدون عذری تاخیر کند تا آنکه
[illegible] رمضان [illegible] آنست که بعد از ماه رمضان هم قضا میکند و هم برای

قادر شود بر بنده آزاد کردن و نه او را مجربست بهتر آنست که ترک کند و چند

آزاد کند خصوصاً هرگاه کمتر از یک ماه و یک روز روزه داشته باشد و جمعی از اصحاب قائل

شده اند که هرگاه کسی دو ماه متوالی روزه واجب شود و عاجز شود از گرفتن آن هیجده روز

روزه میدارد و اگر نتواند برای هر روزی مدی از طعام میدهد و اگر نتواند استغفار میکند

و اشهر و اقوی آنست که از هر کفاره که عاجز شود استغفار بدل آن میشود و بعضی کفاره ظهار که

بعضی گفته اند که تا کفاره ندهد وطی زن او حلال نمیشود هر چند عاجز باشد و اگر بعد از عجز و استغفار

بر کفاره قدرت بهم رساند احوط آنست که باز کفاره را بعمل بیاورد و چون اکثر مردم جاهل

اند بکفارات و احکام آنها و بر ایشان لازم میشود و نمیدانند و مشغول الذمه بحقوق الهی

میمانند قدری از احکام آنها در این رساله کثیر الفائده ایراد نمود و ملتمس از برادران

آنست که هر که از این رساله منتفع گردد در حالت حیات یا بعد از وفات این شکسته

رحمت و مغفرت این مستحق دعا را یاد کنند

ختم بفضل الله سبحانه و تاییده فی شهر الله

المعظم شهر رمضان من سنة سبع و مائة و الف من الهجرة

المقدسة علی ید مؤلفه الراجی رحمة الله الکریم المنان

فی محروسة اصبهان صینت عن طوارق الحدثان مع وفور

الاشتغال و اختلال الاحوال و توزع البال الحمد لله اولا و

آخرا و الصلوة علی سید المرسلین محمد

و آله الاطهرین الاقدسین

و لعنة الله علی

اعدائهم

اجمعین